گزیدهٔ

اسناد سیاسی ایران و عثمانی

جلد پنجم

واحد نشر اسناد

دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی

دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی

Borrower's No	Issue Date	Borrower's No.	Issue Date

بسم الله الرحمن الرحيم

Borrower's No	Issue Date	Borrower's No.	Issue Date

وزارت اُمور خارجه

شورای عالی نظارت بر تدوین و نشر اسناد

Borrower's No	Issue Date	Borrower's No.	Issue Date

گزیـدهٔ

اسناد سیاسی ایران و عثمانی

دورهٔ قاجاریه

جلد پنجم

واحد نشر اسناد

دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی

تهران، ۱۳۷۰

دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی
وابسته به وزارت امور خارجهٔ جمهوری اسلامی ایران

گزیدهٔ اسناد سیاسی ایران و عثمانی: دورهٔ قاجاریه (جلد پنجم)

واحد نشر اسناد

چاپ اول: ۱۳۷۰

امور فنّی چاپ: دفتر ویرایش

لیتوگرافی و چاپ: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی

تعداد: ۲ هزار جلد

فهرست

فصل اول
امور اتباع و مسائل زوّار

فصل دوم

امور تشریفاتی

فصل سوم

امور کنسولی و اداری

فصل چهارم

امور اتباع، حقوقی و اقتصادی

پیشگفتار

جای بسی خوشوقتی است که پنجمین جلد کتاب **گزیدهٔ اسناد سیاسی ایران و عثمانی**(دورهٔ قاجاریه) به زیور طبع آراسته شده است. تاریخ طولانی روابط دو کشور مسلمان و همسایهٔ ایران و عثمانی که مشحون از حوادث گوناگون و صحنهٔ کشمکشهای سیاسی داخلی و رقابتهای استعماری خارجی بوده، از بسیاری جهات درخور مطالعه و دقت نظر است، زیرا بررسی مسائل حال و آینده در هر جامعه و کشور بدون روشن شدن نکات مکتوم تاریخ گذشته و مطالعهٔ سیر وقایع مقدور و ممکن نیست. تاریخ یک جریان مداوم و پیوستهٔ زندگی است و ریشهٔ اصلی مسائل سیاسی و اقتصادی و اجتماعی را باید در هویتهای آن جستجو نمود و از آنها به عنوان عوامل زیربنایی و الگو در برنامه ریزی های حال و آینده سود برد.

به همین ملاحظه انتشار اسناد تاریخی ضمن روشن کردن حقایق و اصلاح و ابطال نادرستی های سلایق، می تواند راهگشای موثق محققان و مورخان بی نظر و بی طرف در نوشتن تاریخ باشد و بدین ترتیب بهره‌مندی مثبت از تاریخ صحیح، موجب ترقی و تعالی اقوام و ملل و عدم توجه به آن، باعث بی اطلاعی و پریشانی در حال و آینده خواهد بود.

در خاتمه لازم است از زحمات و کوشش صادقانهٔ جناب آقای عباس ملکی، معاون آموزشی و پژوهشی وزارت امور خارجه و جناب آقای محمدحسن کاووسی عراقی، سر پرست واحد نشر اسناد، تهیه و تدوین کنندهٔ این کتاب و دیگران تشکر نموده، موفقیت آنان را از خداوند متعال مسئلت نمایم.

علی اکبر ولایتی

وزارت امور خارجه

و

رئیس شورای عالی نظارت بر تدوین و نشر اسناد

Borrower's No	Issue Date	Borrower's No.	Issue Date

مقدمه

مظفرالدین میرزا در سال ۱۲۶۹ هجری قمری تولد یافت و از سن پنج سالگی به ولیعهدی و حکومت آذربایجان رسید. بعد از قتل ناصرالدین شاه (۱۳۱۳ هـ. ق) با همکاری امین السلطان (صدراعظم) و کلنل کاساکوفسکی (رئیس سواران قزاق) از تبریز به تهران آمد. پشتیبانی روس و انگلیس از وی موجب اطاعت مخالفین و بلامنازع شدن سلطنت وی گردید (ذیحجهٔ ۱۳۱۳ هـ. ق).

حمایت شدید روسها از مظفرالدین شاه موازنهٔ سیاسی را برهم زد و نفوذ روسها را به طور فزاینده‌ای افزایش داد. در این مورد شرحی که مرحوم ناظم الاسلام کرمانی در کتاب **تاریخ بیداری ایرانیان** نوشته شاید بهترین توضیح در شناسایی مظفرالدین شاه و نفوذ روسها در افکار وی باشد.

«... روسها حسب العادت دیرینه رسوخ و نفوذ خود را از ایام ولیعهدی سخت در قلب این پادشاه جای دادند. در ایام ولیعهدی دعوی اصلاح خواهی و حریّت پسندی می فرمود. اخبار ناصری[۱] هم در تبریز به تشویق شاهانه اشاعت یافت. روزنامهٔ **قانون**[۲] هم که ممنوع الورود بود مخفیانه به ایشان می رسید. دانشمندان به ملاحظهٔ بی کفایتی ذاتی و عدم جودت طبیعی خصوصاً بعد از طغیان شیخ عبیدالله و بروز آن درجه جُبنیّت، امید خوشبختی به سلطنت ایشان نداشتند.»[۳]

دوران طولانی ولیعهدی در آذربایجان عملاً از وی مردی خانه‌نشین و بیکار با

۱. روزنامه‌ای که در تبریز انتشار می یافت.
۲. روزنامهٔ میرزاملکم خان در لندن.
۳. ناظم الاسلام کرمانی، **تاریخ بیداری ایرانیان**، ص ۱۲۹.

خصوصیات فطری توأم با محدودیّت فکر و ارادهٔ ناتوان ساخته بود. در حقیقت این شرایط مهام امور را از دست وی خارج ساخته و اطرافیان را قدرت و استقلال بخشیده بود. اینها و همهٔ مردمی که سالها در خدمت ولیعهد به انتظار شاهی او و رسیدن به مقامات و مناصب عالیه روزشماری می‌کردند، از پیش مشاغل را تقسیم کرده و رجال و خدمتگزاران دورهٔ ناصری را مطرود می دانستند.

به رغم همهٔ این مسائل، امین السلطان که ولیعهد را در رسیدن به سلطنت یاری کرده بود، در مقام صدارت ابقا گردید. اما رقبای بزرگی مانند شاهزاده عبدالمجید میرزای عین الدوله، نوهٔ فتحعلی شاه که ریاست تشریفات و پیشکاری آذربایجان را در زمان ولیعهد عهده‌دار بود و شاهزاده فرمانفرما و میرزا علی خان امین الدوله او را راحت نگذاشتند. به ناچار امین السلطان عین الدوله را به حکومت مازندران و فرمانفرما را در حکومت دارالخلافهٔ تهران و امین الدوله را به حکومت آذربایجان منصوب نمود و موقتاً از شرّ آنها خلاصی یافت. مظفرالدین شاه و درباریانش که تصور می‌کردند ثروت سرشار و خزانهٔ پر ناصری به آنها تعلق گرفته است، بزودی متوجه خالی بودن خزانه و اوضاع بد مالی کشور شدند. از طرف دیگر مظفرالدین شاه که در مقابل سیاست و اعمال نفوذ خارجیان منفعل بود، باعث شد اوضاع عمومی خرابتر از پیش شود، چنان که جوّ مخالفت مردم با دولت موجب گردید، به عنوان اولین اقدام شاه، امین السلطان در شانزدهم جمادی الثانی ۱۳۱۴ از صدارت خلع گردد. در این موقع فرمانفرما سپهسالار و وزیر جنگ شد. علی قلی خان مخبرالدوله وزیر داخله، صنیع الدوله فرزند وی وزیر خزانه و پست و گمرک، حاج میرزا محسن خان مشیرالدوله وزیر خارجه، میرزا کاظم خان نوری وزیر مالیه و عباس‌میرزا ملک آرا عموی شاه وزیر عدلیه شدند.

فرمانفرما برای حرکت چرخهای اقتصادی دولت و راضی نمودن شاه و نزدیکان وی به حیف و میل باقیماندهٔ ناچیز خزانه و جواهر سلطنتی پرداخت، ولی هیچ یک از این اقدامات راهگشا نشدند. عاقبت کارهای بی مورد فرمانفرما و همدستانش موجب گردید میرزا علی خان امین الدوله جانشین امین السلطان شود (ذیقعدهٔ ۱۳۱۴ هـ. ق).

امین الدوله که شخصی بی آلایش و فرهنگ‌دوست و صلح طلب بود و سالها نقشهٔ اصلاحات ایران را در فکر داشت، با پیروی از افکار آزادیخواهان و اطلاع از اوضاع دنیا علاقه‌مند بود کشتی طوفان زدهٔ ایران را به ساحل نجات برساند. او با وجود مشکلات فراوان که در رأس آنها بی ارادگی شاه و خالی بودن خزانه بود، زمام امور را به دست گرفت و برای کوتاه کردن دست فرمانفرما از امور مرکز، وی را به حکومت

فارس منصوب کرد. امین الدوله به منظور اصلاح وضع گمرکات و پست و افزایش درآمد، آن را از اجازهٔ اشخاص خارج و تحت نظر دولت به مستخدمین بلژیکی واگذار کرد و برای این منظور هیئتی تحت ریاست ژوزف نوز[4] وارد ایران شدند (۱۳۱۶ هـ. ق ۱۸۸۹ م).

مسئلهٔ گمرک در دورهٔ قاجاریه حائز کمال اهمیت بود، زیرا در جامعهٔ اقتصادی آن زمان کار تجارت و داد و ستد به وسیلهٔ تجار ایرانی و اروپایی مشترکاً انجام می یافت. تجار ایرانی از پرداخت مالیات معاف بودند و تنها عوارض گمرکی می پرداختند. بنابراین نحوهٔ کار گمرک نشانهٔ وضع اقتصادی و مالی تجار در مقابل طرفهای خارجی آنها بود، در حالی که برای تجار خارجی گمرک و مقررات مربوط به آن عامل بازدارنده‌ای برای تجارت با ایران به شمار می آمد.

عایدات گمرک قسمت اعظم بودجهٔ مملکت را تأمین می نمود و شریان حیاتی ولخرجی های دربار و مستمری بگیران را تشکیل می داد و به علت نبودن تشکیلات صحیح و عدم علاقهٔ حکومت در خدمات عمومی و امور مالی، کفایت و درایتی وجود نداشت. این شیوه‌های غلط با توجه به نیاز مبرمی که حکومت به پول داشت، موجب تنزّل حداقل ۲۰٪ از عایدات گمرک شده بود.

عوارض گمرکی هر ناحیه سالانه به مزایده گذاشته می شد و اغلب برندگان آن از طبقات اعیان یا رؤسای محلی بودند. در ۱۲۸۸ هـ (۱۸۸۱ م) ناصرالدین شاه حق مقاطعه دادن گمرک را در سراسر کشور به یک نفر فروخت که آن را وزیر گمرک می خواندند. در سال ۱۳۰۰ هـ (۱۸۸۲ م) امین السلطان هم این وزارت را از امین لشکر گرفت. به علت درآمدی که این شغل داشت، همواره برای به دست گرفتن آن بین افراد رقابت می شد.

عوارض در این دوره به سه قسمت تقسیم می شد: ۱. عوارض صادرات و واردات که همان عوارض گمرکی باشد؛ ۲. عوارض راه یا راهداری؛ و ۳. عوارض شهری که نامهای مختلفی داشت.

در آغاز سدهٔ نوزدهم که تجارت جهان مجدداً رو به ازدیاد و رونق گذاشت، سرجان ملکم در سال ۱۲۱۵ هـ (۱۸۰۰ م) با فتحعلی شاه در مورد یک قرارداد سیاسی مذاکره نمود. در ضمن کوشش نمود مجدداً امتیازات قبلی را برای تجار انگلیسی برقرار نماید که نتیجهٔ آن انعقاد یک قرارداد تجاری شد که اتباع بریتانیا بدون

4. Joseph Naus

پرداخت مالیات در بنادر ایران به داد و ستد مشغول شوند و حق اقامت، خرید و فروش و ساختن خانه را در کلیهٔ شهرهای ایران داشته باشند، ولی این قرارداد از طرف ایران مورد قبول قرار نگرفت. اما قراردادی در ۱۲۳۰ هـ (۱۸۱٤ م) و فرمانی در ۱۲۳۹ هـ (۱۸۲۳ م) وضع عوارض و معافیت اتباع انگلیسی را مشخص می‌کرد.

عوارض گمرکی از کالاهای وارداتی بین ۵ تا ۱۰ درصد بود. این مقدار در گمرکخانه های مختلف متفاوت بود و بنا به میل حاکم محلی تغییر می‌کرد که با سیاست اقتصادی حکومت ارتباطی نداشت. مثلاً کالاهایی که از طریق طرابوزان به اصفهان وارد می شد می باید از گمرکخانه های متعددی عبور نماید، برای نمونه: در ایروان ۱٪ در شاهرود ۱/٤٪ در نخجوان ۳/٤٪ در مرند ۳/٤٪ در تبریز ۳/۲۵٪ در میانه ۱/۲٪ در زنجان ۳/٤٪ و در قزوین ۱٪ حق گمرک و عبور پرداخته می شد. در جنوب هم تجار حداقل می بایست در بوشهر ۵٪ در شیراز ۲/۵٪ و ... بپردازند. به طور کلی کالایی که از راه بوشهر به شهرهای ساحلی بحر خزر می رسید، جمعاً ۳۰٪ عوارض گمرکی به آن تعلق می‌گرفت. عوارض از نظر جنس کالا نیز متغیّر بود.

تجارت خارجی ایران با بریتانیا تقریباً از سال ۱۳۱٦ هـ (۱۸۰۱ م) و با دولت عثمانی از سال ۱۲۳۹ هـ (۱۸۲۳ م) شروع گردید و روسیه نیز بنا به دلایل سیاسی پیشقدم تجارت خارجی ایران با سایر کشورها بوده است، زیرا روسیه علاقه‌مند به گسترش نفوذ خود تا منتهاالیه جنوب ایران بود و بریتانیا می خواست سدّی مستحکم بین روسیه و هند به وجود آورد.

سال ۱۲٤٤ هـ (۱۸۲۸ م) نقطهٔ عطف تجارت خارجی ایران محسوب می شود، زیرا بعد از شکست ایران از روسیه و انعقاد معاهدات ترکمانچای، شرایط مذکور الگویی برای سایر ملل در این مورد گردید.

در جنوب هر تاجری که فی المثل به بوشهر یا بندرعباس می رسید. برای حمل کالا از کشتی به ساحل باید عوارض می پرداخت و بعد مالیات دلالی و ممیزی کالا که ۰/۵٪ بود از طرفین معامله گرفته می شد و علاوه بر آن قپانداری هم که مقدار آن ۲/۵٪ بود به آن اضافه می‌گردید. مالیاتهای مختلف دیگری هم مانند: مالیات اسکله، سرریگی (میدان) و عوارض انبار ساحل وجود داشت و بالأخره پس از پرداخت عوارض گمرک، برای عبور کالا نوعی جواز صادر می‌گردید که به منزلهٔ نوعی گذرنامه در حین عبور بود که گمرکخانه های دیگر عوارض اضافی دریافت ننمایند و تصدیق این جوازها کار کنسولگری ها بود.

تفاوت تجار ایرانی و خارجی در این بود که علاوه بر پرداخت عوارض

گمرکی بین ۲/۵٪ تا ۳٪ می بایست عوارض داخلی هم پرداخت نمایند، اما تجار خارجی از پرداخت عوارض داخلی معاف بودند. لذا شیوه‌های نامنظم و استبدادی ادارهٔ گمرکات، انگیزه‌های نیرومندی که تجارت خارجی ایران را رونق دهند به شمار نمی‌آمدند، زیرا بسیاری از حکومتهای اروپایی که اتباعشان با ایران روابط بازرگانی داشتند، علاقه‌مند بودند که ایران در عوارض گمرکی خود یک اصلاح اساسی به عمل آورد.

میرزا حسین‌خان سپهسالار می‌خواست برای عموم بازرگانان عوارض یکسانی وضع نماید. ولی نظر به اینکه اجاره کنندگان گمرک با یکدیگر رقابت داشتند، اصلاح گمرک را به زیان خود تلقی می‌کردند.

چنان که قبلاً ذکر شد، در سال ۱۳۱۶ هـ (۱۸۹۸ م) مأموران بلژیکی ادارهٔ امور گمرکات ایران را در زمان صدارت و اصلاحات میرزا علی‌خان امین‌الدوله در دست گرفتند تا بودجهٔ لازم برای هزینهٔ سفرهای شاه به اروپا و دربار تأمین شود. ابتدا آنها مسئولیت گمرکات آذربایجان و کرمانشاه را داشتند و کمی بعد سایر گمرکات هم زیر نظر آنان قرار گرفت و بزودی معلوم گردید که آنها تحت نظر و سیاست دولت تزاری روس کار می‌کنند و دستورات خود را از آنها می‌گیرند. تسلط بلژیکی‌ها بر گمرک ایران بتدریج نظام کهنه و مقاطعه‌کاری گمرکات را از رونق انداخت و انضباط و شایستگی مأموران بلژیکی جایگزین آن گردید و موجب درآمد فوق‌العادهٔ گمرکات شد.

مظفرالدین شاه بیمار و علیل همانند پدر خود علاقهٔ فراوانی به مسافرت فرنگ داشت. به همین مناسبت به علت خالی بودن خزانه، برای تأمین هزینهٔ سفرهای خود به اروپا، به استقراض خارجی روی آورد. شاه امین‌الدوله را وادار ساخت تا در این مورد با انگلیسی‌ها مذاکره نماید. انگلیسی‌ها در مقابل این پیشنهاد، موافقت کردند که قرضی به مبلغ ۱,۲۵۰,۰۰۰ لیره با بهرهٔ صدی پنج به دولت ایران پرداخت نمایند، در صورتی که کلیهٔ مالیاتها و درآمد گمرکات جنوب را به مدت پنجاه سال در اختیار داشته باشند. شرایط سنگین این وام و مخالفت روسها، تقاضای وام را مواجه با شکست ساخت و امین‌الدوله از صدارت مستعفی گردید (۱۳۱۶ ق، ۱۸۹۸ م) و مجدداً امین‌السلطان که روابط دوستانه‌ای با روسها داشت به صدارت انتخاب و ملقب به اتابک اعظم گردید. سرانجام تفوّق و برتری سیاست روسیه در ایران بالاجبار دولت را در مسئلهٔ استقراض به آنها متمایل ساخت. لازم به یادآوری است که خاطرات تلخ مردم از نفوذ نابجای دیپلماسی روس و انگلیس این تصور را به وجود

آورده بود که عزل و نصب امین‌الدوله و امین‌السلطان را نتیجهٔ رقابت سیاسی آن دو دولت و تمایل صدراعظمها به یکی از دو سیاست مذکور بدانند. امین‌السلطان که روابط حسنه‌ای با روسها داشت، برای گرفتن وام از روسها، با بانک استقراضی روس به مذاکره پرداخت و با همکاری میرزا رضاخان ارفع‌الدوله وزیرمختار ایران در روسیه، با وزیر خارجهٔ آن کشور (کنت موراویف) قراردادی به امضا رسید و وامی به مبلغ ۲۲,۵۰۰,۰۰۰ منات طلا[۵] با بهرهٔ صدی پنج به مدت ۷۵ سال دریافت شد و در مقابل، عواید گمرکات کشور (به استثنای گمرکات جنوب) در گروی روسها گذاشته شد. دولت انگلیس هم به منظور وصول بقیهٔ غرامت امتیاز رژی از مخالفت با آن خودداری کرد.

از سال ۱۳۱٤ هـ (۱۸۹۶ م) که ادارهٔ امور گمرکات کشور به بلژیکی‌ها داده شد. ارتباط وام مذکور با ادارهٔ گمرک توسط بلژیکی‌ها آنها را زیر نفوذ و سلطهٔ روس درآورد و در نظر عده‌ای، مأمورین بلژیکی در زمرهٔ مأمورین روسیه به شمار می‌آمدند. روسها با استفاده از نفوذ و تسلط مالی خود در ایران به حمل و نقل دریایی در خلیج فارس پرداختند و امیدوار بودند با این روش از قدرت انحصاری انگلستان در خلیج فارس بکاهند.

مظفرالدین شاه پس از وصول مبلغ اولین وام به جای عمران و آبادی مملکت، به عنوان معالجه با جمعی از درباریان عازم اروپا و استفاده از آبهای معدنی فرانسه و آلمان گردید (۱۳۱۸ ق، ۱۹۰۰ م) و بغیر از کشور انگلستان ـ به علت بیماری ملکه ویکتوریا ـ مورد استقبال و پذیرایی اغلب دول اروپایی قرار گرفت و بعد از پنج ماه به ایران مراجعت کرد. در همین سفر حادثهٔ سوءقصد به جان شاه توسط یک آنارشیست[۶] در پاریس روی داد که تهور و جسارت امین‌السلطان در این مورد آن را عقیم کرد و به همین مناسبت لقب اتابک اعظم یافت.

یک سال بعد به علت تشدید بیماری شاه و نیاز به معالجه در اروپا، مذاکرات اخذ دومین وام از روسیه آغاز گشت و قراردادی به مبلغ ۱۰ میلیون روبل[۷] در تاریخ ۱۳۲۰ هـ (۱۹۰۲ م) در سن پطرزبورگ بسته شد.

روسها با پرداخت این وام به ایران، امتیاز ساختمان راه شوسهٔ جلفا به تبریز و تهران را به دست آوردند و عواید جاده‌های شمال ایران را وثیقهٔ باز پرداخت وام مذکور

۵. معادل ۲,۲۰۰,۰۰۰ لیرهٔ انگلیسی.

٦. سالسو

۷. معادل یک میلیون لیره.

قرار دادند. بعداً مبلغ این وام با وام اول یک کاسه گردید و دولت ایران می باید سالانه بابت هر دو وام مبلغ ۱,۶۷۰,۲۹۴ منات و ۲۰ کوپک به روسیه پرداخت نماید. علاوه بر آن امتیاز و انحصار استخراج معادن واقع در دو طرف راههای مذکور را نیز از مظفرالدین شاه گرفتند. این راهها از جهت تجارت روسیه با ایران حائز کمال اهمیت بود و تا اواسط جنگ جهانی اول و انقلاب اکتبر روسیه (۱۳۲۶ هـ، ۱۹۱۷ م) وصول راهداری و عوارض و نظارت بر عبور و مرور در آنها به دست روسها بود.

مظفرالدین شاه با دریافت مبلغ دومین وام، سفر دوم خود را به اروپا آغاز کرد (۱۳۲۰ ق، ۱۹۰۲ م). وی در تاریخ ۱۷ اوت ۱۹۰۲ وارد لندن شد و تمایل داشت مانند پدرش از دولت انگلستان نشان «بندجوراب»[8] را دریافت نماید. ولی درگذشت ملکه ویکتوریا موجب گردید مراسم پذیرایی از مظفرالدین شاه بسادگی انجام شود و به جای نشان مذکور، تمثالی از ادوارد هفتم را در قاب الماس‌نشان به وی اهدا کنند. اما مظفرالدین شاه از قبول آن خودداری کرد و انگلستان را به حالت قهر و اعتراض ترک کرد و از طریق پاریس و ورشو و روسیه به ایران بازگشت.

در این موقع که نفوذ روسها در دربار ایران به منتهای درجه شدت یافته بود، آنها علاوه بر شرایط وام اول، تجدید نظر در مقررات بازرگانی و تعرفه‌های گمرکی موجود را تقاضا کردند که نرخ تعرفه‌های گمرکی به نفع دولت روسیه تغییر کند.

نوز بلژیکی هم به اشارهٔ روسها به سمت وزیر گمرکات منصوب شد و در کارهای خود استقلال کامل یافت. لذا در سایهٔ همکاری‌های نوز و امین‌السلطان و آرگروپولو[9]، وزیرمختار روس، مذاکرات محرمانه‌ای در مورد قرارداد و تعرفهٔ جدید گمرک از سال ۱۳۲۰ ق (۱۹۰۲ م) آغاز و در سال ۱۳۲۱ ق (۱۹۰۳ م) به مرحلهٔ اجرا درآمد. این قرارداد که در تاریخ ۹ نوامبر ۱۹۰۱ بین دولتین امضا شده بود، بعد از عهدنامهٔ ترکمانچای بزرگترین لطمه را به استقلال ایران وارد آورد. به موجب این قرارداد، حقوق و عوارض گمرکی کالاهای روسی وارده به ایران که بر طبق معاهدات ترکمانچای صدی پنج بود، به صدی یک و نیم کاهش یافت و کالاهای عمدهٔ وارداتی ایران از روسیه (نظیر قند و شکر و نفت) تقریباً از پرداخت عوارض معاف شد

۸. از نشانهای قدیمی دولت بریتانیاست که از سال ۱۳۴۸ میلادی، زمان سلطنت ادوارد سوم و کنتس سالیسبوری، متداول گردیده بود و در ابتدا مخصوص شاه و ولیعهد و تعدادی از نجبای درجهٔ اول انگلستان بود. از سال ۱۸۰۵ این محدودیت برداشته شد و اعقاب جرج اول و جرج دوم نیز حق دریافت نشان را کسب کردند و طبق فرمانی مقرر گردید که هنگام لزوم، این نشان به شاهزادگان خارجی نیز اعطا شود.

9. Argeropoulo

و وابستگی اقتصادی ایران را به روسیه شدیدتر کرد.

این قرارداد و تعرفهٔ جدید گمرکی که برای روسیه یک موفقیت دیپلماتیک مهم به شمار می‌آمد، دولت بریتانیا را نگران نمود. لذا در صدد برآمدند تجارت خود را با ایران احیا و حمایت نمایند. بعد از امتیاز رویتر، همکاری‌های ماریوت[10]، نمایندهٔ دارسی با امین‌السلطان موجب بسته شدن قرارداد ۲۱ مه ۱۹۰۱ ایران و انگلیس شد که در نتیجهٔ آن امتیاز بهره‌برداری و استخراج نفت در سراسر ایران بغیر ایالات شمالی به مدت شصت سال به دارسی و نهایتاً به انگلستان واگذار گردید. لذا انگلیسی‌ها که می‌دانستند مظفرالدین شاه از عدم دریافت نشان «بندجوراب» رنجیده‌خاطر شده است، هیئتی را حامل نشان مزبور به ایران فرستادند و نشان و حمایل آن را تقدیم شاه نمودند و مذاکرات مسالمت‌آمیزی را برای دریافت امتیاز جدید، مشابه امتیاز روسها، دنبال نمودند. و سرانجام در تاریخ ۲۷ مه ۱۹۰۳ موفق به انعقاد قرارداد گمرکی جدیدی با ایران شدند و بدین‌وسیله تا حدی عقب‌ماندگی خود را در صحنهٔ سیاست ایران جبران نمودند.

این قرارداد که موجب نارضایی مردم و بروز اغتشاشاتی در شهرستانها شده بود، امین‌السلطان را مجبور به استعفا و خروج از ایران نمود (۲۳ جمادی‌الثانی ۱۳۲۱ هـ) و عبدالمجید میرزای عین‌الدوله را که مردی خشن و مستبد بود، جانشین وی کرد.

امین‌السلطان که از آغاز زمامداری تا واقعهٔ تنباکو از طرفداران سیاست انگلستان به شمار می‌آمد، بعد از موضوع تحریک تنباکو و شورش مردم متمایل به روسها شد و این دوستی را تا پایان عمر حفظ نمود. دوران صدارت و حکومت امین‌السلطان که با دادن امتیازات متعدد به روسها و انگلیسی‌ها همراه بود، یکی از بدترین دوره‌های تاریخ سیاست خارجی ایران به شمار می‌آید.

در حقیقت عوارض گمرکی سنگین و مالیاتهای راهداری، بدرفتاری مأموران بلژیکی با بازرگانان ایرانی، تبعیضات ناروا برای تجار اروپایی و تمایل و فعالیت به نفع سیاست روس، موجبات نارضایی عمومی، خصوصاً طبقهٔ بازرگانان ایرانی را از ادارهٔ گمرکات به وسیلهٔ مستشاران بلژیکی فراهم آورد. چنان که از سال ۱۳۲۲ هـ (۱۹۰۳ م) مخالفتهایی علیه تعرفه‌های جدید گمرکی به وجود آمد که روحانیون و سایر طبقات در آن دخالت داشتند، به طوری که آزادیخواهان در نقاط مختلف مملکت

10. Mariotte

انجمنهای سرّی بر پا کردند و شبنامه‌هایی علیه دولت و شاه انتشار دادند. در خارج از کشور هم آزادیخواهان با درج مقالاتی در روزنامه‌ها[11] مضرات و خطرات وامهای خارجی و قراردادهای ننگین را یادآور شدند و هیجانات شدیدی در افکار عمومی به وجود آوردند که سرانجام به مخالفت با رژیم استبدادی تبدیل شد.

در این زمان که اوضاع مملکت مغشوش و سیاستهای روس و انگلیس در رقابت و کشمکش با یکدیگر بود، گذشته از وضع خراب مالی کشور و وجود اغراض داخلی، خبر موحش بروز وبا در کرمانشاهان نیز اسباب وحشت عمومی را فراهم آورد. شروع جنگهای ژاپن و روسیه در شرق دور و شکست روسیه از ژاپن بر پریشانی اوضاع عمومی و اقتصادی ایران افزود و سیاست روسیه به نفع بریتانیا تعدیل شد. این شرایط جدید حیثیت و اعتبار از دست رفتهٔ انگلستان را مجدداً و بتدریج اعاده کرد و موجب برهم خوردن موازنهٔ سیاسی گردید.

سیاست دولت انگلیس که از اوایل قرن نوزدهم مبتنی بر حمایت از دولت عثمانی و عدم دستیابی روسها به بغازهای بُسفور و داردانل استوار بود، با جنگهای کریمه و کنگرهٔ برلن مشخص گردید و این سیاست تا مدتی امپراطوری بیمار عثمانی را حفظ کرد، ولی از سال ۱۸۹٤ به بعد دیدگاه انگلیسی ها نسبت به خاورمیانه تغییر یافت و فکر تقسیم این منطقه در ذهن آنان جایگزین شد.

آلمانی ها هم که در اواخر قرن نوزدهم به اهمیت خاورمیانه و فکر تقسیم آن به وسیلهٔ انگلیسی ها پی برده بودند، جهت نفوذ در منطقه و رقابت با روس و انگلیس، دوستی با امپراطوری عثمانی را آغاز کردند و موفق به انعقاد قرارداد اتحاد نظامی و تحصیل امتیازات سیاسی و اقتصادی با آنها گردیدند. به موازات این تلاشها، نمایندگان سیاسی و اقتصادی آلمان متوجه ایران شدند و به علت مخالفت میهن‌پرستان ایرانی با سیاستهای روس و انگلیس، از موقعیت ممتازی برخوردار شدند. آنها توانستند نمایندگی هایی در بنادر لنگه و بوشهر تأسیس نمایند و خط کشتیرانی هامبورگ و خلیج فارس را دایر نمایند. بسط نفوذ آلمان در خاورمیانه روسها و انگلیسی ها را به وحشت انداخت، به طوری که آنها برای تحکیم موقعیت خود در ایالات شمالی و جنوبی به اعزام نیروی قزاق (در ایالات شمالی) و پلیس جنوب (در ایالات جنوبی ایران) دست زدند. همچنین مسافرت لرد کرزن[12] نایب‌السلطنهٔ هند به خلیج فارس

۱۱. روزنامهٔ **حبل‌المتین** به مدیریت جلال‌الدین کاشانی در کلکته، روزنامهٔ **ثریا** به مدیریت سیدفرج‌الله کاشانی و سردبیری علی محمدخان پرورش در مصر و روزنامهٔ **قانون** که میرزاملکم خان در لندن منتشر می‌کرد.

12. Curzon

(۱۹۰۳ م) به همراه ناوگان جنگی انگلیس و آمدن هیئت بازرگانی انگلستان به ایالات جنوبی ایران برای تقویت موقعیت تجاری و تأسیس کنسولگری‌های جدید به منظور جلوگیری از نفوذ روزافزون آلمانی ها صورت گرفت.

روسها هم که از نفوذ آلمانی ها در خاورمیانه بیمناک بودند، اقدامات مشابهی جهت تثبیت موقعیت خود در ایالات شمالی ایران نمودند. به عبارت دیگر ترس از نفوذ آلمان موجبات نزدیکی دوبارهٔ سیاستهای روس و انگلیس در خاورمیانه و ایران گردید و دوستی و تفاهم دو دولت رقیب، به اختلافات آسیایی آنها در مقابل دشمن مشترک خاتمه داد.

در این شرایط نامساعد، شاه برای سومین بار و به بهانهٔ کسالت مزاج و معالجه راهی سفر اروپا می شود (۲ ربیع الاول ۱۳۲۳ هـ، ۵ مه ۱۹۰۵ م). هرچند عین الدوله به علت اختلال امور داخلی کشور و اغتشاشات روسیه و نپذیرفتن سفر رسمی شاه از سوی دول اروپایی مانع این کار می شود، مقبول واقع نگردیده و شاه به طور غیررسمی سفر خود را آغاز می‌کند. محمدعلی میرزا ولیعهد نیز که به عنوان نایب السلطنه با اختیارات تام منصوب شده، در غیاب پدر به ظلم و تعدی به مردم می پردازد.

بعد از شکست فاحش دولت روسیه در برابر ژاپن (۱۳۲۳ ق، ۱۹۰۵ م) اقدامات ضداستبدادی توسط محصلین و جوانان این کشور علیه دولت آغاز شده و کار انقلاب بالا می‌گیرد. وقوع چنین حوادثی در همسایگی ایران، در تغییر افکار مردم و ترس آنها از دولت مؤثر می شود و انتقاد از دولت و لزوم قانون در سرنوشت مردم مورد بحث قرار می‌گیرد.

بعد از عزل امین السلطان و روی کار آمدن عبدالمجید میرزای عین الدوله، روحانیون دولت وی را مورد انتقاد شدید قرار می دهند، به طوری که در ماه محرم و عاشورای حسینی مردم و روحانیون با به دست آوردن عکسی از نوز بلژیکی در لباس روحانی، آن را توهین به اسلام تلقی نموده و علیه دولت وارد مبارزه می شوند. در این هنگام، مقارن بازگشت شاه از سفر، عده‌ای در صدد خلع عین الدوله از صدارت برمی آیند، ولی عین الدوله با روانه کردن نوز و خانوادهٔ او به فرنگ، بهانه را از دست مخالفان می‌گیرد. در این زمان یکی از وعاظ معروف تهران به نام سیدجمال الدین صدرالمحققین اصفهانی با کمال تهور و بی باکی در ماه رمضان با گفتن مطالب سیاسی از دولت و رجال آن انتقاد می‌کند. خبرهایی نیز از ظلم و تعدی حکام ولایات به تهران می رسد که مزید بر علت‌شده، روحانیون و مردم مخالف را جرئت بیشتری می بخشد.

بر اثر سیاست اتابک اعظم و یاران او، تخم دشمنی و نفاق در میان اکثر طبقات ایران پاشیده شده بود و از سیاستمداران وطن‌پرست جز عدهٔ قلیلی نمانده بودند که به عینه زوال و انحطاط کشور را مشاهده می‌کردند. طبقهٔ روحانی نیز احساس می‌کرد که قدرت و آزادی خود را ا ز دست داده و قشر عظیم مردم و طبقهٔ تاجر و بازرگانان نیز هر روز قربانی ظلم و جور عُمّال دولتی می شدند. در چنین اوضاع و احوال داخلی، انقلاب روسیه، گرانی قند، سفرهای پرهزینه و بیهودهٔ شاه، و مالیاتها و عوارض جدید برای جبران این هزینه‌ها باعث شد مردم عین‌الدوله را مسئول فساد و ظلم و جور کشور بدانند و از طرف دیگر محمدعلی میرزا که تصور می‌کرد عین‌الدوله نقشهٔ جانشینی شعاع‌السلطنه را در سر می پروراند، به پشتیبانی از مردم پرداخت. هواخواهان اتابک اعظم نیز که تبعید شده بودند با کمک مالی از این جنبش حمایت می‌کردند. انگلیسی ها نیز که از سیاست یکجانبه و نفوذ بی حدّ روسها در ایران ناراضی بودند، با آزادیخواهان خارج کشور دست به دست هم داده، به تشدید حس تنفّر مردم نسبت به حکومت استبدادی کمک می‌کردند. آنها عقیده داشتند که زمان تغییر اوضاع ایران نزدیک شده و باید دولت از دست عمال ایرانی طرفدار روسیه خارج شود.

در سال ۱۳۲۳ هـ. ق (۱۹۰۵ م) بر اثر سوء سیاست دولت در مورد چند نفر از بازرگانان و رویدادهای ناگوار دیگر در شهرستانها، اغتشاشاتی در تهران بروز می‌کند و یکی از ملّیون توسط دولت به قتل می رسد. این اتفاق موجب اتحاد روحانیون و بازرگانان علیه شاه و مستشاران بلژیکی می‌گردد. عده‌ای از روحانیون معروف و بازرگانان سرشناس در حرم حضرت عبدالعظیم متحصّن می شوند و تقاضای خود را مبنی بر عزل نوز و ایجاد عدالتخانه توسط سفیر عثمانی به اطلاع شاه می رسانند. این جریان که نقطهٔ آغاز انقلاب مشروطه به شمار می آید، سرانجام شاه را تسلیم مردم می‌کند و با صدور فرمانی مبنی بر تأسیس عدالتخانه و عزل عین‌الدوله، مرحلهٔ اول مبارزه به نفع مردم خاتمه می یابد (ذیقعدهٔ ۱۳۲۳ هـ).

گفتنی است که سلطنت طولانی ناصرالدین شاه و سلطه گرایی قاجاریه در این عصر با برانگیختن احساس نارضایی مردم زمینه‌های انقلاب را در جامعهٔ روشنفکران و تجددطلبان پرورش داد. هرچند این نیروهای انقلابی در دورهٔ ناصرالدین شاه سرکوب گردیدند، اما این سیاست موجب تحریک آنها در رسیدن به دیدگاههایشان گردید. لغو امتیازنامهٔ تنباکو در سال ۱۳۰۸ هـ (۱۸۹۲ م) راه را برای انقلابیون هموارتر و جرئت و جسارت مردم را بیشتر نمود، به طوری که آخرین

تلاشهای شاه برای آگاهی یافتن از قضایا وحل و فصل آنها بی‌نتیجه ماند. اگرچه برخی معتقدند که ناصرالدین شاه اصالتاً خواهان ترقی و تعالی کشور و اصلاحات بود، لیکن وی نمی‌توانست خود را با روحیات مردم هماهنگ و سازگار سازد. به همین دلیل او به عنوان یک پادشاه مستبد باقی ماند و علاقهٔ مجدد شاه به انجام اصلاحات سیاسی مؤثر نیفتاد و قتل وی به همهٔ این تلاشهای نادرست در جهت بقای حکومت قاجاریه خاتمه داد.

غیر از طبقات روحانی و روشنفکر، در اواخر سلطنت ناصرالدین شاه طبقهٔ جدید اشراف که بر اثر بهره‌مندی از زمین و تجارت خارجی ثروتمند شده بودند و خوانین و رؤسای قبایل و ایلات و عشایر نیز در سایهٔ تماس با خارجیان بر اهمیت خود آگاهی یافته و طبقهٔ جدیدی را تشکیل می دادند که اساس منافعشان مخالفت با لیبرالیسم بود. حیات این گروه که در آستانهٔ انقلاب مشروطیت موجودیتشان شکل گرفته بود، تا اواخر دورهٔ قاجاریه و بعد از آن نیز تداوم یافت.

شاه که به علت توصیهٔ مشاورانی این‌چنین، شرط دوام و بقای سلطنت را در آن می دید که به وعده‌های خود عمل نکند، در صدد بود به گونه‌ای آثار و بسط دموکراسی را از میان ببرد و قدرت و خودکامگی خویش را حفظ نماید. این شیوهٔ فکری در نظام استبدادی نیز به نفع درباریان سودجو بود. لذا عمل نشدن به وعدهٔ تأسیس عدالتخانه، مردم را به دومین تحصن علیه شاه وادار نمود. اصلاح‌طلبان و روشنفکران در سفارت انگلیس و روحانیون با همراهی و استقبال مردم به قم مهاجرت کردند. هرچند انگلیسی‌ها از مشروطه‌خواهان جانبداری می‌کردند، ولی روسها به وسیلهٔ عُمّال خویش با این امر مخالفت و شاه را به مقاومت تشویق می نمودند. لیکن مظفرالدین شاه که فردی صلح‌طلب بود و از انقلاب وحشت داشت، سرانجام در تاریخ ۲۴ جمادی‌الثانی ۱۳۲۴ هجری قمری (۵ اوت ۱۹۰۶ م) فرمان مشروطیت و تأسیس مجلس شورای ملّی را صادر و عین‌الدوله را از صدارت خلع و میرزا نصرالله خان مشیرالدوله را جانشین وی کرد. مجلس در تاریخ ۲۰ رجب ۱۳۲۴ جهت تهیهٔ نظامنامهٔ انتخابات تشکیل گردید و اولین قانون انتخابات مجلس تهیه و تنظیم شد. هرچند این قانون نواقصی داشت، ولی به عنوان اولین تلاش در نوع خود حائز اهمیت فراوان بود. اولین جلسهٔ مجلس شورای ملّی (مجلس اوّل) در تاریخ ۱۸ شعبان ۱۳۲۴ با حضور شاه در کاخ گلستان تشکیل شد و مظفرالدین شاه بعد از امضای قانون اساسی، در تاریخ ۱۹ ذیقعدهٔ ۱۳۲۴ درگذشت.

سر آرتور هاردینگ ، وزیرمختار انگلیس در تهران، راجع به مظفرالدین شاه در

کتاب خود به نـام یک دیپلمات در شرق می نویسد: «شاه که از لحاظ فکر کودک سالخورده‌ای بیش نبود، از لحاظ استقامت مزاج چون نایی شکسته، نحیف و ناتوان شده بود.»

در زمان این پادشاه، قسمتهایی از ایران رسماً منتزع گردید: هیرمند در قرارداد سرحدی سیستان و افغانستان، جزیرهٔ بحرین و برخی از نواحی بلوچستان؛ و نیز تجاوزات سرحدّی به وسیلهٔ عثمانی ها به وقوع پیوست

دولتهای روس و انگلیس، چنان که قبلاً اشاره شد، از زمان فتحعلی شاه تا اواسط دوران ناصرالدین شاه با عقد قراردادهای ترکمانچای و پاریس علاوه بر محاصره نظامی ایران، در میدان رقابت اقتصادی نیز با رخنهٔ سیاسی در امور داخلی به کسب امتیازات اقتصادی نایل آمدند. در دورهٔ مظفرالدین شاه نیز با استفاده از ساده‌لوحی و ضعف شاه، به دست میرزا علی اصغر خان امین السلطان و دیگر ایادی خود، به تجدید و تمدید قراردادهای گذشته پرداختند و با کسب امتیازات جدید و در دست داشتن امور گمرکی، این محاصرهٔ اقتصادی را تکمیل نمودند. مهمترین امتیازاتی که در این دوره به خارجیان واگذار گردید، به شرح زیر است:

۱. امتیاز راه انزلی به قزوین توسط روسها (شرکت بیمه حمل و نقل) بعد از سال ۱۳۱۰ هجری قمری؛ که در سال ۱۳۱۵ هجری قمری حدود این امتیاز توسعه یافت و روسها امتیاز ساختن راه شوسهٔ تهران به همدان از طریق قزوین را هم کسب کردند و به همراه آن، امتیاز و انحصار استخراج معادن داخلی در دو طرف راههای مذکور را نیز از شاه گرفتند. این راهها در تجارت روسیه با ایران حائز کمال اهمیت بود و تا اواسط جنگ جهانی اول و انقلاب اکتبر روسیه، نظارت بر عبور و مرور و وصول عوارض راهداری در آنها به وسیلهٔ روسها انجام می‌گرفت.

۲. در سال ۱۳۱۶ ق (۱۸۹۸ م) امتیاز استخراج معادن قراجه داغ آذربایجان نیز به یک شرکت روسی واگذار شد که منطقهٔ امتیاز در امتداد رودخانهٔ ارس از شمال آذربایجان تا نواحی مرند و اهر در جنوب ادامه می‌یافت و کلیهٔ منابع تحت الاراضی را به استثنای فلزات قیمتی و نمک خوراکی شامل می‌گردید.

۳. امتیاز شیلات و انحصار صید ماهی در آبهای ایران و دریای خزر که از زمان ناصرالدین شاه به برادران لیانازوف واگذار شده بود، در این دوره تجدید و تمدید گردید.

۴. امتیاز کاوشهای علمی و تاریخی در سالهای ۱۵-۱۳۱۴ هجری قمری برای ابد و به مدت نامحدود توسط دولت فرانسه از مظفرالدین شاه گرفته شد. این

امتیاز قبلاً در زمان ناصرالدین شاه به دیولافوآی فرانسوی داده شده بود که بر طبق آن بجز منطقهٔ شوش، منافع سایر نقاط بالمناصفه تقسیم می شد، لیکن منافع حفریات شوش کلاً عاید کشور فرانسه میگردید. بعد از این امتیاز، هیئت باستان‌شناس فرانسوی به نام ژاک دومورگان[13] از سال ۱۳۱۷ تا ۱۳۲۰ هجری قمری کار را در تپه های شوش آغاز و آثار باستانی مکشوفه را به موزهٔ لوور فرانسه منتقل کردند.

۵. امتیاز خطوط تلگرافی بین تهران و سرحدّ بلوچستان در تاریخ ربیع الثانی ۱۳۱۹ مطابق با شانزدهم اوت ۱۹۰۱ به انگلیسی ها داده شد. بدین‌وسیله تهران از طریق کاشان و یزد و کرمان به مرز هند مربوط می شد. این خطوط تلگراف دارای سه سیم بود، یکی برای استفادهٔ داخلی، و دو خط دیگر برای مخابرات بین المللی هند و اروپا که دردست انگلیسی ها بود. انگلستان قبلاً امتیاز خطوط تلگرافی عمدهٔ جنوب ایران و انحصار کابل زیردریایی بوشهر و جاسک را برای ارتباط پایگاههای دریایی خود در خلیج فارس و دریای عمان از ناصرالدین شاه کسب کرده بود و با گرفتن این امتیاز، شبکهٔ ارتباطی خود را در جنوب شرقی ایران با بلوچستان انگلیس و هند تکمیل می نمود.

۶. تجدید امتیاز راه‌آهن روسها و امتیاز بانک آلمان[۱۴] و امتیاز نفت که قبلاً به آن اشاره گردید نیز مربوط به این دوره است. گذشته از همهٔ اینها، مسئلهٔ استقراضهای خارجی به تنهایی برای اضمحلال اوضاع اقتصادی ایران و سلطنت مظفرالدین شاه کافی بود.

٭

ایرانیان که از زمان صفویه استقلال و مرکزیّت استوار کشور خویش را مدیون دین مبین اسلام‌ومذهب تشیّع بودند، نمی توانستند از علایق و مظاهر پیوندهای درونی و مذهبی خویش که همان توجه به قوانین و فرامین اسلامی و تحکیم مبانی آن و زیارت اماکن مقدس بوده است، چشم‌پوشی نمایند. لذا همواره در راه اعتقادات دینی و مذهبی و جانبداری از خاندان رسالت و امامت می‌کوشیده‌اند و این کوشش علاوه بر پیمودن طریقت اصلی اسلام، شامل بجا آوردن مناسک حج به عنوان یک فریضهٔ الهی و حرمت نسبت به مشاهد و قبور ائمهٔ هدیٰ و زنده نگه داشتن یاد و خاطرهٔ آنها به عناوین مختلف و بویژه زنده نگه داشتن عاشورای حسینی بوده است. لذا تعارضی مستمر از طرف مخالفان بعضاً و از جانب حکام و مأمورین دولت عثمانی عموماً علیه

13. Jacques de Morgan

۱۴. این امتیاز در دورهٔ مشروطه و بعد از مرگ مظفرالدین شاه در سال ۱۳۲۵ قمری داده شد.

زوار ایرانی وجود داشت. در بررسی اجمالی و تاریخی اسناد، متوجه دو نکتهٔ مهم خواهیم شد: اول توجه شدید مسلمین ایران به نکات فوق الذکر و دوم تعدیات و فشارهای وارد بر آنها از سوی عمال حکومتهای عثمانی که زوار ایرانی را با مشکلات و مضیقه هایی روبه رو می ساختند.

جدیّت دیگر مسلمین ایران معطوف به حفظ و حراست مشاهد مقدس ائمهٔ اطهار(ع) و خاندان پیامبر گرامی اسلام(ص) می شده است. با وجودی که آنها در این راه از بذل جان و مال دریغ نمی‌کردند، اما تعارضات سیاسی و اعتقادی سران حاکم بر اراضی و اماکن مقدس و دخالتهای سیاست بیگانه موجب می‌گردید تا موانع بسیاری در راه اجرای مقاصد مسلمین ایران به وجود آید.

از بررسی اسناد تاریخ سیاسی قرون معاصر ایران همچنین استنباط می شود که با توجه به عدم کفایت و درایت بعضی از زمامداران دورهٔ قاجاریه و نفوذ سیاستهای بیگانه، رمز بقا و دوام نسبی حکومت قاجاریان تا حدودی مدیون توجه و رعایت شئون مذهبی بوده باشد.

بدیهی است که تاریخ روابط ایران و عثمانی، به علل برخورداری دولتین از موقعیت خاص استراتژیک و تجاری در مربوط ساختن سه قارهٔ قدیم و اعمال نظر سیاستهای استعماری اهمیت ویژه‌ای داشته است و دو ملت همسایهٔ ایران و عثمانی طیّ اختلافات و جنگهای ویرانگر گذشته، بهای سنگینی پرداخته اند. از طرفی درهم آمیختگی فرهنگی و اجتماعی و وجود مرزهای مشترک طولانی با ایلات و عشایر مرزنشین نیز طبیعتاً اسباب مراودات و تعارضات مختلف دیگری می شده که دولتین را ملزم به ایجاد نمایندگی های متعدد در مراکز مذهبی و اقتصادی یکدیگر می‌کرده است که به حلّ و فصل حقوق اتباع خویش اقدام نمایند. گفتنی است که شکل مناسبات، تعارض قوانین و شخصیت مجریان حکومتی، از عوامل مهم و مؤثر در ایجاد تسهیلات یا مشکلات برای اتباع طرفین به شمار می آمده است.

*

واحد نشر اسناد دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی وزارت امور خارجهٔ جمهوری اسلامی ایران که طبق مادهٔ واحدهٔ مصوب مجلس شورای اسلامی و آیین نامهٔ اجرایی هیئت دولت به وجود آمده، مفتخر است که با یاری خداوند بزرگ و راهنمایی های ارزندهٔ شورای عالی نظارت بر تدوین و نشر اسناد، پنجمین جلد کتاب **گزیدهٔ اسناد سیاسی ایران و عثمانی** را در دورهٔ قاجاریه مشتمل بر ۱۸۹ سند تاریخی بین سالهای ۱۳۲۴-۱۳۱۳ هـ. ق (زمان سلطنت مظفرالدین شاه قاجار) به شرح فصول ذیل

تقدیم خوانندگان و پژوهشگران گرامی نماید. امید است که خوانندگان ضمن یادآوری لغزشها، نظریات و پیشنهادهای ارزندهٔ خود را مطرح فرمایند تا مورد استفاده قرار گیرد.

فصل اول حاوی ٤٤ فقره سند تاریخی است، مشتمل بر حقوق اتباع ایران در زمینه های حج و زیارت، توجه به اماکن و مشاهد مقدس ائمة الطاهرین علیه السلام، گزارشهای نمایندگان سیاسی طرفین و بالأخره تعارضات و تسهیلات جاریه.

فصل دوم شامل اسنادی است از روابط دیپلماتیک و انجام تشریفات مختلف متقابل دولتین و نمایندگان سیاسی آنها، به انضمام گزارشهای مربوط که در ۳٦ فقره سند تاریخی ارائه شده است.

فصل سوم امور اداری و کنسولی نمایندگی های دولتین را با ۵۸ سند تاریخی مبنی بر عزل و نصب مأموران، گزارشهای داخلی و خارجی، دستورالعملهای مربوط و وقایع سرحدی نشان می دهد.

فصل چهارم شامل نمونه هایی از اسناد حقوقی و اقتصادی اتباع دولتین است؛ از قبیل: اقامت، تابعیّت، مالکیّت، تجارت، مالیات، گمرک، ازدواج، قرعهٔ عسکریه، پناهندگی، زراعت و چادرنشینی، مسائل قضائی و محاکمات و سایر مسائل تبعی که در ۵۱ فقره سند تاریخی گردآوری شده است.

تهیه و تنظیم این کتاب نتیجهٔ کوشش و همکاری افراد زیر است:

۱. آقای محمدحسن کاووسی عراقی عضو شورای عالی نظارت بر تدوین و نشر اسناد و سرپرست واحد نشر اسناد که کارهای برنامه ریزی و مراحل مختلف تحقیق و بازخوانی و تقریر و تنظیم و تدوین کتاب را عهده دار بوده اند.

۲. آقای امیرحسین اکبر که در کارهای کپی برداری و سندخوانی با علاقه مندی اقدام نموده اند.

۳. خانم فریبا شعبانی نصر که کار کنترل و هماهنگی را برعهده داشته اند.

٤. خانم سیما سیف که کارهای تایپی کتاب را با جدیّت انجام داده اند.

ومن الله التوفیق و علیه التکلان

واحد نشر اسناد

شهریور ۱۳۷۰

فصل ۱

امور اتباع ــ مسائل زوّار

Borrower's No	Issue Date	Borrower's No.	Issue Date

شمارهٔ سند: ۸۲۹
موضوع: راهنمایی حجاج و زایرین
تاریخ: ندارد (احتمالاً ۱۳۱۵ هـ. ق)
کارتن: ۳۰
پرونده: ۱۴/ق

اعلان کارپردازی ایران در بغداد

اعلان

خدمت تمام حاجیان گرام و زایرین بیت‌الله الحرام تبعهٔ دولت علیهٔ ایران، خلدالله ملکه و سلطنته، رسماً اطلاع و اعلام داده می‌شود نظر به چند فقره عرض‌حال زائرین محترم که در سنهٔ ماضیه به بیت‌الله الحرام مشرّف شده بودند از حمله‌داران و عکام به آنها تعدی و بی‌اعتدالی زیاد شده چنان که بعضی از حمله‌داران در وسط راه حاجیان حمل خود را گذاشته و فرار کرده‌اند، بعضی به قراردادی که اول داده‌اند ایستاده در بین راه پول اضافه گرفته‌اند، بعضی از حاجی پولی قرض کرده و نداده‌اند، بعضی از حاج و حمله‌داران از عدم همراهی امیر حاج و ناخدمتی عکام خدمت علمای اعلام کثرالله امثالهم تشکی نموده بودند. این اقل چاکران شاهنشاه ارواحنافداه برای رفع این بی‌اعتدالی و ان‌شاءالله آسایش و امنیت حاج با امیر مرحوم جبل مکاتبه نموده، امیر مرحوم نیز متقبل شده بود که ان‌شاءالله در هذه‌السنه بیش از سنوات ماضیه در آسایش حاج اهتمام نماید بعد از فوت مرحوم محمدرشید جناب جلالت‌مآب عبدالعزیز رشید، برادرزادهٔ آن مرحوم، که به جای عم گرامی خود به امارت جبل مستقر شد او نیز به موجب مکتوبی که از لحاظ علمای اعلام سلمکم‌الله تعالی گذشت تهد [تعهد] نموده بود که امیر حاج بیاید و جمیع شروطی که سابقاً مرحوم مغفور جناب شیخ عبدالحسین مجتهد طاب‌الله ثراه قرار داده و حضرت مستطاب اجل امجد اکرم حاجی میرزا محسن‌خان مشیرالدوله، وزیر امور خارجه، در ایام سفارت خود در اسلامبول به کارگزاری بغداد حکم اجری داده بودند متهد [متعهد] شود و ورقهٔ فصول قرارنامه را مهر نموده حاج را ان‌شاءالله در کمال امنیت ببرد. برای حاجیان معظم که از راه شام و دریا می‌روند قرار چنین داده شد که به میل خودشان هر حمله‌داری می‌خواهند بگیرند، ولی قرارداد ایشان با

حمله‌دارها باید در کار پردازخانه اول دولت علیه ثبت و مهر شود و حمله‌دار اطمینان و کفیل بدهد که در راه حاجی خود را نگذارد یا مطالبهٔ وجه اضافه بر قرارداد بکند، پس بر جملهٔ حاجیان محترم لازم است که قراردادهای حمله‌داران خود را به ثبت و مهر کار پردازخانهٔ مبارکه برسانند. حاجیان راه شام تماماً ان‌شاءالله تعالی در روز حرکت بیرون کاظمین علیه‌السلام چادر خواهند زد، از جانب کار پردازی با کمال احترام مشایعت خواهند شد و از جانب کارگزاران ولایت جلیله بغداد امر تامّه و سوار ضبطیه داده خواهد شد که همه جا ان‌شاءالله در کمال امنیت و احترام در ظل مراهم [مراحم] سلاطین عظیم‌الشأن اسلام خلدالله ملکهما به آسودگی و شأن بروند و مراجعت نمایند. حاجیان راه جبل نیز در کمال احترام در بیرون نجف اشرف جمع می‌شوند با امیر حاج و از جانب کار پردازی کمال احترام مرعی می‌شود ان‌شاءالله به خوشی می‌روند و معاودت می‌نمایند. حاجیان که از راه دریا می‌روند هرگاه تذکرهٔ مرور دارند بایند [باید] بیاورند کار پردازخانه دیده و ملاحظه شود، هرگاه ندارند باید تذکره بگیرند و الا در کشتی و عبور از خاک دول همجوار برای ایشان اسباب زحمت خواهد بود و دو سه برابر قیمت تذکره از آنها گرفته خواهد شد. محض آسودگی حال حاجیان محترم تحریر و اطلاع داده شد هرگاه یک نفر از حاجیان محترم این شروط را اجری ندارند هر صدمه خدای نخواسته به او برسد به عهدهٔ خودش خواهد بود.

کار پرداز اول دولت علیهٔ ایران در بغداد ــ والی مشاورالسلطان

اعلان

خدمت تمام حاجیان کرام و زائرین بیت الله الحرام تبعهٔ دولت علیه
ایران خلد الله ملکه و سلطنته رسماً اطلاع و اعلام داده میشود نظر بچند فقره عرض حال
محرره که در سنهٔ ماضیه به بیت الله الحرام مشرف شده بودند از حمله داران و عکام بانها تعدی
و بی اعتدالی زیاد شده چنانکه بعضی از حمله داران در وسط راه حاجیان حمل خود را گذاشته و فرار
کرده اند بعضی بقرارداد یکه اول داده اند ایستاده در بین راه پول اضافه گرفته اند بعضی از حاجی
پول قرض کرده و نداده اند بعضی از حاج و حمله داران از عدم همراهی امیر حاج و ناخدمتی عکام
خدمت علمای اعلام کثر الله امثالهم تشکی نموده بودند این اقل چاکران شاهنشاه ارواحنا فداه
برای رفع این بی اعتدالی و انشاء الله آسایش و امنیت حاج با امیر مرحوم جبل مکاتبه نموده امیر مرحوم هم متقبل
شده بود که انشاء الله در هذه السنه بیش از سنوات ماضیه در آسایش حاج اهتمام نماید بعد از فوت مرحوم محمد
رشید جناب جلالتمآب عبد العزیز رشید برادرزادهٔ مرحوم که بجای عم گرام خود مامور جبل مستقر شده او نیز
بموجب مکتوبی که از لحاظ علمای اعلام سلمهم الله تعالی گذشت تعهد نموده بود که امیر حاج بیاید و جمیع
شروطیکه سابقاً مرحوم مغفور جناب شیخ عبد الحسین مجتهد طاب الله ثراه قرارداده و حضرت مستطاب
اجل امجد اکرم حاجی میرزا محسن خان مشیر الدوله وزیر امور خارجه در ایام سفارت خود در اسلامبول
بکارگذاری بغداد حکم اجری داده بودند متعهد میشود و ورقهٔ فصول قرارنامه را مهر نموده حاج را انشاء الله
در کمال امنیت ببرد برای حاجیان معظم که از راه شام و دریا میروند قرار چنین داده شد که بمیل خود شاید
هر حمله داری میخواهند بگیرند ولی قرارداد ایشان با حمله دارها باید در کارپردازخانهٔ دولت
علیه ثبت و مهر شود و حمله دار اطمینان و کفیل بدهد که در راه حاجی خود را نگذارد یا مطالبهٔ وجه اضافه
بر قرارداد نکند پس بر حملهٔ حاجیان محترم لازم است که قراردادهای حمله داران خود را بثبت و مهر کارپردازی
خانهٔ مبارکه برسانند حاجیان راه شام تماماً انشاء الله تعالی در روز حرکت بیرون کاظمین علیه السلام
چادر خواهند زد از جانب کارپردازی با کمال احترام مشایعت خواهند شد و از جانب کارگذار اول
ولایت جلیله بغداد هم با مرو سوار ضبطیه داده خواهد شد که همه جا انشاء الله در کمال امنیت و احترام
در ظل مراحم سلاطین عظیم الشان اسلام خلد الله ملکهما باسودگی و شان بروند و مراجعت نمایند
حاجیان راه جبل نیز در کمال احترام در بیرون نجف اشرف جمع میشوند با امیر حاج و از جانب
کارپردازی بکمال احترام رعایت میشود انشاء الله بخوشی میروند و معاودت مینمایند حاجیان که از
راه دریا میروند که هر گاه تذکرهٔ مرور دارند باید بیاورند کارپردازخانه ویزه و ملاحظه شود
هر گاه تذکره ندارند باید تذکره بگیرند والا در کشتی و عبور از خاک دول همجوار برای ایشان اسباب زحمت
خواهد بود و دو سه رقم تذکره از اینها گرفته خواهد شد محض آسودگی حال حاجیان محترم
تحریر و اطلاع داده شد هر گاه یکنفر از حاجیان محترم این شروط را اجری ندارد هر صدمه
خدای نخواسته بایشان برسد بعهدهٔ خودش خواهد بود

کارپرداز اول دولت علیه ایران در بغداد
والی مشاور السلطان

شمارهٔ سند: ۸۳۰
موضوع: منع بازدید وسایل زوار در گمرک
نمره: ۲۷
تاریخ: ۷ جمادی‌الاخر ۱۳۱۵ هـ . ق
کارتن: ۳۰
پرونده: ۱۴/ق

نامهٔ قونسولگری ایران در بغداد به وزارت خارجه

یکی از ذلتهای بزرگ زوار ایرانی این بود که وقت ورود در خانقین اشیا و اموال آنها را گمرک کرده، نوشته به دست آنها می دادند، مع ذالک باز در قزلرباط و شهربان به اسم معاینه که مبادا چیزی از گمرک گریزانده باشند حین ورود جلو آنها را گرفته بارو بنه را بر روی هم ریخته حتی جوف کجاوه‌ها و بقچه‌های لباس زنانه و مردانهٔ آنها را معاینه می‌کردند و این فقره زحمت بسیار بزرگی برای زوار و اسباب افتضاح بود، یک مرتبه هم در ورود کاظمین در سرجسر معظم معاینه می‌کردند، فدوی در این چند روزه کاری که کرد عجالتاً معاینهٔ قزلرباط و شهربان را بعد از مذاکرات و زحمات بسیار موقوف داشت و حالا در گفتگوهای رفع معاینه جسر است، ان‌شاءالله از یمن اقبال بیزوال همایونی اروحنافداه این فقره را هم موقوف داشته نتیجه را به عرض خواهد رسانید، الامرالاجل الاعظم العالی مطاع.

در این مسئله که خیلی عمده است برای زوار به مرحمت حضرت‌عالی اسبابها فراهم آورده حتی مشیر پاشا را به جان والی انداختم تا حالا دو روز است خودش با چاکر همراهی و شریک شده با مدیر گمرک در گفتگو و مذاکره هستیم و به عون‌الله تعالی به اقبال بی‌همال همایونی در این مسئله قراری خواهم داد که ابدالدهر عابرین دعاگوی وجود همایون شاهنشاهی و حضرت اجل عالی باشند همین قدر عرض کنم پیش ببرم خدمت بزرگی است. چاکر صورت عهدنامه تجارتی و مقاولات که در باب گمرک شده ندارم و بسیار لازم است بفرمایید بفرستند. الامرالعالی مطاع. فدوی علی‌نقی

[حاشیه، دستخط و امضای مظفرالدین شاه:] «بسیار خوب تمجیدات نمایند.»

CONSULAT GÉNÉRAL DE SA M.I.
LE CHAHINCHAH DE PERSE
à Bagdad
No.
قونسول ژنرال دولت علیه شاهنشاهی ایران
مقیم بغداد نمره ۲۷۳ تاریخ ۷ شهر جمادی الاولی ۱۳۱۵

یکی از دولتهای [illegible] بزرگ زوار ایرانی این بود در وقت ورود در خانقین اشیاء و اموال آنها را گمرک کرده گذشته بدین [illegible] آنها
میدادند معذالک بار در قزلرباط و شهربان باسم معاینه در بغداد اخیر از گمرک گذراندند بهانه جنس ورود جلو آنها را
گرفته بار و بنه را برروی هم ریخته حتی حرف کجاوه ها و بقچه های لباس زنانه و مردانه آنها را معاینه میکردند و این فقره زحمت بسیار بزرگی
برای زوار و اسباب افتضاح بود یک مرتبه هم در ورود کاظمین در سر جسر معظم معاینه میکردند فدوی در این چند روزه کار را کرد [illegible]
معاینه قزلرباط و شهربان را بعد از مذاکرات و زحمات بسیار موقوف داشته و حالا در گفتگوی رفع معاینه جسر [illegible]
از [illegible] این فقره را هم موقوف داشته نتیجه را بعرض خواهم رسانید [illegible]
در این مسئله که خیلی عمده است برای زوار بمرحمت حضرت عالی اسبابها
فراهم آورده حتی مشیر پاشا را [illegible] والی انداختم تا حالا در زوار
خودش [illegible] همراه و شریک شده با مدیر گمرک در گفتگو و مذاکره
هستیم و بعون الله تعالی با [illegible] در این مسئله قراری
خواهم داد که ابد الدهر عابرین [illegible] وجود همایون شاهنشاهی
و حضرت اجل عالی باشند همینقدر عرض کنم [illegible]
[illegible] صورت عهدنامه تجارتی و مقاولات که در باب گمرک
شده ندارم و بسیار لازم است [illegible] بفرستند الامر الاقدس العالی مطاع
[illegible]

شمارهٔ سند: ۸۳۱
موضوع: بدرفتاری عثمانی ها با زوار ایرانی
نمره: ۲۵
تاریخ: غرهٔ رجب ۱۳۱۶ هـ. ق
کارتن: ۳۵
پرونده: ـــ

نامهٔ قونسولگری ایران در بغداد به وزارت خارجه

چندی است شرارت و قتل و نهب در این طرفها زیاد شده است با اینکه عثمانی ها از هر زوّاری یک تومان وجه امضای تذکره و پنج هزار تذکره قرانتین می‌گیرند که اجرت امنیت زوّار است و علاوه بر آن بر وفق عهود مقدسه نیز امنیت و آسایش زوار را در عهده دارند و اسلحهٔ زوار را در ورود خانقین از آنها گرفته دست خالی و بدون هیچ گونه اسباب دفاعی به داخلهٔ خاک خودشان رها می‌کنند در واقع کفیل جان و مال زوار می شوند، مع ذالک وقوعات متوالیه است که هر روز ظهور می‌کند و خاک عراق عرب مسلخ زوار و مسلمانان بیچاره شده است و هرچه اظهار و اصرار به حکومت می شود فایدهٔ نمی بخشد. گاهی راجع به اشقیای موصل کرده کانه حکومت عراق و مستحفظین طرق و شوارع را از مسئولیت انتظام و امنیت عراق عرب فارغ کرده‌اند چرا که مرتکب از موصل آمده و به خاک موصل رفته است گاهی که هیچ گونه راه عذری ندارند، هیچ گونه جوابی نمی دهند بیک اُیو گفته کار را تمام می پندارند به نظر چنان می آید که خودشان از انتظامات لازمهٔ مملکت عاجز شده‌اند. سالی هم گرانی است عشایر همه گرسنه از همه طرف به تاخت و تاز برخواسته‌اند قانون هم دست و پای حکام را بسته بال و پر اشرار را گشاده است توجهی کامل در این باب لازم است که با سفارت عثمانی در طهران و با باب‌عالی در اسلامبول قرار صحیحی در امنیت راه زوار داده اولیای دولت ابد مدت را اطمینان کامل حاصل شود و اگر با این اقدامات نیز خدا نخواسته امنیت مطلوبه حاصل نشود، البته غیرت رعیت به اولیای دولت می رسد بجز قدغن چاره نخواهد بود مشروط بر اینکه بعد از قدغن استثنأ دست هر کسی توصیه‌نامه داده نشود هرچند تکلیف مأمورین عدم قرائت توصیه‌نامه است، همین تفاصیل به سفارت کبری نیز عرض شده است. زیاده

جسارت است، الامرالاجل الاعظم الافخم مطاع.

[حاشیه، دستخط مظفرالدین شاه:]

ــ در این فقره هم با سفیرکبیر عثمانی در اینجا مذاکره نمایید و هم اینکه به علاءالملک نیز بنویسید که او هم در اسلامبول با باب‌عالی مذاکرات لازمه نماید.

امضای مظفرالدین شاه

۲۵

CONSULAT GENERAL DE PERSE

à Bagdad

No.

چندی است شرارت و قتل و نهب در این طرفها زیاد شده است. با اینکه عثمانیها از هر زواری یک تومان وجه بیجا تذکره و پنجهزار تذکره قرانتین میگیرند از جهت

امنیت زوار است و علاوه بر آن بر وفق عهود متعدده نیز امنیت و آسایش زوار را در عهده دارند و اسلحه زوار را در ورود خانقین از ایشان

گرفته دست خالی و بدون هیچگونه اسباب دفاعی بداخله خاک خودشان راه میدهند در واقع کفیل جان و مال زوار میشوند معذلک وقوعات متوالیه

که هر روز ظهور میکند و خاک عراق عرب منبع [illegible] زوار و مسلمانان بیچاره شده است و هرچه اظهار و اصرار از [illegible] میشود فایده نمی‌بخشد کارهای [illegible] ارجاع

با تحقیق موصل کرده گویا حکومت عراق و تحفظ طرق و شوارع را از مسئولیت انتظام و امنیت عراق عرب فارغ کرده‌اند چرا که [illegible] جانی

از موصل آمده و بخاک موصل رفته است که هر [illegible] هیچگونه راه عذری برای [illegible] هیچگونه جوابی نمیدهند یک [illegible] کار را تمام میندازند [illegible]

می‌آیند خودشان از [illegible] لذا [illegible] عاجز شده‌اند [illegible] از همه طرف [illegible] و تا [illegible]

دست و پای حکام را بسته بال و پر اشرار را گشاده است توجهی کامل در این باب لازم است که سفارت عثمانی در طهران و باب عالی [illegible] قرار

صحیحی در امنیت راه زوار داده اولیای [illegible] را مطلع [illegible] و اگر با این اقدامات نیز امنیت حاصل نشود البته [illegible]

اولیای [illegible] در عوض [illegible] مشروط بر اینکه بعد از [illegible] و به هرکس توصیه نامه داده نشود هرچند تکلیف مأمورین عدم

قرائت توصیه نامه است همین تفصیل به سفارت کبری نیز عرض شده است زیاده جسارت است الامر الاقدس [illegible] معروضه غره رجب ۱۳۱۶

شمارهٔ سند: ۸۳۲
موضوع: تعیین کردن مأموری در سرمن رای از طرف ایران
نمره: ۵۱
تاریخ: ۸ شعبان ۱۳۱۶ هـ . ق
کارتن: ۳۵
پرونده: ـــ

نامهٔ قونسولگری ایران در بغداد به وزارت خارجه

در سُرّمن رأی چندی است مأموری از طرف کار پردازی نیست و به عموم زوار و مترددین انواع اقسام تعدیات می شود، شکایت می‌کنند ولی نمی توانند در اینجا معطل شده مطلبی را اثبات نموده ایالت مجبور به رفع تعرضات بشود. تمام زوار و جمعی از علمای عظام و مجتهدین گرام به فدوی تصریح و تأکید نموده‌اند مأموری فرستاده شود در واقع هم لازم است ولی عیب کار در اینجاست مأموری که آنجا می رود چون معاش دیوانی و مقرری و مرسومی ندارد لابد باید مخارج خود را از زوار بیچاره تحصیل کند، این هم سربار زوار خواهد شد. خالی از مأمور هم نمی توان گذاشت اغلب زوار از غایت تعدی و اجحافات متعصبانه خدّام و مأمورین تذکره و دخانیه و غیره و غیره زیارت نکرده معاودت می‌کنند، منوط به امر مبارک است که اقلاً به قدر ماهی پانزده تومان مقرری مرحمت و اجازه فرمایند مأموری فرستاده شود. عجالتاً خیال دارد خود فدوی یک ماهه دوماهه موقتاً مأموری بفرستد که جلوگیری از این تعدیات شده باشد تا مأمور با معاش به اجازت خاطر مبارک معین گردد زیاده جسارت است، الامرالاجل الافخم الاکرم مطاع.

ـــ در سر من رأی مأمور دولتی نیست و اگر مأمور معین شود مقرری لازم دارد. علمای اعلام کربلا هم در نصب مأمور آنجا اصرار و تأکیدی دارند، به جهت نبودن مأمور در آنجا اموالی که از زوار به سرقت برده می شود استرداد آن معطلی دارد. اگر رأی اقدس همایون اقتضا فرماید ماهی پانزده تومان مقرری مرحمت شود که مأموری به آنجا فرستاده شود برای محافظه حقوق رعایا و زوار بسیار بجا و مایهٔ دعاگویی است، دیگر منوط به امر همایون است.

[حاشیه، دستخط مظفرالدین شاه:]

ـــ جناب اشرف صدراعظم، فرستادن مأمور برای سرمن‌رای ضرری ندارد، ماهی پانزده تومان مقرری داده شود ولکن مأموری باشد که خود اسباب زحمت زوار و فقرا نشود شریک دزد و رفیق قافله نباشد.

امضای مظفرالدین شاه

CONSULAT GENERAL DE PERSE

à Bagdad

No.

[illegible]

در هر منزل برای خدمت مأموری از طرف کارپردازی نیست و عموم زوار و مترددین انواع اقسام تعدیات می‌شود شکایت می‌کنند

ولی نمی‌توانند در اینجا معطل شده مطلب را اثبات نموده ایشان مجبور برفع تعرضات بشود تمام زوار و جمعی از علمای اعظام و مجتهدین کرام

بعد وین تصریح و تأکید نموده‌اند مأموری فرستاده شود در واقع هم لازم است ولی علت کار در اینجاست مأموری که آنجا میرود چون شغل دیوانی

و مقرری و مرسومی ندارد لابد باید مخارج خود را از زوار بیچاره تحصیل کند این هم سربار زوار خواهد شد خالی از مأمور هم که تاوان گذارش

اغلب زوار از غایت تعدی و اجحافات متعصبانهٔ خدام و مأمورین تذکره و دخانیه و غیره و غیره زیارت نکرده مراجعت می‌کنند

منوط به امر مبارک است هرگاه بقدر ماهی پانزده تومان مقرری مرحمت و اجازت فرمایند مأموری فرستاده شود عجالتاً جای خالی دارد خود هروی

ملیاره در راه توقف مأموری بفرستند در جلوگیری از این تعدیات شده باشد تا مأمور با معاش با اجازت خاطر مبارک معین شود زیاده جسارت است

الامر الله ... الله ... الله اکرم ملک

در سر حد برای مأمور ... اگر مأمور معین شود مقرری لازم دارد علماء اعلام کربلا هم

در نصب مأمور آنجا اصرار و تأکید دارند بجهة نبودن مأمور در آنجا اهالی از زوار ... تعدی می‌شود

اعتماد آن ... دارد اگر بطور ... ماهی پانزده تومان مقرری مرحمت شود

در مأموری آنجا فرستاده شود برای محافظت حقوق رعایا و زوار بسیار بجا و لازم ... است

دیگر منوط به امر ... است

شمارهٔ سند: ۸۳۳
موضوع: روشنایی رواقهای نجف اشرف و کاظمین
تاریخ: ۱۸ شوال ۱۳۱۶ هـ. ق
کارتن: ٦
پرونده: ۱۱/٤۲

خلاصهٔ نوشتجات ناظم الملک کارپرداز بغداد

در رواقهای نجف اشرف و کاظمین(ع) فانوسهای نفتی می‌سوزانند، دود نفت اسباب اذیت زائرین و کثافت آینه کاری و گچبری و مقرنس کاری‌ها می‌شود و کلیددارها می‌گویند نذورات مردم کفایت پول شمع نمی‌کند که در آنجاها استمراراً روشن شود حیف است به واسطهٔ این خرج جزئی این کارهای ممتاز کثیف شود، اعتقاد فدوی این است باید تدبیری کرد عوض نفت شمع بسوزد، هر رواقی بیست شمع لازم دارد و هر شمعی سالی شش تومان خرج دارد، تا اقتضای رأی مبارک چه باشد.

[حاشیه، دستخط مظفرالدین شاه:]

ـــ مخارج این عمل را دولت که نباید بدهد. امضای مظفرالدین شاه

۱۸ اسفند

راجع [illegible] نفت [illegible]

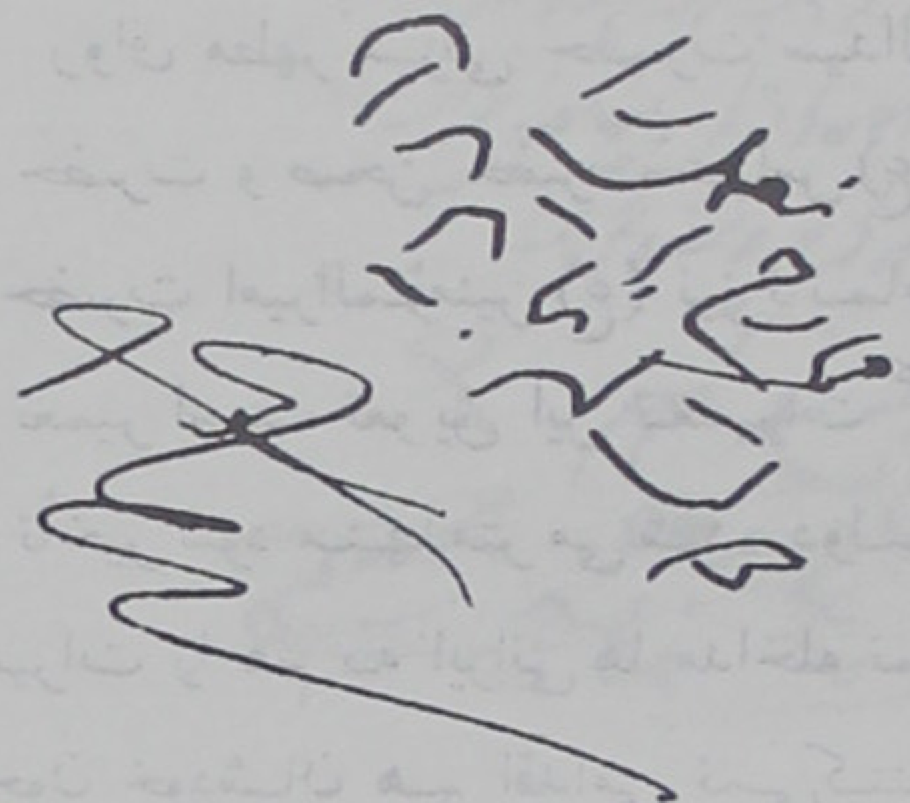
در رواقهای نجف اشرف و کاظمین [illegible] فانوسهای نفتی تقریباً [illegible]

و کثافت این کار [illegible] کم [illegible] تعریض کارها بشود و حمله دارها [illegible] مردم کفایت

بجای شمع [illegible] در [illegible] ضعیف است و رابطه این خرج [illegible] اشتعال

[illegible] این است باید ترتیبی کرد عوض نفت شمع بسوزند هر روز آنچه شمع لازم دارند دولت [illegible]

خرج دولت تا اقتضای رای مبارک چه باشد



شمارهٔ سند: ۸۳٤
موضوع: تعمیر صحن مطهر ائمه طاهرین
تاریخ: ۱۸ شوال ۱۳۱٦ هـ. ق
کارتن: ٦
پرونده: $\frac{۱۱}{٤۲}$

خلاصهٔ نوشتجات ناظم الملک کارپرداز بغداد

رواق مطهر شرقی حضرت سیدالشهدا(ع) که آینه‌بندی می‌کردند ناتمام مانده. صحن حضرت و صحن حضرت عباس(ع) هزاره‌شان ریخته محتاج تعمیر هستند. تعمیر صحن حضرت امیرالمؤمنین(ع) نیز ناتمام مانده حرم مبارک هم سبک هزاره‌اش شکسته محتاج تعمیر است تعویق این تعمیرات گذشته از اینکه برای ملت اسلام مناسب نیست هرچه تأخیر شود منهدمتر می‌شود، دولت عثمانی هم برای اوقاف قانون گذاشته و این نوع تعمیرات را هم به ایرانی‌ها مداخله نمی‌دهد تعمیر یک آجر منوط به عرض باب‌عالی است چون خودشان هم اقدامی نمی‌کنند رفته رفته اسباب تخریب این شاهد مقدس می‌شود لازم است به هر وضعی که خاطر مبارک تصویب می‌فرماید از دولت عثمانی اجازه گرفته که ایرانی‌ها متصدی تعمیرات لازمه بشوند از قرار گفته علما خیلی از معتبرین هستند که اقدام خواهند کرد برای دولت هم ممکن است.

[حاشیه، دستخط مظفرالدین شاه:]
ـ با سفیرکبیر سؤال و جواب نمایید و به علاءالملک هم بنویسند. امضای مظفرالدین شاه

۱۸ تیر ۱۳۱۶

رواق مطهر متبرکه حضرت سید الشهداء ع آینه بری نکرده و نیز تا تمام ایوان صحن حضرت و صحن حضرت عباس ع

هم از اره شان ریخته محتاج تعمیر است و تعمیر صحن حضرت امیرالمؤمنین ع نیز تا تمام ایوان حرم مبارک هم یک قسمت از ایوان

شکسته محتاج تعمیر است تفریق این تعمیرات گذشته از اینکه بعضی جهت اسلام شایسته نیست هر چه تأخیر شود میدان وسیع‌تر می‌شود

حالت عقلانیهم بعضی اوقاف قانون گذاشته و از نرخ تعمیرات تعهد بار اینها مراقبت نمیکنند تعمیر یک آجر

منوط بعضی مال است چون حقوق نیز هم از آن میگیرند رفته رفته اسباب خرابی این شاه تقدیس شیعیان است

بهر وسیله که خاطر مبارک تصویب بفرمایند از دولت علیه عراق اجازه گرفته که از اینها بعضی تعمیرات بدهند

شوند و قرار گذشته علما خیلی از تعمیرات بهشت صحه اقدام خواهند کرد بعضی صحت هم ممکن است

شمارهٔ سند: ۸۳۵
موضوع: زدن بیدق شیر و خورشید در بالای چادر قونسولگری
تاریخ: ۲۸ ذی‌حجه ۱۳۱۶ هـ. ق
کارتن: ۳۲
پرونده: —

گزارش کارپردازی ایران در مکهٔ مکرمه به وزارت خارجه

البته بر رأی مبارک مکشوف است که تا به حال از طرف هیچ دولتی حتی خود دولت عثمانی هم در مکه مکرمه بیدق زده نشده است و گویا پانزده شانزده سال قبل یکی از مأمورین دولت علیه خواسته بوده بالای چادر جنرال قونسولگری در منا و عرفات بیدق بکشد و حضرت شریف مانع شده است ولی چون این فقره خیلی لزومیت و اهمیت داشت و رعایا و حجاج دولت علیه در میان آن قدر چادروجمعیت بدون علامت مخصوص نمی‌توانند چادر قونسولگری دولت متبوعه خودشان را بشناسند و اگر عرضی و حاجتی دارند دستشان به قونسولگری نمی رسد. لهذا چاکر قبل از اینکه به عرفات برویم با حضرت شریف به طور خصوصیت و دوستی مذاکرهٔ این فقره را کرده اجازه خواستم هرچه مشارالیه در مجلس اول و دویم از اجازه دادن امتناع نمود لکن بالاخره با اصرار و ابرام به طور خوشی راضیشان کردم و به کسی هم ابراز نکردم تا روز عرفه یک روز قبل از عرفه محمدحسین‌خان بهادر وکیل قونسولگری انگلیس هم همین مذاکره را با شریف کرده بود و راضی نشده بودند که بیدق انگلیس علامت صلیب دارد و منافی شعار اسلام است. چهار روز که در منی و عرفات بودیم بیدق شیروخورشید بالای چادر زده شده بود و همه در تعجب بودند که شریف چطور به این فقره راضی شده است، الحمدلله این خدمت را توانستم به دولت علیه بکنم، امیدوارم منظور نظر مبارک بشود و به عرض اولیای دولت علیه برسد فی الواقع این فقره در انظار داخله و خارجه خیلی جلوه کرده، زیاده عرضی ندارم.

چاکر صمیمی: مصطفی

[illegible]

البته به رأی مبارک مکشوف است که تا بحال از طرف هیچ دولتی حقوق

دولت عثمانی هم در مکه معظمه بیرق زده نشده است و گویا تا حال

سال قبل که از ماها درین باب تبعه خواسته بودند بالاخره جنرال قونسولگری

در بعضی وعده‌ها بیرق بکشد در خصوص شریف مانع شده است ولی

حال این فقره خیلی لزومیت و اهمیت دارد در عالم رواج تبعه

در میان این نقطه‌ها دارد و جمعیت هر دولت علامت مخصوص بلند است

جنرال قونسولگری دولت ترکیه حقوقشان را تصدیق نموده‌اند و اگر عرض و حاجتی

دارند در نشان قنسولگری نمی‌رسید لهذا اگر چنین اراده بفرمایند

بدهیم با حضرت شریف بطور خصوصیت و دوستی مذاکره این فقره بشود

که اجازه خواستیم هر چه شد [illegible] در مجلس اول [illegible] از جانب

داده بشود [illegible] با اصرار و ابرام بطوری

[illegible]

شمارهٔ سند: ۸۳۶
موضوع: خوش‌رفتاری مأمور عثمانی در مکهٔ مکرمه با کار پرداز ایران
تاریخ: ۲۸ ذی‌حجه ۱۳۱۶ هـ. ق
کارتن: ۳۲
پرونده: ــ

گزارش کار پردازی ایران در مکهٔ مکرمه به وزارت خارجه

تا امروز حضرت شریف به بازدید هیچ کس غیر از والی حجاز نرفته بود به حمداله تعالی طوری با معظم‌له گرم گرفته و خصوصیت نمودم که در منا در روز عید اضحی بعد از ختام سلام عام با دبدبه و شکوه تمام در وسط ظهر که گرما خیلی شدت داشت به عنوان بازدید به چادر فدوی آمد، در ضمن صحبت چاکر گفتم، هیچ راضی نبودم که در این گرما به وجود خودتان صدمه بزنید در جواب فرمود باید مردم ببینند که من به چادر کار پرداز ایران می‌آیم. وقتی که معظم‌اله به چادر فدوی آمد تمام اهالی جمع شده به عربی «مرحبا» می‌گفتند، فی‌الحقیقیه امسال شریف از هیچ بابت فروگذاری نکرد و شأن کار پردازی را خیلی زیاد به درجهٔ که تمام اعراب حساب می‌برند و برای انجام کارهای خودشان چاکر را در نزد حضرت شریف واسطه قرار می‌دهند، از روزی که وارد مکه شده‌ام تا حال دو اسب تمام‌یراق با یک نفر صاحب‌منصب و چند نفر ژاندارم به اختیار چاکر داده است که هر جا بروم و بیایم همراه باشند همه می‌گویند شریف هیچ وقت دربارهٔ هیچ کس این طور رفتار و احترام نکرده بود، اطلاعاً جسارت شد.

چاکر صمیمی: مصطفی

[حاشیه، دستخط مظفرالدین شاه:]

ــ جناب اشرف صدراعظم، هر نوع مشیرالدوله صلاح می‌داند به تصویب علاءالملک مرحمتی در حق صفاءالممالک بشود که خوب خدمت کرده است.

از مکه مکرمه ۲۸ ذی حجه الحرام ۱۳۱۶

[illegible]

تا امروز در حضرت شریف با زد و بند [illegible] عبرا زر و الی احصاء نوشته بود

که الآن طوری با معظم له گرم گرفته و خصوصیت [illegible] در [illegible] روز [illegible]

صبحی [illegible] جناب مستطاب [illegible] با دبدبه و شکوه تمام در [illegible] ظاهر

و کرمانی [illegible] شدت [illegible] بغداد [illegible] بار دیگر [illegible] آمد

در صحبت [illegible] گفتم [illegible] راضی نبودم [illegible] که [illegible]

[illegible] در جواب [illegible] مردم [illegible]

بیکار [illegible] ایران [illegible] قسطنطنیه [illegible] آمد

تمام اهالی [illegible] (میرزا [illegible]) [illegible]

اقبال شریف از همه [illegible]

[illegible]

شمارهٔ سند: ۸۳۷
موضوع: عزاداری سیدالشهدا در دهه محرم
نمره: ۱۶۷
تاریخ: ۱٤ محرم ۱۳۱۷ هـ . ق
کارتن: ۱
پرونده: $\frac{۱۱}{۲}$

نامهٔ کارپرداز ایران در بغداد به وزارت خارجه

هو

قربان حضور مبارکت شوم، امسال ولایت بغداد به ملاحظهٔ اینکه پارسال در تعزیه‌داری دو نفر اکراد ایرانی مقتول و چند نفر مجروح شده بودند، اسناد تقصیر را به اکراد مقتول داده در صدد منع عزاداری‌ها بودند، فدوی با اینکه در این موقع نمی‌خواست این مطلب را تعقیب و تجدید مطلع نماید که مبادا اسباب هیجان شیعیان ایرانی گردد، چون عثمانی‌ها در این یک سال هیچ گونه اقدامی در تسلی ستمدیدگان و مجازات قاتلین نکرده و در این موقع تقصیر را بر مقتولین وارد آورده به بهانهٔ جلوگیری عزاداری می‌خواستند قرار بدهند ناچار جوابهای رسمی سختی نوشته تقصیر را بر عهدهٔ مأمورین عثمانی وارد آورده دیهٔ شرعی مقتولین و مجازات قاتلین را مطالبه کرده قوام اساس تعزیه‌داری را اخطار نمود و خیلی سخت گرفت و ضمناً به والی پاشا محرمانه پیغام داد پس از آنکه یک سال در این مسئله معامله نموده‌اید حالا موقع این مذاکرات نبود و نمی‌بایست فتنه و فساد پارساله را در نظر طرفین متذکر شده اسباب تهیّج قلوب قرار بدهید، عجالتاً به انتظام کار باید پرداخت و عنوان مسئلهٔ پارساله را باید به بعد از عاشورا گذاشت والی پاشا از حسن نیّت فدوی اظهار امتنان نموده تعلیمات لازمه به مأمورین خود داد، فدوی هم با حکومت و مأمورین عثمانی در اجرای لوازم انتظام و سدّ راه مفاسد محتمله موافقت کرده و ریش‌سفیدان قوم را بعضی تعلیمات داده اجزای کارپردازی را هم به مراقبت آنها گماشت و مجتهدین و علمای عرب و عجم را واداشت مابین طایفهٔ اکراد ایرانی و اهالی کاظمین که سالها نفاق بود در غره ماه محرم به قواعد عشیرتی صلح دادند و اتحاد کامل حاصل شد و به تأییدات خداوندی امسال شبهای دههٔ عاشورا یک

دسته شیعیان ایرانی و شش دسته از شیعیان تبعهٔ عثمانی به کارپردازخانه آمده سینه می‌زدند و تا شش ساعت از شب رفته در محلات بغداد گردش می‌کردند، مأمورین عثمانی هم مواظبت داشتند، شب عاشورا و روز عاشورا را کمافی السابق همهٔ دسته‌ها به کاظمین رفته و تمام شیعیان بغداد و کاظمین ذکوراً و اناثاً در صحن مطهر و بیوتات مقدسه و پشت‌بامهای صحن مطهر اجتماع نموده تا بعدازظهر عاشورا به عزاداری و شبیه و قمه‌زدن پرداختند عسکر و ضبطیه و مأمورین عثمانی حاضر بودند، کارپردازهای سابق رسم بود در بالاخانهٔ صحن مطهر می‌نشستند فدوی ملاحظه کرد که اگر در بالاخانه باشد دسترس به صحن و تبعه و عزاداران نخواهد داشت و اگر بخواهد پیغامی بدهد اقلاً یک ربع ساعت طول خواهد کشید که پیغام به جای خود برسد، بالاخانه را موقوف کرده، در یکی از حجرات تحتانی صحن مطهر نشست و مراقبت به نظم و ترتیب عزاداران نمود. به تأییدات خداوندی و توجهات ائمه اطهار علیهم‌السلام و به اقبال ابد اتصال اقدس اعلی ارواحنا فداه نوعی عزاداری کامل از سینه‌زدن و قمه‌زدن و اقسام شبیه از خروج از مدینه تا شهادت و اسیری اهل بیت و غیره و غیره به عمل آمد که تا حال در عراق عرب عشر آن را کسی یاد نداشت، اقلاً بیست سی هزار جمعیت در صحن بود، شبیه‌های شهدا و شبیه‌های لشکر مخالف این همه در میان این جمعیت اسب تاختند، جنگ کردند، قریب هفتصد نفر قمه زده بودند، صدایی از کسی بلند نشد، شیعیان تبعهٔ عثمانی هم در اقسام عزاداری به هیچ وجه فروگذاری نکردند اسباب حیرت همه شد و دعاگویی کامل به عمل آمد، حتی عثمانی‌ها که هیچ کدام این حرکات را اجازت نمی‌دادند و می‌ترسیدند اظهار تشکر و امتنان از مراقبت و اهتمامات کارپردازی و عدم وقوع غایله نمودند، خداوند ذات مقدس و سایهٔ اقدس همایون شاهنشاه و حامی دین اسلام ارواحنافداه و اولیای دولتش را پاینده و شوکتش را فزاینده و برقرار فرمایاد که در سایهٔ معدلتش روز به روز به ترویج دین مبین علی‌رغم حاسدین افزوده شود. زیاده جسارت است، امر اجل اشرف افخم مطاع.

محل مهر: عبده جهانگیر

نمره ۱۶۷
۱۳۱۷

مورخه ۱۴ محرم الحرام

قربان حضور مبارکت شوم — امسال ولایت بغداد بملاحظه اینکه پارسال در تعزیه‌داری دو نفر اکراد ایرانی مقتول و چند نفر مجروح شده بودند

اسناد تقصیر را باکراد مقتول داده در صدد منع عزاداریها بودند فدوی با اینکه در این موقع نمیخواست این مطلب را تعقیب و تکدیر مطلع نماید که

مبادا این باعث هیجان شیعیان ایرانی گردد چون عثمانیها در این یکسال هیچگونه اقدامی در تسلیم مقصرین کان و مجازات قاتلین نکرده و در این موقع

تقصیر را بر مقتولین وارد آورده بهانه جلوگیری عزاداری میخواستند قرار بدهند ناچار جوابهای رسمی سختی نوشته تقصیر را بر عهده مأمورین

عثمانی وارد آورده دیه شرعی مقتولین و مجازات قاتلین را مطالبه کرده. قوام اساس تعزیه‌داری را اخطار نمود و خیلی سخت گرفته و

ضمناً بوالی پاشا محرمانه پیغام داد پس از آنکه یکسال در این مسئله مسامحه نموده‌اند حالا موقع این مذاکرات نبود و تمسک باعث فتنه و فساد

پارساله را در نظر طرفین تند کرده شده باعث تهییج قلوب قرار بدهید عجالةً با انتظام کار باید پرداخت و عنوان مسئله پارساله را باید بعد از

عاشورا گذاشت والی پاشا از حسن نیت فدوی اظهار امتنان نموده تعلیمات لازمه بمأمورین خود داد فدوی هم با حکومت و مأمورین عثمانی در

اجرای لوازم انتظام و سد راه مفاسد محتمله موافقت کرده و ریش سفیدان قوم را بعضی تعلیمات داده اجزای کارپردازی را هم بمراقبت آنها

گماشت و مجتهدین و علمای عرب و عجم را وادار داشت مابین طایفه اکراد ایرانی و اهالی کاظمین که سالها نفاق بود در غره ماه محرم

بقواعد عشیرتی صلح دادند و اتحاد کاملی حاصل شد و بتأییدات خداوندی امسال شبهای دهه عاشورا یکدسته شیعیان ایرانی و شش دسته از

شیعیان تبعه عثمانی [illegible] آمده شبیه میبردند و تا شش ساعت از شب رفته در محلات بغداد گردش میکردند مأمورین عثمانی هم

مواظبت داشتند شب عاشورا و روز عاشورا را کلاً [illegible] همه دسته‌ها بکاظمین رفته و تمام شیعیان بغداد و کاظمین و زوار

در صحن مطهر و بیوتات متعلقه و پشت بامهای صحن مطهر اجتماع نموده تا بعد از ظهر عاشورا بعزاداری و شبیه و قمه زدن پرداختند

عسکر و ضبطیه و مأمورین عثمانی حاضر بودند کارپردازهای سابق رسم بود در بالاخانه صحن مطهر می‌نشستند فدوی ملاحظه کرد که اگر

در بالاخانه بازار دست رس بصحن و تعبیه عزاداران نخواهد داشت و اگر بخواهد بصحن مبارک آقا برسد کثرت طول خواهد کشید و شعار برای خود برد. بالاخانه را کوفت کرده

در یکی از حجرات تحتانی صحن مطهر نشست و مراقبت نظم و ترتیب عزاداران نمود. بتاییدات خداوندی و توجهات ائمه اطهار علیهم السلام و با قبال ابد اتصال

اقدس اعلی ارواحنا فداه نوع عزاداری کامل از سینه زدن و قمه زدن و اقسام شبیه از خروج از مدینه تا شهادت و اسیری اهل بیت و غیره و غیره بعمل آمد در حالی

در عراق عرب عشر آن را کسی یاد نداشت. اقلاً بیست هزار جمعیت در صحن بود. شبیه‌های شهدا و شبیه‌های لشکر مخالف این همه در میان این جمعیت بهم آمیختند

جنگ کردند. قریب بهفتصد نفر قمه زده بودند. صدائی از کسی بلند نشد. شیعیان تبعه عثمانی هم در اقسام عزاداری بهیچوجه فروگذاری نکردند. با جرئت تمام و اعلا کوئی

کامل بعمل آمد. حتی عثمانیها که هیچکدام این حرکات را اجازت نمیدادند و می‌ترسیدند اظهار تشکر و امتنان از مراقبت و اهتمامات کارپردازی و عدم وقوع عالم

نمودند. خداوند ذات مقدس و سایه اقدس همایون شاهنشاه حامی دین اسلام ارواحنا فداه و اولیای دولتش را پاینده و دولتش را فزاینده و برقرار فرماید

که در سایه معدلتش روز بروز بترویج دین مبین علی رغم حاسدین افزوده شود. زیاده جسارت است. امر عالی ارفع افخم مطاع

شمارهٔ سند: ۸۳۸
موضوع: عزاداری سیدالشهداء در دههٔ محرم
نمره: ۲۷۲
تاریخ: ۱۹ محرم ۱۳۱۷ هـ . ق
کارتن: ۱
پرونده: $\frac{۱۱}{۱}$

نامهٔ سفارت ایران در اسلامبول (علاءالملک) به وزارت خارجه

برحسب معمول سنواتی در دههٔ عاشورا در چند باب کاروانسرای تجار ایرانی نشین اسلامبول مجالس روضه و دسته های سینه‌زن منعقد و بر پا بود برای سدّ وقوع پارهٔ احتمالات متصوره و زد و خورد و نزاع در هر کاروانسرا و به هر دسته سینه‌زن قوّاص گماشته سپردم مراقبات کامله در انتظام محافل و حسن ادارهٔ مجالس عزا به‌عمل آوردند گاهی هم در این مجلسها از طلاب و سایر طبقات عثمانی و خفیه می آمدند. به حمداله تعالی در کمال نظم و شکوه مجالس روضه به آخر رسیده و در ختم مجلس عموم اهالی به طیب خاطر و به جان و دل مزید عمر و اقتدار و دوام سلطنت بندگان اعلی حضرت قدرقدرت اقدس همایون شاهنشاهی ارواحنافداه را از خداوند متعال مسئلت می‌کردند. در شب عاشورا هم دسته های قمه‌زن به رسم معمول قمه زده و عزاداری‌های خود را به دعای دوام دولت جاویدمدت ختم نمودند، شکوه و انتظام این مجالس درج روزنامه های ترکی و فرانسه شده بود، اطلاعاً عرض شد بعضی از سفرا و مأمورین خارجه در شب عاشورا برای تماشای قمه‌زنها به خان والده آمده بودند به توسط مأمورین سفارت کبری محترماً پذیرفته شده یکی از فرنگی ها و زنش بعد از دیدن قمه‌زنها ضعف کرده مدهوش افتادند و آنها را به حال آوردند، دستهٔ تبریزی‌ها با دستهٔ شبستری فی الجمله گفتگویی نموده خیال نزاع داشتند قونسول ملتفت شده فوراً جلوگیری کرده به توسط گماشتگان ژنرال قونسولگری صلح و سازش کردند و به حمداله تعالی به خیر گذشت. از اول دههٔ عاشورا تا انقضای دهه به قدری متزلزل و حواسم پریشان است که مبادا از این عوام بی تربیت حرکت مخالف انسانیت سرزند که حدی ندارد و در این چند روزه خواب آسوده ندارم و ساعتی نیست که از خیال آنها آسوده باشم به حمدالله که به خیر و خوبی گذشت و فراغت

خاطر حاصل شد.

محمود

[حاشیه:] خیلی خوب

ملاحظه شد

۱۹ شهر محرم ۱۳۱۷

نمره ۲۷۳

برحسب معمول هذه السنه در دهه عاشورا در چند باب کاروانسرای تجار ایرانی نشین اسلامبول مجالس روضه
و دسته‌های سینه‌زن منعقد و برپا بود برای رسته وقایعی که همه ساله مدت منعقد و زد و خورد در میانه
در هر کاروانسرا و هر دسته سینه‌زن قراولی گماشته سپردم مراقبت کامله در انتظام مجالس و حفظ اهالی
مجالس عزا بعمل آورده که هیچ‌گاه در این مجالس از طلاب و سایر طبقات عثمانی‌ها چنانچه می‌آمدند
بحمدالله تعالی در کمال نظم و شکوه مجالس روضه بخیر رسیده و در ختم مجالس عموم اهالی [illegible] خاطر [illegible]
مزید عمر و اقتدار و دوام سلطنت بی‌زوال اعلیحضرت قدر قدرت اقدس همایون شاهنشاهی ارواحنا فداه را
از خداوند متعال مسئلت می‌کردند در شب عاشورا هم دسته‌های قمه‌زن برسم معمول قمه زده
و عزاداری [illegible] [illegible] [illegible] جاویه مدت ختم [illegible] شکوه و انتظام این [illegible]
در جرائد و روزنامه‌های ترکی و فرانسه شرح لطیفه‌ها عرض شد [illegible] مأمورین خارجه
در شب عاشورا برای تماشای قمه‌زنها نجبا و اهل [illegible] توسط مأمورین سفارت تذکره
[illegible] زیر قسمت یکی از فرنگیها در نمایش [illegible] قمه‌زنها ضعف کرده بی‌هوش
دفعاتی و آنها را بحال آورده [illegible] دسته ترکی‌ها با دسته شبستری فی الحقیقه [illegible]
نموده خیال نزاع داشته متفرقه شد فوراً جلوگیری کرده توسط [illegible] قونول‌بای
[illegible] صلح و [illegible] کردند و الحمدلله تعالی بخیر گذشت
از اول دهه عاشورا تا انقضای دهه [illegible] و احترام ایرانیان را
[illegible] مبادا از این عوالم بی‌تربیت حرکتی مخالف [illegible]

[illegible]

دون اقشام استانبولده مقیم تبعهٔ ایرانیه طرفندن
معتاد قدیم وجهله ولده خانده مراسم تعزیت ایفا
ایدلمشدر. خانك دیوارلرینه سراپا سیاهلر اورتولمش
وچابچاقانوسلر بالاشعال پك حزین بر منظره وجوده
کلمندی. او حزن ایچنده مرثیه خوان اولانلر مؤثر
وحزن انکیز صدالریله ترنمه باشلایه رق خانك
درونه داخل اولوب دفعاتله اطرافنی طولاشدیلر.
اوقودقلری مؤثر ودلسوز مرثیه لر حاضرونی
اشکریز تأثر ایلدی.

ایران سفیر کبیری علاء الملك دولتلو میرزا محمود
خان حضرتلری وسفارت مأمورینی مراسم تعزیتده
حاضر بولندقلری کبی بعض سفارات مأمورینی ایله
معتبران اجانب حاضر ایدیلر. قافله لر اوکلرنده مشعله لر
بولندیغی حالده خانه کیروب مؤثر وحزن انکیز مرثیه
لریله دمسار تأثر اولدقلری اثناده (دبستان ایرانیان)
مکتبی شاکردانی معصومانه بر ادا ایله وقعهٔ جکرسوز
شهادتی تصویر ایلدیلر. ایام ماتمك ختامی حسبیله
ایران تبعه سندن اولان اصحاب ثروت ویسار
طرفندن فقرا اطعام اولنمش ومحتاجینه صدقات
ابذال ادلمشدر.

١١٠

٧ بوکون تبعهٔ ایرانیه اسکدارده واقع
دره بسله حزینتله مراسم ماتمی اکمال ایده جـ

شمارهٔ سند: ۸۳۹
موضوع: صادر کردن ملعوقه فرمانی برای آقا سیدصالح زیارت‌نامه خوان
تاریخ: ۲۶ سفر ۱۳۱۷ هـ . ق
کارتن: ۶
پرونده: $\frac{۱۱}{۴۲}$

خلاصهٔ نوشتجات ناظم‌الملک کارپرداز بغداد

آقا سیدصالح زیارتنامه‌خان [خوان] کاظمین(ع) از سادات نجیب است و در کاظمین(ع) به قدر یک مأموری به کار زوار می‌خورد و پارسال در خدمتگزاری حجاج و زوار خیلی زحمت کشید وعده مرحمتی هم به او شده بود، مستدعی است ملعوفه فرمانی صادر گردد که مشارالیه را به زیارتنامه‌خوانی مخصوص کار پردازی مفتخر نمودیم اسباب مزید دعاگویی و اهتمام او در خدمت خواهد بود.

[حاشیه، دستخط مظفرالدین شاه:]
ــ چه عیب دارد ملعوفه فرمان بدهند. امضای مظفرالدین شاه

۲۶ صفر ۱۳۱۶

آقا سید صالح زیارت نامه‌خوان کاظمین ع و از سادات نجیب است و در کاظمین مستقر بیک تا معوار

بلکه از زوار میخورد و پایمال در حضر شکفر ازین حاج در زوار خیلی زحمت کشیده و عده بزرگی هم با و شمعه

مستوعی است معرفی و نانخوار کعفه که شش زایری زیارت نامه خوانی مخصوص کاربردار

مشخص نموده‌ایم البته به نیز دعاگو شده و اهتمام در در خدمت خواهد بود

قربان

دلم معروض

شمارهٔ سند: ۸٤۰
موضوع: وجه تعمیر صحن کاظمین
تاریخ: ۳ ربیع الاول ۱۳۱۷ هـ . ق
کارتن: ٦
پرونده: $\frac{۱۱}{٤۲}$

خلاصهٔ نوشتجات ناظم الملک کارپرداز بغداد

جناب فاضل شربیانی می‌فرمودند برای وجه تعمیر کاظمین به طهران نوشته‌ام، شما هم یادآوری نمایید که زودتر بفرستند، مدیر اوقاف بغداد به شیخ حمید کلیددار کاظمین تکلیف کرده که ایرانی‌ها برای تعمیر صحن اجازت گرفته و تا حال اقدام نکرده‌اند، شما راپورت بدهید که اقدام نکردند تا قرار فسخ اجازت داده شود کلیددار عذر آورده بود که در صدد تدارک هستند، لهذا جسارت می‌نماید چون اجازت به اسم دولت گرفته شده تأخیرش بیش از این مناسب نیست اگر واقعاً تعمیر می‌کنند وجه تعمیرات را بفرستند که این گفتگوها رفع شود.

[حاشیه، دستخط مظفرالدین شاه:]

ـــ البته تعمیر نمایید. امضای مظفرالدین شاه

۳ ربیع الاول ۱۳۱۷

جناب باصری شرمساری نمیفرمایند بعضی وجه تعمیر کاظمین بطهران نوشته ام شما هم یادآوری نمائید وجه زیاد نمی شود

هرگاه او قاف ... شیخ ... کلیددار کاظمین تکلیف کنم در این باب تعمیر صحیح اجاره ... فعلاً حال

اقدام کنم نظر شما را عرض برسانید که اقدام کنند تا قرار فسخ اجارت ... کلیددار ... عذر ...

در صدد ... فسخ اجارت ... چون اجارت تمام ... تأخیرش بیش از این

مناسب نیست اگر واقعاً تعمیر نکنند وجه تعمیرات را ... شود ... رفع شود

شمارهٔ سند: ۸٤۱
موضوع: گرفتن حق گمرکی از زوار و حجاج ایرانی
تاریخ: ۲۳ ربیع الاول ۱۳۱۷ هـ. ق
کارتن: ٦
پرونده: $\frac{۱۱}{٤۲}$

خلاصهٔ نوشتجات ناظم الملک کارپرداز بغداد

ناظر گمرک بغداد می‌گوید در اسلامبول حکم شده هر مالی، زوار یا حاجی ایرانی در عراق عرب می خرد به هر رأس پنج لیره طلا باید گمرک بدهد و مزاحم زوار و حاجی ها می شدند فدوی به عنوان اینکه می بایست به سفارت ایران اطلاع داده که به مأمورین جزء بگوید تبعه و زوار را اعلان کنند مالی نخرند، مراسله هم به والی بغداد نوشت والی و ناظر را مشغول مذاکرات کرده تمام زوار و حاجی به آسودگی رد شدند رسم معمولی هرساله را هم ندادند لکن قرار صحیحی بدهید برای آسودگی زوار و الا مالهای خود زوار را هم که از ایران آورده‌اند به اسم خریداری از عراق عرب مزاحم می شوند و اسباب دردسر خواهد شد به سفارت کبرای اسلامبول نیز اطلاع داده‌ام.

[حاشیه، دستخط مظفرالدین شاه:]

ـــ با سفیرکبیر گفتگو شود به علاء الملک هم بنویسند که تا حال چنان معمولی نبوده است.

امضای مظفرالدین شاه

۱۳۱۷

۲۳ ربیع الاول

ناظر گمرک بندرلنگه که در این سال حکم شده از هر زوار یا حاجی ایرانی در عراق عرب [illegible]

به هر رأسی پنج لیره طلا بابت گمرک بگیرد و مزاحم زوار و حجاج شده به قدری [illegible]

جناب [illegible] سفارت ایران اطلاع حاصل [illegible] با دولت خود [illegible] تبعه [illegible] را اعاده کنند

ولی [illegible] در این باب [illegible] نوشته [illegible] و ناظر را [illegible] که تمام زوار و حجاج [illegible]

[illegible] رسم معموله هر ساله را [illegible] قرار [illegible] زوار و اهالی [illegible]

[illegible] ایران [illegible] باسم [illegible] از عراق عرب مزاحم [illegible] در [illegible] سفارت

کبرای [illegible] اطلاع [illegible] ام

[illegible]

شمارهٔ سند: ۸۴۲
موضوع: استشهاد جمعی از فقها و علما در باب فوت محمدخان یزدی
تاریخ: ۱۷ جمادی الاول ۱۳۱۷ هـ . ق
کارتن: ۶
پرونده: ۱۱/۵۱

نامهٔ عده‌ای از علما و فقها به وزارت خارجه

استشهاد و استعلام می رود از فقهای گرام و علمای عظام کثرالله امثالهم و امنای دولت ابدمدت که مرحوم مغفور محمدخان یزدی طاب ثراه اکنون سه سال است به رحمت ایزدی پیوسته چون الحال سه سال آن تمام است و می خواهند جنازهٔ آن مرحوم را به عتبات عالیات حمل نمایند.

لهذا خدمت آقایان عظام زحمت می دهد که هر کس اطلاع دارد از زمان فوت آن مرحوم تاکنون سه سال گذشته و مدت مزبور منقضی گشته شهادت خود را در حاشیهٔ این ورقه مرقوم و به خاتم شریف مختوم فرمایند که عندالحاجه حجت بوده باشد. فی ۱۷ شهر جمادی الثانی ۱۳۱۷.

حاشیه:

ـ من الشاهدین بذلک ـ احمد الحسینی

ـ این بنده مراتب مسطوره شاهدم ـ شوکت نظام

ـ این بنده در مضمون مسطور متن شهادت دارم ـ عماد دفتر

ـ به مضمون مسطور متن شهادت دارم ـ عیوب مستشار

ـ مهر معتضد دیوان

ـ این اقل خلق‌الله به طوری که در متن نوشته شده شهادت دارم و مطلع می باشم ـ حاکم الشریعه

ـ اقل السادات به مراتب متن شهادت دارم ـ خطیب الممالک

ـ مرحوم محمدخان یزدی طاب ثراه سه سال تمام است که به رحمت ایزدی پیوسته است الحقارالاقل الحاج محمدحسین ... ـ عبده الراجی محمدحسین.

هو، مرحوم مغفور محمدخان یزدی طاب ثراه سه سال است که به رحمت ایزدی

پیوسته و این بنده خود در تجهیز و تکفین آن مرحوم حاضر بودم ــ صدق الملک

ــ به مراتب مسطورهٔ متن شهادت دارم ــ موثق الدوله

ــ انا من الشاهدین علی ذلک ـ حاجب الدوله

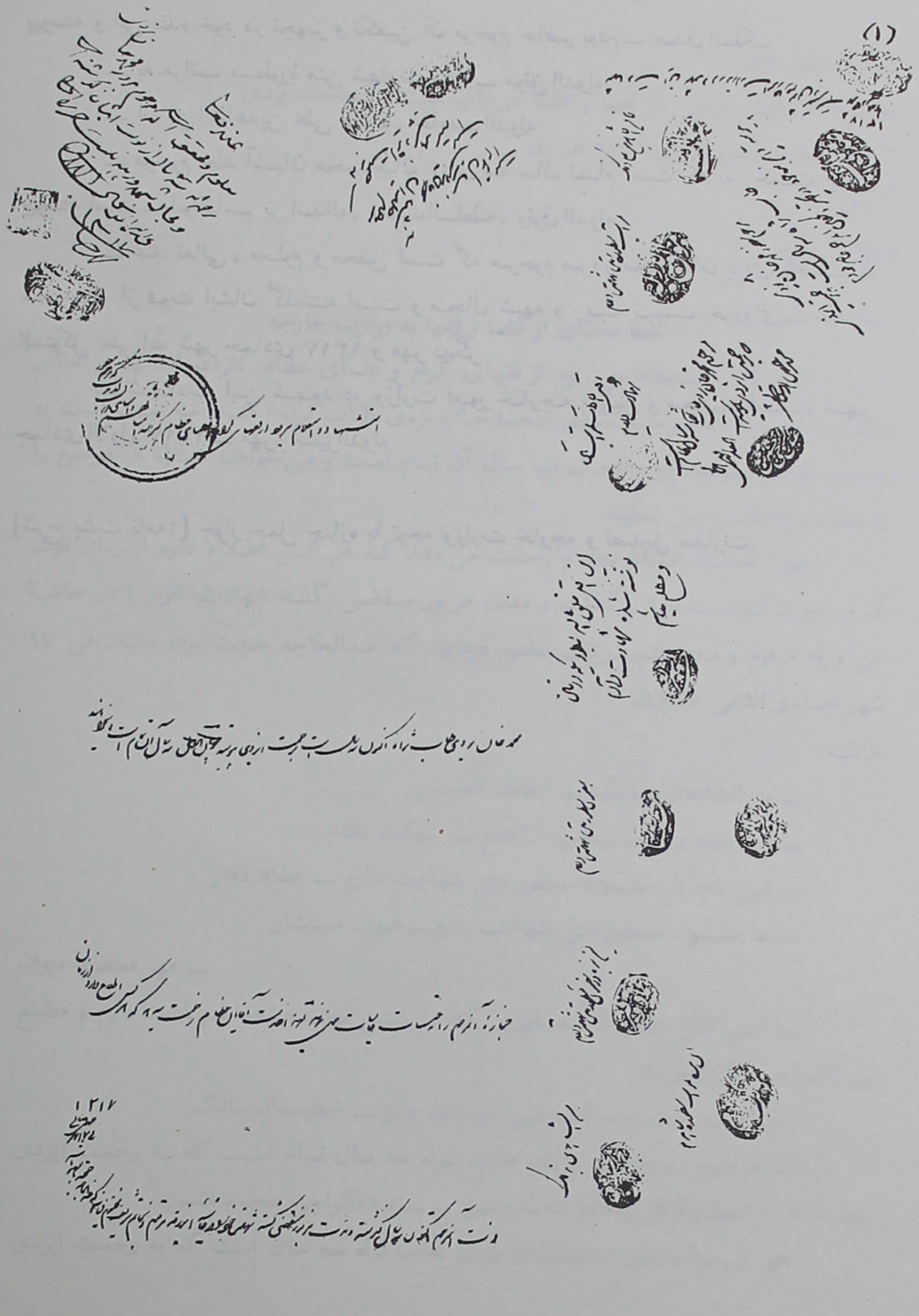
ــ مرحوم خلد آشیان محمدخان یزدی سه سال تمام است که به رحمت ایزدی پیوسته است ــ ابوالقاسم بن اسداله، معتمد السلطنه، وثوق الدوله

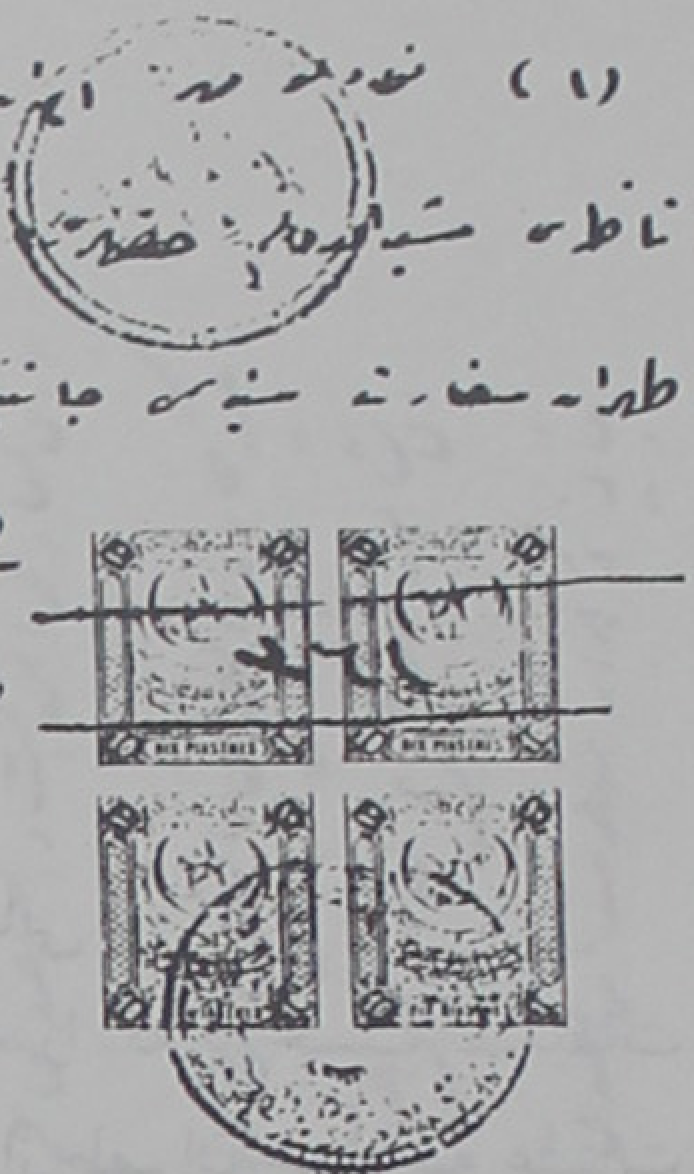
ــ عند تعالی، معلوم و محقق است که مرحوم مبرور محمدخان یزدی رحمت الله سه سال از فوت ایشان گذشته است و مجال شبهه و ریبه نیست حرره‌ای ــ عبدالله المتوکل علی الله شهر جمادی ۱۳۱۷ و مهر دیگر

ــ شهادت این شهود در وزارت امور خارجه موثق و معتبر است، شهر جمادی الاول ۱۳۱۷ ــ مهر: مشیرالدوله

[شرح پشت نامه:] جواز حمل جنازه با توجه وزارت خارجه و تصدیق سفارت.

(۱)





حق جايز

(١) نقوده مهر اولنه وزارت خارجيه ناظري مشير الدوله حضرتلري مهر تحقيق اولنديغي
طهران سفارت سنيه سي جانبندن تصديق قلنور —
٢٤ ايلول ١٣٠٥
طهران سفارت سنيه سي اوجنجي كاتبي
حسن رضا



شمارهٔ سند: ۸۴۳
موضوع: اشکالتراشی مأمورین قرانتینهٔ عثمانی برای عبور جنایز
نمره: ۴۶۵۲ - ۱۳۵
تاریخ: ۱۹ شعبان ۱۳۱۷ هـ. ق
کارتن: ٦
پرونده: $\frac{۱۱}{۵۱}$

سواد مراسلهٔ وزارت خارجه به سفارت عثمانی

از قرار راپورت واصله از خانقین جنایز کهنهٔ سه ساله را که بر حسب تصدیقات علما و تمبر و امضای سفارت کبرای دولت علیهٔ عثمانیه از طهران حمل به عتبات عالیات می‌شود، مأمور قرانتینه خانقین به این بهانه که جنازهٔ مزبوره در حال عظام* نیست اذن عبور نداده در خود خانقین دفن می‌نماید و این گونه رفتار مأمورین قرانتینه نسبت به جنایز محترمین که شهادت موثقه سه‌ساله بودن آن را اثبات می‌نماید موجب حدوث مشکلات و سلب اطمینان صاحبان جنایز از تصدیقات وزارت خارجه و آن سفارت کبرا شده است و البته تصدیق خواهند فرمود که در حمل جنایز سه‌ساله نظاماً جای اشکال نیست و همان که جمعی سه‌ساله بودن یک جنازه را تصدیق نمودند وزارت امور خارجه و سفارت عثمانی امضا کردند تمرد مأمور قرانتین از اجرای آن شایسته به نظر نمی‌آید.

لهذا با کمال احترام زحمت‌افزا و خواهشمند است که اوامر لازمه در منع این تعرضات از این قبیل جنایز که ارائه شهادت‌نامه مصدق می‌نمایند صادر و ابلاغ فرمایند که بعد از این منع و تأملی از طرف مأمورین قرانتینه در عبور جنایز به عمل نیاید در این موقع احترامات فایقه خود را نسبت به آن‌جناب جلالت‌ماب عالی تجدید می‌نماید.

(مشیرالدوله)

* به معنی: استخوانها.

۴۶۵۲
۱۳۵

سواد مراسله وزارت خارجه به سفارت عثمانی

۱۹ شهر شعبان ۱۳۱۷

از قرار راپورت واصله از خانقین نعش زن کهنه سه ساله را که بر حسب تصدیقات علماء و مهر و امضاء سفارت کبرای علیه

عثمانیه از طهران حمل به عتبات میبردند مأمور قرانتینه خانقین مانع به بهانه که جنازه مزبوره در حال عطالت است اذن عبور

نداده و در خود خانقین دفن نموده اند اینگونه رفتار مأمورین قرانتینه البته بی‌جهت و مخالف شهادت و تصدیقات سه ساله

بودن از اثبات می‌نماید بر حسب موجب کدورت و سبب اطمینان صاحبان جنازه از تصدیقات وزارت خارجه

و آن سفارت کبری شده است و البته تصدیق خواهند نمود در حمل جنازه سه ساله نعش حال انتقال ندارد و هرگاه حمل سه ساله بودن

یک جنازه را التصدیق نمودند وزارت امور خارجه و سفارت عثمانی امضا داده‌اند تردید مأمور قرانتین از اجرای

آن شایسته بنظر نمی‌آید لهذا با کمال احترام زحمت افزا و خواهشمند است که اوامر لازمه در منع این تعرضات از اولیای قنسول

خانه که در آنجا شهادت‌نامه به تصدیق ممالک عثمانیه صادر و ابلاغ فرمایند که بعد از این منع و تأمل از طرف مأمورین

قرانتینه در عبور جنازه نشده باشد در موقع احترامات فائقه خود را البته بآن جناب جلالتمآب تجدید می‌نماید (نمره ...)

شمارهٔ سند: ۸٤٤
موضوع: تسهیلات مسافرت حجاج
نمره: ٤۲۹
تاریخ: ۲۹ شعبان ۱۳۱۷ هـ . ق
کارتن: ٦
پرونده: $\frac{۱۱}{۳۰}$

نامهٔ سفارت ایران در اسلامبول به وزارت خارجه

به مناسبت نزدیکی زمان حج فرامین چندی در توصیهٔ حجاج از طرف اعلی حضرت سلطان به عهدهٔ ولاة بغداد و شام و طرابوزان و ارض روم صادر کرده نزد کار پردازهای این محال فرستادم که ابلاغ نموده موجبات تسهیل مسافرت و نیل به مقصود و رفاهیت حاج را که منتج دعاگویی به ذات ملکوتی صفات بندگان اعلی حضرت اقدس همایون شاهنشاهی ارواحنافداه را به عمل بیاورند.

محمود

[حاشیه، دستخط مظفرالدین شاه]

ـ خیلی خوب

جواب

۲۹ شهر شعبان سنه ۱۳۱۷

نمره ۴۲۹

بمناسبت نزدیک شدن حج فرمایش جنابعالی در مورد حجاج از طرف اعلیحضرت سلطان معظم [illegible] به تعداد

و شام و طرابلس و ارض روم صادر گشته نزدیک [illegible] این سال فرستادیم [illegible]

نموده موجبات تسهیل [illegible] رسیدن بمقصود و زیارت حجاج را [illegible] دعاگوئی

بذات ملکوتی صفات [illegible] اعلیحضرت قدر قدرت همایون شاهنشاهی ارواحنا فداه [illegible]

محمود [illegible]

شمارهٔ سند: ۸۴۵
موضوع: تسهیلات مسافرت حجاج
نمره: ۵۶۸۵
تاریخ: ۱۶ شوال ۱۳۱۷ هـ . ق
کارتن: ۶
پرونده: $\frac{۱۱}{۳۰}$

سواد کاغذ وزارت خارجه به علاء الملک سفیرکبیر دولت علیه ایران مقیم اسلامبول

اقداماتی را که در خصوص امور حاج و صدور فرامین از طرف اعلی حضرت سلطان به ولایات خاک عثمانی در رفاهیت و تسهیل عبور آنها به عمل آورده، مرقوم داشته بودید مستحضر و خوشوقت شدم و خاطر بندگان اقدس ملوکانه روحنا فداه هم مراقبات و اهتمامات مبذولهٔ جناب عالی قرین خوشوقتی و رضا است. (نصراله مشیرالدوله)

ع
۲۷۲۲

نزد کاغذ وزارت خارجه بعد از تلگراف شفر کرد رئیس علیه انگلیس مقیم اسلامبول

۱۶ شهر شوال المکرم ۱۳۱۷

۵ هـ ۸۵

قبلهٔ عالما تلگرافی را که در خصوص ورود حجاج و صحیه در قریش از طرف اعلیحضرت سلطان درباره ممالک عثمانی در رقابت و تسهیل عبور آنها
بعمل آمده مرقوم داشته بودید بسفیر کبیر تلگراف شد و خاطر نشان کرد که این قبیل ملوکانه رعایت فرموده هم در رقابت و اهتمام ما
بنده را بجانب عالی مزید خوشوقتی و رضایت است (نصرالله مشیرالدوله)

شمارهٔ سند: ٨٤٦
موضوع: روشنایی تبعهٔ متبرکه امامزاده محمد پسر حضرت امام علی النقی (ع)
تاریخ: ندارد (احتمالاً ١٣١٧ هـ. ق)
کارتن: ۵
پرونده: ١١

عریضهٔ دعاگو حاجی میرزا محمد ذوالریاستین ساکن سامرا به مظفرالدین شاه

عرضه داشت اقل دعاگو به خاکپای جواهرآسای اقدس شاهنشاه جمجاه اسلام‌پناه خلدالله ملکه آن است، که امامزاده واجب‌التعظیم حضرت سیدمحمد پسر حضرت امام علی النقی علیه السلام است در جلالت شأن و نبالت و بزرگواریش زبان قاصر است، صاحب کشف و کرامات و مرقد منورش زیارتگاه زوار و اهل بادیه از عرب و عجم، از دور و نزدیک و مجاوران بقعهٔ متبرکه و سکنهٔ اطراف پیوسته به زیارت آن بقعهٔ شریف مشرف اند در شش فرسخی ثرمن رای واقع شده ثانی حضرت ابوالفضل است بعضی از تعمیرات لازمه را بانیان خیر بنا نمودند مشغول اند ولیکن تا به حال روشنایی چراغ ندارد و استدعا از مراحم و عواطف ملوکانه آن است محض سلامتی وجود مبارک اعلی حضرت اقدس شهریاری روحنا فداه دستخط آفتاب نقط شرف صدور یابد اسباب روشنایی و چراغ این بقعهٔ متبرکه منتظم شود و تولیت چراغ او را مرجوع و محول به این دعاگو و غلامزاده میرزا مهدی فرموده اگرچه در سابق به استصواب مرحوم امین الملک به خاکپای جواهرآسای مبارک عرض می شد از قرار معلوم دستخط مبارک شرف صدور یافته ولیکن دعاگو مبتلا به ناخوشی جوان سی ساله بوده نتوانست رسیدگی نماید آخر فدا شد ترحم به این پیر شکسته فرموده که سالها خدمت به دولت و ملت نموده، الحال دو سال است در دارالخلافهٔ طهران با حال پریشان با کثرت عیال به علاوه مصیبت این جوان پربالم گسسته شده، الامرالاجل الاقدس مطاع مطاع.

محل مهر: ذوالریاستین

[حاشیه، دستخط مظفرالدین شاه]
ـــ هو، جناب اشرف صدراعظم، برای چراغ امامزاده علیه السلام یک مبلغی که

خودتان صلاح دانسته معین کنید که به توسط ذوالریاستین به مصرف چراغ آنجا برسد.
امضای مظفرالدین شاه

عرض می‌شود [illegible] که [illegible] جناب [illegible] اسلام [illegible] که [illegible]

دعاگو میرزا مهدی [illegible]

پسر حضرت امام محمد تقی علیه السلام است در جلالت شأن و نبالت و بزرگواری ایشان تا مرتبت صاحب [illegible]

[illegible] عمارت [illegible] بقعه [illegible]

بقعه شریفه متبرکه [illegible] حضرت [illegible]

[illegible]

[illegible]

منظم [illegible] رجوع [illegible] دعاگو [illegible] میرزا مهدی [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

شمارهٔ سند: ۸۴۷

موضوع: تبریک ورود موکب شاه

تاریخ: ندارد (احتمالاً ۱۳۱۸ هـ . ق

کارتن: ۵

پرونده: $\frac{۱۱}{۲۰}$

تلگراف نظام‌العلما عراق عرب به وزارت خارجه

قربانت گردم، امیدوارم وجود مبارک در امان خداوند تبارک و تعالی و در پناه حضرات ائمه اطهار علیهم السلام محروس و محفوظ و همواره در ظل مرحمت اعلی حضرت قدرقدرت ظل اللهی ارواحنافداه و در کنف حمایت و لطف حضرت اشرف اعظم صدارت دام اقباله العالی ممتاز و منتخب باشید، اگرچه تلگرافاً اظهار دعاگویی و عرض تبریک به خاکپای اقدس همایون شاهنشاهی خلدالله ملکه و سلطانه و حضور مبارک حضرت اشرف اعظم نموده ولی حقیقتهً سزاوار است خدمت حضرت عالی تبریک و چشم روشنی نزول و تشریف قدوم همه را عرضه دارم، ان‌شاءالله در اقرب زمان بعد از مراجعت از این سفر بر ترقیات کامله و امتیازات و حیثیات فائقه حضرت‌عالی افزوده باد، زیاده عرضی ندارد ایام دولت مستدام باد.

داعی، نظام العلما

مهر نظام العلما

قربت کردم امیدوارم وجود مبارک در ظلال خیرات و مبرات باری تعالی

و در پناه حضرات ائمه اطهار علیهم السلام محروس و محفوظ و همواره در ظل مرحمت اعلیحضرت قدر قدرت اقبال

ظل اللهی ارواحنا فداه و در کنف حمایت و لطف حضرت اشرف اعظم صدارت پناه دام اقباله العالی

متمتع و منتخب باشید اگرچه تشکر از اظهار دعاگوئی در عرض مبارک کمال ادب اقدس همایونی

شاهنشاهی خلدالله ملکه و سلطانه و حضور مبارک حضرت اشرف اعظم نمیشود ولی تحفه

سزاوار است خدمت حضرت مستطاب تبریک و چشم روشنی ورود و تشریف قدوم همه را کامله

عرضه دارم ان شاء الله در اقرب زمان بعد از مراجعت از این سفر زیارات باز ... ایام

دوام ذات و حیثیات فائقه حضرت مستطاب را از درگاه باری عرضی ندارد ایام

داعی نظام العلماء

شمارهٔ سند: ۸۴۸
موضوع: پاسخ علاء الملک در باب شکایت حجاج و شیخ الاسلام
نمره: ۵۹۶
تاریخ: ۱۵ شعبان ۱۳۱۸ هـ . ق
کارتن: ۵
پرونده: ۱۱/۱۹

نامهٔ علاء الملک به وزارت خارجه

در باب شکایتی که حجاج عموماً و شیخ الاسلام ترشیز، خصوصاً از ذوالفقار بیک مأمور جده کرده‌اند و صورت دو فقره شکایتنامهٔ آنها را ارسال فرموده بودید ملاحظه نمودم، اولاً به این شکایت دو طبقه محرک هستند یکی آنهایی که طالب این مأموریت هستند و از وضع رفتار آنها متنفر و از هر جا رانده و مانده‌اند، نمی‌شود مأموریت داد دستشان از هر جا بریده به روزنامجات خبر می دهند، این اخبارات را می نویسانند، دیگر عکامها هستند که مال به حجاج کرایه و در هر منزل به هزار زحمت آنها را مبتلا کرده پول می‌گیرند و مردم را به حرفها و تهمتها از مأمورین متنفر می‌کنند که نزدیک نیایند و شکایت نکنند و آنها هرچه گرفته و کرده‌اند در میان برود، دویم عقل میزان کارهاست در این شکایتنامه می نویسند قایقچی از ما این‌قدر حمّال فلان قدر گرفت و با مأمور شریک هستند می روند قسمت می‌کنند سال گذشته قیمت قایق و حمّال فلان قدر بود، مثل آن‌که سال قبل هم آمده دیده بودند، مگر حکومت و اختیار ولایات عثمانی را به مأمور ایرانی سپرده‌اند و هیچ پولیس [پلیس] و مواظبت ندارند که مأمور ایران در داخلهٔ قایقچی و حمال را داخل تحت اطاعت خود کرده با آنها شریک بشود تا دلش هرچه خواست بکند اگر قایقچی و حمال تبعهٔ عثمانی چیز علاوه گرفت خودش می خورد مجبوریتش کجاست که با مأمور ما قسمت نماید، در طهران سفیر انگلیس می تواند به حمال ایرانی بگوید که برنج به فلان قیمت باید حکماً به سفارت من حمل و نقل بکنی تا مأمور ایران با قدرتی که دارد این حکم را بکند زبان از گوشت است و میدان تهمت وسیع، کسی هم به دهن کسی نمی زند هرچه دلش می خواهد می‌گوید چاره چیست، اغلب حجاج از اسلامبول برمی‌گردند پس چرا این شکایتها را به سفارت نمی آورند مانده

پول تذکره، اگر او را هم مأمور ایران نگیرد از کجا کرایهٔ ذهاب و ایاب و اقامت و شام و نهار آدم و نوکر و خرج پذیرایی عثمانی ها را برساند هیچ کس مفت حمّالی نمی‌کند وانگهی دول دیگر که به مأمورین خود مخارج کافی می دهند از مردم به هزار اسم و رسم مالیات می‌گیرند که ابداً در ایران متداول و معروف هم نیست چه می شود حاجی مستطیع در عمرش یک سفر کرده پنج تومان به مأمور دولت خود حق الزحمه و حراست بدهد اگر تازه جوانها فراموش کرده‌اند از یاد معمّرین نرفته است آن وقتی که مأمور و بیدق و غیره در این محلها نبود چگونه جان و مال همه در خطر بود و چه به آنها می‌گذشت حالا که به راحتی رسیده‌اند برای اینکه سه تومان زیاد خرج نموده‌اند فریادی آورند وانگهی ابداً از آدمهای دانا و مطلع و منصف فریاد بلند نمی‌شود برعکس چند نفر از دور و نزدیکها تعریفها و رضایت می‌کنند این حرفهای بی پا و تهمتهای بیجا از آدمهای بی سروپا است، اینکه می‌گویند قونسول و مأمور در فلان ماده شریک است از کجا و به چه سند، از اثبات بگذریم، یکی قرآن جلو بگذارد قسم بخورد که علم و اطلاع دارم این طور است هرچه می خواهند بنده جبراً از مأمور گرفته به آنها بدهم ولی به تهمت و ادعا به چه دست‌آویز و دلیل دنباله می توان داد.

آنکه شیخ الاسلام ترشیز است هیچ شده که کسی در سه روز مسافت به قول خودش هزار و پانصد تومان را به آب انداخته آمده در خشکی یقهٔ مامور جده را گرفته است که تو گرفتی خوردی اولاً آن‌قدر که پول افتاد چرا دوباره با قایق برگشته به کنار عودت نکرد که خودش آدم انداخته خورجین را دربیاورد، دویم کدام مأمور ناکس است که تلغراف [تلگراف] خشک و خالی را در دست آوردن مال او مضایقه نماید، از اینها گذشته اسم کاپیتن کدام است، اسم کشتی چیست، اسم حکیم چیست، در جایی ضمیر است به کجا عاید است مگر کشتی یکی است کاپیتان یکی است به سفیر انگلیس باید بنویسیم در چه تاریخ کدام کشتی و کدام کاپیتان خلاف حرکت بی معنی را کرده است، از اینها گذشته جناب شیخ الاسلام از کجا می داند حکیم کرانتین این پول را درآورده و احمق از سه روزه راه نصفش را فرستاد به مأمور جده در کنار دریا هر جا یک نفر رئیس ادارهٔ لیمان است یک نفربیکجی است یک نفر پولیس [پلیس] یک نفر رئیس قایقچی یک نفر مأمور بحریه غیر از قراول و آدمهای متفرقه اگر حکیم سحر کرده رفت پول را درآورد کسی ندید چرا با مأمور جده قسمت می‌کند، چرا اقرار بر

این کار و دزدی می نماید، اگر در حضور جمعی است او را نمی‌گذارند پول درآورده خودش مالک باشد می برند نزد رئیس پولیس [پلیس] او می برد نزد متصرف یا والی یا قایم مقام و او به کاغذ این قدر می فرستد تا به محلی که لازم است برسد نباید صحرای کبیر را قیاس به امور مملکت خارجه نمود، حالا شیخ الاسلام است کسی که دهنش را نگرفته است هرچه می خواهد بگوید دلیل به اثبات مطلبی نمی شود باری ذوالفقاربیک در ازمیر بود نوشتم بیاید بدانم چه تفصیلی است و تا اسامی و تاریخ معلوم بشود هیچ گونه تحقیق ممکن نیست اسم کاپیتن کشتی را مقرر فرمایید بنویسند، بنویسید در تقریر رسمی اسم نوشتن مجبوری است. محمود

[حاشیه، دستخط مظفرالدین شاه:]

جناب اشرف اتابک اعظم، خوب است وزیر در این مسائل رسیدگی و مداقه نماید و به هر طور مقتضی است جواب علاء الملک را حقاً بدهند و اگر صحیح عرض کرده است مردم چرا باید این عنوانها را بکنند.

امضا: مظفرالدین شاه

۱۵ شهر شعبان المعظم ۱۳۱۸

۵۹۶

درباب شکایتی که حجاج عموماً و شیخ الاسلام تبریز خصوصاً از دو نفر قاریک مأمور جده کرده‌اند حضرت

در فقره شکایت نامه آنها را در سال قبل هم بعد ملاحظه فرموده‌اند اولاً این شکایت که طبیعه

محرک همیشه یکی دو نفر است که طالب این مأموریت هستند و از وضع رفتار آنها متنفر و از جا

رانده و مانده‌اند نمی‌شود مأموریت داد و ایشان از هر جا رسید روزها سعایت حرف می‌آید.

این اخبارات را تولید می‌نمایند دیگر عکامها هستند در حال بحجاج کرایه دواب در هر منزل هزار

زحمت آنها را متحمل کرده پول میگیرند و مقوم را الحرفها و تهمتها از مأمورین متنفر می‌کنند

که نزدیک نیایند و شکایت نکنند و آنها هرچه گرفته و کم‌اند در میان برود دیگر

عقیده‌ام آن کارها است در این شکایت نامه می‌نویسند قاچاقچی از ما تعدی حمال ملا نقد بقدر

گرفت و با مأمور شریک هستند یا بردند قسمت می‌کنند سال گذشته قیمه قایق و حمال

ملا نقد تر بود شتی اینکه سال قبل هم آمده بود مگر حکومت و جهات رد دولت عثمانی را

به مأمور ایرانی سپرده‌اند و هیچ پولیس و مواظبت ندارند در مأمور ایران در داخله قاچاقچی و حمال را

و جمعی تحت اطاعت خود کرده آنها سر تمکین نکنند تا دلش هرچه جرات بکنند

اگر قاچاقچی و حمال تبعه عثمانی چیزی علاوه گرفت خودش می‌خورد مجبور نیستش کی است که

با مأمور قسمت نماید در طهران سفیر کبیر عثمانی می‌تواند به تجار ایران بگوید در بیخ نقدش قیمه

با هر جا هرگاه نسبت به مأمور جمع و نقص بکنی تا مأمور ایران با قدر تکیه دارد این حکم را بکند.

زبان از گذشت لت و سیدان تهمت و سیع کسی به من کسی نمی‌زنند هرچه دلش بخواهد بگوید چاره چه صحبت

اغلب حجاج از اسلامبول بر می‌گردند پس چرا این بیچاره‌ها را سفارت نمی‌دهند ما هم دل

هر که اگر او را هم مأموران نگیرند از کجا کرایه ذهاب و ایاب و اقامت و شام و نهار

لازم و دیگر خرج مریضانه عثمانیها را بدهند هیچ کس منفعت حمالی نمی‌کند و انگهی چه دل دیگر دارد مأمورین

خود خارج کافی بدهند از مردم هزار اسم و رسم مالیات می‌گیرند در ابتدا در ایران سه ذال و مصروف

هم نیست چه می‌شود حاجی مستطیع در عمرش یکمرتبه کرده تحقیقاتی به مأمور دولت خود حتی از چه و چرا است

بدهد اگر تازه جوانها فراموش کرده‌اند از زیاد بهترین نرفته است از قدیم مأمور و چه و غیره در

این تهها بشود چگونه جان و مال همه در خطر بود و حتی تنها می‌گذشت حالا که به راحتی رسیده‌اند

برای اینکه سه تومان زیاد خرج نبرده‌اند فریاد می‌آورند و انگهی ابرار از اوقهای در زمان مستطیع و مستضعف

فریاد بلند نمی‌شود بر عکس چند نفر از در روز دیگر تعریفها و رضایت می‌کنند انحرافهای بی یاد تهمتهای

بیجا از اوقهای بی مرد است اینکه می‌گویند حق تنول مأمور در قندان ما که شریک نیست تا زرگی

و بچه سنه از اثبات بگذریم کمی قران حلو که از دو قسم تجرد در علم داطلاع دارم انطور است که

می‌خواهد بنده چیزی از مأمور گرفته باشند هم دلیل تهمت وادار آنچه دست آوردن و دنباله

می‌توان داد اکنون شیخ الاسلام ترشیز است هیچ شده کسی در سه روز مسافت بقول

خودش هزار و پانصد تومان را آب انداخته آمد در خشکی بقیه مأمور چه را گرفته است در تو

گرفتن عزوری او تا نعتمد در دل افتاد چرا بار راه با قایق برگشته تنها رعودت نکرد خوش

لوم انداخته عزیز جان را در دیا ورد در هم که لم مأمور ناکس است در تعرف حکشش دعا را

حضرت [illegible] وزیر دربار [illegible]
[illegible] جواب [illegible] را
[illegible] مردم [illegible]
[illegible] را

اسم کشتی چیست اسم حکیم [illegible] کدام است اسم کاپیتان [illegible] از اینجا گذشته بقیه تجار [illegible] در دست آوردن مال

[illegible] باید بنویسیم [illegible] است کاپیتان [illegible] است مگر کشتی [illegible] است [illegible] در جای [illegible] چیست

از اینجا گذشته [illegible] است [illegible] حرکت خلاف کاپیتان کدام و کشتی کدام تاریخ درجه

[illegible] مامور [illegible] روزه از سه روزه [illegible] آورده [illegible] حکیم [illegible] شیخ الاسلام

[illegible] کفیل رئیس [illegible] کفیل [illegible] است [illegible] رئیس [illegible] در کنار دریا [illegible] جزیره

[illegible] مامور [illegible] پول را در [illegible] رفت [illegible] حکیم [illegible] قرار [illegible] مامور بحریه

[illegible] پول در [illegible] است اگر در [illegible] قسمت

[illegible] قائم مقام [illegible] رئیس پلیس [illegible] خودش

[illegible] مملکت خارجه [illegible] فرستاده [illegible] تقریر

[illegible] است [illegible] شیخ الاسلام [illegible] حالیه

[illegible] معلوم [illegible] تاریخ [illegible] نوشتم [illegible] انفصال [illegible]

[illegible] اسم کاپیتان کشتی را [illegible] تحقیق [illegible]

مجبور است [illegible]

شمارهٔ سند: ۸۴۹
موضوع: تعمیرات ایوان صحن مطهر جواد بن علیهما السلام
نمره: ۵۷۶۷
تاریخ: ۲۵ شعبان ۱۳۱۸ هـ . ق
کارتن: ۵
پرونده: ۱۱/۲۰

سواد کاغذ وزارت خارجه در عراق عرب به نظام العلماء

مرقومات شریفهٔ جناب‌عالی به صحابت چاپار مقرّ واصل و از مژدهٔ عافیت و استقامت مزاج کثیرالابتهاج نهایت مسرت و خوشوقتی حاصل شد تفقد احوالی هم که به اقتضای محبت و ملاطفت فرموده بودید به حمدالله والمنّه روزگاری به سلامت و عافیت می‌گذرد، تلگراف جناب‌عالی مشتمل به تبریک ورود موکب همایون روحنافداه رسید به عرض حضور همایون رسانیده و جواب آن را هم تبلیغ نمودم در باب فوت مرحوم حاجی میرزا عبدالحسین اخوی هم که اظهار تأسف فرموده بودید معلوم است مقتضیات مهربانی و ملاطفت جناب‌عالی این است که در غم و شادی بنده شریک باشید، لیکن همان‌طور است که مرقوم فرموده‌اید با قضا و قدر کاری نمی‌توان کرد باید در مقام رضای خداوند تفویض و تسلیم شد، خداوند جناب‌عالی را در دوستی و محبت پاینده بدارد.

در مسئلهٔ تعمیرات ایوان حضرت جواد بن علیهما السلام، سرکار مجدالاسلام آقای فاضل شرابیانی دامت افاضاته مرقوم فرموده بودند که به جناب‌عالی محول فرموده‌اند بسیار بجا و بقاعده بوده است و با آن اهتماماتی که جناب‌عالی دارید یقین دارم آن طوری که منظور دولت و علمای اعلام است در انجام این کار توجه خواهید فرمود، خداوند جناب‌عالی را همیشه به این گونه خدمات خیریه موفق فرماید. زیاده زحمت نمی دهد ایام افاضت مستدام باد. (نصراله مشیرالدوله)

۲۸۲۱

۵۷۶۷

سواد کاغذ وزارت خارجه در عراق عرب نظام العلما

۲۵ شهر شعبان المعظم ۱۳۱۸

مرقومات شریفه جناب عالی الصادره شهر [illegible]، رسید و از وصول و ازدیاد [illegible] عواطف و الطاف شما نهایت [illegible] ابتهاج حاصل

مسرت و خوشوقتی حاصل شد. تفقد احوال هم که از فضای محبت و ملاطفت فرموده بودید بحمدالله والمنه روزگاری

بسلامت و عافیت میگذرد. تلگراف جناب عالی متضمن تبریک در روز [illegible] ایران [illegible] برسر [illegible]

حضور [illegible] ایران [illegible] و جواب آن را هم تشکر نمودم. در باب فوت مرحوم حاجی میرزا عبدالحسین اخوی

که اظهار تأسف فرموده بودید معلوم است مقتضیات [illegible] و ملاطفت جناب عالی این است که در غم و شادی

شریک باشید لکن همانطور است که مرقوم فرموده بودید قضا و قدر کار [illegible] کرد، باید در مقام رضای خداوند

تفویض و تسلیم شد. خداوند جناب عالی را در دوستی و محبت [illegible] در مسئله [illegible] ایران حضرت حجة

[illegible] السلام سرکار حجة الاسلام آقای [illegible] [illegible] مرقوم فرموده [illegible] که [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] داریم [illegible] منظور دولت

[illegible] است در [illegible] [illegible] خداوند جناب عالی را [illegible] [illegible] [illegible]

زیاده زحمت نمیدهد ایام افاضت مستدام باد (نظام الدوله [illegible])

شمارهٔ سند: ۸۵۰
موضوع: اضافه مقرری نظام العلماء
تاریخ: ۱۴ ذی القعده الحرام ۱۳۱۸ هـ. ق
کارتن: ۱۱
پرونده: ۴۲

نامهٔ ژنرال قونسولگری ایران در بغداد به وزارت خارجه

هو

تصدقت شوم، در ضمن تلگراف رمز چند روز قبل به عرض حضور مبارک بندگان حضرت مستطاب اجل اشرف اعظم عالی روحی فداه رساندم که جناب مستطاب آقای نظام العلما وجود خیلی محترم و برای اهالی ایران در عتبات عالیات خیلی مغتنم اند، وجود خودشان را صرف خدمت دولت ابدآیت علیه نموده اند در حق زوار و مجاورین بی اختیارند از هیچ چیز مضایقه ندارند خانه و مال خودشان را برای پذیرایی زوار و مجاورین همیشه حاضر دارند علمای عظام نهایت اعتماد به اقوال و افعال ایشان دارند. در عراق عرب بی نظیر و منفرد دارای صفات حمیده و اوصاف پسندیده و صاحب مکارم اخلاق اند استحقاق بذل مراحم عالیه را دارند. سالهاست حضرت مستطاب اجل اشرف اعظم عالی روحی فداه وعدهٔ اضافه مقرری به ایشان فرموده اند و منتظر محلی بودند. حالا محل بهتر از مواجب مرحوم مغفور اسدالله میرزا که در نجف اشرف به رحمت ایزدی پیوسته نیست آن مرحوم بلاعقب اند اولادی ندارند، استدعا دارد اقلاً دویست تومان از این محل در حق جناب معظم الیه برقرار فرمایند که خیلی به جا و سزاوار است و یقین است از بذل این مرحمت چاکر و ایشان را قرین افتخار و مباهات خواهند فرمود. زیاده جسارت ندارد. امر اجل امجد اشرف ارفع اعظم عالی مطاع.

فدوی چاکر صدیق ــ محمود

قونسول ژنرالی دولت علیهٔ ایران

در بغداد نمره

تاریخ ۱۴ ذی القعدة الحرام
۱۳۱۸

تصدقت شوم در ضمن تلگراف رمز چند روز قبل بعرض حضور مبارک بندگان حضرت مستطاب اجل اشرف اعظم عالی

روحی فداه رساندم جناب مستطاب آقای نظام العلماء وجود خیلی محترم و برای اهالی ایران در عتبات عالیات خیلی مغتنم اند

وجود خودشان را صرف خدمت دولت ابدآیت علیه اند در حق زوار و مجاورین بی اختیارند به از هیچ چیز

مضایقه ندارند خانه و مال خودشان را برای پذیرائی زوار و مجاورین همیشه حاضر دارند علماء اعلام نهایت

اعتماد باقوال و افعال ایشان دارند در عراق عرب بی نظیر و منفرد دارای صفات حمیده و اخلاق پسندیده

و صاحب مکارم اخلاق اند استحقاق بذل مراحم عالیه را دارند سالهاست حضرت مستطاب اجل اشرف اعظم عالی

روحی فداه وعده اضافه مقرری ایشان فرموده اند و منتظر صحة العهد حالا هم بهتر از مواجب مرحوم مغفور

سعدالله میرزا که در نجف اشرف برحمت ایزدی پیوسته نیست آن مرحوم بلا عقب اند اولادی ندارند استدعا دارد

اقلاً دویست تومان از این مبلغ در حق جناب معظم الیه برقرار فرمایند در خیلی بجا و سزاوار است و تفضیلی است

از بذل این مرحمت چاکر و ایشان را قرین افتخار و مباهات خواهند فرمود زیاده جسارت ندارد

امر امر مبارک اجل اشرف ارفع اعظم عالی مطاع

شمارهٔ سند: ۸۵۱
موضوع: گزارشات وقایع نگار کردستانی
تاریخ: ۱۴ ربیع الاول.۱۳۱۹ هـ. ق
کارتن: ۲۳
پرونده: ۹

گزارشات وقایع نگار کردستانی به وزارت خارجه

به حمدالله از توجهات کامله و اهتمامات وافیه و اقدامات لازمهٔ حضرت مستطاب اجل اشرف اکرم اعظم، آقای مشیرالدوله وزارت جلیله امور خارجه مدظله العالی، قاطبه رعایای داخله و خارجه مرفه الحال به دعای بقای دوام عمر و اقبال و شوکت و اجلال ذات اقدس و وجود مقدس همایونی ارواح العالمین فداه عن صمیم قلب اشتغال در طب اللّسان می باشند. در این اوقات شیخ حسن نامی از اهل سنت و جماعت که در طریقهٔ قادری و مرید شیخ عبدالقادر گیلانی است در بین قصبات کرکوط و سلیمانیه خاک دولت علیهٔ عثمانیه ظهور و خروج و خلقی در اطراف و جوانب مشارالیه جمع شده‌اند کثرت انبوه مخلوق او را مغرور نموده، مکاتبات و نوشتجاتی به توسط نوکرهای مخصوص به اطراف و جوانب من جمله کردستان فرستاده و منتشر ساخته، حاصل سخن و مضمون نوشته‌اش این است، که از جانب ابوبکر و عمر و عثمان وحضرت مولای متقیان علی ابن ابی طالب صلوات الله و سلامه علیه به من خبر رسیده که به تمام ممالک روی زمین اطلاع و اخبار دهم و قاطبهٔ بندگان خدا را مستحضر نمایم که در سنهٔ ۱۳۲۳ یک هزار و سیصد و بیست و سه یا در ۱۳۲۲ قیامت قیام خواهد نمود. به اعمال حسنه و رفتن به مکّه معظّمه و اماکن مشرّفه و صلوات و صیام و دادن خمس و ذکوة قیام و اقدام نمایند علمای اعلام کردستان و ایالت جلیله جواب او را مرقوم و به توسط گماشته‌اش روانه نمودند.

خدمات امسالهٔ جنابان حاجی فتح ملک و یمین لشکر لشکرنویس‌باشی فوج ظفر نسبت به دولت قوی‌شوکت در سرحد اورامان و مریوان و جلوگیری قبایل و عشایر جاف و منظم نمودن آن اطراف و اکناف بدون ضرر و خسارت واردهٔ بر دولت باعث هزار گونه تعریف و توصیف است. امیدوارم که خدمات و زحمات این دو نفر منظور نظر

مبارک دولت قوی‌شوکت و حضرت وزارت‌پناه ارواحنافداه باشد. الحق جنابان حاجی فتح ملک و یمین لشکر اهتمامات و اقدامات مجدانه در انتظامات آن سامان نمودند.

محض استحضار خاطر مبارک عرض شد

۱٤ ربیع الاول ۱۳۱۹

اثر مهر وقایع نگار

بحمدالله از توجهات کامله و اهتمامات وافیه و اقدامات لدنیه حضرت مستطاب اجل اشرف

اکرم اعظم آقای مشیرالدوله وزارت جلیله امور خارجه مدظله العالی

قاطبه رعایای داخله و خارجه مرفه الحال به دعای بقای دوام عمر و ازدیاد شوکت و اجلال

ذات اقدس و وجود مقدس همایونی روحنا و ارواح العالمین فداه عن صمیم قلب اشتغال

و رطب اللسان میباشند

درین اوقات شیخ حسن نامی از اهل سنت و جماعت در طریقه قادری و مرید شیخ عبدالقادر

گیلانی است درین قصبات کرکوک و سلیمانیه خاک دولت علیه عثمانیه

ظهور و خروج و خلق در اطراف و جوانب بسیار جمع شده اند کثرت انبوه خلق

او را مغرور نموده مکاتبات و نوشتجات توسط نوکرهای مخصوص باطراف و جوانب

منجمله کردستان فرستاده منتشر ساخته

حاصل سخن و مضمون نوشته آنها اینست که از جانب ابوبکر

و عمر و عثمان و حضرت مولای متقیان علی ابن ابیطالب صلوات الله و سلامه علیه

به من خبر رسیده در [illegible] ممالک روی زمین الطالع و اخبار و هم

رقاطبه بندگان خدارا مستحضر [میدارد] که در سنه ۱۳۲۳ یا در ۱۳۲۲ یکهزار و سیصد و بیست و [illegible]

قیامت قیام خواهد نمود با عمل حسنه و رفتن به مکه معظمه و اماکن مشرفه

و صلوة و صیام و مال خمس و زکوة قیام و اقدام نمایند علمای اعلام [illegible] ۵

و امالت جلیله جواب [illegible] بتوسط [illegible] روانه نمودند

خدمات شایسته جنابان حاجی فتح ملک رئیس لشکر لشکر نویس [illegible] مظفر

ثبت به دولت قوی شوکت در سرحد آذربایجان و ایروان و جلوگیری قشون [illegible]

[illegible] و منظم نمودن [illegible] اطراف [illegible] بدون ضرر و خسارت وارده [illegible]

باعث هزار گونه تعریف و توصیف است امیدوارم در خدمات و زحمات

این دو نفر منظور نظر مبارک دولت قوی شوکت و حضرت وزارت پناه

[illegible] جنابان حاجی فتح ملک رئیس لشکر

[illegible] التفات جداگانه در [illegible] نمودند

۳۱۹

محض استحضار خاطر مبارک عرض شد ۱۴ [illegible] الاولی

شمارهٔ سند: ۸۵۲

موضوع: امور مذهبی و نصب ضریح

نمره: ۱۶۵۹

تاریخ: ۱۹ ربیع الاول ۱۳۱۹ هـ . ق

کارتن: ۱۱

پرونده: ۴۰

سواد کاغذ وزارت خارجه به اعتلاء الملک

چند فقره توصیه از طرف حضرت اشرف یکی به جناب شریف مکه و یکی به والی حجاز و یکی به محافظ پاشا والی مدینه و یکی به شیخ الحرام (شیخ الاحرام) بنویسید که یک دستگاه ضریح از طرف جناب اجل آقای امین السلطنه برای ائمه بقیع سلام الله علیهم تقدیم شده است، لازمهٔ همراهی و مساعدت از طرف آنها در نصب آن ضریح بشود. این نوشتجات را زودتر حاضر کرده بیاورید به مهر برسانم جناب جلالت‌مآب اجل نامه‌نگار زید اقباله به القاب و عنوان آنها مسبوقید مسوده نمایید، شما بنویسید زودتر بفرستید. (نصراله مشیرالدوله)

۱۴۵۹

سواد کاغذ وزارت خارجه با تعلیقه علاء الملک

۱۹ شهر ربیع الاول ۱۳۱۹

چند نفر بوهره از طرف حضرت اشرف یکی بجناب شریف مکه دیگری بوالی حجاز دیگری بمحافظ پاشا والی مدینه دیگری بشیخ الحرم

یک دستگاه ضریح از طرف جناب اجل آقای امین السلطنه برای ائمه بقیع سلام الله علیهم تقدیم شده است لازمه

همراهی و مساعدت از طرف آنها در نصب آن ضریح بشود این نوشتجات را فوری حاضر کرده بیاورید بمهر برسانم

جناب جلالتمآب اجل نامه‌ها را زیر دست به القاب و عنوان آنها مسبوق هستید همه نوشته شود بوهره زود بفرستید انشاءالله (فردا الدس)

شمارهٔ سند: ۸۵۳
موضوع: امور مذهبی و نصب ضریح
تاریخ: ۲۴ ربیع الاول ۱۳۱۹ هـ . ق
کارتن: ۱۱
پرونده: ۴۰

سواد مراسلهٔ اتابک اعظم به محافظ پاشا محافظ مدینهٔ منوره

خدمت جناب دولت‌مآب فخامت و نبالت انتساب جلالت و مناعت اکتساب محافظ پاشا محافظ مدینهٔ منورهٔ دام اقباله العالی زحمت اظهار می دهد، جناب مستطاب اجل حاجی امین السلطنه که از وزرای محترم این دولت است به اقتضای بروز حسن ارادت خود به خاندان حضرت رسالت پناهی صلوات الله علیه و آله چند دستگاه ضریح برای قبور ائمه اطهار بقیع سلام الله علیهم اجمعین مهیا نموده و دوستدار اجازهٔ نصب آنها را از حضور عنایت دستور اعلی حضرت اقدس همایون سلطان عظیم الشأن کل ممالک عثمانی ادام الله تعالی ایام سلطنت حاصل کرده و اینک برای تنصیب ارسال مدینهٔ منوره داشت. اتحاد یک جهتی دولتین علّیتین ایران و عثمانی و حسن موافقتهایی که همواره از جناب‌عالی دربارهٔ اتباع این دولت علیه به عمل می آید مقتضی است که در این موقع هم به بروز مساعدت و همراهی های مقتضیهٔ دوستدار را قرین کمال امتنان دارید، ایام اقبال به کام باد. (اتابک اعظم)

سواد مراسلهٔ اتابک اعظم به محافظ پاشا محافظ مدینه منوره

۲۴ شهر ربیع الاول ۱۳۱۹

خدمت جناب جلالتمآب فخامت نصاب دولت و مناعت اکتساب محافظ پاشا محافظ مدینه منوره دام اقباله العالی زحمت اظهار میدهد
جناب مستطاب اجل ... آصف السلطنه که از وزرای محترم این دولت است باقتضای بروز حسن ارادت بخاندان حضرت
رسالت پناهی صلوات الله علیه واله چند دستگاه ضریح برای قبور ائمه اطهار بقیع سلام الله علیهم اجمعین مهیا نموده و دوستدار اجازه نصب
آنها را از حضور عنایت دستور اعلیحضرت اقدس همایون سلطان عظیم الشأن ممالک عثمانی ادام الله تعالی ایام سلطنته
خواهش کرده و دیگر برای تنصیب ارسال مدینه منوره داشت اثار مجهت پلتیس عتبین ایرانی و عثمانی و حسن مواقفهای
که همواره از جانب عالی درباره اتباع این دولت علیه بعمل میاید مقتضی است که در این موقع هم به بروز مساعدت و همراهی
مقتضیه دوستدار را قرین کمال امتنان دارید ایام اقبال بکام باد (اتابک اعظم)

شمارهٔ سند: ۸۵٤
موضوع: گمرکی که عثمانی ها از اسب و شتر زوار می‌گیرند
نمره: ٤۷
تاریخ: ٤ جمادی الاول ۱۳۱۹ هـ . ق
کارتن: ۱۱
پرونده: ۳۲

ترجمهٔ نامهٔ وزیر خارجه دولت عثمانی به سفارت ایران در اسلامبول

دو فقره مراسلهٔ محترمهٔ آن سفارت مورخهٔ ۱۵ شوال نمرهٔ ۸۲ و ۲ صفر نمرهٔ ۲۵ در باب منع گمرکیه از اسب و شتر سواری زوار ایرانیه که در خانقین گرفته می شود واصل گردیده موافق اظهارات جناب‌عالی مراتب را از وزارت گمرک استعلام نموده از قرار جوابی که از ادارهٔ گمرک رسیده است ابداً در حق زوار این‌قبیل تعدیات واقع نشده، ولی محض تأمین، چنانکه در ارض روم هم معمول است حیوانات را شمرده الوان و اشکال آنها را می نویسند و از صاحبان آنها ضامن می‌گیرند که در مراجعت آنها را نفروخته بدون کم و زیاد از گمرک رد نمایند و این فقره در ارض روم معمول بوده، ابداً تاکنون شکایت واقع نشده و در صورتی که حیوانات را بدون ثبت وارد نمایند و عوضی خارج نمایند اسباب پایمالی پنج لیره رسوم مقرره خواهد شد، لهذا خوب است به توسط سفارت به آنها اشعار شود اشخاصی که اسب و شتر می آورند در ادارهٔ گمرک محض اطمینان یا ضامن بدهند و یا حقوق گمرکی را اماناتاً در ادارهٔ گمرگ بگذارند و این اشعار اداره گمرک بدیهی است که موافق مصلحت است.

وزیر خارجه توفیق

در فقره مراسله محترمهٔ آن سفارت مورخه ۱۵ شوال سنه ۲۴ و ۲ صفر سنه ۲۵ در باب منع گمرک گیری از اسب
و شترسواری زوار ایرانیه که در خانقین گرفته میشود واصل گردیده موافق اظهارات جانب عالی
مراتب را از وزارت گمرک استعلام نموده آن قرار جوابیکه از ادارهٔ گمرک رسیده است ابتدا در حق
زوار اینقبیل تعدیات واقع نشده و لمحض تأمین چنانکه در ارضروم هم معمول است حیوانات را
شمرده الوان و اشکال آنها را مینویسند و از صاحبان آنها ضامن میگیرند که در مراجعت آنها را
نفروخته بدون کم و زیاد از گمرک رد نمایند و اینفقره در ارضروم معمول به است ابتدا تا کنون
شکایتی واقع نشده و در صورتیکه حیوانات را بدون ثبت وارد نمایند و عوض
خارج نمایند اسباب یا مالی پنج لیره رسوم مقرره خواهد شد لهذا مطلوب است توسط
سفارت بآنها اشعار شود اشخاصیکه اسب و شتر میاورند در ادارهٔ گمرک محض اطمینان
یا ضامن بدهند و یا حقوق گمرکی را امانتاً در ادارهٔ گمرک بگذارند و این اشعار
ادارهٔ گمرک بدیهی است که موافق مصلحت است

شمارهٔ سند: ۸۵۵
موضوع: گمرکی که عثمانی ها از اسب و شتر زوار می‌گیرند
نمره: ۸۰۹
تاریخ: ۲۶ جمادی‌الاولی ۱۳۱۹ هـ . ق
کارتن: ۱۱
پرونده: ۳۲

نامهٔ سفارت کبری ایران در اسلامبول به وزارت خارجه

چندی قبل از کارپردازی بغداد شرحی به سفارت کبری رسیده بود که از اسب و شتر زوار ایرانیه در خانقین رسمی گرفته می‌شود، برای منع اخذ این رسم از باب‌عالی احکام مقتضیه به مقامات لازمه فرستاده شد، جوابی که از وزارت خارجه در این باب رسیده بود لفاً تقدیم می دارد می نویسند اشکالاتی بزوار وارد نمی شود ولیکن چنانچه در ولایت ارز روم نیز معمول است حیوانات را شمرده و الوان و اشکال آنها را می نویسند و از صاحبان آنها ضمانت می‌گیرند اگر در مراجعت حیوانات را نفروخته و بدون کم و زیاد آوردند فبها و الا رسمی گرفته می شود و تا حال ابداً شکایتی از ارز روم وقوع نیافته و این فقره محض محافظهٔ رسومات خودشان است.

[حاشیه، دستخط مظفرالدین شاه:]

جناب اشرف اتابک اعظم اقدامی که لازم است به عمل آورده به کارپرداز بغداد هم اطلاع داده نتیجه بخواهند.

[illegible]

۱۳۱۹
۲۶ شهر جمادی الاولی
نمره ۸۰۹

چندی قبل از کارپردازی بغداد شرحی بسفارت کبری رسیده بود در باب دختر زوار ایرانی
در خانقین رسمی گرفته میشود برای منع اخذ این رسم از بابعالی احکام مقتضیه بتعجیلات لازمه
فرستاده شد جواب آن از وزارت خارجه در اینباب رسیده بود لفاً تقدیم میدارد و می نویسند
آنگاه که دختر زوار وارد میشود ولیکن چنانچه در ولایت ارضروم هم متعلقات حضرات را
شمرده و اسامی و اشکال آنها را می نویسند و در حساب آنها ضمانت می گیرند اگر
در سرحد جهت حضرات را تفرقه داده بآنها کم و زیاد آوردند فبها و الا رسمی گرفته نشود
و تا حال شکایتی از ارضروم وقوع نیافته و این فقره محض حفظ زوار است

خوشان است

شمارهٔ سند: ۸۵۶
موضوع: نصب ضریح
نمره: ۱۶۶
تاریخ: ۱۱ شوال المکرم ۱۳۱۹ هـ. ق
کارتن: ۱۱
پرونده: ۴۰

نامهٔ قونسول ژنرالی ایران در بغداد به وزارت خارجه

قربانت گردم، البته خاطر مبارک حضرت مستطاب اجل عالی به مسئلهٔ ضریح که جناب مستطاب اجل عالی آقای حاجی امین السلطنه دام اقباله العالی مخصوص حرم مطهر ائمه بقیع صلوات الله علیهم ساخته اند، مسبوق اند. این روزها بنا بود که حضرت مستطاب سیدالعارفین والموحدین ملاذالانام آقای حاجی سیدعلی آقا دامت برکاته به مکهٔ معظّمه و مدینهٔ منوّره مشرّف شوند، برای نصب ضریح چند روز قبل از کربلای معلی به بغداد تشریف آوردند که تدارک سفر ببینند کسالت پیدا کردند که از حرکت و سفر ممنوع شدند. مراتب به عرض حضور مبارک بندگان حضرت مستطاب اجل اشرف ارفع امنع عالی آقای اتابک اعظم مدظله العالی رسید، مقرر فرمودند که حضرت آقا دامت برکاته حرکت نفرمایند و هرکه را صلاح دانند برای انجام این کار معین و روانه فرمایند. حضرت مستطاب آقا بکربلای معلی مراجعت فرمودند از آنجا به فدوی مرقوم فرموده اند که برای انجام این خدمت یحیی خان مشاورالوزاره را معین فرموده اید برود ضریح را نصب نماید و یک نفر را به جای خود وکالت بدهد تا مراجعت نموده و سر خدمت خود حاضر باشد. لازم دانستم مراتب را به عرض حضور مبارک حضرت مستطاب اجل عالی برسانم، یقین است اجازه خواهند فرمود که مشاورالوزاره سه چهار ماهه برود این خدمت را انجام دهد و در این سه چهار ماه معتمدالسلطان ناصرخان ترجمان به وکالت او در کربلای معلی مشغول خدمت خواهد بود تا مشاورالوزاره به سلامتی انشاءالله مراجعت نماید. امر اجل امجد ارفع عالی مطاع.

اثر مهر، محمود

اداره اول ثبت موقوفات علیه ایران
[illegible]

هو

قربانت گردم

البته خاطر مبارک حضرت مستطاب اجل عالی مسئله ضریح مطهر

جناب مستطاب اجل عالی آقای حاجی امین السلطنه دام اقباله العالی مخصوص حرم

ائمه بقیع صلوات الله علیهم ساخته اند مسبوق آمد این روزها بتوسط

حضرت مستطاب سید العارفین والموحدین ملاذ الانام آقای

حاجی سید علی آقا دامت برکاته بمکه معظمه و مدینه منوره مشرف شوند

برای نصب ضریح چند روز قبل از کربلا به بغداد تشریف آوردند

[illegible]

شده بود مراتب بعرض حضور مبارک بندگان حضرت مستطاب

اجل اشرف ارفع امنع والا آقای اتابک اعظم مدظله العالی

رسید مقرر فرمودند حضرت آقا دامت برکاته هرگاه [illegible]

دیگر را صلاح دانند برای انجام این کار [illegible]

[illegible]

شمارهٔ سند: ۸۵۷

موضوع: امور مذهبی و نصب ضریح

نمره: ۱۱۴۹

تاریخ: ۲۶ شوال ۱۳۱۹ هـ. ق

کارتن: ۱۱

پرونده: ۴۰

کاغذ به سفارت کبرای ایران در اسلامبول

به جهت نصب ضریح مطهر ائمه بقیع صلوات الله علیهم اجمعین قرار این بود جناب مستطاب ملاذالموحدین قدوه* السالکین، آقای حاجی سیدعلی قطب سلمه الله تعالی تشرف جبه ضریح مطهر را نصب نمایند، به علت کسالت و عارضه که ایشان داشتند انجام اینکار را بر عهدهٔ معتمدالسلطان میرزا یحیی خان مشاورالوزاره پسر جناب مشاورالملک که مأمور کربلای معلی است محول داشته که آن خدمت را به طور مطلوب انجام بدهند در این خصوص از طرف قرین اشرف بندگان حضرت اشرف دامت عظمه هم شرحی به جناب عالی توصیه و سفارش شده است. بدیهی است به طوری که مقرر فرموده‌اند از باب‌عالی احکام لازمه به مامورین عثمانی صادر نموده قونسول جده هم تأکید بلیغ خواهند فرمود که در پیشرفت این مقصود و نصب ضریح مطهر نهایت همراهی و مساعدت را با مشاورالوزاره نماید که این خدمت با سعادت انشاءالله انجام شود.

نصراله مشیرالدوله

* قدوه: پیشوا، کسی که به او اقتدا کنند.

١١٤٩

جناب سفارت کبرای ایران در اسلامبول

تعالی

٢٤ شوال ١٣١٩

[مهر: وزارت امور خارجه — آرشیو]

تهیه نقشه ضریح مطهر ائمه بقیع [illegible] ... حاجی [illegible] قطب السلطنه [illegible]

[illegible] ضریح مطهر [illegible] ... انجام [illegible] ... حضرت اشرف [illegible]

[illegible] ... انجام [illegible] ... حضرت [illegible] ... قبول

[illegible] ... عالی ... احکام [illegible]

[illegible] ... ضریح مطهر [illegible] ... تا ... دولت [illegible]

[illegible] ... احکام ... نمود [illegible]

شمارهٔ سند: ۸۵۸
موضوع: تغییر کار پرداز بصره
تاریخ: ۱۳۱۹ هـ . ق
کارتن: ۱۱
پرونده: ۴۳

گزارش نظام العلما به وزارت خارجه

محرمانه

قربانت گردم، ان شاء الله وجود مبارک را صحت و عافیت باقی و استقامت وجود مبارک حاصل و برقرار خواهد بود، فدوی هم به حمدالله سلامت و چند روزی از اواخر شهر صیام را مشرف به نجف اشرف شده، اولاً دعاگو و نایب الزیاره مخصوص بوده و خواهم بود و ثانیاً در خصوص مقبره، خود فدوی مخصوصاً دیدن و سرکشی به آنجا نموده به حمدالله ازباطن آن مرحوم و صفای نیت و خاطر بندگان حضرت اجل خیلی خوب شده و کاملاً به اتمام رسیده و فعلاً هم یک نفر خادم به جهت آنها قرار داده مشغول خدمت است، بعدها را هرگونه امر و مقرر می فرمائید اطاعت خواهد شد و تعلیقه مبارکه هم واصل و زیارت از سلامتی وجود محترم افخم شکر و حمد خداوند را به جای آورده و در خصوص کار پرداز بصره و ساعد الملک شرحی مرقوم فرموده بودید که در صدد اصلاح و تغییر و رفع بعضی از ناحسابی ها خواهید فرمود، بنده آنچه باید و شاید خدمت علمای اعلام سابقاً و حالاً عرض نموده و خواهد نمود، ولی این گونه امور مهیجه و ظلم و تعدیات فاحشه را لازم بود خیلی زود در صدد چاره و رفع برآیید به جهت آنکه دولت خواهم و جان نثار و خدمتگزار و خدا می داند از اول استقراضی از دولت روس و در مسافرت خبریه موکب اقدس همایونی ارواحنافداه تا مراجعت و تاکنون فدوی چه خدمات شایان و نمایان به دولت علیهٔ عالیه نموده و با این پنج شش نفر از علمای اعلام که امروز قوام دین اسلام و پیشوایان انام هستند چه مذاکرات نموده و چه صحبتها داشته و چه قدر مصالح و محسنات گوش زد آنها نموده ام، حتی این سفر که نجف اشرف مشرف شدم علاوه بر سابق دیدم چقدر تحریرات شکایت و خطوط آه و ناله و فریاد و استغاثه از هر قریه و هر ولایت به جهت علمای اعلام رسیده که ایران خراب شده و از دست رفته و

ارواح و اموال ماها در خطر و دَرَک است و اینها همه باعث اضطراب و حرکت و هیجان علمای اعلام گردیده و این پنج شش نفر روسای اسلام باهم همدست و هم‌رأی و در خیالات و حرکات اتفاق دارند و همه‌کس از اینها استعداد و استعانت می‌طلبند و قدری هم حق دارند به جهت آنکه فدوی غرض و مقصودی ندارم و می‌بینم تا همین ایام هر هفته زوار و اهالی از بصره می‌آیند این‌قدر شکایت و ناله از کارپرداز حالیه بصره دارند که در خصوص تذکره و غیره و غیره چقدر اجحاف و تعدی می‌نماید و علما فرمودند همین را چند دفعه اظهار داشتیم و خواهش نمودیم مع‌ذلک به هیچ وجه رفع ننمودند و تغییر و تبدیل ندادند دیگر باقی امور و اعمال هم به همین وتیره و به همین میزان اقلاً خوب بود بعضی مطالب و مقاصد را اجرا و ترویج فرموده بودید تا امیدواری و اطمینانی حاصل نموده بودند که کم‌کم متدرجاً امور اصلاح خواهد شد. این سفر مجتمعاً و متحداً می‌فرمودند که روز به روز اغتشاش و بی‌حسابی در تزاید و تضاعف است فعلاً رفع تعدیات کارپرداز بصره را بفرمایید یا او را تغییر و تبدیل فرموده و بفدوی مرقوم فرمایید، دیگر لازم بود بندگان اعلی حضرت قدرقدرت ظل‌اللهی ارواحنافداه و حضرت اشرف اعظم بعد از مراجعت از این سفر مبارک از این پنج شش نفر رئیس و مطاع تلگرافاً و تحریراً تفقد و احوالپرسی فرموده باشند بلکه انعام و اکرام و مرحمتی در حق آنها شده بود خیلی به‌جا و به‌موقع و در محل بود، اولاً که همه هرگونه استحقاق و لیاقت را دارند و ثانیاً اگر آجر اُخروی و ثواب عقبایی ملحوظ و منظور نبود اقلاً با امور سیاسی و تدابیر مطابق و موافق بود، اینها هم علاوه بر کدورت و دلگیری آنها شده، فدوی محض دولت‌خواهی و جان‌نثاری عرضه می‌دارد حتی اینکه از آنها خواستم تلگراف تبریک عرضه دارند، قبول نفرمودند و فرمودند همان تلگراف خودت کافی است. اینها اجمال بعضی از مطالب و وقایع است عرضه داشت.

نامهٔ دیگر

قربانت گردم، جناب حاجی شیخ عبدالحمید کلیددار کاظمین علیه السلام والده‌شان از شهر نوگان عظام و منسوب دولت علیهٔ عالیه‌اند و فطرتاً و اصلاً و قلباً و ذاتاً بسیار مرد قابل و لایق و محبوب القلوب همهٔ اهل عراق و ایران اند برحسب استحقاق و لیاقت که خود بندگان اجل مسبوق هستید دو سال است چراغهای شاهنشاهی با ایشان است و مباشرت و تولیت دارند. پسرعموی ایشان شیخ علی به خیال اخلال و دست‌بردی در این عمل روانهٔ ایران شده، محض استحضار خاطر مبارک عرضه می دارد امر و مقرر فرمایند آنجاها را بسپارند و ملتفت باشند مبادا باشقیا همکاری و تدبیر در عمل چراغها تصرفی نماید و تغییر و تبدیل پیدا شود که اسباب کدورت و انزجار جمعی خواهد بود. جناب معین التجار بوشهری هم کاملاً از این مقدمه اطلاع دارند، زیاده عرضی ندارد.
فدوی نظام العلما

محرمانه

قربانت گردم انشاءالله وجود مبارک را صحت و عافیت تامه دائماً ترتیب وجود مبارک

حاصل و برقرار خواهد بود. فدویهم بحمدالله سلامت و چند روزی از اواخر ماه صیام اشرف

نجف اشرف شده اولاد دعاگو داشته از این باره مخصوص هم و خواهم بود حالا با در خصوص معتزله

حق فدوی مخصوصاً دیدن و سرکشی بنا شده بحمدالله از این جهت مرحمت و صفای بلد و خاطر بندگان

حضرت اجل خیالات خوب شده و کارها تمام رسیده و فعلاً این غیر حاکم ... تخته انشاءالله قرار اهم

مشغول خدمت آن بعدها را هر گونه امر و مقرر فرمایند اطلاع خواهد شد و تعقیب ... کارپرداز معتبره

واجبی و زیارات از سلامتی وجود محترم انجم شکر و حمد خداوند را ... اولیاء و در خصوص ... خواهش

دستخط الطاف رحمی رقم فرمایید که در صدد اصلاح و تغییر و رفع بعضی از ... شده

بنده انجام باید و شاید خدمت عمل را اعلام سابق و حالا عرض نمودم و خواهم نمود و ... برآمده

امور مهیجه و ظلم و تعدیات فاحشه را لازم بود خیال رفع در صدد چاره و رفع برآمد.

بحمدالله انچه میخواهم و جان نثار و خدمتگذار و خدا امید است از ازل اشرف ...

از دولت روس و در سفارت خیریه سوئیس آقای همایونی از ادارهٔ خارجه امر جعفر [illegible] تلفن که

فردی چه خدمات شایان و نمایان بدولت علیه نموده و با این پنج شش نفر از علمای اعلام مصالح

امروز قوام دین اسلام و پیشوایان انام هستند چه مذاکرات نموده و چه صحبتها داشته و چه قرار

و حسنات کوشش زیاد [illegible] نموده‌ام حتی اینقدر که بنجف اشرف مشرف شدم علاوه بر سابق دیدم چه قدر

تحریرات شکایت و خطوط آه و ناله و فریاد و استغاثه از هر قریه و هر ولایت بنجف علمای اعلام رسید

که ایران خراب شده و از دست رفته و ارواح و اموال ما در خطر و در اشکالات و اینها اکثر [illegible]

اضطراب و حرکت و هیجان علمای اعلام گردید و این پنج شش نفر رؤسای اسلام با اهمیت [illegible] حق دارند

در مداخلات و حرکات اتفاق دارند و همه کس از اینها استمداد و استغاثه مطلبیده و فراهم [illegible]

نتیجه اینکه فردی غرض و مقصودی ندارم و میبینم تا هیچ کار اگر نشود زود [illegible] از این [illegible]

استمداد شکایت و ناله از کارگزاران حاکمه بصره دارند که در خصوص مذاکره و غیره و غیره چه قدر اجحاف

و تعدی مینمایند و علماء هم محفوظ همین سال خیر و صلاح ایرانی را داشتیم و خواهش نمودیم سعی و [illegible]

رفع نموده و تغییر و تبدیل نداده‌اند دیگر با آقا [illegible] مردود اعمال اهم بهای دیگر و کارهای دیگر [illegible]

-۳-

اقلاً خوب بود بعضی مطالب و مقاصد سهل‌الاجرا را ترویج فرموده بودند، اینکه واداری و اطمینان

حاصل نموده بودند که بالمره بتدریج امور اصلاح خواهد شد اینقدر تحمیلات متحداً اینطور نمی‌فرمودند که روز بروز

تنگ‌تر و بیچاره‌تر و در زیر بار و تضاعف است فعلاً رفع تعدیات گاهی از بصره سواری بیاید

و از اول تعیین و تشدید فرموده و تعدی مرتفع فرمایند دیگر لازم نبود بندگان اعلیحضرت قدر قدرت

ظل‌اللهی ارواحنا فداه و حضرت اشرف اعظم بعد از مراجعت از این سفر مبارک از این تنخواه شخص شخیص

رئیس و مطاع بلااختیار و تحریراً تعقید و احکام البته فرموده باشند بلکه انجام و الزام و مرحمتی در حق آنها

شده بود خیال‌ها و موقع در خدمت بعد از لگد و همه این گونه انتقاد و دقت سو داده بودند که

اگر اجرا نموده و ثواب عقبی ملحوظ و منظور نبود اقلاً به امور سیاسی و تدابیر مطابق و موافق نبود

اینها هم علاوه بر کدورت و دلگیری آنها شده قدری محض خیرخواهی و جان نثاری عرض می‌دارد

حتی اینکه از اینها خواستم تلگراف تبریک عرض و دارند قبول نفرمودند در صورتی که همان بلااختیار

ضرورت کافی است اینها اجمال بعضی از مطالب و وقایع است عرضه داشت

قربانت گردم جناب حاجی شیخ عبدالحمید کلیددار کاظمین علیهما السلام والده شان

از نوادگان عظام و منسوب به حضرت علیه السلام است و فطرة و اجداداً متقی و دانا و بسیار محبوب

و دلدادهٔ و محبوب القلوب همه اهالی عراق واقع شده‌اند برحسب اتفاق دو تن از آخوندهای کاذب دارند

اجنبی مسبوق به سیره رسول است چرا اغلب اوقات هیچ یک از ایشان و مبارکان

پسر عموی ایشان شیخ جلال الدین دست کوتاه در نجف روانه ایران شده مخصوص استحضار

خاطر مبارک عرضه میدارد امروز مقرر فرمایید آنها به سلامت برسند و متفقاً به شهر سامرا

و بدین وسیله خیلی چون اغلب تصرف نمایند و تغییر و تبدیل میدهند که اسباب کدورت و آزار فراهم

جمعی خواهد بود جناب مستطاب زیارت‌نامه آنها را متفقاً اطلاع داده بر ایشان عرض میدارد

فدوی نظام السلطنه

شمارهٔ سند: ۸۵۹
موضوع: مستمری علما
تاریخ: ۱۳۱۹ هـ. ق
کارتن: ۱۱
پرونده: ۴۲

عریضهٔ صبیهٔ مرحوم خلد آشیان حاجی میرزاعلی به مظفرالدین شاه

بسم الله الرحمن الرحیم

عرضه داشت کمینه خدیجه صبیهٔ مرحوم خلدآشیان حاجی میرزا علی طاب ثراه، نوادهٔ مرحوم آقا علی ملاباشی رشتی، به خاکپای مبارک اعلی حضرت قدرقدرت شاهنشاه اسلام‌پناه خلدالله ملکه و سلطانه آنکه والد کمینه که از جمله علمای گیلان و سالها مجاور عتبات عالیات عرش درجات بوده و با یکصد و سی و سه تومان و خورده مستمری مرحمتی که بعد از وضع عشور و کسور یکصد و خورده عاید می شد صرف معاش خود و عیال و اطفال خود نموده به دعاگوئی ذات ملکوتی صفات اقدس همایونی قیام و اقدام می نمود، قریب یک سال است به رحمت ایزدی پیوسته و اولاد آن مرحوم منحصر است به کمینه و مدد معاش کمینه با مادر و چند نفر زنان دست و پا شکسته با مخارج زیاد عربستان منحصر است به همین مستمری مرحمتی حال که از حکومت گیلان مطالبه نمود در جواب می‌گویند که شریف العلمای گیلان با چندین هزار تومان دارایی و مکنت به اشتباهکاری به جهت پسر خود فرمان صادر نموده و قطع روزی جمعی دست و پا شکسته ها کرده است، عدالت کاملهٔ ملوکانه راضی نشوند که بقیهٔ نان خانه که قریب به صد سال یا متجاوز است که خورد خورد کم شده و این مقدار مانده است به‌کلی مقطوع شود و ریزه‌خواران خان نعمت پادشاه عادل باذل اسلام‌پناه بی‌مدد معاش و بی روزی بمانند. امر امر اعلی حضرت قدرقدرت شهریاری است.

[حاشیه، دستخط حجة الاسلام حاجی میرزا حسین به شرح:]

بسم الله الرحمن الرحیم

انشاءالله تعالی اولیای دولت ابدمدت قربت الی الله تعالی و طیباً لمرضاته اقدام

تمام در برقرار نمودن مقرری موروثی مومی الیها خواهید نمود که موجب بقای دولت قوی شوکت غران* و خیر دنیا و آخرت است. الاحقر نجل المرحوم الحاج میرزا خلیل.

اثر مهر حاجی میرزاحسین

* غران: نیکو، زیبا، کسی که کار شریف و بزرگ می‌کند (جمع آغَرّ: یمن، خیر، برکت).

بسم الله الرحمن الرحیم

انشاءالله تعالی الذی ... [illegible]

... اقدام تمام در برقراری معمول سنواتی

... خواهد نمود که ... [illegible] تعالی

و ... [illegible]

... حاجی ملا محمد ... [illegible]

بسم الله الرحمن الرحیم

عرضه داشت کمینه صبیه مرحوم خلد آشیان حاجی میرزا محمد طاهر نواده مرحوم ... [illegible]

کمینه خدیجه

بخاکپای مبارک اعلیحضرت قدر قدرت شاهنشاه اسلام پناه خلد الله ملکه و سلطانه آنکه والد

کمینه که از جمله علمای کاشان بود سالهای در عتبات عالیات عرش درجات بتحصیل

و با کمینه دستی ... از دختر و دو پسر مرحمتی که بهزار زحمت و عسرت و ...

کمینه دختر و دو عیال ... صرف معاش خود و عیال و اطفال خود مینمودند

ذات ملکوتی صفات اقدس همایونی قیام و اقدام نمیفرمودند ... معاش

برحمت ایزدی پیوسته و اولاد آن مرحوم منحصر بکمینه و دو ...

کمینه با مادر و چند نفر زنان دست و پا شکسته با مخارج زیاد و ...

منحصر است باهمین مستمری مرحمتی حال که از حکومت کاشان مطالبه

نمود در جواب میگویند که شریف العلماء کاشانی با خبر ... [illegible]

دارائی و مکنت ... [illegible] ... خود فرمان صادر نمیفرمود

قطع روزی جمعی دست و پا شکسته ها کرده ذات عدالت کامله ملوکانه

راضی نشود که بقیه نان خانه که قریب بصد سال با استحقاق ... که خورده

خورده کم شده و این مقدار زمانی است بکلی منقطع گشته در زیر چادر

خان نعمت پادشاه عادل ... اسلام پناه بی مدد معاش و

بی روزی بمانند امر امر اعلیحضرت قدر قدرت شهریاری است

شمارهٔ سند: ۸٦۰

موضوع: مستمری علما

تاریخ: ذی‌قعده ۱۳۱۹ هـ . ق

کارتن: ۱۱

پرونده: ٤۲

فهرست عرض وزارت خارجه است

حاجی میرزاعلی ملاباشی گیلانی که مرحوم شد، موافق تحقیقات دفتری یک صد و یک تومان بعد از وضع رسوم مستمری داشت شریف‌العلمای گیلانی مستمری مزبور را در حق پسر خود فرمان صادر نموده حالا صبیه متوفای معروض از عتبات عریضهٔ مبنی بر تظلم به خاکپای مراحم اقتضای ملوکانه روحنافداه عرض کرده حجت‌الاسلام حاجی میرزا حسین هم در حاشیهٔ عریضهٔ مشارالیها استدعای برقراری آن را در حق عارضه نموده است، عریضه مشارالیها از عرض لحاظ اقدس ملوکانه ارواحنافداه خواهد گذشت به هر طور و امر و مقرر شود از همان قرار اطاعت خواهد نمود. الامر الاقدس الاعلی مطاع مطاع.

[حاشیه، دستخط مظفرالدین شاه به شرح:]

جناب اشرف اتابک اعظم این عمل اگر در قدیم است نمی‌شود تغییر داد و گذشته است. ذی‌قعده ۱۳۱۹]

امضا: مظفرالدین شاه

وزارت امور خارجه

اداره　　دایره

مورخه

نمره

فهرست عرض وزارت خارجه

حاجی میرزا علی ملاباشی کسیله نزد مرحوم شاه موافق تحقیقات و قری

قصیده رکیکانی بعد از وضع رسم مستمری داشت شریف العلماء کسیله نی

مستمری مزبور را در حق برخود فرمان صادر و نصف عائله جمیعه متوفای معروض از اثبات

عریضه مبنی بر تظلم تمنای مراحم قضایی ملوکانه در خاتمه عرض نعیه آقا رحمة الله علیه

حاجی میرزا حسین هم در حاشیه عریضه مشارالیها استدعای برقراری امرا در حق عارضه

فهرست عریضه مشارالیها از عرض لحاظ اقدس ملوکانه ارواحنا فداه می‌گذرد خواهم

هر طور رأی مبارک قرار شود از آن قرار اطاعت خواهد نمود. الامر الاقدس الاعلی مطاع

[illegible]

شمارهٔ سند: ۸۶۱

موضوع: نصب ضریح

نمره: ۱۱۲۱۲

تاریخ: ۹ ذی‌قعده ۱۳۱۹ هـ . ق

کارتن: ۱۱

پرونده: ۴۰

نامهٔ وزارت امور خارجه به ژنرال قونسولی ایران در بغداد

کاغذ به مشاورالملک

برای نصب ضریح ائمهٔ بقیع صلوات‌الله علیهم اجمعین، نوشته بودید جناب مستطاب ملاذالعارفین حاجی سیدعلی آقاسلمه‌الله تعالی مشاورالوزاره را معین نموده‌اند، بسیار خوب به سفارت کبرای ایران و مأمور جدّه هم توصیه لازم نوشته شده است که در اظهارات مشارالیه مساعدت تامّه نمایند و هر نوع احکام در پیشرفت و انجام این خدمت لازم باشد از باب‌عالی به عهدهٔ مأمورین عثمانی صادر نمایید که ان‌شاءالله تعالی این خدمت باسعادت را به طور خوب انجام بدهد. به ناصرخان ترجمان کار پردازی هم که موقتاً مأمورات کار پردازی کربلا کفالت خواهد نمود، تاکید نمایید تا مراجعت مشاورالوزاره مواظب و مراقب انتظام امور کار پردازی بوده به حسن سلوک رفتار نماید.

نصراله مشیرالدوله

۲۹۱۸

۱۲۱۲

کاغذ به مشیرالملک

۹ شهر ذیقعده ۱۳۱۹

برای نصب ضریح [illegible] الله علیهم اجمعین نوشته بودید حضرت مستطاب ملاذ الاعاظم حاجی سید [illegible] آقا [illegible] سلمه الله تعالی جناب مشاور الوزاره را

معین نموده اند بسیار خوب است [illegible] برای ایران و مأمور جدید هم توصیه کرده بودم نوشته [illegible] در اظهارات [illegible] مساعدت نامه آمد

و در هر نوع استحکام در پیشرفت و انجام آن اهتمام نموده بودم بعد از [illegible] تعهد [illegible] مأمورین عثمانی صادر [illegible] والی [illegible] را

بطور خوب انجام [illegible] کارپردازی هم [illegible] مأمورات کارپردازی [illegible] حواله نموده تأکید [illegible]

مشاور الوزاره مواظب و مراقب انجام امور کارپردازی [illegible]

شمارهٔ سند: ۸۶۲

موضوع: امور مذهبی و نصب ضریح

نمره: ۹۲

تاریخ: ۲۰ ذی‌قعده ۱۳۱۹ هـ. ق

کارتن: ۱۱

پرونده: ۴۰

نامهٔ سفارت ایران در اسلامبول به وزارت خارجه

دستخط مطاع مبارک را در خصوص مأموریت یحیی خان مشاورالوزاره برای حمل ضریح و نصب آن به قبور ائمه بقیع در مدینهٔ منوره زادهاالله تعالی شرحاً زیارت نموده، برحسب آن فرمایش تأکیدات لازمه به کارپرداز جده نموده و مراسله به جناب سیادت‌مآب شریف مکهٔ معظمه و والی حجاز از طرف خود نوشتم که به محافظ مدینهٔ منوره اوامر لازمه را در احترام مأمور و مساعدت به انجام خدمت محوله به او بنمایند. چون پارسال ارادهٔ سنیه اعلی حضرت سلطانی دایر به اجازهٔ نصب ضریح صادر شده و مراتب را از وزارت خارجه عثمانی به سفارت کبری نوشته بودند و امر تلگرافی نیز از صدارت عثمانی به ولایت حجاز فرستاده شده بود. معلوم است که لازمه احترام و مساعدت را کمایلیق به عمل خواهند آورد. سواد مراسلهٔ جوابیه باب‌عالی را که دایر به صدور ارادهٔ سنیه بود با نمره و تاریخ تلگراف صدارت لفاً ایفاد حضور مبارک گردید. زیاده جسارت نمی ورزد.

اثر مهر پرنس ارفع الدوله

[حاشیه:] بسیار خوب.

۲۰ شهر ذیقعده الحرام ۱۳۱۹

مراسلهٔ مبارک را در خصوص مأموریت ... خان ... الوزاره برای حمل ضریح و نصب آن

بتفصیلیکه مرقوم فرموده بودند ماشاءالله تعالی زیارت شد حسب الفرمایش

تأکیدات لازمه که در اداره جدّه نمود و مراسله جناب سفارت کبرای

مکّه معظمه و والی حجاز از طرف خود نوشتم در محافظت ... مینموده اوامر لازمه را

در احترام مأمور و مساعدت با انجام خدمت محوله بدو بنمایند چون پارسال

ارادهٔ سنیه اعلیحضرت سلطانی دائر باجازه نصب ضریح صادر شده و مراتب را

از وزارت خارجه عثمانی سفارت کبری نوشته بودند و امر تلگرافی نیز از صدارت

عثمانی بولایت حجاز فرستاده شده بود معلوم است در لازمه احترام و مساعدت را

کما ینبغی بعمل خواهند آورد سواد مراسله جوابیهٔ عالی را که دائر بصدور ارادهٔ سنیه بود

با نمره و تاریخ تلگراف صدارت لفاً ارسال حضور مبارک گردید زیاده عرضی ندارد

شمارهٔ سند: ۸۶۳
موضوع: امور مذهبی و نصب ضریح
نمره: ۲۰۰
تاریخ: ذی‌حجه ۱۳۱۹ هـ . ق
کارتن: ۱۱
پرونده: ۴۰

نامهٔ قونسول ژنرالی ایران در بغداد به وزارت خارجه

اینکه اوامر علیه به سفارت کبریٰ شرف صدور یافته که از باب‌عالی اوامر لازمه به مأمورین عثمانی صادر نمایند که در نصب ضریح مبارک به مشاورالوزاره همراهی نمایند، خیلی موجب تشکر و اطمینان قلب فدوی شد چه یحیی خان مشاورالوزاره که برای این خدمت معین شده بود قبل از حرکت به طرف مکهٔ معظمه برای ملاقات فدوی به بغداد آمد و خیلی خیالش پریشان بود که مبادا تحمل این زحمت و سفر را که می‌کند والی حجاز یا شریف مکهٔ معظمه یا محافظ مدینهٔ منوّره یا خدام وحشی آنجا مانع نصب ضریح مبارک شوند و این خدمت انجام نیابد و اسباب خجلت و شرمساری او شود فدوی به او اطمینان دادم که البته از جانب وزارت جلیله اوامر لازمه به سفارت سنیهٔ اسلامبول شرف صدور خواهد یافت که از باب‌عالی اوامر لازمه صادر نمایند که احدی در آنجا ممانعت نکند.

به‌هرحال، اوایل ذی‌القعده با قافلهٔ حاج از راه جبل روانه شد و تعلیقهٔ مبارکه را که در سفارش درستکاری ناصرخان ترجمان که به وکالت او عازم کربلای معلی بود شرف صدور یافته بود به ناصرخان ارائه نمودم، زیارت نماید وخیلی مواظبت نماید که عامهٔ اهالی آنجا از درستکاری او راضی باشند. و بعد از حرکت مشاورالوزاره روانهٔ کربلای معلی شد. امیدوارم انشاءالله به طوری که مکنون خاطر مبارک است تا مراجعت مشاورالوزاره خوب خدمت کند و همان طور که عموم اهالی کربلای معلی از حسن سلوک و رفتار مشاورالوزاره نهایت رضامندی را داشتند از او هم راضی باشید، زیاده جسارت است.

امر اجل امجد ارفع عالی مطاع

قونسول ژنرالی دولت علیه ایران

در بغداد نمره ۲۰۰

تاریخ غره شهر ... ۱۳۱۹

بالیوز عثمانی

اینکه اولیای امور علیه سفارت کبری سرقضیه وریافته در از بابعالی اوامر لازمه

صادر نماید در نصب ضریح مبارک بشود و رالوزاره همراهی نمایند خیلی

موجب تشکر و اطمینان قلب فدوی [illegible] جمیع جان مش ورالوزاره

برای انخدمت معین شده بود قبل از حرکت بطرف مکه معظمه برای

ملاقات فدوی ببغداد آمد و خیلی خیالش پریشان بود مبادا اتجمی

این زحمتی و سفر را می کند و الی حجاز یا شریف مکه معظمه یا محافظ

مدینه منوره یا خدام و حشم آنجا مانع نصب ضریح مبارک بشوند

و انخدمت انجام نیابد و باعث خجلت و شرمساری او بشود

فدوی باو اطمینان دادم در اینباب از جانب وزارت جلیله

اوامر لازمه بسفارت سنیه کبری سرقضیه و خواهش رفته که از

بابعالی اوامر لازمه صادر بشود در اینصورت کاری ممانعت نکنند

بهر حال اوایل ذیقعده با قافله حاج از راه جبل روانه شد

و تعلیقه مبارکه را هم در سفارش در نگهداری ناصرخان

ترجمان از بوکالت او عازم کربلای معلی بود

شمارهٔ سند: ۸٦٤
موضوع: گرفتن گمرکی از زوار ایرانی
نمره: ۲۴۹
تاریخ: ۱۵ شعبان ۱۳۲۰ هـ. ق
کارتن: ۱۱
پرونده: ۳۲.

نامهٔ سفارت ایران در اسلامبول به وزارت خارجه

سابقاً تلگرافاً و کتباً مرقوم فرموده بودند زواری که از اتباع دولت علیهٔ ایران به خاک عثمانی رفته و در مراجعت اسب به جهت خودشان می خرند در گمرکهای عثمانی پنج لیره از آنها گمرک می‌گیرند و همچنین زوارها که دسته به دسته سی نفر و چهل نفر به زیارت می روند در ورود خاک عثمانی بعضی اشیای ممنوع الدخول آنها را در حدود مأمورین عثمانی نگاهداشته به سی نفر یک علم خبر می دهند که به موجب آن در مراجعت اسباب خودشان را اخذ نمایند، واضح است که در عودت این همه جمعیت در یکجا نیامده چهار نفر و پنج نفر برمی‌گردند و آن علم خبر در دست هر کس است آورده داده مال خود را اخذ می نماید. سایرین که کاغذ در دست ندارند مجدداً از آنها تک تک گمرک می خواهند. بعد از ورود بنده به اسلامبول در همین مضمون از وان و خانقین هم شکایتهای زیاد به سفارت کبری نوشته بودند. در این باب کتباً و شفاهاً با باب‌عالی خیلی گفتگو و اقدامات کرده حتی یک دفعه که نزد صدراعظم و وزیر خارجه رفته بودم گفتم، که ملل متمدنه عموماً در پی این هستند کلیتاً گمرک اشیایی که از مملکتشان خارج می شود بردارند که تجارت مملکتشان وسعت و تزاید پیدا نماید، با کمال تأسف در ممالک عثمانی خلاف این مشاهده می شود این گمرک پنج لیره که به اسب گذاشته اید اولاً از مملکت شما دیگر اسب به خارج نمی برند و این ضرری است که به تمام رعایا عثمانی وارد می آید ثانیاً سالی این‌قدر زوار که به عتبات عالیات می روند این همه تصعیبات و سخت گیری ها که در حق آنها می نمایند سبب قطع تردد آنها می‌گردد و حال آنکه معیشت و گذران تمام عراق عرب بسته به وجود زوار ایرانی است که هر کدام اقلاً چهل تومان خرج بکنند ببینند سالی چقدر به کیسهٔ دولت می رسد و آن همه

سخت‌گیری‌ها واضح است که عدد زوار را کمتر خواهد کرد به جهت اینکه آن طرفها راه‌آهن و شوسه نبوده تمام زوار سواره می‌آیند. خلاصه به حمدالله از توجهات ائمه طاهرین علیهم‌السلام به تسویهٔ این فقره موفق شدم مجلس وکلا به اجازه اعلی حضرت سلطان قرار دادند که بعد از این از قیمهٔ اصلی اسبها فقط صدی یک رسم گمرک بگیرند و این فقره را به عموم کارپردازهای دولت علیه مقیمین ممالک عثمانی اطلاع داده و اینک اعلان رسمی آن را هم لفاً ارسال داشتم که ملاحظه فرمایند.

[حاشیه، دستخط مظفرالدین شاه به شرح:]

آفرین بر ارفع‌الدوله. البته هر کسی که خدمت بکند ما هم هر کس را به فراخور خودش التفات کرده‌ایم، بلکه بیشتر از اندازه خودشان.

۱۵ شهر [illegible] ۱۳۲۰

نمره ۲۴۹

سابقاً مکرراً در کتب مرقوم فرموده بودند زوار که از اتباع دولت علیه ایران به خاک عثمانی رفته و در مراجعت

اسباب تجارت خودشان می‌خرند در گمرکهای عثمانی پنج لیره از آنها گمرک می‌گیرند و همچنین زوار را که در هر دسته

سی نفر و چهل نفر به زیارت می‌روند در وهله خاک عثمانی نفری [illegible] الی دخول آنها را در [illegible]

نگاه داشته برای نفری یک علم خبر [illegible] در [illegible] آن در مراجعت اسباب خودشان را [illegible]

واضح است در عودت با همه جمعیت در یکی [illegible] چهار نفر و پنج نفر [illegible]

در دست [illegible] آورده و داده مال خود را [illegible] سایرین [illegible]

محدود از آنها [illegible] گمرک می‌خواهند [illegible] در [illegible] بالمره [illegible]

و حقیقتاً [illegible] زیاد [illegible] گمرکی نوشته [illegible] در این باب [illegible]

و اقدامات [illegible] حتی یک دفعه [illegible] صدراعظم و وزیر خارجه رفته بودم گفتم [illegible]

کلیه گمرک [illegible] از مملکت شان خارج می‌شود زوار [illegible] تجارت [illegible]

با کمال تأسف در ممالک عثمانی [illegible] مشاهده می‌شود [illegible] گمرک پنج لیره [illegible]

[illegible] از مملکت [illegible] اسباب بخارج [illegible] ضروری است [illegible] تمام رعایا عثمانی [illegible]

ثانیاً [illegible] زوار در [illegible] می‌روند با همه تصعیبات [illegible]

[illegible] به سبب قطع تردد آنها [illegible] و حال آنکه [illegible] تمام عراق عرب

[illegible] زوار ایرانی است [illegible] هر کدام [illegible] خرج نکنند [illegible]

بکیشه حالت میرسد و آنچه سخت گیرها واضح است در عهد زوار را اگر خواهد که تجدید زیارت

آنطرف راه داده و شوره نتیجه تمام زوار بواره‌ی آن بیته خلاصه که بالاتر از توجهات ائمه طاهرین

علیهم السلام به تسویه این فقره توفیق شده مجلس وکلا با اجازه اعلیحضرت سلطان قرار داده‌اند که بعد از این

از قیمه رایج اسب فقط صدی یک رسم گمرک بگیرند و این فقره را بسیار کار بر دارهای دولت علیه تسلیم و تعلیق

ممالک عثمانی اطلاع ده و اینک بعد از رسم آن را دارم لفا ارسال داشتم که بعد ملاحظه

آت تجارتی

ممالك شاهانه‌دن خارجه اخراج اولنان آتلردن شمدی‌یه قدر قیمتنه باقلمیه‌رق علی‌الاطلاق بش لیرا کمرك رسمی آلنمقده ایدی. شو حال ممالك شاهانه آت تجارتنه ضرر ایراث ایتمکده اولدیغندن بعدازین مذکور رسمك لغویله اخراج اولنه‌جق آتلرك قیمت تخمنه‌لری اوزرندن یوزده بر رسم آلنمسی خصوصنه مجلس وکلا قراریله بالاستیذان ارادهٔ سنیهٔ حضرت پادشاهی شرفتعلق بیورلمشدر.

۹

باب عالی
دائرهٔ خارجیه
۴۷

ایران سفارت علیه‌سی مصلحتگذارلغنه

خانقین طریقیله زوار ایرانیه ایله بکوبره مخصوص اسب و استرلردن رسم گمرک طلبیله حیوانلرینک ضبط اولنمقده اولدیغندن بحثله مسئولیتی
دائر ۱۵ شوال ۳۱۸ تاریخ و یکصد ایکی نومرولو مقدما وزارت مرقومه‌یه عودتلرنده اعاده اولنان حیوانلرینه اوراجه رسم اخذ و استیفا اولندیغی
بیانیله شکایتی حاوی ۹ صفر ۳۲۰ تاریخ و یکرمی بش نومرولو مذکرهٔ سفارت علیه‌لرینه دائر داخلیه نظارت جلیله‌سندن ورود ایدن تقریر مطالعه کذا شکایاتی اولدیغنه اولسه‌ده بیوک
امانت جلیله‌سی سبب ایدن اشعارات و تبلیغات وارد اولان جوابده سفارتلرینک ادعاسی وجهیله زوار مرقومه مقدما اصول متخذه‌یه گوسترلمکده
اولوب کثیر ضلالی استرلر و بارگیرلر مقدمه حقوقنده رسومدن تأمینه حیوانات انکیرن حجاج ایرانیه حیواناتی مقدمه اولنه و برود اهرزده
جاری معطل و توقیفاً حیوانلرینک اشکال والوان و سائر اوصاف غیر متبدلاری بالمعاینه قیده و عودتلرنده تطبیقی اولنارق موافقت ظهوری
ایدنلرک تأمیناتی رد و دفع ایدیلمک و نقصانلرینک و قیمت مبالغ ظهور ایدنلرینه ادخالات و اخراجات رسومی استیفا اولنمق اصول
اتخاذ ایدیلدیکی و اهرزده الحالة هذه بو وجهله معامله و رعایت ایدیلمکده اولدیغی حالده تحدیداً قید هیچ برگونه شکایات وقوعبولدیغی
و حیوانات مذکوره بلاقید ادخال و اخراج ایدیلدیکی صورتده نقصانلرینک و یاخود بولنرک یرلرینه دیکر حیوان ادخال ایدیلمسی
بعض حیوانلرینه اخذی لازم گلان رسم‌لرک ضیاعی موجب اوله‌جغی بناءً معامله مجوزه‌نک بوندن بویله ترکی دخی
بو بابده زیاده موجب سهولت صورتی افزاغی محکمه اوله‌جغی وقوعیله حیوانلریله طلب گمرکده زوار و حجاج
ایرانیه کفیل دیکرده دیپوزیتو اعطاسیله تأمینه مقرون مقتضی مالحوظه بولندقلری بیانیله اصول متخذه مشروحه
دائره‌سنده اعطای تأمینات ایتمدیکی ضمننده سفارت علیه معرفتیله کندولرینه افهام و تفهیم کیفیت ایدیلمسی لزومی بیلدیریلمکده
و صورت اشعارات بالوجوه موافق مصلحت بولنمقده اولدیغندن بیانا تأکید تأمینات احترامیه وسیله اتخاذ قلنمشدر

فی ۴ جمادی الاولی ۳۲۰ و فی ۶ اغستوس ۳۱۸

خارجیه ناظری
توفیق

شمارهٔ سند: ۸۶۵/۱
موضوع: عزاداری محرم و مجالس روضه‌خوانی
نمره: ٤۸
تاریخ: ٤ محرم ۱۳۲۱ هـ.ق
کارتن: ۱۱
پرونده: ۷

نامهٔ قونسولگری ایران در شام به وزارت خارجه

تصدقت شوم، این اوقات که ایام محرم و تعزیه‌داری جناب سیدالشهدا علیه‌التحیه و سلام است، به قرار سنوات سابقه در کار پردازخانه مجلس روضه‌خوانی بر پا نموده هر روز مشغول دعاگویی وجود مبارک اعلی حضرت اقدس شاهنشاهی ارواحنافداه و ازدیاد عمر و شوکت، بندگان حضرت مستطاب اجل اشرف روحی فداه را از خداوند مسئلت می‌دارد.

ناخوشی وبا چند روز است که نسبت به سابق تخفیف کلی یافته، ولی قرانتینه که در مابین شام و بیروت وضع شده است هنوز برداشته نشده است، زیاده چه جسارت نماید.

جنرال قونسولگری

دولت علیهٔ ایران

۴ شهر محرم الحرام ۱۳۲۱ توشقان ئیل

نمره ۴۸

الان اوقات در ایام محرم و تعزیه داری حضرت سیدالشهدا

علیه التحیه و الثناست بطور سنوات سابقه در کارپردازخانه مجلس روضه خوانی

برپا و همه هر روز مشغول دعاگوئی وجود مبارک اعلیحضرت اقدس شاهنشاهی ارواحنا فداه

و ازدیاد عمر و دولت بی‌زوال حضرت مستطاب امیر اشرف روحی فداه را

از خداوند مسئلت می‌دارد تا خود بنده چند روز است در نقاهت [illegible]

تخفیف کلی یافته ولی قوه ضعف در [illegible] شده [illegible] و ضعف [illegible] است

هنوز برطرف نشده است زیاده چه جسارت نماید

شمارهٔ سند: ۸۶۵/۲

موضوع: عزاداری محرم

نمره: ۴۳۵

تاریخ: ۲۵ صفر ۱۳۲۱ هـ. ق

کارتن: ۱۱

پرونده: ۷

سواد کاغذ وزارت خارجه به مفخم‌الملک مأمور شام

(نصرالله مشیرالدوله)

وصول تحریر ٤ محرم و استحضار از مراسم تعزیه‌داری.

۵۳۴

۴۱۸

یادداشت وزارت خارجه بمعظم الملک مدیر

۲۵ صفر ۱۳۲۱

وصول تحریرات محرم و استحضار از مراسم تعزیه داری (نصرالله مشیرالدوله)

شمارهٔ سند: ۸٦٦
موضوع: عزاداری محرم و اقدامات کار پردازی بصره
نمره: ۱۲
تاریخ: ۱٤ محرم الحرام ۱۳۲۱ هـ . ق
کارتن: ۱۱
پرونده: ۵

نامهٔ کار پرداز بصره به سفارت کبری ایران در اسلامبول

امسال در بصره مادهٔ شورش و غوغا مستعد بود شیعیان عرب و عجم تماماً خیالهای فاسد داشتند و هم جماعت سنّی ها مهیا فتنه و فساد و منتظر ماه محرم الحرام بودند به جهت آن واقعهٔ که درمقام علی شده بود و تفضیل عرض گردید، چاکر با تدابیر کافیه راه افساد را بسته با والی قرار گذاشته شد یک نفر از جماعت ایشان به مساجد و تکیه های تعزیه نرود اگر بروند قطعاً خالی از فساد نخواهد شد، دویم به هر تکیه ده نفر از عسکرهای شیعه بگذارند با همین ترتیب گذرانیده شب روز چاکر و میرزا محمودخان با همه فراشهای کار پردازی گردش نموده دقیقهٔ غفلت نداشتیم و در روز تاسوعا و عاشورا تیغ زن و سینه‌زن در کوچه و محلات گردش داده، بی اسلحه نگذاشتیم احدی اسلحه بردارند در تکیه سرشان شکافته بیرون آمدند، بعدش سینه‌زن بیرون آمدند با همهٔ اجزای کار پردازی و با جمعی از عسکر در دورهٔ دسته در جامع ختم مجلس به عمل آورده شد، خیلی خوب گذشت تمام اهالی بصره به دعاگویی وجود مبارک حضرت اشرف روحی فداه مشغول اند، می‌گویند تا دسته تیغ زن بیرون نیامده بود و به این شکوه شعاع اسلام نشده بود با وجود امسال مادهٔ مستعدی بود تمام اینها از اقبال بی زوال حضرت اجل اشرف بندگان روحی فداه است، زیاده جسارت است.

۱۲ ...
۴ المحرم الحرام

امسال در بصره ماده شورش و غوغا شده بود شیعیان عرب و عجم تا تا
خیالهای فاسد داشتند و با جماعت سنی مهیای فتنه و فساد و منتظر
ماه محرم الحرام بودند بجهة آن واقعه که در مقام قتل شد بود و تفصیل عرض
کرده چاکر با تدابیر کافیه راه فساد را بسته بود و لی قرار گذاشته شد
یک نفر از جماعت ایشان بمساجد و تکیه های تعزیه نرود اگر برود
قطعاً قابل از قصاص خواهد شد و در تمام بهر تکیه ده نفر از عسکر های شیعه
بگذارند با همان ترتیب گذرانیده شب سوم چاکر و بیرزا محمود خان
با همه فراشهای کارپرداز بگردش نموده دقیقه غفلت ننداشتیم
و در روز تا سوعا و عاشورا تیغ زنان و سینه زنان در کوچه
و محلات گردش داده بی اهلیه نگذاشتیم اهالی اهلیه بر داده
در تکیه سر شان تکاف و بیرون آمدند بعضی سینه زنان

بیرون آمدند با همه رجال کارپردازان و با جمعی از علماء در حرم
دسته در حالتی هفتم ملی بعمل آورده شرح خبر این شب تمام اهالی
یحره بدعاگویی وجود مبارک حضرت اشرف روحنا فداه مشغول شدند بعلاوه تا
دسته تیغ زن بیرون تا صبح بود و به این شکوه شعائر اسلام شده بود
با وجود امساک داده نشسته بود تمام اینها از اقبال بی زوال حضرت
اقدس اشرف بندگان روحنا فداه است زیاده جسارت است

۵ شهر

شمارهٔ سند: ۸۶۷
موضوع: طغیان شط فرات و نهر حسینیه در کربلا
تاریخ: ۲۷ محرم ۱۳۲۱ هـ. ق
کارتن: ۱۱
پرونده: ۳

نامهٔ کارپردازی ایران در کربلا به وزارت خارجه

تصدقت شوم، چند روز است شط فرات در طغیان است به این واسطه این دو روزه نهر حسینیهٔ کربلای معلی به حدی طغیان و زیادتی کرده که تا یک درجه شهر در مخاطره است. جناب متصرف‌پاشا و این فدوی با مأمورین ایران و عثمانی شب و روز سواره اطراف نهر گردش کرده استحکامات فراهم می‌آوریم بحمدالله از سایهٔ مبارک حضرت مستطاب اجل اکرم امجد ارفع اعظم عالی شهر سلامت است، امروز هم آب قدری تنزل کرده است ولی باز امشب را هم بایستی تا نصف شب اطراف نهر گردش بکنیم که اطمینان حاصل شود تمام اتباع دولت علیه ایران از این مراقبت و مواظبت دعاگوی ذات اقدس همایونی ارواحنافداه هستند، وضع آب کربلا خیلی غریب است ایام بهار این طور طغیان دارد که جای خطر می‌شود و در تابستان ابداً آب نیست و اهالی کلاً آب چاه می‌خورند چون کربلای معلی محل زوار ایرانی و بزرگان دولت علیه است اگر در این موقع در تعلیقهٔ مبارکه مطاعه که به سرافرازی چاکر مرقوم می‌فرمایند اظهار مرحمتی هم به جناب دولت‌مآب متصرف‌پاشا از حسن مراقبت و مواظبت که در این باب کرده‌اند بشود خیلی خوب خواهد بود، زیاده جسارت است، امر اجل اکرم افخم اعظم امجد عالی مطاع.

فدوی: یحیی

کاربردازی دولت علیّهٔ ایران در کربلا

نمره — معروضه ۲۷ محرم ۱۳۳۱

چند روز است شط فرات در طغیان است. با نواب سلطان این دو روزه

نهر حسینیه کربلای معلی که بی طغیان و زیادتی کرده است تا بدرجه شهر در مخاطره است جناب مستطرف با شما و این فدوی و مأمورین

ایران و عثمانی شب و روز سواره اطراف نهر گردش کرده استحکامات فراهم می‌آوریم الحمدالله از سایه مبارک حضرت مستطاب اجل اکرم

احمد ارفع اعظم عالی شهر سلامت است امروز هم آب قدری تنزل کرده است ولی باز امشب را هم تا نصف شب

اطراف نهر گردش بکنیم در اطمینان حاصل شود تمام اتباع دولت علیه ایران از این مراقبت و مواظبت دعاگوی ذات

اقدس همایونی ارواحنا فداه هستند وضع آب کربلا خیلی غریب است ایام بهار اینطور طغیان دارد و جای

خطر می‌شود و در تابستان ابداً آب نیست و اهالی کربلا آب چاه می‌خورند چون کربلای معلی محل زوار ایرانی

و بزرگان دولت علیه است اگر در این موقع در تعلیقه مبارکه که مطالعه آن اسباب سرافرازی چاکر گردد اظهار

اظهار مرحمتی هم به جناب مستطرف و کتاب مستطرف باشد از حسن مراقبت و مواظبت در این باب

بشود خیلی خوب خواهد بود زیاده جسارت است امر اجل اکرم افخم اعظم امجد عالی مطاع فدوی یحیی

شمارهٔ سند: ۸۶۸

موضوع: طغیان آب کربلا و اهتمام متصرف پاشا

نمره: ۵۵۳

تاریخ: سلخ صفر ۱۳۲۱ هـ. ق

کارتن: ۱۱

پرونده: ۳

سواد کاغذ وزارت خارجه به مشاورالوزاره مأمور کربلا

کاغذ ۲۷ محرم شما به صحابت چاپار مقرر رسید از طغیان آب کربلا و اهتمامات جناب متصرف پاشا در فراهم نمودن استحکامات و جلوگیری از طغیان آب شرحی نوشته بودید، مستحضر شدم چون اهتمامات ایشان در این موقع موجب آسودگی اتباع دولت علیه ساکنین کربلا و رفع ضرر و مخاطرهٔ قاطبهٔ ساکنین آن محل شریف بوده به حسن نیت و خیرخواهی ایشان امتنان و خوشوقتی دارم و از خداوند متعال مسئلت می‌نمایم که ایشان را در خدمات به مسلمین همیشه موفق بدارد. نصراله مشیرالدوله.

۵۵۳

۲۹۸ / ۳

[illegible] مامور [illegible]

وزارت [illegible] آرشیو

[illegible] ۱۳۲۱

[illegible] اردبیل [illegible]

[illegible] ۲۷ محرم [illegible] اردبیل [illegible] و اتهامات [illegible] تلگرافات [illegible] اردبیل [illegible]

[illegible] اهالی [illegible] اتباع [illegible] خاطره [illegible]

[illegible] اتهامات [illegible] [illegible]

[illegible] اهالی [illegible] دارم

شمارهٔ سند: ۸۶۹
موضوع: تمجید اتباع ایران در کربلا و نجف از کار پرداز آنجا
نمره: ۲۲
تاریخ: ۲۷ ربیع الاول ۱۳۲۱ هـ. ق
کارتن: ۱۱
پرونده: ۳

نامهٔ قونسولگری ایران در بغداد به وزارت خارجه

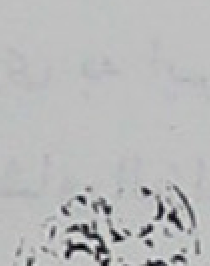
هو

قربانت گردم، به زیارت تعلیقجات مبارکه مورخهٔ ۲۶ صفر که در جواب عرایضم شرف صدور یافته بود و تعلیقجات مبارکه مورخهٔ ششم ربیع الاول مشرف از اوامر علیه و فرمایشات مطاعه اطلاع حاصل نمودم، فدوی و اجزای کار پردازی همه روزه از صبح الی شام با کمال حقّانیّت و درستکاری مشغول انجام امور زوار و مجاورین هستیم و عموم اتباع دولت ابد آیت علیه نهایت شاکر و ممنون‌اند.

در این دو سفر که حسب الامر به کربلای معلی و نجف اشرف مشرف شده بودم از حال و کار مأمورین کار پردازی تحقیقات لازمه نمودم هیچ عیب و نقصی در کارشان نبود، اتباع دولت ابد آیت علیه در هر نقطهٔ از زحمات مأمور آن محل ممنون و شاکر بودند، مخصوصاً در کربلای معلی که علماء عظام و تجار و اصناف که دسته دسته به دیدن فدوی می‌آمدند تماماً از زحمات و مواظبت یحیی خان مشاورالوزاره خیلی تمجید می‌نمودند و تمام اهالی کربلای معلی از مشارالیه نهایت اظهار امتنان می‌نمودند و در هر مجلس اظهار می‌نمودند که از زمان قدیم الی حال چنین کار پردازی به این کفایت و درستکاری و غیرتمندی و با حقانیت و بی‌طمعی مانند یحیی خان مشاورالوزاره نیامده و ندیده‌اند و این مسئله مابین علما و اعاظم و تجار کربلای معلی و نجف اشرف مسلم شده است، حتی در نجف اشرف علمای عظام آنجا که ایام سال برای اعیاد و زیارات مخصوصه به کربلای معلی مشرف می‌شوند و از امور کار پردازخانهٔ کربلا و بغداد و سایر جاها همیشه کسب اطلاع می‌کنند خیلی از یحیی خان مشاورالوزاره تمجیدات می‌نمودند و خود فدوی هم تصدیق می‌کنم که در این مدت شانزده سال که در بغداد مأموریت

داشته‌ام و کار پردازهای متعدده در ظرف شانزده سال به کربلای معلی فرستاده‌ام احدی به کفایت و درستکاری و غیرتمندی یحیی خان مشاورالوزاره نبوده‌اند، قابل و درستکار و دولتخواه است هر کس در حق او غیر از این عرضی کند محض غرض و بدفطرتی و خباثت نفس خواهد بود، و چون یحیی خان مشاورالوزاره اولاد بنده است شاید این عرایض حمل بر محبت پدری شود، ممکن است علمای طهران به علمای کربلا و نجف اشرف و تجار طهران به اعیان کربلا و نجف اشرف محرمانه بنویسند و سؤال نمایند، البته همین طورها که عرض کرده‌ام جواب خواهند داد، درستکاری و امانت و دیانت و دولتخواهی نزد فدوی به اندازهٔ مطلوب و مرغوب است که اگر از اولاد خودم خلاف آن را ببینم فوراً او را طرد می‌کنم و قبول نمی‌کنم، زیاده جسارت ندارد. امر اجل اکرم امجد افخم عالی مطاع.

با مهر محمود



قونسول ژنرالی دولت علیهٔ ایران

در بغداد نمره ۲۲

تاریخ معروضه ۲۷ شهر ربیع الاول

۱۳۲۱

زیارت تعلیقات مبارکه مورخه ۲۰ صفر در جواب عریضه شرفصدور یافته بود و تعلیقات مبارکه [illegible] کردم مورخهٔ ششم ربیع الاول مشرف [illegible] از اوامر علیه و فرمایشات مطالعه اطلاع حاصل نمودم فدوی و اجزاء کارپردازی همه روزه از صبح الی شام با کمال حقانیت و درستکاری مشغول انجام امور کارپردازی و حمایت و نظم اتباع [illegible] و عموم اتباع دولت ابدآیت علیه نهایت شاکر و ممنون اند. در این [illegible] سفر حسب الامر کربلای معلی و نجف اشرف مشرف شده بودیم از حال و کار مأمورین کارپردازی تحقیقات لازمه نمودم ابداً هیچ عیب و نقص در کارشان نبود اتباع دولت ابدآیت علیه در هر نقطه از زحمات مأمورین کمال ممنون و شاکر بودند مخصوصاً در کربلای معلی از علماء اعلام و تجار و کسبه صاحب [illegible] که دسته دسته به دیدن فدوی می‌آمدند تماماً از زحمات و مراقبت یحیی خان مشاورالوزاره [illegible] تمجید می‌نمودند و تمام اهالی کربلای معلی [illegible] نهایت اظهار امتنان می‌نمودند و در هر مجلس اظهار می‌نمودند از زمان قدیم الی حال چنین کارپردازی با این کفایت و درستکاری و غیرتمندی و با حقانیت و نظم مانند یحیی خان مشاورالوزاره نیامده و ندیده اند و این مسئله مابین علماء و اعاظم و تجار کربلای معلی و نجف اشرف مسلم شده است. حتی از [illegible] نجف اشرف علماء اعاظم آنجا در ایام سال برای عید و زیارات مخصوصه کربلای معلی مشرف می‌شوند و از امور کارپردازی کربلا و بغداد و سایر جاها همیشه کسب اطلاع می‌کنند خیلی از یحیی خان مشاورالوزاره تمجید و تعریف می‌نمودند و خود فدوی هم تصدیق می‌کنم در مدت شانزده سال که در بغداد مأموریت داشتم در کارپردازی‌های متعدده در ظرف شانزده سال کربلای معلی [illegible] این کارپرداز با این کفایت و درستکاری و غیرتمندی

شمارهٔ سند: ۸۷۰
موضوع: قتل و غارت زوار و حجاج و ناامنی در عراق عرب
تاریخ: ۷ شعبان ۱۳۲۱ هـ.ق
کارتن: ۱۱
پرونده: ۸

نامهٔ قونسولگری ایران در بغداد به وزارت خارجه

طرق عراق عرب از خانقین الی نجف اشرف از قدیم‌الایام هرگز امنیت کامل نداشته است ولی هر طور بوده با احتیاط و سفارش‌نامه‌جات و ترفیق ضبطیه ممکن بود که اغلب زوار و عابرین به سلامت عبور و مرور نمایند. حال چند ماه است که عراق عرب غرق اغتشاش و امنیت به کلی سلب شده است. حالا مملکتی است هرج و مرج حفظ طرق با ادارهٔ ضابطه است که ابداً در خیال حفظ طرق نیستند احکام ایالت را اعتنا نمی‌کنند بلکه مأمورین این اداره که به هر طرف برای نظم طرق مأمورند با عشایر اعراب دزد رفاقت دارند و اعراب در کمال اطمینان مشغول نهب و غارت قوافل می باشند، این روزها دو قافلهٔ اتباع دولت ابد آیت علیه و یک قافله تبعهٔ روس و یک قافله تبعهٔ انگلیس را متوالیاً در راه سامره نهب کرده‌اند قافلهٔ دیگر اتباع دولت ابد آیت علیه را در قزل رباط و قافلهٔ دیگر طرف مندلیج نهب کرده‌اند، وقتی خبر نهب قوافل به کارپردازخانه می رسد فوراً به ایالت در ضمن مراسلهٔ رسمیه می نویسم و عقب آن ترجمان می‌فرستم و با جناب مشیر پاشا که رئیس عسکریه و یک سال است وکیل والی هم هستند مکرراً و مجدداً مخابره می‌کنم ایشان به ادارهٔ ضابطه رجوع می‌کنند، رئیس ضابطه که مأمور حفظ طرق و استرداد اموال منهوبه است ابداً اعتنا به حکم ایالت نمی‌کند باز از طرف کارپردازخانه به ایالت نوشته و اصرار در استرداد اموال منهوبهٔ زوار می شود، مجدداً از طرف ایالت به اداره ضابطه امر موکد فرستاده می شود آن وقت رئیس ضبطیه دو نفر ضبطیه به صحراها می فرستند بعد از چند روز دست‌خالی برمی‌گردند مجدداً از طرف کارپردازخانه در تحصیل اموال منهوبه اصرار می شود از ایالت باز به ادارهٔ ضبطیه حکم می شود این دفعه ادارهٔ ضابطه دو سه نفر ضبطیه می فرستد یکی دو نفر از صحراها پیدا می‌کنند می آورند حبس می‌کنند چند روزی در حبس می مانند و مرخص می شوند ابداً احقاق حق

نمی شود.

در عراق عرب ادارات عدیده است که هر یک رئیس علی حدهٔ دارد مأمورین هر اداره هر قسم تعدی نمایند و به ایالت نوشته شود از طرف ایالت به آن اداره اظهار می شود ولی اظهارات ایالت در این ادارات محل اعتنا نیست، آمدن زوار با حالت حاضرهٔ عراق عرب حرام است. از خانقین الی نجف اشرف طرق ابداً امنیت ندارد اعراب دزد قطاع الطریق در کمال اطمینان مشغول سرقت و نهب هستند و از حکومت هیچ ترسی ندارند. زیارت و آستان بوسی ائمه طاهرین صلوات الله علیهم اجمعین بسیار خوب و مستحب است ولی به موجب امر الهی که ولا تلقوا بایدیکم الی التهلکه با این اغتشاش عراق عرب که جان و مال مردم محفوظ نیست حرام است. رعایای دولت قوی شوکت علیه که قوهٔ سفر و شوق زیارت و آستان بوسی ائمه طاهرین صلوات الله علیهم اجمعین دارند به مشهد مقدس رضوی سلام الله علیه مشرف شوند، ائمهٔ طاهرین صلوات الله علیهم اجمعین نور واحدند فدوی چند ماه است حالت اغتشاش و بی اثری حکومت را ملاحظه می نمودم، خیال داشتم به عرض این عریضه جسارت نمایم ولی باز خیال می‌کردم شاید با مخابرات با ایالت که هر روز داشته و دارم غیرت نمایند و نظمی به طرق بدهند که زوار اتباع دولت قوی شوکت علیه بیایند و از زیارت محروم نشوند حالا دیگر کار بی نظمی این مملکت به درجه‌ای رسیده است که با این وضع حاضر و این مأمورین عثمانی که بر سر کار هستند به کلی مأیوس شدم محض دولتخواهی و ملاحظهٔ حفظ رعایای دولت ابدآیت علیه جسارت می نمایم چنانچه صلاح دانند امر و مقرر فرمایند احدی به این مملکت نیاید و به کلی زوار را قدغن فرمایند تا دولت عثمانی نظمی به طرق عراق عرب بدهند با این وضع حاضر آمدن زوار حرا، از هر طرف نهب و غارت می شوند، زیاده جسارت است. امر اجل امجد ارفع عالی مطاع.

[حاشیه، دستخط مظفرالدین شاه:]

وزیر در این فقرات به ارفع الدوله مصراً نوشته و تأکید شود با سفارت عثمانی هم مذاکره شود.

امضاء مظفرالدین شاه

قونسول ژنرالی دولت علیهٔ ایران

در بغداد نمره ۸۲

تاریخ هفتم شهر رمضان المعظم ۱۳۲۱

طرق عراق عرب از خانقین الی نجف اشرف از قدیم الایام هرگز امنیت کاملی نداشته است ولیکن [illegible] بوده
و مسافرین با مخابرت و رفیق ضبطیه ممکن بود اغلب اوقات زوار و عابرین بسلامت عبور و مرور نمایند حال چند ماه است
که عراق عرب غرق اغتشاش و امنیت بکلی سلب شده است حالا مملکتی است هرج و مرج حفظ طرق
با اداره ضابطه است و ابداً در خیال حفظ طرق نیستند حکام ایالت را اعتنائی نکنند بلکه مأمورین این اداره
که بهر طرف برای نظم طرق مأمورند با عشایر اعراب دزد رفاقت دارند و اعراب در کمال اطمینان
مشغول نهب و غارت قوافل میباشند این روزها دو قافله اتباع دولت ابد آیت علیه و یک قافله تبعه
روس و یک قافله تبعه انگلیس را اموالشان در راه سامره نهب کرده اند قافله دیگر اتباع دولت ابد آیت علیه را
در قزلرباط و قافله دیگر طرف مندلیج نهب کرده اند وقتی خبر نهب قوافل بکاربردازخانه میرسد فوراً
بایالت در ضمن مراسله رسمیه مینویسیم و عقب آن ترجمان سفیر میفرستیم و با جناب مشیر پاشا رئیس عسکریه و ایالت هم
و وکیل والی هم شفاهاً مکرر و مجدداً مخابره میکنیم ثانیاً باداره ضابطه رجوع میکنند رئیس ضابطه که مأمور
حفظ طرق و استرداد اموال منهوبه است ابداً اعتنا بحکم ایالت نمیکند باز از طرف کاربردازخانه بایالت
نوشته و اصرار در استرداد اموال منهوبه زوار میشود مجدداً از طرف ایالت باداره ضابطه امر موکد صادر میشود
آنوقت رئیس ضبطیه دو نفر ضبطیه بصحرا میفرستد بعد از چند روز دست خالی برمیگردند مجدداً از طرف
کاربردازخانه در تحصیل اموال منهوبه اصرار میشود از ایالت بار باداره ضبطیه حکم میشود این دفعه اداره ضابطه
دو سه نفر ضبطیه میفرستند که دو نفر از صحرانشینان را پیدا میکنند میاورند حبس میکنند چند روزی در حبس میمانند و مرخص
میشوند ابداً احقاق حق نمیشود در عراق عرب ادارات عدیده است و هر یک رئیس علیحده دارد
مأمورین هر اداره بهر قسم تعدی بنمایند و بایالت نوشته شود از طرف ایالت بآن اداره اظهار میشود

شمارهٔ سند: ۸۷۱

موضوع: گرفتن وجه برای دفن جنازه‌های زوار توسط عثمانی ها

نمره: ۹۰

تاریخ: ۱٤ شعبان ۱۳۲۱ هـ . ق

کارتن: ۱۱

پرونده: ۸

نامهٔ قونسولگری ایران در بغداد به وزارت خارجه

چندی است رئیس جدید قرانتینه از اسلامبول به بغداد آمده بدعت تازه‌ای گذاشته اشخاصی که در شهر کاظمین، کربلای معلی، نجف اشرف، سامره و سایر ولایات وفات می‌نمودند در صورتی که در همان شهر مدفون می‌شد دیناری به ادارهٔ قرانتینه نمی‌دادند، حالا این رئیس جدید می‌خواهد از هر جنازه‌ای پنجاه غروش بگیرد. این مسئله هم مابین کار پردازی و مأمورین قرانتینه محل نزاع شده و هر روز در یکی از این شهرها گفتگو و نزاع است و این بدعت تازه را لابد کار پردازخانه بدون اجازهٔ وزارت جلیله نمی‌تواند قبول نماید، مراتب را به خدمت سفارت سنیه کبری نوشتم چنانچه رأی صوابنمای مبارک حضرت مستطاب اجل عالی اقتضا فرماید مقرر فرمایند سفارت کبری در این باب اقدام مؤثر نمایند که این بدعت را در حق اتباع دولت قوی‌شوکت علیه مقیمین عراق عرب نتوانند اجرا نمایند. عجالتاً مأمورین کار پردازی به امر کار پردازخانه در این شهرها گفتگو و نزاع دارند به ایالت بغداد مکرر در این باب نوشته و با جناب مشیر پاشا حضوراً گفتگو نموده‌ام مشیر پاشا می‌گوید من مداخله به کار ادارهٔ قرانتینه ندارم ولی به باب‌عالی می‌نویسم که تکلیف را معلوم نمایند ایشان به باب‌عالی و فدوی به سفارت کبری نوشتم تا چه شود امر اجل اکرم افخم عالی مطاع.

محل مهر: محمود

[حاشیه:]

وزیر، تفصیل را به ارفع‌الدوله بنویسید که اقدامات لازمه در رفع این بدعت به عمل بیاورد.

شهر رمضان ۱۳۲۱ به امضای مظفرالدین شاه

قنسول ژنرالی دولت علیهٔ ایران
در بغداد نمره ۹۰
تاریخ ۱۴ شهر شعبان المعظم
۱۳۲۱

[illegible]

چندی است رئیس جدید قرنتینه از اسلامبول به بغداد آمده بدعت تازه گذاشته که اشخاصی را در شهرهای مقدسه کربلا معلی
نجف اشرف سامره و سایر ولایات وفات می‌نمودند در صورتی که در همان شهر مدفون می‌شدند دیناری
به اداره قرنتینه نمی‌دادند حالا این رئیس جدید می‌خواهد از هر جنازه پنجاه غروش بگیرد این مسئله
مابین کارپردازی و مأمورین قرنتینه محل نزاع شده و هر روز در یکی از این شهرها گفتگو و نزاع است
و این بدعت تازه را که دید کارپرداز خانه بدون جنازه و وزارت جلیله نخواسته‌اند قبول نمایند مراتب را
به خدمت سفارت سنیه کبری نوشتم چنانچه رأی جهان‌آرای مبارک حضرت مستطاب اجل عالی اقتضا فرماید
مقرر فرمایند سفارت کبری در این باب اقدام مؤثری نمایند که این بدعت را در حق اتباع دولت علیه
مقیمین عراق عرب نتوانند اجرا نمایند هیچ‌گاه مأمورین کارپردازی با هر کارپرداز خانه در این
شهرها گفتگو و نزاع دارند با ایالت بغداد مکرر در این باب نوشته و با جناب مشیر پاشا حضوراً گفتگو
نموده‌ام مشیر پاشا می‌گویند من مداخله به کار اداره قرنتینه ندارم ولی به باب عالی می‌نویسم تکلیف را
معلوم نمایند ایشان به باب عالی و فوری به سفارت کبری نوشتم تا چه شود امر امر حضرت اجل اکرم افخم عالی

شمارهٔ سند: ۸۷۲
موضوع: گرفتن وجه برای دفن جنازه‌های زوار
نمره: ۲۷۶۷
تاریخ: ۲۶ ذی‌قعده ۱۳۲۱ هـ . ق
کارتن: ۱۱
پرونده: ۸

سواد کاغذ وزارت خارجه به سفارت کبرای اسلامبول

از قراری که مشاورالملک می‌نویسد رئیس جدید قرانتینه از اسلامبول به بغداد آمده بدعت تازه گذاشته اشخاصی که در شهر کاظمین و کربلای معلی، نجف اشرف و سایر ولایات عراق عرب وفات می‌نمودند در صورتی که در همان شهر مدفون می‌شد دیناری به ادارهٔ قرانتینه نمی‌دادند، حالا این رئیس جدید می‌خواهد از هر جنازه پنجاه غروش بگیرد و این مسئله مابین کارپردازی و مأمورین قرانتینه محل گفتگو شده هر روز در یکی از ولایات عراق عرب گفتگو و نزاع است و با ایالت بغداد هم مذاکره نموده است، می‌گویند ما مداخله به کار ادارهٔ قرانتینه نداریم و این فقرات را کارپردازی بغداد البته به سفارت کبری نوشته است جناب‌عالی در رفع این بدعت اگر اقدامی نموده‌اید، اطلاع بدهید به عرض حضور همایون برسد چنانچه اقدام نشده است با باب‌عالی مذاکره فرموده به عهدهٔ مأمورین قرانتینه هر حکمی که لازم است صادر و ابلاغ نمایید که این رسم غیرمعمول و مخالف اصول را از اتباع مطالبه ننمایند و نتیجه این اقدامات را هم اطلاع بدهید به عرض برسد. نصراله مشیرالدوله.

۲۷۶۲

ع

۱۱۸۵

سواد کاغذ وزارت خارجه به سفارت کبرای اسلامبول

۲۴ شهر ذی قعده ۱۳۲۱

کاظمین و کربلای معلی

آنکه در شهر

از قراری که مشاور الملک مینویسد رئیس جدید قرانتینه از اسلامبول به بغداد آمده بدعت تازه گذاشته است هر فوت شده پنج دینار از باد واره

نجف اشرف و سایر ولایات عراق عرب وفات مینمودند در صورتیکه در ماه پنج شهر هم فوت شود ماهی یکبار به کارپردازی

قرانتینه بغداد میدادند حالا این رئیس جدید میخواهد از هر جنازه پنجاه غروش بگیرد و این اسباب گفتگو و نزاع است

و مامورین قرانتینه محل گفتگو شده هر روز در یکی از ولایات عراق عرب و این فقرات را

و با ایالت بغداد هم مذاکره نموده است میگویند ما مداخله بکار اداره قرانتینه نداریم و این

کارپردازی بغداد البته به سفارت کبری نوشته است جنابعالی در رفع این بدعت اگر اقدامی نموده اید اطلاع

بدهید به عرض حضور مبارک برسد چنانچه اقدامی نشده است با باب عالی مذاکره فرمایید تعهد مامورین

قرانتینه هر حکمی لازم است صادر و ابلاغ نمایید که این رسم غیر معمول مخالف اصول را از اتباع

مطالبه ننمایند و نتیجه این اقدامات را هم اطلاع بدهید به عرض برسد

نصر الله مشیر الدوله

فصل ۲

اُمور تشریفاتی

شمارهٔ سند: ۸۷۳

موضوع: تعیین ولایت‌عهدی محمدعلی میرزا

تاریخ: ۲۹ ذی‌حجه ۱۳۱۳ هـ . ق

کارتن: ۲۵

پرونده: ح/۵

به سفرای دول متحابه نوشته می‌شود

چون تعیین مقام منیع ولایت‌عهد سلطنت و انتخاب موقع رفیع وراثت تاج و تخت پادشاهی از سنن سنیه سلاطین تاجدار و از حقوق مسلّمه پادشاهان بااقتدار و از لوازم تکالیف دول مستقله است در این وقت که اعلی‌حضرت قوی‌شوکت اقدس همایون شاهنشاه تاجدار متبوع مفخم دوستدار مظفرالدین شاه قاجار خلدالله ملکه و سلطانه بر اریکهٔ سلطنت و شاهنشاهی مملکت ایران جلوس فرمود، محض اجرای وظیفهٔ مقدسهٔ سلطنت عظمیٰ نواب مستطاب اشرف اسعد افخم والا محمدعلی میرزا اعتضادالسلطنه فرمان‌فرمای مملکت آذربایجان دامت شوکته را که ارشد ابنای اعلی‌حضرت اقدس شاهنشاهی و اماً نوادهٔ پادشاه مغفور محمدشاه مبرورالبسه الله جلل النور است و بدقت فکر و فرط کیاست و قدس نیت معروف و در سِرّوعلنی به حسن اخلاق و نیکی اداب و سنن موصوف و بر حسب قوه بدنیه نیز قابل کفالت این خدمت مهم و منصب بزرگ‌اند با استحقاق کامل و نهایت شایستگی به وراثت تاج و تخت خلافت انتخاب و به منصب ولایت عهد سلطنت منصوب فرمودند. محض استحضار خاطر مهام ذخایر آن‌جناب جلالت‌مآب از این ارادهٔ سنیه و صداقت خاطر اقدس همایون و اجرای آن با کمال احترام زحمت‌افزا گردید، بدیهی است که تفصیل امر را به اولیای دولت متبوعه خود اعلام خواهند فرمود، زیادت زحمت نمی‌دهد. ۲۹ شهر ذی‌حجه‌الحرام ۱۳۱۳

[حاشیه، دستخط مظفرالدین شاه:]

ـــ ملاحظه شد، صحیح است.

[illegible]

بعنوان مجلس مشابه نوشته میشود

چون تعیین مقام منیع ولایتعهد سلطنت و انتخاب موقع رفیع وراثت تاج و تخت پادشاهی بنص صریح فصل سی و ششم [illegible] از حقوق

مسلمه پادشاه است و از لوازم تکالیف مجلس مقدسه است در این وقت اعلیحضرت [illegible]

اقدس همایون شاهنشاه تاجدار متبوع معظم حضرت مظفر الدین شاه قاجار خلد الله ملکه و سلطانه برای [illegible] اشرف

سلطنت و شاهنشاهی مملکت ایران جلوس فرمود منصب اجرای وظیفه مقدسه سلطنت عظمی نواب سلطان ارشد [illegible]

اسعد افخم والا محمد علی میرزا اعتضاد السلطنه فرمانفرمای مملکت آذربایجان دام مجده [illegible] فکر

اعلیحضرت اقدس شاهنشاهی دام ملکه [illegible] [illegible] بسبب الله [illegible]

و فطانت و قدس نیت سرشت و در سیر و عمل بحسن اخلاق و دیگر آداب [illegible]

در حسب قوه بر نیز قابلیت کفالت [illegible] منصب بزرگ را استحقاق [illegible]

شایسته بر داشت تاج و تخت خداوندی است منصب ولایت عهد سلطنت [illegible]

محض استحضار خاطر مهام ذخایر آن جناب مجدداً اعلام [illegible] اراده سنیه [illegible]

همایون و اجرای آن با کمال احترام زحمت افزا گردید [illegible]

شهر ۱۳۲۴

مقتبس عهد خرد العظم [illegible] فرمود [illegible] ۲۹ شهر ذی الحجه الحرام

شمارهٔ سند: ۸۷۴
موضوع: فرامین نشان برحسب خواهش سفارت عثمانی
تاریخ: صفر ۱۳۱۴ هـ. ق
کارتن: ۲۴
پرونده: $\frac{۳}{ت}$

فهرست فرامین نشان که بر حسب خواهش سفارت عثمانی صادر می‌شود

در حق عبدالنافع افندی باش کاتب تحریرات در مکتب سلطان درجهٔ دویم خارجه

در حق وهبی بک باش کاتب انجمن تفتیش درجهٔ دویم خارجه

در حق عبداله افندی مدیر محاسبهٔ معارف درجهٔ دویم خارجه

در حق علی غالب‌بیک مدیر اوراق نظارت معارف درجهٔ دویم خارجه

در حق فیضی افندی معلم زبان فارسی در مکتب سلطان درجهٔ سیم خارجه

در حق فایق بک ملازم از عساکر بحریهٔ دولت عثمانی درجهٔ سیم خارجه

در حق خالدبیک منشی ادارهٔ ژاندارمیه دولت عثمانی درجهٔ سیم خارجه

ندارد

[حاشیه:]

موازی هفت طغرا فرامین نشان است و این فهرست به شرف صحهٔ مبارکه همایونی ارواحنافداه مشرف خواهد شد که فرامین به مُهرِ مِهرآثار مبارک مزین شود. شهر صفرالمظفر ۱۳۱۴

امضای مظفرالدین شاه

ز ٥/٦

فهرست

فرامین نشان در بر حسب خواهش سفارت عثمانی صادر شود

نشان

در حق عبد اللطیف افندی باش کاتب تحریرات در مکتب سلطانی

درجه دوم خارجه

نشان

در حق وهبی بیک باش کاتب انجمن تفتیش

درجه دوم خارجه

نشان

در حق عبد الله افندی مدیر محاسبه معارف

درجه دوم خارجه

نشان

در حق علی غالب بیک مدیر اوراق نظارت معارف

درجه دوم خارجه

نشان

در حق فیضی افندی معلم زبان فارسی در مکتب سلطانی

درجه سیم خارجه

نشان

در حق فایق بیک ملازم از عساکر بحریه لیوای عثمانی

درجه سیم خارجه

نشان

در حق خالد بیک معلم ادارات ژاندارمه در مکتب عثمانی

درجه سیم خارجه

هزار و

[illegible]

شمارهٔ سند: ۸۷۵

موضوع: فرامین نشان برحسب استدعای سفارت عثمانی

تاریخ: ربیع‌الثانی ۱۳۱۴ هـ. ق

کارتن: ۲٤

پرونده: ۳/ت

فهرست فرامین نشان که برحسب استدعای سفارت عثمانی صادر می‌شود

در حق جواد افندی نایب سیم سفارت عثمانی نشان درجهٔ سیم خارجه

در حق یوسف افندی اجزای سفارت عثمانی نشان درجهٔ چهارم خارجه

در حق اطهر افندی اجزای سفارت عثمانی نشان درجهٔ چهارم خارجه

ندارد

[حاشیه:]

موازی سه طغرا فرامین نشان است و این فهرست به شرف صحهٔ مبارکهٔ همایونی ارواحنافداه مشرف خواهد شد که فرامین به مُهرِ مِهرآثار مبارک مزین شود. فی شهر ربیع‌الثانی ۱۳۱٤

محل مهر: صدراعظم و امضای مظفرالدین شاه

٧ / ١٥

فرامین نشان در حسب استدعای سفارت عثمانی صادر شود

در حق جولو افندی نایب سیم سفارت عثمانی

نشان درجه سیم خارجه

در حق یوسف افندی اجزای سفارت عثمانی

نشان درجه چهارم خارجه

در حق اطهر افندی اجزای سفارت عثمانی

نشان درجه چهارم خارجه

[illegible]



[illegible] ١٣١٤

شمارهٔ سند: ۸۷۶

موضوع: انعام و اعطای نشان و حمایل سرتیپی سوم برای میرزا حسن‌خان منشی کار پردازی

تاریخ: ۳ ربیع الاول ۱۳۱۷ هـ . ق

کارتن: ۶

پرونده: ۱۱/۴۲

خلاصهٔ نوشتجات ناظم الملک کارپرداز بغداد

میرزا حسن‌خان، منشی کارپردازی، بیست و دو سال است به صداقت خدمت می‌کند. همهٔ کارپردازها از او راضی بودند، ماهی ده تومان معاش دارد جزو مقرری کارپردازی مرحمت می‌شود زمان مأموریت مستشارالسلطان سالی پنجاه تومان انعام مقرری از خزانه در حق او برقرار شد آن هم پس از شهادت شاه شهید تاکنون مرحمت نشده کراراً مراتب عرض شد، تا پارسال به موجب تعلیقهٔ وزارت خارجه مقرر شد حسب‌الامر به او مرحمت شود، سواد تعلیقه را هم چندی قبل به وزارت خارجه فرستاده است هنوز وجه مقرری چهارساله نرسیده و در این مدت خدمت فقط یک طغرا فرمان سرهنگی دارد در عوض خدمات استدعا دارد مقرر شود دویست تومان انعام مقرری چهارسالهٔ او مرحمت که قروض خود را بدهد و اگر رأی مبارک قرار بگیرد مشارالیه را به اعطای یک قطعه نشان و حمایل سرتیپی سیم مفتخر فرمایند که مزید امیدواری او باشد، چنانچه مرحمت می‌شود زودتر مرحمت شود که در این عید مولود آینده رسیده زیب پیکر افتخار نماید.

[حاشیه، دستخط مظفرالدین شاه:]

ـــ نمی‌شود داد و گذشته است. امضای مظفرالدین شاه

۳ ربیع [illegible]

میرزا حسنخان منشی کارپردازی بیست و چهار سال است بصداقت خدمت میکند اهل کارپردازان از او راضی هستند

ماهی ده تومان معاش دارد خود تقرری کارپردازی مرحمت شود تا [illegible] مدیریت [illegible] ساله پنجاه تومان

انعام تقرری از خزانه در حق او برقرار نمایم پس از شهادت شاه شهید تاکنون مرحمت نشده [illegible]

تا پارسال بموجب تعلیقه مبارک رحمه تقرری حسب الامر [illegible] شده [illegible] تعلیقه را هم [illegible] قبض [illegible]

[illegible] وجه [illegible] چهار ساله [illegible] در این مدت خدمت فقط [illegible] در عوض [illegible]

مقرر شود چون [illegible] انعام تقرری چهار ساله او مرحمت که [illegible] اگر [illegible] قرار بگیرد

[illegible] را باعطای [illegible] نشان [illegible] او باشد [illegible]

[illegible] مرحمت شد که [illegible] رسیده [illegible]

شمارهٔ سند: ۸۷۷
موضوع: قاتل ناصرالدین شاه
نمره: ۲۴۵
تاریخ: ۳ جمادی‌الاول ۱۳۱۷ هـ . ق
کارتن: ۵
پرونده: ۱۱/۱۲

گزارش کارپردازی ایران در طربزون [طرابوزان] به وزارت خارجه

هو

قربان حضور مبارکت شوم، تفصیل وقایع اتفاقیه این ولا را در هر پست به عرض حضور مبارک رسانیده، الحال که موقع عزیمت پست مقرری بود حسب‌الوظیفهٔ چاکری چند فقره حوادثات جدیده که در این ایام وقوع یافته بود لفاً عرض و تقدیم می‌نماید و یک فقرهٔ مهمی که عرض اطلاع آن الزم بود به تفصیل و تقدیم آن جسارت می‌شود. مشهدی اسماعیل نام صراف که از اتباع دولت علیهٔ متبوعه بوده و از چندی به این طرف در طربزون [طرابوزان] اقامت دارد یک فطوغراف از قاتل ملعون شاه شهید نورالله مزجعه را که از طرف بابی‌ها شرحی در بالای صفحهٔ فطوغراف به عربی العباره نوشته شده است در دکان خود گذارده به خارج و داخل در صورت خصوصی ارائه می‌نموده است، شخصی کیفیت را به چاکر اطلاع داده، در حال فطوغراف مذکور را از دکان مشهدی اسماعیل ضبط کرده به کارپردازخانه آورد اینک لفاً عین فطوغراف را تقدیم می‌نماید که از نظر مبارک بگذرد.

البته معلوم حضرت ولی النعمی خواهد بود که آنچه از طرف بابی‌های بی‌دین در روی صفحه نوشته شده است چقدر به امور سیاسی برخورده و مسئلهٔ مهمی است خصوصاً مشهدی اسماعیل مرقوم که این فطوغراف را در دکان خود گذارده و به مردم ارائه می‌نموده است و چاکر آنچه استنطاقش نمود که از کجا این فطوغراف را آورده و کجا انداخته شده است، چیزی بیان نکرده هم این‌قدر می‌گوید که از تفلیس برای او فرستاده‌اند.

در هرحال حسب‌الوظیفهٔ چاکری به عرض تفصیل و تقدیم فطوغراف جسارت

ورزید که هرچه امر مبارک باشد از آن قرار اطاعت شود. زیاده جسارت است. چاکر اسداله

و آنچه چاکر اخیراً در حق مشهدی اسماعیل مذکور تحقیقات لازمه به عمل آورد گویا من‌القدیم با بابی‌ها مراوده و مکاتبه داشته و این فطوغراف را هم برای ترویج نزد خود آورده به مردم نشان می‌داده است، در هر صورت ماندن این جور اشخاص در این صفحات خالی از اشکال و اغتشاش نخواهد بود، محض اطلاع خاطر مبارک مجدداً عرض و جسارت نمود. محل مهر: اسداله

[حاشیه، پشت پاکت نامه و دستخط مظفرالدین شاه:]

ـــ چند فقره کاغذ کارپرداز طرابوزن [طرابوزان] است که از عرض خاکپای مهر اعتلای اقدس همایون اعلی روحنافداه خواهد گذشت.

جناب اشرف صدراعظم مطالب کارپرداز طرابوزان به عرض رسید و از خدمات او تمجید نمایید.

امضا: مظفرالدین شاه

نمرهٔ ۲۴۵ ـــ ۳ جمادی‌الاول ۱۳۱۷

۱۳۱۴
۱۷۲ نمره جیم

۸

قربان حضور مبارکت شوم

تفصیل وقایع اتفاقیه اینوقت را در ... بعرض حضور مبارک

رسانیده الحال که موقع عزیمت بسمت مقرری بود حسب الوظیفه چاکری خبر نمره حوادثات جریده که در این ایام

وقوع یافته بود تماماً عرض و تقدیم نمایم یکفقره مهمی که عرض الصدق آن لازم بود بتفصیل نقره [illegible] بیشتر بجهت

شهری اصفهانی ... که از اتباع دولت علیه توجه ... از جنس ... ظرف در ظرف ... یک ظرف عرق ... دارد

از ... معلوم ... شهید ... که از ظرف ... شرحی در بالای صفحه ظرف عرق ... بعبارت العبارة ...

نوشته ... در دکان خود گذارده بخارج ... در صورت خصوصی ... اراده نموده ... که

شخصی کیفیت را به ... الطلاع داده ... در حال ظروف عرق مذکور را از دکان ... شهری ... ضبط

نگاه ... از خانه آورد ... یک ... عین ظروف عرق را تقدیم نمایم که از نظر مبارک بگذرد

البته معلوم حضرت والا خواهد بود که آنچه از طرف بابیها در روی صفحه نوشته شده است چه قدر با طور سیاسی خورده

پیوسته [illegible] است خصوصاً شهری اسمعیل برقوم که این تلگراف را در دست خود گذارده و به مردم ارائه نموده است

و چاکر آنچه استعلام نمود که از کجا این تلگراف را آورده و کجا انداخته شده است خبری پیدا نکرده ام اینقدر

میگویند که از تفلیس برای او فرستاده اند در هر حال حسب الوظیفه چاکری به عرض تفصیل و تقدیم تلگراف جسارت ورزید

که هر چه امر مبارک باشد از آن قرار اطاعت شود زیاده جسارت است

چاکر
[illegible] الملک

و آنچه چاکر اخیراً در حق شهری اسمعیل پس از تحقیقات لازمه معلوم نمود که از القدیم با بابیها مراوده و علاقه داشته است ...

تلگراف هم برای ترویج [illegible] آورده به مردم نشان میداده است در هر صورت [illegible] این شخص را

خالی از اشکال و عقوبتش لازم خواهد بود محض اطلاع خاطر مبارک به عرض جسارت شد.

۲۴۵

۳ جمادی الثانی ۱۳۱۷

در [illegible] روز [illegible] شهر [illegible]

[illegible]

جناب [illegible]

شمارهٔ سند: ۸۷۸

موضوع: مهمانی سفیر ایران در استانبول از سفرای خارجه و وزرای عثمانی

نمره: ٤٨١

تاریخ: ۲٦ شوال ۱۳۱۷ هـ . ق

کارتن: ۱

پرونده: ۱۱/۱

گزارش سفارت ایران در اسلامبول به وزارت خارجه

این اوقات که سفرا به اصطلاح به دعوت دیپلوماتیک شروع کرده‌اند، بنده نیز برحسب معمول خود در این چند روزه علی العجاله دو دفعه از بعضی از سفرا و وزراء عثمانی و مأمورین خارجه دعوت کرده صورت مدعوین را به ترتیبی که در سر میز شام حاضر بودند لفاً فرستاد* تا از لحاظ شریف بگذرد، در دفعهٔ اول که وزیر خارجه و تشریفات موعود بودند از جناب خلیل رفعت‌پاشا صدراعظم عثمانی هم دعوت کرده بودم ولی چون به واسطهٔ کهولت سن و ضعف مزاج غالباً از حضور در این قبیل مجالس عذر می‌خواهند از بنده نیز عذر خواسته بودند، این دو مجلس بسیار باشکوه و مجلل و مرتب گذشت، دعوتهای دیگر هم همین که به انجام رسید صورت مدعوین و مجلس دعوت محض اطلاع خاطر شریف فرستاده خواهد شد.

محمود

[حاشیه، دستخط مظفرالدین شاه:]

ـــ خیلی خوب تمجید نمایید. امضا: مظفرالدین شاه

* دو برگ صورت مدعوین به ترتیبی که در سر میز شام حاضر بوده‌اند، ضمیمهٔ سند است.

نمره ۷ جواب

۲۶ شهر شوال المکرم ۱۳۱۷

۴۸۱

این اوقات در سفرا اصطلاح دعوت دیپلوماتیک مرسوم کرده‌اند از بیرون جنرالهای معمول

در این چند روزه علی الاتصال دو دفعه از بعضی از سفرا و وزرای عثمانی و مامورین خارجه دعوت

کرده صورت مدعوین را ترتیب داده در سر شام خاطرنشان فرستاده از دیگر

بکنند در دو دفعه اول وزیر خارجه و تشریفات موعود بودند از جانب صفیری قیمت

صدراعظم عثمانی هم دعوت داشتند ولی از رابطه کسالت مزاج غایب از حضور در

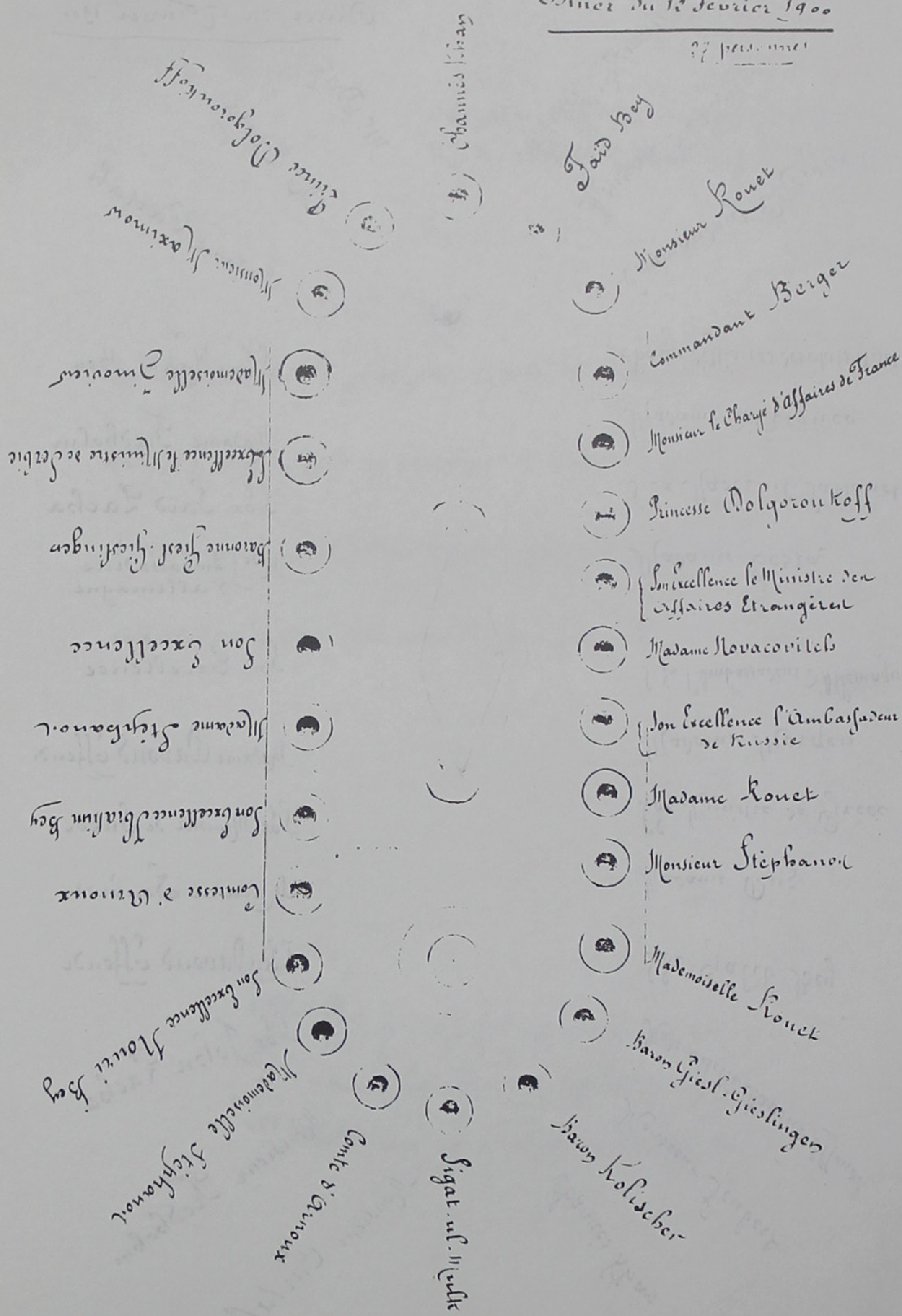
این قبیل مجالس عذر خواسته بودند از بنده نیز عذر خواسته بودند این مجلس را نکرده

رسماً دیپلوماتیک گرفتند دعوتهای دیگر هم که باتمام رسید صورت مدعوین در جوف

بعرض الله خاطر شریف فرستاده . محمد

Diner du 1er Février 1900

27 personnes



Diner du 17 Février 1900

30 personnes

Mr Duz

Mr Testa

Madame Carlali

S.Ex. Hakki Bey

Madame Fredholm

S.Ex. Saïd Pacha

Mde l'Ambassadrice d'Allemagne

Son Excellence

Madame Davoud Effendi

S.Ex. Ministre de Suède

Madame Seubert

S.Ex. Davoud Effendi

S.Ex. Tohn Pacha

Monsieur Fredholm

Monsieur Carlali

Ohannes Khan

Monsieur Seubert

Mademoiselle Davoud Effendi

S.Ex. Galib Bey

Madame Duz

S.Ex. Ministre de Grèce

Madame Morgen

S.Ex. l'Ambassadeur d'Allemagne

Madame Testa

S.Ex. Naser-ul-Saltanet

Madame d'Aronco

Chargé d'Affaires des Etats-Unis

Commandant Morgen

Monsieur d'Aronco

Salar-ul-Memalik

شمارهٔ سند: ۸۷۹

موضوع: ترجمهٔ صورت حساب بابایان در ساختن نشان

تاریخ: ۱۳۱۷ هـ . ق (مطابق ۳ مهٔ ۱۸۹۷ میلادی)

کارتن: ۶۰

پرونده: —

عالی جناب

مفتخراً و با اجازهٔ عالی جناب بدین‌وسیله قیمتهایی را که استفسار فرموده بودید اعلام می نماید:

نشان بزرگ مزین به برلیان (تمام برلیان) و لوح مزین به الماس و برلیان به قیمت ۲۷۵ لیر ترکی.

ضمناً می‌توان همان نشان و لوح را مزین به برلیان و الماس را به قیمت ۱۷۵ لیر ترکی ساخت.

مفتخرم که خدمتگزار حقیر و مطیع آن‌جناب باشم. با تقدیم احترامات فایقه.

بابایان

حساب قیمت بابایان جهت ساختن نشان اقدس [illegible] نوشته اند [illegible]

باوجود این حواله فرموده بودید تمام نمی‌شود بهتر است الماسها ساخته شود

فردا [illegible] هر چه پارسال آمد جواب نوشته شود [illegible] تمام.

Hof-Juwelier Se Maj des Sultans
und Se. Maj des Kaisers von Deutschland und
Konigs von Preussen

[illegible]

[illegible Armenian letterhead]

[illegible Ottoman letterhead]

قره بت بابايان

بك اوغلنده جاده كبيرده نومرو ۳۸۰

G. Babayan

JOAILLIER EN CHEF
de S. M. I. le Sultan
& de S. M. l'Empereur d'Allemagne
et Roi de Prusse
Grand' Rue de Péra No. 380

Constantinople le 3 [illegible] [illegible]

[illegible]

J'ai l'honneur de prendre la liberté de donner pour présenter à Son Excellence le prix qu'elle a daigné bien vouloir me demander. La grande décoration qui est tout en brillants et la plaque garnie avec des brillants au prix de ~~[illegible]~~ 175 [illegible]

On pourrait faire la même décoration et plaque garnies de brillants et roses au prix de 175 [illegible]

J'ai l'honneur d'être de Son Excellence, le très humble et très obéissant serviteur.

P.P. G. BABAYAN
A. Babayan

[illegible Ottoman marginal notes]

شمارهٔ سند: ۸۸۰
موضوع: سوء قصد به مظفرالدین شاه در پاریس
تاریخ: سلخ ربیع الثانی ۱۳۱۸ هـ. ق
کارتن: ٤
پرونده:

گزارش کارپرداز ایران در شام به وزارت خارجه

در پاریس یک نفر از آنارشیستها که در حق ذات اعلی حضرت اقدس شهریاری روحی و روح العالمین فداه را سوء قصدی نموده و از تفضل خداوند و اقبال بی زوال اعلی حضرت همایون ملتزمین رکاب مبارک که عبارت از بندگان حضرت مستطاب اشرف اعظم، آقای صدراعظم روحی فداه و وزیر دربار و مهماندار دولت بهیهٔ فرانسه باشد، زود ملتفت شده بدون فرصت دستگیر نموده بودند. قبل از آنکه این چاکر را خبری برسد جناب ناظم پاشا والی ولایت سوریه باخبر شده به کارپردازخانه آمده بشارت داده و تبریک نمود، بعد جنرال قونسول دولت بهیهٔ فرانسه و روس آمده تبریک نمودند و چاکر نیز اظهار امتنان و تشکر زیاد از بشارت ایشان نموده، سجدات شکر خداوندی را بجا آورد. خداوند همیشه دشمنانش را ذلیل مجذوب و منکوب نموده و روز به روز بر عمر و شوکتشان بیفزاید، زیاده جسارت است.

محل مهر: عبده محمد هاشم

سلخ شهر ربیع الثانی ۱۳۱۸

در پاریس یک نفر از [illegible] در حق ذات اعلیحضرت اقدس شهریاری روحی و روح العالمین فداه [illegible]

سوء قصد نموده و از تفضل خداوند و رحمات بی زوال اعلیحضرت همایون [illegible] مبارک

[illegible] حال حضرت مستطاب اشرف اعظم آقای صدر اعظم ارواحنا فداه و وزرا

دربار [illegible] دولت بهیه فرانسه [illegible] تلگراف [illegible] و صحت [illegible]

قبل از آنکه این چاکر را خبری برسد جناب [illegible] والی ولایت [illegible]

[illegible] آمده بشارت داده و تبریک نمود به جنرال [illegible]

[illegible] آمده تبریک نمودند و چاکر نیز اظهار [illegible] بشارت [illegible]

سلامت [illegible] خداوند [illegible] آورد خداوند همیشه دشمنان را [illegible]

[illegible] چاکر [illegible]

شمارهٔ سند: ۸۸۱
موضوع: مشخص کردن روز ورود مظفرالدین شاه به عثمانی
تاریخ: ۱٤ جمادی‌الاول ۱۳۱۸ هـ. ق
کارتن: ۲۰
پرونده: ٤۰

نامهٔ سفارت ایران در اسلامبول به وزارت خارجه

جناب ابراهیم بیک ایشیک آقاسی باشی، برحسب امر اعلی حضرت سلطان رسماً نوشته از بنده سؤال کرده است که روز ورود اعلی حضرت همایونی روحنا فداه را به اسلامبول* از روی تحقیق برای او بنویسد، چون از خود جسارت نمی‌توانست کرده جواب بنویسد لابداً تلگرافاً به عرض عالی رسانید که هر روز را مشخص فرموده اعلام بفرمایند که در جواب به ابراهیم بیک بنویسد که به عرض سلطانی برساند و منتظر جواب است که از آن قرار رفتار نماید. محمود.

[حاشیه، دستخط مظفرالدین شاه:]

ــ جناب اشرف صدراعظم، روز ورود ما را تلگرافاً به علاء‌الملک اطلاع بدهند. امضا مظفرالدین شاه

* عکس و مقالهٔ روزنامهٔ تلگراف (چاپ صوفیه) در مورد سفر مظفرالدین شاه به فرنگ ضمیمهٔ سند است (به تاریخ ۲۲ سپتامبر ۱۹۰۰م).

[illegible]

۱۴ شهر جمادی الاولی ۱۳۱۸

جناب ابراهیم بیک انگلیسی دفتری باشی [illegible] اعلیحضرت سلطان زنگبار نوشته

از بنده سؤال کرده است که روز ورود اعلیحضرت همایونی [illegible] را با تلگراف [illegible] تحقیق

برای او بنویسید چون از خود جرئت نمی توانست کرده جواب بنویسد لابد اگر تلگراف

بعرض عالی رسانید در هر روز [illegible] اعلام [illegible] در جواب ابراهیم بیک بنویسید

که بعرض سلطانی رسانید و منتظر جواب است که از [illegible] محمد [illegible]

روزنامه (تلگراف) در صوفیه چاپ شده ۲۲ سپتامбر ۱۹۰۰

Година II. София, 22-й Септември 1900 година.

За обявления се плаща на I стр. 1 левъ, . IV . — 60 ст.

Единъ брой 10 ст.

ТЕЛЕГРА[Ф]

TÉLÉGRAPHE

JOURNAL MILITAIRE.

Rédacteur en Chef du journal Lieutenant de la réserve Stoyloff.

Отговоренъ Редакторъ Св. Димитровъ, адвокатъ юристъ, бивший секретарь на Нар

Le Chah Mouzaffer-Eddin, le R[oi des Rois]

Aujourd'hui pour la première fois, après une immense période de temps, la capitale de la Bulgarie a l'honneur de recevoir dans son sein, comme Hôte rare et précieux de Son Altesse Royale le Prince et de tout le peuple Bulgare, le „*Fils du Soleil*", le glorieux successeur de Cyrus, Cambyse et Darius, Sa Majesté Mouzaffer-Eddin — Chah des Perses, cinquième Souverain de la dynastie régnante des „Kadjars".

Sa Majesté Impériale le Chah est née à Téhéran, capitale de la Perse, le 25 Mars 1853 et a maintenant juste 47 ans, 4 mois et 25 jours. Il a succédé à la Couronne Impériale de Perse à Son Auguste Père le Chah Nassr-Eddin (né le 17 Juillet 1831) le 1-er Mai 1896 — le jour même de l'odieux assassinat de Son Auguste Père.

L'Empereur Mouzaffer-Eddin est le plus sage, le plus énergique et le plus généreux de tous les Souverains de l'Asie. Grâce à Ses excellentes qualités d'âme et de coeur, entre tous les Monarques — Autocrates de l'Orient, Sa Majesté a reussi à attirer sur Son Auguste Personne l'attention de l'Europe entière et en même temps à gagner, de la manière la plus méritée, les sympathies de tout le monde civilisé, ainsi que l'amour et le dévouement absolus de Ses sujets.

Pendant Son heureux et glorieux règne de 4 années, en Perse ont été prises de nombreuses mesures d'une haute utilité concernant le commerce, l'industrie, l'agriculture, l'instruction publique etc. Sa Majesté Impériale le Chah aime passionément Son armée, à la suite de quoi cette dernière a reçu l'organisation militaire la plus moderne et dans cette armée tout se fait conformément aux principes du dernier mot de l'art militaire actuel.



Si la Providence accorde une longue vie à ce sage et noble Monarque, la Perse continuera d'exister comme unité politique indépendante encore pendant de longs siècles.

En terminant, nous sommes heureux de souhaiter la bienvenue dans notre capitale à Sa Majesté le Roi des Rois.

شمارهٔ سند: ۸۸۲
موضوع: مأموریت ارفع الدوله و جشن بیست و پنج سالهٔ سلطنت سلطان عبدالحمید
نمره: ۵۷۰
تاریخ: ۱۴ جمادی الاول ۱۳۱۸ هـ . ق
کارتن: ۵
پرونده: ۱۱/۱۴

نامهٔ سفارت ایران در اسلامبول به وزارت خارجه

چون به مناسبت جشن سال بیست و پنجم جلوس اعلی حضرت سلطان به تخت سلطنت از هر دولت سفیر فوق العاده برای تبریک و تهنیت به اسلامبول فرستاده می شد. لهذا بنده هم مراتب را به حضرت صدارت عظمی عرض و لزوم فرستادن هیئت فوق العاده را از طرف اعلی حضرت اقدس همایون روحنافداه تلگراف نمودم، از آنجا هم جناب اشرف پرنس ارفع الدوله را به سمت سفیرکبیری فوق العاده صفاء الممالک را به مأموریت مستشاری و محمدعلی خان آجودان را به آتاشه میلیتری و میرزا علی اکبر خان مفخم السلطنه را هم نایب مأمور فرموده.

بنده نیز مراتب را به باب‌عالی و سرای سلطانی اطلاع داده، اسباب پذیرایی و تشریفات را فراهم آوردم. روز ورود جناب ژنرال سعدی پاشا را که به مهمانداری معین کرده بودند تا نزدیک حکمچه که نیم ساعت تا اسلامبول مسافت است با راه‌آهن به استقبال فرستادند در ایستگاه راه‌آهن غالب بیک تشریفاتچی از طرف سلطان آمده احوالپرسی و رسم خوش‌آمدی را بجا آورد، چند کالسکهٔ دولتی هم برای هیئتِ درگار حاضر کرده بودند رعایای دولت علیه و اجزای سفارت کبری و قونسولگری هم استقبال نمودند و آنها را در هوتل [هتل] موسوم به پراپالاس که از طرف دولت معین کرده بودند و سایر سفرای دول اجنبی را هم در آنجا منزل داده بودند، جا دادند.

دو روز بعد اعلی حضرت سلطان با تشریفاتی که در این مواقع معمول است برای تبلیغ نامهٔ همایون به حضور خواستند، بنده با جناب ارفع الدوله و سعدی پاشا مهماندار در کالسکهٔ چهار اسبه و سایرین در کالسکه‌های دیگر نشسته در حالتی که یک دسته سوار ارطغرل در اطراف کالسکه می آمدند به حضور شرفیاب شده، بنده از طرف خود و جناب

ارفع الدوله هم نطقی دایر به مأموریت مخصوص نمودیم و نامهٔ همایون را گرفته خیلی اظهار مسرت و امتنان از این نوع اتحاد و دوستی اعلی حضرت اقدس همایونی نمودند. یک شب هم به شام رسمی دعوت فرموده نشان مکلل به الماس مجیدی به جناب ارفع الدوله و درجهٔ اول مجیدی به صفاء الممالک و درجهٔ دویم عثمانی هم به محمدعلی خان آتاشه میلیتر و علی اکبرخان مفخم السلطنه که سمت نیابت را داشت و نتوانست در موقع به اسلامبول برسد اعطا فرمودند، یک روز بعد هم دو قطعه مدال طلا و نقره امتیاز برای جناب ارفع الدوله فرستاده و اظهار التفات فرموده پریشب هم دومرتبه به شام دعوت فرمودند و در حقیقه اعلی حضرت سلطان نسبت به سفارت فوق العادهٔ دولت علیه در این موقع بیشتر از سایر سفارتها محبت و مهربانی نمودند و تا دیروز مهمان اعلی حضرت سلطان بودند دیروز باز با همان تشریفات به ایستگاه راه‌آهن رفته عازم (مارینباد) شدند که آنجا دادن مأموریت خود را به خاکپای همایون روحنافداه به عرض برسانند. محمود

۱۴ شهر جمادی الاولی ۱۳۱۸

نمره ۵۲۰

چون بمناسبت جشن سال بیست و پنجم جلوس اعلیحضرت سلطان به تخت سلطنت

از طرف دولت سفیر فوق العاده برای تبریک و تهنیت باسلامبول فرستاده [illegible]

مراتب را بحضرت صدارت عظمی عرض و لزوم فرستادن هیئت فوق العاده

از طرف اعلیحضرت اقدس همایونی روحنا فداه تعارف نمودم از ایشان خواهش

جناب ارفع الدوله بسمت سفیر کبیری فوق العاده و [illegible] را ماموریت

[illegible] محمدعلی خان احمد [illegible] را به اتاشه گی سفیر [illegible]

بنده نیز مراتب را [illegible] و برای [illegible] اطلاع داده [illegible]

و تشریفات را فراهم آوردم روز ورود جناب [illegible] از زال

سعی [illegible] را بهمه [illegible] که [illegible] تا [illegible] حکمت [illegible]

تا اسلامبول مسافت است با راه آهن [illegible] گذشته

راه آهن غالب بیش تشریفاتی از طرف سلطان آنچه اجزای که در تشریفات بودند در کمال خوشرویی کو

بیاورد چه کالسکه درشکی هم برای هیئت دربار خاص که تمام رختهای تشریفات و اجزای

سفارت کبری و قونسولگری هم اشغال نمودند و آنها را در هوتل میبردند به درباره اندلس

در اطراف آن ملتی که بودند و بسیار صدای ... حال ... را هم در این منزل حاضر بودند

جا داده در روز بعد اعلیحضرت سلطان با تشریفات تمام در ایوان مخصوص سفارت برای تشریف آوردند

اما در حضور احترامات بنده جناب ارفع الدوله و سعدی با مهماندار در کالسکه

چهار اسبه و سایرین در کالسکه های دیگر نشسته در جلو کالسکه عده سوار از طرف

در اطراف کالسکه می آمدند منصور شدند بنده از طرف خود و جناب

ارفع الدوله هم نطقی داریم بمبارکباد مخصوص نمودیم و با همه اما ... را که تمام

اظهار مسرت و امتنان از این نوع اکرام و مرحمت اعلیحضرت امپراطور نمودند

یکشنبه هم شب از طرف ... دعوت فرموده شان مفصل با تمام حجره های کتاب

ارفع الدوله و در جواب حجره ها مصنف ... و در جواب ... غذا هم

بموجب تلگرافات آقای سید علی اکبر خان مفخم السلطنه درست بابت لوایح ذات و نشریات

در موقع بابلدیه محترم از الطاف فرمودند بیشتر و نتیجه هم در قطعه‌های اول طلب و نقطه آقای ذراری

جناب ارفع الدوله فرستادم و اظهار تشکرات فرمودند بیشتر هم در ترتیب آن

و عرض تشکر نموده و در جمعه احتشام السلطنه نیست نیز رأی حقوق الملکه بتعقیب

در این موقع بیشتر از سایر نقاط ترتیبات محترمات و تعهدات نموده قرار دادند در روز جمعه

احتشام السلطنه تو به در روز بازار امان آن تشریفات باشکوه در راه آهن

رفته غازم (مازندران) شدند در انجام دادن هر نوع تشریفات خودداری

ننمایند زیاده فدایت بعرض رسانید محمود احتشام السلطنه

شمارهٔ سند: ۸۸۳
موضوع: اظهار تشکر از تبریک جلوس بیست و پنج ساله
تاریخ: ۱۳۱۸ هـ . ق
کارتن: ۳۰
پرونده: $\frac{۵۹}{۱۸}$

ترجمهٔ نامهٔ اعلی حضرت سلطان عثمانی (عبدالحمید) به مظفرالدین شاه

اعلی حضرت قدرقدرت همایون شاهنشاهی

رقیمهٔ مبارکه محتوی بر محبت قلبیه و مودت خالصانه آن اعلی حضرت بود و برای تبریک جشن و جلوس بیست و پنج ساله دوستدار مرقوم و به توسط پرنس میرزا رضاخان ارفع الدوله که به سمت سفارت کبرای فوق العاده نزد مخلص ایصال فرموده بودند واصل و اسباب کمال امتنان گردید. به ملاحظهٔ همجواری و اتحاد و دوستی قدیمی که فی مابین دولتین برقرار است از این اظهار محبت و مودت فایقه که در این مورد در حق دوستدار اظهار فرموده بودند، زیاده از حد متشکر و همواره دوام عمر و عزت آن اعلی حضرت شهریاری را از خداوند متعال مسئلت می نمایم و همهٔ وقت منتظر رقیمه جات آن دوست مکرم محترم بودن، به نگارش این رقیمه محبانه می پردازد.

عبدالحمید

ترجمه نامه اعلیحضرت سلطان عثمانی

اعلیحضرت قدر قدرت همایون شاهنشاهی

رقیمه مبارکه محتوی بر محبت قلبیه و مودت خالصانه آن اعلیحضرت بود و برای تبریک جشن جلوس بیست و پنج ساله دوستدار مرقوم و توسط ایلچی کبیر ارفع خان

ارفع الدوله که بسمت سفارت کبرای فوق العاده نزد مخلص ایصال فرموده بودند وصول و اسباب کمال امتنان گردید بملاحظه اتحاد همجواری

و اتحاد و دوستی قدیمی که فیمابین دولتین برقرار است از این اظهار محبت و مودت فایقه که در این مورد در حق دوستدار

اظهار فرموده بودند زیاده از حد متشکر و همواره دوام عمر و عزت آن اعلیحضرت شهریاری را از خداوند متعال مسئلت مینمایم

و در همه وقت منتظر رقیمه جات آن دوست مکرم محترم بوده بنگارش این رقیمه محبانه میپردازد

(عبدالحمید)

شمارهٔ سند: ۸۸٤

موضوع: مأموریت ارفع الدوله

نمره: ٤٤۱۲

تاریخ: ۲٦ جمادی الثانی ۱۳۱۸ هـ . ق

کارتن: ۵

پرونده: ۱۱/۱٤

سواد کاغذ وزارت خارجه به سفارت کبرای اسلامبول

از مأموریت جناب اشرف پرنس ارفع الدوله به اسلامبول برای تبریک جشن سال ۲۵ جلوس اعلی حضرت سلطان به تخت سلطنت و شرفیابی حضور سلطان و اعطای نشان به معزی الیه و سایر اجزأ و همراهان ایشان شروحی مرقوم فرموده بودید، مستحضر شدم به حمدالله از اهتمامات حسنهٔ جناب عالی مأموریت جناب معزی الیه بخوبی انجام شده و تشریفات بقاعده به عمل آورده اند، زیاده زحمت نمی دهد. نصراله (مشیرالدوله)

۴۳۱۲

۲۰۸۷

سواد کاغذ وزارت خارجه به سفارت کبرای اسلامبول

مورخه ۲۶ جمادی الثانیه ۱۳۱۸

از مأموریت جناب اشرف پرنس ارفع الدوله با هیئت سفارت برای تبریک جشن ۲۵ ساله جلوس اعلیحضرت سلطان به

سلطنت و ترقی به حضور سلطان و اعطاء نشان به معزی الیه و باریافتن و همراهان ایشان نشان و ترقی مرحمت فرموده بودند مستحضر شده بسیار مسرور شدم

از اهتمامات حسنه جنابعالی در مأموریت جناب معزی الیه که به انجام رسید و تشریفات به قاعده معمول آورده اند نهایت رضایت حاصل [illegible]

شمارهٔ سند: ۸۸۵
موضوع: سوء قصد ناموفق به مظفرالدین شاه و بازگشت وی به ایران
نمره: ٤٤٨٧
تاریخ: ۲۹ جمادی‌الثانی ۱۳۱۸ هـ. ق
کارتن: ٤
پرونده:

سواد کاغذ وزارت خارجه به مأمور شام

از سوءقصدی که یک نفر در پاریس در حق ذات اقدس ملوکانه روحنافداه نموده بود و به حمدالله موفق نشد و دستگیر گردید شرحی نوشته بودید مطلع شدم، تشکر این موهبت بر عموم چاکران دولت فرض است و ان‌شاءالله با کمال سلامت موکب فیروزی کوکب همایون در غره رجب وارد سرحد ایران خواهند شد، زیاده چه نگارد. نصراله (مشیرالدوله)

۱۴۴۸۷

سواد کاغذ وزارت جلیله ...

مورخه ۲۹ جمادی الثانیه ۱۳۱۸

از بروز قصدی که یکنفر در پاریس در حق ذات اقدس ملوکانه روحنا فداه نموده بود و بحمدالله بی‌ثمر شد و دستخط گرامی
نوشته بودید مطلع شدم شکر این موهبت بر عموم چاکران دولت فرض است ان‌شاءالله با کمال صحت موکب فیروزی کوکب
همایون در غره رجب وارد سرحد ایران خواهند شد. زیاده چه نگارد نصرالله (مشیرالدوله)

شمارهٔ سند: ۸۸٦
موضوع: تبریک بمناسبت نجات شاه از سوءقصد
تاریخ: ۱۲ اغتوس ۱۹۰۰ (۱۳۱۸ هـ. ق)
کارتن: ۲۰
پرونده: ٤۰

ترجمه نامهٔ سفیرکبیر عثمانی در پاریس به صدراعظم ایران

از حضرت مستطاب اشرف صدراعظم استدعای عاجزانه می‌نمایم که مراتب تبریک و تهنیت ولی‌نعمت مفخم خودم اعلی‌حضرت پادشاه عثمانی و حکومت سنیه را در این موقع استخلاص اعلی‌حضرت اقدس شاهنشاهی از قفای ناگهانی در حضور مبارک لطفاً عرض نمایند.

سفیرکبیر دولت علیهٔ عثمانی در پاریس: منیر

هـ

Ambassade Impériale Ottomane — Paris le 190

ذات همايون جناب شاهانه‌نك عيد صيامى ايله شوقندى

ناكلانيده خلاصياب اولمه‌لرندن طولايى حاصل اولان وجد و

مسروريه و مسعوديه عاجزانه‌مى عرض ايله برابر متبوع معظم

ولى‌نعمتم ذات حضرت پادشاهى و حقيقه‌سنه شهرياريه نام

[illegible] تبريك و تهنيت ايله ذات ملكانه صفات

عاليه‌سنه اولانده [illegible] هر وجهله اكدارده مصونيتلرى [illegible]

حضرت شاهانه‌نك بعدما [illegible] ايديكم لطفا و عنايه

و عالى خلوص ايلك ياد و تمنا [illegible] وزير اعظم فخامتلو

خاكپاى معلاى جناب شهنشاهيه ابلاغنى [illegible] فرمانه

امين السلطنه حضرتلرينه رجا ايدرم

[illegible]

سفير كبير دولت عليه عثمانيه در پاريس

[illegible]

از حضرت مستطاب اشرف صدر اعظم ایتها العالی عاجزانه ملتمسم

مراتب تبریک و تهنیت و تعظیمات مفخم خود اعلیحضرت

پادشاه عثمانی و حکومت سنیه را در این موقع انشلادی

اعلیحضرت اقدس شاهنشاهی از وقایع ناگهانی در حضور

مبارک لطفاً عرض نمایند عریضه پیشکش تعلیقه عالی

دربار رئیس

منیر

شمارهٔ سند: ۸۸۷

موضوع: مسافرت مظفرالدین شاه به عثمانی

تاریخ: ۳۰ سپتامبر ۱۹۰۰ میلادی (۱۳۱۸ هـ. ق)

کارتن: ۲۰

پرونده: ۴۰

گزارش از سفارت ایران در اسلامبول به وزارت خارجه (ترجمهٔ روزنامهٔ تایمز)

شاه

از اسلامبول

شاه امروز از سوفیا وارد شدند، توفیق‌پاشا وزیر امور خارجه به استقبال آمده بود، اعلی حضرت شاهنشاهی به مجرد ورود سوار کشتی دولتی موسوم به عزالدین گشته در ساعت دوازده و نیم وارد (اورتا کوئی) شدند، در اینجا پرنس برهان‌الدین و صدراعظم داخل کشتی شده از طرف سلطان ورود همایونی را تبریک عرض کردند. از عقب کشتی عزالدین هشت کشتی دیگر که در روی آنها ایرانی‌های مقیم اسلامبول بودند حرکت می‌کرد، در (اورتا کوئی) شاه از کشتی بیرون تشریف آوردند و در آنجا سعیدپاشا رئیس دارالشورا و سایر امنای دولت برای پذیرایی حاضر بودند شاه را به (مینی کیاسک) که در پارک یلدیز واقع است بردند، در اینجا خود سلطان حاضر بوده دوستانه از شاه پذیرایی نمودند و افواج عثمانی آواز ملتی ایرانی را زدند.

روزنامجات عثمانی از صمیم قلب ورود اعلی حضرت شاه را تبریک می‌کنند و از دوستی که مابین خلیفه و ایشان موجود است با کمال خوشوقتی اظهار می دارند.

THE SHAH.

(THROUGH REUTER'S AGENCY.)

CONSTANTINOPLE, SEPT. 30.

The Shah arrived here to-day from Sofia. His Majesty, who was received by Tewfik Pasha, Minister for Foreign Affairs, embarked immediately on board the Imperial yacht Izzedin and arrived at Ortakoi at half-past 12. Here he was received on board the yacht by Prince Burhan Eddin and the Grand Vizier, who welcomed him in the name of the Sultan. The Izzedin was followed by eight vessels, on board which were the members of the Persian colony here. On disembarking at Ortakoi the Shah was received by Said Pasha, President of the Council of State, and many other high dignitaries of the Palace, and was then conducted to the Yeni Kiosk in the Yildiz Park. Here his Majesty was cordially received by the Sultan, while Turkish troops lined the route and played the Persian national anthem. The Turkish newspapers cordially welcome the arrival of his Majesty. They dwell with satisfaction upon the friendship of the Caliph and the neighbouring Mussulman sovereign and the friendly relations existing between the two countries.

روزنامه تایمز

شاه

از اسلامبول

شاه امروز از سوفیا وارد شدند توفیق پاشا
وزیر امور خارجه به استقبال که رفته بود اعلیحضرت
شاهنشاهی بمجرد ورود بر کشتی جلالی سوار شدند؟
عزالدین گشته در ساعت دوازده و نیم وارد
اورتاکوئی شدند در اینجا پرنس برهان الدین
و صدر اعظم داخل کشتی شده از طرف سلطان ورود
ایشانرا تبریک عرض کردند از عقب کشتی عزالدین هشت کشتی دیگر که در روی آنها ایرانیهای مقیم اسلامبول
بودند حرکت میکرد در (اورتاکوئی) شاه از کشتی بیرون تشریف آوردند و در اینجا سعید پاشا رئیس دارالشورا
و سایر اعیان دولت برای پذیرائی حاضر بودند شاه را به (ینی کیاسک) که در پارک یلدیز واقع است بردند
در اینجا خود سلطان حاضر بوده بسیار از شاه پذیرائی نمودند و افواج عثمانی آواز ملی ایران را زدند
روزنامجات عثمانی از صمیم قلب ورود اعلیحضرت شاه را تبریک میکنند و از دوستی که مابین خلیفه و ایشان
موجود است با کمال خوشوقتی اظهار میدارند

شمارهٔ سند: ۸۸۸

موضوع: مسافرت مظفرالدین شاه به عثمانی

تاریخ: اول اکتبر ۱۹۰۰ میلادی (۱۳۱۸ هـ . ق)

کارتن: ۲۰

پرونده: ۴۰

گزارش از سفارت ایران در اسلامبول به وزارت خارجه (ترجمهٔ روزنامهٔ تایمز)

شاه

از اسلامبول

دیشب در (یلدیز کیاسک) سلطان مهمانی به افتخار شاه دادند، پنج نفر از شاهزادگان عثمانی و چندین نفر از امنای کبار ایرانی و عثمانی حضور داشتند.

(یلدیز کیاسک) را خیلی مجلل چراغان کرده بودند و پس از شام آتش‌بازی بسیار خوبی کردند.

شاه امروز نهار را در سفارت‌خانهٔ ایران صرف فرمودند و بعدازظهر اعلی حضرت شاهنشاهی وزرای عثمانی و سفرای خارجه را در قصر پذیرایی فرمودند به صدراعظم ایران نشان امتیاز مکلل به الماس اعطا شده است.

شاه در عثمانی

در موقع تشریف‌فرمایی شاه به اسلامبول روز دوشنبه احتیاطات فوق‌العاده به عمل آوردند:

جمعیتی از پلیس و سرباز حاضر بودند و به اشخاصی که خانه‌هایشان در عرض راه مابین ارتاکوئی و یلدیز واقع است حکم شده بود که مهمان راه ندهند و در موقع عبور کالسکهٔ سلطنتی دریچه‌هاشان را ببندند. عصر شنبه طبقات فوقانی سه خانه که محاذی در پارک یلدیز بود به عجله خراب کردند، مقصود از این کار ظاهراً این بود که برخورد دو سلطان را کسی نبیند و یا اینکه حادثه بدی رخ ندهد.

شاه

از اسلامبول

دیشب در یلدیز کیاسک سلطان مهمانی به افتخار شاه

داده بود پنج نفر از شاهزادگان عثمانی و چندین نفر

از اعیان و کبار ایرانی و عثمانی حضور داشتند

THE SHAH.

(THROUGH REUTER'S AGENCY.)

CONSTANTINOPLE, Oct. 1.

A banquet was given yesterday evening by the Sultan at Yildiz Kiosk in honour of the Shah. Five Turkish Princes and many high Persian and Turkish officials were present. Yildiz Kiosk was brilliantly illuminated, and after the repast there was a splendid display of fireworks.

The Shah to-day lunched with the Persian Ambassador at Stambul, and this afternoon his Majesty received at the Palace the Turkish Ministers and the head of the diplomatic missions. The Persian Grand Vizier has been decorated with the order of the Imtiaz in brilliants.

روزنامه تایمز

یلدیز کیاسک را چراغان کرده بودند و پس از شام آتش بازی بسیار خوبی کردند

شاه امروز نهار را در سفارتخانه ایران صرف فرمودند و بعد از ظهر اعلیحضرت شاهنشاهی وزرای عثمانی

و سفرای خارجه را در قصر پذیرائی فرمودند به صدراعظم ایران نشان امتیاز مکلل به الماس مرحمت شد

شاه در عثمانی

در موقع تشریف فرمائی شاه به اسلامبول روز دوشنبه

احتیاطات فوق العاده بعمل آوردند

جمعی از پلیس و سرباز حاضر بودند و به تمام خانه‌های

که در خط راهی از ارتاکوئی و یلدیز واقع است حکم شده بود

THE SHAH IN TURKEY.

Extraordinary precautions were taken on the occasion of the arrival of the Shah at Constantinople on Monday. A great force of police and troops was on duty and an order was issued forbidding the tenants of all the houses along the route between Ortakeui and Yildiz to admit visitors. At the same time they were instructed to keep their windows closed during the passing of the Imperial *cortége*. On Saturday evening the roofs and upper storeys of three houses commanding the entrance to Yildiz Park, where the Sultan was to welcome the Shah, were hastily torn down and the occupants had to leave their homes. Apparently the motive of the authorities was to prevent anyone from watching the meeting of the two monarchs or to guard against any untoward incident.

که مهمان نپذیرند و در موقع عبور کالسکه سلطنتی دریچه‌ها را باز نکنند عصر شنبه طبقات فوقانی

سه خانه را که مشرف درب پارک یلدیز بود بعجله خراب کردند مقصود از این کار ظاهراً این بوده که هیچ

کس نبیند و یا اینکه حادثه بدی رخ ندهد

شمارهٔ سند: ۸۸۹

موضوع: شرفیابی سفیر عثمانی به حضور مظفرالدین شاه

تاریخ: ۱۳۱۸ هـ. ق

کارتن: ۲۹

پرونده: $\frac{۵۹}{۱۲}$

فهرست عرض وزارت خارجه است

صدرالدین بیک نایب اول سفارت عثمانی که در غیبت موکب همایونی ارواحنا فداه در سفارت عثمانی سمت شارژ دافری هم داشت، این اوقات عزیمت مراجعت به اسلامبول دارد و چون می خواهد برای مرخصی به خاکپای اقدس اعلی شرفیابی حاصل کند، استدعایش این است که در موقع سلام نوروز قبل از تشرف هیئت کُردیپلوماتیک به خاکپای مبارک یا بعد از تشرف آنها موقعی معین شود که به اتفاق شمس‌الدین بیک سفیرکبیر عثمانی شرفیابی و مرخصی حاصل نماید. دیگر منوط به رأی جهان‌آرای مبارک است. استدعای دیگر او هم این است که چون مدتی است در ایران مأموریت داشته و مشغول خدمت بوده است، در این موقع که به وطن خود مراجعت می نماید عطیهٔ از عطایای سلطنتی به عیال او مرحمت شود، در این باب هم هر طور ارادهٔ علیه خسروانه ارواحنافداه اقتضا فرماید مقرر خواهد شد. زیاده جسارت نمی‌کند. الامر الاقدس الاعلی مطاع.

در این قبیل موارد غالباً معمول بوده است که کل الماس یا انگشتر و نظایر آن مرحمت می شد، دیگر موقوف به ارادهٔ علیه همایونی روحنافداه است.

[حاشیه، دستخط مظفرالدین شاه:]

جناب اشرف اتابک اعظم یک حلقه انگشتری الماس بدهند. شهر ذی‌حجه ۱۳۱۸

امضا: مظفرالدین شاه

وزارت امور خارجه ۱۷۲

ادارهٔ دایرهٔ

مورخه

نمره

خدمت عرض وزارت جلیله خارجه

اینجانب نایب اول سفارت عثمانی که در غیبت مرحوم سفیر کبیر [illegible]

در سفارت عثمانی بسمت شارژدافر [illegible] داشت [illegible]

دارد و چون میخواهد برای مرخصی [illegible] حاصل کند [illegible]

که در موقع سلام نوروز قبل از تشرف [illegible]

مبارک یا بعد از تشرف [illegible] مرخصی حاصل شده [illegible]

سفیر کبیر عثمانی [illegible] مرخصی حاصل نماید [illegible]

مبارک است [illegible]

مأموریت داشته و شغل خدمت برده [illegible] در این موقع [illegible]

مراجعت نماید علیه از عطای سلطنتی [illegible]

هر طور ارادهٔ علیه خسروانه ارواحنا فداه اقتضا فرماید [illegible]

زیاده جسارت نمیکند [illegible]

در این [illegible]

و نظر به آن [illegible] دیگر [illegible]

شمارهٔ سند: ۸۹۰

موضوع: سفر مظفرالدین شاه به فرنگستان و روابط با عثمانی و همچنین عزل آصف الدوله از حکمرانی

تاریخ: ٤ محرم ۱۳۱۹ هـ. ق

کارتن: ۱۸

پرونده: $\frac{۳٤}{۱۳}$

ترجمهٔ ارتیکل از روزنامهٔ ترکی موسوم به «انوار شرقیه» که به تاریخ ۲۵ ذی‌قعده ۱۳۱۸ در ارزروم چاپ شده است

اعلی حضرت مظفرالدین شاه زمانی که تشریف‌فرمای اسلامبول شدند به اعلی حضرت سلطان اظهار فرمودند که خیلی میل دارم که بعضی از نجبای ایران آمده در مدارس نظامی اسلامبول تحصیل نمایند، چنانکه سابقاً هم نوشته بودیم که اعلی حضرت سلطان این میل و آرزوی اعلی حضرت شاهنشاه معظم الیه را قبول فرمودند، از قراری که شنیدیم این اوقات ده نفر از نجبای ایران به اسلامبول وارد شده به توسط سفارت دولت علیهٔ ایران مقیم اسلامبول به مدرسهٔ اعدادی نظامی که واقع در قلالی است فرستاده شده است.

اعلی حضرت مظفرالدین شاه بعد از مراجعت از سفر فرنگستان آصف الدوله حکمران طهران را معزول فرمودند آصف الدوله برای مداخل خودش چون گندمها را انبار کرده بود، سه ملیون فرانک از او جریمه گرفته شد و خود او به خراسان نفی گردید به حکومت طهران هم جناب عین الدوله معین شده است.

دولت علیه ـ ایران

ایران شاهی مظفرالدین شاه حضرتلرینك درسعادتی زیارت وذات شوكتسمات حضرت خلافتپناهی ایله ملاقات ایلدیكی صرهده ایران اصیلزادكانندن بعض افندیلرك مكاتب عسكریهٔ شاهانه ده تحصیل وتربیه‌لری ارزوسنی اظهار ایتمكله شوكتمآب علویت انتساب پادشاهمز افندمز حضرتلرینكده اشبو میل وارزوی شاهی‌یی اسعاف بیوردقلرینی اوولجه درج صحیفهٔ بیان ایلمش ایدك . استخبارمزه نظراً ایران اكابر مأمورین واصیلزادكانندن اون افندی بوكره درسعادته كله‌رك ایران سفارتی واسطه‌سیله كندیلری لاجل التحصیل قله‌لیده‌كی مكتب فیض مكسب اعدادی عسكری‌یه كوندرلمشلردر .

شاه ایران شهامتلو مظفرالدین شاه حضرتلری سیاحت اخیره‌لرنده طهران والیلكنده بولنان رئیس حكام آصف الدوله‌یی مأموریتندن عزل ایتمشلردر . آصف الدوله وارداتنی تزیید ایچون بغدای ادخارینه مساعده ایلمسندن طولایی اوچ ملیون فرانق جزای نقدی اعطاسنه محكوم وخراسانه نفی ایدلمشدر . طهران والیلكنه شاه حضرتلرینك قائن برادرلری اولوب ایرانك جنوب حوالیسی والیلكنده بولنمش اولان امین الدوله حضرتلری تعیین ایدیله‌جكدر .

شمارهٔ سند: ۸۹۱
موضوع: اهدای مدال و نشان در سفر شاه به فرنگستان
نمره: ۷۲۵
تاریخ: ۲ صفرالمظفر ۱۳۱۹ هـ . ق
کارتن: ۵٤
پرونده: ۱

گزارش اسلامبول به وزارت خارجه

قانون جدید موضوعهٔ وزارت جلیلهٔ خارجه در خصوص تذکره و غیره که به توسط پست ارسال فرموده بودند، شرف وصول بخشید و صورت فرمان نیز زیارت گردید اینکه مرقوم فرموده بودند که من بعد وضع و ترکیب و اصول فرامین مبارک به آن شکل خواهد بود، اطلاع حاصل گردید. محض استحضار خاطر مبارک جسارت می‌شود که در اینجا سیزده قطعه تمثال همایونی برای شاهزادگان اعلی حضرت سلطان و غیره از جانب سنی الجوانب بندگان همایونی در وقت تشریف‌فرمایی موکب مسعود همایونی مرحمت شده و تا حال فرامین آنها نرسیده، چنانچه در ضمن راپورتهای سابقهٔ سفارت کبری به عرض رسیده است. همچنین فرامین یک قطعه نشان قدس به صدراعظم عثمانی و نشان آفتاب به صبیهٔ اعلی حضرت سلطانی و تقریباً شصت طغری فرامین، بقیه نشانهای اعطایی و یک صد و پنجاه حکم مدال که باید نوشته و داده شود هر روز از باب‌عالی می‌خواهند مناسب است که این فرامین مبارک که ارسال خواهند فرمود به همان شکل و طرز فرامین سابق باشد، زیرا که اگر عوض شود و جلب دقت عثمانی را خواهد نمود و گذشته از این، این نشانهایی است که قبل از وضع این قانون جدید مرحمت و تاریخ آنها ماه جمادی‌الثانی است. محض اطلاع خاطر خطیر مبارک عرض نمود.

اثر مهر یااحمد

[حاشیه، دستخط مظفرالدین شاه:]
جناب اشرف اتابک اعظم فرامین اینها که داده شد. امضاء مظفرالدین شاه

۱۳۱۹
۲ صفر المظفر
۷۲۵

[illegible]

قانون جدید موضوعه وزارت جلیله خارجه در خصوص تذکره و غیره در توسط نسبت اهالی ایرانیه بغداد

شرف وصول بخشید و صورت فرمان نیز زیارت کعبه که مرقوم فرموده بودید

در این بعد وضع در ترتیب و اصول فرامین مبارکه آن شکلی خواهد بود اطلاع حاصل کرده

محض استحضار خاطر مبارک جسارت می‌شود در این جا سیزده قطعه نشان همایونی

برای شاهزادگان اعلیحضرت سلطان و غیره از جانب سنی الجوانب همایونی

در وقت ترتیب فرمانهای مبارک مسعود همایونی مرحمت شده و تا حال فرامین آنها

نرسیده چنانچه در ضمن راپورت سابقاً به سفارت کبری بعرض رسید همچنین

فرامین منقطعه نشان مقدس الصید اعظم عثمانی و نشان آفتاب بصیغه اعلیحضرت

سلطانی و تقریباً بشغت طغرای فرامین بقیه نشانهای عالی و مکتبه و نیکو

حکم مدال‌ها به نوشته و داده شد و هر روز از زبانهای سیحوزانه مناسب است

که این فرامین مبارک هر سال خواهد فرستاد با شکل و طرز فرامین سابق

باشد زیرا که اگر عوض شد جلب دقت عثمانی را خواهد نمود و گذشته

در زمین این نشانهائی است قبل از وضع این قانون چه به مرحمت و تاریخ آنها جمادی الاولی حسب

محض اطلاع خاطر خطیر مبارک عرض شد



شمارهٔ سند: ۸۹۲
موضوع: ارسال دو قصیده از اسلامبول
تاریخ: ۱۸ ربیع الاول ۱۳۱۹ هـ . ق
کارتن: ۱۱
پرونده: ۲

نامهٔ یکی از اتباع ایران، پیوست دو قصیده در مدح مظفرالدین شاه و صدارت عظما

قربانت شوم، از آنجا که فدوی کاسب بیچاره و از برخی مراسم بی بهره و اطلاع است، نخستین استرحامم آنکه در مقام چاکرنوازی از هرگونه لغزش و قصورم محض اظهار عنایت اغماض عین فرمایند، ثانیاً در پیشگاه مبارک روشن و هویدا است عموم دول خاصه همسایگان ملک محروس در ترقی و جلب خاطر همدین و مذهبان خود آنی خودداری نورزیده و به هرگونه بذل همّت در اجرای مقصود صرف مقدرت می نمایند و در ممالک عثمانی وجوه و بزرگان هر ملت از جانب دول هم مذهب خود با انواع تلطیف مفتخر و مباهی می آیند و دولت قوی شوکت متبوعهٔ ما را از این گونه جنس خداداد و قوهٔ معنوی در ممالک همسایگان بی حد و شمار است و در خور تقدیر و اعتنا می باشد، به همین لحاظ جرئت وجسارت ورزیده معروض می دارد در هنگام تشریف فرمایی موکب همایون اقدس ظل اللهی ارواحنافداه جناب اسعد شبیب پاشا که از رجال محترم با دانش و چند صد سال است، پدر بر پدر رئیس شیعیان جبل عامل و در سلک اعیان و رجال دولت عثمانی می باشند، چون در فن شعر دارای قدرت کامله می باشند مرایشان را به وجهٔ حمیت آرزو دست داده در تبریک تشریف قدوم میمنت لزوم اعلی حضرت ولی نعمت کل ارواحنا فداه قصیدهٔ انشا و تقدیم نماید و پس انشا جهت تزیین به مذّهب داده و این معنی در میان خاص و عام اشتهار ولی موفق به تقدیم نگردید و همچنین قصیدهٔ را که در مدح حضرت اتابک اعظم مدظله علی مفارق الانام عرض نموده بودند، تقدیم کردن نتوانستند چون که تشیع ایشان آشکارست حتی برخی از معاندین پاشای روافض می نامند از آنکه بااطلاع مأمورین عثمانی عزم آستان بوسی نمایند خودداری نموده و به وسیله دیگر هم دست رس نگردیده بودند و این معنی اسباب خفّت ایشان گردیده بود تا آنکه جناب جلالت مآب اجل آقای علاء الملک احضار شدند. نعم الوسیله بدست آمده

قصاید را به دیوان خود ملحق و درخور تقدیم آستان اقدس ملوکانه و پیشگاه اتابک اعظم تدوین و تزیین و به آقای علاء الملک سپردند و اینک مدتی است مرور نموده و آثار عنایتی به ظهور نپیوسته بسیار مکدّر و ملول و در نزد اعادی ملوم و محجوب واقع شده‌اند و با فدوی سابقهٔ حقوق دارند اظهار الم فرمودند، عرض نمودم شاید جناب علاء الملک در تقدیم تأخیر فرموده باشید و یا آنکه نسیانی به ظهور آمده باشد بهتر این است که صورت هر دو قصیده را بدهید تا عریضهٔ عرض نموده‌و لفاً تقدیم دارم اگر جناب علاء الملک تقدیم نموده‌اند یادآوری شده و الا از جناب علاء الملک استفسار خواهند فرمود و چنانچه تا وصول عریضه جناب علاء الملک تشریف برده باشند قصیده به لحاظ مبارک رسیده و به لوازم ایجاب آن اظهار عنایت خواهند فرمود. پاشای مشارالیه به حمدالله صاحب ثروت می‌باشند توجه ملوکانه را با اعطای نشانی درخور مقام خود که مایهٔ مباهات بوده باشد استرحام می‌نمایند، معلوم است دوستان را کجا کند محروم آنکه با دشمنان نظر دارد ظاهراً تلطیف این گونه رجال بی‌فایده و تأثیر نباشد، زیاده بر این زبان‌درازی مربندگان را نشاید. الامر الاشرف العالی مطاع. ۱۸ ربیع الاول ۱۳۱۹

چاکر قدیمی اقل الحاج رضاقلی ــ اثر مهر رضاقلی

[حاشیه: یک طغرا کاغذ و دو طغرا قصیده از اسلامبول از عرض خاکپای مهر اعتلای همایون می‌گذرد

[دستخط مظفرالدین شاه:]

هو، جناب اشرف اتابک اعظم این شخص که قصیده گفته است و نشانی برای او خواسته‌اند هر نشانی که صلاح است بدهید. امضا: مظفرالدین شاه

قربانت شوم از آنجا که فدوی کاسب بیچاره و از برخی مراسم بی‌بهره و از طلاب است نخستین استرحام اینکه

در مقام جاگزاری از هرگونه لغزش و قصور محض اظهار عنایت اغماض عین فرمایند ثانیاً در پیشگاه مبارک [illegible] است

عموم دول خاصه همسایگان ملک محروس در ترقی و جلب خاطر هم‌دین و هم‌زبان خود آنچه خودداری ننموده و به هرگونه

بذل همت در اجرای مقصود و صرف مقدرت می‌نمایند و در ممالک عثمانی وجوه و بزرگان هر ملت از جانب دول

هم مذهب خود با انواع مطایف مفتخر و مباهی گردیده‌اند و دولت ترکیه که مطبوعه ما را از اینگونه بخشش افزا

داد و قوه معنوی در ممالک همسایگان بی حد و شمار است و در خور نقد سرو اعتنا میباشد بهمین لحاظ جسارت

و جسارت ورزیده معروض میدارد در هنگام تشریف فرمایی موکب همایون اقدس ظل‌اللهی ارواحنا فداه

جناب سعد شبیب پاشا که از رجال محترم با دانش و چند صد سال است پدر بر پدر رئیس شیعیان حلب و دار السلطنه

اعیان و رجال دولت عثمانی میباشند چون در فن شعر دارای قدرت کاملند پیوسته مورد [illegible] ایشان از ترکیه

همت آرزو دست داده در تبریک تشریف قدوم میمنت لزوم اعلیحضرت ولینعمت کل ارواحنا فداه

قصیده انشا و تقدیم نمایند و پس از آن جهت تبریک نماینده داده و این معنی در میان خاص و عام شهرت دارد مرقوم به

تقدیم نگردید و همچنین قصیده را که در مدح حضرت اتابک اعظم مد ظله العالی عرض نموده تقدیم

گردن نتوانستند چونکه تشیع ایشان آشکار است حتی برخی از معاندین پاشا را رافضی مینامند از آنکه پا [illegible]

مأمورین عثمانی بعزم آستان بوسی نماینده خود را مرسوله و دیگر هم دست رس نگردیده بود و این معنی اسباب

خجلت ایشان گردیده بود تا اینکه جناب جلالتمآب اجلالی علاء الملک احضار شدند نعم الوسیله بدست آمده

قصاید را با دیوان خود ملحق و در خور تقدیم آستان اقدس ملوکانه و پیشگاه اتابک اعظم [illegible] در تبریک و پرلای

علاء الملک سپردند و اینک بدیهیت مرور نموده و آثار عنایتی بظهور نرسیده بسیار متکدر و ملول و در نزد [illegible]

ملوم و محجوب واقع شده‌اند و با قدر شناسی حقوق دارند اظهار الم فرموده‌اند عرض نمودم شاید جناب علاء الملک

در تقدیم تأخیر فرموده باشند یا اینکه نیز فی‌نظهور آمده باشد بهتر دانست که صورت هر دو قصیده

بدهید تا عریضه عرض نمود ولکن تقدیم دارم اگر جناب علاء الملک تقدیم نموده‌اند یادآوری و الله از جناب

استفسار خواهند فرمود چنانچه تا وصول عریضه جناب علاء الملک تشریف برده باشند قصیده [illegible]

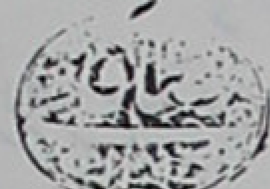
رسیده و بلوازم اسباب آن اظهار عنایت خواهند فرمود پاشای مشارالیه که جد اندر صاحب ثروت میباشند

توجه ملوکانه را با عطارت نیز در خور مقام خود که مایه مباهات نوکر به استرحام [illegible] باید معلوم است

دوستان را کی [illegible] کند محروم آنکه با دشمنان نظر دارد ظاهراً تلطیف اینگونه رجال بی فایده و باعث

نباشد زیاده براین زبان درازی می‌بندگان رأفت [illegible] الامر الاشرف العالی مطاع ۱۸ ربیع [illegible] ۱۳۱۹

[illegible]



به عرض خاکپای [illegible]

تلگرافخانه [illegible] قصه [illegible]

[illegible]

بسم الله

بدت طلعة الشمس المنيرة تسفر ... وتسطع في الوجه الأغر وتزهر

واطلعها من غرة فيه قد زهت ... جبين وضيء أبلج الضوء أزهر

محت بالسنا منها الدياجي ومزقت ... حوالك أثواب بها تتستر

وقد ألبست وجه البسيطة حلة ... فراق بها لون بهي معصفر

وأشرقت الدنيا بنور شروقها ... وناهيك أن الشمس بالنور تبهر

وأقبل خاقان الخواقين ساحبا ... على النجم ذيلا بالفخار تجرر

وقد ملأ الآفاق شرقا ومغربا ... بصيت شهير من سنا الصبح أشهر

مظفر دين الحق سلطان أمة ... لها من قديم الفضل ما ليس تنكر

وعن ناصر الدين المعظم ملكه ... توارثه لا زال للدين ينصر

فلو أن دارا دار حول مقامه ... لخر سجودا والجبين يعفر

وكسرى مع الإيوان لو شام ذاته ... لطأطأ إجلالا له حين يخطر

مليك علا فوق السماك مكانه ... فقصر عن إدراك ما نال قيصر

رقى تخت كسرى فاعتلى بارتقائه ... وأعواده كادت هنالك تثمر

فسل عنه اقطار الملا وملوكها — فتنبيك عن اجلاله وتخبر

تجلّت لدى الأكوان حكمة رأيه — ومخبره يعتز فيه ويفخر

يخال ومولانا الخليفة في الورى — لإسلامه انسان عين ومحجر

ويمنى يديه قد أيدت بيسارها — ففي هذه عضب وفي تلك خنجر

أعز به أقوام الدين نصراً ومنعةً — فكانا كما كانا عتيق وحيدر

وردّا عن التوحيد ما ساء ربه — وذادا عن الإسلام ما منه يحذر

فكفاهما منها الصواعق للعدى — وللمرتجى كالسحب تهمي وتمطر

وعرف الثنا في الخافقين عليهما — لمستنشق الطيب مسك وعنبر

ومهما يكن عند امرء من خليقة — وإنْ خالها تخفى على الخلق يظهر

قدمتَ قدوم الخير يا خير قادم — يشوق الى ابصارنا منه منظر

ووافيت بالترحاب ضيفاً مكرماً — من الملك السامي الذي فيه نفخر

هو البحر لكن ذا اتيت فرقه — بها اجتمع البحران ورد ومصدر

فسلطاننا عبد الحميد لدى الورى — محيط كبير في نواحيه ابحر

حمى بيضة الإسلام في سائر الدنا — ولا زال فيما صانها يتبصر

توارث عن آبائه الغر مجده — فآثاره عن آل عثمان تخبر

فيا ابن الملوك الشم من خير اسرة — بناصر دين الله انت المظفر

وانک شهم فی الملوک مبجّل   فلا زلت فی ذا الدهر تنهی وتأمر

امولای عش ما عاش نوح فتصنع السفینة حب الآل والله یقدر

ودمت لملک الکسر وتین خالداً   تشیّد فی احکامه وتدبّر

فما هو الا نصل سیف بک انتضا   وانت به یا صاحب التاج جوهر

ودام لک الرحمان فی ذاک ناصراً   وعونک من لطف الاله المقدّر

ولا زال خیر المرسلین وصنوه   وآل له فی حسن سعیک یشکر

علیّ امیر المؤمنین وزوجه ال   بتول وسبطاه شبیر وشبّر

وزین العباد الساجدین وباقر ال   علوم بن خیر المرسلین وجعفر

وکاظمهم موسی ومن بعده الرضا   وبعد الرضا المولی الجواد المیسّر

کذلک والهادی النقی علیّ من   به یهتدی والعسکری الغضنفر

وقائم آل البیت والعدل حکمه   به یملأ الدنیا متی هو یظهر

علیهم من المنّان جلّ جلاله   صلاةٌ زکت ما قیل الله اکبر

ویا ملکا اعلی المهیمن قدره   وفی وصفه الالبابنا تحیّر

بقیت بقاء الدهر ما لاح کوکب   تعمّر ملکا دائما وتعمّر

مخصوص صدارت عظمی اتابک اعظم دام ظله

۲ صفر ۱۳۱۳

کفی مُلکَ ایرانَ افتخاراً بشاهِهِ　　وصدرٍ له فوق الدراری تصدُّرُ

علیٍّ رفیعِ القدرِ اکبرَ ماجدٍ　　سمیِّ الفتی السامی اذا قیل اصغرُ

وزیرٍ خطیرٍ شدَّ ازرَ ملیکِهِ　　وذخرٍ جلیلٍ للمهمّات یُدّخَرُ

قد اختبر الدنیا اختبار مجرّبٍ　　بصیرٍ بمخفیّ الحقایق ابصرُ

یدبّر امرَ المُلکِ تدبیرَ حازمٍ　　وفیه مع الرأیِ العلیِّ التدبُّرُ

ومصباح مشکاتِ الذکا متوقّدٌ　　بفطنته لمّا بدا وهو نیّرُ

فلا زال مولانا المظفّرُ عینُه　　بها کلّما یستوجب العزّ ینظرُ

شمارهٔ سند: ۸۹۳
موضوع: سوءقصد به مظفرالدین شاه در پاریس به وسیله (سالسو)
تاریخ: ۲۰ جمادی‌الثانی ۱۳۱۹ هـ. ق
کارتن: ۲۳
پرونده: —

در روزنامه‌های فرانسه که تازه رسیدند صورت نحس و خبر خیریت اثر مرگ (سالسوی) شقی را که پارسال قصد ذات ملکوت صفات همایونی شهریاری ارواحنافداه در پاریس کرد دید، اینک شکل و مندرجات روزنامه را که مایهٔ شکر و شعف است لفاً تقدیم می‌نماید، زیاده جسارت شد. چاکر جان‌نثار عبدالصمد است.

از کاین اطلاع می دهند از قرار اخباری که از جزایر سالو رسیده است، سالسو نام که پارسال در خیابان بوادوبولنی مرتکب سوءقصدی نسبت به اعلی حضرت همایونی شاه ایران شده بود، مرده است. سالسو، یوم دهم نوامبر سنهٔ ۱۹۰۰ به حسب ابدی محکوم شده بود، یوم نوزدهم ژولیه فوت شده است.

۲۰ شهر جمادی الاول ۱۳۱۹
نمره ۲۹۰

در روزنامه های فرانسه که تازه رسیده صورت مجلس ۲۳ و خبر حیرت از
مرگ ژنرال سالسون شقی را در پاریس قصد ذات ملکوت صفات
همایون شهریاری ارواحنا فداه در پاریس نموده بود انگیزه شقی
و مندرجات روزنامه را در مایه شدت شعف
لفاً تقدیم شد زحمت حاجت شخص دیگر نباشد
عبد [illegible]

از مکان اطلاع رسیده از قرار اخباریکه از جزایر سالسون رسیده است
سالسون نام که پارسال در خیابان ... برلنی مرتکب سوء قصد بذات
اعلیحضرت همایونی شاه ایران شده بود مرده است سالسون یوم
دهم نوامبر سنه ۱۹۰۰ به حبس ابدی محکوم شده بود یوم نوزدهم ژوئیه
فوت شده است

MORT DE SALSOU

L'auteur de l'attentat contre le shah. Mort de l'anarchiste aux îles du Salut.

On annonce de Cayenne la mort, aux îles du Salut, de Salsou, l'auteur de l'attentat commis l'année dernière contre le shah de Perse, dans l'avenue du Bois-de-Boulogne, au moment où le shah,



SALSOU

venu à Paris pour visiter l'Exposition, partait pour une excursion à Versailles.

Salsou avait été condamné aux travaux forcés à perpétuité le 10 novembre 1900.

Il est mort le 19 juillet, un peu plus de huit mois après sa condamnation.

شمارهٔ سند: ۸۹۴
موضوع: اهدای نشان به شخصیتهای عثمانی
تاریخ: ۲۸ جمادی‌الثانی ۱۳۱۹ هـ. ق
کارتن: ۲۲
پرونده: ۵۰/۱

نشانهایی که هنگام تشریف‌فرمایی موکب مقدس همایونی روحنافداه به اسلامبول از طرف دولت قوی‌شوکت علیه به مأمورین عثمانی مرحمت گردیده و عنایت ملوکانه به آنها ابلاغ شده، بعضی از فرامین آنها باقی است و بعضی دیگر هم فرمان و هم نشان هر دو داده نشده. صورت اسامی آنها را دفتری نموده تقدیم حضور مبارک داشت، استدعا دارم امر و مقرر فرمایند به وسیلهٔ سریعه فرامین را ارسال فرمایند تا از مسئلهٔ نشان و فرمان و مطالبهٔ همه‌روزه عثمانی ها فراغت حاصل شود. الامر الاجل الاکرم الاعظم مطاع.

اثر مهر ــ یا احمد

[حاشیه، دستخط مظفرالدین شاه:]
جناب اشرف اتابک اعظم هرگز ما این همه نشان نداده وعده هم نداده‌ایم فقط نشانهایی که در اسلامبول داده‌ایم همان است و اگر از فرامین آنها باقی مانده باشد، صادر کرده بدهند و الا به این حرفها نمی‌توان این همه نشان داد. شهر شعبان ۱۳۱۹

۱۳۱۹

۲۸ شهر جمادی الثانی

نمره ۱۵۳

[illegible] نشانجاتی که احکام شریف فرمایید مرکب بعضی [illegible] از [illegible] فقرا [illegible] از طرف [illegible]

قریب بیست عدله تا مرور عثمانی زحمت کشیده و عنایت ملوکانه تا نهایت [illegible] شده

بعضی از فقرای ایشان تا [illegible] است و بعضی دیگر [illegible] فرمان [illegible] نشان ان امروز داده شده

صورت [illegible] آنها را دفتری نموده تقدیم حضور مبارک داشت استدعا دارم امروز مقرر

فرمایید به وسیله [illegible] ارسال فرمایید تا از [illegible] نشان [illegible] در ارسال

همه روزه عثمانیها فراغت حاصل شود

الامر [illegible] الاعظم [illegible]

[illegible]

شمارهٔ سند: ۸۹۵
موضوع: صورت اسامی افرادی که باید نشان بگیرند
تاریخ: ۲۸ جمادی الثانی ۱۳۱۹ هـ. ق
کارتن: ۲۲
پرونده: ۵۰/۱

صورت اسامی اشخاصی که نشان دربارهٔ آنها مرحمت شده و فرامین آنها نرسیده است

شاهزادگان جوان بختان اعلی حضرت سلطانی	
دولت و نجابت مآب، توفیق افندی	تمثال همایونی
دولت و نجابت مآب، محمد سلیم افندی	تمثال همایونی
دولت و نجابت مآب، عبدالقدار افندی	تمثال همایونی
دولت و نجابت مآب، احمد افندی	تمثال همایونی
دولت و نجابت مآب، برهان الدین افندی	تمثال همایونی
دولت و نجابت مآب، عبدالرحیم افندی	تمثال همایونی
کریمهٔ عصمت وسیمهٔ اعلی حضرت سلطان	رفیعهٔ سلطان
	یک قطعه نشان آفتاب
جناب خلیل رفعت پاشا، صدراعظم	نشان اقدس مرحمت گردیده
دولت مآب رضاپاشا، وزیر جنگ	تمثال همایونی
جناب دولت مآب سعیدپاشا، رئیس دارالشورا	تمثال همایونی
جناب وزیرخارجه، توفیق پاشا	تمثال همایونی
سفیرکبیر، شمس الدین بیک	تمثال همایونی

[درحاشیه:] فرمان آنها داده شده

ابهت مآب عبدالرحمن پاشد، وزیر عدلیه	تمثال همایونی	فرمان و نشان آنها داده شده
دولتمآب حسن پاشا، وزیر بحریه	تمثال همایونی	

درجهٔ اول

پیشخدمت دویم اعلی حضرت سلطانی، نوری پاشا	درجهٔ اول با حمایل سبز	نشان مرصلی می خواهد نشان داده نشده
اجودان اعلی حضرت سلطانی، سعادت‌مآب چرکس محمدپاشا	درجهٔ اول با حمایل سبز	نشان داده شده فرمان مانده
داماد اعلی حضرت سلطانی، نورالدین پاشا	درجهٔ اول با حمایل	نشان داده نشده
داماد اعلی حضرت سلطانی، کمال‌الدین پاشا	درجهٔ اول با حمایل	مرصع می خواهند
کاتب صرف چلب همایونی سعادت‌مآب ابراهیم بیک	درجهٔ اول با حمایل قرمز	فوت
مدیر تعمیرخانهٔ سلطانی حسن پاشا	درجهٔ دویم شیروخورشید	
معاون مستشار رسومات نامق بیک	دویم شیروخورشید	
از مستخدمین تعمیرخانه سلطانی راشدبیک	دویم شیروخورشید	
تفنگدار پادشاهی عزتمآب ابراهیم بیک	دویم شیروخورشید	
تفنگدار پادشاهی، حسن بیک	دویم شیروخورشید	
معاون کوماندان اسکدار [اسکادر]		دویم شیروخورشید
آجودان سلطان، علی بیک		
از تفنگداران پادشاهی، یوسف بیک		دویم شیروخورشید
از صاحب منصبان نظامی، توفیق بیک		دویم شیروخورشید
مدیر منطج [منضج]، مظهر بیک		دویم شیروخورشید
مدیر ادارهٔ الکتریک سرای همایونی، رائف بیک		درجهٔ دویم شیروخورشید
از مستخدمین تعمیرخانهٔ دربار سلطانی، راشد بیک		درجهٔ دویم
از تفنگداران پادشاهی، ابراهیم بیک		درجهٔ دویم
ایضاً حسن بیک		درجهٔ دویم
طبیب پادشاهی و حکیم باشی		درجهٔ دویم شیروخورشید

مریضخانهٔ اطفال حمیدیه ابراهیم بیک	درجهٔ دویم شیروخورشید
آجودان حضور سلطانی ، حسنی پاشا	درجهٔ دویم شیروخورشید
تفنگدار پادشاهی [قول اغاسی]، عبدالله بیک	درجهٔ سیم شیروخورشید
سررشته دار کاتب فوج، مصطفی بیک	درجهٔ سیم
تفنگدار پادشاهی (یوزباشی)، حسن بیک	درجهٔ چهارم
تفنگدار پادشاهی (ملازم)، مرتضی بیک	درجهٔ چهارم
ملتزم حضور دولت و نجابت مآب توفیق افندی،	سیم شیروخورشید
شاهزاده آجودان پادشاهی ممدوح بیک	
از تفنگداران ملتزم رکاب حسن بیک	سیم شیروخورشید
از تفنگداران ملتزم رکاب پادشاهی زخاریابیک	ازدرجهٔ سیم شیروخورشید
یاور پادشاهی (بیک باشی)، نظیف بیک	ازدرجهٔ سیم شیروخورشید
از تفنگداران پادشاهی (قول اغاسی)، رستم بیک	ازدرجهٔ سیم شیروخورشید
کومیسر راه آهن شرق الکبیان، میخائیلایسی افندی	سیم شیروخورشید
از تفنگداران ملتزم رکاب، خلیل بیک	سیم شیروخورشید
از تفنگداران ملتزم رکاب (قول آغاسی)، علی عثمانی بیک	درجهٔ سیم شیروخورشید
از تفنگداران ملتزم رکاب (قول اغاسی)، تحسین بیک	درجهٔ سیم
سررشته دار کاتب فوج مذکور، فوأدبیک	درجهٔ سیم
از مأموران واپور عزالدین، صدقی بیک	درجهٔ سیم خارجه
از چرخچی های واپور عزالدین (قول اغاسی)، محمودافندی	درجهٔ سیم خارجه
منشی باشی واپور عزالدین، مصطفی افندی	سیم شیروخورشید
مدیر اداره فلکهٔ شاهی ، داودافندی	پنجم شیروخورشید
آجودان اعلی حضرت سلطانی ، عبیدالله بیک	سیم شیروخورشید
آجودان اعلی حضرت سلطانی (بیک باشی)، مصطفی بیک	سیم شیروخورشید
آجودان اعلی حضرت سلطانی ، محمدعلی بیک	سیم شیروخورشید
آجودان اعلی حضرت سلطانی ، ناظم بیک	سیم شیروخورشید
آجودان اعلی حضرت سلطانی ، ندیم بیک	سیم شیروخورشید
آجودان وزیر بحریه (قول اغاسی)، علاء الدین بیک	سیم شیروخورشید

معلم فطوغراف مکتب حربه شاهانه، رفعت افندی	سیم شیروخورشید
معلم فطوغراف مهندس خانه برّی همایونی	
(بیک باشی)، سامی بیک	سیم شیروخورشید
آبدارسیم پادشاهی، توفیق بیک	سیم شیروخورشید
آبدارپادشاهی، حقی بیک	سیم شیروخورشید
آبدارپادشاهی، خلیل بیک	سیم شیروخورشید
یاورپادشاهی، محمود جمیل بیک	سیم شیروخورشید
نایب (آمدی دیوان همایونی)، مرتضی بیک	سیم شیروخورشید
ایضاً، افسرالدین بیک	سیم شیروخورشید
چراغچی ثانی، علی بیک	سیم شیروخورشید
ازنایبهای دفترخانهٔ وزارت خارجه، شرف الدین بیک	سیم شیروخورشید
ازمأمورین اصطبل عامره، صبری بیک	سیم شیروخورشید
ایضاً، احمدآقا	سیم شیروخورشید
ازمعاونهای اوطاق استشاره باب عالی، حسن حلمی بیک	شیروخورشیددرجهٔ سیم
ناظرفرس اصطبل عامره، محمدآقا	شیروخورشیددرجهٔ چهارم
باش کاتب مفروشات سرای پادشاهی، شوکت بیک	سیم شیروخورشید
آجودان پادشاهی (ملازم)، مقدادبیک	تبدیلاً سیم شیروخورشید
طبیب واپورعزالدین (بیک باشی)، رفعت بیک	سیم شیروخورشید
چرخچی واپورعزالدین (قول اغاسی)، عبداله افندی	سیم شیروخورشید
چرخچی واپورعزالدین (قول اغاسی)، حسن افندی	سیم شیروخورشید
چرخچی واپورعزالدین (قول اغاسی)، محمود افندی	سیم شیروخورشید

ولایت آدرنه

معلم تعلیم سواری عزت مآب، صبحی بیک	سیم شیروخورشید
صاحب منصب پیاده فوج دوازدهم، عثمان بیک	سیم شیروخورشید
صاحب منصب پیاده فوج نهم، رضابیک	سیم شیروخورشید
صاحب منصب فرقه توپچی عزت مآب، جمال بیک	سیم شیروخورشید
امین فرقه توپچی رفعت مآب، رفعت بیک	سیم شیروخورشید

(بیک باشی) طابور ژاندارم مرکزی آدرنه	سیم شیروخورشید
عزت مآب، خورشید افندی	

ولایت آدرنه

(قول آغاسی) ارکان حرب رفعت مآب، نظیف بیک	سیم شیروخورشید
مدیر اول پسته و تلغراف [تلگراف]	سیم شیروخورشید
عزت مآب، یوسف افندی	
آجودان سلطانی (میرآلای)، حسن بیک	سیم شیروخورشید
نایب منشی دفترخانه صدارت عظمی، سلیمان فهمی بیک	سیم
(قایم مقام) تعمیرخانه همایون، محمد بیک	سیم
ثبّات باشی دفترخانه دیوان همایون، عون الدین بیک	سیم
ترجمان ریاست تجارت و نافعه، محب بیک	سیم شیروخورشید
معاون اوطاق [اطاق] استشارهٔ باب عالی، محمدعلی بیک	سیم شیروخورشید
مستخدم ادارهٔ تفنگدار باشی (یوز باشی)، حسین بیک	چهارم شیروخورشید
مستخدم ادارهٔ تفنگدار باشی (یوز باشی)، رمضان بیک	چهارم
مستخدم ادارهٔ تفنگدار باشی (یوز باشی)، محمدافندی	چهارم
آجودان پادشاهی (یوز باشی)، خالد بیک	چهارم
صاحب منصب (بلوک اسقورت)، عبدالرحمن افندی	چهارم
معاون هیئت نقاشی، ابراهیم خازم افندی	چهارم
معاون هیئت نقاشی، شکری افندی	چهارم
معاون هیئت نقاشها (یوز باشی)، بهجت افندی	چهارم
مستخدم آبدارخانهٔ همایونی، علی افندی	چهارم
مستخدم آبدارخانهٔ همایونی، حافظ حُسنی افندی	چهارم
مستخدم آبدارخانهٔ همایونی، صدقی بیک	چهارم
مستخدم آبدارخانهٔ همایونی، مصطفی بیک	چهارم
مستخدم آبدارخانهٔ همایونی، حاجی مصطفی بیک	مدال طلا
مستخدم آبدارخانهٔ همایونی، رفعت بیک	چهارم
مستخدم آبدارخانهٔ همایونی، علی بیک	

مستخدم آبدارخانهٔ همایونی ، خلیل بیک	
مستخدم آبدارخانهٔ همایونی ، حُسنی بیک	مدال
مستخدم آبدارخانهٔ همایونی ، شاکر افندی	
مستخدم آبدارخانهٔ همایونی ، محمد نبیل افندی	
مستخدم آبدارخانهٔ همایونی ، فضلی بیک	
مستخدم آبدارخانهٔ همایونی ، ابراهیم افندی	
مستخدم آبدارخانهٔ همایونی ، حسن افندی	
مستخدم آبدارخانهٔ همایونی ، بهاء الدین افندی	
مستخدم آبدارخانهٔ پادشاهی ، کاتب زهدی بیک	چهارم
مستخدم آبدارخانهٔ پادشاهی ، سفره‌چی قسطی	
مستخدم آبدارخانهٔ پادشاهی ،	
از خدمهٔ ادارهٔ ارزاق ، عثمان آقا	پنجم داده شد
مستخدم آبدارخانهٔ پادشاهی ، محمدآقا	چهارم
مستخدم آبدارخانهٔ پادشاهی ، حاجی شریف افندی	چهارم
مستخدم آبدارخانهٔ پادشاهی ، حاجی ولی آقا	چهارم
مستخدم آبدارخانهٔ پادشاهی ، آشپزفرنگی یانی افندی	چهارم
(یوزباشی) موزیک پادشاهی ، زکی بیک	پنجم شیروخورشید
(یوزباشی) موزیک پادشاهی ، رضابیک	پنجم شیروخورشید
ملازم موزیک پادشاهی ، خالدبیک	پنجم شیروخورشید
ملازم موزیک پادشاهی ، حسیب افندی	پنجم شیروخورشید
ملازم موزیک پادشاهی ، عارف بیک	پنجم شیروخورشید
ملازم موزیک پادشاهی ، حقی بیک	پنجم شیروخورشید
ملازم موزیک پادشاهی ، مصطفی موسی افندی	پنجم شیروخورشید
ملازم موزیک پادشاهی ، حافظ اسمعیل افندی	پنجم شیروخورشید
مأمور الکتریک مابین همایون ، فائق افندی	پنجم شیروخورشید
از مأمورین اصطبل عامره ، جمال افندی	چهارم شیروخورشید
رختدار پادشاهی ، یوسف بیک	چهارم شیروخورشید

سجاده‌چی ، مصطفی بیک	
سجاده‌چی ، حافظ مصطفی بیک	
قراول باشی قصرشاله، علی افندی	
گلخانه‌چی اعلی حضرت سلطانی ، حاجی عمرآقا	
(یوزباشی) واپورعزالدین، حسنی افندی	
(یوزباشی) واپورعزالدین، صبری افندی	
(یوزباشی) واپورعزالدین، حفظی افندی	
قراول باشی دربارسلطانی ، احمدآقا	چهارم شیروخورشید
درواپورعزالدین کاتب، مصطفی افندی	چهارم شیروخورشید
چرخچی (یوزباشی)، حسن افندی	
(یوزباشی) موزیک ، احمد افندی	
(یوزباشی)، مصطفی افندی	

ولایت آدرنه

(یوزباشی) مشیریت فتوت مآب، رضا افندی	چهارم
(یوزباشی سواری) مشیریت (یاورحرب)، طاهرافندی	
(یوزباشی سواری) مشیریت (یاورحرب)، طاهرافندی	
(ملازم) یاورمقام ولایت، شوقی بیک	
یوزباشی توپچی، علی بیک	
یوزباشی پیاده، ابراهیم بیک	
سواره‌ملتزمین رکاب (معیت سنیه)، چاوش باشی باسم فارس	پنجم نشان داده شد
سوارملتزمین رکاب (معیت سنیه)، محمد بدوی	
سوارملتزمین رکاب (معیت سنیه)، حسن بن محمد	
سوارملتزمین رکاب (معیت سنیه)، عبدالقادربن اسمعیل	
سوارملتزمین رکاب (معیت سنیه)، عبدالدائم بن سعید	
سوارملتزمین رکاب (معیت سنیه)، عبدالرزاق بن طالب	
سوارملتزمین رکاب (معیت سنیه)، محمد بن حسین	
سوارملتزمین رکاب (معیت سنیه)، احمد بن عمر	

سوار ملتزمین رکاب (معیت سنیه)، سلیم بن علی

سوارهٔ ملتزمین رکاب (معیت سنیه) چاوش، کامل رسلان — پنجم

سوارهٔ ملتزمین رکاب (معیت سنیه) چاوش، حسن بن محمد شریف

سوارهٔ ملتزمین رکاب (معیت سنیه) چاوش، محمد بن عبدالله

سوارهٔ ملتزمین رکاب (معیت سنیه) مسعود بن عبدالله

سوارهٔ ملتزمین رکاب (معیت سنیه) سر چاوش، محمدسعید

سوارهٔ ملتزمین رکاب (معیت سنیه) سر چاوش، حسن بن عمر

سوارهٔ ملتزمین رکاب (معیت سنیه) سر چاوش، احمد خلیل

سوارهٔ ملتزمین رکاب (معیت سنیه) سر چاوش، محمدخلیفه

سوارهٔ ملتزمین رکاب (معیت سنیه) سر چاوش، حسین خلیل

خادمی که به جناب اجل وزیر دربار خدمت می‌کرد، اسمعیل بیک

خادمی که به جناب اجل وزیر دربار خدمت می‌کرد، حقی بیک

خادمی که به جناب اجل آقای علاء الملک خدمت می‌کرد، عبدالله افندی

سفره‌چی باشی کتابت جلیله، عزیز افندی

دوقتور، علی حسین افندی — چهارم شیروخورشید

از نایبهای محاسبات خزینهٔ خاصه، حقی بیک

پولیس دیون عمومیه، مصطفی بن حلمی — پنجم شیروخورشید

معاون اوطاق [اطاق] ترجمهٔ گمرک، مسیوژاق — چهارم شیروخورشید

مستخدم ادارهٔ تفنگدارباشی پادشاهی — پنجم شیروخورشید

(ملازم)، امین افندی

مستخدم ادارهٔ تفنگدارباشی پادشاهی (ملازم) امین افندی — پنجم شیروخورشید

مستخدم ادارهٔ تفنگدارباشی پادشاهی (ملازم) عزیز افندی

مستخدم ادارهٔ تفنگدارباشی پادشاهی (ملازم) ابراهیم افندی

مستخدم ادارهٔ تفنگدارباشی پادشاهی (ملازم)، بکرافندی

مستخدم ادارهٔ تفنگدارباشی پادشاهی (ملازم)، رستم افندی

مستخدم ادارهٔ تفنگدارباشی پادشاهی (ملازم)، علی افندی

ملازم اول بلوک اسقورط محمد افندی

ملازم اول بلوک اسقورط، مصطفی افندی	
ملازم اول بلوک اسقورط، زیور افندی	
از چاوشان معیت سنیه، صلاح الدین بیک	
از چاوشان معیت سنیه، مصطفی افندی	چهارم
از چاوشان معیت سنیه، محمد افندی	پنجم
از چاوشان معیت سنیه، محمد افندی	پنجم
از چاوشان معیت سنیه، محمد جلال بیک	پنجم
حمامی اعلی حضرت سلطان، حسن آغا	درجهٔ پنجم شیر و خورشید
قهوه چی حافظ، مصطفی آغا	
کاتب واپور عزالدین، خیرالدین افندی	
کاتب واپور عزالدین (ملازم اول)، کامل افندی	
کاتب واپور عزالدین، شمتلی نجری افندی	
کاتب واپور عزالدین، فوأد افندی	
کاتب واپور عزالدین، جمال افندی	
کاتب واپور عزالدین چرخچی ملازم، مصطفی افندی	
کاتب واپور عزالدین ملازم، سلاح انداز حمدی افندی	
کاتب واپور عزالدین، سامی افندی	
کاتب واپور عزالدین (ملازم موزیکانچی)، بهاء الدین افندی	
کاتب واپور عزالدین (ملازم) رضا بیک	
کاتب واپور عزالدین ثانی، رفعت افندی	
کاتب واپور عزالدین ملازم، عبدالله افندی	
کاتب واپور عزالدین ملازم، مصطفی افندی	
مستخدم واپور عزالدین، عمر افندی	پنجم شیر و خورشید
مستخدم واپور عزّالدین، امام محمدافندی	
مستخدم واپور، جراح صبری افندی	
مستخدم واپور عزالدین مأمور قانون، رفعت افندی	
مستخدم واپور عزالدین سفره چی باشی، یاور افندی	

مستخدم واپور عزالدین (ملازم)، عثمان افندی	
مدیر انبار مفروشات پادشاهی، عاکف افندی	
اوطاقدار [اطاقدار] تشریفات عمومیه، صادق افندی	
اوطاقدار [اطاقدار] تشریفات عمومیه، احمدآغا	
مستخدم اداره باش کاتب، علی آغا	
مستخدم ادارهٔ باش کاتب، حسن آغا	
از سواره های ملتزم رکاب (معیت سنیه)، عاصم بیک	پنجم
از سواره های ملتزم رکاب (معیت سنیه)، محمدافندی	پنجم
از سواره های فرقهٔ موزیک (چاوش) عودزن، جمیل افندی	مدال طلا
از سواره های فرقهٔ موزیک (چاوش) محمدنجیب افندی	
از سواره های فرقهٔ موزیک (چاوش) حقی افندی	
از سواره های فرقهٔ موزیک (چاوش) مصطفی خورشید	
از سواره های فرقهٔ موزیک (چاوش) صبری احسان	
از سواره های فرقهٔ موزیک (چاوش) حیدر افندی	
از سواره های فرقهٔ موزیک (چاوش) مظهر افندی	
از سواره های فرقهٔ موزیک (چاوش) شامل افندی	
از سواره های فرقهٔ موزیک (چاوش) احمدحسن افندی	
از سواره های فرقهٔ موزیک (چاوش) محمدسالم افندی	
از سواره های فرقهٔ موزیک (چاوش) عرب جمیل افندی	
از سواره های فرقهٔ موزیک (چاوش) اوسته نیقولی	
قراول کشیک قصر شاله همایونی، شعبان آغا	مدال طلا
قراول کشیک قصر شاله همایونی، ادهم آقا	مدال طلا
قراول کشیک قصر شاله همایونی، حسن آقا	مدال طلا
مدال	
قهوه چی دربار همایونی، صالح آغا	مدال
قهوه چی دربار همایونی، علی آغا	مدال
از تفنگچیان اعلی حضرت سلطانی در دایرهٔ	مدال

مراسم، حسین آغا
از تفنگچیان اعلی حضرت سلطانی در دایرۀ
مراسم، عثمان افندی

خدمۀ خزینۀ خاصۀ همایونی، ابراهیم بیک	
خدمۀ خزینۀ خاصۀ همایونی، کاظم بیک	
خدمۀ خزینۀ خاصۀ همایونی، عمر بیک	
خدمۀ خزینۀ خاصۀ همایونی، مروت شکری بیک	
خدمۀ خزینۀ خاصۀ همایونی، شکری بیک	
خدمۀ خزینۀ خاصۀ همایونی، عبدالله بیک	
خدمۀ خزینۀ خاصۀ همایونی، علی بیک	
خدمۀ خزینۀ خاصۀ همایونی، حقی بیک	
خدمۀ خزینۀ خاصۀ همایونی، تحسین بیک	
خدمۀ خزینۀ خاصۀ همایونی، جمیل بیک	
مستخدم دایرۀ صدارت (بی زبان)، حسین آغا	مدال طلا
مستخدم از خدمۀ صدارت (بی زبان)، مصطفی افندی	مدال طلا
مستخدم از خدمۀ صدارت (بی زبان)، حسین آغا	مدال طلا
مستخدم از خدمۀ صدارت (بی زبان)، قدری آغا	مدال طلا
مستخدم از خدمۀ صدارت (بی زبان)، رفعت آغا	مدال نقره
مستخدم از خدمۀ صدارت (بی زبان)، مصطفی آغا	مدال نقره
مستخدم از خدمۀ صدارت (بی زبان)، غلی [قلی] آقا	مدال نقره
مستخدم از خدمۀ صدارت (بی زبان)، مصطفی آقا	مدال نقره
خدمۀ خزینۀ خاصۀ همایونی، رشید بیک	مدال
خدمۀ خزینۀ خاصۀ همایونی، جمال بیک	مدال
خدمۀ خزینۀ خاصۀ همایونی، حافظ غالب بیک	مدال
خدمۀ خزینۀ خاصۀ همایونی، حسن نامی بیک	مدال
خدمۀ خزینۀ خاصۀ همایونی، ضیاء بیک	مدال
خدمۀ خزینۀ خاصۀ همایونی، عونی بیک	مدال

خدمهٔ خزینهٔ خاصهٔ همایونی، سلیمان بیک	مدال
خدمهٔ خزینهٔ خاصهٔ همایونی، عبدالله بیک	مدال
خدمهٔ خزینهٔ خاصهٔ همایونی، نوری بیک	مدال
خدمهٔ خزینهٔ خاصهٔ همایونی، اسمعیل بیک	مدال
خدمهٔ خزینهٔ خاصهٔ همایونی، غالب بیک	مدال
خدمهٔ خزینهٔ خاصهٔ همایونی، محمد بیک	مدال
خدمهٔ خزینهٔ خاصهٔ همایونی، شکری بیک	مدال
خدمهٔ خزینهٔ خاصهٔ همایونی، اسمعیل بیک	نشان داده شود
خدمهٔ خزینهٔ خاصهٔ همایونی، محمد نوری بیک	مدال
خدمهٔ خزینهٔ خاصهٔ همایونی، بهاء الدین بیک	مدال
خدمهٔ خزینهٔ خاصهٔ همایونی، مختار بیک	مدال
خدمهٔ خزینهٔ خاصهٔ همایونی، ایلی بیک	مدال
خدمهٔ خزینهٔ خاصهٔ همایونی، علی نهادبیک	مدال
خدمهٔ خزینهٔ خاصهٔ همایونی، حقی نجیب بیک	مدال
خدمهٔ خزینهٔ خاصهٔ همایونی، عزت بیک	مدال
خدمهٔ خزینهٔ خاصهٔ همایونی، سالم بیک	مدال
خدمهٔ خزینهٔ خاصهٔ پادشاهی، احمد بیک	مدال
خدمهٔ خزینهٔ خاصهٔ پادشاهی، زینل بیک	مدال
خدمهٔ خزینهٔ خاصهٔ پادشاهی، رجب بیک	مدال
خدمهٔ خزینهٔ خاصهٔ پادشاهی، شفیق بیک	مدال
خدمهٔ خزینهٔ خاصهٔ پادشاهی، صادق بیک	مدال
خدمهٔ خزینهٔ خاصهٔ پادشاهی، اسمعیل حقی بیک	مدال
کشیک سرای یلدیز پادشاهی، قسطمونیلی حسن آقا	مدال
کشیک سرای یلدیز پادشاهی، لوبی آبادی رشد آقا	
کشیک سرای یلدیز پادشاهی، چمشگزگلی مصطفی آقا	
کشیک سرای یلدیز پادشاهی، ازمبدلی خلیل آقا	
کشیک سرای یلدیز پادشاهی، نوشهرلی حاجی ابراهیم آقا	

کشیک سرای یلدیز پادشاهی ، چمشگزگلی دیگر مصطفی آقا
کشیک سرای یلدیز پادشاهی ، نوشهرلی محمد آقا
قواص مابین دربار پادشاهی ، مصطفی نوری آقا — مدال،نشان داده شده
قواص مابین دربار پادشاهی ، محمدشمس آقا — مدال، نشان داده شده
شمعدانچی دایرۂ مراسم پادشاهی ، احسان بیک
شمعدانی دایرۂ مراسم پادشاهی ، سلیمان بیک
شمعدانچی دایرۂ مراسم پادشاهی ، عثمان افندی
شمعدانچی دایرۂ مراسم پادشاهی ، رضا افندی
مستخدم قصر جدید سلطنتی ، طاهر بیک
مستخدم قصر جدید سلطنتی ، کاتب عاکف بیک
مستخدم قصر جدید سلطنتی ، خادم، علی افندی
ابریق دار دایرۂ مراسم خدمه، احمد بیک — مدال
ابریق دار دایرۂ مراسم خدمه، عمرآغا
ابریق دار دایرۂ مراسم خدمه، رازی بیک
ابریق دار دایرۂ مراسم خدمه، حاجی فرهاد افندی
ابریق دار دایرۂ مراسم خدمه، امین آقا
ابریق دار دایرۂ مراسم خدمه، درویش آقا
ابریق دار دایرۂ مراسم خدمه، حقی آقا
مستخدم آبدارخانۂ پادشاهی ، یانی — مدال
مستخدم آبدارخانۂ پادشاهی ، ژوزف
مستخدم آبدارخانۂ پادشاهی ، ینقولی
مستخدم آبدارخانۂ پادشاهی ، دیمتری
مستخدم آبدارخانۂ پادشاهی ، قسطی
مستخدم آبدارخانۂ پادشاهی ، یورکی
مستخدم آبدارخانۂ پادشاهی ، فرستو
مستخدم آبدارخانۂ پادشاهی ، دیگرقوسطی
ازخدام آبدارخانۂ شاهی ، حسین آقا

از خدام آبدارخانهٔ شاهی، حقی آقا	
از خدام آبدارخانهٔ شاهی، ابراهیم یوسف	
از خدام آبدارخانهٔ شاهی، مصطفی	
از خدام آبدارخانهٔ شاهی، محسن	
از خدام آبدارخانهٔ شاهی، ابراهیم بیک	
از خدام آبدارخانهٔ شاهی، محمود آقا	
آبدارخانه، سفره‌چی نعمان	چهارم شیروخورشید
آبدارخانه، نظمی بیک	مدال
آبدارخانه، حاجی محمدآقا	
آبدارخانه، حافظ مصطفی آقا	
آبدارخانه، حاجی حسین آقا	
آبدارخانه، حسن آقا	
آبدارخانه، علی آقا	
آبدارخانه، امین آقا	
آبدارخانه، حسن آقا	
آبدارخانه، محمد آقا	
آبدارخانه، حاجی علی آقا	
آبدارخانه، حسنی آقا	
آبدارخانه، محمد آقا	
توتونچی پادشاهی، حسن افندی	
توتونچی پادشاهی، محمد افندی	
توتونچی پادشاهی، حافظ عمر	
موزع پستخانهٔ اسلامبول، محمد افندی	مدال نقره
خدمهٔ وزارت خارجهٔ عثمانی، حاجی عمرآقا	مدال نقره
ایضاً، اسمعیل آقا	مدال طلا
ایضاً، علی رضا آقا	مدال نقره
توتونچی اعلی حضرت پادشاهی، حقی افندی	مدال

توتونچی اعلی حضرت پادشاهی ، احمد افندی	مدال
توتونچی اعلی حضرت پادشاهی ، یاقو افندی	مدال
توتونچی اعلی حضرت پادشاهی ، احمد آقا	مدال
خدمهٔ اصطبل عامره، ابراهیم آقا	مدال
خدمهٔ اصطبل عامره، محمد افندی	مدال
خدمهٔ اصطبل عامره، امین آقا	مدال
خدمهٔ اصطبل عامره، احمد آقا	
خدمهٔ اصطبل عامره، ، اسمعیل آقا	مدال
خدمهٔ اصطبل عامره، شکری آقا	مدال
خدمهٔ اصطبل عامره، ابوالخیر آقا	مدال
خدمهٔ اصطبل عامره، خمیس آقا	مدال
خدمهٔ اصطبل عامره، عبداله آقا	مدال
خدمهٔ اصطبل عامره، کوچک عبداله آقا	
خدمهٔ اصطبل عامره، نسیب آقا	
خدمهٔ اصطبل عامره، محمدعلی آقا	مدال
خدمهٔ اصطبل عامره، هشام آقا	
خدمهٔ اصطبل عامره، عبدالعزیز آقا	
خدمهٔ فایطون، ابراهیم آقا	
خدمهٔ فایطون، امین آقا	
خدمهٔ فایطون، محمد افندی	
خدمهٔ فایطون، محمود آقا	
خدمهٔ فایطون، حسنی آقا	
خدمهٔ فایطون، راسم آقا	
خدمهٔ فایطون، یانوسی آقا	
خدمهٔ فایطون، خالد آقا	
خدمهٔ فایطون، صادق آقا	
خدمهٔ فایطون، احمد آقا	

ارابه چی، علی آقا	
خدمهٔ اصطبل عامره ارابه چی، حسن آقا	مدال
خدمهٔ اصطبل عامره، صادق آقا	مدال
کالسکه چی، عبداله آقا	
کالسکه چی، خلیل آقا	
کالسکه چی، علی آقا	
کالسکه چی، محمودآقا	
شاگرد فابریک چینی پادشاهی، ایرانی احمد افندی	
شاگرد فابریک چینی پادشاهی، ایرانی محمد افندی	
شاگرد فابریک چینی پادشاهی، ایرانی محمد افندی	
درطابور خاصهٔ نقلیه ک اونباشی ۷، عمر مصطفی قسطمونی	
پولیس دیون عمومیه، مصطفی افندی	مدال طلا
پولیس دیون عمومیه، بلال افندی	مدال طلا
کومیسر محلیه، مصطفی افندی	مدال طلا
از چاوشان معیت سنیه در خدمت تشریفات، محمد عاصم	مدال طلا
نوکر دولت مآب طرفان پاشا، فتاح آقا	مدال طلا
آدم احمدعلی پاشا، حاجی محمدآقا	مدال طلا
آدم دولت مآب شاکر پاشا، حسین آقا	مدال طلا
آدم دولت مآب سلیمان بیک، صحاب آقا	مدال طلا
از تفنگداران اعلی حضرت سلطانی، عمر لطفی	
از تفنگداران اعلی حضرت سلطانی، سلیمان آدم	
از تفنگداران اعلی حضرت سلطانی، قائم ابراهیم	
از تفنگداران اعلی حضرت سلطانی، عبدالله علی	
برای توزیع چاوشان مابین همایون	۱۹۰ عدد مدال
آجودان اعلی حضرت سلطانی (میرلوا) سعادت مآب، حسنی پاشا	درجهٔ دویم شیروخورشید
رئیس لوازمات اردوی دویم، جمال پاشا	

کوماندان فوج توپچی و مرکز، فواد پاشا	درجه اول باحمایل قرمز
کوماندان فوج توپچی (فریق) احمد پاشا	درجهٔ اول
کوماندان فوج پیادهٔ اردوی دویم، هاشم پاشا	درجهٔ اول
کوماندان فوج توپچی اردوی دویم، طلعت پاشا	درجهٔ اول
کوماندان ردیف توپچی اردوی دویم، حسن پاشا	درجهٔ اول
صاحب منصب فوج سواره، حسن مصطفی پاشا و محمود پاشا	درجهٔ اول باحمایل قرمز
صاحب منصب فوج پیاده، حسن مصطفی پاشا و اسحق پاشا	درجهٔ اول باحمایل قرمز
حکیم باشی اردوی دویم (میرلوا)، احمدپاشا	درجهٔ اول باحمایل قرمز
(فریق) ردیف، شوکت پاشا	درجهٔ اول باحمایل سبز
محاسب اردوی دویم، تحسین بیک	درجه دویم شیروخورشید
کوماندان ژاندرم ولایت ادرنه، مخلص پاشا	درجهٔ اول باحمایل قرمز
کاتب اول اردوی دویم ارکان حرب، حسیب افندی	درجهٔ سیم
کاتب لوازمات اردو، مصطفی افندی	درجهٔ سیم
آجودان باشی مقام مشیریت (بیک باشی)، حسن بیک	درجهٔ سیم
ایضاً آجودان (یوزباشی)، اسمعیل افندی	چهارم
ایضاً آجودان (ملازم)، رضا افندی	چهارم
محاسب اوقاف ولایت آدرنه، شوقی بیک	چهارم
از اشراف محلیه آدرنه، نظمی بیک	سیم
از اشراف محلیه آدرنه، شوکت بیک	
مدیر بلدیه قره اغاج، حاجی آغوب افندی	سیم شیروخورشید
مدیر ملکیت حمیدیهٔ آدرنه، رضابیک	سیم
از اشراف، مصطفی بیک	سیم
پیشخدمت باشی وزیر خارجهٔ عثمانی، حسین آقا	پنجم شیروخورشید
کومیسر پولیس [پلیس] وزارت خارجهٔ عثمانی، علیرضا افندی	پنجم شیروخورشید
وزارت عدلیه	
رئیس دویم تجارت بحریه، غابریل افندی	سیم شیروخورشید
اعضای محکمه تجارت، استپان افندی	چهارم شیروخورشید

اعضای ثانی محکمه تجارت، عثمان بیک	چهارم
اعضای اول، جلال بیک	چهارم
اعضای ثانی، قالپارکی	چهارم
رئیس محکمۀ جزا، عاکف بیک	دویم شیروخورشید
مدیر امور حقوقه، ابراهیم بیک	سیم شیروخورشید
مدیر نفوس، احسان بیک	
کومیسر اول متفرقه، حسین افندی	
کومیسر اول مرکز، خورشید افندی	
کومیسر ثانی وزارت نافعه، عثمان افندی	
کومیسر ثانی نورعثمانیه، علی افندی	
مفتش دریا، سعید بیک	
کومیسر ثالث (قائم مقام)، حسین افندی	
دوکتر یحیی بیک ایرانی (قول آغاسی) (پسر حاجی آقاخان ترجمان)	چهارم شیروخورشید
از آجودان وزارت ضبطیه (بیک باشی)، صالح بیک	
از آجودان وزارت ضبطیه (بیک باشی)، رمضان بیک	
از آجودان وزارت ضبطیه (بیک باشی)، محمود بیک	
محمدعلی بیک، دوکتر ایرانی طبیب مریضخانه مظفریه	سیم شیروخورشید
مدیر مکتب (دبستان ایران)، حسن بیک	پنجم شیروخورشید
معاون والی آطنه سعادت مآب، نصری بیک	درجه دویم شیروخورشید
علاء الدین بیک، یاور حرب سلطان پسر والی آطنه	درجه سیم شیروخورشید
نظمی بیک پسر دفتردار ولایت آطنه	درجۀ سیم شیروخورشید
سیدجوادبیک، کار پرداز دولت علیه در آطنه	دویم شیروخورشید
ترجمان کار پردازی اسکندر، خباز بیک	چهارم شیروخورشید
میرزا احمد ترجمان کار پردازی	پنجم
فتح اله بیک میرزا فرج، محمد کریم اعضا، سه نفر قواص کار پردازی	هریک مدال نقره

این نشانها داده شده فرمان آنها باقی است.

صورت

اسامی اشخاصی که نشان در بارهٔ آنها مرحمت شده و در ذیل آنها نوشته است

نشان ایشان داده شد

شاهزادگان جوانبخت اعلیحضرت سلطانی	
دولتلو نجابتلو توفیق افندی	تمثال همایونی
دولتلو نجابتلو محمد سلیم افندی	تمثال همایونی
دولتلو نجابتلو عبد القادر افندی	تمثال همایونی
دولتلو نجابتلو احمد افندی	تمثال همایونی
دولتلو نجابتلو برهان الدین افندی	تمثال همایونی
دولتلو نجابتلو عبد الرحیم افندی	تمثال همایونی
کریمهٔ عصمت شیمهٔ اعلیحضرت سلطان	رفیعه سلطان مصطفویه نشان آفتاب
جناب جلیل رفعت پاشا صدر اعظم	نشان اقدس مرحمت گردید
دولتلو رضا پاشا وزیر جنگ	تمثال همایونی
جناب دولتلو سعید پاشا رئیس دار الشورا	تمثال همایونی
جناب وزیر خارجه توفیق پاشا	تمثال همایونی
سفیر کبیر شمس الدین بیک	تمثال همایونی

٢

اسهبت پاپ عبد الرحمن پاشا دور عدلیه	تمثال همایونی	فوق العاده ...
در کتابت حسن پاشا دور تحریریه	تمثال همایونی	دارلری

درجه اولی

شهزاده ... داماد علیحضرت سلطانی نوری پاشا	درجه اولی با حمایل	نشان مرصع ...
اجداد علیحضرت سلطانی ... محمد پاشا	درجه اولی با حمایل	نشان ...
داماد علیحضرت سلطانی نور الدین پاشا	درجه اولی با حمایل	نشان ...
داماد علیحضرت سلطانی کمال الدین پاشا	درجه اولی با حمایل	مرصع ...
کاتب حرف جیب همایونی ... ابراهیم بگ	درجه اولی با حمایل قرمزی	فوت
مدیر تیمارخانهٔ سلطانی حسن پاشا	درجه دوم شیر و خورشید	
معاون ... رسومات ... بگ	درجه دوم شیر و خورشید	
در ... تیمارخانهٔ سلطانی ... بگ	درجه دوم شیر و خورشید	
تفنگدار باشی ... ابراهیم بگ	درجه دوم شیر و خورشید	
تفنگدار باشی ... حسن بگ	درجه دوم شیر و خورشید	
معاون ... ... علی بگ	درجه دوم شیر و خورشید	

نام	نشان
ز تفنکداران ۵ باشی یوسف بک	درجه دوم شیر و خورشید
از صاحب منصبان نظامی توفیق بک	درجه دوم شیر و خورشید
مدیر منطقه مظهر بک	درجه دوم شیر و خورشید
مدیر اداره الکتریک سرای همایونی رأفت بک	درجه دوم شیر و خورشید
از سمت هی تعمیرخانه دربار سلطانی راشد بک	درجه دوم
ز تفنکداران باشی ابراهیم بک	درجه دوم
ایضاً حسن بک	درجه دوم
طبیب باشی و حکیمباشی مریضخانه اطفال حمیدیه ابراهیم بک	درجه دوم شیر و خورشید
اجودان خصوص سلطانی حسنی پاشا	درجه دوم شیر و خورشید
تفنکداران باشی (قول آغاسی) عبدالله بک	درجه سیم شیر و خورشید
سررشته دار کاتب فرج مصطفی بک	درجه سیم
تفنکداران باشی (یوز باشی) حسن بک	درجه چهارم
تفنکداران باشی (ملازم) مرتضی بک	درجه چهارم
ملازم حضور دولت در بی باب توفیق افندی اجودان باشی شاهنشاهی ممدوح بک	سیم شیر و خورشید
از تفنکداران ملازم رکاب حسن بک	سیم شیر و خورشید

زرتفنگداران ملتزم رکاب پادشاهی ظفر پاشا بیک	از درجه سیم شیر و خورشید
یاوران پادشاهی (بیکباشی) لطیف بیک	از درجه سیم شیر و خورشید
زرتفنگداران پادشاهی (قول آغاسی) رستم بیک	از درجه سیم شیر و خورشید
کومیسر راه آهن شرق آلکبایل سنی یلدیسی افندی	سیم شیر و خورشید
زرتفنگداران ملتزم رکاب حسنی بیک	سیم شیر و خورشید
زرتفنگداران ملتزم رکاب (قول آغاسی) علی عثمان بیک	درجه سیم شیر و خورشید
تحسین بیک	درجه سیم
سررشته دار کالت فوج مذکور فؤاد بیک	درجه سیم
ارناووط داور عزالدین صدقی بیک	درجه سیم خارجه
از چرخچی های داور عزالدین (قول آغاسی) محمود افندی	درجه سیم خارجه
مفتی ... داور عزالدین مصطفی افندی	سیم شیر و خورشید
مدیر اداره فلکه شاهی داود افندی	درجه پنجم شیر و خورشید
اجوداران اعلیحضرت سلطانی (بیکباشی) مصطفی بیک	سیم شیر و خورشید
اجوداران اعلیحضرت سلطانی عبدالله بیک	سیم شیر و خورشید
اجوداران اعلیحضرت سلطانی محمد علی بیک	سیم شیر و خورشید

اجزاجیان اطبّای صحیهٔ سلطانی	ناظم بیگ	سیم شیر و خورشید
اجزاجیان اطبّای صحیهٔ سلطانی	مدحت بیگ	سیم شیر و خورشید
اجزاجیان وزارت حربیه (قول آغاسی)	علاءالدّین بیگ	سیم شیر و خورشید
معلّم خط و جغرافی مکتب حربیهٔ شاهانه	رفعت افندی	سیم شیر و خورشید
معلّم خط و جغرافی مهندسخانهٔ بریّهٔ همایونی (یکباشی)	سامی بیگ	سیم شیر و خورشید
امرا از سهم پادشاهی	توفیق بیگ	سیم شیر و خورشید
امرا از پادشاهی	حقّی بیگ	سیم شیر و خورشید
امرا از پادشاهی	صفوت بیگ	سیم شیر و خورشید
یاوران پادشاهی	محمود حمدی بیگ	سیم شیر و خورشید
ناظر (آمدی دیوان همایونی)	مرتضی بیگ	سیم شیر و خورشید
ایضاً	افسرالدّین بیگ	سیم شیر و خورشید
چراغجی ثانی	علی بیگ	سیم شیر و خورشید
از منشیان دفترخانهٔ وزارت خارجه	شرف‌الدّین بیگ	سیم شیر و خورشید
از مأمورین ضبطیهٔ عامّه	صبری بیگ	سیم شیر و خورشید
ایضاً	احمد آقا	سیم شیر و خورشید

از معدنهای اوطلاق تبشته یه بالی حسن چلبی بک — شیر و خورشید درجهٔ ثالثه

ناظر فن اصطبل عامره محمد آغا — شیر و خورشید درجهٔ چهارم

باش کاتب معروضات یرای پاشای شوکت بک — سیم شیر و خورشید

امورداد پاشای (مسنم) مقداد بک — بتدبگه سیم شیر و خورشید

طبیب داور غزالدین (بکباشی) رفعت بک — سیم شیر و خورشید

جراحی داور غزالدین (قول آغاسی) عبدالله افندی — سیم شیر و خورشید

" " حسن افندی — سیم شیر و خورشید

" " محمود افندی — سیم شیر و خورشید

ولایت ادرنه

معلم تعلیم سواری عزتماب صبحی بک — سیم شیر و خورشید

صاحب منصب پیاده فوج دراردزیم عثمان بک — سیم شیر و خورشید

" پیاده رضا بک — سیم شیر و خورشید

صاحب منصب فرقه توپچی عزتماب حمال بک — سیم شیر و خورشید

امین فرقه توپچی رفعتماب رفعت بک — سیم شیر و خورشید

(بکباشی) طابور شاهزاده مرکزی ادرنه عزتماب خورشید افندی — سیم شیر و خورشید

ولایت ادرنه

(قول آغاسی) ارکان حرب رفعتلو لطیف بک	سیم شیر و خورشید
مدیر آلای پسته و تلغراف عزتلو یوسف افندی	سیم شیر و خورشید
اجودان سلطانی (میرآلای) حسن بک	سیم شیر و خورشید
نائب منشی دفترخانهٔ صدارت عظمی سلیمان فهمی بک	سیم
(قائممقام) تعمیرخانهٔ همایون محمد بک	سیم
ثانی باشی دفترخانهٔ دیوان همایون عون الله بک	سیم
رئیس ثانی تجارت [?] محبت بک	سیم شیر و خورشید
معاون اوطاق باشی ثانی محمد آغا بک	سیم شیر و خورشید
مستخدم ادارهٔ تلگراف (یوزباشی) حسین بک	چهارم شیر و خورشید
" " رمضان بک	چهارم
محمد افندی	چهارم
اجودان پاشا [?] (یوزباشی) خالد بک	چهارم
صاحب منصب (ملوک) ([illegible]) عبدالرحیم افندی	چهارم
معاون هیئت نقاشی ابراهیم خازن افندی	چهارم
شکر افندی	چهارم

(یوزباشی)

مسئول هیئت نقاشها   بهجت افندی   چهاریم

مستخدم ادارخانهٔ هادینه   علی افندی   چهاریم

"   حافظ حسنی افندی   چهاریم

صدقی بک   چهاریم

مصطفی بک   چهاریم

حاجی مصطفی بک   مدال طلا

رفعت بک   چهاریم

علی بک

خلیل بک

حسنی بک   مدال

شاکر افندی

محمد نبی افندی

فضلی بک

ابراهیم افندی

حسن افندی

بهاء الدین افندی

مستخدم اوراق خانه سی باشی کاتب	زهدی بک	چهارم
	سفره جی قسمی	
اوراق خزینه اداره	اوراق عثمان آغا	پنجم داره ۵ نجی
"	محمد آغا	چهارم
"	حاجی شریف افندی	چهارم
"	حاجی ولی آغا	چهارم
" آشپز فرنگی	ناجی افندی	چهارم
(یوزباشی) موزیقه باشی	زکی بک	پنجم شعبه دردنجیه
	رضا بک	پنجم شعبه دردنجیه
	خالد بک	پنجم شعبه دردنجیه
(ملازم)	حسیب افندی	پنجم شعبه دردنجیه
"	عارف بک	پنجم شعبه دردنجیه
"	حقی بک	پنجم شعبه دردنجیه
"	مصطفی موسی افندی	پنجم شعبه دردنجیه
"	حافظ احمد افندی	پنجم شعبه دردنجیه
مأمور اکرامیه مابین همایون	فائق افندی	پنجم شعبه دردنجیه

١٠

ارناؤودی مصطفی عاصره جمال افندی چهارم شهریور خورشیدیه

رخت دارباشی لطیف بگ

سجاده‌جی مصطفی بگ

حافظ مصطفی بگ

سماطه‌جی

قصرشله علی افندی

قراول باشی

حاجی عمر آغا

کلنی نجی اعلیحضرت سلطانی

حسنی افندی

(یوزباشی) داور عزالدین

صبری افندی

حفظی افندی

"

"

قراول باشی دربار سلطانی احمد آغا چهارم شهریور خورشیدیه

در داور عزالدین کاتب مصطفی افندی چهارم شهریور خورشید

چرخچی (یوزباشی) حسن افندی

(یوزباشی) نوزبک احمد افندی

(یوزباشی) مصطفی افندی

دولت اداره

(یوزباشی) تشریفات فتوکاتب رضا افندی چهارم

ادرنه

(یوزباشی سواری) سیرت (یاور حرب) طاهر افندی

نوری افندی

" " "

(ملازم) یاور مقام ولایت شوقی بک

یوزباشی توپچی علی بک

یوزباشی پیاده ابراهیم بک

سواری ملازمین رکاب (معیت سنیه) چاوش باشی باشی ?رس پنجم نشان داران

محمد مروی

" " حسن بن محمد

" " عبد القادر بن اسمعیل

" " عبد الله ابن سعید

" " عبد الرزاق بن طالب

" " محمد بن صالح

" " احمد بن عمر

" " سلیم بن علی

" "

۱۲

سواره مقربین رکاب (معیت سنیه) . چاپارش . کالسکه رسیدن پنجم

〃 〃 〃 حسن بن محمد شریف

〃 〃 〃 محمد بن عبدالله

〃 〃 〃 مسعود بن عبدالله

〃 〃 سرچاپارش محمد سعید

حسن بن عمر

〃 〃 〃

احمد خلیل

محمد خلیفه

حسین خلیل

خادمی در رکاب جناب اجل وزیر دربار خدمت میکرد — اسمعیل بیگ

حقی بیگ

〃 〃

عبدالله افندی

خادمی در رکاب جناب آقای علاء الملک خدمتی میکرد

عزیز افندی

سفره چی باشی کت بت جبلیه

چهارم شهر و خورشید

دو قوطی عطر حسین افندی

از بابت های محاسبات خزینه خاصه حقی بیگ

مصطفى بك حلمی

پولیس دولت عمومیه

معاون اوطاق ترجمه گمرک مسیو ژاق

مستخدم اداره تفنگداران پاشا سی (ملازم)

(ملازم اول بلوک الحورط)

درجه ونشان معلّیت ثنیه

پنجم شیر و خورشید	
چهارم شیر و خورشید	
پنجم شیر و خورشید	امین افندی
پنجم شیر و خورشید	عزیز افندی
	ابراهیم افندی
	نکر افندی
	رستم افندی
	علی افندی
	محمد افندی
	مصطفی افندی
	زنبور افندی
	صلاح الدین بک
چهارم	مصطفی افندی
پنجم	محمد افندی
پنجم	محمد افندی
پنجم	محمد جلال بک

١٤

درجهٔ پنجم شیر و خورشید

حمامجی اعلیحضرت سلطان	حسن آغا
قهوه‌جی حافظ	مصطفی آغا
کاتب داپور غزالدین	خیرالدین افندی
" "	(ملازم اول) کامل افندی
" "	شمس تحریری افندی
" "	فؤاد افندی
" "	جمال افندی
" "	چرخچی ملازم مصطفی افندی
" "	ملازم سلاح انداز حمدی افندی
" "	سامی افندی
" "	(ملازم موزیکانچی) بهاء الدین افندی
" "	(ملازم) رضا بک
" " "	ثانی رفعت افندی
" " "	عبدالله افندی
" " "	مصطفی افندی

۱۵

پنجم شریه وعوره سیه ۵   عمر افندی   مستخدم داوبر عز الدین

امام محمد افندی   «

جراح صبری افندی   «

مأمور قازان ... افندی   «

سفره جی باشی ... افندی   «

(ملازم) عثمان افندی   «

عاکف افندی   مدیر ... باشی

صادق افندی   ... تشریفات عمومیه

احمد آغا

علی آغا   مستخدم اداره باش کاتب

حسن آغا   «

پنجم   عاصم بک   (...)   ... رکاب

پنجم   محمد افندی   «

۱۶

درنوار ها ی فرقه مورنك	(چاوش)	عودوزن جمعی افندی	مدال طلا
		محمد نجیب افندی	
		حقی افندی	
		مصطفی خورشید	
		صبری افندی	
		حیدر افندی	
		مظهر افندی	
		شکری افندی	
		احمد حسن افندی	
		محمد سالم افندی	
		عرب جمعی افندی	
		اوسته نلقولی	
قراول كسكينك حضرتشاهانه یونده		شعبان اغا	مدال طلا
"		ادهم اغا	مدال طلا
"		صبری اغا	مدال طلا

ـــ٢٦

مدال

قهوه‌جی دربار همایونی	صالح آغا	مدال
	علی آغا	مدال
ارتکنچیان اعلیحضرت سلطانی در دائره مراسم	حسین آغا	مدال
ارتکنچیان اعلیحضرت سلطانی در دائره مراسم	عثمان افندی	
خدمه خزینه خاصه همایونی	ابراهیم بک	
	کاظم بک	
	عمر بک	
	مروت شکری بک	
	شکری بک	
	عبدالله بک	
	علی بک	
	حقی بک	
	تحسین بک	
	حلمی بک	

مستخدم دائرهٔ صدارت	(بی زبان)	حسین آغا	مدال طلا
« ارضحال صدارت	(بی زبان)	مصطفی افندی	مدال طلا
«	(بی زبان)	حسن آغا	مدال طلا
«		قدری آغا	مدال طلا
	بی زبان	رفعت آغا	مدال نقره
«	بی زبان	مصطفی آغا	مدال نقره
«	بی زبان	نفع آغا	مدال نقره
«	بی زبان	مصطفی آغا	مدال نقره

خزینهٔ خاصهٔ همایونی	رشید بک	مدال
«	جلال بک	مدال
«	حافظ غالب بک	مدال
«	حسن ناجی بک	مدال
«	ضیاء بک	مدال
«	عونی بک	مدال
«	سلیمان بک	مدال

خدمهٔ خزینهٔ خاصهٔ همایونیه — عبدالله بک — مدال

نوری بک

اسعد بک

غالب بک

محمد بک

شکری بک

اسعد بک — نشان داله‌سی

محمد نوری بک

بهاءالدین بک

محشر بک

ایلی بک

علی نهاد بک

حقی نجیب بک

عزت بک

سالم بک

خزینهٔ خاصهٔ پادشاهی احمد بك مدال

زهنی بك

حبیب بك

شفیق بك

صادق بك

اسمعیل حقی بك

کشک سرای یلدز پادشاهی

قسطمونیلی خضر آغا

لوی اباظه رشید آغا

چمشکزکلی مصطفی آغا

درسیملی حلمی آغا

زنهرلی حسن ابراهیم آغا

چمشکزکلی دیگر مصطفی آغا

زنهرلی محمد آغا

قواص باشی دربار هایون بابی — مصطفی نوری آغا — مدال — نشان والا شان
محمد شمس آغا — مدال — نشان والا شان

سنجه‌الجی دائره مراسم هایون بابی — صبحی بک
سلیمان بک
عثمان افندی
رضا افندی

سنجه‌م قصر جدید سلطنی — طاهر بک
کاتب کاکف بک
خاص علی افندی

رئیسی دار دائره مراسم خدمه — احمد بک
عمر آغا
رازی بک
حاجی فرهاد افندی
امین آغا
درویش آغا
حقی آغا

مستخدم ابدارخانه پادشاهی	بابی	مدال
	رزوقی	
	مقولی	
	دمیتری	
	قطی	
	نورکی	
	خرستو	
	نکر وسکی	
در خدام ابدارخانه شاهی	حسن آقا	
	حقی آقا	
	ابراهیم یوسف	
	مصطفی	
	محیی	
	ابراهیم بک	
	محمود آقا	

ابزار خانه — سفره چی لقمان — حمایل شیر و خورشید

نظمی بیک — مدال

حاجی مهر آقا

حافظ مصطفی آقا

حاجی عباس آقا

حسن آقا

علی آقا

امین آقا

حسن آقا

محمد آقا

حاجی علی آقا

حسنی آقا

محمد آقا

زردوزچی — با نشان — حسن افندی

محمد افندی

حافظ عمر

موزّع نشانه اسعدبیک	محمد افندی	مدال نقره
خزینه‌دار ارکان‌حرب عثمانی	حاجی عمر آقا	مدال نقره
ایضاً	اسمعیل آقا	مدال طلا
ایضاً	علیرضا آقا	مدال نقره
قرقوتجی علی‌صمد پاشای	حقی افندی	مدال
	احمد افندی	مدال
	یاقوت افندی	مدال
	احمد آقا	مدال
خزینه مصطفی عاصم	ابراهیم آقا	مدال
	محمد افندی	مدال
	امین آقا	مدال
	احمد آقا	
	اسمعیل آقا	مدال
	شکری آقا	مدال
	ابوالخیر آقا	مدال
	خمیس آقا	مدال

حرمه مصطفی عائشه — عبدالله آقا — مداد

کوچک — عبدالله آقا

لطیف آقا

محمد علی آقا

اشرف آقا

عبدالعزیز آقا

خزینه — فایطون — ابراهیم آقا

امین آقا

محمد افندی

محمود آقا

حسین آقا

رابیم آقا

یاقوت بیک آقا

خالد آقا

صادق آقا

احمد آقا

ادهم چی — علی آقا

خدمه اصطبل عامره — ارابه‌جی — حسن آغا — مدال

صادق آغا — مدال

کالسکه‌جی — عبدالله آغا

حنفی آغا

علی آغا

محمود آغا

شکر فابریقه‌سی باشیسی — ارانی احمد افندی

ارانی محمد افندی

ارانی محمد افندی

درطاورق خاصه نقلیه‌لک اونباشیسی ٧ — عمر مصطفی قسطمونی

پولیس دیوان عمومیه مصطفی افندی — مدال طله

عادل افندی — مدال طله

کومیسر ممله مصطفی افندی — مدال طله

ارخادشان معیت سنیه درخدمت تشریفاتی محمد عاصم — مدال طله

تذکره کتابت طرفان باش — فتاح آغا — مدال طله

نعم لعمد عمل باش — حاجی محمد آغا — مدال طله

نقش در کتاب شاهکارها	حسین آقا	مدال طلا
نقش در کتاب سلیمان پیک	صاحب آقا	مدال طلا
از نقشکاران اعلیحضرت سلطانی	عمر لطفی	
« «	سلیمان نقش	
« «	قاسم ابراهیم	
« «	عبدالله علی	

برای توزیع چاپشان مابین همدیگران ۱۹۰ عدد مدال

اردوی علیه‌سی سلطانی (میرلوا) کلاه‌باتب حسنی پاشا — درجه حاجی شرف و عزتیه

رئیس لوازمات اردوی همایون — خالد پاشا

کوماندان فرقه توپچی مرکز — فؤاد پاشا — درجه اولی، حمایلی قرمز

(فریق) — احمد پاشا — درجه اولی

کوماندان فرقه ساده اردوی همایون — ناظم پاشا — درجه اولی

کوماندان فرقه توپچی اردوی همایون — طلعت پاشا — درجه اولی

کوماندان ردیف — " — حسن پاشا — درجه اولی — "

صاحب منصب فرقه سواره حسن مصطفی، — محمود پاشا — درجه اولی، حمایل قرمز

" " پیاده " — اسحق پاشا — " — قرمز

حکیمان لوازمات اردوی همایون (میرلوا) — احمد پاشا — " — قرمز

(فریق) ردیف " — شوکت پاشا — " — حمایل

صاحب لوازمات اردوی — کمال بیک — حکیم شرف و عزتیه

کره‌بزان رشدیه‌زم ولایتی ادرنه	مخلص پاشا	درجهٔ اولی جهای قرمز
کاتب اولی ارجمیلی دیم ارکان حرب	حبیب افندی	درجهٔ ثالثه
کاتب لوازمات ادرنه	مصطفی افندی	درجهٔ سیم
اردوان باشی مقام مشیریت (بکباشی)	حسن بک	درجهٔ سیم
انقره اردوان (یوزباشی)	احمد افندی	چهارم
« (ملازم)	رمضان افندی	چهارم
محاسب اوقاف ولایت ادرنه	شوقی بک	چهارم
از اشراف محلیه «	نظمی بک	ثالثه
	شوکت بک	
مدیر بلدیهٔ قره اغاج	حاجی یعقوب افندی	ثالثه شیر و خورشید
مدیر مکتب حمیدیه ادرنه	رضا بک	سیم
از اشراف	مصطفی بک	سیم

پیشمدست باشی وزارت خارجه عثمانی	حسین بیگ	پنجم شیر و خورشید
کومیسر پولیس وزارت خارجه عثمانی	علیرضا افندی	پنجم شیر و خورشید

وزارت عدلیه

رئیس دوایر تجارت بحریه	عابدین افندی	سیم شیر و خورشید
اعضاء محکمه تجارت	احسان افندی	چهارم شیر و خورشید
اعضاء ثانی محکمه تجارت	عثمان بیگ	چهارم
اعضاء اتی	جلال بیگ	چهارم
اعضاء ثانی	قاپیارکی	چهارم
رئیس محکمه جزا	عاکف بیگ	دوم شیر و خورشید
مدیر امور حقوقیه	ابراهیم بیگ	سیم شیر و خورشید
مدیر نفوس	احسان بیگ	
کومیسر تعلی متفرقه	حسین افندی	
کومیسر اتی مرکز	خورشید افندی	
کومیسر ثانی وزارت نافعه	عثمان افندی	

کومیسر ثانی نور عثمانیه — علی افندی

مفتش دریا — سعید بیک

کومیسر ثالث (قائم مقام) — حسن افندی

دوکتر یحیی بیک ارانی (قول آغاسی) — چهارم شیر و خورشید

(پسر حاجی آقا خان ترجمان)

از اجزای دوایر ضبطیه (بکباشی) صالح بیک

" رمضان بیک

" محمود بیک

محمد علی بیک دوکتر ارانی طبیب مریضخانه ضبطیه — سیم شیر و خورشید

مدیر مکتب (دبستان ایران) حسن بیک — پنجم شیر و خورشید

معاون والی اطنه کلاتاب نظری بیک — درجه دوم شیر و خورشید

عبدالغنی بیک یاور حرب سلطان پسر والی اطنه — درجه سیم شیر و خورشید

نظمی بیک پسر دفتردار ولایت اطنه — درجه سیم شیر و خورشید

سید جواد بیک کارپرداز تبعه در اطنه — دوم شیر و خورشید

ترجمان کارپردازی اسکندرون رجب بیک — چهارم شیر و خورشید — میرزا احمد ترجمان کارپرداز

شمارهٔ سند: ۸۹۶/۱

موضوع: خرید پوست

نمره: ۴۷

تاریخ: ۲۷ شعبان ۱۳۱۹ هـ. ق

کارتن: ۴۰

پرونده: ۹

تلگراف مظفرالدین شاه به ارفع‌الدوله

ارفع‌الدوله، یک پوست لوطر و یا کاستور* در اسلامبول از دست مسلمان خریده بفرستد. امضا: مظفرالدین شاه

* به معنی: سگ آبی.

هیئت دوستانه

رفیع الدوله

کمیسیون گوگرد را که دستور بدهید

در باب پول از دست سهام الدوله گرفته بفرستند

شمارهٔ سند: ۸۹۶/۲
موضوع: خرید پوست لوطر
نمره: ۴۷
تاریخ: ۲۰ رمضان ۱۳۱۹ هـ. ق
کارتن: ۴۰
پرونده: ۹

نامهٔ ارفع‌الدوله به مظفرالدین شاه به وسیله وزارت خارجه

برحسب امر تلگرافی می‌بایست یک جلد لوطر از دست مسلمانی خریده بفرستم. از دو هفته به این طرف هرچه آدم فرستادم تمام اسلامبول را گشتند، پیدا نکردند به واسطهٔ اینکه هوای اینجاها چندان سرد نمی‌باشد این طرفها معمول نیست، با وجود این مواظبت خواهد شد که از مسلمانی خریده شود و اگر انشاءالله تعالی پیدا کردم، با چاپار آتیه ایفاد خواهم کرد.

[حاشیه، دستخط مظفرالدین شاه:]

بسیار خوب

[illegible]

۱۳۱۹
۲۰ شهر رمضان
[illegible]

رجب [illegible] از دست [illegible] جریده [illegible] [illegible]

هرچه لازم فرستادم تا [illegible] گذشته [illegible] که هوای آنجا [illegible] سرد [illegible]

با وجود این مراقبت خواهد شد [illegible] اگر [illegible] پیدا کنم [illegible].

البته [illegible] خواهم کرد

شمارهٔ سند: ۸۹۷/۱
موضوع: بعضی از اشیای خریداری شده مظفرالدین شاه
نمره: ۳۹
تاریخ: ۲۰ رمضان ۱۳۱۹ هـ. ق
کارتن: ۴۰
پرونده: ۹

نامهٔ سفارت ایران در اسلامبول به وزارت امور خارجه

برحسب امر قدر قدر اعلی حضرت اقدس همایونی ارواحنافداه که مقرر فرموده بودند مرغ پاپاغان که حرف بزند ابتیاع کرده بفرستد، چون در اسلامبول کمیاب بود و در مصر خیلی فراوان و ممتازش هست، نوشتم خریده بفرستند بعد از وصول به وسیلهٔ سریعه ایفاد خواهم داشت، ولی عربی حرف خواهد زد.

[حاشیه، دستخط مظفرالدین شاه:]

خیلی خوب

صحیح ا

۱۳۱۹
۲۰ شهر ربیع الاول
۳۹

برحسب امر قدر قدر اعلیحضرت اقدس همایونی ارواحنا فداه دستور فرمودید نقشه برج عقرب با ماهان

ده حرف زده استنباط کرده بفرستد چون از مسئله کم ناپ بود و در مصر جمع و اداد و نشست

داشت نوشتم حرزیده بفرستد بعد از فصلی که بوسیله سریعه انشاءالله خواهم داشت

ولی عرض بی حرف خواهد زد

شمارهٔ سند: ۸۹۷/۲

موضوع: خرید مرغ پاپاغان

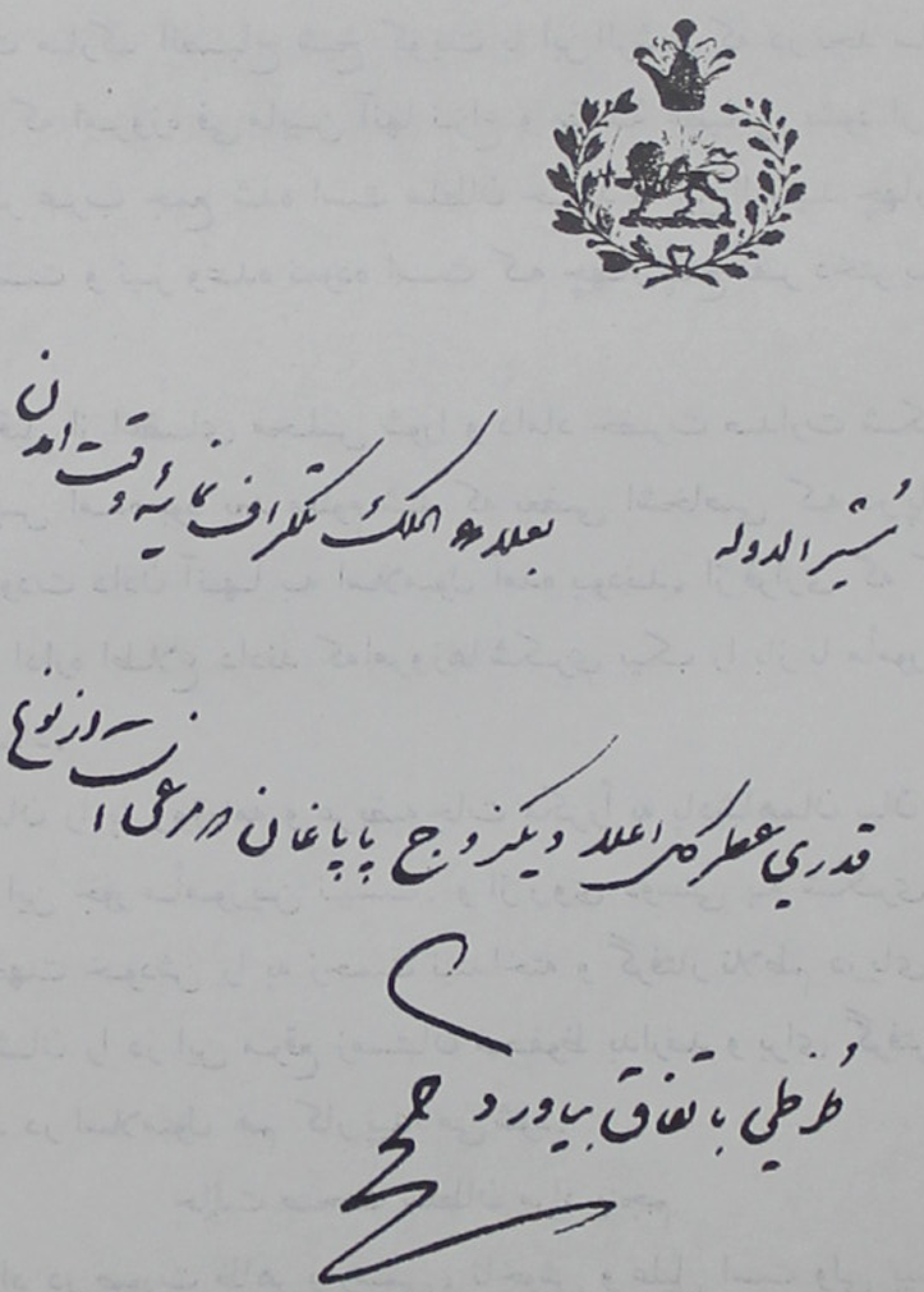
تاریخ: ۱۳۱۹ هـ. ق

کارتن: ۴۰

پرونده: ۹

نامهٔ مظفرالدین شاه به مشیرالدوله وزیر خارجه

مشیرالدوله، به علاءالملک تلگراف نمایید وقت آمدن قدری عطر گل اعلا و یک زوج پاپاغان که مرغی است از نوع طوطی به اتفاق بیاورد. امضا: مظفرالدین شاه.



مشیرالدوله بعلاءالملک تلگراف نمایید وقت آمدن

قدری عطر گل اعلا و یک زوج پاپاغان که مرغی است از نوع

طوطی باتفاق بیاورد

شمارهٔ سند: ۸۹۸
موضوع: اوضاع عثمانی و حالت صحت سلطان مراد پنجم
تاریخ: ندارد (احتمالاً ۱۳۱۹. ق)
کارتن: ۱۸
پرونده: $\frac{۳٤}{۱۳}$

ترجمه‌ای نقل از روزنامهٔ عثمانی که در فولکتون که واقع در شهر انگلیس است چاپ شده است

از قراری که روزنامجات اسلامبول می‌نویسند قبیلهٔ وحشی که در ولایت بصره ساکن هستند این اوقات به آستان حضرت شهریاری ملتجی شدند، و از قرار اخباری که به اداره رسیده است مبارک الصباح شیخ کویت با ابن‌الرشید که در نجد ساکن هستند، احتمال کلی دارد که امروزه فی‌مابین آنها نزاع و مقاتلهٔ عظیمی بشود از هر دو طرف قریب سی هزار نفر عرب جمع شده است سلطان حمید به ابن‌الرشید چهار عراده طوپ [توپ] فرستاده است و نیز وعده نموده است که چهار پنج نفر دختر به رسم هدیه بفرستند.

در چندی قبل از اعضای مجلس شورا و داماد حضرت صدارت شکری بیک به عنوان سیاحت پاریس آمده بود بعد معلوم شد که بعضی اشخاصی که در پاریس هستند برای اقناع به معاودت دادن آنها به اسلامبول آمده بودند، از قراری که کسان شکری بیک در پاریس به اداره اطلاع دادند که امروزها شکری بیک را باز با مأموریت سابقه به پاریس خواهند فرستاد.

ما مقصودمان را با روزنامه و عریضه‌جات مکرراً به پادشاهمان بیان کردیم، لهذا لازم به فرستادن این جور مأمورین نیست. و از روی دوستی به شکری بیک اظهار می‌داریم که بی‌جهت خودش را به زحمت نینداخته و گرفتار تلاطم دریای مانش نشوند و وجود عزیز خودشان را در این موقع زمستان محفوظ بدارند و برای گرفتن یک امتیاز معدن از عبدالحمید در اسلامبول هم کار پیدا می‌شود.

حالت صحت سلطان مراد پنجم

سلطان مراد در صورت ظاهر و رسمی، ناخوش و علیل است ولی بیست پنج سال

این قسم اسیر بودن عمر خود را در نهایت صحت عافیت گذرانده است و اگرچه این حبس بودن به خودشان یک حالت بی‌فکر و بی‌قیدی دست داده است، ولی از قراری که فهمیدیم روز خلاصی ایشان نزدیک است.

و اگرچه وضع یومیه و احوال دایمی اسلامبول به قسمی است که احتمال کلی دارد یک حادثه و اغتشاش ناگهانی بشود و در باب ناخوشی سلطان مراد آنچه ما بیان نمودیم از جانب دفتر قابینه [کابینه] ادارهٔ مطبوعات اظهار تکذیب نمودند و این اظهار تکذیب موجب خوشوقتی اسلامبولی ها شده است.

ترجمهٔ مختصر از روزنامهٔ عثمانی که در فولکستون که واقع در شهر انگلیس است چاپ شده است

از قراریکه روزنامجات اسلامبول می‌نویسند قیود وحشی که در دولت عثمانیه بهره رسان هستند این اوقات به آن حضرت شهریاری ملتجی شده‌اند و از قرار خبری که به اداره رسیده است مبارک الصباح شیخ کویت با ابن الرشید که در نجد ساکن هستند احتمال صلح دارد که امروز فیمابین ایشان نزاع و مقاتلهٔ عظیم بود از هر دو طرف قریب سه هزار نفر عرب مقتول شده است سلطان حمید به ابن الرشید چهار عراده توپ فرستاده است و نیز وعده نموده است که چهار هزار نفر دیگر برسم امداد بفرستند .

در چند روز قبل از اعضای مجلس شورا و ادارهٔ جمعیت صدارت شکری بیک به عنوان سیاحت به پاریس آمده بود بعد معلوم شد که بعضی اشخاص که در پاریس هستند از آن قبیل به معاودت دادن آنها به اسلامبول آمده بود و نیز از قراریکه آن شکری بیک در پاریس به اداره اطلاع داده‌اند که امروز هم شکری بیک را باز با مأموریت سابقه به پاریس خواهند فرستاد

ما مقصود مان را با روزنامه در عریضه‌جات مکرراً به پادشاه همان بیان کرده‌ایم لهذا الان لازم نمیدانستیم در این خصوص مأمورین نیست . و از روی دوستی به شکری بیک اظهار میداریم که بی جهت خودتان را به زحمت نیندازید و گرفتار تعاقب در پاریس مأمورش نشوند وجود عزیز خودشان را در این موقع زمستان محفوظ بدارند و بجای رفتن به پاریس تماشای معدن ازغنه الحمید در اسلامبول هم کار بیشتری می‌شود .

«حالت صحت سلطان مراد پنجم»

سلطان مراد در صورت ظاهر و رسمی ناخوش و علیل است و لیکن به تخیل این قسم اکثر بودن عمر خود را در نهایت صحت و عافیت گذرانیده است و اگرچه این حبس بوده برخودشان یک حالت با فکر و با قدرت داشته است ولی از قراریکه فهمیدیم روز خلاصی ایشان نزدیک است»

و اگرچه وضع یومیه و احوال رعایای اسلامبول به قسمی است که احتمال کلی دارد یک حادثه و غشّی ناگهانی بشود و در باب ناخوشی سلطان مراد آنچه ما بیان نمودیم از جانب دفتر قانونیه ادارهٔ مطبوعات اظهار تکذیب نمودند و این اظهار تکذیب موجب خوشوقتی اسلامبولیها شده است

شمارهٔ سند: ۸۹۹

موضوع: در خصوص نشان به صاحب‌منصبان عثمانی

نمره: ۱۰۱۱

تاریخ: ۷ جمادی‌الثانی ۱۳۲۰ هـ. ق

کارتن: ۷

پرونده: ۱۲

سواد کاغذ وزارت خارجه به سفارت پطرزبورغ

در موقع عزیمت شما به پطرزبورغ چند قطعه نشان که متعلق به صاحب‌منصبان عثمانی و حاضر بود، عوض نشانهایی که جناب اشرف پرنس ارفع‌الدوله دام اقباله در حق صاحب‌منصبان روس استدعا کرده بود و اعطا شد، شما بردید بعد هم که نشانهای صاحب‌منصبان روس حاضر شد برای آن‌جناب ارسال گردید و حالا از آن نشانها که متعلق به صاحب‌منصبان عثمانی و نزد آن‌جناب مانده است به تفصیل ذیل:

درجهٔ دویم شیر و خورشید	درجهٔ سیم	درجهٔ چهارم	درجهٔ پنجم	دو عدد صلح
دو دست	سه قطعه	قطعه	قطعه	

باید به سفارت کبری اسلامبول فرستاده شود معلوم است مستقیماً به سفارت آنجا خواهند فرستاد.

نصراله مشیرالدوله

١٠١١

[illegible] سفارت [illegible] پطرزبورغ

١٣٢٠ س

١٧ محرم

[illegible] پطرزبورغ [illegible] قطعه [illegible] صاحب منصبان عثمانیه [illegible] عوض نشان [illegible]

[illegible] صاحب منصبان روسیه [illegible] اعطاسی [illegible]

صاحب منصبان [illegible] صاحب منصبان عثمانیه [illegible]

مفصلدر .

[illegible]	درجه [illegible]	درجه [illegible]	درجه [illegible]
[illegible]	[illegible]	قطعه	قطعه

[illegible] سفارت کبری [illegible] معلوم [illegible] اعطاسی [illegible]

شمارهٔ سند: ۹۰۰
موضوع: گزارش ارتباط سفارت با سلطان و دولت عثمانی و تشریفات مربوطه
نمره: ۳۵۸
تاریخ: ۱۴ ذی‌حجه ۱۳۲۰ هـ. ق
کارتن: ۱۱
پرونده: ۱

نامهٔ سفارت ایران در اسلامبول به وزارت خارجه

اعلی‌حضرت سلطان چندی قبل که شنیدند بنده وجع* روماتیزم دارم پارچهٔ که در فابریک خودشان به جهت درد روماتیزم تنسیج فرموده‌اند چند روز قبل خیاط مخصوص خودشان را به توسط یک نفر از پیشخدمتهای خاصه فرستاده، بعد از تبلیغ سلام شاهانه پارچه مزبور را که دو ثوب** جلاقه برای بنده اندازه گرفته برده دو سه روز بعد باز به توسط یک نفر پیشخدمت مخصوص به سفارت کبری فرستاده احوال‌پرسی فرمودند، بنده هم به طوری که لازم بود مراسم تشکر را به عمل آوردم. چند روز قبل هم جناب ابراهیم بیک وزیر تشریفات رقعه فرستاده برای شب شنبه سیم ذی‌قعده از طرف اعلی‌حضرت سلطان برای شام این بنده و جناب صفا ممالک و منیع‌السلطنه را دعوت کرده شب مزبور با لباس نیم‌رسمی به سرای رفته پس از صرف شیرینی و شام با جناب فریدپاشای صدراعظم جدید و ابراهیم بیک وزیر تشریفات بنده را تنها احضار فرموده بعد از اظهار مراسم التفات و مهربانی از سلامت ذات خجسته صفات بندگان اعلی‌حضرت اقدس همایونی ارواحنافداه استفسار، بنده هم به عرض مژده سلامت و عافیت وجود مسعود همایونی مفاخرت و مباهات ورزیدم بعد به تیاتر مخصوص خودشان برده در اول ورود به اطاق تیاتر احتراماً سر پا ایستاده مقرر داشتند مارش ایرانی زدند و فرمودند که سپرده‌ام این مارش را خیلی زود و خوب یاد بگیرند که خیلی دوست می‌دارم، بعد جلوس فرمودند در حضور خودشان بنده و صدراعظم و ابراهیم بیک نشسته بودیم، جناب صفاءالممالک و منیع‌السلطنه هم در لوژ دیگر نشسته بودند پس از ختام تیاتر که اعلی‌حضرت سلطان پا

* به معنی: درد، بیماری، رنجوری
** به معنی: جامه، پوشاک، لباس

شدند و خواستم مرخصی حاصل نمایم فرمودند که سلام و ادعیه خالصانه مرا به حضور اعلی حضرت اقدس شاهنشاهی ابلاغ و از طرف من مخصوصاً از حضرت اشرف اتابیک اعظم احوالپرسی نمایید بنده نیز باز مراسم تشکرات را ایفا کرده و مرخص شدم. هنگام مراجعت به سفارت دو نفر از یاورهای سلطانی هم برای احترام ترفیق نموده تا سفارت کبرای رسانیدند بنده هم به آنها انعام داده برگردانیدم و همان شب سلام اعلی حضرت سلطان را تلگرافاً عرض کردم دعوتنامهٔ وزیر تشریفات* را هم اینک لفاً ارسال می دارم که از لحاظ انورعالی بگذرد به جهت استحضار خاطر مسعود مبارک عالی عرض شد.

اثر مهر پرنس ارفع الدوله

[حاشیه، دستخط مظفرالدین شاه:]

جناب اشرف اتابک اعظم از اینکه ارفع الدوله تحصیل کافی و تربیت شده است شکی نیست و جوابی که لازم است بنویسید که او هم اقدام به جوابی که باید به اعلی حضرت سلطان ابلاغ نماید و از خدمات ارفع الدوله هم تمجید شود.

امضا: مظفرالدین شاه

* برگ دعوتنامه به زبان فرانسه ضمیمهٔ سند است.

۱۴ شهر ذی‌حجه‌الحرام ۱۳۲۰

نمره (۳۵۸)

اعلیحضرت سلطان چند روزی قبل از شنبه به بنده وجه رومانی [illegible] دادم پارچه‌های زربفت [illegible]

خوشان آمده ورود رومانیزم تشریح فرموده از چند روز قبل مخصوص خود نزد ترتیب تکمیل

از منبعه‌های خاصه فرمایش بعد از تبلیغ سلام شاهانه پارچه برخوردار [illegible] خوب جلدقه بعض بنده از اراده

به همه روزه بعد باز ترتیب کمیل نسخه مخصوص رنگ گرفته داده اول برای فرستاده بنده ام

بطوری که لازم بود مراسم شکر را بجای آوردم چند روز قبل جناب ابراهیم بیگ وزیر تشریفات

رفته فرمایش بعضی شب شنبه سیم ذی‌قعده از طرف اعلیحضرت سلطان برای شام این بنده

و جناب صفاءالممالک و ضیغم‌السلطنه را دعوت کرده شب مزبور با لباس رسمی

برای رفتن پس از صرف شیرینی و شام با جناب فرید پاشای صدراعظم جدید و ابراهیم بیگ

وزیر تشریفات بنده را تنها احضار فرموده بعد از اظهار مراسم التفات و مهربانی

از سلامت ذات خجسته صفات به زبان اعلیحضرت اقدس همایونی ارواحنا فداه

استفسار بنده هم بعرض رسانیدم سلامت و عافیت وجود مسعود همایونی را مفتخرت و مباهات ورزیدم

بعد به تیاتر مخصوص خودشان رفتیم در اول ورود با طاق تیاتر باحترام ما سرباز ایستاده

مقرر داشته مارش ایرانی زدند و فرمودند از چند ماه این مارش را خیال زدن و جواب

باید بکنند در خیال دوستی بوده‌ام بعد جلوس فرمودند در حضور خودشان بنده و صدراعظم

و ابراهیم بیگ نشسته بودیم جناب صفاءالممالک و ضیغم‌السلطنه در لژ دیگر

Palais Impérial de Yildiz — Le 31 Janvier 1903.

Cabinet du Grand Maître des Cérémonies

Chère Altesse,

D'ordre de Sa Majesté Impériale j'ai l'honneur d'informer Votre Altesse qu'Elle est priée de venir ce Samedi soir à 12 heures à la turque, au Palais Impérial de Yildiz, en compagnie de Monsieur le Premier Drogman de son Ambassade et d'une autre personne de sa Mission pour dîner et pour être reçu après par mon Auguste Souverain en Audience privée. En redingote.

Veuillez agréer, Chère Altesse, l'assurance de ma haute et affectueuse considération.

K. Ibrahim

شمارهٔ سند: ۹۰۱
موضوع: تلگراف ولیعهد در رفتن والی
تاریخ: جمادی‌الثانی ۱۳۲۱ هـ. ق
کارتن: ۳۲
پرونده: ۱۷

دستخط مظفرالدین شاه به صدراعظم

هو

جناب اشرف اتابک اعظم تلگراف ولیعهد را ملاحظه کرده رفتن والی عیبی ندارد البته قدغن بکنید والی برود بلکه زودتر این عمل فیصل بگیرد خلاص شویم، تلگراف ولیعهد که در جواب تلگراف من داده بود عرض شد به توسط وکیل‌الدوله فرستاده، البته ملاحظه کرده‌اید. جمادی‌الثانی ۱۳۲۱

السلطان مظفرالدین شاه

جناب اشرف اتابک اعظم تلگراف ولیعهد

سرحال [illegible] رفتن و آمدن [illegible]

الان هم که دارد بر رعیت ظلم زیادتر

میکند [illegible]

تلگراف ولیعهد را در جوف

تلگراف [illegible]

بنویسید که [illegible]

این سرحال [illegible]

۱ [illegible] ۱۳۲۱

شمارهٔ سند: ۹۰۲

موضوع: افطاری دادن به جمعی از وکلای عثمانی در ماه مبارک رمضان

نمره: ۵٦٧

تاریخ: غره شوال ۱۳۲۱ هـ . ق

کارتن: ۱۱

پرونده: ۱

نامهٔ سفارت کبری ایران در اسلامبول به وزارت خارجه

به مناسبت جهت جامعهٔ اسلامیت چون لازم بود که در این ماه مبارک رمضان به وکلای عثمانی در سفارت کبری افطاری داده شود.

لهذا در این موقع که جناب مستطاب اجل آقای مدیرالدوله و آقای امین خاقان و افخم السلطنه در اینجا بودند، موقع را مغتنم دانسته شب ۲۱ رمضان افطار مفصلی در سفارت کبری ترتیب دادم، از معتبرین وکلای عثمانی، طرخان پاشا میهمان دار بندگان اعلی حضرت اقدس همایونی و ضیاء پاشا وزیر دفتر املاک و شمس الدین بیک سفیرکبیر عثمانی مقیم دارالخلافهٔ طهران را با جمعی از اجزاء محترمین وزارت خارجه که از آن جمله حقی بیک و گابریل افندی مشاورین حقوق که سفارت کبری در تسویهٔ اکثر امورات همیشه با آنها طرف رجوع بوده و اظهار مراسم خصوصیت و جلب خواطر مومی الیهما در هر حال لازم است، برای صرف افطار به سفارت کبری دعوت نموده در زیر سایهٔ بلند پایهٔ بندگان اعلی حضرت اقدس شاهنشاهی ارواحنافداه سفرهٔ ترتیب داده شده بود که وکلای عثمانی تماماً گفتند که تا حال همچو سفره مجللی ندیده بودند، دو ساعت تمام سر سفره نشسته بعد به سالون پذیرایی گذشته تا قریب نصف شب گذشته آن وقت همگی با خاطر خوش و امتنان کامل رفتند، چون تفصیل این میهمانی را روزنامه های اسلامبول نوشته بودند، لهذا روزنامه ها را لفاً ارسال داشتم که از لحاظ انور بندگان جناب مستطاب اجل اکرم افخم عالی دام اجلاله المتعالی بگذرند.

محل مهر: پرنس ارفع الدوله

غرهٔ شهر شوال المعظم ۱۳۲۱

نمرهٔ ۵۶۷

بمناسبت جشن جامعهٔ اسلامیت چون لازم بود که در این ماه مبارک رمضان وکلاء عثمانی در سفره رنگین افطاری داده شود لهذا در این موقع که جناب مستطاب اجل آقای مدیر الدوله و آقای امین خاقان و افخم السلطنه در اینجا بودند موقع را مغتنم دانسته شب ۲۱ رمضان افطار مفصلی در سفره رنگین ترتیب دادم از معتبرین وکلاء عثمانی طرف این بنده شب مهماندار بندگان اعلیحضرت اقدس همایونی و ضیاء پاشا وزیر دفتر اهدک شمس الدین بیک سفیر کبیر عثمانی مقیم دارالخلافه طهران را با جمعی از اجزاء محترمین وزارت خارجه از جمله حقی بیک و کابریل افندی مستشار حقوق در سفره رنگین در تربیه اکبر ایران دعوت همیشه با آنها طرف رجوع بوده و اظهار مراسم خلوصیت و جلب خواطر مومی الیهما در هر حال لازم است برای صرف افطار سفره رنگین دعوت نموده در ... بلند پایه بندگان اعلیحضرت اقدس شاهنشاهی ارواحنا فداه نفره ترتیب داده شیرینی بود در وکلای عثمانی تماشا کنند در تمام حال هیچ نفره مجللی ندیده بودند در ساعت تمام آن نفره بعد به سالون پذیرائی گذشته تا قریب نصف شب گذشته آن وقت همگی با خاطر خوش و دلشاد کامل رفتند چون تفصیل این مهمانی را روزنامه‌های استانبول نوشته بودند لهذا روزنامه‌ها را لف ارسال داشتم در از لحاظ انور بندگان جناب مستطاب اجل اکرم افخم عالی دام اجلاله العالی بگذرد

جمعه ٢٩ رمضان ١٣٢١
تنبيه‌خانه

دونکی جمعه کونی اخشامی ایران سفیر کبیری ارفع الدوله جناب اشرف پرنس میرزا رضا خان حضرتلری سرای همایون ملوکانه‌یه دعوت بیوریله‌رق افطار ایلدکدن صکره شایان بیوریلان مساعدهٔ سنیهٔ جناب پادشاهی اوزرینه صورت غیر رسمیه‌ده حضور شوکتموفور حضرت شهریاریده شرف مثوله نائل اولمشدر.

جمعه ٢٦ رمضان ١٣٢١

ایران سفارتخانه‌سنده افطار

ایران سفیر کبیری ارفع الدوله جناب اشرف پرنس میرزا رضا خان حضرتلری طرفندن دون اقشام جغال اوغلنده کائن سفارتخانه‌ده بر افطار ترتیب اولنه‌رق مذکور ضیافتده دفتر خاقانی ناظری دولتلو ضیا پاشا، شورای دولت اعضاسندن دولتلو طرخان پاشا، طهران سفیری عطوفتلو شمس الدین بك افندی، خارجیه مکتوبجیسی عطوفتلو منیر بك افندی، باب عالی حقوق مشاوری عطوفتلو حقی بك افندی، شورای دولت اعضاسندن عطوفتلو مختار بك افندی، باب عالی حقوق مشاوری عطوفتلو قاپریل افندی حضراتی مدعواً حاضر بولندقلری کبی ایران اکابر مأمورینندن اولوب سفیر حضرتلرینك مسافری بولنان افخم السلطنه ومدبر الدوله حضرتلریله مخدومی وسفارت مستشاری وسفارت سرترجمانی وسائر مأمورین سفارت حاضر بولنمشلردر.

شمارهٔ سند: ۹۰۳
موضوع: تلگرام تبریک سلطان عبدالحمید برای سالگرد تولد مظفرالدین شاه و پاسخ آن
تاریخ: ۷ سپتامبر ۱۹۰۳ م (۱۳۲۱ هـ . ق)
کارتن: ۲۳
پرونده: ۴۲

تلگراف سلطان عبدالحمید پادشاه عثمانی به مظفرالدین شاه و پاسخ متقابل آن

طهران از یلدیز: به اعلی حضرت شاه ایران

در موقع جشن سالیانهٔ مولود آن اعلی حضرت تبریکات صادقانهٔ خود را تقدیم می نماید و ادعیهٔ قلبی را برای سعادت آن اعلی حضرت تجدید می‌کند.

عبدالحمید

اعلی حضرت سلطان عثمانی ــ یلدز

از تبریکات آن اعلی حضرت در موقع جشن خود خیلی مسرور گردیدم و قلباً از آن اعلی حضرت تشکر نموده، تجدید دوستی قلبی خود را می نماید.

امضا: مظفرالدین

ADMINISTRATION TÉLÉGRAPHIQUE PERSANE

№ 951	Mots 41	Date 7	H. 10	M. 20	OBSERVATIONS 1. Fado.

Télégramme

Thrn. de Yildiz.

A Sa Majesté le Schah de Perse Téhéran

A l'occasion de l'anniversaire de naissance de votre Majesté je viens lui offrir mes sincères félicitations et renouvelle encore en cette circonstance mes voeux cordiaux pour son bonheur.

Abdul Hamid.

طهران از یلدز

اعلیحضرت شاه ایران

[illegible]

Reçu de ,8 le 7 Sept. 1903

سواد است

Sa Majesté le Sultan de Turquie

Yldiz

Profondément touché des aimables voeux que Votre Majesté a bien voulu m'offrir à l'occasion de ma fête, je La remercie sincèrement, en même temps que j'ai le plaisir de lui réitérer les assurances de ma fidèle amitié

(sig) Mozaffar-ed-dine

اعلیحضرت سلطان عثمانی

یلدیز

از تبریکات آن اعلیحضرت در تاریخ جشن خجسته بسیار مسرور گردیدیم و بدینوسیله

از آن اعلیحضرت تشکر نموده تجدید دوستی قلبی خود را مینمائیم

(امضا) مظفرالدین

Lettre d'Abdul Madjid, Sultan de Turquie, à Nassered Dine Chah,

lui offrant les insignes de l'Ordre Royal

Ottoman.

شمارهٔ سند: ۹۰۴
موضوع: بی احترامی به خلیفهٔ ثانی
نمره: ۴۲۶-۱۳۲
تاریخ: ۲ ربیع الثانی ۱۳۲۲ هـ. ق
کارتن: ۱
پرونده: ۱/۱

نامهٔ سفارت عثمانی در تهران به وزارت خارجه

جناب مستطاب اجل امجد ارفعا دوستان استظهارا مشفقا معظما محترما مهربانا، موافق شرحی که از باش شه‌بندر خوی و سلماس به سفارت کبریٰ رسیده موجب تأسف دوستدار گردیده که اهالی و اعیان ایران در آنجا به خلاف انسانیت و مدنیّت حرکتی کرده، شب نهم شهر ربیع الاول ۱۳۲۲ اسباب جشن برای خود فراهم کرده و عموماً دکاکین را بسته و به عیش و عشرت کوشیده و به یکدیگر تبریک و تهنیت گفته به صحرا رفته‌اند حتی اینکه اداره‌ها گمرک و پوسته و تلغراف [تلگراف] نیز اداره‌های خود را تعطیل و موافقت کرده‌اند این رفتار اهالی و اعیان آنجا نسبت به خلیفهٔ ثانی پیغمبر(ص) جالب نظر دقت اجانب در خاک دولتی دوست همدین همجوار گردیده و از طرف حکومت محلیه و کارگزار هم هیچ تدابیر ممنوعیه به حرکات مخالف اصول و عهودشکنانه آنها به عمل نیامده، لهذا دوستدار با کمال تأسف منتظر و خواهشمند است حکم اکید سریع در تنبیه و تأدیب مرتکبین که در این مسئله شریک و سهیم بوده‌اند و در حضور مأمور دولت علیهٔ عثمانیه ارتکاب به این اعمال و افعال وحشیانه که هیچ وقت امنای عظام دولتین علیتین منتظر نبوده کرده‌اند، شرف صدور یابد و جبران حرکات ناشایسته را نمایند و ترضیه خاطر باش شه‌بندر مومی الیه را به عمل آورند و از نتیجه دوستدار را مستحضر فرمایند، همواره احترامات فایقه را نسبت به آن جناب مستطاب اجل عالی تجدید می نماید، زیاده!چه زحمت دهم.

[متن پشت پاکت نامهٔ مزبور:] نمرهٔ ۲۷۸

۷ شهر ربیع الثانی

یک فقره مراسلهٔ سفارت عثمانی است. از شرف عرض خاکپای فلک فرسای اقدس همایونی ارواحنافداه خواهد گذشت.

[حاشیه پاکت، دستخط مظفرالدین شاه:]

هو

وزیر اعظم البته در این مسئله قدغن سخت نمایید و تلگراف نمایید. مرتکبین را هم تنبیه نمایند. شهر ربیع الثانی ۱۳۲۲ امضا: مظفرالدین شاه

[illegible]

دولت علیهٔ عثمانیه

اوراق

٦٣٣ عمومی

خصوصی ١٣٢

٢ تشرین ثانی ١٣٢٢

[illegible]

نمره ۲۷۸ [illegible]

مورخه [illegible]

وزارت امور خارجه

[illegible]

[illegible]

شمارهٔ سند: ۹۰۵/۱

موضوع: اعلان فوت سلطان مراد پاشا عثمانی

نمره: ۷۲۱-۱۹۶

تاریخ: ۱۸ جمادی‌الاخر ۱۳۲۲ هـ . ق

کارتن: ۱

پرونده: ۱

نامهٔ محمد شمس‌الدین سفیرکبیر عثمانی در ایران به وزیر امور خارجه

جناب مستطاب اجل امجد ارفعا دوستان استظهارا مشفقا معظما مهربانا

موافق تلگراف باب‌عالی که به تاریخ دیروز ۳۰ ماه اغتوس فرنگی می باشد امروز به سفارت کبری واصل شده است، پادشاه اسبق سلطان مراد که مدتها به معرض قندک مبتلا بوده است، ارتحال به دار بقا کرده است و این اتفاق برای اعلی حضرت قوی شوکت اقدس همایونی خلدالله ملکه و سلطانه اسباب حزن و تأثر گردیده و جنازهٔ سلطان معزی‌الیه برحسب ارادهٔ سنیه اعلی حضرت قوی شوکت همایونی در مقبرهٔ والده خودشان در جنب مسجد نیکی جامع دفن شده است و باب‌عالی دوستدار را مأمور فرموده‌اند که این وقایع مولمه را به اطلاع حکومت علیه ایران می رساند این است که بدین مختصر در مقام مزاحمت برآمده مأموریت خود را ادا می‌نماید و بدیهی است آن‌جناب مستطاب اجل عالی هم این واقعه را به سمع بندگان اعلی حضرت قوی‌شوکت اقدس همایونی دام ملکه و سلطانه خواهند رسانید، همواره احترامات فایقه را تجدید می‌نماید زیاده چه زحمت دهد. مهر

محمد شمس‌الدین

سفارت کبرای
دولت علیهٔ عثمانیه

جناب جلالتمآب اجل امجد ارفع [illegible]

نمره ۱۲۱۳ عمومی
۱۹۶ خصوصی
۱۸ شهر جمادی الاخره ۱۳۲۲

[illegible] تاریخ دیروز ۳۰ ماه اغستوس فرنگی [illegible]

سلطان مراد [illegible] به مرض [illegible] که مبتلا بودند [illegible] رحلت [illegible]

برای اعلیحضرت قوی شوکت [illegible] همایونی [illegible] سلطان [illegible]

[illegible] اعلیحضرت [illegible] در مقبره [illegible] مسجد [illegible]

جامع [illegible] دفن شده است [illegible]

[illegible]

[illegible] سلطان [illegible] اعلیحضرت [illegible]

[illegible]

شمارهٔ سند: ۹۰۵/۲
موضوع: اظهار تأسف دولت ایران از فوت سلطان مرادخان
نمرهٔ: ۹۹۷-۲۰۲
تاریخ: ۶ رجب ۱۳۲۲
کارتن: یک
پرونده: یک

سواد مراسلهٔ وزارت خارجه به سفارت عثمانی

محرم مراسلهٔ مورخهٔ ۱۸ جمادی‌الاخری ۱۳۲۲ نمرهٔ ۱۹۶ آن‌جناب دوستان استظهاری مشعر به ارتحال سلطان مرادخان به دار بقا و جوار رحمت ایزدی واصل دست تکریم گردیده، جواباً زحمت‌افزاست که کیفیت به اولین وسیله به عرض حضور مقدس بندگان اقدس همایونی خسروانه دامت سلطنه رسید و خاطر معدلت اثر ملوکانه به اقتضای اتحاد و یک‌جهتی دولتین علیتین اسلام از فقدان وجود معظم‌له از خاندان سلطنت سنیه عثمانیه قرین کمال تأسف گردیده، اسفی که درخور این حادثه بود در ضمن تسلیت و تعزیتی که اقتضا داشت، تلگرافاً به ذات خجستهٔ صفات اعلی حضرت قوی‌شوکت سلطانی دامت سلطنه مخابره و ابلاغ گردید و چون ملامت و افسردگی اولیای عظام این دولت علیه در حدوث این قبیل اتفاقات برای آن دولت اسلام از بدیهیات است تشریح تأسفات صمیمیه را که مستلزم تذکر این واقعه است، بیش از این سزاوار ندیده، تجدید احترامات فایقه خود می‌نماید. نصراله مشیرالدوله

نمره ۱۳۶۵

۹۹۷
۲۰۲

محترم مراسله مورخه ۱۸ جمادی الاخری ۱۳۲۲ نمره ۱۹۶ آن جناب که متضمن اظهاراتی مشعر بر ارتحال سلطان مراد خان برادر اعلیحضرت قوی شوکت به جوار رحمت ایزدی

واصل و دست تکریم گردید. جواباً زحمت افزا است که کیفیت با دلیل وسیله معروض حضور مقدس بندگان اقدس همایونی

خسروانه ذات سلطنت رسید و خاطر معدلت اثر ملوکانه از وقوع این قضیه و تجدید رزیت عظیمه اسلام از رحلت آن وجود

معظم له از خاندان سلطنت سنیه عثمانیه قرین کمال تأسف گردیده اینک در جزو این حادثه مزبور در حکم تسلیت

و تعزیت این قضیه داشت که کذا ... مراتب محبت صمیمیت اعلیحضرت قوی شوکت سلطانی دام سلطنته

مخابره و ابلاغ گردد و چنین مدلت و افسرده که اولیای عظام ایران بالیه در حدوث این قبیل

اتفاقات را به اولیای دولت علیه ارائه ... تشریح تأسفات صمیمیه را به شما مشکور

این واقعه است ... (...)

سفارت سنیه عثمانی

شمارهٔ سند: ۹۰۶

موضوع: اظهار تأسف از فوت شاهزاده سپهسالار

تاریخ: ۲۳ ژانویهٔ ۱۹۰۵ (۱۳۲۳ هـ . ق)

کارتن: ۱

پرونده: ۱

ترجمهٔ نامهٔ سفیر عثمانی شمس‌الدین بیک به وزیر خارجه مشیرالدوله

جناب مشیرالدوله وزیر امور خارجه

آقای وزیر، از روی کمال افتخار از جناب شما خواهشمندم که از طرف من و سایر هم‌شغلهای من، یعنی وزرا و نمایندگان دول که مقیم طهران می باشند در حضور اعلی حضرت امپراطوری، تأسفات و تسلیت هیئت دیپلوماتیکی را در خصوص واقعهٔ حزن‌انگیز فوت حضرت اشرف شاهزادهٔ سپهسالار عرضه و اظهار دارید.

و از آن جناب خواهشمند است که احترامات فایقهٔ مرا قبول فرمایید.

شمس‌الدین

AMBASSADE IMPERIALE
OTTOMANE

N° 1169

Téhéran, le 23 Janvier 1905 ۲۱۳/۱

Monsieur le Ministre,

J'ai l'honneur de venir prier Votre Excellence, à mon nom et au nom de mes Collègues, Messieurs les représentants des Puissances à Téhéran, de vouloir bien présenter à Sa Majesté Impériale le Chah les regrets et la condoléance du Corps Diplomatique à la triste occasion de la mort de Son Altesse Impériale le Sepeh-Salar.

Veuillez agréer, Monsieur le Ministre, l'assurance de ma très haute considération.

Chemsuddin

Son Excellence
Muchir-el-Dovleh
Ministre des Affaires Etrangères

فصل ۳

اُمور کنسولی، اداری

شمارهٔ سند: ۹۰۷
موضوع: ناخشنودی از کار پرداز سلیمانیه
نمره: ۱۳۵
تاریخ: ۷ رجب ۱۳۱۵ هـ. ق
کارتن: ۳۰
پرونده: ۱۴/ق

گزارش علاءالملک از اسلامبول به وزارت خارجه

حسام‌الوزاره، کار پرداز سلیمانیه، هنوز به آنجا نرسیده بعضی حرکات خلاف قاعده از او سر می زند که بکلّی مخالف تکلیف مأموریتی او است، مثلاً کار پرداز کرکوک را که سابقاً عثمانی ها بودن مأمور را در آنجا قبول نمی‌کنند و در زمان جناب اجل آقای ناظم‌الدوله با زحمت زیاد مأمور به آنجا فرستاده شده است به حکومت محلیه نوشته تحت‌الحفظ به سلیمانیه خواسته و او را از کار خود بی مدخل کرده است و مشارالیه هم از ترس فرار نموده و از این فقرات به هیچ وجه به سفارت کبری اطلاعی نداده و استیذان نکرده است و حکومت محلیه هم تفصیل را به باب‌عالی نوشته است، باب‌عالی هم می‌خواست رسماً به سفارت کبری بنویسد، بنده خواهش کردم که در این باب تحریراً به سفارت چیزی ننویسند. این است که از جناب اجل‌عالی خواهش می نمایم آدم بقاعده و خوش‌سلوکی که تکلیف خود را در این موارد بداند تعیین نموده به بنده اطلاع بدهید که به سلیمانیه فرستاده شود و عرض می‌کنم هرگاه از باب‌عالی این فقره را رسماً به بنده نوشتند مجبور خواهم شد تلگراف کنم که او از سلیمانیه بیرون برود.

محمود

[حاشیه، دستخط مظفرالدین شاه:]

البته یک آدم دیگری برای مأموریت آنجا معین نمایید. امضا: مظفرالدین شاه

هشتم شهر صیام ۱۳۱۵

نمره ۱۳۵

مقام الوزاره کارپرداز سفارت منصور بانکا بریس نصیر و کالت ملک

قاعده آزاد و سرحد که تبعه مخالف تکلیف مأمورین آن دولت است شغل کارپرداز

اگر کسی را بیابد که تبعه نبوده با مأمورین دولتین تحقیق بکنید و در زمان

قبلی آقای ناظم الدوله با زحمت زیاد بزرگ با کارگزاری نوشته است حکومت

محلیه نوشته تحت الحفظ بسفارت فرستاد و در کارگزاری خصوصی نموده است

و شب را هم ازو فرار نموده و از سرحدات ... نظارت کرد

اطلاع داده و تبعه آن مملکت است و حکومت محلیه هم تفصیل را با کارگزاری

نوشته است با کارگزاری هم نوشته است رئیس نظارت کرد و بوسیله نیز جواب کرده

و در این باب مکرراً نظارت چیزی نوشته است ... از کارگزاری

خواهش میکنم آدم تبعه خودش را که تکلیف خود را در این ... بدهند

شمارهٔ سند: ۹۰۸

موضوع: تعیین شه‌بندر برای بندرلنگه از طرف عثمانی

تاریخ: رمضان ۱۳۱۶ هـ . ق

کارتن: ۱۹

پرونده: $\frac{۳}{ت}$

حکم عمدةالامراء العظام احمدخان دریابیگی

عمدةالامراء العظام احمدخان دریابیگی به عواطف بیکرانهٔ ملوکانه مباهی و مُعزّز بوده بداند، از قرار اظهار رسمی سفارت کبرای دولت علیهٔ عثمانیه به وزارت امور خارجهٔ این دولت علیهٔ عالی جاه عزت همراه محمدبیک از جانب دولت متبوعهٔ خود به سمت شهبندری مأمور به اقامت بندرلنگه است. آن عمدةالامراء العظام به اقتضای یگانگی و یک جهتی دولتین اسلام مشارالیه را با تشریفات مقتضیّه پذیرفته و به سمت مزبوره شناخته، در انجام اظهارات او موافق فصول عهود مقدسه بین الدولتین کمال مساعدت را به عمل آورده در عهده شناسد. شهر رمضان ۱۳۱۶ [پشت سند ممهور به مهر:] صدراعظم. مشیرالدوله وزیر خارجه، نامه‌نگار شکرالله

عمدة الامراء العظام اجل [illegible] کامیابی و معزز بوده مدام ازو اظهار رسمی ناظر بکبرای دولت علیه

عثمانیه بوزارت امور خارجه دولت علیه عالیجاه عزت همراه محمد بیک از جانب دولت متبوعه خود بسمت شهبندری بمبئی ماموریت یافته بمقام اقامت مستدر گشته آن عمدة الامراء العظام باقتضای تقدمی یکانگی

و یکجهتی دولتین اسلام مشار الیه را با تشریفات مقتضیه شهبندری بسمت مزبوره شناخته در انجام اظهارات او موافق فصول عهود مقدسه بین الدولتین کمال مساعدت را بعمل آورده در شهر شعبان ۱۳۱۶

شمارهٔ سند: ۹۰۹
موضوع: صدور فرمان و حکم مأموریت
تاریخ: ۱۱ شوال ۱۳۱۶ هـ. ق
کارتن: ۳۵
پرونده:

نامهٔ منیف السلطنه به وزارت خارجه

هو

تصدقت حضور مبارکت شوم، برحسب امر مطاع مبارک تلگرافی با هزار زحمت و مشقّت در این هوای سرد و برف و بارش طُرق خود را دیروز سلامت به بغداد وارد شده سایر حالات پریشانی و صدمات و زحمات این چند ماه بر ضمیر مبارک واضح و آشکار و مستغنی از عرض و اظهار است. ولی حالا که وارد بغداد وجویا شده هنوز از باب‌عالی برات و فرمان مأموریت فدوی نرسیده، سهل است از دارالخلافه هم فرمان فدوی نرسیده است. و بر خاطر مهر مظاهر مبارک پوشیده نیست که اگر بی امر اسلامبول به بصره ورود کند به سمت رسمیّت نخواهند شناخت و پذیرایی نکنند. منافی شأن مأموریت و در انظار خارجه و داخله موجب حقارت خواهد بود. عجالتاً در بغداد متوقف و منتظر امر رسمی است. با تلگراف هم مراتب را معروض حضور عنایت ظهور مبارک داشته، مستدعی است از طرف وزارت جلیله امر تلگرافی به سفارت کبرای اسلامبول شرف صدور یابد که برات و فرمان مأموریت بصره فدوی را زودتر صادر و ارسال دارند و اگر صدور آن طولی دارد عجالتاً امر تلگرافی از باب‌عالی به والی بصره صادر و ارسال گردد که فدوی را به سمت مأموریت بشناسند تا برات و فرمان صادر آید. خود فدوی هم به سفارت کبری تلگرافاً عرض و استدعای امر نموده ولی البته از وزارت جلیله نیز امر و تأکید شود بهتر است. فرمان مهر لمعان مبارک همایونی ارواحنافداه را هم مقرر فرمایند به کارپردازی اول بغداد بفرستند که به توسط کارپردازی به چاکر برسد، زیاده جسارت است. الامر الاجل الاکرم الاعظم العالی مطاع. معروضهٔ ۱۱ شهر شوال سنه ۱۳۱۶

الله

تصدیق خط مبارک شود

بر حسب امر مطاع مبارک تلگرافی بانوار

رحمت و مشقت در این هوای سرد و برف و بارش طرق خود را دیروز سلامت

ببغداد وارد شده سایر حالات پریشانی و صدمات و زحمات این

چند ماه بر ضمیر مبارک واضح و آشکار و مستغنی از عرض و اظهار است ولی حال

که وارد بغداد و جویا شده هنوز از پاپالی برات و فرمان مأموریت قنسولی نرسیده

مبرهن است از وزارت که هم فرمان قنسولی نرسیده است و بر خاطر مهر مظاهر مبارک

پوشیده نیست که اگر بی امر و اجازه بصره ورود کنند نسبت رسمیت نخواهند

شناخت و پذیرائی نکنند منافی شأن مأموریت و دور از

خارج و داخله موجب جسارت خواهد بود علی‌الخصوص که در بغداد هم توقف و منتظر امر ملوکانه است

با ملکم خان هم مراتب را معروض حضور عنایت ظهور مبارک داشته مستدعی است از طرف

وزارت جلیله امر تلگرافی به نظارت کبرای بلند مرتبت شرف صدور یابد که برات و فرمان

مأموریت بصره قزوینی را زودتر صادر و ارسال دارند و اگر صدور آن طولی دارد عجالتاً

امر تلگرافی از بابعالی به والی بصره صادر و ارسال گردد و قزوینی را بسمت مأموریت بشناسند

تا برات و فرمان صادر آید خود قزوینی هم به نظارت کبری تلگرافاً عرض و استدعای امر نموده

ولی البته از وزارت جلیله نیز امر و تاکید بشود بهتر است فرمان جهانمطاع مبارک

همایونی ارواحنا فداه را هم مقرر فرمایند [illegible] بغداد [illegible]

بجا کاربرای زیادی جسارت [illegible]

۱۱ شهر شوال سنه ۱۳۱۲

شمارهٔ سند: ۹۱۰

موضوع: مناسب بودن حاجی عبدالرسول برای کار پردازی بصره

تاریخ: ۱۲ شوال ۱۳۱۶ هـ . ق

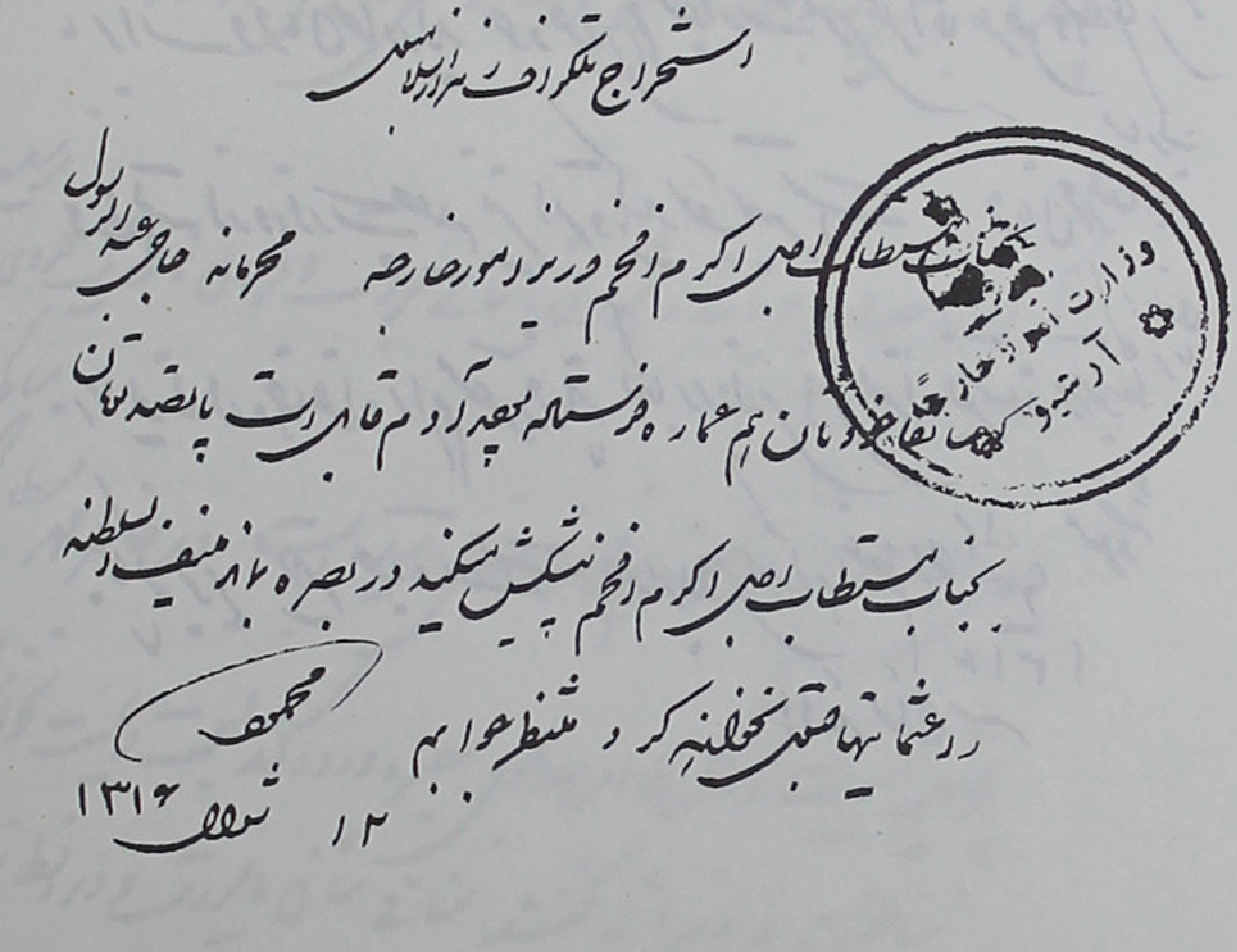
کارتن: ۳۵

پرونده:

تلگراف علاء الملک سفیرکبیر ایران در اسلامبول به وزارت خارجه

استخراج تلگراف رمز از اسلامبول

به جناب مستطاب اجل اکرم افخم وزیر امور خارجه، محرمانه، حاجی عبدالرسول که سابقاً خودتان هم عماره فرستاده بودید آدم قابل است، پانصد تومان به جناب مستطاب اجل اکرم افخم پیشکش می‌کند، در بصره بماند منیف السلطنه را عثمانی ها قبول نخواهند کرد، منتظر جوابم. محمود. ۱۲ شوال ۱۳۱۶



استخراج تلگراف رمز از اسلامبول

بجناب مستطاب اجل اکرم افخم وزیر امور خارجه محرمانه حاجی عبدالرسول

که سابقاً خودتان هم عماره فرستاده بودید آدم قابل است پانصد تومان

بجناب مستطاب اجل اکرم افخم پیشکش میکند در بصره بماند منیف السلطنه

را عثمانیها قبول نخواهند کرد منتظر جوابم محمود

۱۲ شوال ۱۳۱۶

شمارهٔ سند: ۹۱۱
موضوع: مأموریت منیف السلطنه و حسام الوزاره
تاریخ: ۲۸ ذی‌قعده ۱۳۱۶ هـ . ق
کارتن: ۳۵
پرونده: ــ

نامهٔ علاءالملک سفیر ایران در اسلامبول به وزارت خارجه

تلگراف جناب اجل عالی در باب تصدیق مأموریت رضا افندی منیف السلطنه به بصره و حسین‌قلی خان حسام الوزاره به عماره رسید. بنده می دانم که جناب‌عالی چیزی از آنها نگرفته و رعایتاً آنها را فرستاده‌اید که یک لقمه نانی تحصیل نمایند ولی رعایت و ترحم باید طوری باشد که خلل به شأن دولت و جان و آبروی ملت نرسد، برای یک وجود بی حاصل نمی شود این ملاحظه بزرگ را از دست داد، جناب اجل عالی ملتفت هستید این نوع اشخاص که اکل میته را برای خود حلال می شمارند پس از ورود به این محلها که دارای مقرری دولتی نیست برای رفع آسودگی های قبل و گذران یومیّه و تهیه پس‌اندازی برای آتیه لابدند که به جان تبعهٔ ایران افتاده به بهانه‌جویی از هر یک چیزی گرفته و انواع تعدّیات نمایند، چنانکه حسام الوزاره که هنوز مأموریت او از باب‌عالی تصدیق نشده یکی را گرفته حبس کرد و محبوس تلگرافاً به سفارت کبری تظلّم کرد، اگر در داخله در حق آنها رعایتی شود باز ضررش محدود است. جناب‌عالی که مدتی در این صفحات بوده اطلاع دارید که عماره جای دخلی نیست و کفایت یک نفر مأمور تنها را نخواهد کرد تا چه رسد که حسام الوزاره پانزده نفر زن و بچه را با خود به عماره برده نان بدهد، آیا ملاحظه فقر و فاقه حسام الوزاره اقدم است یا ملاحظه آبروی دولت و وزارت خارجه و سفارت کبری، همین سوء رفتار منیف السلطنه در عمّاره و حلب است که بالاخره خارجه و داخله را از او بری کرده و مشارالیه را به فرار از خاک عثمانی مجبور نمود و نتیجه تعدیات همین مأمورین محتاج بی بضاعت است که تبعهٔ ایران را به تغییر تبعیّت مجبور می نماید سلیقهٔ بنده این است که باید به این جور اشخاص در خدمات داخلهٔ نانی رسانید و برای این جور محلهای بی‌مقرری که در وقایه مأموری در آنجا لابدیم اشخاص متمولی از اهل همان محل و یا خارج که مقیم آنجا و دارای وضع و

صاحب رفت و آمد و آبروئی است مشخص کرد که افتخاراً طرف رجوع خدمات دولتی تبعه و برای گذرانیدن یومیّه احتیاجی به تعدّی به تبعه و یا چشم داشتی از دولت نداشته باشند و اگر در سال چند دیناری از گوشه و کنار عایدشان شد وجوه بازیافتی دانند راحت و استرضای تبعه را موجب بقای مأموریت و افتخار خود بشمارند. مع هذا گفته‌ام تصدیق و فرمان مأموریت او را از باب‌عالی صادر کنند، لیکن مأموریت منیف‌السلطنه را به بصره عثمانی‌ها قبول نمی‌کنند، نوشتم بلکه در بغداد جناب ناظم‌الملک کاری پیدا بکند اگر نشد خوب است برای او کاری دیگر در داخله پیدا شود.

در باب مأموریت میرزا احمدخان منتظم‌السلطنه به مصر خود جناب اجل عالی می‌دانید که مصر با مخارج و مصارف زیاد دخلی ندارد و مأمور حالیهٔ آنجا به واسطهٔ حقوق‌شناسی و اطلاع به وضع امور به کدخدامنشی و زبردستی امر خود را می‌گذراند خیلی مقروض است و الّا ما در مصر تبعه نداریم که قونسول بتواند از آنها بهره برده معاشی بنماید. منتظم‌السلطنه آدم فقیر عاجزی است و نمی‌تواند در جلو مأمورین دول سایره در مصر که همه هنرمند هستند جلوه داشته باشد، بهتر این است برای او هم کاری در داخله فکر فرمایید و الّا این مأموریت برای او جز پریشانی و مزید آلودگی بهرهٔ دیگر ندارد.

تعیین این مأمورین اسباب رنجش آنها از بنده است زیرا آنها که به وضع این محلها اطلاع ندارند از جناب اجل عالی استدعا می‌کنند و قبول می‌شود همین که بنده بیان واقع را نوشته و محذوریت هر یک را بیان کردم چنین می‌فهمند که بنده مساعدت نمی‌کنم و از بنده می‌رنجند و ملتفت نیستند که آنچه را می‌نویسم عین خیریّت و صلاح حال آنهاست. حالا تمام این اشخاص چه خود و چه واسطه‌های آنها با بنده بی‌جهت عداوت پیدا می‌کنند و جناب اجل عالی باید رعایت این حال را بفرمایید. محمود.

[حاشیه، دستخط مظفرالدین شاه:]

این فقره را علاءالملک صحیح عرض کرده است مکرّر من صریح به شما در این باب گفتگو کرده‌ام.

[illegible]

۲۸ شهر ذیقعده ۱۳۱۶

نمره ۲۲۶

مکتوب جناب اجل عالی در باب تعدیات مأمورین رضا قلی خان منیف السلطنه بصره و حسینقلی خان حسام الوزاره

ملاحظه رسید بنده هم دیده‌ام جنابعالی چیزی از آنها نگرفته و در عوض آنها را فرستاده‌اید در کمال التصدیع نکات

ولی رعایت و ترحم باید طوری باشد که خلل به شأن دولت و جان و آبروی ملت زوار ایرانی نرسد

نه چنین نمیشود این ملاحظه بزرگ را از دست داد جناب اجل عالی منفعت شخصی از زوار نخواستید

و کلیه را از راه خود عدل شمار نه بیش از اندازه با ... دارائی تقریری حق‌گیری نشسته‌اید

رفع الوهیت قبور و کفران ... و تهیه لیر ... برای ... کمال تبعه ایرانی داشتم

بهانه‌جوئی از هر یک چیزی گرفته و از ... تعدیات نمایند چنانکه حسام الوزاره ... مأمور

دو از ... تعدی نمی‌کرد را گرفته حبس کرد و مجبوس ... کرد

اگر در این دفعه در حق آنها رعایتی کرد باز ضرر ... معلوم است جنابعالی ... تفصیل نموده

لطف دارید در عمارت جای ... و کفایت یک نفر مأمور تنها را نخواهد کرد ...

در حسام الوزاره با زنده نفر زن و بچه را با خود ... آیا ملاحظه ...

حسام الوزاره اقدام است یا ملاحظه حفظ آبروی دولت ...

همین طور رفتار منیف السلطنه در عمارت حلب ...

برای گرفتن ... مجبور نمود نتیجه ... همین مأمورین

محتاج با ... است در تبعه ایران را به تغییر تبعیت مجبور می‌نماید

سلیقهٔ بنده این است که با این جور اشخاص در خدمات داخله و خارجه [illegible] و برای این جور منصب‌های [illegible] در درون و [illegible] باوقار [illegible] منتخب کرد

در این باب بنده هم اشخاص معقول [illegible] و [illegible] رفتار داده [illegible]

[illegible] خدمات [illegible] برای [illegible] اجتماعی [illegible] چشم [illegible]

و اگر [illegible] رعایت شان [illegible] باز [illegible]

خود شاهزاده [illegible] نوشته‌ام [illegible] ماموریت او را از [illegible] ماموریت [illegible]

نوشتم بلکه در بغداد جناب ناظم‌الملک کارپرداز [illegible] که از [illegible] خبر [illegible] برای او کار [illegible] پیدا شود

در باب ماموریت میرزا احمدخان معتمدالسلطنه [illegible] جناب [illegible] عالی [illegible]

[illegible] حقوق [illegible]

بهره [illegible] معتمدالسلطنه [illegible] عاجز است [illegible] ماموریت [illegible]

بهتر این است [illegible] ماموریت [illegible]

تعیین این ماموریت‌ها [illegible] زیرا [illegible] اوضاع [illegible] از جناب [illegible]

همیشه بنده [illegible] هرکس [illegible]

[illegible] اصلاح حال ایشان است [illegible]

و جناب [illegible] عالی باید رعایت این حال را [illegible] محمود [illegible]

شمارهٔ سند: ۹۱۲
موضوع: ساختن قلعه بالای تپه شوش توسط مسیو دومرگان
تاریخ: ۱٤ محرم ۱۳۱۷ هـ . ق
کارتن: ٦
پرونده: ۱۱/٤۲

خلاصهٔ نوشتجات ناظم الملک کارپرداز بغداد

در شهر شوش تپهٔ بلندی است مسیو دومرگان صاحب امتیاز کشفیات آنجا بالای آن تپه قلعه از گچ و آجر بنا می نماید قلعهٔ مدور دور آن بیست و چهار اطاق بزرگ ساخته دور اطاقها دالانی مثل غلام گردش که ممر و مدخل اطاقها از آن دالان است و در دیوار بیرونی آن همه جا سوراخها و مرقعها گذاشته اند، ارتفاع تپه و قلعه سی و پنج ذرع است، وسط صحن قلعه چهار پایه محکمی ساخته مثل برج ایفل روی چهار پایه را طاق زده، روی طاق مشغول ساختن منارهٔ بلندی هستند که قابل گذاشتن توپهای بزرگ است، حفریاتی که می نمایند ابتدا کوچه حفر می‌کنند به دو دیوار بالا آورده روی آن را ضربی آجری می زنند هر روز دو سه هزار عمله کار می‌کند آنچه حمل و نقل می‌کنند در گمرک پرس و سؤالی نمی شود اسلحه و آلات ناریه بی مزاحمت می آورند، اطلاعاً عرض شد.

[حاشیه، دستخط مظفرالدین شاه:]

ـــ جناب اشرف صدراعظم، شاهزاده حکیم را زودتر آنجا بفرستید و به عین الدوله بنویسند که یک نفر آدم صحیح هم او روانه نماید که برود محرمانه نگاه بکند و در آنجا باشد. امضا: مظفرالدین شاه

فقره‌ای از نوشتجات ناظم الملک راپورت بندر [illegible]

۱۴ شهر محرم ۱۳۱۷

در شهر شوش تپه بلندی است مسیو دمرگان صاحب اختیار کشفیات اینجا بالای آن تپه قلعه ارگ و آجر

بنا می‌نماید قلعه مدور دور آن بیست و چهار اطاق بزرگ ساخته دور اطاقها [illegible] گردش

محوطه وسط اطاقها ایوان و دالان است [illegible] دیوار [illegible] آن همه جا [illegible] که [illegible]

تپه و قلعه سی و پنج ذرع است وسط صحن قلعه چهار پایه محکمی ساخته مثل برج [illegible] روی چهار پایه [illegible]

روی طاق [illegible] بلندی [illegible] توپهای بزرگ [illegible]

که چه حفر [illegible] دیوار [illegible] آجر [illegible]

آنچه [illegible] و [illegible] تا [illegible]

اطلاعاً عرض شد

[illegible]

شمارهٔ سند: ۹۱۳

موضوع: به دست آوردن دو مجسمهٔ گران‌بها توسط مسیو دومرگان

تاریخ: ۱۴ محرم ۱۳۱۷ هـ. ق

کارتن: ۶

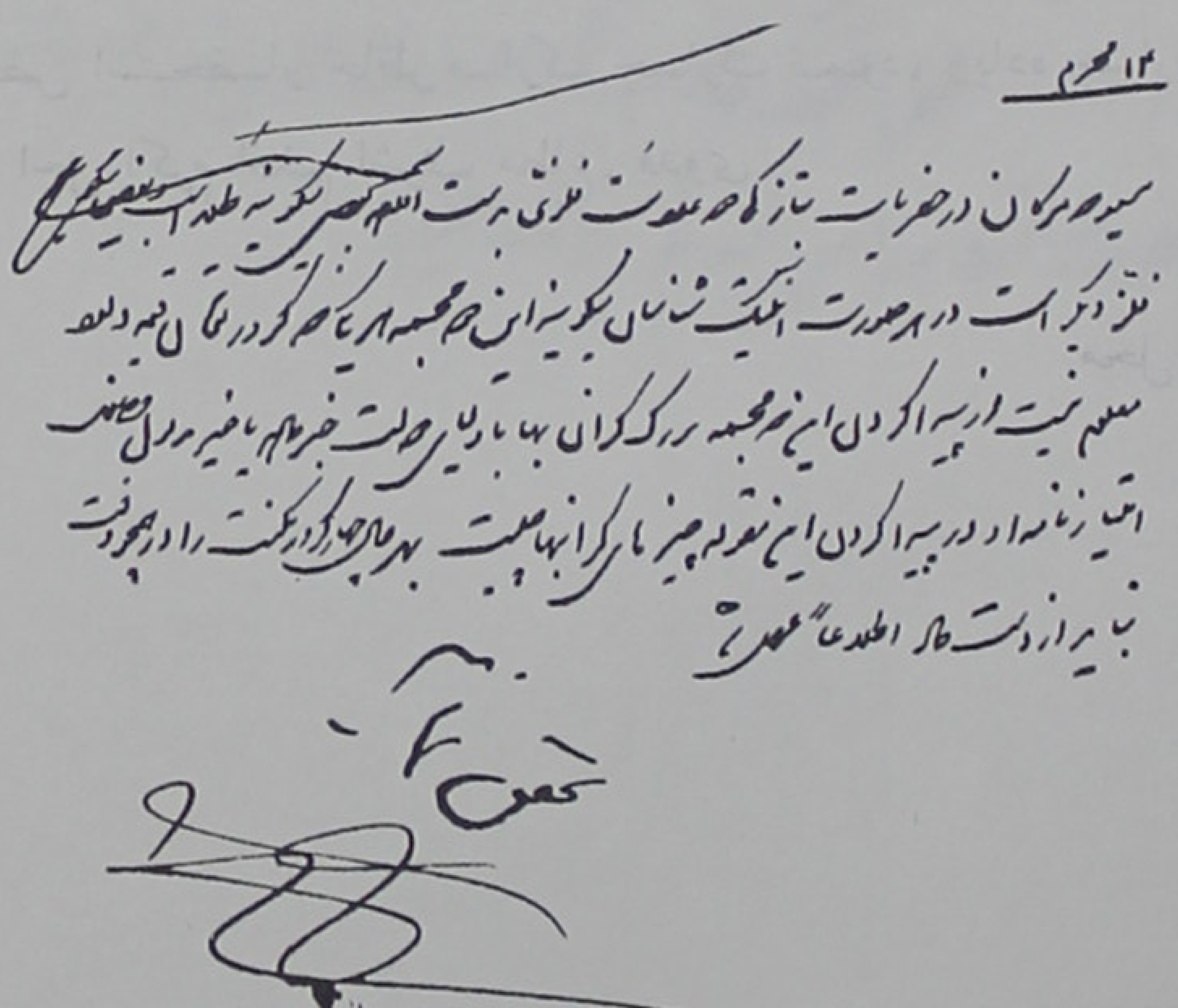
پرونده: ۱۱/۴۲

خلاصهٔ نوشتجات ناظم‌الملک کارپرداز بغداد

مسیو دومرگان در حفریات به تازگی دو علامت فلزی به دست آورده بعضی می‌گویند طلا است و بعضی می‌گویند فلز دیگر است، در هر صورت آنتیک شناسان می‌گویند این دو مجسمه هر یکی دو کرور تومان قیمت دارد، معلوم نیست از پیداکردن این دو مجسمه بزرگ گران‌بها به اولیای دولت خبر داده یا خیر، مدلول وصول امتیازنامهٔ او در پیداکردن این مقوله چیزهای گران‌بها چیست، به هرحال چهار کرور مکنت را در همچو وقت نباید از دست داد، اطلاعاً عرض شد.

[حاشیه، دستخط مظفرالدین شاه:]

ــ تحقیق نمایید. امضا مظفرالدین شاه


۱۴ محرم

مسیو دمرگان در حفریات تازگی دو علامت فلزی بدست آورده بعضی میگویند طلاست بعضی میگویند
فلز دیگر است در هر صورت آنتیک شناسان میگویند این دو مجسمه هر یکی دو کرور تومان قیمت دارد
معلوم نیست از پیدا کردن این دو مجسمه بزرگ گران بها باولیای دولت خبر داده یا خیر مدلول
امتیازنامه او در پیدا کردن این مقوله چیزهای گرانبها چیست بهر حال چهار کرور مکنت را در همچو وقت
نباید از دست داد اطلاعاً عرض شد

تحقیق

شمارهٔ سند: ۹۱٤
موضوع: مخابرات محرمانه باش شهبندر عثمانی و اهمیّت کردستان
تاریخ: ٦ شعبان ۱۳۱۷ هـ . ق
کارتن: ۵
پرونده: $\frac{۱۱}{۸}$

نامهٔ کارپرداز سلیمانیه به وزارت خارجه

این ایام از قراری که خبر گرفته. گویا باش شهبندر عثمانی در سنندج محرمانه بعضی تلغرافات برای مخابره به اسلامبول با آدم مخصوص امین به سلیمانیه می‌فرستد و مخابره می‌نماید، هرچند تلغرافات او را فدوی تا حال هرچه تفحص و دقت نموده ندانسته از چه نوع مخابرات است، ولی همین قدر می‌تواند عرض کند که اهالی سنندج و اطراف آن تمامشان سنی مذهب هستند و باش شهبندر را از طریقت خودشان می دانند به این واسطه کردستان نقطه نازکی است احتمال بعضی ملاحظات تحریک آمیز می رود، چنانچه در ساوجبلاغ هر روزه اهالی و بزرگان آنجا اجماع کرده به شهبندرخانهٔ عثمانی می‌روند و اسباب عزل حاکم آنجا را فراهم می‌آورند، شش ماه است که بنا به شورش و به اجماع اهالی آنجا و دخالت به شهبندرخانه عثمانی سه حاکم معزول شده است و چند روزی است که حکومت سلیمانیه هم در باطن درست بر اظهارات کارپردازی سعی و اقدام ندارند، محض استحضار خاطر مبارک جسارت نمود، زیاده جسارت است. امر حضرت مستطاب اجل اکرم افخم اشرف مطاع. فدوی

یحیی

محل مهر: یا یحیی

۱۳۱۷

مورخه ۶ شهر شعبان

این ایام از قراریکه خبر گرفته کویا باش شهبندر عثمانی در سنندج محرمانه بعضی تلغرافات برای مخابره به اسلامبول
با آدم مخصوص امین السلطانه منتشر شده و مخابره می‌نماید هر چند تلغرافات او را فدوی تا حال هر چه تفحص و دقت
نموده ندانسته از چه نوع مخابرات است ولی همینقدر میتواند عرض کند اهالی سنندج و اطراف آن
تماماً سنی مذهب هستند و باش شهبندر را از طریقت خودشان میدانند با همجواری کردستان
نقطه نازکی است احتمال بعضی ملاحظات تحریک آمیز میرود چنانچه در سال [illegible] هر روزه
اهالی و بزرگان آنجا اجماع کرده بشهبندرخانه عثمانی میروند و اسباب عزل حاکم آنجا را فراهم آوردند
شش ماه است در بنا شورش و با اجماع اهالی آنجا و دخالت بشهبندرخانه عثمانی سه حاکم منعزل
شده است و چند روزی است در حکومت سلطانیه هم در باطن درست بر اظهارات کارپردازی
سعی و اقدام دارند محض استحضار خاطر مبارک جسارت نمود [illegible] جسارت است فدوی
یحیی

امر حضرت مستطاب اجل اکرم افخم اشرف مطاع



شمارهٔ سند: ۹۱۵
موضوع: مخابرات محرمانه باش شهبندر عثمانی در کردستان
نمره: ۵۲۳۲
تاریخ: ۲۸ رمضان ۱۳۱۷ هـ . ق
کارتن: ۵
پرونده: $\frac{۱۱}{۸}$

سواد کاغذ وزارت خارجه به مشاورالوزاره مأمور سلیمانیه

از مخابرات محرمانه باش شهبندر کردستان به اسلامبول که با آدم مخصوص به سلیمانیه می‌فرستد و از آنجا مخابره می‌شود شرحی نوشته بودید مطلع شدم، مراقبت نمایید شاید کسب خبری که راجع به کردستان باشد نموده اطلاع بدهید.

نصراله مشیرالدوله

۵۲۲۲

ورود نامه وزارت خارجه به دار الوزاره مأمورین سلیمانیه

۲۸ شهر رمضان ۱۳۱۷

از مذاکرات محرمانه باشی شهنه کردستان با بعلاوه ملاقات با آدم مخصوص سلیمانیه مفرسته و از آن مخابره میشود شرحی نوشته بودید مطلع شدم برادر رقیب

نامه شاید یک خبری در راجع بکردستان بشنوید اطلاع به این تهران بفرستید

۲۹/۹

شمارهٔ سند: ۹۱۶
موضوع: تقاضای علی رضاخان حاکم گروس
تاریخ: ۷ ربیع الثانی ۱۳۱۸ هـ . ق
کارتن: ۱
پرونده: ۱۱

تلگراف وزارت خارجه به احتشام السلطنه حکمران کردستان

کردستان نمرهٔ ۷۶۵

جناب جلالت‌مآب علی رضا خان امیرتومان به این قرار که به نصف قطع شود راضی نمی‌شدند و تمام را مطالبه می‌کردند، بنده به ملاحظهٔ اینکه قطع این کارها همان طوری که صلاح دانسته‌اید بشود گفتم این قرار را قبول نمایید همان طوری که صلاح دیده‌اید مجری و تمام نمایید. نصراله مشیرالدوله.

نمره ۷۶۵

کردستان

تلگراف دربار کاغذ حشمت السلطنه حکمران

۱۲ ربیع اول ۱۳۱۸

جناب جلالتمآب علیرضاخان دیرتاش باین قرار که بنصف قطع شود راضی نشدند و تمام را مطالبه میکردند بنا بملاحظه اینکه قطع این کار بانظار دیر صلاح ندانسته شد

بزرگ گشتم این قرار را قبل از ختم مطلوبیه صلاح دیدیم مجری و تمام نمایند نصرة الله شیر الدوله

شمارهٔ سند: ۹۱۷
موضوع: مقرری حاج شیخ عبدالرحیم و آقامیرعلی اشرف
نمره: ٦١٠
تاریخ: ۱۵ شعبان ۱۳۱۸ هـ . ق
کارتن: ٤
پرونده: ۱

نامهٔ سفارت ایران در اسلامبول به وزارت خارجه

جناب فضایل نصاب حاجی شیخ عبدالرحیم که در اسلامبول به امورات شرعیه رعایای دولت علیه رسیدگی می‌نماید، عریضه به حضور صدارت عظما عرض و نزد بنده آورده بود که تقدیم نمایم لفاً فرستاده شد مستدعی شده است که شصت تومان وظیفه را که به تصویب صدارت عظمی اعلی حضرت اقدس همایون شاهنشاهی روحنافداه، در موقع تشریف‌فرمایی به اسلامبول درباره او و شصت تومان هم در حق آقامیرعلی اشرف واعظ مرحمت فرموده‌اند، حق او را در جزو کتابچهٔ آذربایجان در جزو مالیات خوی به خرج منظور شود زیرا که خود مومی الیه خویی است و آنجا اهل و عیال دارد و مال میرعلی اشرف را به اسلامبول حواله گردد. لهذا از جناب مستطاب اجل عالی متمنی است بعد از آنکه امر از صدارت عظمی در این باب به جای لازم صادر شد مخصوصاً از طرف وزارت جلیلهٔ خارجه یک نفر شخص را به این کار بگمارند که در انجام این فقره سعی نماید که این جزئی استدعای حاجی شیخ عبدالرحیم و آقامیرعلی اشرف که خالی از ثواب نیست، صورت انجام بگیرد.

[حاشیه، دستخط مظفرالدین شاه:]

ــ جناب اشرف اتابک اعظم، چه عیب دارد همین‌طور قرار بدهند. امضا: مظفرالدین شاه

[illegible]

۱۵ شهر شعبان المعظم ۱۳۱۸

۱۰

جناب فیض‌مآب فضایل‌نصاب حاجی شیخ عبدالرحیم صدرالاسلام با بودن [illegible] شرعیه

رعایای دولت علیه روسیه بشمار عریضه بحضور صدارت عظمی عرض و نزد بنده آورده بود

که تقدیم نمایم لفاً فرستاده می‌شود مشهود است پس از ملاحظه آن وظیفه را که مرغوب

صدارت عظمی اعلیحضرت اقدس همایون شاهنشاهی روحنا فداه در حق [illegible] تشریف فرمائی

[illegible] درباره او وضعیت آن اهم در حق آقا میرزا علی اشرف دام عظمت و حشمت فرمایند

حق او را درجه یک بچه اطفالیان در حزو هیات خیریه بخرج منظور شود زیرا که

خود مرحوم بسیار خیر بوده است و اینها اهل و عیال دارد و مال مرحوم اشرف را [illegible] حوالی

کردد لهذا از جناب مستطاب اجل عالی تمنی است مقرر دارند که امر از صدارت

عظمی در این باب بلازم صادر شود مخصوص از طرف وزارت جلیله خارجه

مکتوب شخص را باین کار بگذارند در انجام این فقره سعی نمایند در این خصوص آسایش

حاجی شیخ عبدالرحیم داماد مرحوم اشرف خالی از ثواب نیست صورت این امر کرده

بنده

شمارهٔ سند: ۹۱۸
موضوع: گزارش جالب از اوضاع عثمانی و امور ایران
نمرهٔ: ۶۰۶
تاریخ: ۱۵ شعبان ۱۳۱۸ هـ. ق
کارتن: ۵
پرونده: ۱۱/۱۷

نامهٔ سفارت ایران در اسلامبول به وزارت خارجه

هو

محرمانه است

در امور اتفاقیه تا امروز بنده استعانتی از طهران نکرده‌ام و به هر طور است به اصرار و تعقیب و وسایل متعدده نوعی کارها را انجام داده‌ام، ولی از یک طرف به واسطهٔ وضع و ترتیب به ادارهٔ عثمانی کاری که اتفاق می افتد اول باید بنویسم به وزیر امور خارجه، او می نویسد به صدراعظم، از صدارت رجوع می‌کنند به اطاق استشاره، از آنجا جوابی موافق رأی و عقیده خودشان برضد اظهارات سفارت به وزارت خارجه می نویسند، از آنجا دوباره مکتوب می رود به صدارت، این دفعه صدراعظم رجوع به مجلس شورای وزرا می نماید که میان این سؤال و جوابها هر کدام چند ماه و سال طول می‌کشد.

بعد از آنکه گاهی سفارت توانست از شورای وزرا جواب مساعد صادر کند. این دفعه می نویسند به سرای سلطانی تا اراده صادر شود، آنجا که رفت یا جواب بیرون نمی آید، یا اکثر اوقات برخلاف مقصود اراده صادر می شود.

اغلب اوقات هم که به سرای رجوع می‌کنم از آنجا حواله می‌کنند به مجلس شورای وزرا و مسئله را به پیچ و تاب می اندازند آن وقت باید متصل مترجم را به سرای فرستاد و جواب خواست و در سر یک امر جزئی ده دفعه آمد و شد نمود و ده لیره پول کالسکه داد آن هم بی حاصل.

از طرف دیگر این اوقات عثمانی ها به پولیطیک [پلتیک] و نظر خودشان در امورات ایرانی ها تغییر داده‌اند، بعد از محاربه با یونان قرار و مداری را که با آنها و

صربی بسته‌اند می‌خواهند بلکه با ایرانی‌ها هم آن طور معامله نمایند. و این روزها تقریباً ده مسئلهٔ مهم بی‌جواب است، و در حالت تعطیل و تعویق مانده است.

در فقرهٔ خانهٔ آقا غفار که تفصیل آن را جداگانه عرض کرده‌ام به طوری بنده را خسته کردند و می‌کنند که خدا شاهد است جسماً و روحاً ناخوش شدم.

ایرانی‌ها هم از بزرگ و کوچک پرمدعا و غوغاانگیز هستند بدون اینکه اسباب آن را فراهم داشته باشند، می‌خواهند حمایتی که سفرای دول معظمه با کشتی جنگی و توپ و تفنگ از تبعهٔ خود می‌کنند بندهٔ بیچاره دست از هر چیز خالی در هر ماده به آنها بکنم نوعی دلتنگی از تعویق کارها و عدم حصول گاهی به مقصود حاصل است و ایرانی‌ها هم حرفها می‌زنند و شکایتها می‌کنند که به جگر آدم کار می‌کند.

به وحدانیت خدا قبیح است این عرض را بکند ولی موقع آن رسید عرض می‌نماید در این کار آقا غفار به اندازهٔ صدمهٔ روحانی خوردم که از شدت خیال و غیظ، خون استفراغ کردم.

حقیقتاً اگر وضع به اینطورها باشد روز به روز ایرانی‌ها در اسلامبول زبون و ذلیل شده در سرحدات تجاوزات پی در پی و غارت و سرقت رو داده، بلاعوض خواهد ماند و بر جسارت اینها و خسارت دولت علیه خواهد افزود.

مثلاً در فقرهٔ سومار چند ماه کشید، گفتند به بغداد نوشته‌ایم باید جواب برسد بعد از آنکه جواب رسید دادند به اطاق استشاره از آنجا درآمده جوابی به سفارت کبری نوشته و هنوز نفرستاده‌اند، صدراعظم می‌گوید جواب این کاغذ را بنویسید تا ببینم چه قرار خواهیم داد.

بیست روز تمام است که در وزارت خارجه اصرار و ابرام می‌کنم که هرچه هست زودتر بنویسید تا جواب لازم را بدهم تا این تاریخ ننوشته‌اند.

باری حالت و قدرت و وضع دولت معلوم است. بنده نمی‌خواهم تکلیفی بکنم که از تحت اقتدار و امکان خارج باشد، مختصر همتی را مستدعی هستم. یکی اینکه به شارژدافر عثمانی به دفعات متعدده از نگذشتن کارها و تغییر وضع کارگذاران گله نموده وادارید به اینجا موثراً بنویسد.

دیگر اینکه، قدری آنجا سخت بگیرند و وجه اصنافیه و غیره را جبراً دریافت نمایند.

ثالثاً، به طور زبان‌دار و خوب به حکومت کرمانشاه و ساوجبلاغ و ماکو تعلیمات رسمی بدهید که در سرحدات یک های و هویی دروغی بیندازند، به جمع نمودن سواره و عشایر و اکراد به بهانهٔ مطالبهٔ خسارت سومار و غرامت مالهای تجار که در راه ارض روم سرقت برده‌اند و والی دزد را میان آلای حمیدیه پیدا کرده و اظهار عجز نموده گرفته نمی دهد.

به شرط اینکه محض هیاهو و خودنمایی باشد، نه دست به کار بردن، هرگاه حکام محلهای مزبور نتوانستند با حکمت عملی اینکار را بکنند که محض شهرت باشد نه مباشرت به اغتشاش و غارت، بهتر است هیچ نخسبند.

ولی دولت به بهانهٔ مشق یا تغییر محل سرباز مختصر اردویی در خوی تشکیل بدهد، چند فوج سرباز با چند عراده توپ به آنجا بفرستند، فقط حرکت مزبوحی [مذبوحی] بشود باقی کارها را بنده عجالتاً درست می‌کنم، همین‌قدر طوری بشود که یک قدری حضرات را به خیال بیندازند کافی است، نه از این است که خواهند ترسید که ایرانی ها قشون‌کشی کرده به مملکت آنها کرده خسارت خواهند رسانید، بلکه چون نمی خواهند حتی المقدور صدائی از جایی علی الخصوص از سرحدی دربیاید وضع حالیه را فی الجمله عوض خواهند کرد.

هرگاه غیر از اینها هم چاره‌ای به نظر اولیای دولت علیه بیاید دیگر بهتر، لیکن رجوع به سفرای دول خارجه بکل بی‌فایده است. آنها خودشان هزار کار دارند، گذرانیدن امورات خودشان را وجه مصالحه قرار می دهند چنانکه تا امروز از مداخلهٔ آنها جز خفت فایدهٔ دیده نشده است.

اینها را که عرض کردم چارهٔ فوری و مناسب حالیه است، ولی بحمدالله تعالی بندگان اقدس همایون شاهنشاهی روحنافداه به رأی‌العین وضع دول معظمه و غیرمعظمه و ممالک شاهزاده‌نشین را هم ملاحظه فرمودند که همه ترتیب و ادارهٔ مملکت را به یک نظم و رشته انداخته‌اند و روز به روز پیش می روند، برخلاف وضع مملکت و بی‌ترتیبی ادارات دولتی ما که در حقیقت اطلاق لفظ به ادارات مجاز است به هیچ مملکتی شباهت ندارد و صاحب هیچ چیز نیستیم، یک فوج سرباز صحیح نداریم که در مقابل دوست و دشمن دربیاوریم، چند فوج قزاق است که آنها را مال مخصوص دولت علیه نمی توان گفت، از وزارت جنگ مجزی و چشم‌سوار به کلاه فرنگی و در تحت خوف و

رجای اوست.

داخله هم پناه بر خدا خاینی به خوش‌گویی و مدح‌سرایی دارای همهٔ امتیازات می‌شود و خادمی به عیب‌جویی و دلسوزی مغضوب و محروم می‌گردد، حسابی و کتابی در میان نیست تا رشتهٔ امور دولت منظم و مرتب نباشد چگونه امید توان داشت که قدمی دولت پیش گذارد و ترقی نماید و در خارجه حقوق تبعه و دولت پامال نشود و در داخله مردم با امنیت مشغول کار بشوند.

عرض این فقرات هم نباید اسباب تکدر خاطر گردد، زیرا اگر انسان به عیب و نقص خود متذکر نشود جلب نظر به اصلاح آنها نمی‌شود و به زبان روزنامهٔ بیگانگان طعن و ذم می‌کنند، باید تکدر از وجود و دوام این حال داشت نه از ذکر آن، مثلاً شاگردها به فرنگستان فرستاده‌اند، اولاً مثل این است که از بوته درآمده‌اند نه اقوام و والدین آنها سراغ می‌گیرند که کجا ماندند و کی باید متکفل مخارج آنها بشود و نه کس دیگر، ثانیاً برفرض اینها آمدند تحصیل نموده و تکمیل شده مراجعت نمودند آنهایی که مراتب تحصیل را تمام کرده آمده‌اند به چه کار و شغل مشغول شده‌اند و چه نفعی دولت از آنها برده است، که از اینها ببرد. اگر مردم ببینند که تحصیل اولاد موجب سعادت و اشتغال آنها می‌شود به خرج خود اولادهاشان را می‌فرستند، حاجت به خرج و مصرف دولت نخواهد شد. باری رشتهٔ این مطلب دراز است مقصود این است، چنانکه ادارهٔ گمرک را منتظم کردند و خیال صدارت عظمی هم چنانکه می‌فرمودند نشان دادن این نمونه بود و خیال توجه و اصلاح دربارهٔ سایر ادارات از مالیات و عدلیه و عسکریه هم داشتند تا زود است توجهی بشود وقت می‌گذرد، آینده به گذشته شبیه نیست روز به روز موانع بیشتر و دست بازو آزاد مامقید و مغلول می‌گردد، فرصت را باید مغتنم شمرد و از این زندگی پر از عار و ذلت خلاص شد، در هر کار همت لازم است، البته تأییدات آسمانی هم همواره توأم ارادهٔ ملوکانه و عزم اولیای دولت جاوید آیت علیه خواهد بود.

[حاشیه:] ــ در دفتر مطالب محرمانه ثبت شد.

محمود

۱۵ شهر شعبان المعظم ۱۳۱۹ — محرمانه است

نمره ۶۰۶

در دفتر مطالب محرمانه ثبت شد

در امور تفرقه تا امروز بنده استعفائی از طهران نکرده‌ام و بهر طور است با صبر و تعقیب دوسیه‌ها نموده

نوعی کارها را انجام داده‌ام ولی از یکطرف رابطه وضع و ترتیب اداره عثمانی کار را طوری اتفاق

می‌افتد اول باید بنویسیم بوزیر امور خارجه او بنویسد بصدر اعظم از صدارت رجوع با

می‌کنند حالا ترتیب را از آنها جواب موافق رأی و عقیده خودشان از نظر اظهار

نظارت بوزارت خارجه می‌نویسند از آنجا در باره مکتوب سفارت می‌رود بصدارت این دفعه

صدر اعظم رجوع بمجلس شورای وزرا می‌کند در میان این سؤال و جوابها هر کدام چند ماه

طول می‌کشد بعد از آنکه گاهی سفارت نوبت از شورای وزرا اجرای مساعد

صادر کند این دفعه می‌نویسند بسرای سلطانی تا اراده صادر شود آنجا از رفت

یا جواب بیرون نمی‌آید یا اکثر اوقات برخلاف مقصود اراده صادر می‌شود

اغلب اوقات هم در سرای رجوع میکنیم از آنجا حواله میکنند بمجلس شورای وزرا

و مسئله را به پیچ و تاب می‌اندازند آنوقت باید بتوسط مترجم اول سرای قرار

و جواب خواسته است و در سر یک امر جزئی ده دفعه آمد و شد نمود و دو لیره پول کالسکه داد

آنهم بی حاصل از طرف دیگر این اوقات عثمانیها به پلتیک و نظر خودشان

در امورات ایرانیها تغییر داده‌اند که از محاربه با یونان فراغت و بیکاری پیدا کرده با انگلیسها وصلت بسته‌اند.

میخواهند که با ایرانیها هم آنطور معامله نمایند و این روزها تقریباً ده مسئله مهم بی‌جواب

و در حالت تعطیل و تعویق مانده است در فقره خانه آقا غفار تفصیل آن را

جداگانه عرض کرده‌ام بطوری منزل خسته کرده‌اند که فرصت است جان او در رود

ناخوش شده‌ام ایرانیها هم از بزرگ و کوچک بی‌مدعا و دعوی اظهار میکنند هر دولت در سفارت

اسباب آن را فراهم داشته باشند میخواهند حقایق دعاوی در آن معطل باشد کثرت جمع و کسوت شان را

و تعقیب از بعضی شکوه میکنند بعضی بیچاره دست از همه چیز خالی در هرجا با ما بیچاره‌ها

نوعی دلتنگی از تعویق کارها و عدم حصول کارهای مقصود حاصل است و ایرانیها هم وقتها

میزنند و تنگ نهایت میکنند و بنده که آدم کاری میکنم توجه بنده نیست خدا

شاهد است اینعریضه را که نوشته‌ام موقع آن رسیده عرض شد در جای آقا غفار

با هزاره صدمه روحانی خوردم و از شدت خیال و غیظ خون استفراغ کنم

حقیقة اگر وضع باین طورها باشد روز بروز ایرانیها در سختی زوال و نیستی

در سرحدات که وزارت به ارامنه و غارت و سرقت رو داده بلاعوض خواهد ماند

در حمایت انها و غارت دولت عثمانی خواهد افزود منشأ در قفقاز

سه چهار ماه گذشته که چند فقره نوشته‌ام باید جواب بدهی بعد از آنکه

جواب رسیده داده بطلاق نهند ره از آنجا در آیند هوای سفارت انگریزی

نوشته و هنوز نفرستاده‌اند صدراعظم مکرر جواب یکی عذرا نوشته باید ببینم

چه وقت اثر خواهم داد بیست روز تمام است در دروازه شمیران چهار روز گویم

میگفتم که بهر جهت بیست روز نوشته با جواب الله بعد بهم باز بگویم

نوشته‌اند:

باری حالت و قدرت و وضع دولت معلوم است بنده نمیخواهم تکلیف بکنم

در ارتکاب تجارت و امکان خارج باشد مختصر همتی را که عرض میکنم اینکه

شب روز دائم عثمانی به خدمات متعدده از کند شاید کارها و تغییر وضع

کارگذاران کلیهٔ نظمیه را دارید با تمام قوت انتظامیه

مگر اینکه قدری آنها سخت بگیرند و وجه اضافه و غیره را جبراً دریافت نمایند

تا اشخاص بطور زبان دار و خوب حکومت کرده باشند. و سایر جلادان و مأمورین تعلیمات لازمه را بدهید —

در سرحدات بیگ‌ها یا رؤسا که در دوغی ننشسته‌اند بجمع نمودن الوار و عشایر و ایلات و گروه [illegible]

مطلقاً غارت نکنند و عوض مالهای تجارت که در راه از ضرب دزد بسرقت رفته اگر دولتی

دزد را میان ایلات حمایت نمی‌کنند و اظهار عجز نظمیه گرفته نمی‌شود شرط اینکه از محض امنیت

وجوه مالیات باشد نه دست یک نفر حکام هر گاه حکام مملکتهای مزبور بنویسند انتها حکمت علیا

بلکه در محض شهرت باشد نه مباشرت. غفلت‌ها شده و غارت شهر است هیچ خزینه ولی :

دولت بهانه مشق تغییر مقدار سرباز منحصر ارده که در خود نگهداری [illegible] خزانه قوه سرباز

تا چه عراده توپ یا آنها نوشته فقط حرکت مزدوری نیست که کارها را بسته عمارت.

درست میکنم. نقطه نظری که در نقطهٔ سرحدات را نیک حال بسته اند که آ [illegible]

نه از اینجا چرا نمی‌رسیده دارایی قشون کشی کنیم مملکت آنها غارت خواهد [illegible] —

بلکه حرف نمی‌خواهند حتی المقدور صدای از جای علی الخصوص از سرحدی در بیاید —

وضع حالیه را فی‌الجمله عوض خواهند کرد هرگاه غیر از اینها هم چاره بنظر اولیای دولت علیه

باید تدبیر بهتر بکنند رجوع بفرمایند والا نه رجوع بقطع نفس بدهند آنها خودشان ابزار کار دارند

که راه‌های امورات خودشان بکنند وجه مصالحه قسمت ارمنیه نه چنانکه تا امروز از سرحد

آنها که خفت چنین پیش نیامده است

اینها را عرض کنم چاره فوری و مناسب حالیه است ولی که الله یکی از آن تدابیر اساس تغییر اساس‌های

روز فردا رأی اینجانب وضع دول معظمه و غیر معظمه و ممالک تابعه آنها را هم ملاحظه فرمایند

در امر ترتیب و اداره مملکت را با یک نظم و رشته انداخته اند و روز بروز پیش میروند

برخلاف وضع مملکت و بی‌ترتیبی ادارات ما در حقیقت الصدق لفظ

ادارات به هیچ مملکتی مجازات شباهت ندارد و صاحب هیچ چیز نیستیم مگر سرباز صحیح ندارم.

در دریاهای دولت و دشمن دریا نداریم نه قشون قزاق است در آنها را مال مخصوص

در تبعه نتوان گفت از وزارت جنگ متحرک و حشم سوار تکلیفه قراولی دور تخت

خوف و رجای او است داخله هم پناه بر خدا حاجی بخوش کج و معوج

سرائی دارای همه امتیازات میشود و خادمین به عیب جوئی دلسوزی

منصوب و محترم نمیشود حاجی و کسانی در میان نیست تا رشتهٔ امور دولت منظم و مرتب باشد

چگونه امید توان داشت که ترقی ملت و دولت بشود و ترقی بکند و در خارجه حقوق رعیت و دولت

پامال نشود و در داخله مردم با امنیت مشغول کار شوند غرض این تغییرات هم تمام اسباب

بهتر شدن کار کشور زیرا که این عیب و نقص خودمان است جلب نظر با صلاح آنها نموده و در تمام

که کفیل ظلم و ستم میکنند با بهتر از حقوق مردم این حال را داشت نه از ذکر آن معلوم

سالها که بعد گذشته است ساختند اولاً مثل این است در این باب نوشته در این باب که اکثر ادوار

و والی ها آنها برای میگیرند هر کس باشند ولی باید تشکیل خارج آنها نشود و نیز

بر فرض اینها آنها تعیین نمیشوند و تعیین شده مراتب نمودند آنها که مراتب تعیین

آنچه که به کار و شغل مشغول شده اند و هیچ نفعی به دولت از آنها نرسیده است از آنها بیرون

لکن مردم به نسبه تعیین اولاد موجب ... و اشتغال آنها نمود خرج خود اولاد

مینویسند جانب خرج و مصرف دولت نخواهد ترتیب امور دراز است مقصود

جانبه اداره گمرک را منظم کنند و خیال صدارت عظمی هم چنانکه ... داده

و خیال توجه و اصلاح درباره سایر ادارات از ایالات و عدلیه و عسکریه هم

ترجیح بشود وقت میگذرد آنچه نگذشته روز بروز مراتب

بعونه تعالی

و آزادیها مقید و منفصل یکدیگر فرصت را باید مغتنم شمرد و در این زمان که مورد اعتبار

دولت خدمتگزاری در هر کار نعمت الله است البته با تأییدات آسمانی هم

همراه توأم اراده ملوکانه و عزم اولیای دولت جاوید ثابت عظمت خود نبود

محمود [illegible]

شمارهٔ سند: ۹۱۹
موضوع: گزارش از اسلامبول و موقعیت بابی ها
نمره: ٦۳۹
تاریخ: ۹ شوال ۱۳۱۸ هـ . ق
کارتن: ٤
پرونده: ۲

گزارش علاءالملک سفیر ایران در اسلامبول به وزارت خارجه

محرمانه است

وضع بابی ها در عکّه که رئیس‌شان آنجا توقف دارد، روز به روز خیلی بالا می‌گیرد، از هر طرف ایران آدمها به دیدن او می آیند و پولها جمع کرده می آورند و همچنین از طرف آن رئیس به همهٔ شهرهای ایران وکلا فرستاده می شود. این حالت را بکلی غیرمعتنا شمردن و هیچ پاپی نشدن خوب نیست، رفته رفته یقیناً کار به جای بد می‌کشد و چاره هم به بگیر و بزن و بکُشتن نیست هر قدر به این طور علاج جویی بشود بدتر می شود آنچه که به ذهن بنده می رسد این است. اولاً دولت علیه به آنجا یک نفر مأمور مسیحی با مواجب معیّن فرمایند، چون مأمور مسلمان از هر طبقه فرستادن محلّ ملاحظه است یا می رود از آنها می شود بالطّمع پول مروج خیالات آنها می‌گردد و به این کارپرداز دستورالعمل داده شود، ظاهراً آنها را به خود رام و خود را داخل کارهای محرمانهٔ آنها بکند هر کس که از ایران به آنجا می رود او را به اسم و رسم و بلکه می تواند عکس او را هم برداشته به وزارت جلیلهٔ خارجه و به سفارت کبری راپرت نماید، و همچنین اشخاصی را که از عکّه مراجعت می‌کنند از سفارت کبری به توسط مأمورین روسیه تا سرحد و از سرحدّ به توسط سرحدداران و حکّام در خفیه تعاقب نموده معلوم نمایند، فرستادگان رئیس بابی ها در کجاها هستند و توقف می‌کنند، بعد از معلوم کردن چند نفر از طلاّب باسواد راه مصاحبت آنها را پیدا نموده بدون اینکه به آنها بفهمانند که از عقاید حضرات مطّلع هستند به صحبتهای حکمت‌آمیز و وعظ آنها را از راه بد بگردانند و در بعضی مواقع به یک درجه پلیس و حکومت جلوگیری از آنها بکند و در هر صورت این اشخاص هرجا هستند معلوم و معین باشند و معروف سایر مردم شوند و در این ضمن

تدبیرهای دیگر هم مقتضی باشد، اولیای دولت علیه دستورالعمل به حکام بدهند که به عمل بیاورند وگرنه وضع طوری شده است که انسان نمی داند با چهار نفر که نشسته است با کی ها طرف است و روز به روز هم که زیاد شدند البته در وقتش موجب فتنهٔ عظیم خواهد شد.

محمود

[حاشیه، پشت پاکت:]

از کابینهٔ وزیر خارجه

یک فقره راپورت است، از شرف عرض خاکپای مهراعتلای اقدس شاهنشاهی ارواحنافداه خواهد گذشت.

[دستخط مظفرالدین شاه:] «جناب اشرف اتابک اعظم به دلایلی که می دانید به این مطلب نباید پاپی شد و دنبال نمود، هرچه ممکن است باید سکوت قائل شد.»

۹ شهر ذی الحجه ۱۳۱۸

۶۳۹

در دفتر مطالب محرمانه ثبت شد

محرمانه است

وضع بابیها در عکّه و رئیس شان در آنجا ترقی دارد روز بروز جمع بابیها میگیرد از اطراف
ایران آدمها بدیدن او می‌آیند و پولها جمع کرده می‌آورند و همچنین از طرف آن رئیس
بهمه شهرهای ایران مبلغ فرستاده میشود این حالت را بکلی غیر معتنی شمردن و هیچ
پاپی نشدن خوب نیست رفته رفته یقیناً کارهای بد میکشد و چاره ام
و بزن و بکش نیست هر قدر بطور علاج جزئی بشود بهتر میشود آنچه در نظر بنده میرسد
این است از آنکه حرکت عکّه با بابیها منفرداً مأمور مخصوصی با موجب سعی فرمایند
چون مأمور مسلمان از هر طبقه فرستادن ممتنع الحفظه است باید از آنها بشود یا بعضی
پول مروّج خیانت آنها میگردد و باین کار بپردازد دستور العمل باید بطور ظاهر از
آنها را بخود رام و خود را داخل کارهای محرمانه آنها کنند هر کس از ایران
بابیها برود او را بنام و رسم و بلکه برگزیند عکس او را هم برداشته بوزارت جلیله خارجه
و بسفارت کبری راپرت بنمایند و همچنین اشخاصی را که از عکّه مراجعت میکنند
از سفارت کبری مرتبط مأمورین روسیه تا سرحد و از سرحد مرتبط سرحد داران
و حکام در خفیه تعاقب نموده معلوم نمایند فرستادگان رئیس بابیها در کجاها
هستند و ترقی میکنند بعد از معلوم کردن چند نفر از طلاب بابی براد

راه مصاحبت آنها را پیدا نموده بدون اینکه آنها ملتفت بشوند در اعتقادات حضرات مطلع

بشوند بصحبت های حکمت آمیز و وعظ آنها را از راه بدر ببرند و در بعضی مواقع [illegible]

تلبیس و تدلیس جلوگیری از نفوذ آنها نمایند و در هر صورت این اشخاص باید [illegible]

و متدین باشند و معروف سایر مردم نشوند و در این ضمن تدبیر دیگر هم که مقتضی باشد

اولیای دولت علیه دستور العمل بحکام بدهند که [illegible] در هر گوشه صحیح

صادر شده است در [illegible] لذا با چهار نفر نوشته است که هم طرف

و روز بروز هم زیادتر شده در آتیه در وقت موجب فتنه عظیم خواهد شد محمود [illegible]

از کابینه وزارت خارجه

از شرف عرض حضور مبارک اقدس شاهنشاهی ارواحنا فداه خواهد رسید

که [illegible]

[illegible]

شمارهٔ سند: ۹۲۰

موضوع: تغییر سفیرکبیر ایران در اسلامبول (عثمانی)

نمره: ٦٢

تاریخ: شوال ۱۳۱۸ هـ. ق

کارتن: ۵

پرونده: ۱۱/۱۷

دستخط مظفرالدین شاه به صدراعظم

هو

جناب اشرف اتابک اعظم در باب این فقراتی که علاءالملک عرض کرده است، بعضی را صحیح و بعضی را غیرصحیح عرض کرده است، آنکه صحیح است این است که شاید کارهایی که نگذشته است جداً این جا از سفیر بخواهند که بنویسند به اسلامبول و در آنجا اتمام این کار را بخواهند و برای سفارت‌خانهٔ عثمانی با علاءالملک به نظرم نمی‌آید که پیش برود عجالتاً او را به یک عنوانی بخواهید و اسم کسی را نبرید یک نفر شارژدافر بگذارید، دو سه ماه بعد علاءالسلطنه را اگر صلاح دیدید بفرستید هر قسم صلاح است زودتر بکنید.

[illegible]

شمارهٔ سند: ۹۲۱

موضوع: مقرری شیخ عبدالرحیم و میرعلی اشرف واعظ

نمره: ۷۱۲۸

تاریخ: غره ذیقعده ۱۳۱۸ هـ. ق

کارتن: ٤

پرونده: ۱

سواد کاغذ وزارت خارجه به علاءالملک سفیرکبیر

در باب شصت تومان وظیفهٔ جناب فضایل‌مآب حاجی شیخ عبدالرحیم و شصت تومان آقامیرعلی اشرف واعظ شرحی اشعار فرموده بودید، مستحضر شدم. همان طور که خواسته‌اید به حضرت اشرف یادآوری می‌کنم که مقرر فرمایند معمول دارند که اجرای آن را هم مراقب هستم خاطر شریف مطمئن باشد. (نصرالله مشیرالدوله)

۳۱۶۴

سواد کاغذ وزارت خارجه به سعدالملک سفیر کبیر

تاریخ ۴ ذیقعده ۱۳۱۱ — ۷۱۲۸

درباب شصت تومان وظیفه جناب قدسی مآب حاجی شیخ عبدالرحیم و شصت تومان آقا میرزا اشرف واعظ شرعی اشعار فرموده بودید

سه ماه شش ماه همانطور که خواسته بودید به حضرت اشرف یادآوری میکنیم دستور فرمایند همه ساله در زمان اجرای آنرا هم ملاحظه باشند خاطر شریف

مطمئن باشد (نصرالله مشیرالدوله)

شمارهٔ سند: ۹۲۲

موضوع: مقرری حاج شیخ عبدالرحیم و میرزاعلی اشرف واعظ

نمرهٔ: ۷۱۸۷

تاریخ: ۲ ذی‌قعده ۱۳۱۸ هـ . ق

کارتن: ٤

پرونده: ۱

سواد کاغذ وزارت خارجه به حاجی شیخ عبدالرحیم در اسلامبول

مراسلهٔ شریفه سامی به توسط سفارت کبرای ایران رسید از مندرجات آن و سلامت احوال شما مستحضر و خوشوقت شدم. در خصوص وظیفهٔ خودتان و جناب آقامیرزاعلی اشرف واعظ شرحی نوشته بودید و از سفارت کبری هم اشاراتی شده بود، مطلع شدم. به وزارت دفتر ابلاغ نمودم که معادل شصت تومان وظیفهٔ شما به خرج کتابچه منظور دارند که از سنهٔ آتیه از ولایت مزبور دریافت نمایید، شصت تومان آقامیرزاعلی اشرف هم همه ساله در رکاب برات صادر شده وجه آن از خزانه وصول و به توسط سفارت کبری به مشارالیه خواهد رسید که مشغول دعاگویی ذات اقدس همایون و دوام دولت ابدآیت باشد. (نصراله مشیرالدوله)

۷۱۸۷

۳۱۶۴

سواد کاغذ وزارت خارجه بحاجی شیخ عبدالرحیم در بمبئی

۲۹ شهر ذیقعده الحرام ۱۳۱۱

مراسله شریفه سامی بتوسط سفارت کبرای ایران رسید از مندرجات آن و صحت احوال آن مستحضر و خوشوقت شدم در خصوص وظیفه

حقوق ثانی و جناب آقا میرزا علی اشرف واعظ شرحی نوشته بودید چهار روز از سفارت کبری هم اشاراتی شده بود مطلع شدم بوزارت دفتر

ابلاغ نمودم که امسال نصف ثانی وظیفه شما بخرج کتابچه منظور دارند از سنه آتیه از دولت مزبور دریافت نمایید نصف ثانی

آقا میرزا علی اشرف هم همه ساله در کتاب برات صادر شده وجه آن از خزانه وصول و بتوسط سفارت کبری بشما عالیه خواهد رسید

ذات اقدس همایونی و دوام دولت ابد آیت باشد (نصراله مشیرالدوله)

شمارهٔ سند: ۹۲۳

موضوع: گزارشی از اسلامبول در کشیدن راه‌آهن و کمک مسلمانان

نمره: ٦٨١

تاریخ: ۹ ذی‌حجه ۱۳۱۸ هـ. ق

کارتن: ۱۱

پرونده: ۱

نامهٔ سفارت ایران در اسلامبول به وزارت خارجه

سابقاً شرحی در خصوص ساختن راه‌آهن از شام تا مدینهٔ منوّره و مکهٔ مکرمه از طرف دولت عثمانی و جمع نمودن اعانه از اطراف، چه از مسلمانهای خاک عثمانی و چه از مسلمانهایی که در ممالک خارجه اقامت دارند، زحمت داده و یادآور شده بودم که اعلی‌حضرت سلطان به بنده هم اظهار فرمودند که در این باب مناسب است از جانب ملت و دولت ایران هم در این امر خیر که فایده آن به همهٔ مسلمانان راجع است شرکت نمایند و عقیدهٔ خود را در این فقره در ضمن لایحهٔ مذکوره عرض کرده‌ام که لازم است در ایران هم اعانه جمع شود و این روزها از امیر بخارا هم به طوری که در روزنامه رسماً اعلان کرده‌اند و اعلان مذکور را لفاً فرستادم مبلغ شانزده هزار لیرهٔ انگلیسی به عنوان اعانه راه‌آهن حجاز به اسلامبول فرستاده و تسلیم کومیسیون اعانه کرده‌اند و این پول را به توسط روسها به محلّ خود رسانیدند و این فقره فوق تصور در انظار عثمانی ها حسن تأثیر کرده است. حالا ملاحظه بفرمایید در صورتی که از طرف امارت بخارا وجهی به این گزافی فرستاده شود چطور می شود که از طرف اهالی ایران در این امر شرکت نکنند. از شرحی که در روزنامهٔ ملفوفه مندرج است مستحضر خواهید شد که تا چه درجه همه مسلمانها در دادن اعانه همت به خرج می دهند و هر روز روزنامه ها اعلان می نمایند اگر در هیچ کدام اسمی از ایران برده نشود حاجت نیست عرض بکنند که مفسدات آن در آتیه چقدر وخیم است. محمود.

[حاشیه، دستخط مظفرالدین شاه:]

جناب اشرف اتابک اعظم در نوشتجات سابق حکم کرده بودیم که این مسئله به ملاحظاتی لازم نیست اقتضا هم ندارد. امضاء مظفرالدین شاه

۹ شهر ذی حجة الحرام ۱۳۱۸

نمره ۴۶۸۱

[illegible]

سابقاً شرحی در خصوص ساختن راه آهن از شام تا مدینهٔ منوره و مکهٔ مکرمه از طرف دولت عثمانی

و جمع نقود اعانه در اطراف چه از مسلمانهای خاک عثمانی و چه از مسلمانهائی که در ممالک خارجه اقامت دارند

زحمت داده و یادآور شده بودم که اعلیحضرت سلطان به این امر اظهار رغبت فرموده در نهایت مناسب است

از جانب ملتی و دولت ایران هم در این امر خیر که فائدهٔ آن به همهٔ مسلمانها راجع است شرکت نمایند

و عقیدهٔ خودم را در این فقره در ضمن تذکرهٔ مذکوره عرض کرده‌ام که لازم است در ایران هم اعانه جمع شود.

امروزها از امیر کابل هم بطوری که در روزنامه‌ها رسماً اعلان کرده‌اند و اعلان مرکز ... نموده‌اند

مبلغ شانزده هزار لیرهٔ انگلیسی بعنوان اعانهٔ راه آهن حجاز با یک نفر فرستاده و تسلیم کمیسیون اعانه نموده است

کرده‌اند و این پول را توسط روزنامه‌ها عمومی خود بیان نموده و این فقره فوق‌التصور در انظار عثمانیها حسن تأثیر کرده است

حالا ملاحظه بفرمائید در صورتیکه از طرف امارت کابل وجهی به این گزافی فرستاده شود چطور

میشود که از طرف اهالی ایران در این امر شرکت نکنند. از شرحی هم در روزنامهٔ ملفوفه بنده را (؟)

مستحضر خواهید شد تا چه درجه همهٔ مسلمانها در دادن اعانه اهتمام بخرج میدهند و امروز در روزنامه‌ها

اعلان میشود اگر در اسلامبول اسمی از ایران برده شود حاجت به نیت (؟) عرض کنند بعد از آن است

[illegible]

شمارهٔ سند: ۹۲٤

موضوع: ادارهٔ مالیات و گمرک به وسیلهٔ فرنگی ها

نمره: ٦۹۲

تاریخ: ۹ ذی‌حجه ۱۳۱۸ هـ . ق

کارتن: ۵

پرونده: ۱۱/۱۷

نامهٔ سفارت ایران در اسلامبول به وزارت خارجه

محرمانه

به تجار از تبریز نوشته بودند که شهرت کرده است فرنگی به تبریز می فرستند آمده مالیات را اداره نماید و از این جهت کاغذها نوشته، به دیوارها چسبانیده و استنکاف از این فقره نموده پارهٔ تهدیدات کرده‌اند.

روز تحویل سال که رؤسای تجار و تبعه را به معمول ایران به سفارت کبری دعوت کرده بود به حضرات گفتم شما با اشخاصی که مکاتبه دارید و هم به کسان خودتان پارهٔ اطلاعات وتجربه های خود را بنویسید و چشم عوام را باز نمایید.

اگر در تبریز پاره‌ای اتفاقات دربارهٔ حکام یا بعضی اشخاص از اهل ولایت رو داده است، هم دولت عمداً اغماض فرموده و هم اشخاص صدمه خورده پاپی نشده‌اند، به واسطهٔ این است که اتفاقات خانه کی [خانگی] بوده ولی وقتی که پای خارجه در میان آمد کار شکل دیگر پیدا می‌کند.

وضع چین را شنیدید که پایتخت و شهرهای دیگر را زیر و زبر و خانهٔ اعیان و تجار و کسبه را غارت و ویران کردند و از هر طبقه یکی را آورده به دار کشیدند، خارجه دست برنمی دارد. اهل تبریز بدعادت شده‌اند، آخر کاری می‌کنند که صدمه به وضیع و شریف می رسد.

وانگهی حالا که عمل گمرک منظم شده است چه عیب دارد، ابتدا که بعضی ها تشویش داشتند حالا می بینند چقدر راحت است. مالیات دولت اگر منظم باشد همهٔ کارها مرتب می شود، امورات که منظم شد همه در داخله و خارجه در امنیت و عافیت مانده با عزّت و شرف زندگی می‌کنند.

همگی تصدیق نمودند، ولی این فقرات را باید در تبریز به وسایل مناسب به همهٔ رؤسا از هر قبیل بیان نمود و حالی کرد و مردم را به مخاطرات اجماع بازی و شلق کاری ملتفت و متوجه نمود. که امروز بی‌نظمی و پریشانی تمام کارها از عدم انتظام و خرابی عمل مالیات است و اگر خیالی در اصلاح مالیات در نظر است نباید به این حرفها متقاعد و صرف نظر نمود.

لیکن باید مثل عثمانی ها کرد، رئیس ایرانی باشند و معاون آنها فرنگی، فرنگی با مردم طرف نشود فقط دستورالعمل و تعلیم از او باشد، اجری و عمل با مأمور داخلهٔ مملکت. و همهٔ فرنگی ها که در خدمت هستند کلاه بگذارند هرگز آنها از این فقره تمرد نمی‌کنند. فرنگی به دلیل و حکمت گوش می دهد، وقتی که به فرنگی حالی حالی کردند که عوام به کلاه عادت کرده از (شاپقه) متوهم می شوند و نزدیک نمی آیند فرنگی با کمال میل کسوت ایرانی را قبول می‌کند. در تمام دوایر عثمانی ها عمدهٔ کاردان و مؤسس فرنگی است، ولی رئیس و مأمور اجری عثمانی است، با فرنگی طرف نیستند در ایران هم اشکالی ندارد این طور مقرر بفرمایند و تا عمل مالیات اصلاح نشود از خطر و زحمات آتیه ایمن نتوان شد. امر امر اولیای دولت علیه است. محمود

[حاشیه:]

ـــ در دفتر مطالب محرمانه ثبت شد.

[دستخط مظفرالدین شاه:]

ملاحظه شد، و این حرفها گذشته و مرتفع است.

۵ شهر ذی‌حجة الحرام ۱۳۱۸
نمره ۴۹۲
در دفتر مطالب محرمانه ثبت شد

محرمانه

به کارگزار تبریز نوشته بودند که شهرت کرده است فرنگیها به تبریز فرستاده‌اند همه جا ساکت [illegible] و اداره‌ها

و از اینجا هم کاغذها نوشته به بوارها حساب شده و کشف از این فقره کرده باره تهدید است که در آن

روز تحویل سال در رؤسای تجار و تبعه را معمول ایران تبریک عید کنند دعوت که با حضرات

گفتم شما با اشخاصی دستگاه دارید و یک آن خود را باره اطلاعات و تجربه‌های خودتان نوشته و چشم

عوام را باز نمایند اگر در تبریز باره اتفاقات درباره حکام یا بعضی اشخاص لذا این ولایت

روحانیه است هم دولت عهده اغتشاش فرجه و هم اشخاص صدمه خورده [illegible] نشر اکثر به واسطه

این است اتفاقات خانه که بعد و قیلستکه‌ها خارجه در بیل آمد کار شخص مشیر به اینکه

وضع حسن را شنیده در بیان تخت و شهرهای دیگر را از وزیر و خانه اعیان و تجار دو گسته بود

غارت و ویران کنند و از این طبقه یک را آورده بیدار گشته‌اند خارجه دولت زحمت دارد

اهل تبریز به عادت شریک آخر کاری کنند و صدمه به تو ضعیف و شریف میرسد و اکنون

حالا دو ماهی که تبریز منظم شده است چه عیب دارد البته اگر بعضی‌ها تشویش داشته باشند

می‌بینید چقدر زحمت است تا بات دولت که منظم باشد همه کارها

مرتب میشود امورات منتظم شده همه در داخله و خارجه در امنیت

و عافیت باشند با عزت و شرف نظر کرده میکنند

[illegible]

ولی این فقرات را باید در تبریز به روسهای مناسب بفهمانید روس از هر قسمی سالم نمود حالی کنید

و مردم را بمخاطرات اجتماع بازی و شلوغ کاری ملتفت و متوجه نمود و امروز بی نظمی و ترتیب

تمام کارها از عدم انتظام و خرابیهای عملیات است و اگر خیالی در اصلاح عملیات

در نظر است باید به تحریکات متفرقه و صرف نظر نمود لکن باید بیشتر عقلا و نجبا گوشزد کرد

ایرانی باشند و مسلمان آنها فرنگی‌مآب و مردم طرف شوند فقط وطن‌پرستی و تعلیم لازم باشد.

اولیای جمهوری با امور داخله مملکت و اینها فرنگیها در درجه بیست هستند کلاه که از

هرگز آنها از این فقره تمرد نمی‌کنند فرنگیها پلیتیک و حکمت گوش میدهند و مشغول تمدن خالی

خالی کنید عوام تقلید عادت که از (شاه تقی) تقدم نمی‌کنند و تمکن این است که فرنگیان

هیچ‌کس کمکی به ایرانی رحمی نمی‌کنند در تمام ادارات ایشان عمده کار دارند و مشغول ترقی هستند

لکن ریش و امور اولیای عقلانی است با فرنگی طرف نشده در ایران هم اتفاق خواهد افتاد

انطور مقرر بوده باشند و ما عملیات اصلاح شود از خطر و زحمات آنها آسوده خواهیم بود

شاه امر ادبیات ریاست عظمیه است محمدعلی

شمارهٔ سند: ۹۲۵

موضوع: فرار علی رضاخان حاکم گروس به خاک عثمانی

تاریخ: ۲۰ ذی الحجه ۱۳۱۸ هـ . ق

کارتن: ۱

پرونده: ۱۱

نامهٔ ژنرال قونسولگری ایران در بغداد به وزارت خارجه

تصدقت گردم، در ضمن عرایض تلگرافی و تحریری به عرض حضور مبارک بندگان حضرت مستطاب اجل اشرف ارفع اعظم عالی روحی فداه رسانده‌ام که در باب اعادهٔ علی رضاخان از مندلی با جناب والی پاشا مخابره نمودم، جناب مشارالیه جواب دادند که از جانب صدارت عظمای عثمانی از اسلامبول تلگرافاً استعلام نموده بودند، من هم تفصیل آمدن او را به مندلی و التجا و دخالت او را تلگرافاً جواب دادم ولی از صدارت عظمی امری بر طرد و اعادهٔ او نرسیده است. هر وقت از صدارت عظمای اسلامبول امری بر طرد و اعادهٔ او صادر شود، البته اعاده داده می شود. و اظهار و خواهش نمودند که فدوی به حضور مبارک عرض و جسارت نمایم که چنانچه صلاح دانند امر و مقرر فرمایند وزارت خارجه و سفارت کبری با باب‌عالی مخابره نمایند و قرار بدهند که از این تاریخ به بعد از طرفین فراری‌های طرف دیگر قبول نشود. اگر چنین قراری مابین اولیای عظام دولتین علیتین داده شود، خیلی اسباب آسودگی طرفین و استراحت عموم اتباع دولتین علیتین ساکنین حدود می باشد و اظهار نمودند که من هم این فقره را به باب‌عالی و سفارت کبرای عثمانی مقیم دارالخلافه طهران می نویسم که ایشان هم اقدام نمایند شاید این طور قرار داده شود که موجب آسودگی طرفین خواهد بود.

بعد از این گفتگوها تلگراف از مندلی برای جناب والی پاشا و برای فدوی رسید که هادی‌خان مأمور تلگرافخانهٔ قصر به مندلی آمده و علی رضاخان را به قصر بُرد و از خارج شنیده شد علی رضاخان گفته است که در قصر با ایالت کرمانشاه مخابره می‌کنم اگر امور من به طوری که می خواهم انجام گرفت خیلی خوب و الّا باز به خاک عثمانی خواهم رفت. فدوی به سفارت کبرای دولت علیهٔ مقیم اسلامبول تلگراف نمودم که امر قطعی از صدارت عظمی به ایالت بغداد صادر نمایند که علی رضاخان را اعاده

دهند، که بدون امر قطعی صدارت عظمی ایالت بغداد به طرد و اعادهٔ او اقدامی نخواهد کرد و احتمال می‌دهم که اگر مخابرات علی رضاخان در قصر موافق میل او نشد باز به خاک عثمانی فرار کند. احتیاطاً صدور این امر قطعی از صدارت عظمای عثمانی لازم است که اگر بخواهد باز به خاک عثمانی مراجعت نماید نگذارند داخل خاک عثمانی شود، زیاده جسارت است. امر اجل اکرم اشرف ارفع اعظم عالی مطاع. فدوی محمود.

[حاشیه، دستخط مظفرالدین شاه:]

جناب اشرف اتابک اعظم نوعی قرار بدهید که دوباره مأیوس نشده و معاودت نکند. امضا: مظفرالدین شاه

قونسول ژنرالی دولت علیهٔ ایران

در بغداد نمره

تاریخ معروضه ۲۰ شهر ذی‌الحجة الحرام ۱۳۱۸

تصدقت گردم

در ضمن عرایض تلگرافی و تحریری بعرض حضور مبارک بندگان حضرت مستطاب اجل اشرف ارفع اعظم عالی روحی فداه رسانده‌ام که در باب اعادهٔ علیرضاخان ارزنده‌لی با جناب والی پاشا مخابره نمودم جناب مشارالیه جواب داده‌اند که از جانب صدارت عظمای عثمانی از اسلامبول تلگرافاً استعلام نموده بودند در باب تفصیل آمدن او در ارزنده‌لی و در آنجا و دخالت او را تلگرافاً جواب دادم ولی از صدارت عظمی امری بر طرد و اعادهٔ او نرسیده است هر وقت از صدارت عظمای اسلامبول امری بر طرد و اعادهٔ او صادر شود البته اعاده داده می‌شود و اظهار و خواهش نمود که فدوی بحضور مبارک عرض و جسارت نمایم در صورتیکه صلاح دانند امر و مقرر فرمایند وزارت خارجه و سفارت کبری با اولیای دولت علیه مخابره نمایند و قرار بدهند که از این تاریخ بعد از طرفین فرار اهالی طرف دیگر قبول نشود اگر چنین قراری مابین اولیای عظام دولتین علیتین داده شود خیلی اسباب آسودگی طرفین و راحت عموم اتباع دولتین علیتین ساکنین حدود می‌باشد و اظهار نمود که فدوی هم این فقره را بباب عالی و سفارت کبرای عثمانی مقیم دارالخلافه طهران می‌نویسم که ایشان هم اقدام نمایند شاید این طور قرار داده شود که موجب آسودگی طرفین خواهد بود

بعد از این گفتگوها تلگرافی از ارزنده‌لی برای جناب والی پاشا و برای فدوی رسید که اهالی مأمور تلگرافخانه را در قصر بندلی آمده و علیرضاخان را بقصر برد و از خارج شنیده‌ام علیرضاخان گفته است در قصر با اهالی که تا چه مخابره بکنیم اگر امور در نظر رفیع نخواهیم انجام گرفت خیلی خوب والّا ...

شمارهٔ سند: ۹۲۶

موضوع: گزارش خرید خانهٔ ییلاقی مشیرالدوله

نمره: ٥٤

تاریخ: ۲۰ محرم ۱۳۱۹ هـ. ق

کارتن: ۱۱

پرونده: ۲۹

نامهٔ سفارت ایران در اسلامبول به وزارت خارجه

در خصوص ییلاق مرحوم حاجی شیخ محسن خان مشیرالدوله در طهران مکرر به عرض اولیای دولت علیه رسانیدم و قرار شد که یک دِه خالصه که تقریباً ۲۵ هزار تومان قیمت داشته باشد دولت علیه به ورثهٔ مرحوم مشیرالدوله بدهند و این ییلاق را از ورثهٔ آن مرحوم ابتیاع بفرمایند، مستدعی است در این باب چون وقت ییلاق می رسد قرارداد دولت علیه را مرقوم بفرمایید که هم تکلیف ورثهٔ آن مرحوم معلوم بشود و هم تکلیف سفارت و اگر چنانچه اولیای دولت از خیال خریدن ییلاق صرف نظر فرموده اند آن را هم مرقوم بفرمایید تا به مضمون وکالت‌نامهٔ عیال مشیرالدوله مرحوم که در خصوص فروش آنجا به منیع السلطنه داده است بسپارم در اینجا اقدامات لازمه را به عمل بیاورند که بلکه آن بیچاره‌ها آسوده بشوند.

[حاشیه: دستخط مظفرالدین شاه:]

عجالتاً پولی نیست که ییلاق خریده شود. اثر مهر ارفع الدوله

۲۰ ذیقعده ۱۳۱۹

نمره ۵۴

در خصوص ییلاق مرحوم حاجی شیخ محسن خان مشیرالدوله در طهران که در عرض اولیای دولت علیه
مذکور شده یک ده خالصه را تقریباً ۲۵ هزار تومان قیمت داشته باشد
دولت علیه به ورثه مرحوم مشیرالدوله هبه نموده و این ییلاق را از ورثه آن مرحوم ابتیاع بفرمایند
مستدعی است در این باب چون وقت ییلاق نزدیک رسیده قرار داده دولت علیه را مرقوم
بفرمایند که هم تکلیف ورثه آن مرحوم معلوم شود و هم تکلیف سفارت و اگر چنانچه اولیای
دولت از خیال خریدن ییلاق صرف نظر کرده باز آن را هم مرقوم بفرمایند تا به یقین
وکالت نامه عیال مشیرالدوله مرحوم را در خصوص فروش آن به منیع السلطنه داده است بسپارم
در این باب اقدامات لازمه را لابد بیاورند که آن بیچاره ها آسوده شوند

شمارهٔ سند: ۹۲۷
موضوع: حکم مجدالسلطنه و برقراری مواجب و تیول از محال صومای و برادوست و ایل شکاک و...
تاریخ: شعبان ۱۳۱۹ هـ . ق
کارتن: ۳۲
پرونده: ۱۸

حکم مجدالسلطنه از طرف محمدعلی میرزا ولیعهد

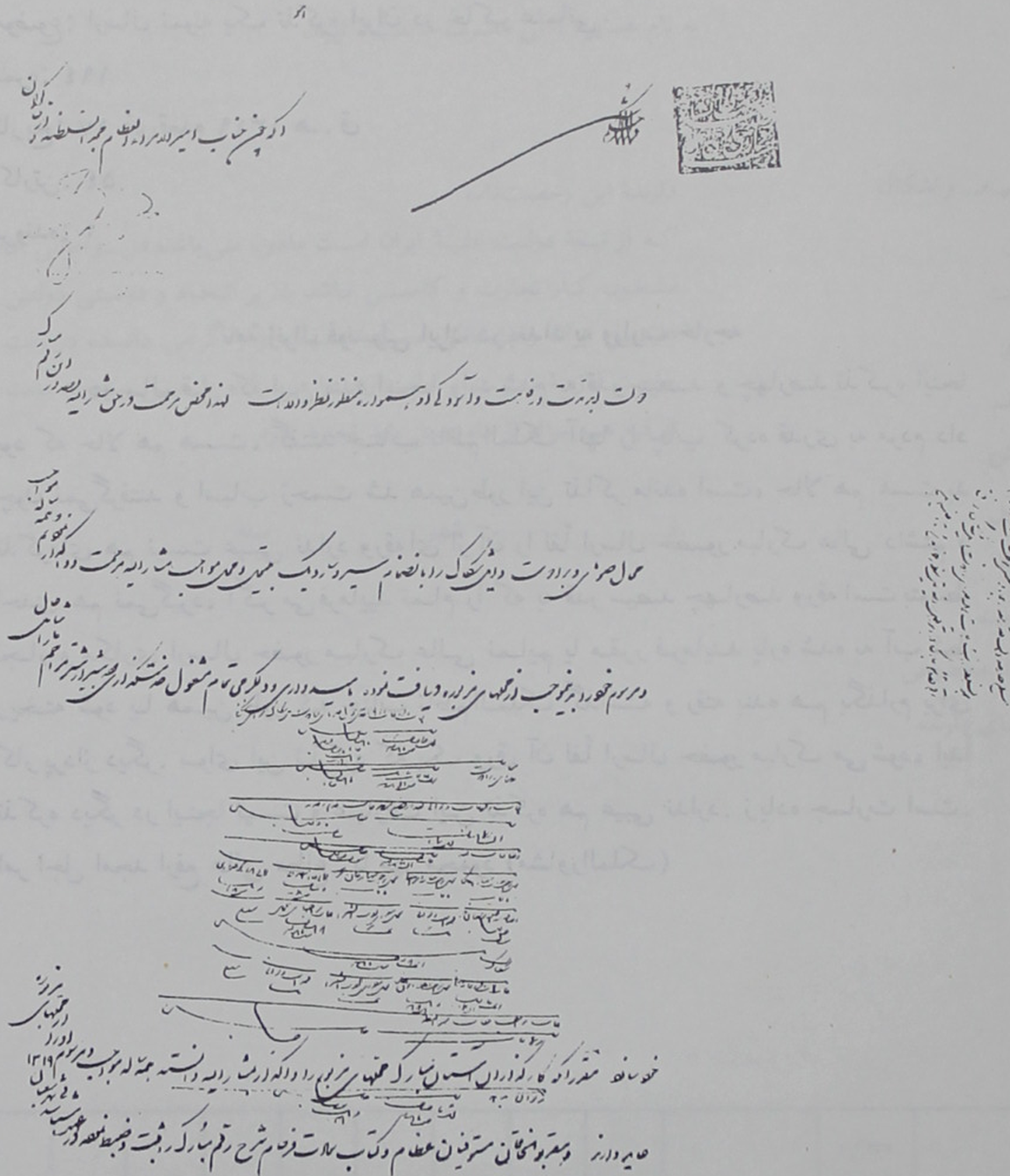
حکم والا شد

آنکه چون جناب امیرالامراء العظام مجدالسلطنه از چاکران دولت ابدمدت و رفاهت و آسودگی او همواره منظور نظر والاست. لهذا محض مرحمت در حق مشارالیه به صدور این رقم مبارک محال صومای و برادوست و ایل شکاک را به انضمام سیر و ساردیک به تیول و محل مواجب مشارالیه مرحمت و واگذار نمودیم که همه‌ساله مواجب و مرسوم خود را بدین‌موجب از محلهای مزبوره دریافت نموده به امیدواری و دلگرمی تمام مشغول خدمتگزاری بوده بیشتر از پیشتر مراحم ما را شامل حال خود سازد*. مقرر آنکه کارگزاران آستان مبارک محلهای مزبور را واگذار به مشارالیه دانسته همه ساله مواجب و مرسوم او را از محلهای مزبوره عاید دارند و مقربوالخاقان [مقرب الخاقان] مستوفیان عظام و کُتّاب سعادت فرجام شرح رقم مبارک را ثبت و ضبط نموده در عهده شناسد. فی شهر شعبان ۱۳۱۹

[حاشیه:] مبلغ چهارصد تومان نقد و مقدار پنجاه خروار جنسی مواجب جناب امیرالامراء العظام مجدالسلطنه از بابت مالیات محال صومای برادوست و ایل شکاک موافق به رقم قضا مسلّم مبارک در دستورالعمل ارومیه تیول منظور خواهد شد تا واضح باشد.

[پشت نامه مُهر:] ۱. امیرنظام، سردار کل ۲. ثقة‌الدوله ۳. مشیرنظام، وزیر مالیه

* صورت تقسیم مواجب و مقرری معین شده، بدون بازخوانی در اصل سند منظور است.



شمارهٔ سند: ۹۲۸
موضوع: ارسال نمونه یک تذکره ایران در خاک عثمانی
نمره: ۱۹٤
تاریخ: ۱۷ ذی‌قعده ۱۳۱۹ هـ. ق
کارتن: ٥٤
پرونده: ۱

نامهٔ ژنرال قونسولی ایران در بغداد به وزارت خارجه

دو سال قبل که این بنده اینجا وارد شدم به قدر سیصد و چهارصد تذکره اینجا بود که حالا هم هست، گفتند جناب ناظم‌الملک آنها را چاپ کرده قدری به مردم داد چون نمی‌گرفتند و اسباب زحمت شد همین‌طور این تذاکر مانده است، حالا هم هست بد تذکره‌ای هم نیست عیبی ندارد ورقه‌ای از آن را لفاً ارسال حضور مبارک عالی داشتم و احدی هم نمی‌گیرد، اگر می‌فرمایید تمام را که به قدر سیصد چهارصد ورقه است بتوسط تجار و مکاری ارسال حضور مبارک عالی نمایم یا مقرر فرمایند پاره شده به آب شط ریخته شود یا همین طور که جناب ناظم‌الملک گذاشته و رفته بنده هم بگذارم برای کارپرداز دیگر. سوای این تذکره که یک ورق آن لفاً ارسال حضور مبارک می‌شود، ابداً تذکره دیگر در اینجا نیست و عبارات این تذکره هم عیبی ندارد. زیاده جسارت است. امر اجل امجد ارفع عالی مطاع. با مهر محمود (مشاورالملک)

تذکرهٔ اقامت

نمره

به نام همایون اعلی حضرت شاهنشاه ایران

اوصاف و اشکال

سن

قامت

موی

چشم

ریش

سبیل

سواد

صنعت

نشان مخصوص

امضای دارنده

دارندهٔ این رخصت‌نامه

که از تبعهٔ دولت علیهٔ ایران است ماذون می باشد در... وحوالی آن مشغول کار تجارت و کاسبی باشد بنا بر اتحاد و دوستی دولتین علیتین ایران و عثمانی سمت تابعیت او را گرامی دانسته در وقت حاجت لازمهٔ رعایت و جانبداری را دربارهٔ او به عمل بیاورند مدت تذکره همه ساله از ماه حمل باید تجدید شود.

فی شهر سنه ئیل

	[illegible]										
[illegible]		[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]

قونسول ژنرالی دولت علیهٔ ایران

در بغداد نمره ۱۹۴

تاریخ ۱۷ شهر محرم الحرام ۱۳۱۹

در سال قبل از این بنده اینجا وارد شده تذکره بقدر سیصد و چهار صد

اینجا بود که خالی از اسم است گفتند جناب ناظم الملک آنها را

چاپ کرده قدری بمردم داد چون نمیگرفتند و اسباب زحمت شد

همینطور این تذکره ها ماند بیست حالا هم هست بد تذکره هم نیست

عیبی ندارد و ورقه از اسم الف ارسال حضور مبارک عالی داشتم

وجهی اسم نمیگیرد اگر میفرمایید تمام را که بقدر سیصد چهار صد

ورقه است توسط تجار و مکاری ارسال حضور مبارک عالی هم

یا مقرر فرمایند پاره شده باب نتیجه نشود یا همینطور

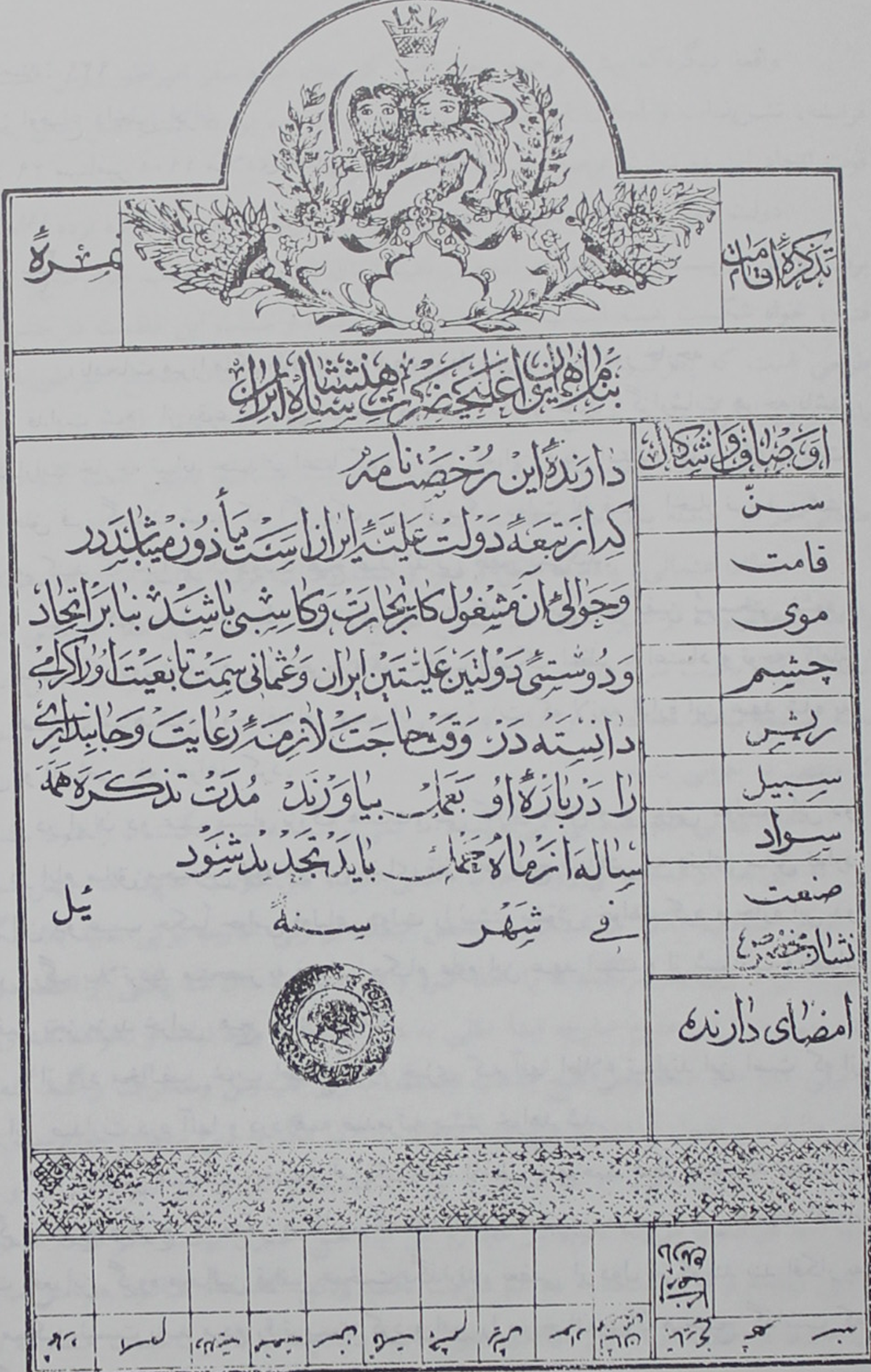
که جناب ناظم الملک گذاشته ورقه بنده هم میگذارم برای

کارپردازی سوای این تذکره هر طور امر فرمایند

ارسال حضور مبارک میشود ابدا تذکره دیگر در اینجا نیست

و عبارت این تذکره هم عیبی ندارد زیاده جسارت است

امر همی امید از دعا عالی مطاع



تذکرهٔ اقامت

نمره

بنام همایون اعلیحضرت شاهنشاه ایران

اوصاف و اشکال

سن

قامت

موی

چشم

ریش

سبیل

سواد

صنعت

نشان مخصوص

دارندهٔ این رخصت نامه

که از تبعهٔ دولت علیهٔ ایران است مأذون میباشد در

و حوالی آن مشغول کار تجارت و کاسبی باشد بنا بر اتحاد

و دوستی دولتین علیتین ایران و عثمانی همت تابعیت او را گرامی

دانسته در وقت حاجت لازمهٔ رعایت و جانبداری

را دربارهٔ او بعمل بیاورند مدت تذکره همه

ساله از ماه محرم باید تجدید شود

فی شهر سنه ئیل

امضای دارنده

شمارهٔ سند: ۹۲۹
موضوع: اوضاع داخلی ایران
تاریخ: ۲۹ سپتامبر ۱۹۰۱ میلادی مطابق ۱۳۱۹ هـ. ق
کارتن: ۱۷
پرونده: $\frac{۳٤}{۷}$

نامجات میرزا ملکم خان ناظم الدوله از پاریس به وزیر امور خارجه

فدایت شوم، از وقوعات طهران خبر صحیح ندارم، حقایق گزارشات هرچه باشد به انتشارات خارجه نباید چندان اعتنا کرد، زیرا که این قبیل انتشارات به طوری قوت یومیهٔ خلق فرنگستان شده که اگر یک روز از یک دولت آن قبیل اخبار نرسد بیشتر تعجب می‌کنند که چرا از آن دولت هیچ صدا ندایی ظهور نمی‌کند.

چیزی که محل ملاحظه است این است که در حق مخالفین پُرسختی نشود. شکی نیست که دولت‌خواهی و تجربه و قوت قلب اتابیک اعظم با اعتماد و توجه کاملهٔ اقدس همایون شاهنشاه روحنافداه، همه این جزئیات که لازمه ادارهٔ این عهد شده به خوشی و اغماض رفع خواهد کرد.

در ایران دو عیب بسیار بزرگ هست، بی کاری خلق و بی پولی دولت، این دو عیب در ایام سابق محسوس نبود در این دنیای تازه که هیچ شباهتی به دنیای سابق ندارد نتایج این دو عیب حکماً حواس اولیای دولت را بیشتر مشوّش خواهد کرد و چارهٔ این دو عیب بزرگ بلا تردید منحصر به قبول احکام علوم این عهد است و از شماتت و افساد مخالفین بجز مزید خرابی هیچ ثمری نیست.

از درد مخالفین خوب اطلاع دارم چیزی که آنها اطلاع ندارند این است که از تغییر این صدارت درد آنها و درد همه صدمرتبه بیشتر خواهد شد.

قتل رئیس ممالک مجتمعه آمریک مایهٔ تأسف و موجب غیظ عامه شد نسبت به آن گروه هرج و مرج که منکر هر قانون شده‌اند اغلب معتبرین در صدد این هستند که به جهت دفع این گروه مجانین قوانین سخت بگذارند، بعضی از دول می‌گویند سد افکار به زور ممکن نیست باید مردم را تربیت کرد و امور را بر چنان بنیان صحیح گذاشت که هرزگی جهال هیچ اثری نبخشد.

واقعهٔ دیگرهٔ که بیش از همه محل دقّت کل دول شده سفر امپراطور روس است به فرانسه، تشریفات و اجلال این سفر که خارج از حساب بود به کنار اصل عمل یعنی قوت اتحاد این دو دولت عرصه پولتیک دنیا را تغییر داد.

دولت روس از هم‌عهدی فرانسه در مشرق و مغرب منافع بی اندازه برده و خواهد برد. در این دویست سال گذشته آنچه در دنیا اتفاق افتاده خواه جنگ خواه صلح، خواه فتح، خواه شکست همه اسباب مزید قدرت روس شده و سبب این عظمت در حسن آن طرحی است که پطرکبیر از برای دولت خود مقرر کرد با آن بنیان صحیح امپراطور هرچه باشد و وزرا هرکه باشند ممکن نیست که دولت ساعت به ساعت ترقی نکند.

تازگی دیگر قطع مراوده فرانسه است با دولت عثمانی بدیهی است که دولت عثمانی در این مسئله باید حکماً متضرر بشود.

سلطان عثمانی، پادشاه عاقل و غیور و مسلماً طالب ترقی دولت است اما چون به واسطهٔ عدم تربیت از علوم حالیهٔ دنیا بکلی خارج مانده است از روی عقل شخصی خود آنچه می‌کند باعث تنزل دولت می‌شود، بعد از آنکه طرح اصلی یک دولت موافق علوم معینه صحیح نباشد مجاهدت و تدابیر فرعی هر قدر هم پسندیده به نظر بیاید ممکن نیست که منتهی به خرابی نشود.

عقلای بی‌علم عثمانی می‌گویند، ما نمی‌توانیم تدابیر فرنگستان را قبول بکنیم زیرا که دین ما از دست می‌رود، خیال باطلی حرف لغو. دولت جاپون که چهل سال قبل از این در دنیا بکلی مفقود بود به محض اینکه از ترقی خارجه بویی شنید بلادرنگ جمیع علوم و ترتیبات فرنگستان را اخذ کرد و در مدت ده سال شد یکی از اعظم دول روی زمین و از این علوم خارجه ابداً خللی به دین آن ملک وارد نیامد و نخواهد آمد زیرا که ترقی دنیا مال مخصوص هیچ مذهب نیست. تحریر اقلیدوس و تلغراف و گنه گنه و تنظیم مالیات و اصول آبادی به هیچ دین منافات ندارد، مگر به دین سفهای خودپرست.

کل سفرای مقیم رُم بلااستثنا و بزرگان و نجبای ایطالیا در خارج هستند و با اغلب آنها در اینجا مراوده دارم، در خود رم این ایام هیچ خبری نیست مگر اینکه طاعون به ناپل رسیده و دور نیست به رم هم سرایت بکند ولکن الحمدلله طاعون هم مثل سایر علل صوری و معنوی در مقابل دواهای علوم حالیهٔ دنیا چندان مخرب نیست انشاءالله در موعد مراجعت سفرا بنده در رم حاضر خواهم بود.

در باب بعضی نشانها که موافق سلیقه دولتی باید در سایر دول و در ایطالیا داده شود بعضی ملاحظات مختصراً عرض کرده‌ام جوابی نرسید نمی‌خواهم اوقات اولیای دولت علیه را به تکرار عرایض ضایع بکنم فقط یک کلمه عرض می‌کنم که در میان شئونات دول مستقله از همه گران‌بهاتر همین حق عطای نشان است و اقتضای شأن شاهنشاهی این است که قبل از قبول نشانهای خارجه اول خود شاهنشاه به دیگران نشان التفات فرماید، این قبیل حقوق را که به منزلهٔ روح استقلال است نباید به آسانی فراموش و فانی کرد.

در باب تعیین قونسول در جزیره ساردینا که از جانب جناب وزیر مقیم ایطالیا سفارش شده است با کمال میل در اجرای آن سعی خواهم کرد ولیکن از برای قونسولی میلان سابقاً به شخص معتبری وعده شده است که باید رعایت بکنم.

در باب این فقره نصب قونسولها و حقوق آنها در خارج هر وقت بندگان آن جناب مستطاب فرصت شنیدن داشته باشند باید به حکم لزوم شرحی عرض بکنم.

مرقوم شده بود که جناب ممتازالملک به مدیری ادارهٔ ایطالیا مقرر شده جناب ایشان را حضوراً چندان نمی‌شناسم ولیکن از کفایت و معقولیت ایشان به توسط دوستان و آشنایان ایشان و عابرین تفلیس این‌قدر توصیفات حقیقی شنیده‌ام که موافق قاعده باید وجود بسیار ممتاز باشد. ریشهٔ اعتبار و خزانهٔ یک دولت در وجود عمال کافی است و حضور چنان اشخاص از برای چاکران دولت باید موجب خوشوقتی و تهنیت باشد.

خبر سفر مبارک بندگان اقدس همایون شاهنشاهی به فرنگستان چندی است به طور صریح تکرار می‌شود، اشخاصی که از طهران اطلاعات مستقیمه دارند می‌گویند حکماً تشریف خواهند آورد، بعضی اصرار دارند که در ایران استطاعت سفر باقی نمانده این حرف آخر قابل شنیدن نیست در دولتی که به قدر ده دولت دیگر وسعت و از هر دولت بیشتر خزاین طبیعی دارد حرف بی‌پولی در مقابل قدرت اداره، این عرض کفر واقعی خواهد بود و یقین دارم که اگر از برای حضرت اتابیک اعظم دماغ کار باقی گذاشته باشند به اندک همّت ثابت خواهد کرد که چنان حرف در دهن دولت ایران چقدر لغو و چقدر قبیح بوده است.

امضا و نوشته: ملکم

[حاشیه:]

ــ پاکت دهم مشتمل بر شش نمره و دو پاکت بدایره مخصوص.

2 rue Pierre-Charron   پاریس ۲۹ سپتامبر ۱۹۰۱

۲/۸

پاکت دهم متضمن شش نمره دو و یک هزار نهصد

فدایت شوم از وقوعات طهران خبر صحیح ندارم حقایق گذارشات هر چه باشد بشارات خارجه باید

چنان دانسته که زیرا که این قبیل بشارات ... قوت ... ضعف ... شده و اگر یک ... از ... دولت

آن قبیل اخبار را بیشتر تعجب میکنند چرا ایران دولت ... صدا ظاهر نمیکنند چیزیکه ممکن ... است

اینست در حق مخالفین به سختی نمود ... است و ... تجربه و دقت ... اتابیک اعظم با اعتماد

و توجهی که ... پاریس ... همه این جزئیات لازمه اداره این عهده ... اشخاص

رفع خواهد کرد. در ایران دو عیب بزرگ است بیکاری خلق و ... دولت این دو

عیب در این ... محسوس نمود در این زمان تازه در هیچ شاهنشاهی ... سابق ندارد تاریخ این دو عیب کمال

... دولت ... شتر ... خواهد و چاره این دو عیب ... بلا تردید ... احکام

... این ... است ... مخالفین ... هیچ ثمری نیست. از ... مخالفین خوب

اطلاع دارم چیزیکه ... اطلاع ندارم اینست که از تغییر این صدارت در ... همه صدمه ...

حتی رئیس ممالک مجتمعهٔ امریک مایه تأسف و موجب تغیّظ به شدت نسبت به آن کرده هرج و مرج در چین

بی قانون شده اند غیر معتبری در صدد این هستند که بجهت دفع این گروه‌ها بعضی قوانین سخت بگذارند

بعضی از دول میگویند که افکار بد در ممکن نیست به هر وسع تربیت کرد و امور هر چنان بنیان صحیح

گذاشت که هرگز جدال هیچ اثری نبخشد .

واقعهٔ دیگر که در پیش از همه مهم‌تر و دقت کل دول شده سفر امپراطور روس است به فرانسه و تشریفات

و اجلال این سفر خارج از حد است بنظر اهل عقل یعنی قوت اتحاد این دو دولت عرصه به دیگران تنگ میکند

دنیا سو تغییر داده . دولت روس از همه‌جهت قرار داده در شرق و مغرب منافع با اندازه بکف خواهد برد .

در این دو سه سال گذشته آنچه در دنیا اتفاق افتاده خواه جنگ خواه صلح خواه فتح خواه شکست همه

اسباب مزید قدرت روس شده و سبب این عظمت در حسن آن طرحی است که در پطرزبورغ از برای دولت خود مقرر کرده

با آن بنیان صحیح امپراطور هر چه باشد دولت را مرتبه به مرتبه ممکن نیست که دولت سابق ترقی کند .

۳

تا از یکدیگر قطع قرار داده فرموده است با دولت عثمانیه بهتر است در دولت عثمانی در این مسئله یک کلمه مختصر بشود.

سلطان عثمانی پادشاه عاقل رعفور و مسئله طالب ترقی دولت است اما چون بواسطه علوم ربانیه از علوم خارجه دنیا

بکلی خارج مانده است از روی غفلت شخصی نیست آنچه میگویند باعث تنزل دولت میشود بعد از آنکه طرح اصلاح

یک دولت موافق علوم معقوله صحیح باشد محال است و تدابیر شرعی هر قدر هم پسندیده بنظر بیاید ممکن نیست

منتهی بنتیجه شود. عقلای بی علم عثمانی میگویند ما نمی‌توانیم تدابیر فرنگستان را قبول کنیم زیرا که

دین ما از دست میرود. خیالی باطل حرف لغو. دولت ژاپون در چهل سال قبل از این در دنیا بکلی مفقود

بود بمحض آنکه از ترقی خارجه بوئی شنیده بلادرنگ جمیع علوم و ترتیبات فرنگستان را اخذ کرد و در مدت

ده سال شدیداً از اعظم دول روی زمین و دارای علوم خارجه و اما حالا بهتر از آن ملک دارو نیز و تحکیم کرد زیرا که

ترقی دنیا بملل مخصوص هیچ مذهب نیست تحریر اقلیدس و تلغراف و کشتی و تنظیم مالیات و

اصطلاحات ادبی بهیچ دین مذاهب ضرر وارد نکرد بلکه این سفیهان خیال پرست.

۴

کمی سفرای مقیم رم حالا استفسار درباره دستجات ایتالیائی در خارج شده و با عرب انتها در [illegible] مرا داده دارم

در خصوص [illegible] که الان هیچ خبر [illegible] نیست [illegible] اسلحه طاعون [illegible] رسیده و داده است [illegible] رم هم برای [illegible] کنند و لکن

الحمدلله طاعون [illegible] صحبت [illegible] در [illegible] دواهای عمده [illegible] دنیا چنان خراب است الی آخر

در مدت عمده مراجعت سفرا بنده در رم حاضر خواهم بود.

در باب معرفت نشان [illegible] مراتب [illegible] دولتی [illegible] دول در ایتالیا داده [illegible] معرفی [illegible]

مختصرا عرض [illegible] منتخبم [illegible] در [illegible] ضایع کنم فقط [illegible]

عرض میکنم که در میان [illegible] دول متبوعه از همه گران بهاتر همان نشان طلای است [illegible]

اقتصادی شان نهایت هر است و قبل از [illegible] نشان خارجه اول [illegible] ایران [illegible]

القصه [illegible] این [illegible] حقوق [illegible] منزله روح [illegible] است [illegible] دادن نشان [illegible]

۵

در باب تعیین قنسول در جزیره سردینیا که از جانب جناب وزیر مقیم ایطالیا اظهار شده است

باحتمال میدهی در اجرای آن تعجیل نمایم ولیکن از اینکه قنسول میلان سابقاً که معتبر نبوده عده شده است

در این باب تأمل میکنم. در باب اینکه فقره اضافه قنسولها و حقوق آنها در بودجه هر وقت به ملاحظه

انجام مرتبط فرصت نشستن داشته باشم بکلی از دخل و خرج خبر خواهیم داشت.

مرقوم شده بود که در جنب پیشتاز [illegible] که مدینه درباره ایطالیا مرقوم شده جناب ایشان [illegible] را

چندان نمی‌شناسم ولیکن از کفایت و معقولیت ایشان توسط دوستان و آشنایان ایشان

در عالم [illegible] تفحص اینقدر توصیفات حقیقی شنیده‌ام که موافق قاعده با وجود بسیار تمکن

[illegible] بیشتر اعتبار و خزانه یک دولت در وجود عمال کافی و معقول چنان اشخاص از ارکان بهار[illegible] دولت

به موجب مندرجات تهنیت [illegible].

۶

خبر سفر مبارک شاهنشاه اقدس همایونی به فرنگستان حسب تلگراف بطور صریح از قرار معلوم شنیده شد

از طهران اطلاعات مستقیمه دارم میگویند علماء از این خیال آن هم بعضی اصرار دارند که در ایران

اقتضای سفر بتازه هزار حرف آخر را شنیده‌اند در دولتی که به این قدر که دولت دیگر

وسعت دارد هر دولت بیشتر خرابی دارد حرف طبیعی لابد در تلاقی قدرت اداره اشخاص اگر داخل

خواهیم اطمینان دارم که اگر از رای حضرت اتابک اعظم و تمام کارها گذاشته شود باید دید همت

ثابت خواهد همچنان حرف در این دولت ایران به چه قدر نفع و به چه قدر ضرر است

ملکم

شمارهٔ سند: ۹۳۰
موضوع: امور اتباع عثمانی
تاریخ: هشتم رجب ۱۳۲۰ هـ. ق
کارتن: ۱
پرونده: ـــ

راپورت توپخانهٔ مبارکه

دیروز طرف عصر دو نفر سوار که یکی از آنها قزاق بوده از جلو محراب توپخانه که پیاده‌رو و قدغن است که سواره عبور نمایند می‌گذشته‌اند توپخان قراول ممانعت می‌کنند از راه معمول عبور نمایند حضرات اعتنایی به حرف توپچی نمی‌کنند چون برحسب حکم توپچی مسئول است که اکیداً جلوگیری کرده کسی را نگذارند از آن راه عبور نماید و به حرف او اعتنایی نشده است، توپچی هم یکدو پشت قداره به اسب یکی از آنها زده است، این شخص از اجزای سفارت بوده یا نبوده است، توپچی نشناخته است.

راپورت توپخانهٔ مبارکه

بتاریخ یوم شنبه نهم شهر رجب سنه ۱۳۱

[illegible] برادر که [illegible] از جلو صحرا [illegible] که سواره [illegible] که از راه عبور نماید

[illegible] از راه معمول عبور نماید حضرات [illegible] چون

[illegible] که اگر [illegible] از راه عبور [illegible]

[illegible] از این شخص از [illegible] سفارت [illegible]

شمارهٔ سند: ۹۳۱
موضوع: امور کنسولی سفارت عثمانی
نمره: ۱۵۷۷
تاریخ: ۱۱ رجب ۱۳۲۰ هـ.ق
کارتن: ۱
پرونده: ـــ

سواد کاغذ وزارت خارجه به سپهسالار وزیر جنگ

رقیمهٔ کریمه جناب مستطاب اشرف، در مسئلهٔ توپچی و رفتاری که با پسر مستشار سفارت عثمانی نموده زیارت گردید، البته چنانکه مرقوم فرموده بودید اگر دنبالهٔ شکایت سفارت را به دادن ترضیهٔ توپچی کوتاه فرمایند اولیٰ و انسب است قدغن فرمایید توپچی با یک نفر صاحب‌منصب به وزارت خارجه بیایند که به سفارت بفرستم که علی‌الظاهر ترضیه داده رفع اشکال شود.

(نصراله مشیرالدوله)

۱۵۷۷

سواد کاغذ وزارت جلیله سپهدار وزیر جنگ

۱۱ ره ۱۳۲۰

[illegible]

شمارهٔ سند: ۹۳۲
موضوع: شایعهٔ مراقبت ادارهٔ گمرک ایران به دولت روس
نمره: ۳۴۱
تاریخ: ۱۴ ذی‌قعده ۱۳۲۰ هـ. ق
کارتن: ۱۱
پرونده: ۱

نامهٔ سفارت ایران در اسلامبول به وزارت خارجه

چند روز قبل جراید ترکی و فرانسه در اسلامبول انتشار دادند که از روز شانزدهم ذی‌قعده ادارهٔ گمرک ایران در تحت مراقبت دولت روس خواهد بود، این فقره اسباب هیجان و تشویش احوال تجار ایران گردیده، آمده از سفارت کبری استعلام نمودند بنده اگر چه خودم هم بیشتر از آنها از این فقره پریشان‌خاطر شدم محض اسکات و اطمینان خاطر تجار تکذیب مسئله نموده مراتب را تلگرافاً به جناب مستطاب اجل عالی اطلاع و چگونگی تفصیل را استفسار کردم و از جناب جلالت‌مآب اجل آقای مشیرالملک نیز تلگرافاً تحقیق مُطلب کرده بعد از وصول جواب از حضرت‌عالی و جناب معزی‌الیه که معلوم شد مطلب اصل نداشته اعلان این فقره از شایعات کاذبهٔ جراید بوده کمال خوشوقتی و اطمینان خاطر حاصل شده، دادم در جراید ترکی و فرانسوی و انگلیسی تکذیب مسئله نمودند و عموم تجار و تبعه هم از عدم صحت این فقره نهایت خوشوقتی حاصل کرده به دعای دوام عمر و اقبال بندگان اعلی‌حضرت اقدس شاهنشاهی ارواحنافداه پرداختند، آنچه که جراید در انتشار این فقره درج کرده بودند و آنچه که سفارت کبری در تکذیب آن در جراید مندرج داشته هر دو را الصاق صفحه عریضه نمودم که خاطر مبارک عالی از مضمون آنها مستحضر باشد. مهر پرنس ارفع الدوله

۱۴ شهر ذیقعدة الحرام ۱۳۲۰

نمره ۳۱

چند روز قبل جرائد ترکیه و فرانسه در اسلامبول انتشار داده بودند که از روز نوزدهم ذیقعده اداره
گمرک ایران کلاً تحت مراقبت دولت روس خواهد بود. این فقره اسباب هیجان
و تشویش خاطر تجار ایران گردیده آمده از سفارت سنیه استعلام نمودند بنده اگر چه هیچ اطلاعی از این
فقره نداشتم محض اینکه رفع اضطراب و اطمینان خاطر تجار تکذیب شده نموده
مراتب را تلگرافاً بخدمت مستطاب اجل عالی اطلاع و چگونگی را استفسار کردم
و از جانب جلالتمآب اجل آقای مشیرالملک نیز تلگرافاً تحقیق مطلب کرده بودند از طهران
جواب از حضرت اجل عالی و جناب سفیر روسیه در اسلامبول شد مطلب اصلاً اساس نداشته و بالطبع
این فقره از شایعات کاذبه جرائد بوده کمال خوشوقتی و اطمینان خاطر حاصل شد
دادم در جرائد ترکی و فرانسوی و انگلیسی تکذیب شده نمودند و عموم تجار را تبشیر از عموم حضرت
این فقره نهایت خوشوقتی حاصل گردید به دعای دوام عمر و اقبال بندگان اعلیحضرت اقدس
شاهنشاهی ارواحنا فداه پرداختند. آنچه در جرائد در این باب فقره
درج گردیده بود و آنچه از سفارت در تکذیب آن در جرائد منتشر داشته
هر دو را لفاً در طی عریضه تقدیم خاطر مبارک عالی از نظر انور مستحضر باشند

تجارت ومالیه

پترسبورغ ۲ شباط — ایران کمرکلرینك روسیه نك مراقبه سی تحته وضعی حقنده ۱۹۰۱ سنه سنده عقد ایدلمش اولان کمرك مقاوله نامه سی افرنجی شباطك اون اوچنجی کوننده اعتباراً معمول به اوله جقدر.

LA RUSSIE ET LE PERSE.

ST-PÉTERSBOURG, 2 fév. — La convention douanière de 1901 entre la Perse et la Russie plaçant les douanes persanes sous le contrôle de la Russie sera appliquée à partir du 13 février courant. (*Nationale*).

ambassadeur d'Aid

---

entre la Russie et la Perse

St-Pétersbourg, 2 février.

La convention douanière de 1901 entre la Perse et la Russie plaçant les douanes persanes sous le contrôle de la Russie sera appliquée à partir du 13 fevrier courant.

RUSSIA AND PERSIA.

THE CUSTOMS Convention concluded in 1901 between Russia and Persia, placing the Persian Custom-houses under Russian control, will become operative on the 13th inst.

RUSSIA AND PERSIA.

St. Petersburg, Feb. 2.

The Customs Commission between Persia and Russia places the Persian Custom-houses under the control of Russia from the 14th of the present month.

پترسبورغدن آژانس ناسیونالك تبلیغ ایلدیکی ۲ شباط افرنجی تاریخلو تلغرافدن نقلاً ایران کمرکلرینك روسیه‌نك مراقبه‌سی تحتنه وضعی حقنده ۱۹۰۱ سنه‌سنده عقد ایدلمش اولان کمرك مقاوله‌نامه‌سی شباطك اون اوچنجی کوننده اعتباراً معمول به اوله‌جغی نشر اولنمش ایسه‌ده تحقیقات موثوقه‌یه نظراً نشریات واقعه‌یه بی اصل اولوب فقط روسیه وایران دولتلری بیننده اخیراً قرارکیر اولان یکی کمرك تعرفه‌سنك اشبو شهر شباط افرنجینك اون دردنجی کوننده اعتباراً موقع اجرایه وضع اوله‌جغی تحقیقات اخیره‌مز جمله‌سندندر.

La convention douanière russo-persane

Une dépêche de l'agence Nationale en date du 2 février disait que : « La convention douanière de 1901 entre la Russie et la Perse, plaçant les douanes persanes sous le contrôle de la Russie sera appliquée à partir du 13 février courant. »

Nous apprenons que cette nouvelle est dénuée de fondement ; ce qui est vrai, c'est que, dernièrement, entre les gouvernements russe et persan on a conclu un nouveau tarif douanier qui sera mis en vigueur le 14 février prochain.

RUSSIA AND PERSIA.

THE PERSIAN Embassy requests us to contradict the statement in a "National" telegram published in our issue of the 3rd inst. to the effect that the new Commercial Convention between Russia and Persia places the Persian Customhouses under Russian control. Particulars about this Convention, which becomes operative on the 14th inst., will be found on our second page.

شمارهٔ سند: ۹۳۳

موضوع: کاغذ میرزا مهدی مدیر روزنامه اختر

نمره: ۲٤

تاریخ: ۵ شهر محرم الحرام ۱۳۲۱. ق

کارتن:

پرونده:

یک فقره کاغذ میرزامهدی مدیر روزنامهٔ اختر است که از شرف عرض خاکپای مهراعتلای اقدس همایونی روحنافداه می‌گذرد.

[حاشیه، دستخط مظفرالدین شاه:]

جناب اشرف اتابک اعظم اگر منظور این شخص طبع روزنامه است که اجازه داده نخواهد شد و اگر مطلبی است علاوه ملاحظه کرده ما که درست ملتفت نشدیم، جوابی که مقتضی است وزیر بدهد. شهر صفر ۱۳۲۱ .

۱۳۲۱
۵ شهر محرم الحرام
۲۴

یکفقره کاغذ میرزا مهدی مدیر روزنامه تهران نوشت
در ازاء قرض حاجی مهدی عقلائی اجرت [illegible] روزنامه [illegible] میکند زد

[illegible]

شمارهٔ سند: ۹۳٤
موضوع: برائت از تألیف و طبع کتاب سیاحتنامه
تاریخ: ۱٤ ذی‌حجه ۱۳۲۰ هـ. ق
کارتن: ٤
پرونده: ۱۱/۱

نامهٔ میرزا مهدی مدیر روزنامهٔ اختر به مظفرالدین شاه

قربانت شوم، چندی است که سفارت سنیهٔ کبری برحسب اشارهٔ وزارت جلیلهٔ خارجه فدوی چاکر را که آب و گِل وجود ناچیزم به مهر وطن و پادشاه‌پرستی سرشته است به تألیف و طبع کتاب ترّهات نصاب سیاحتنامه متهم داشته هر روز به وجهی مورد مؤاخذه و استنطاقم می‌دارد. مأمورین خُفیه از عثمانی و ایرانی به تفحّص و تجسّس گماشته مفتشین معارف و مطبوعات را به مواعد انعام و امتیازات به تعقیب این غلام جان‌نثار که به انتساب بندگی آن آستان بلند مفتخر است، برانگیخته موجب سلب راحت بال و فراغت خیال کمترین بنده شده‌اند.

تا حال گناهی که در این باب به فدوی چاکر توانسته‌اند ثابت فرمایند همانا بجز این نیست که بنده نسبت به سایر هموطنان قلمی شکسته در بنان و زبان و بیانی داشته است.

مراتب وطن‌پرستی و دولتخواهی کمترین چاکر را تمامی هموطنان خاصه آنان که در اسلامبول اقامت دارند نیکو می‌دانند همگی در حضور حضرت اشرف سفارت پناهی شهادت و گواهی دادند که دامن غیرت مهدی از لوث این تهمت پاک است و ذمّهٔ ارادتش از آلایش این گناه صاف و خود نیز مصحف به نعل زده و در حضور جمعی سوگند یاد نمودم که ازین کار ناهموار خبر ندارم. لهذا چندی ساکت بودند ولی امروزها باز دنباله می‌کنند. فدوی چاکر چهل و یک سال تمام است که در اسلامبول اقامت دارم و چهار سال است که به موجب ارادهٔ اعلی حضرت سلطانی با مواجب مستوفی که تقریباً سالیانه یکهزار و هشتصد تومان می‌شود به عضویت انجمن معارف مُعیّن شده‌ام، با این حال هرچه سعی کردند که از خیالات آنان پیروی کنم چشم از هرگونه مواعدشان پوشیده به شرف تابعیت خود را نباختم و بشدت هرچه تمامتر آن گونه تکالیفشان را که

واقعاً مستلزم بسی منافع ظاهری بود از پس پشت برانداختم و بالعکس مدت بیست و پنج سال در عالم مطبوعات به دولت متبوعه و ملت خود در نهایت جانفشانی قربةً الی الله خدمت کردم، پاداشی که در مقابل نصیبم شد همین افترا و تهمت است. آن هم به قول مجرد یک نفر بابی بی دین و بی سواد که ناسید فرج الله باشد، جهانی می دانند که آن مُلحدان بدکیش دشمنان تاج و تخت پادشاه و عدو اکبر دین و آیین ما هستند. اگر قول آن گدای بی دین در نظر اولیای دولت استوار است این را هم باید بشنوند که در واقعهٔ هائلهٔ شاه شهید در مصر به آواز بلند مصریان را مخاطب داشته می‌گفت نفوذ ما طایفهٔ بابیه در ایران چندان بالا گرفته که بسیاری از وزرای مملکت حتی صدراعظم از حزب ما هستند. حال آنکه به حمدالله رونقی در بازارشان نمانده طبل رسواییشان را در سر هر بازاری می زنند. آن سامری گوساله‌پرست از انتشار امثال این افتراها می خواهد سنگ تفرقه به میان ملت انداخته خیالات اولیای دولت را مشوّش دارد.

باری فدوی چاکر تاکنون در مقابل این همه طعنه‌های تیرآوران صبر نمودم در حالتی که به یک کلمهٔ بلی می‌توانستم خود را از صد چون این بلیّه رهایی بدهم. این قدر هست که پس از شصت و دو سال زندگی و چهل و اند سال غربت و دعوی غیرت و پادشاه‌پرستی بر خود هموار نمی توانم نمود که در پایان عمر این ننگ عاید حال فدوی گردد.

کتاب مذکور از قراری که می‌گویند به اقدامات یک نفر از تبعهٔ روس مقیم عشق‌آباد یا بادکوبه در مصر به دستیاری یکی از این طایفهٔ منحوس چاپ شده است. در اسلامبول با همه تقیّدات حکومت عثمانی طبع این گونه کتب محال است، زیرا که در تمامی مطبعه‌ها از خود عمله مطبعه خفیه هست که خود صاحب مطبعه هم نمی شناسد. با این حال احدی جرئت ندارد که یک صحیفه از این مقولات را بر روی کاغذ نقل بدهد تا چه رسد به کتابی. گذشته از آنها به حمدالله فدوی تاکنون ناموس قلم خود را از نگارش امثال این گونه ترّهات نگاهداری نموده‌ام، ایران وطن محبوب و معشوق من است به هوای آن زنده‌ام و به یاد آن خرسند، شکسته باد دستی که به خواری آن قلمی بردارد یا در نکوهش آن سطری بنگارد. (در دهر یکی مسلم آن هم کافر— پس در همهٔ دهر یک مسلمان نبود) هرگاه خدای نکرده بنده را خیالی از این مقوله در سر باشد به نگارش امثال این سخنان یاوهٔ بازاری که هر عوام و رهگذری دیده و می داند تنزّل نمی‌کند که

بجز از افتضاح نیز نتیجه‌ای از آن حاصل نشود. باید علاجی کرد که خون از دل نیاید، انتشار امثال این مزخرفات از قبیل پاشیدن نمک بر جراحت است، فدوی چاکر تا آن پایه بی‌سواد نیست.

به هرحال امیدواریم ان‌شاءالله در سایهٔ بلند پادشاه دل‌آگاه که عمرش پاینده باد به تدریج همهٔ کجی‌های وطن مقدس راستی گیرد و نقصانها کمال پذیرد (انه قادرٌ علی ذلک) استدعا دارم که امر و مقرر فرمایند به سفارت سنیه اشارتی بشود که بیش از این معترض حال این بندهٔ بی‌گناه نشوند و بگذارند در این گوشهٔ انزوا به آتش دل خود بسوزم و بسازم (مپسند خدایا که شود هیچ مسلمان ــ خجلت‌زدهٔ تهمت ناکرده گناهی)، زیاده جسارت است.

فدوی چاکر محمدمهدی اخترتبریزی

فی ۱٤ شهر ذیحجه الحرام ۱۳۲۰

فدوی چاکر را وزارت جلیله خارجه بر حسب اشاره سفارت سنیه کبری که چندیست دولت روم

که آب و گل وجود پاکیزه‌ام بمهر وطن و باده پرستی سرشته است تألیف و طبع کتاب

سیاحتنامه متهم داشته هر روز بوجهی مورد مؤاخذه و استنطاق قرار داد با پولیس خفیه

از عثمانی و ایرانی به تفحص و تجسس گماشته مفتشین معارف و مطبوعات را بموعد انعام و امتیازات

بتعقیب این غلام جان نثار که نسبت باب بنده که آن آستان بلند مقرب است بر انگیخته

موجب سلب راحت بال و فراغت خیال کمترین بنده شده اند

تا حال کسانی که در این باب به فدوی چاکر توانسته اند ثابت فرمایند اما با بجز این نسبت

که بنده نسبت به هموطنان قلبی شکسته در زبان و بیان داشته است

مراتب وطن پرستی و دولتخواهی کمترین چاکر را تمامی هموطنان خاصه آنانکه در اسلامبول اقامت دارند

نیکو میدانند همگی در حضور حضرت اشرف سفارتپناهی شهادت و گواهی دادند که دامن عفت فدوی

از لوث این تهمت پاک است و ذمه ارادتش از آلودگی این گناه صاف و خود بعضی مغرضین

در حضور جمعی گو کنند یاد نمودم که از این کارها همواره حذر بدارم لهذا اخیرا [illegible] دیگر

باز دنباله می کنند فدوی چاکر چهل و یک سال تمام است که در اسلامبول اقامت دارم

و چهار سال است که بموجب اراده علیحضرت سلطانی با موجب حقوقی که تقریبا سالیانه

یکهزار و ششصد غروش میشود بعضویت انجمن معارف معین شده ام با این حال هر چه سعی کردم که از حالت

آنان پیروی کنم چشم از هر گونه مواعیدشان پوشیده شرف تبعیت خود را نباختم و

هر چه بیشتر آنگونه تکالیفشان را که دفعا مستلزم نفع ظاهری بود از سر رانده ام

و بالعکس مراتب بیست و پنج سال در عالم مطبوعات بدولت متبوعه و ملت خود در نهایت جانفشانی

قربة الی الله خدمت کردم با دانشی که در مقابل تصمیم شد همین افترا تهمت است انهم لقول مجرد

یکنفر بابی بیدین و بی سواد که هاشمی سید فرج الله باشد چه قدر میدانند که آن ملحدان بدکیش دشمنان

تاج و تخت پادشاه و عدو اکبر دین و آیین ما هستند اگر قول آن گدای بیدین در نظر

اولیای دولت استوار است این را هم باید بشنوند که در وقعهٔ هائلهٔ شاه شهید در مصر

آنروز بلند مصریان را می طلب داشته نشکفت نفوذ ما طائفهٔ بابیه در ایران چندان بالا گرفته

که بسیاری از وزرای مملکت حتی صدر اعظم از حزب ما هستند حال آنکه بحمدالله رونقی

در بازارشان نمانده طبل رسوائیشان را در سر هر بازاری میزنند آن سامری گوساله پرست

را از نشر امثال این افتراها میخواهد ننگ تفرقه بین ملت اندازد خدا لعنت اولیای دولت را

مشوش دارد

باری فدوی حالا که تاکنون در مقابل این همه طعنه های تیر آورنده صبر نموده در حالیکه بیک کلمه بلی

نمیتوانستم خود را از صد چون این بیتربیه رها نمایم آنقدرها که بسر از شنیدن و تحمل آن

دعوای وانه سال غربت و دعوای غیرت و پادشاه پرستی بر خود هموار نمی توانم نمود که در پایان عمر

این ننگ عائد حال فدوی گردد

کتاب مذکور از قراریکه می گویند با قرامات یکنفر از شعبه روس معصوم علی آباد یا بارکوبه در مصر به بسیاری

از این طائفهٔ منحوس چاپ شده است در اسلامبول با همه تقیدات حکومت عثمانی طبع و نشر کتب ضاله

زیرا که در تمامی مطبعه ها از خود عمال مطبعه خفیه است که خود صاحب مطبعه اسمی نمی شناسد با این حال احدی جرات

ندارد که یک صحیفه از این مقولات را بروی کاغذ نقل بدهد تا چه رسد بکتابی

گذشته از آنها بحمدالله فدوی تاکنون ناموس قلم خود را از نگارش امثال اینگونه ترهات نگاهداری نموده ام

ایران وطن محبوب و معشوق من است بهوای آن زنده ام و بیاد آن خورسندم ننگ باد دستی

که بخواری آن قلمی بردارد یا در نکوهش آن سطری نگارد (در دهر چو من یکی و آن هم کافر

پس در همه دهر یک مسلمان نبود) هرگاه خدای ناکرده بنده را خیالی از اینمقوله در سر باشد

نگارش امثال این سخنان یاوه بازاری که هر عوام و رهگذری دیده و شنیده‌اند تنزل می‌کند
که بجز از افتضاح نیز نتیجه از آن حاصل نشود. باید علاجی کرد که خون از دل بیاید تا امثال
این مزخرفات از قبیل پاشیدن نمک بر جراحت است. فدوی جاکر تا آن پایه که بتواند نیست
بهر حال امیدوارم انشاء الله در سایه بلند پادشاه دل آگاه که عمرش پاینده باد بتدریج
همه گنجهای وطن مقدس را تشبیه کرد و نقصانها را کامل نمود (انه قادر علی ذلک)
استدعا دارم که هر دو مقرر فرمایند سفارت سنیه اشاره نماید بشود که بیش از این متعرض
حال این بنده بی گناه نشوند و نگذارند در این گوشه انزوا با آتش دل خود بسوزم و بسازم
(مپسند خدایا که شود هیچ مسلمان) خجلت زده تهمت ناکرده گناهی) زیاده جسارت است

فدوی جاکر محمد مهدی اختر تبریزی

۱۴ شهر ذیحجه الحرام ۱۳۲۰

شمارهٔ سند: ۹۳۵

موضوع: صفحاتی از کتاب سیاحتنامهٔ میرزا مهدی مدیر روزنامهٔ اختر

تاریخ: ۱۳۲۱ هـ . ق

کارتن: ٤

پرونده: $\frac{۱۱}{۱}$

گزارشات سفارت ایران از اسلامبول به وزارت خارجه و ارسال صفحاتی از کتاب سیاحتنامه میرزا محمدمهدی اختر تبریزی مدیر روزنامهٔ اختر

قننی سوزه اعتقادم اولسون
نجه سنه اعتقادم اولسون

پس از این سوز و گداز دوست انگلیسی براز و نیاز شده جواب هم آرزی نشنود پس ناچار خاموش شد. پر از مطلب دور نشویم (شرح این هجران و این خون جگر. این زمان بگذار تا وقت دگر) دولت انگلیس همه گونه تدبیر در بهم زدن این راه با حکومت عثمانی بکار بردولی از پیش نبرد. ناچاره را در عمان (صباح ابن المبارك) شیخ (کویت) که تابع و عامل عثمانی بود دیده بر آتش ولی آدار نمود. (ابن الرشید) امیر (نجد) باوی در آویخت وخون چندین هزار مسلمان چون دانهٔ مرجان در صحرای عمان ریخته شد. کشتیهای جنگی انگلیس از طرف دریا حمایت حدود بلاد و شیخ نمودند. تا شیخ جاهل بیرق عثمانی را پایین کرده و بیرقی از خود برافراشت والی سابق بصره معزول و فرمان تازه بدان سوی کسیل شد تا حقوق مشروعهٔ عثمانی را بثبوت سلاح در کویت استوار نماید کار در این پیکر بود که زمانه گلی دیگر بآب انداخت.

« گل بود بسبزه نیز آراسته شد »

خبر کشیدن راه آهن از سر حد (جلفا بو تبریز و زنجان وغزوین وتهران وقم واصفهان و کرمان تا بندر عباس) از طرف کمپانی روسی برطنبور نغمهٔ دیگر بیفزود در (پارلمان) انگلیس قیل وقال سر گرفت روس و آلمان را هدف تیر تهدید جراید نمودند. آنها هم مقابله بالمثل کرده در تجارت را در دریای فارس بروی همه ملل بدون امتیاز باز کرده ورسمان احتکار تجارت آن سامان را از گردن انگلیسان برداشتند. جراید انگلیس بجوش وخروش آمدند گاهی بوعد وهنگامی بوعید مقاله های سخت خطاب بحکومت ایران نوشتند که در این اثنا موکب همیونی راه بلندن نزدیك کرد. جراید بحسب قاعده دانی وادب ساکت شدند. از موکب فرخنده بعبارات خوش پذیرای نمودند. دولت وملت انگلیس نیز از ایفای مراسم میزبانی مراین مهمان واجب التعظیم را فرو گذاری نکردند. واز فراهم آوردن همهٔ قسم اسباب تجله وتکریم کوتاهی نه نمودند. بزبان حال وقال ماقی الضمیر خودرا نیز آشکار ساختند ولی بمضمون حدیث شریف (لا یلدغ المؤمن من الجحر مرتین) ونیز بدین بیت لسان الغیب اگر اشتشهادم رفته است بسزا بوده است (هر چند آزمودم ازتو نبود سودم. من جرب المجرب حلت بو الندامه)

تا موکب همایونی از دریای (مانش) بخاك فرانسه مراجعت فرمود. باز ترانهٔ دیرین راساز کردند. روزنامهٔ (تایمس) مقالهٔ بلند بالایی در دو هفتهٔ قبل نوشته در قسمت کردن ایران دولت روس را وعدهٔ شراکت داده است که طرف شمال وشرقی ایران راروس زیر منطقهٔ نفوذ خود آورده انگلیسان هم طرف جنوبی ایران را تحت منطقهٔ نفوذ خویش بیاورند. جناب مستطاب اشرف اتابك اعظم را مانع تقدم نفوذ سیاسی خود در ایران دانسته واورا طرفدار روس وفرانسه نموده است. حزب دیگررا از خود تراشیده رئیس آن دسته را (میرزا محمد خان یا میرزا محمود خان) نام نهاده اورا طرفدار انگلیس می شمارد. ما از این کرم حاتمی انگلیسان در شگفت شده مقالهٔ برضد این ترهات ومزخرفات حاضر کرده بودیم وتوضیح وافی وکافی در حل این رمز مطلسم در دست داشتیم که

« قطعت جهیزة قول کل خطیب »

روزنامهٔ (نوی وبرمیای) روسی که زبان حال وزارت خارجهٔ روس است مقالهٔ بسیار مهمی در کنه سیاست انگلیس وروس در بارهٔ ایران در هفتهٔ گذشته نشر نمود وپرده از روی کار هردو دولت برداشته است. لهذا ما مقالهٔ مذکور را حرفیاً ترجمه کرده ومقالهٔ خود را در این خصوص بآینده باز گذاشتیم. روزنامهٔ مذکور ردجواب متمنیات (تایمس) را چنین میگوید

موقع جغرافی ایران این مملکت را در سیاست اهمیت فوق العاده میدهد. وپوشیده نیست که دولت انگلیس از سالیان دراز چشم طمع را بسوی این کشور باز کرده وحلول فرصت را روز می برمی شمرد. چون انگلیس هرگز بدین آرزو نخواهد رسید مگر اینکه طرف جنوبی ایران را بزیر سایهٔ نفوذ خود بیاورد. این است که از مدتی

روزنامهای معتبر انکلیس مسئلهٔ تقسیم ایران راپیش آورده و بدو منطقه منقسم کرده قسم شمالی را بدولت روس وقسم جنوبی را برای خود شان برمیدارند. این یکی از اسرار خام طمعی وعدم تبصر در امورا ست.

زیرا دولت روس هرگز بدین وجه وبا بسایر وجوه بتقسیم ایران تن در نخواهد داد. زیرا مصلحت روسیه در مستقل بودن ایران بوده. ونیز از واجبات دولت روس هم یکی این است درمقابل دشمن ایران که جسارت برنمدی ومس استقلال ایران یا مداخله برشئونات داخلیهٔ ایران می نماید یا خواهد نمود ایستاده وسینه سپر کند. دولت روس هرگز راغب استیلا وتسخیر ایران نیست. بلکه از استقلال ایران دفاع کرده وا گر لازم شود چنانچه از خود دفع ضرر کند واز ایران هم دفع ضرر واضرار دشمن خواهد نمود.

اگر معترض اعتراض نماید مادام روس را هوس تسخیر ایران نیست پس چرا اهتمام تمام در ایجاد مواصلات از حدود روس تا دریای فارس کرده واین مواصلات را از قلب ایران میگذراند. جواب میدهیم که کشیدن این راه آهن در آینده دلیل دشمنی روس بر ایران نخواهد شد زیرا این راه محض برای آسانی مواصلات تجارتی وتوفیری وتسهیل احوال معیشتی اراضی روسیهٔ متصل بدریای مازندران واملاک روسیه در وسط آسیا می باشد. زیرا ممالك روسیه را منفذ وگذرگاه بدریای محیط جز این راه نبوده که بتواند محرکات داد وستد وتصدیر وتورید خود را مناسب احتیاجات معیشت در آن ممالك دور بجای آورد. پس مقاصد سیاسی دولت روس در ایران اقتصادی محض بوده وبهیچ وجه من الوجوه داخل سیاست استعماری واستملاکی نیست.

« حکمت » شرکت تلگرافی انگلیس (رویتر) هم در چهارشنبه ۲۱ جمادی الثانیه ۲۴ سپتمبر گذشته تلغرافی آتی را از پطرسبورغ بهمه جا منتشر نمود. جریدهٔ کازت دی پطرسبورغ) خطابه هاے اعلیحضرت امپراتور روس واعلیحضرت پادشاه ایران را که در (فورسک) گفته شده بود شرح کرده وگفت که این دو خطابه از این دو پادشاه برفکر یکه آن تقسیم ایران را بدو منطقه نفوذ طرف جنوبی بانکلیس وشمالی را بروس قسمت می نماید ضربت کشنده آمد. واز روی حقیقت مقرر شد که ایران هرگز تابع تسلط هرگونه اجنبی نشده وهم نخواهد شد.

(حکمت) این مرکز سیاسی ایران در حال حاضر بوده و برای آینده هم فکر قاصر خودمان را بیان خواهیم نمود.

﴿ یریدون أن یطفئوا نور الله بأفواههم ویأبی الله ﴾

—﴿ الأ أن یتمّ نوره ولو کره الکافرون ﴾—

—﴿ شاهنشاه ایران درفرنگستان ﴾—

آنانکه درست از تواریخ دول وعقائد ملل ونحل آگاهند نیکو آنند که از آغاز ظهور حضرات أنبیاء وأولیاء وحکماء وعلماء ومردمان بزرگ. هیچ یك از این بزرگواران از طعن حساد وملامت جهال نرسته وهمه را تن از تیر نکوهش وسرزنش نادآنان خسته است. همچنان ملوك عظام وأمراء کرام ووزراء فخام راکار نیز بدین شیوه بوده از قدح قادح وملام ملیم بهرهٔ وافر برده اند. زیرا مرکز حکومت ونقطهٔ ریاست اینان انظار خویش وبیگانه را بسویشان معطوف دارد. دیدهٔ موافق ومخالف را برایشان نگران آورد. آنکه دوست است حکمت کردارشان را بهتر دآنسته چیزیرا که عوام زلت وهفوه وگناه پندارند از پنها چشم پوشیده از عرض بجوهر پردازد ومجاز را حقیقت شمارد ولی « چشم بد اندیش که برکنده باد » جمیع هنرها در نظرش عیب نماید. حسنات را سیئآت بیند. شجاعت را تهوّر. کرم وجود وسخاوت را اسراف وتبذیر. فروتنی را سست عنصری. حلم وبردباری را ضعف رأی. بشاشت وجه را خفت. طلاقت زبان را دعابت. سکوت را عجز. سکون ورزانت را عدم قدرت وناتوانی وزبونی. شیرین زبانی ومهربانی را لابه وچاپلوسی شمرد وهلم جراً. مقصود از

تمهید این مقدمه مسافرت موکب همایون اعلیحضرت
اقدس پادشاه ایران خلد الله ملکه که مصداق آیهٔ وافی
هدایهٔ

—﴿ وشددنا ملکه وآتیناه الحکمة وفصل الخطاب ﴾—

هستند دو بار بسوی فرنگستان است که دراین دو
سفر خیریت اثر بحسب جاه منیع ومقام رفیع ذات
خجسته صفات خسروانه اش باللیاقة والاستحقاق مظهر
همه قسم تجله وتعظیم اعتبار وتکریم ازملوك وملل فرنك
بوده . در محافل رسمیه وغیر رسمیه ذرهٔ مخالفت آداب
ومغایرت رسوم وعادات ازاین شهریار کامکار تا ادنی
ملتزمین رکاب معالی انتساب درغیاب وشهود مشهود
نگشت . در مجالس رسمیه بجزاز وصف کیاست وحسن
سیاست شاهانه اش سخنی درمیانه نبود ودر محافل غیر
رسمیه جزاز مکارم اخلاق ومحاسن اطوار خسروانه اش
مذاکرهٔ دیگرنمی شد . روزنامهای معتبر عمومی فرنگستان
از روس وآلمان وفرانسه وانگلیس واوتریش وایتالی
وبلژیك وعثمانی متوالیا صحایف جرایدخودرا ازتمجید وتحمید
خصال ستودهٔ این پادشاه دل آگاه پرکرده وبنام نامی
« گران سینیور » نامیدند . ملت فرنك شیفتهٔ کردار
نیکو یش شدند . اوضاع واطوار ملتزمین رکاب مستطاب را
یك یك نیکو سنجیدند . وهریك را نام بردند . وبه
بهترین عبارات وثنا ستودند بویژه خواجهٔ بزرگ ودستور
سترك جناب مستطاب اشرف اتابك اعظم را (وحید
الشرق فی الکیاسة) نام نهادند وبنام (خبیر وبصیر ایران)
نامیدند . غیر از دو جریدهٔ ساقطه که وجدان وقلم
فروشی آنها مشهور جهان است از این میانه بحسب غرض
قدیم ومرض عتیق وداء دفین برخواسته بایماز واغوای
مفسدین چند ملتزمین رکاب مستطاب را هدف تیر
ملامت نمودند . فساد اخلاق بعض فرنسویان راکه
معروف جهان است بدرجهٔ ثبوت رسانیدند . آن دو
روزنامه رانام یکی (فیغارو ودیگری ماتان)منطبعهٔ پاریس
است . جراید چندهم از تونس ومصر که آداب ومبادی
آنها معلوم همه است پیروی ازینها کرده شاخ وبرگی
چند برآنها افزوده منتشر نمودند . چون سبب غرض
ومرض ان دو جریدهٔ فرنسوی از مطالعین حکمت پوشیده
است لهذا مختصرا بایضاح آن می پردازیم .

پس از معاودت موکب همایون از پاریس بایران
پیرارسال مدیر آنها به بهانهٔ اینکه از طرف یك نفر از
ملتزمین رکاب به نشر اخبار متعلقه بموکب همایونی مخصص
شده بوده است بمطالبهٔ چندین هزار فرانك بر خواست
ازآنجا یکه دست عطا پیوست اعلیحضرت شهریاری بهزر
افشانی معتاد است دوست ودشمن از خوان نوال آن
خسرو بی همال متنعم اند بتوسط سفارت پاریس مبلغی بعنوان
احسان بدیشان مرحمت شد . دراین سفر دوم چون وقاحت
وقباحت آنان وامثال ایشان معروف شده بود از دخول
بسرای همایون غدقن واز معاشرت ملتزمین رکاب ممنوع
آمد ند . داغی از این بی اعتنایی بردلشان گذاشته
شده این بود که پس از عزیمت موکب همایونی بایران ریش
داشان متهیج شده وبخیال خود خواستند که انتقامی
کشیده باشند واز این نکته غافل اند که

﴿ مه بتابد سگ همی عو عو کند ﴾

سبب عمدهٔ باطنی وقاحت این دوجریده رانیز باید آشکار
آریم که مطلب درست معین شود . این دو روزنامهٔ
فرنسوی از چندین سال خودرابدشمنی دین ودول
اسلام ومسلمین بهمه اعلام نموده همواره از قدح وذم دین
پاك ومسلمین کوتاهی ندارند . به بهانه های مختلف از بد
گویی در بارهٔ ملوك اسلام خود داری ندارند . مقالات
مسیوها نوتو و ز برامور خارجهٔ فرانسه در این گونه جراید

۱۲

در بارهٔ دین اسلام وصاحب اسلام از چهار سال
هنوز در یاد است ۱۰ فسوس که بجهت عدم وسعت
جریده نمی توانیم اقوال انهارا که بر ضد اسلام وملوك
مسلمین نوشته اند درحکمت درج کنیم

﴿وان ترضی عنك الیهود ولا النصاری حتی تتبع ملتهم﴾

اما جریدهٔ مصریه . ما مرض آن رانیز بهترمیدانیم . در
سفر سیم شاه شهید سعید بپاریس مدیر آن بتوسط مرحوم
میرزا نجف علی خان قونسل جنرال مصر شرف
اندوزی از حضور شاهانه حاصل کرد . بمدیر وصاحب
امتیاز جریده دو قطعه نشان شیرو خورشید خارجه از
درجهٔ سیم مرحمت شده فرمان ونشانها رادر اسکندریه
نزد این بنده فرستاده که بانشریفات شایان تسلیم ایشان
شد . پس از دوسال در زمان ماموریت جناب میرزا
علی نقی خان مستشارالسلطان رأساً از وزارت خارجهٔ ایران
مطالبه دویست لیرانمودند که هرساله ازهر شمارهٔ ازجریده
یکصد نسخه باسم حکومت ایران فرستاده ایم تاحسب الامر
بجنرال قونسلگری مصر بتوسط این بنده پانصد تومان بدیشان
داده وقبض سند گرفته شد وتعهد دیگر دادند که هرگز
باسم حکومت ایران روزنامه نفرستند . همینکه مستشار
السلطان ازمصر به بغداد تبدیل مأموریت کرد میدان را
خالی دیده دوباره راسا از وزارت خارجهٔ ایران
مطالبه قیمت اشتراك صد نسخهٔ اولی نمودند تا اینکه مستشار
السلطان قبض سند وتعهد اورا از بغداد نزد بنده فرستاد
رسوای خاص وعام شد . دماغش بخاك مالیده گردید
پس ازچندین معاملهٔ ناگوار زبونانه دم درکشید . این است
که اکنون بحسب جامعیت ملیت وتبعیت پیروی از فرانسویان
می کند . اما جرائد دیگر که مسلك ومشرب آنهانزد مصریان
معلوم است قابلیت اینکه نام بد نامشان مذکور شود
ند ارند (قل موتوا بغیظکم الخ) الآیة

حضرات حکمتیان هرگز گمان نکنند که ما محض
حب دین ووطن وتعصب جنسیت مقالات روزنامهای
مذکور راعمداً اسر بسته گذاشته و یادرزیر کاسه نیم کاسه
بوده است . لهذا برای رفع این شبه چندفقره ازمفتریات
آنهارامذکورنموده که ازاینهاپی بمقالات ودیگر گفتارشان
برده شود . پایه ومایهٔ اطلاع آنها از نوشتهٔ خودشان
معلوم شود .

میگویند در حریم سلطنت شاه شهید سعید (۱۸۰۰)
نفرزن بعنوان زوجهٔ شرعیه موجود بوده ودویست وپنجاه
نفر شاهزاده از صلب همایونی ازینان متولد شده اند
وموجود هستند . کذلك اعلیحضرت همایونی راشست نفر
زوجهٔ شرعی بوده وسی نفر پادشاهزاده فرزندارجمند دارند .

نمیدانیم این نادانان پادشاهان ایران راملك سیام یافغفورچین
میدانند ونمی دانند که پادشاه ایران موحد ومسلم ومؤمن
است ودر شرع اسلامی زیادة از چهار زن بمرد روانبود
ودر ایران هم بیع وشرای کنیز وغلام چرکس وگرجی حسب
المذهب ممنوع است . پس ما برای آگاهی آنها میگوییم
بانوی بانوان حریم سلطنت عظمی یك نفر است وبس .
و بنات سلطنت هم پنج یاشش نفراند وابناء سلطنت عظمی پنج
نفراندونام نامیشان هم بدین قراراست .

۱ – والا حضرت مستطاب اشرف اسعد (محمد علی
میرزا ولیعهد دولت ابدآیت

۲ – نواب مستطاب اشرف اسعدوآلا (شعاع السلطنه)

۳ – نواب مستطاب اشرف اسعد وآلا (سالار الدوله)

۴ – نواب مستطاب اشرف اسعدوآلا (عضدالسلطان)

۵ – نواب مستطاب اشرف اسعد وآلا (ناصرالدین میرزا)

دیگر میگویند اعلیحضرت همایونی بنفس نفیس خود
بهمهٔ مخازن وحدائق شهیرهٔ پاریس تشریف برده و ۸۰۰ چیز

رسید گی فرموده قریب یك ملیون فرانك از پاریس اشیا وامتعه خرید نموده اند واین شایسته سلطنت نمود . عجب ازنادانی وعدم ادراك معترضین دآریم . کاریکه شایان همه قسم تمجید است ناگوآرش می بینند . این خود محقق است پاد شاه یك مملکت شرقی بفرنگستان میرود پس ازایفاي رسوم دید و باز دید وتماشای معامل ومتاحف ومدارس وآثار عتیقه وقصورشهیره باید ما یحتاج خاصهٔ خود وحاجیات مملکت خویشرا نیز خرید نماید وبهمه جاسرکشی کند . وازهرچیز مطلع شود . و بکنه حقایق ترقیات عصریه برسد . ازاین قرار بایستي اعلیحضرت امپراتور وعلیا حضرت امپراتریس آلمان‌را نیز با اعلیحضرت همایوني شریك ملامت نمایند زیرادردو سفر استامبول وسوریه کمتر بازار ودکانی باقي ماند که نگشته باشند وکمتر امتعهٔ نفیسه وغیر نفیسه ماند که در بازارها بدست خود نخریده باشند

میگویند — گردونه‌اوتوموبیل خیلی مطبوع طبع همایونی شده‌ودستگاهی چند ازانها خرید فرموده اند . نمیدانیم وجه مطاعن دراین کارکجا است . اگر معترضین شرقي می بودند معذور شان می دآشیتم که چیز ندیده می بینند این پادشاه بلجیك است که غیر ازاوتو مو بیل چیزدیگر خاصةً سوارنمی شود . این پادشاه ایتالي است که بجزاز او توموبیل سواریی دیگرندارد . دیروز بود که ولی عهد یونان با طبیب خاص از او توموبیل افتاده چشم ودست وباز ویشان مجروح شد . علاوه براینهاروسهادر جایکه راه آهن ندارند شوسه را مبدل براتوموبیل میکنند . ودر علم جنگ پس از توپ وتفنگ او توموبیل الزم الات حربیه شده است . دیگر خوب است که‌پادشاه ما برای سواری اوتوموبیل گرفت ومثل ولي عهد متوفای دولت وتریش که بمصر آمد در المنصوره سوارشتربازاری که

کشی نشدودرکوچه‌وبازار نتاخت . پس چرانشریف فرمایی همایونی را بمعامل لندن وبرلین وپاریس وامتحان توپهای کروپ ومکسیم را بدست مبارك وخرید آنهارانمی نویسند . البته نمی‌نویسند زیراغرض‌مرض است

میگویند پانسد هزار لیرا مصروف این سفر شده است وجمیع مصاریف ملتزمین رکاب حتی ایرانیانکه بعزم زیارت طلعت مبارك همایوني بفرنگستان رفته اندازجیب خاص همایوني بودة است . واز طرف دیگرمي گویند ملتزمین رکاب‌مستطاب‌راهریك مخارج از جیب خودشان بوده است

میگویند دیگرچه میگویند میگویند وزیر فوائد عامهٔ ایران (میرزا نظام دی جفاری) اصلا فرنکي وازاهالی فرانسه بوده وبا یران رفته تبدیل اسم کرده وهنوز در مذهب اصلی خودباقی‌مانده‌ومشغول خدمات‌دولت ایران است . ای‌هزار افسوس که ما باعتقاد خودمان یك میرزا نظام الدین مهندس‌ماهرایراني‌دآشتیم او هم‌که فرنگی بوده است وما نمی دانسته ایم ونامش هم (مسیو دی جفار) میباشد (جناب مهندس الممالك انشاء الله‌خوآهید بخشید دراین شهادت همشهریهای محترم پاریسي چه‌میفرمایید) آفرین بر شعور واطلاع مدبر (فیغارو وماتان) !! آری در جایکه سلطان صلاح الدین ایوبي‌آذربایجاني‌راژرمني عثمان پاشا ومختار پاشاوادهم پاشای غازیان عثمانی را آلماني می‌نویسند میرزا نظام الدین ماهم اگر فرنسوی باشد استبعادی نخوآهد دآشت

آری (جهل ازاین بسیارکرده است وکند) این مسیو دی جفار مهندس راما بهترمی شناسیم نام نامي این دآنشور بزرگ (میرزا نظام الدین مهندس الممالك غفاری وکاشانی است) او پسرمیرزا ابراهیم بن میرزا احمد بن میرزا معزالدین بن قاضی احمد بن قاضی مطاب

۱۴

بن قاضی بدیع الزمان است که نسب او بسی وچهار واسطه بجناب ابی ذر الغفاری الصحابی رضی الله عنه میرسد این مرد بزرگ دردهم شعبان ۱۲۶۰ متولد شده ودر ۱۲۷۵ در ایام سلطنت ناپلیون سیم در جزء شاگردان بریاست مرحوم حسنعلی خان گروس امیر نظام برای تحصیل بفرنکستان وفرانسه رفته است سه سال مقدمات در مدرسهٔ (دیپ Dieppe) تحصیل نموده بعد پاریس رفته علوم متوسطه رادر مدرسهٔ (سن لوئی S-t, Louie) آموخته درپاداش امتحان شهادت نامهٔ درجهٔ اول گرفته بعد بسمت شاگردی اول ده مدرسهٔ (پولیتی کنیك Polytechnique) پاریس داخل شده برتبهٔ معلمی علم هندسهٔ تحلیلی سن لویی نایل گشته پس ازدو سال امتحان داده بمدرسهٔ معدن پاریس داخل شده و پس ازاتمام تحصیل شهادت نامه ازدرجهٔ اول گرفته در ۱۲۸۴ بایران مراجعت نموده ودر وزارات وخدمات بزرگ دولت بسر برده که اکنون وزیرفوائدعامه شده ودر جزء ملتزمین رکاب همایونی دردوسفر فرنکستان همراه بود ودارای همه نشانهای دول معظمه وغیرها میبا شد . بیاری خدای ماتالیفات وتاریخ حیات این دانشمند بزرگ رادر ضمن مشاهیر رجال خواهیم نوشت دیگر اقوال ومفتریات این جراید ساقطه رادر بارهٔ ملتزمین رکاب بایداز ین قبیل دانست . خوب است همشهریان عزیز ما که از مزخرف نویسي این جراید ساقطه بجوش وخروش آمده وافسرده شده اند . از این گونه ترهات و یاوه سرای مکدر نشوند . جراید معتبرهٔ فرنکستان را که درستایش متبوع اعظم ووزرای فخام مانوشته اند بخوانند تا کج از راست معلوم شود . مفسد از مصلح تمیز یابد . دیگر ما محض اطمئنان آنان حقیقت مسئله را بیان کردیم وبایضاح دو فقرهٔ مهم هم که موجب این دو مسافرت میمنت آیت شده است ختم کلام مي کنیم .

اول ـ مزاج وهاج اعلیحضرت اقدس همایون شاهنشاهی اطال الله بقاه مدتی است که از اعراض (امراض نقرس وکلیه وحدار) ضعیف شده ودر ایران معالجهٔ این گونه امراض غیر ممکن است ولی در فرنکستان همه قسم اسباب جمع بوده آبهای معدنی واطبای نامدار از هرگونه موجود است این است که دو بار مشاق سفر را متحمل شده اند بحمد الله که وجود مسعودش را آسایش کلی روی داده وامراض خیلی تخفیف یافته است امید واری تمام است که بزودی رفع همه گونه اعراض وامراض از این وجود مسعود بشود .

دوم تحمل مشقات این مسافرت مبنی برسیاست ملك است که درهر بار جمعی از رجال دولت را همراه برده که هوای افکار هز ارساله از سرشان بدر رود . تفنگ فتیله دار وچخماقی را بر مارتین وموزر ترجیح ندهند . بند گان خدارا عبید خود ندانند . شجاعت قبایل شاهسون وبختیاری وشقاقی وزعفرانلورا در مقابل این توپ وتفنگ وتقدم علم جنگ کافی ندانند . شهرها ببینند . مدارس نگرند . بنظام ملك ومملکت منظم تماشا کنند . صحراها نوردند . ودر یاها سپرند . در مقابل راه آهنی که در یك ساعت چهل فرسنگ راه طی میکند دیگر باسب عربی وتر کمنی ننازند . چون وقت تدریس وتعلیم گذشته است لا اقل در بزرگی ببینند . و یاد گیرند . اطفال خودرانیز بیاموزند . بعزت ناپایدار چند روزه مغرور نشوند . این است سر سیاست این دو مسافرت همایونی که گو یا تاکنون کمتر کسی بکنه این واقف بوده است وبفحوای (الملوك ملهمون) این پادشاه تاجدار وپدر مهربان ماراشیوهٔ تربیت سالخورد گان بدین و تیره بوده وتربیت خورد سالان رانیز درآینده خواهیم نوشت که از نظار مهربانی بدور نفرموده اند والسلام

اخبار داخلیه

اعلیحضرت اقدس همایون شاهنشاهی

(ووالا حضرت خدیو مصر در پاریس)

در زمان تشریف فرمایی اعلیحضرت همایونی در پاریس حضرت دولتمآب پرنس محمد علی پاشا برادر ستوده گوهر والا حضرت عباس حلمی پاشا خدیو مصر شرف اندوزی از حضور مبارك حاصل کرده ودر ضمن مکالمات رغبت ملوکانه رابدیدن والا حضرت خدیو مصر اظهار فرموده بودند. بعد از چند روز خدیو معظم وارد پاریس شده روز یکشنبه چهارم جمادی الثانی دو ساعت بظهر مانده حسب المقرر والا حضرت خدیو با سعادتمآب علی عبادی پاشا سرتیپ دوم سوار شده بدر مهمانخانهٔ (شانزه لیزه پالاس) که مقر سلطنت عظمی بود رسیده ودر دم در عزتمآب یاور بك اتاماژور تشریفاتی خدیوی با چند نفر از ملتزمین رکاب همایونی منتظر ورود بوده مراسم پذیرای را بعمل آوردند . والا حضرت خدیو بطبقهٔ دوم بالا رفته در تالار جناب مستطاب اشرف افخم اتابك اعظم با وزرای دربار وتشریفات پادشاهی از امیر معظم مصر پذیرای نمودند. پس شرف اندوزی از حضور همایونی حاصل کرده اعلیحضرت همایونی بنوازش ملوکانه چنانچه از آن پادشاه جمجاه در خور این خدیو بلند دستگاه سزد خدیو افخم را پذیرای فرمودند . با نهایت حناوت ومهربانی احوال پرسی فرموده واز مصر و رود نیل فیضان وانحطاط آن وکیفیت زراعت بیگان پرسیده پس میل مبارك را بتماشای مصر اظهار فرمودند . خدیو افخم عرض نمود که این منتهای آرزویم بوده وکذلك من هم چه بسیار درارزوی زیارت ایران بوده که در تهران شرف اندوزی از حضور همایونی حاصل نمایم ولی مسافرت من از مصر درتابستان بوده که در این فصل هوای آسمان نیز گرم میباشد . مدت نیم ساعت این زیارت امتداد یافت . آنسان که اعلیحضرت همایونی بمهربانی اورا پذیرای فرموده بودند بدآنگونه هم وداع فرمودند جناب مستطاب اشرف اتابك اعظم تا وسط نردبان مهمانخانه باوی مرافقت کرده در حین وداع چنین گفتند که (ملوك وامراء اسلام محتاج ارتباط دوستی وباوری مستمر باهمدیگر میباشند) . چهار ساعت از ظهر روز مذکور اعلیحضرت همایونی با کوکبهٔ از سواران حراس با جناب مستطاب اشرف در سمت یسار گردونه ودر عقب گردونهٔ ملوکانه جنابان ظهیر الدوله وزیر تشریفات ونیر السلطنه نظر آقا سفیر پاریس ومیرزا اسحق خان مفخم الدوله سفیر آمریک ومیرزا نظام الدین مهندس الممالك ومسیو مولادر مهماندار همایونی از طرف جمهوریت فرانسه وبابك نفر صاحب منصب نظامی فرانسه بمنصب کولونیل برای بازدید به مهمانخانهٔ (بوسیه) که محل اقامت خدیو مفخم بود تشریف فرما شدند در دم در والا حضرت خدیو پرنس محمد علی پاشا وعلی عبادی پاشا وتورنتزون پاشا وعزیز عزت بك ویاور بك وخلف افندی اجودان خدیو صف بسته استقبال موکب همایونی بودند . وهزاران از فرنسویان در دو طرف خیابان برای تماشای احترام خدیو معظم پادشاه معظم هجوم آور شده بودند. اعلیحضرت همایونی با والا حضرت خدیو با رجال دودربار بتالار تشریف برده بیست دقیقهٔ تمام بانواع مهربانی شاهانی از خدیو افخم ملاطفت فرمودند. والا حضرت خدیو سپاسداری وشکر گذاری خود را این انعطاف وتوجهات ملوکانه در بارهٔ وی عرض نموده که ذکر این منت عظمی را تا زنده ام فراموش نخواهم نمود وآرزو میکنم که پیوسته ذات خجسته صفات همایونی را با تمام صحت وعافیت دیده باشم . اعلیحضرت همایونی به بیانات پادشاهانه پاسخ فرمودند . بعد اعلیحضرت همایونی از مصر ورود نیل وشعبه های آن درسودان وطول مسافت میان خرطوم مصر وکیفیت راهها ومرکز مصر از اسکندریه وسواس ویورت سعید پرسیده بعدازماهیت احتلال انگلیسیان بمصر سؤال فرمودند.

خدیو اکرم عرض کرد که در خطهٔ مصریه (۲۵۰۰) نفر سپاه انگلیسی در مصر واسکندریه بوده در شهرهای دیگر نیست. ونیز هشتاد نفر صاحب منصب انگلیسی برای تعلیم وفرماندهی عساکر مصریه بافس وعلامات عثمانیه موجودی باشند. وسوای ازاینان موظفین چندی از انگلیسان در دوایر حکومتی بوده که درحین خدمت رخت وعلامات اینان مانند ملابس وعلامات مصریه است ونیز لغت عربی را اموخته درا ثنای خدمتگذاری بدو زبان رسمی حکومت مصریه در مصالح ملیه زبان عربی ودر مصالح مشترکه مابین حکومت وغیرها بفرانسه سخن می گویند. وبرای اسانی کار کمی هم در مصالح لغت انگلیسی مستعمل است. بعد اعلیحضرت همایونی از تعداد نفوس خطهٔ مصریه عموماً وتعداد مسلمین خصوصاً پرسش فرمودند. خدیو اکرم عرض کرد که در خطهٔ مصریه غیر از سودان قریب بده ملیون نفوس بوده که از اینان نه ملیون وکسری مسلمین وسه ربع ملیون هم از دیگر طوائف هستند. چون والاحضرت خدیو در شرف اندوزی اول وعدهٔ تقدیم نقشه های نیل وشهرهای مصر نموده بود دراینجا هم دوباره به تجدید وعده پرداخت. بعد اعلیحضرت همایونی بمهربانی از خدیو اکرم وداع فرموده والاحضرت خدیو ورجال دربارش تا درمهمانخانه که اعلیحضرت همایونی سوار گردونه شدند مراسم مشایعت رابجاآ اوردند بعد جناب مستطاب اشرف اتابك اعظم با والا حضرت خدیو اکرم مصافحه نموده سوار گردونهٔ همایونی ازسمت یسار شده وبفرخی اجلال ازمیان جموع متفرجین گذشته بمقر سلطنت عظمی معاودت فرمودند. جراید شبانه وبامداد هریك از این گونه دید وبازدید ملك اسلام با امیر اسلام مقالات مطوله نوشته وهرکدام افکار خودرا بحسب میل واغراض خود بیان نمودند.

(حکمت) مختصر میگوییم اگر از چهل وپنجاه سال قبل میان ملوك وامراء اسلام اساس اتحاد وموودت چنانکه امروز بنیاد گرفته است موجود بودی اکنون نقشهٔ سیاسیهٔ اسلامیه برشکل دیگری نمودی باز ازاین گونه الفت ومحبت که دراین چند روزه میان بزرگان اسلام دیده می شود نتایج مهمه خواهیم دید. وثمرهای گوناگون خواهیم چید. متع اللهم المسلمین ببقاء ملوکهم وامرائهم وادم المحبة بینهم بجاه سید المرسلین امین

کولیرا — وبا وطاعون در مصر

قریب بچهار سال است قطر مصری مبتلای طاعون بوده نادرا واخر بوسایط شدیدهٔ فعاله رو بزوال گذاشته اکنون تنهادر اسکندریه در هفتهٔ معدودی گرفتار شده برخی شفا یافته ما بقی جان در می بازند. واین بس نبود رود نیل که منبع حیات وثروت مصر است ازمقیاس هرساله چند زرع کمتر آمده که از این کم آبی تقریباً دویست هزار فدان که هریك فدان (۴۲۰۰) متر مربع است مزارع خشك وخالی مانده که ضرر این زیاده بردوملیون لیر است. واین هم بس نبود که در قصبهٔ (موشا) در مدیریت (اسیوط) در نهم ربیع الثانی مرض وبادر میان حجاج ظاهر شده واز انجا بهمهٔ قطر مصری سرایت کرده تا امروز که غرهٔ رجب است (۲٦۸۴۳) نفر گرفتار این مرض خبیث شده از اینان (۲۱۲۰۰) نفر مرده و(۵۱۲۹) نفر شفا یافته و(٦۰۷) نفر در بیمارستانها هستند. از نتیجهٔ این مرض آنان که نوانستند بار بربسته بفرنگستان وبلاد عثمانی گریختند مانی از حرکت افتاده تجارت معطل زراعت معوق امنیت از مردم مرتفع شده مختصراً از دیرگاهان مصر گرفتار این همهٔ مصائب در آن واحد نشده بود ولی شکر خدارا که از چند روز آثار تخفیف در انتشار مرض پیدا شده امیدواریم که تا اخر این ماه بالکلیه رفع مرض شده باشد.

مخبر حکمت از اسلامبول مینویسد. مابین دولتین علیتین ایران وعثمانی معاهدهٔ تازه در خصوص گمرك بسته شده است. ونص آن در عدد آتی نوشته خواهد شد.

اعلان از اداره

مقرب الحضرة العلیه میرزا حسن اصفهانی وکیل ادارهٔ حکمت در طهران معین شده است وتوزیع حکمت وتحصیل قیمت اشتراکات واعلانات نیز در عهدهٔ او میباشد

مهدی

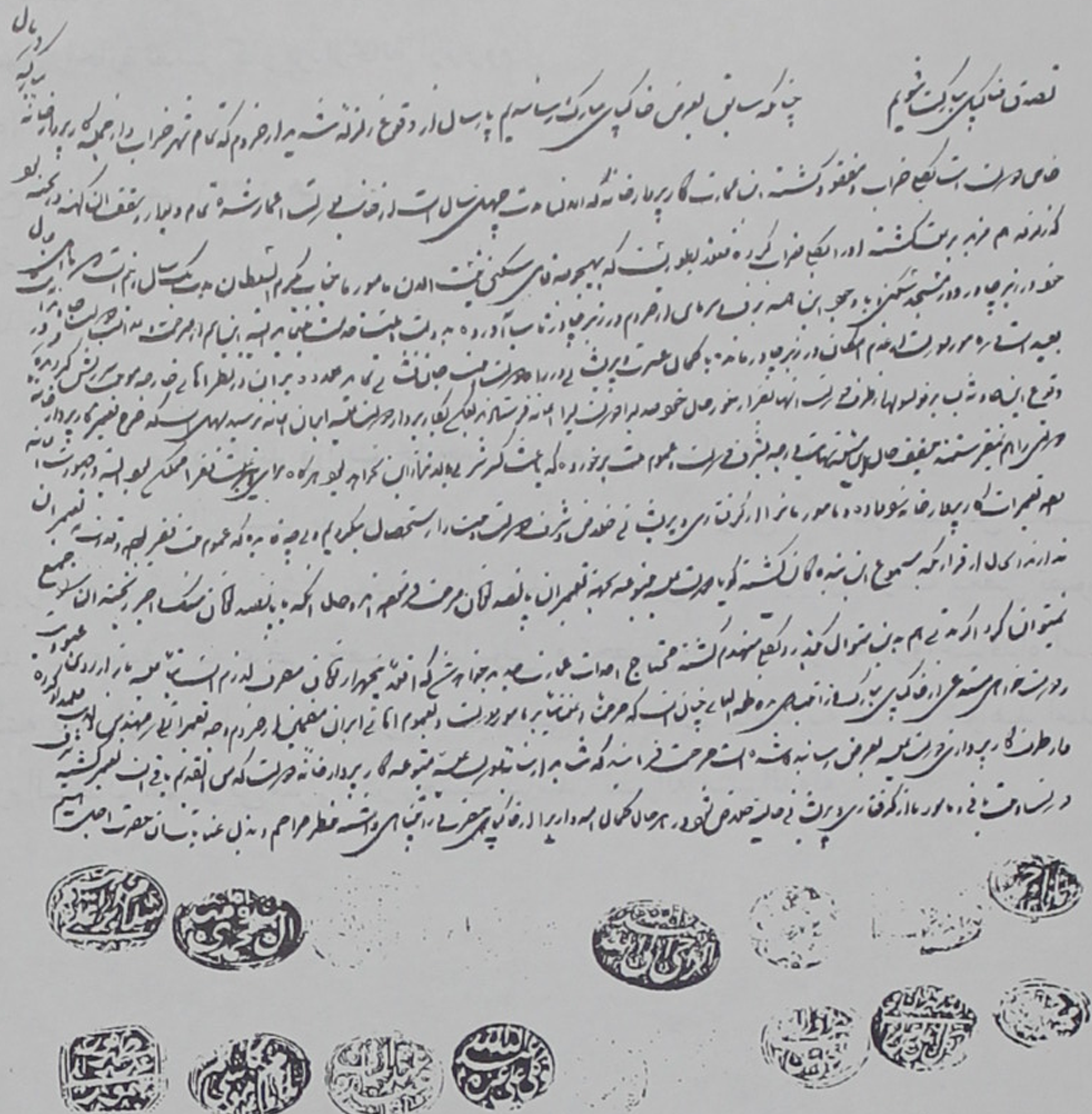
شمارهٔ سند: ۹۳۶
موضوع: وقوع زلزله و تعمیر خرابی های کار پردازخانهٔ ارزروم
تاریخ: ندارد (احتمالاً در سال ۱۳۲۱ هـ . ق)
کارتن: ۱۱
پرونده: ٤

نامهٔ تجار ایرانی مقیمین ارزروم به وزارت خارجه

تصدق خاکپای مبارکت شویم، چنانکه سابق به عرض خاکپای مبارک رسانیدیم، پارسال از وقوع زلزلهٔ شدید ارزروم که تمام شهر خراب و از جمله کار پردازخانهٔ مبارکه که مال خاص دولت است بکلی خراب و مفقود گشته این عمارت کار پردازخانه که الان مدت چهل سال است از جانب دولت اعمار شده تمام دیوار و سقف آن کهنه و ریخته بود که زلزله هم مزید بر علت گشته او را بکلی خراب کرده، فعلاً به طوری است که به هیچ وجه قابل سکنیٰ نیست، الآن مأمور ما جناب مکرم السلطان مدت یک سال و نیم است که با اهل عیال خود در زیر چادر و در مسجد سکنی و با وجود این همه برف و سرمای ارزروم در زیر چادر تاب آورده به دولت و ملت خدمت می نماید، البته این هم از مرحمت و عدالت دولت جاوید آیت بعید است که مأمور دولت از عدم امکان در زیر چادر درمانده با کمال عسرت و پریشانی در راه دولت و ملت جان‌فشانی نماید، علاوه بر آن در نظر اهالی خارجه موجب سرزنش گردیده که در وقوع این حادثه به سایر قونسولها از طرف دولت آنها به فراخور حال خود صد لیرا دویست لیرا اعانه فرستادند بکلی به کار پرداز دولت علیهٔ ایران اعانه نرسید، سهل است که خرج تعمیر کار پردازخانهٔ دولتی را هم نمی‌فرستند خفیف حال این مسئله نهایت درجه به شرف دولت و عموم ملت برخورده که باعث کسر شرمی بالا تر از این نخواهد بود هرگاه برای این علت فقرا ممکن بود البته در صورت اعانه وجه تعمیرات کار پردازخانه را داده و مأمورمان را از گرفتاری و پریشانی خلاص و شرف دولت و ملت را استحصال می‌کردیم ولی چه فایده که عموم ملت فقیر بوده و قدرت به تعمیر آن ندارند، الحال از قراری که مسموع این بندگان گشته گویا دولت علیهٔ متبوعه به جهت تعمیر آن پانصد تومان مرحمت فرموده اندو حال آنکه با پانصد تومان سنگ و آجر ریخته آن

را جمع نمی‌توان کرد اگر مدتی هم بدین منوال بگذرد بکلی منهدم گشته محتاج احداث عمارت جدید خواهد شد که اقلاً پنج هزار تومان مصرف لازم است بنای علیه باز از روی عبودیت و دولت‌خواهی مستدعی از خاکپای مبارک وزارت‌پناهی مدظله العالی چنان است که مرحمتاً تمنانیاً بر مأمور دولت و به عموم اهالی ایران مقیمین ارض‌روم وجه تعمیراتی که مهندس ولایت قلمداد کرده و از طرف کار پردازی دولت‌علیه به عرض رسانیده شده است، مرحمت فرمایند که شاید از سایهٔ دولت علیهٔ متبوعه کار پردازخانهٔ دولت که من‌القدیم باقی است تعمیر گشته شرف دولت و ملت باقی و مأمور ما از گرفتاری و پریشانی حالیه خلاص شود. در هرحال کمال امیدواری را از خاکپای حضرت وزارت پناهی داشته منتظر مراحم و بذل عنایات آن حضرت اجل هستیم.

[توضیح: تعداد ۱۷ مهر تجار در پایین سند موجود است.]



شمارهٔ سند: ۹۳۷

موضوع: اجازهٔ تعمیر کار پردازخانهٔ ارزروم

نمره: ۵۴۰

تاریخ: سلخ صفر ۱۳۲۱ هـ . ق

کارتن: ۱۱

پرونده: ٤

سواد کاغذ وزارت خارجه به عموم تجار ایران مقیمین ارزروم

عرض حال شما به توسط پست مقرر رسید شرحی که در خصوص تعمیرات کار پردازخانهٔ دولتی نوشته بودید مطلع شدم، در این باب اولیای دولت بعض تصورات دارند که موقوف به عرض حضور همایونی و تحصیل اجازهٔ ملوکانهٔ ارواحنافداه است و البته بعد از حصول اجازه هرچه مقتضی تکلیف باشد به عمل خواهد آمد که مکرم السلطان هم از بی‌منزلی در زحمت نباشد. نصراله مشیرالدوله

٥٤٠

وزارت امور خارجه

اداره	دائره

مورخه

نمره

٣٨٣

سواد نامه وزارت جلیله به عموم تجار اسلامیه مقیمین ارض اقدس

٤ صفر ١٣٢١

بر عموم اهالی با تربیت مقرر رسمی شرعی در حضور تعمیرات کارپرداز خانه های ... باید مطلع شوند

دولتی ... اولیای دولت بعضی تقصیرات دارند و در توقف بعضی حضور ... و نقشه های ... عملیات ...

ارواحنا فداه ... داشته میزان صحیح اجازه در جه مشخص تکلیف ... بعمل خود اگر ... ازین ...

در رحمت ... امر ...

شمارهٔ سند: ۹۳۸

موضوع: مقرری کار پردازی شام

نمره: ۵۲

تاریخ: ۶ ربیع الاول ۱۳۲۱ هـ. ق

کارتن: ۱۱

پرونده: ۷

نامهٔ قونسولگری ایران در شام به وزارت خارجه

تصدقت شوم، به واسطهٔ نبودن داد و ستد ادارهٔ وزارت گمرک با بانک عثمانی در شام که لابد مانده به اسلامبول حواله می دهد موجب صعوبت وصول اقساط مقرری کار پردازخانه شده است محض به جهت سهولت خدمت جناب جلالت‌مآب آقای اعتلاء السلطنه مصدع بوده که اقساط مقرری کار پردازخانه را از هذه‌السنه توشقان ئیل ایشان دریافت نموده به واسطهٔ یکی از صرافان تبریز به چاکر برساند مستدعی است که امر و مقرر فرمایند که اقساط را به جناب معزی الیه کارسازی فرمایند، زیاده چه جسارت نماید.

جنرال قونسولگری

دولت علیهٔ ایران

۶ شهر ربیع الاول ۱۳۲۱

نمره ۵۲

بواسطهٔ جناب [illegible] ادارات وزارت گمرک

تصدقت شوم

با بانک عثمانی در شام در این باره به [illegible] حواله [illegible]

از قرار معلوم کارپرداز [illegible] فقط [illegible] سهولت [illegible]

آقای [illegible] السلطنه [illegible] از قرار معلوم کارپرداز [illegible]

[illegible]

[illegible] از قرار [illegible]

زیاده چه جسارت نماید

شمارهٔ سند: ۹۳۹
موضوع: کار پردازی خانقین
نمره: ۲۵
تاریخ: ۵ ربیع الاول ۱۳۲۱ هـ. ق
کارتن: ۱۱
پرونده: ٤

نامهٔ وزارت خارجهٔ عثمانی به سفارت کبری ایران در اسلامبول

ترجمهٔ تقریر باب‌عالی

مراسلهٔ عالی نمرهٔ ٦ مورخهٔ ۲۷ ذی‌حجه ۱۳۲۰ به نظر مخلص رسیده، اینکه مرقوم داشته بودید که چون عباس‌خان از طرف دولت علیهٔ متبوعهٔ آن‌جناب به وکالت کار پردازی خانقین تعیین شده است معاملهٔ لازمه مجری گردد در این خصوص از ولایت بغداد استعلام شده از تلگرافی که از ولایت مذکور در جواب این فقره رسیده بیان شده است که چون مومی الیه سابقاً در وکالت کار پردازی مستخدم بوده به واسطهٔ انهماکی* که به قمار و مسکرات داشته از آن مأموریت معزول گردیده دوباره تعیین شدن او مناسب نخواهد بود، لهذا خواهش می‌شود که بذل همت فرمایید تا اینکه شخص مناسبی به مأموریت مذکور معین شود.

* به معنی: کوشیدن در کاری، سخت سرگرم شدن به کاری و مبالغه کردن درآن.

شمارهٔ سند: ۹٤٠

موضوع: کار پردازی خانقین

نمره: ٤٠۹

تاریخ: ١٦ ربیع الثانی ١٣٢١ هـ. ق

کارتن: ١١

پرونده: ٤

نامهٔ سفارت کبری ایران در اسلامبول به وزارت خارجهٔ ایران

در باب تعیین عباس‌خان به کار پردازی خانقین از طرف سفارت کبری رسماً تقریر به باب‌عالی نوشته امر مأموریت او را خواسته بودم باب‌عالی جواب نوشته که به موجب استعلامی که در خصوص مأموریت عباس‌خان از ولایت بغداد شده مشارالیه چون در مأموریت سابق خود به قمار و تجرع و سایر حرکات نامناسب به سر برده و به واسطهٔ آن حالات از آنجا انفصال یافت.

لهذا تکرار مأموریت مشارالیه به خانقین پذیرفته نشده مأمور دیگر که مهذّب الاطوار و اخلاق باشد تعیین و اعزام گردد.

لهذا سواد مراسلهٔ باب‌عالی را به کار پردازی بغداد فرستاده و به جهت مزید استحضار خاطر جناب مستطاب اجل افخم عالی نیز لفاً ارسال داشتم که ملاحظه فرموده از مراتب مندرجهٔ آن مستحضر باشند.

مهر- پرنس ارفع الدوله

[حاشیه، دستخط شاه:]

جناب اشرف اتابک اعظم، وزیر به توسط فرمانفرما به عرض رسانید که پسر مشاورالملک به این نقطه برود.

۱۶ شهر ربیع الثانی ۱۳۲۱

نمره ۴۰۹

در باب تعیین عباس خان بیک رهداری خانقین از طرف سفارت کبری رسماً
تقریر با اولیا نوشته امر ماموریت او را خواسته بودم با اولیاء جواب درست
در جواب استدعای ام در خصوص ماموریت عباس خان از وزارت جلیله داده شده
شد زیرا چون در ماموریت سابق خود بتجار و تجارت و سایر حرکات نامناسب
بروز داده و بواسطه آن حالات از آنجا انفصال یافته لهذا دیگر در ماموریت
شد زیرا که خانقین پذیرفته نشد مامور دیگر را مهذب الدوله از طرف باشد
تبلیغ و اعزام نمود لهذا تعداد مراتب با اولیاء بکار رهداری بغداد و تعلیقه و نتیجه
نزد ایشان خاطر جناب مستطاب اجل اعلم عالی تیز نظر ارسال داریم در امور خطیر
و نتیجه از مراتب مندرجه آن مستحضر باشند



شمارهٔ سند: ۹۴۱
موضوع: اقدامات کار پردازی بصره در رفاه و آسایش حال مقیمین بصره
نمره: ۴٤۰
تاریخ: ۱٦ ربیع الثانی ۱۳۲۱ هـ. ق
کارتن: ۱۱
پرونده: ۵

نامهٔ سفارت ایران در اسلامبول به وزارت خارجه

از قرار راپورت و اطلاعات حاصله از کار پردازی بصره معتمدالسلطان میرزا تقی خان کار پرداز آنجا نهایت مراقبت به تسویهٔ امورات کار پردازی و تحصیل آسایش احوال اتباع دولت علیهٔ مقیمین بصره به عمل آورده و از آنجا که در کمال مهربانی و حسن سلوک با رعایای ایرانی رفتار کرده و در حفظ حقوق آنها لازمهٔ مجاهدت و اهتمام را می نماید اتباع دولت علیه هم عریضه رضائیت و تشکر عمومی از معاملات و کاردانی مشارالیه نوشته به سفارت کبری فرستاده بودند عریضه مزبور را با راپورتهای خود میرزاتقی خان عیناً و لفاً ارسال داشتم که به لحاظ انور عالی رسیده و خاطر مبارک حضرت اجل امجد افخم عالی دام اجلاله المتعالی از مراتب اقدامات و خدمات مومی الیه قرین استحضار باشند.

محل مهر: پرنس ارفع الدوله

۱۶ شهر ربیع الثانی ۱۳۲۱

نمره ۴۰۱

از قرار راپورت و اطلاعات حاصله از کارپردازی بصره معتمد السلطان میرزا رضاقلی خان

کارپرداز آنجا به نهایت مراقبت در تربیه امورات کارپردازی و تحصیل آسایش و حوائج

اتباع دولت علیه مقیمین بصره سعی آورده و با اهالی آنجا که در کمال جهت نا خوش سلوک با رعایای ایران دارند

رفتار کرده و در حفظ حقوق آنها لوازم مجاهدت و اهتمام را مجری داشته اسباب تسلیه

عریضه رضایت دیگر عمومی از مساعدت و کارروائی معزی الیه نوشته تلگرافی

فرستاده بودند عریضه مزبور را با راپورتهای خود میرزا رضاقلی خان عین ولفاً ارسال داشتم

در ملاحظه انور عالیه و نظر مبارک حضرت اجل اکرم افخم عالی دام اجلاله العالی تمنی

از مراتب احساسات و خدمات معزی الیه قرین استحضار باشند



شمارهٔ سند: ۹۴۲
موضوع: شکایت صفاء الممالک مستشار سفارت اسلامبول
نمره: ۲۶۱۰
تاریخ: ۲۰ ربیع الثانی ۱۳۲۱ هـ . ق
کارتن: ۱۱
پرونده: ۱

نامهٔ وزارت گمرک به وزارت خارجه

حضور مبارک حضرت مستطاب اجل اکرم افخم اعظم بندگان آقای مشیرالدوله وزیر امور خارجه دام اقباله العالی

مرقومهٔ مبارک در خصوص شکایت مکرر جناب صفاء الممالک مستشار سفارت اسلامبول زیارت گردید، امر و مقرر رفته بود که ازبابت قسط اول مواجب پارسالهٔ خودش پنجاه شش تومان به او نرسیده و از میان رفته است. این مسئله ابداً ربطی به عوالم چاکر دولتخواه ندارد و حقوق او در گمرک عیب و نقصی ننموده زیرا که قسط سه‌ماهه اول سنهٔ ماضیهٔ مأمورین اسلامبول مطابق بودجه‌ای که از وزارت جلیلهٔ امور خارجه مرحمت شده مطابق (.........) است و معادل مبلغ مزبور در ۱۹ شهر ربیع الاول در نمرهٔ ۵۸۶ حواله شده و صورت حقوق سه‌ماههٔ اول را در فرد جداگانه معلوم نموده برای استحضار خاطر مبارک لفاً ایفاد داشت.

ازبابت حقوق سه‌ماهه هذه‌السنه هم به طوری که دستورالعمل داده و در بودجه به خط مبارک شرف ترقیم رفته، ربع حقوق مأمورین اسلامبول را سه هزار و هفصد هشتاد و سه تومان پنج هزار کسری معلوم فرموده و مرقوم فرموده‌اید مراتب به اسلامبول داده شود چاکر دولتخواه فرمایش حضرت اجل عالی اجری داشته به حواله اسلامبول برات داده است، محض اطلاع خاطر مبارک جسارت ورزید. زیاده ایام شوکت مستدام.

MINISTÈRE DES DOUANES

TÉHÉRAN, le ۱۱ ۲۱ شهر رجب ۱۹۰

وزارت گمرك

Ind : N° ۲۶۱

حضور مبارک حضرت مستطاب اجل اکرم افخم اعظم سرکار آقای مشیرالدوله وزیر امور خارجه دام اقباله العالی

ANNEXE :

مرقومه مبارکه در خصوص شکایت مقرب الخاقان صفاء الممالک نسبت بتقاعد ابتدای سنه [illegible] زیارت گردید

امر و مقرر رفته بود که ثلث قسط اول رجب با ربابه خودش یا پسرش [illegible] با وزیر [illegible] دولت [illegible] رفته است

این سنه [illegible] ربطی بعوالم حاکم تنخواه ندارد و حقوق که در گمرک [illegible] بعضی نموده [illegible] قسط سه ماهه اول

نه ماهه ماموریت ابتدای سنه سطانی بوده [illegible] از وزارت جلیله امور خارجه [illegible] نسبت بایشان

دسامبر [illegible] در ۱۹ ربیع الاول [illegible] ۵۸۹ حواله شده و صورت حقوق سه ماهه [illegible] در [illegible] کامل تقدیم نموده

برای انتظار خاطر مبارک [illegible] داشت

ثبت حقوق سه ماهه [illegible] ۱۵ [illegible] تمام [illegible] خاطر مبارک [illegible] حقوق [illegible]

سه هزار و ششصد و هشتاد و سه تومان و پنج [illegible] تنخواه

فرمایند [illegible] خاطر مبارک [illegible] وزارتخانه

(۱۱ رجب ۱۳۲۸)

بانک شاهنشاهی ایران

No. 119830

THE IMPERIAL BANK OF PERSIA

INCORPORATED BY ROYAL CHARTER.

£33. 01

Teheran le 16 Fevrier 1904

A vue payez par cette SECONDE de change (la première ne l'étant) à l'ordre de Son Excellence Etela-es-Saltaneh la somme de Trente trois Livres Turques et une piastre valeur reçue que passerez suivant avis.

For The Imperial Bank of Persia.

[illegible] Chief Manager

[illegible] Accountant

Au Crédit Lyonnais,

Constantinople

شمارهٔ سند: ۹۴۳

موضوع: مقرری کار پردازی شام

نمره: ۱۱۱۷

تاریخ: ۷ جمادی الاول ۱۳۲۱ هـ. ق

کارتن: ۱۱

پرونده: ۷

سواد کاغذ از وزارت خارجه به مسیو نُز وزیر گمرک

مفخم الملک مأمور شام می نویسد چون بانک شاهنشاهی مستقیماً با بانک عثمانی در شام طرف داد و ستد نیست و اقساط مقرری کار پردازی را ناچار به اسلامبول حواله می دهد وصول آن اسباب زحمت می شود، خواسته است که اقساط مقرری شام را در هذه السنه به جناب نورچشمی اعتلاالسلطنه تسلیم شود که مشارالیه به وسیلهٔ مطمئنه به شام برساند. لهذا زحمت می دهد که قدغن نمایید همین طور که مفخم الملک خواسته اقساط آتیه کار پردازی شام را موافق قبضی که اعتلاالسلطنه می دهد در وجه مشارالیه بپردازند که به مفخم الملک برساند. نصراله مشیرالدوله *

* نمونهٔ چک بانک شاهنشاهی ایران ضمیمهٔ سند است.

سجل نمره ۳۷۰۳

نمره ۱۱۱۷

سواد کاغذ از وزارت خارجه به مسیو نوز وزیر گمرک

فی ۷ جمادی الاولی ۱۳۲۱

فخیم الملک مأمورین شام عثمانیه بعد از آنکه ماهیانه استقلالاً بابی عثمانی در شام طرف داد و ستد شده تقریر
کارپردازی را ناچار با قبول حواله نمیشد هر دو صورت آن اسباب زحمت میشود خواهشمند است که اقساط تقریر شام را اداره
مرتبه بنجاب قونسولجنرالی اعتلاء الملک تعلیم شود که تنها را الیه در بعلبکیه شام برسانند لهذا زحمت میدهم که قدغن نمائید منظور
که فخیم الملک خواسته اطلاع آنجا کارپرداز شام را موافق قبض که اعتضاد الملک نوشته هر دو وجه را الیه بپردازند

فخیم الملک ربانه نصرالله مشیرالدوله

شمارهٔ سند: ۹۴۴
موضوع: مقرری کار پردازی شام
نمره: ۱۱۱۲
تاریخ: ۷ جمادی الاول ۱۳۲۱ هـ . ق
کارتن: ۱۱
پرونده: ۷

سواد کاغذ از وزارت خارجه به مفخم الملک مأمور شام

نوشته بودید که اقساط مقرری هذه السنه کار پردازی شام به جناب اعتلاء السلطنه پرداخته شود که به توسط صرافخانه های تبریز به شما برسانند، برحسب میل شما به ادارهٔ گمرک ابلاغ شد که بعد از این اقساط مقرری شما را به مشارالیه بدهند که به وسایل مطمئنه به شما برساند. نصراله مشیرالدوله

ع
۳
۳۴۷۳

۱۱۱۲

سواد کاغذ از وزارت خارجه بمعظم الملک مأمور شام

فی ۷ جمادی الاولی ۱۳۲۱

نوشته بودید که اقساط مقرری هذه السنه کارپردازی شام بجناب اجل ... السلطنه پرداخته شود که توسط صراف تقی نهاوندی تبریز

میرسانند بر حسب میل شما باداره گمرک ابلاغ شد که بعد از این اقساط مقرری شما را ابلاغ رالیه بر تبریز ... السلطنه

میرسانند نصرالله مشیرالدوله

شمارهٔ سند: ۹۴۵
موضوع: گزارش موقعیت کار پردازی
نمره: ۱
تاریخ: ۳ جمادی الاخر ۱۳۲۱ هـ . ق
کارتن: ۱۱
پرونده: ۹

نامهٔ کارپردازی بایزید به وزارت خارجه

تصدق حضور مبارکت شوم، به امر مبارک بندگان حضرت مستطاب اجل اشرف اسعد اعظم وزارت پناهی روحنافداه خانه‌زاد را به کار پردازی بایزید تعیین نموده، در بیست و چهارم ماه گذشته وارد بایزید شدم و در روز ورود از طرف حکومت پنجاه شصت نفر سواری و از اشراف بلده برای تشریفات تا یک فرسخی به استقبال فرستاده بودند و یک روز بعد از ورود فرمان برات باب‌عالی را به حکومت فرستاده و برای ملاقات وقت خواسته و روز سیم در سرایه از وکیل متصرفی ملاقات نمود و بعد معزی‌الیه هم بازدید نمودند و حال چند روز است به امورات کار پردازی مباشرت نموده حقیقتاً کارهای سرحدیه خیلی مغشوش است و هرچه از این طرف و آن طرف نهب و غارت شده ابداً به مقام ادعا و استرداد نیامده و تقریر هم نوشته نشده، امیدوار است که از مراحم غمیمانهٔ بندگان حضرت مستطاب اجل اشرف اسعد اعظم وزارت‌پناهی روحنافداه که نوعی رفتار شود که اسباب تصدیع اولیای وزارت جلیله و مشغولیت فراهم نیاید،زیاده جسارت است. الامر لمن له‌الامر.

غلام خانه‌زاد میرزاآقا

کارپردازی دولت علیه ایران در بایزید

مورخه ۳ شهر جمادی الآخر ۱۳۲۱

نمره ۱ تصدق حضور مبارکت شوم با ... بندگان حضرت مستطاب اجل اشرف اسعد اعظم

وزارت جلیله ... روحی فداه خانه زاد را به کارپردازی بایزید تعیین نموده دیروز ...

گذشته وارد بایزید شدم ورود بنده در حقیقت از طرف حکومت جلیله به ... نفر سواری وارد اشراف

بنده برای تشریفات تا یک فرسخی با استقبال فرستاده بودند و دیگر به بنده ابراز ... فرمان

برات بالعالی را به حکومت فرستاده و برای ملاقات وقت خواسته وعده هم

در سرای ... ملاقات نمود و بعد ... بازدید نمودند

و حال چند روز است به امورات کارپردازی با شرکت نموده حقیقت پیکارهای

سرحد به طور مغشوش است و هرچه از این طرف و آن طرف نهب و غارت شده

ابتدا به مقام ... و تقریر آن نوشته شده ... دولت

که از مراحم ... بندگان حضرت مستطاب اجل اشرف اسعد اعظم وزارت جلیله ... دولت

روحی فداه که نوعی رفتار شود که ... تصدیع اولیای وزارت جلیله ...

وزرا ... حاجات است ... غلام خانه زاد ... میرزا ...

شمارهٔ سند: ۹٤٦

موضوع: تبعید شیخ عبدالعلی هراتی از عراق به هندوستان

تاریخ: ۱۰ رجب ۱۳۲۱ هـ. ق

کارتن: ۱۱

پرونده: ۳

نامهٔ سفارت انگلیس به وزارت خارجه

جناب مستطاب اجل اکرم افخم را با کمال احترام تصدیع افزا می‌گردد

نظر به مراسلات سابقه به جناب مستطاب اشرف اتابک اعظم در باب یک نفر ملای افغان موسوم به شیخ عبدالعلی هراتی که محض اینکه بر ضد دولت ایران اظهارات می‌نمود اخراج او را از عراق عرب از دوستدار خواسته بودند و بالیوز بغداد مشارالیه را به هندوستان فرستاده بود.

اینک شرف اظهار دارد که به موجب خبر رسمی که به دوستدار رسیده است مشارالیه در پنجاب در شهر عنبریت سر در تحت نظر است.

در اینموقع احترامات فایقه قلبیه خود را تجدید می‌نماید.

فی دهم شهررجب المرجب ۱۳۲۱

امضای وزیرمختار انگلیس

[حاشیه، پشت پاکت نامه:] نمره: ٤٨۹ ــ ۱۲ شهر رجب ۱۳۲۱

یک طغرا مراسلهٔ سفارت انگلس است که از عرض خاکپای اقدس همایون اعلی روحنافداه خواهد گذشت.

[دستخط شاه:]

وزیر، جوابی که لازم است به وزیرمختار بدهند. امضای مظفرالدین شاه

مفتاح السلطنه، جواب را زود بنویسد. با مهر مشیرالدوله

جناب مستطاب اجل اکرم افخم را با کمال احترامات احوال‌پرسی نموده زحمت افزا میگردد

نظر بمذاکرات سابقه که با جناب مستطاب اشرف اتابک اعظم در باب شیخ مکرم عربی مطرود شیخ عبدالله البحرانی مخصوصاً زحمت میدهد

دولت ایران اظهارات نموده خروج او را از حدود عربستان از دوستدار خواسته بعد با ... وادار نماید

به هندوستان فرستاده بود اینک شرف اطلاع میدهد که بموجب خبر رسمی که بدوستدار رسیده است مشارالیه در بنادر بحرین

عشیرت ... در تحت نظر است در این موقع احترامات فائقه تقدیم میکند

۱۴ ۳ ۱

۴۸۹
۱۳ بهمن ۱۳۲۱

وزارت امور خارجه

یک نفر از اعضاء سفارت انگلیس است [illegible] در عرض [illegible] اطلاع [illegible] خواهند رفت

[illegible]

شمارهٔ سند: ۹۴۷

موضوع: ارسال اخبار سرحد در کار پردازی

نمره: ۱۷۶۷

تاریخ: ۱۱ رجب ۱۳۲۱ هـ. ق

کارتن: ۱۱

پرونده: ۹

سواد کاغذ وزارت خارجه به میرزا آقاخان کارپرداز بایزید

تحریرات شهر جمادی الثانیه شما رسید، از ورود شما به بایزید و شروع به انجام خدمات محوله و انتظام امور کار پردازی مطلع شدم و حالا هم که چاپار روانه است به شرح این مختصر و ایراد جواب مطالب اظهاریه شما پرداخته و مترصدم که همیشه راپورتهای مشغول به مطالب سرحدیه و اخبار لازمهٔ رسیده از چگونگی امورات کار پردازی وزارت امور خارجه را مستحضر دارید. (نصراله مشیرالدوله)

۵۴۷۱

نمره

۱۷۶۷

سواد نامه وزارت خارجه به میرزا [illegible] خان کارپرداز بایزید

مورخه ۱۱ شهر رجب المرجب ۱۳۲۱

تحریرات شما که حاوی التفات نامه [illegible] از ورود تا به بایزید و شروع به انجام خدمات مرجوعه و حفظ امور کارپردازی مطلع شدم

و حال لازم که چه کارها در روانه است بشرح لازم مختصر و ایراد جواب [illegible] لازمه [illegible] مطلب

سرحدیه واقف [illegible] لازمه [illegible] از چگونگی امورات کارپردازی وزارت امور خارجه را مستحضر دارید

مشیر الدوله

شمارهٔ سند: ۹٤۸

موضوع: ویس قونسولگری وان ـ مأمورین تفتیش عثمانی در آذربایجان

نمره: ۲۳۸۸

تاریخ: غره شعبان ۱۳۲۱ هـ . ق

کارتن: ۱۱

پزونده: ٦

سواد کاغذ وزارت خارجه به سعدالسلطان مأمور وان

در ضمن مشروحات نمرهٔ ۵۰ و نمرهٔ ۵۱ در خصوص تعیین ویس قونسولگری از طرف دولت جمهوری فرانسه در وان و ورود مأمور مزبور و همچنین ورود هیئت تفتیشیهٔ عثمانی به آذربایجان و فقرات دیگر که برای آگاهی و اطلاع نوشته بودید، مستحضر شدم. (نصراله مشیرالدوله)

٢٣٨٨

١٣٦ (١٣٧)

[illegible] وزارتی [illegible] لطفا [illegible]

شباط ١٣٢١

درضمن مشروحات نمره ٥ و ٥١ درخصوص تعیین و [illegible] ایلکری [illegible]

طرف دولت علیه‌دن [illegible] فرانسه [illegible] وان و [illegible] مجلس و [illegible]

تفتیشنه [illegible] باب [illegible] و فقرات [illegible] اطلاع [illegible]

[illegible] الدوله

شمارهٔ سند: ۹۴۹
موضوع: تعیین ویس قنسولگری از طرف فرانسه و ورود مأمور فرانسه به وان
نمره: ۵۰
تاریخ: ۲۰ شعبان ۱۳۲۱ هـ. ق
کارتن: ۱۱
پرونده: ٦

نامهٔ کارپردازی ایران در وان به وزارت خارجه

یاهو

از طرف دولت فرانسه تاکنون قونسولگری رسمی و موظفی در وان نبوده و چهار سال قبل یکی از کشیشهای کاتولیک دومونیکن را که در اینجا مکتب و کلیسایی دارند به ایفای وظایف آژان قونسولی مکلف نموده بودند. این روزها بهر مطالعه و مقصودی است ویس قونسولگری رسمی و با مواجبی در وان تأسیس و موسیو روبن نامی را که سابقاً در هامبورغ شانسلر بوده است به ویس قونسولی معین و معجلاً فرستاده‌اند که یک هفته قبل وارد و چون پیش از وقت باب‌عالی مأموریت او را به ولایت تبلیغ نموده بود از روز ورود به ویس قونسولی شناخته شد، محض استحضار خاطر خطیر مبارک جسارت به عرض ورزید، زیاده چه جسارت ورزد. الامر الاشرف الامجد الارفع الافخم الاعظم العالی مطاع مطاع مطاع.

محل مهر: غلامعلی

[حاشیه:] ع، ۱۳۰۷ — ۲۲ شهر رمضان ۱۳۲۱

هو الله

کارپردازی دولت علیه ایران در دردانل

معروضه ۱۰ شعبان ۱۳۲۱

نمره ۵۰

از طرف دولت فرانسه آژانی قونسولگری رسمی در ظرفی دردانل به عهده [illegible] و چهار سال

قبل یکی از کشیشهای کاتولیک دومینیکن را که در اینجا کتب و کلیسایی دارند متعهد بود

به ادای وظایف آژان قونسولی مکلف نموده بعد این روزها به درسعادت [illegible]

ولیس قونسولگری رسمی و با موجبی دردانل تأسیس و موسیو روون [illegible] که از اهالی این

دردانل بوده شناسه بوده است به ریس قونسولی معین و عجالتاً در این کار [illegible]

قبول وارده و چون پیش از وقت حالیه مأموریت دوره ابدمدت را [illegible] مشغول نموده بود

در روز ورود به ریس قونسولی شناخته شد عرض کرد رضا خاطر خطیر مبارک [illegible]

[illegible] دوره الحد امر اشرف [illegible] الاعظم [illegible] مطاع مطلع

۲۲ شعبان ۱۳۲۱

۱۳۰۷

شمارهٔ سند: ۹۵۰
موضوع: ورود هیئت تفتیشیه عثمانی به آذربایجان
نمره: ۵۱
تاریخ: ۲۰ شعبان ۱۳۲۱ هـ.ق
کارتن: ۱۱
پرونده: ٦

نامهٔ کارپردازی ایران در وان به وزارت خارجه

یاهو

هیئت تفتیشیه که مرکب از صاحب‌منصبان معتبر نظامی بودند و قرار بود ولایات سته آناطولی را اعم از امورات ملکیه و نظامیه تحقیق و تفتیش کرده و از راه اسکندرون به اسلامبول مراجعت نمایند و از مأموریت آنها سابقاً خاطر مرحمت مظاهر مبارک را مستحضر داشته بود و احتمال می‌رفت که بتوانند به تعدیات و تجاوزات اکراد حمیدیه تخفیفی داده و حدی قرار بدهند بعد از تفتیش ولایتین طربزان و سیواس و اجرای بعضی اقدامات اصلاح پرورانه به ارزنجان که مرکز مشیریت اردوی چهارم است آمده و می‌خواسته‌اند که به سمت ارزروم و وان بیایند در بایبورد که یکی از ملحقات ارزروم است ارادهٔ اعلی حضرت سلطان را تلگرافاً تلقی و از آنجا مستقیماً به اسلامبول مراجعت کرده‌اند و احتمال می‌رود که علت این احضار را زکی پاشا مشیر اردوی چهارم که حامی جدی اکراد و سوارهای حمیدیه است و نمی‌خواهد به هیچ وجه تعرض و اصلاحی در حق آنها بشود فراهم آورده باشد، محض استحضار خاطر خطیر مبارک جسارت به عرض ورزید، زیاده چه جسارت ورزد. الامر الاشرف الامجد الارفع الافخم الاعظم العالی مطاع مطاع مطاع.

محل مهر: غلامعلی

[illegible]

کارپردازی دولت علیه ایران در اروپ[ا]

مورخه ۲۰ سرطان ۱۳۲۱

نمره ۵۱

هیئت تفتیشیه مرکب از چند نفر صاحب‌منصبان معتبر نظامی بلغار و قرار[?] ولایات ثلاثه

انتظامات را اهم از امورات کلیه و نظامیه تحقیق و تفتیش کرده و ادارهٔ [illegible]

با سلاطین مراجعت نموده و در امورات آنها به ملاحظه خاطر حضرت سلطان مبارک را

منظور داشته بود و احتمال میرفت که متوسط به تعدیات و تکاورات ادارات

حمیده تخفیف داده و حدی قرار بدهند بعد از تفتیش ولایات [illegible] و [illegible]

و اجرای بعضی اقدامات اصلاح پرورانه برادران ما هر کدام شرکت [illegible]

جهادیه است آمده و میخواسته‌اند در [illegible] از مردم و دوال ما [illegible] در مورد

دیگر از محققات رفع مردم است اراده اعلیحضرت سلطان را تلگراف [illegible]

وزرای مستعفا با سلاطین مراجعت کرده‌اند و احتمال میرود [illegible]

نزدیک یک شهر از های پهلوی در جای [illegible] آمده [illegible]

بهبودیه ترقی و اصلاح در حق آنها بشود فراهم آورده باشد [illegible]

خاطر مبارک مبارک [illegible] وزیر [illegible] ورود [illegible]

[illegible]

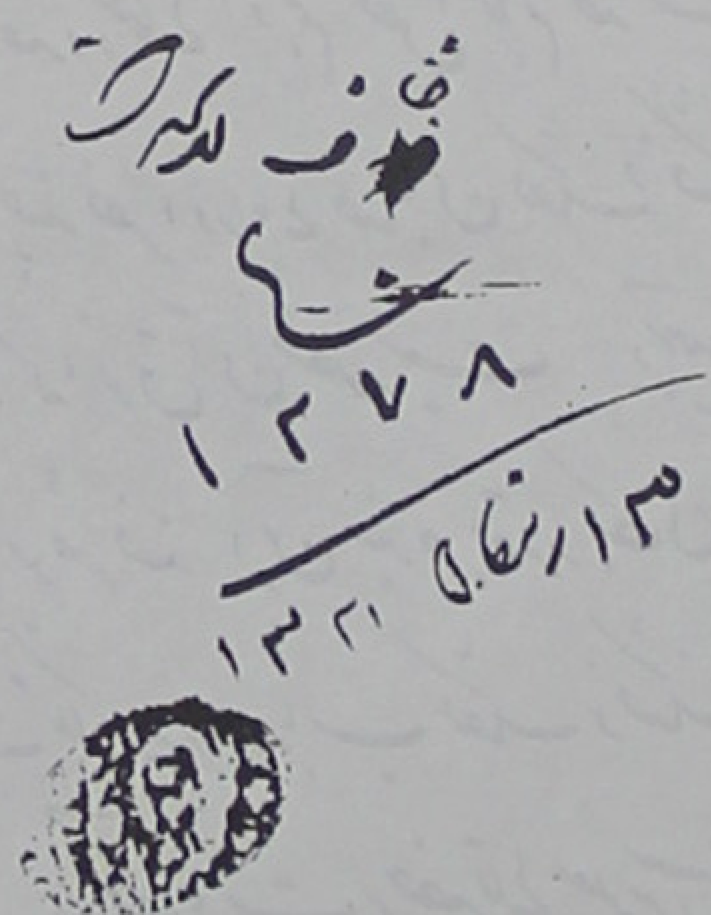
شمارهٔ سند: ۹۵۱
موضوع: ضبط تفنگ و فشنگ و ندادن وجه آنها به اورامانی ها
نمره: ٤
تاریخ: ۲ رمضان ۱۳۲۱ هـ . ق
کارتن: ۳۲
پرونده: ۳

نامهٔ آقای ناصرالملک حاکم کردستان به وزارت خارجه

مرقوم فرموده بودید که «امر و مقرر شده که قیمت تفنگ و فشنگ عثمانی ها داده شود و قیمت تفنگ و فشنگهای اورامانی ها داده نشود». این بنده یارای جسارت ندارم، ولکن از وظایف دولتخواهی و نمک خوارگی این بنده است که آنچه را که بدانم که در این حدود مبنی بر مصالح دولتی و رعایاست ناچار باید به عرض برسانم و آن این است که در اینجا عنوانی که در توقیف تفنگ و فشنگ عثمانی ها و اورامانی ها مذکور می شود همین است که حمل سلاح به ممالک خارجه ممنوع است و این احتمال هم نسبت به عثمانی ها قویتر و بیشتر است تا به اورامانی ها، زیرا که اورامانی ها از اهالی اورامان لُهون و در سرحد عثمانی واقع شده و در خدمتگزاری دولت ابدآیت از اهالی اورامان تخت متفرّد و ممتازند و غالباً خدمات عمدهٔ سرحدات کردستان به توسط چریک آنها انجام داده می شود و چون ساخلوی در اورامان لُهون نیست، اهالی آنجا ناچارند که هم برای حفظ خودشان از ایذای سکنهٔ حدود عثمانی و هم محض انجام خدمات دولتی همیشه سلاح داشته باشند و به علاوه این چند نفر اورامانی صاحبان تفنگ و فشنگ، در این مدت به اندازهٔ خراب و مستأصل شده اند که مافوق آن متصوّر نیست. و به همین ملاحظه که خراب شده و رعایای داخله و به خدمتگزاری موصوف اند. این بنده به قدر امکان رعایت آنها را منظور داشته و حتی وجه مخابرات تلگرافی را در باب تفنگ و فشنگ آنها از خود متحمل شده، برآنها تحمیل ننموده ام. با این مقدمات بر حضرت عالی معلوم است که در صورتی که قیمت تفنگ و فشنگ عثمانی ها مرحمت شود و قیمت تفنگ و فشنگ آنها مرحمت نشود به چه اندازه موجب استیصال آنها و باعث مایوسی اهالی سرحدات خواهد بود که در حالتی که از تحصیل اسلحه و آلات مدافعه ممنوع شوند

چگونه از عهدهٔ خدمات دولتی و حفظ و حراست خودشان برآیند. تاکنون هم اهالی داخله از خرید و فروش اسلحه در داخله به حکم دیوان همیون [همایون] اعلی ممنوع نبوده‌اند و اگر باید ممنوع شوند مقرر فرمایند که این قدغن به همهٔ اهالی ابلاغ شود که بعد از این برای دیگری مثل اورامانی ها خطری نداشته باشد، ایام آمال مستدام باد.

مهر: ابوالقاسم



۴
۲ رمضان المبارک
۱۳۲۱

مرقوم فرموده بودید که (امر و تقریرش که قیمت تفنگ و فشنگ عثمانیها داده شود و به قیمت
تفنگ و فشنگهای اورامانیها داده نشود) این بنده یارای جسارت ندارم ولکن
از وظایف دولتخواهی و غمخوارگی این بنده است که آنچه را که بدانم که در این حدود
مبنی بر مصالح دولتی و رعایت است ناچار باید بعرض برسانم و آن این است که در اینجا عنوانی
که در توقیف تفنگ و فشنگ عثمانیها و اورامانیها مذکور میشود همین است که حمل سلاح
بممالک خارجه ممنوع است و این احتمال هم نسبت بعثمانیها قویتر و بیشتر است
تا باورامانیها زیرا که اورامانیها از اهالی اورامان لهون و در سرحد عثمانی واقعند
و در خدمتگذاری دولت ابدآیت از اهالی اورامان تخت متفرد و متمایزند و عالیا.
خدمات عمده سرحدات کردستان بتوسط هر یک آنها انجام داده میشود و چون
سرحد خلوی در اورامان لهون نیست اهالی آنجا ناچارند که هم برای حفظ خودشان
از ایذاء سکنه حدود عثمانی و هم محض انجام خدمات دولتی همیشه سلاح داشته باشند
و بعلاوه این چند نفر اورامانی صاحبان تفنگ و فشنگ در اینمدت باندازه‌ای خراب
[illegible] شده اند که مافوق آن متصور نیست و بهمین ملاحظه که خراب شده و رعایای داخله
و بخدمتگذاری موصوفند این بنده بقدر امکان رعایت آنها را منظور داشته و حتی
وجه مخابرات تلگرافی را درباب تفنگ و فشنگ آنها از خود متحمل شده برآنها تحمیل
ننموده ام با این مقدمات بر حضور عالی معلوم است که در صورتیکه قیمت تفنگ و فشنگ
عثمانیها مرحمت شود و قیمت تفنگ و فشنگ آنها مرحمت نشود بچه اندازه موجب
استیصال آنها و باعث مأیوسی اهالی سرحدات خواهد بود که در حالتیکه

شمارهٔ سند: ۹۵۲
موضوع: ضبط تفنگ و فشنگ اتباع عثمانی و رعایای سرحدی اورامان
تاریخ: ۲۲ رمضان ۱۳۲۱ هـ . ق
کارتن: ۳۲
پرونده: ۳

نامهٔ وزارت خارجه به مظفرالدین شاه

فهرست عرض وزارت خارجه

چندی قبل مقداری تفنگ و فشنگ به توسط دو سه نفر اتباع عثمانی از طهران خریده و به سمت خاک عثمانی حمل می‌شد در همدان توقیف گردید، از سفارت عثمانی خواهش کردند که در رفع تعرض و اجازهٔ حمل آن به حکومت همدان توصیه شود بعد از تحقیق معلوم شد که مقداری از آنها متعلق به اتباع عثمانی و بعضی دیگر مال رعایای سرحدی اورامان مِن محال کردستان است، مراتب به عرض خاکپای فلک‌فرسای اقدس شاهنشاهی ارواحنافداه رسید، مقرر گردید آنچه را که متعلق به عثمانی‌ها است موافق خریدی که کرده‌اند قیمت داده شده تفنگ و فشنگ متعلق به آنها ضبط و حمل به دارالخلافه شود و همین طور به سفارت عثمانی ابلاغ گردید و آنچه را که مال اتباع داخله است بدون عوض توقیف گردد. بعد از چند روز مجدداً از پایهٔ سریر اعلی مقرر گردید که مال عثمانی‌ها هم مجاناً و بلاعوض ضبط شده و قیمت داده نشود این امر مجدد همایونی نیز به سفارت ابلاغ شد، این روزها تلگرافی از عثمان‌پاشا، قایم‌مقام کلفیر، به سفارت عثمانی رسید که به وزارت خارجه فرستاده تکلیف خواسته بودند. اینک تلگراف مزبور و کاغذی را که ناصرالملک در این باب نوشته است در لف این فهرست چاکرانه تقدیم خاکپای مرحمت اقتضای اقدس همایون ملوکانه ارواحنافداه نمود تا به هر طور مقرر گردد جواب داده شود. الامر الاقدس الاعلی مطاع مطاع.

[حاشیه، پشت پاکت نامه:]

یک فقره فهرست عرض وزارت خارجه و دو طغرا نوشته ملفوف آن است از عرض خاکپای مهر اقتضای اقدس همایون شاهنشاهی ارواحنافداه شرف اندوز خواهد شد. ۲۳

شهر رمضان المبارک- نمرۀ ۷۵۱

[دستخط مظفرالدین شاه:]

وزیر، ما که قیمت اسلحه تبعۀ عثمانی را مرحمت فرموده‌ایم. امضا: مظفرالدین شاه

فهرست عرض وزارت خارجه

چند روز قبل مقداری تفنگ و فشنگ که مربوط به شش نفر از اتباع عثمانی بود از طهران به جهت

و سمت خاک عثمانی حمل میشده در همدان توقیف کرده بودند از سفارت عثمانی و جواب شد

کردند که در روزنامچه تعرض و جواب نه حمل آن الکونست همدان ترجمه کرد معلوم شد که

معلوم شده که مقداری از آنها متعلق به اتباع عثمانی و بعضی دیگر مال رعایای ایران

و ورقه‌ها و مال گرفتن است مراتب مفصل که کار تفنگ قدغن است از طرف ...

رسید مقرر شد آنچه را که متعلق به عثمانیها است مراقب خریدن گردند جهت

دادن تفنگ و فشنگ متعلق به آنها ضبط و حمل به دارالخلافه بگردد و سفارت عثمانی

ابلاغ کرده و آنچه را که مال اتباع داخله است به دربار عرض توقیف گردد

بعد از چند روز مجدداً از بابت سرایه مقرر گردید که مال عثمانیها

را هم بعوض ضبط و قیمت داده شود این امر مجدداً به سفارت ابلاغ شد

در این روزها تلگرافی از عثمان پاشا قائم مقام سفیر کبیر سفارت عثمانی است

به وزارت خارجه و بنای تعلیف خواسته بودند اینک تلگراف هم بر روی کاغذ است

در مجلس الملک در این باب نوشته است در لف این فهرست ملاحظه گردد

[illegible]

[illegible]

وزارت امور خارجه

کتابچه فهرست مختصر وزارت خارجه که در طی این نوشته ملفوف است [illegible]

[illegible]

شمارهٔ سند: ۹۵۳

موضوع: صورت حساب مخارج سفارت اسلامبول

نمره: ٥٦٢

تاریخ: ٢٤ رمضان ١٣٢١ هـ. ق

کارتن: ١١

پرونده: ١

نامهٔ سفارت کبری ایران در اسلامبول به وزارت خارجه

صورت‌حساب* بعضی مخارج متفرقه را از قبیل خرج راه حاجی هاشم بیک چاپار و قبوض تلغرافات و بعضی خوردوات دیگر که عبارت از یکصد و هفتاد و چهار لیره و هشتاد و یک غروش باشد نوشته لفاً ارسال می‌دارم که ملاحظه فرمایند، در تاریخ ١٦ شهر ربیع‌الثانی که صورت حساب را ارسال داشته‌ام از بابت پول رژی مبلغ سیصد و سی و دو لیره و یازده غروش و نیم در نزد بنده باقی بود، حالا بعد از وضع این یکصد و هفتاد و چهار لیره و هشتادویک غروش از آن سیصد و سی و دو لیره و یازده غروش و نیم نزد بنده می‌ماند یکصد و پنجاه و هفت لیره و سی و هشت غروش و نیم که حساب آن را هم باز البته به وزارت جلیلهٔ خارجه عرض و ارسال خواهم داشت، زیاده چه جسارت ورزد.

محل مهر: پرنس ارفع‌الدوله

[حاشیه، دستخط مظفرالدین شاه:]

وزیر، الحمداله لبابت پول رژی (یکصد و پنجاه و هفت) لیره باقی مانده است که به دولت برسد اگر ارفع‌الدوله مجال بدهد. شهر شوال ١٣٢١ امضا: مظفرالدین شاه

[توضیح: چند نمونه سند در مورد گرفتن مواجب و مخارج و کرایه توسط اشخاص که از بازنویسی آن خودداری شده عیناً نقل می‌گردد.]

* چند فقره صورت حساب ضمیمهٔ سند است.

۲۳ شهر رمضان المبارک ۱۳۲۱

۵۶۲

حضرت صاحب بعضی مخارج متفرقه را از قبیل خرج راه حاجی [illegible]

به عرض متفرقات و بعضی خورده [illegible] دیگر که عبارت از [illegible]

و [illegible] دیگر عرض باشد نوشته لفاً ارسال میدارم و بعد ملاحظه [illegible]

در تاریخ ۱۶ شهر ربیع الثانی در حضرت صاحب را ارسال داشته ام

در بابت پول [illegible] مبلغ [illegible] و دو لیره و یازده [illegible]

در نزد بنده باقی بود حالا بنده از وضع [illegible]

از آن [illegible] و دو لیره و یازده [illegible] نزد بنده [illegible]

[illegible] در جناب [illegible] [illegible]

عرض و ارسال خواهم داشت [illegible]

صورت [illegible] مخارج اوقات [illegible] وغیره [illegible]

بیست و چهارم شهر رمضان المبارک ۱۳۲۱

[illegible]

[illegible]

[illegible]

الحی

بموجب حواله کارگذاران وزارت جلیله خارجه از بابت قیمه خرجی و کرایه

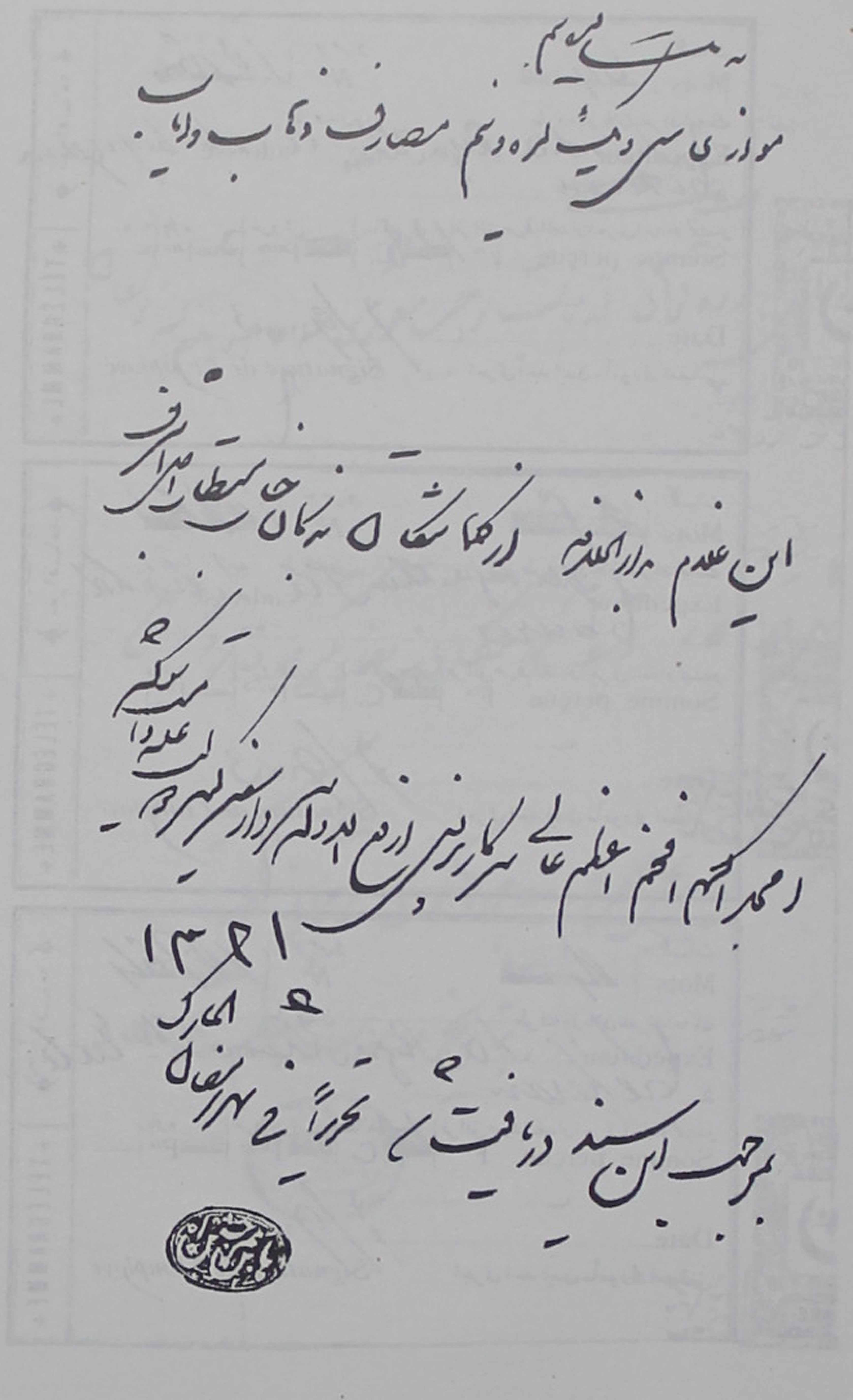
دفاتر مربوط مختار [illegible] اجل اشرف آقای پرنس ارفع الدوله سردار کبیر مرحمت الی

عاید این کمترین بنده گردید

تحریرا

[illegible]

فی شهر شعبان المعظم ۱۳۲۱



به [illegible]

موازی سی و یک لیره و نیم مصارف ذهاب و ایاب

این [illegible]

[illegible]

۱۳۲۱

بموجب این سند دریافت شد تحریراً فی شهر [illegible]

کلمات
Mots 64　　نومرو N° 10762

طرفنه يازيلان تلغرافنامه‌نك　طرفندن
Expéditeur S.A. Riza Khan　adresse
à Teheran

فرانق مرقم المقدار اجرتی اخذ او لنمشدر　سانتيم　غروش　پاره
Somme perçue F^rs 128 C.　P^tres　P^as

سنه
Date 7/9 1903

اجرتی اخذ ايدن مأمورك امضاسى
Signature de l'Employé

＋TÉLÉGRAMME＋

کلمات
Mots 25　　نومرو N° 10763

طرفنه يازيلان تلغرافنامه‌نك　طرفندن
Expéditeur S.A. Riza Khan　adresse
à Tauris

فرانق مرقم المقدار اجرتی اخذ او لنمشدر　سانتيم　غروش　پاره
Somme perçue F^rs 50 C.　P^tres　P^as

سنه
Date 7/9 1903

اجرتی اخذ ايدن مأمورك امضاسى
Signature de l'Employé

＋TÉLÉGRAMME＋

کلمات
Mots 4　　نومرو N° 10764

طرفنه يازيلان تلغرافنامه‌نك　طرفندن
Expéditeur S.A. Riza Khan　adresse
à Teheran

فرانق مرقم المقدار اجرتی اخذ او لنمشدر　سانتيم　غروش　پاره
Somme perçue F^rs　C.　P^tres　P^as

سنه
Date 7/9 1903

اجرتی اخذ ايدن مأمورك امضاسى
Signature de l'Employé

＋TÉLÉGRAMME＋

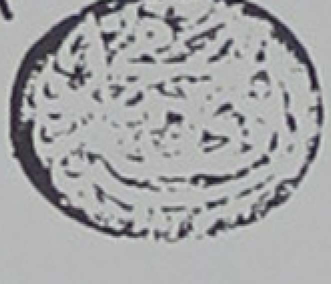
حواله

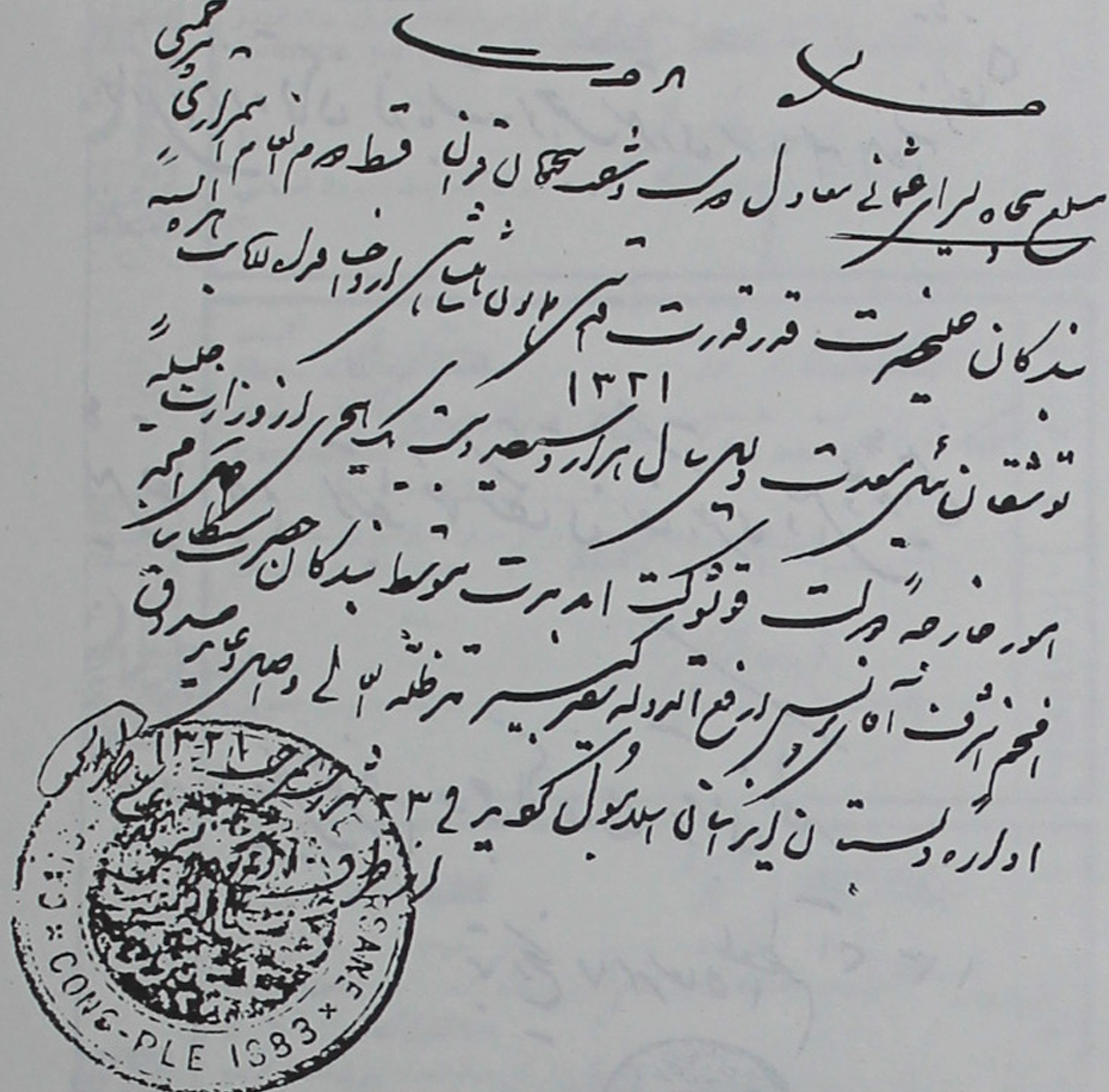
سواری پانزده تومان از بابت مواجب سفری سه ماهه [illegible] تومان ۵

[illegible] توسط [illegible]

[illegible] یحیی [illegible] مرحوم حاجی [illegible] خان [illegible]

تاریخ ۷ شهر شعبان المعظم ۱۳۲۱





صورت

نمره [illegible] حمیدی

[illegible] سرای عثمانی ساده دل [illegible] شغل [illegible] قطعه [illegible]

بندگان اعلیحضرت قدر قدرت قوی شوکت همایون شاهنشاهی ارواحنا فداه [illegible]

۱۳۲۱

توشقان ئیل سعادت دلیل هزار و سیصد و بیست و یک هجری از وزارت جلیله

امور خارجه دولت قوی شوکت ابد مدت بتوسط بندگان حضرت مستطاب

افخم اشرف آقای [illegible] ارفع الدوله سفیر کبیر [illegible]

اداره [illegible] ۳۲

الی

از بابت قسط دوم مواجب هذه السنه مربوط به کمان حضرت مستطاب اشرف امجد عالی

آقای پرنس ارفع الدوله سردار سفیر کبیر مد ظله العالی عاید این بنده گردید

[illegible] تومان

[illegible] ترشقان نهی

بابت [illegible]

[illegible] تکمیه ویس تحویل رایج دیوان اعلی است

[illegible]

[illegible] شهر رجب المرجب ۱۳۲۱

شمارهٔ سند: ۹۵٤
موضوع: تغییر کار پرداز ارض روم
نمره: ٥٤٦
تاریخ: ٢٤ رمضان ١٣٢١. ق
کارتن: ۱۱
پرونده: ٤

نامهٔ ارفع الدوله سفیرکبیر ایران در عثمانی به وزارت امور خارجه

دو روز بعد از تعیین میرزا کریم خان، مأمور قارص به وکالت کار پردازی ارزروم، دو فقره تلگراف متوالیاً از مومی الیه رسید که حاجی ابراهیم موجب ایقاع فساد گردیده، به کار پردازخانه آمده، چون حالت تهلکه برای من ملحوظ بود به واسطهٔ حکومت محلیه او را بیرون کرده و حالا او را احضار اسلامبول و تنبیه نمایید، بلافاصله از حاجی ابراهیم تلگراف رسید که میرزا کریم خان شترداران ما را حبس و زیاده از معمولی رسوم می خواهد امر به تخلیهٔ شترداران و رفتار موافق معمول بدهید و همین حاجی ابراهیم تاجرلک به اتفاق چند نفر تجار دیگر مقیمین ارض روم به تجار اسلامبول تلگراف کرده بودند که معاملات متقاعده میرزا کریم خان را به سفارت کبری تفهیم و امر در تخلیص شترداران بفرستید، تجار مزبور هم به سفارت کبری آمده، اظهار داشتند که به واسطهٔ محبوسی شترداران اموال ما در معرض تلف مانده، تلگراف نمایید که آنها را مستخلص بدارد. بنده برحسب تلگرافات مستقیمهٔ تجار ارض روم و اظهارات تجار اسلامبول تلگراف کردم که شترداران را بیرون آورده، موافق معمول رفتار نمایید و محض اینکه به واسطهٔ عدم وقوف میرزا کریم خان به احوال آن صفحات این گونه شکایات تولید نگردیده و اسباب زحمت عمومی نشود، این بود به طوری که تلگرافاً عرض کردم، میرزا عبداله خان معتمدالوزاره را روانهٔ ارض روم داشتم که هم از اهل و عیال و متعلقان مکرم السلطان پرستاری نماید و هم در صورتی که رأی انور عالی تصویب نموده، اجازه بدهند تا ورود کار پرداز به ارض روم به سمت وکالت کار پردازی به امورات اتباع دولت علیه رسیدگی نماید و تلگرافات میرزا کریم خان و تجار ارض روم را هم لفاً ارسال می دارم که خاطر مسعود جناب مستطاب اجل افخم عالی از مراتب آنها کاملاً مستحضر باشد، در ٢٤ رمضان

۱۳۲۱ نمرهٔ ٥٤٦.

[حاشیه، دستخط مظفرالدین شاه:]

[illegible] ارفع الدوله بسیار کار فائده کرده است. امضا مظفرالدین شاه

شوال ۱۳۲۱

۲۴ شهر رمضان ۱۳۲۱

نمره ۵۴۶

دو روز بعد از تعیین میرزا کریم خان مأمور فارس به وکالت کارپردازی ارضروم در جزوه

تلغراف مشروحی از مرحوم ایلچی رسید که حاجی ابراهیم موجب انقطاع [illegible] کرده

کارپردازخانه آمده چون حالت تهلکه برای من ملحوظ بود به واسطه حکومت جمله اوراق

بیرون کشیده و حواله اورده به حضور اسلامبول و تنبیه ثانیه بعد فاصله از حاجی ابراهیم

تلغراف رسید که میرزا کریم خان شترداران مال التجاره و زیاده از معمول رسوم میخواهد

امر به تنبیه شترداران و رفع رسوم معمول بدهید و این حاجی ابراهیم با جزئی مال التجاره

چند نفر تجار دیگر متعاقب از ارضروم به تجار اسلامبول تلغراف کرده [illegible] در مساعدت متقاعد

میرزا کریم خان نزد سفارت کبری تفهیم و امر در تنبیه شترداران به تمام [illegible] تجار و زوار را

سفارت کبری آمده از طرف روانه نشده به واسطه مجبوری شترداران اسلامبول مال التجاره [illegible]

تلغراف ثانیه از آنها رفع تنفیس دارد بنده از جنب تلغرافات متعاقبه تجار از ارضروم

و از طرف رفعت تجار اسلامبول تلغراف کرده شترداران را بیرون آورده موافق

معمول رفتار نماید و محض اینکه به واسطه عدم وقوف میرزا کریم خان با حوال [illegible]

اینگونه [illegible] تولید بکند و اسباب زحمت عمومی نشود این بود به طوریکه

تلغراف عرض کردم میرزا علی الله خان معتمد الوزاره را روانه ارضروم داشتم

در هم زراعی [illegible] و متعلقان مرحوم ایلچی پرستاری نماید و هم در امور [illegible]

شمارهٔ سند: ۹۵۵

موضوع: مخارج عیال و اطفال مکرم‌السلطان

تاریخ: ۲۶ رمضان ۱۳۲۱ هـ . ق

کارتن: ۱۱

پرونده: ٤

تلگراف از سفارت ایران در اسلامبول به وزارت خارجه

هو

استخراج تلگراف رمز از اسلامبول

حضرت مستطاب اجل اکرم افخم، وزیر امور خارجه معتمدالوزاره، مدتی است برای سر پرستی عیال و اطفال مکرم‌السلطان رفته اگر وکالت او صلاح نیست اقلاً به کریم‌خان پیشنماز بفرمایید از عایدات کار پردازی مخارج عیال و اطفال مکرم‌السلطان را برساند. رضا

۱۸

استخراج تلگراف رمز از اسلامبول

شهر انوار ۵

حضرت مستطاب اجل اکرم افخم وزیر امور خارجه

تبریکات برای سرپرستی علیحضرت اقدس همایون اعلی از رفته اگر

وکالت دو صفحه ثبت اقتصادی کرم قانون پیشنهاد

از عنایات کارگزاری خارجه علیحضرت اقدس اعلیحضرت سلطان

۱۳۲۱

رضا ارفع السلطنه

دار السعاده

شمارهٔ سند: ۹۵۶

موضوع: مواجب مستخدمین ایرانی سفارت عثمانی

تاریخ: شهر شعبان ۱۳۲۱ هـ . ق

کارتن: ۱

پرونده: ـــ

فهرست عرض وزارت خارجه است

حاجی میرزا ابوالقاسم خان، ترجمان اسبق کارپردازی بغداد، دویست تومان مواجب دیوانی داشت پس از فوت او به دو پسرش حسن آقا و حسین آقا هر کدام یک صد تومان از آن مواجب مرحمت شد، حسین آقا که مفلوج و علیل بود این اوقات بلاولد مرحوم شده است. اگر رأی جهان آرای اقدس ملوکانه ارواحنافداه اقتضأ فرماید محل مواجب مزبور بعد از وضع ثلث به شرح معروض دربارهٔ میرزا حسین خان ادیب السلطنه و اسدالله میرزای احتشام همایون که سالها است در وزارت خارجه و ادارهٔ تحریرات عثمانی مشغول خدمت اند و معاش کافی ندارند، مرحمت شود. تفضلی دربارهٔ آنها خواهد بود. دیگر منوط به امر و ارادهٔ اقدس ملوکانه ارواحنافداه است. الامر الاقدس الاعلی مطاع مطاع.

[حاشیه:]

هو، وزیر این مبلغ باید ضبط شود به دفتر بنویسید که ضبط کنند. شهر شعبان ۱۳۲۱

امضا: مظفرالدین شاه

وزارت امور خارجه

اداره دائره

مورخه

نمره

فهرست عرض وزارت خارجه

حاجی میرزا ابوالقاسم سمنانی مترجم انگلیسی کارپردازی بغداد در [illegible] ایشان

مواجب دیوانی داشت پسر بزرگ فوت او بود پسرش حسن آقا و حسین آقا

هیچکدام مستمری ندارند از آن مواجب مرحمت شد حسین آقا به تفلیس به تحصیل رفته بود

این اوقات [illegible] مرحوم شده است اگر رای جناب [illegible] ارای

اقدس همایونی ارواحنا فداه اقتضا فرمایند مواجب مرحوم [illegible] وضع [illegible]

شرح معروض درباره میرزا حسن خان ادیب السلطنه و [illegible] میرزا [illegible]

ادیب السلطنه [illegible]

در سالهاست در وزارت خارجه در اداره تحریرات عثمانی مشغول خدمت هستند و معاش

کافی ندارند مرحمت شود تفضل درباره ایشان خیلی [illegible] ملحوظ [illegible] اقدس

همایونی ارواحنا فداه است والله [illegible] اقدس [illegible]

[illegible] ۱۳۲۱ [illegible]

شمارهٔ سند: ۹۵۷

موضوع: صدور دستورالعمل حکام ولایات

تاریخ: (احتمالاً ۱۳۲۱ هـ. ق)

کارتن: ۱۱

پرونده: ۱

نامهٔ مظفرالدین شاه به صدراعظم

هو

وزیر، صورت اقدامات و سؤال و جواب ارفع الدوله به عرض رسید.

در باب این مسائلی که عرض کرده است باید مراقبت نمود، در این باب شما و عین الدوله و سپهسالار و مشیرالسلطنه مجلسی نموده قرار درستی بدهند و دستورالعمل مکفی برای حکام ولایات که هم‌خاک با دولت عثمانی می‌باشند، بفرستید که از آن قرار رفتار نمایند که دچار این زحمات نشویم.

در باب شه‌بندری‌ها به تمام حکام بنویسد در صورتی که شه‌بندری درست رفتار کرده چرا وقت رفتن او مهمانی داده که این طور اظهار نمایند هر کدام درست حرکت کردند باید احترامات لازمه به عمل آورد و الا فلا و هکذا در سایر فقرات قراری که لازم است داده شود. امضا: مظفرالدین شاه

[illegible]

که انظار اظهار نمایند هر کدام در تربیت جوانان کوشند

هر احترامات لازمه بعمل آورده و دقت شود

دهند در ترقیات قرار که

لازم است داده شود

شمارهٔ سند: ۹۵۸
موضوع: وضع مکرم‌السلطان و خانواده او
تاریخ: ۱۸ نوامبر ۱۹۰۲ (۱۳۲۱. ق)
کارتن: ۱۱
پرونده: ٤

تلگراف از کارپردازی ارض‌روم به وزارت خارجه

از ارزروم، جناب مستطاب وزیر امور خارجه

برحسب امر مطاع حضرت اشرف وارد ارض‌روم شدم، مادام گبلن تسلیم شده است تفصیلی که مکرم‌السلطان تلگرافاً و کتباً عرض کرده همه صحیح و خودشان برای حرکت حاضرند ولی خرجی راه ندارند، مبالغی مقروض و پریشان هستند، تفضیل در این باب منتظر حکم مطاع می‌باشم. کریم

ADMINISTRATION TÉLÉGRAPHIQUE PERSANE

№ 877	Mots 43	Date 17	H. 9⁵	M	OBSERVATIONS Via Djoulfa

Télégramme

Téheran de Erzeroum

Téheran

Ministre Etrangères

Berhesebe amre motae hezrete achref varede erzeroum choudem madame gueblen teslim choude est tefsilikhe mokeremsaltan telegraphchi ve quetben erz kerda hema sehih veKhodechan beraye herekKet hazerend veli Khardjerah nadarend mebaleghi melgrouz ve

Reçu de .... le 190

ADMINISTRATION TÉLÉGRAPHIQUE PERSANE

№ 877	Mots	Date	H.	M.	OBSERVATIONS

II

Télégramme

de

parichanend tafsil derinbab montazere hokm motae mibachim

Kerim

جناب مستطاب وزیر امور خارجه

وارد ارض روم

برحسب امر مطاع حضرت اشرف وارد ارض روم شدیم

مادام گبلن تسلیم شده است تفصیلی که مکرم السلطان تلگرافچی و قطبی

عرض کرده همه صحیح و خودشان برای حرکت حاضرند

ولی خرج راه ندارند مبالغی مقروض و پریشانند

تفصیل در این باب منتظر

حکم مطاع میباشیم

کریم

Reçu de A .... le 18/11 190

شمارهٔ سند: ۹۵۹

موضوع: حقوق اعضای سفارت استانبول

نمره: ۵۸۳

تاریخ: ۹ ذی‌قعده ۱۳۲۱ هـ . ق

کارتن: ۱۱

پرونده: ۱

نامهٔ سفارت کبری ایران در اسلامبول به وزارت خارجه

تلغراف فرموده بودند که مبلغ یکصد و هشتاد تومان از بابت قسط سیم به مکرم‌السلطان و یک صد تومان به میرزاکریم خان و ششصد تومان از بابت مواجب رکابی دوساله به حاجی میرزاهاشم خان کارپرداز شام برساند، حسب‌الامر حضرت مستطاب اجل افخم عالی وجوهات محوله را رسانیده، اینک قبض وصول آنها را لفاً ارسال و استدعا دارم به طوری که مرقوم فرموده‌اند وجه این سه فقره حواله را زود ارسال فرمایید که خود بنده هم تنگدستی و معطلی را دارم، زیاده چه جسارت ورزد.

محل مهر: پرنس ارفع‌الدوله

قبض وصول ضمیمه است.

۹ شهر ذی‌قعدة الحرام ۱۳۲۱

نمره ۵۸۳

تلغراف و قبض نمره بود که مبلغ یکصد و هشتاد تومان از ارباب قطبیم

بکرم السلطان و یکصد تومان میرزا زکریاخان و یکصد تومان ارباب جمشید

رکابی دوست له کاخی میرزا هاشم خان کارپرداز شام برسانند

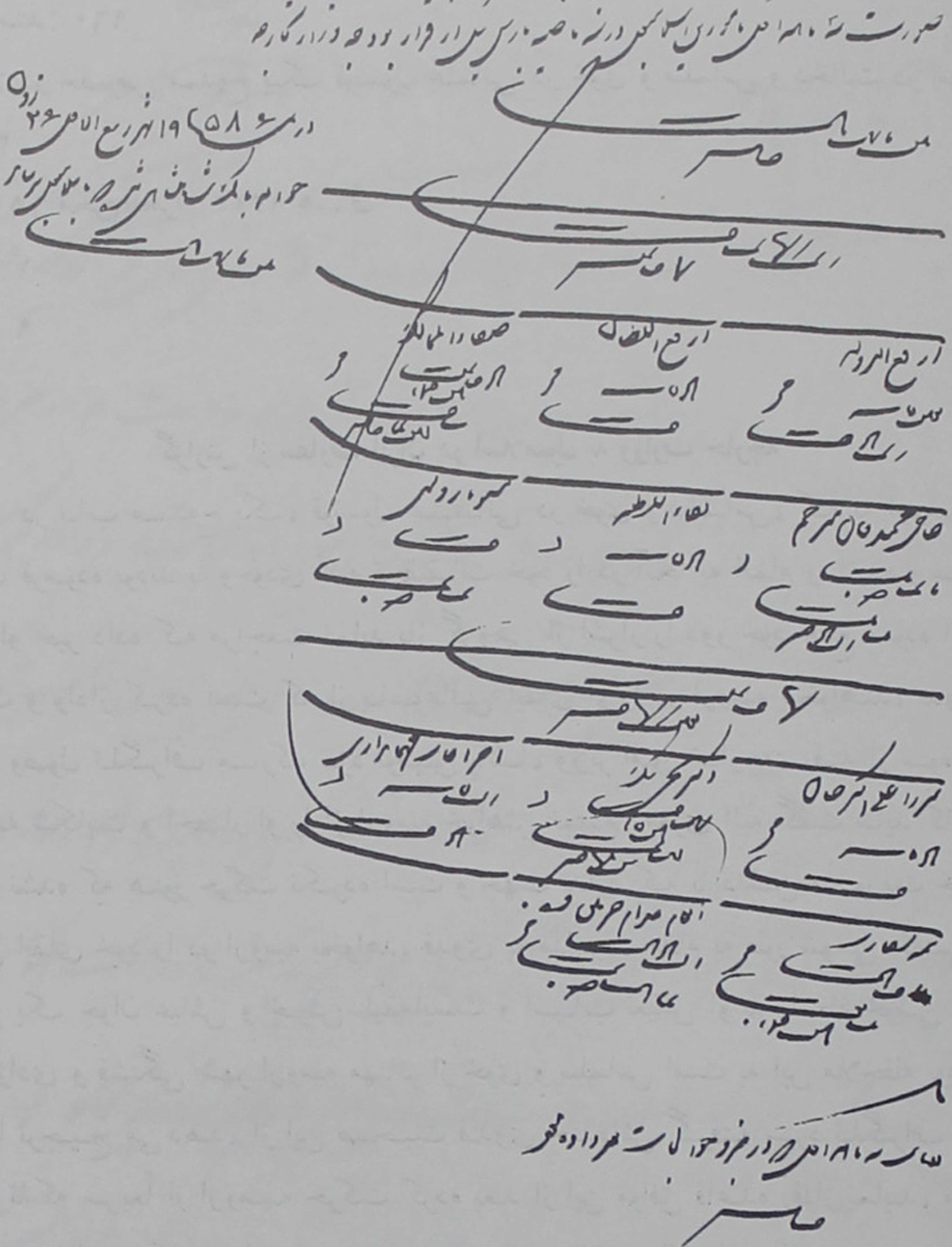
حسب الامر حضرت مستطاب اجل افخم وجوهات محوله را رسانید

اینک قبض وصول آنها را لفاً ارسال و استدعا دارم

مرقوم فرمایید وجه این سه فقره حواله را زود ارسال فرمایید

در خوب نمره ۵ تلگراف و سطیل را دارم نیم چهار دارد





شمارهٔ سند: ۹۶۰
موضوع: در خصوص ممدوح بیک قونسول عثمانی در خوی و سلماس و دخالت در امور
نمره: ۳
تاریخ: ۱۵ محرم الحرام ۱۳۲۲ هـ. ق
کارتن: ۱
پرونده: ۹

گزارش از سفارت ایران در اسلامبول به وزارت خارجه

در باب ممدوح بک، قونسول عثمانی در خوی و سلماس، که به ارومیه رفته تلگراف فرموده بودند با وجودی که تحقیقات خود را در آنجا به اتمام رسانیده و سفارت هم به او خبر داده که مراجعت نماید باز گروهی از اشرار را دور خود جمع نموده از آنها حمایت و وادار کرده است که از باب‌عالی ابقای او را در ارومیه بخواهند، فدوی به محض وصول تلگراف مبارک نزد توفیق پاشا، وزیر امور خارجه، رفته از سوء رفتار مومی الیه شکایت و احضار او را از ارومیه خواهش نمودم. معزی الیه گفت شاید کارهای او تمام نشده که هنوز حرکت نکرده است و جهت ندارد که با داشتن مأموریت خوی و سلماس ابقای خود را در ارومیه بخواهد، فدوی به مناسبت مقام به طور شوخی گفتم چون ممدوح بک جوان عیاش و خوش‌سلیقه‌ایست و اسباب تعیّش او به واسطهٔ خوشی آب و هوا و آزادی و قشنگی شهر ارومیه مهیاتر از خوی و سلماس است به این ملاحظه بودن در آنجا را ترجیح می دهد، از این صحبت فدوی خنده‌اش گرفته سپرد تلگراف کرده بنویسند تا که سریعاً از ارومیه حرکت کرده بعد از این موافق قاعده رفتار نماید، محض استحضار خاطر مبارک جسارت به عرض نمود. الامر الاجل الاعظم مطاع.

فدوی مصطفی

[حاشیه:] ملاحظه شد. امضا: مظفرالدین شاه

ملاحظه شد

فی ۱۵ شهر محرم الحرام ۱۳۲۲

نمره ۳

درباب ممدوح بک قونسول عثمانی در خوی و سلماس که با ارومیه رفته [illegible] است حقیقه بعد
با معاونیه تبعیت خودشان در آنجا با تمام رسانیده و سفارت هم با خبر داده [illegible] حقیقت باز
گروهی که اشرار را در رجوع جمیع تبعه از آنها حمایت و وادار کرده است [illegible]
اتباع ایران در ارومیه نخواهند [illegible] فوری تفصیل [illegible] است [illegible]
در امور خارجه رفته [illegible] است [illegible]
[illegible] کارها را [illegible] است [illegible]
در باب [illegible] خوی و سلماس اتباع خودشان در ارومیه [illegible] فوری [illegible] مقدم
[illegible] ممدوح بک [illegible] است [illegible]
[illegible]
[illegible] از خوی و سلماس است [illegible]
از این صحبت [illegible] نوشته

[illegible]

شمارهٔ سند: ۹۶۱
موضوع: قرارداد عثمانی و بلغارستان در زمینهٔ رفع اختلاف
نمره: ۱۳۲
تاریخ: ۲۹ محرم الحرام ۱۳۲۲ هـ . ق
کارتن: ۱
پرونده: $\frac{۱}{۲}$

نامهٔ سفارت ایران از پطرزبورغ به وزارت خارجه

مابین عثمانی و بلغارستان هم بالاخره قراردادی امضا شده و مناقشهٔ طرفین احتمال دارد که مرتفع شود. در این قرارداد دولت بلغارستان متعهد می‌شود که نگذارد در بلغارستان تشکیل انجمن شورشیان مقدونی بشود و تجاوز نمایند و کلیتاً مانع از خیالات شورشیان بشود خواه این اقدامات از طرف شورشیان مقدونی در خاک بلغارستان باشد و خواه از طرف تبعهٔ بلغارستان در خاک مقدونی. دولت عثمانی هم در ازای این اقدامات بلغارستان عفو عمومی به مقصرین مقدونی می‌دهد باستثنای مقصرین که استعمال دینامیت و مواد محترقه نموده‌اند، این قرارداد صلح و صفای طرفین را تا مدتی ضمانت می‌نماید در صورتی که اجرا شود، ولی حرف در اجرای آن است زیرا که این نوع قراردادها مکرر منعقد شده و در روی کاغذ مانده است، به جهت استحضار خاطر مبارک جسارت شد.

محل مهر مشیرالملک

وزارت امور خارجه
اداره آرشیو
نمره ... مورخه ۲۹ شهر محرم الحرام ۱۳۳۲

... بلغارستان هم بالاخره قراردادی امضا شده و مناقشه دو طرفین
احتمال دارد مرتفع شود. در این قرارداد دولت بلغارستان متعهد شده
که نگذارد در بلغارستان تشکیل انجمن شورشیان مقدونی بشود و نگذارد نماینده و کمیته
مانع از خیانت شورشیان بشود خواه این اقدامات از طرف شورشیان
مقدونی در خاک بلغارستان بشود خواه از طرف تبعه بلغارستان و در حال
مقدونی دولت عثمانی هم در ازای این اقدامات بلغارستان عفو عمومی
به مقصرین مقدونی میدهد باستثنای مقصرین در اتهامات جنایات و سوء قصد نموده‌اند
این قرارداد صلح و صفای طرفین را تا درجه‌ای ضمانت مینماید در صورتیکه درست اجرا شود
ولی حرف در اجرای آن است زیرا این نوع قراردادها مکرر منعقد شده
و در روی کاغذ مانده است. بجهت استحضار خاطر مبارک جسارت شد

شمارهٔ سند: ۹۶۲

موضوع: اوضاع عثمانی

نمره: ۶۵

تاریخ: صفر ۱۳۲۲ هـ. ق

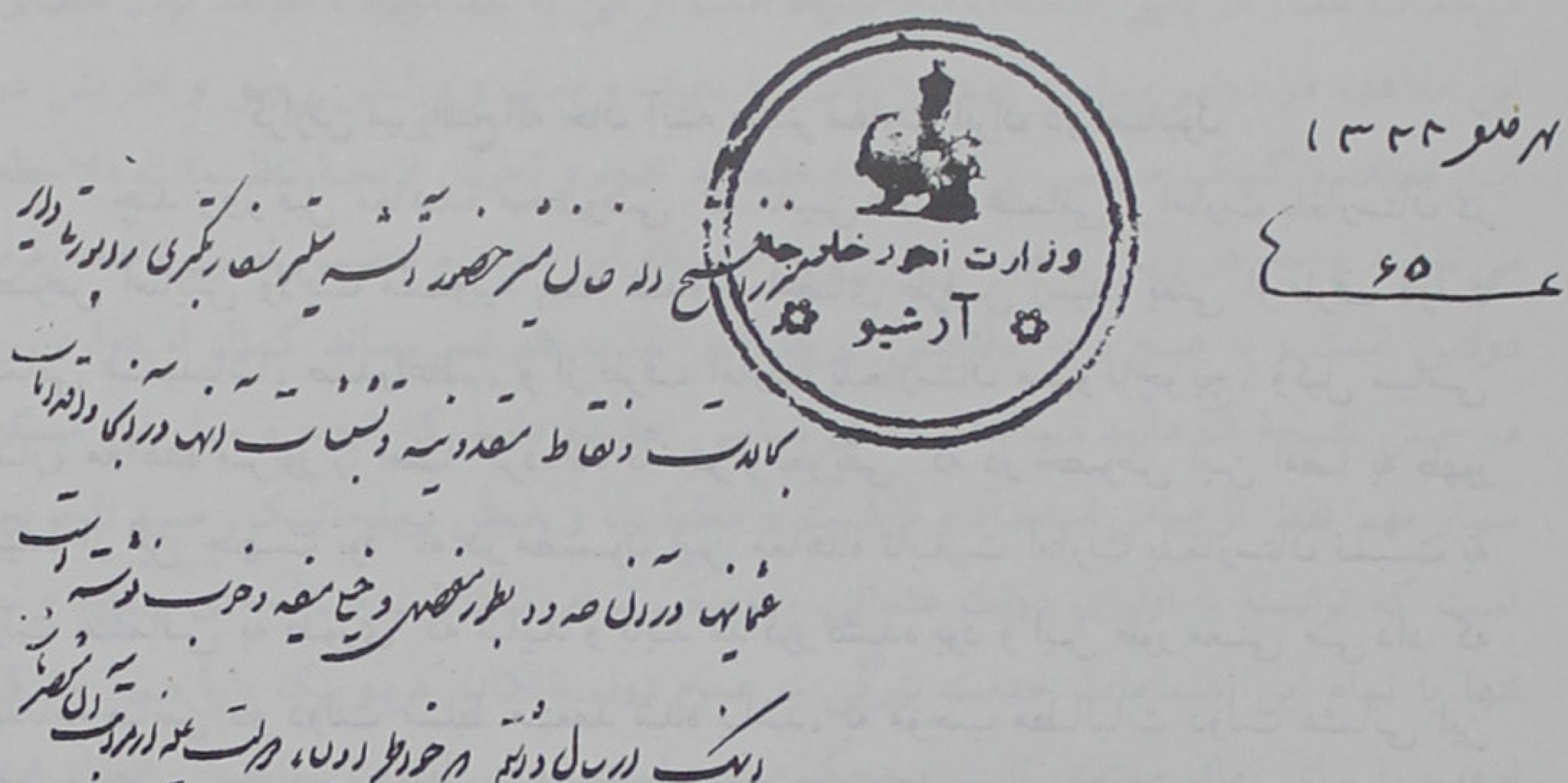
کارتن: ۱

پرونده: ۱/۲

نامهٔ سفارت ایران در اسلامبول به وزارت خارجه

میرزافتح الله خان مشیر حضور آتشه میلیتر سفارت کبری راپورتی دایر به حالات و نقاط مقدونیه و تشبّثات آنها در آنجا و اقدامات عثمانی ها در آن حدود به طور مفصل و خیلی مفید و خوب نوشته است، اینک ارسال داشتم که خواطر اولیای دولت علیه از مراتب آن مستحضر باشد.

محل مهر پرنس ارفع الدوله



وزارت امور خارجه
آرشیو

۱۳۲۲
۶۵

[illegible]

کاملاً از نقاط متعدده نیز [illegible]

عثمانیها در آن حدود بطور مخفی و خیلی مخفیانه [illegible] نوشته است

[illegible]

شمارهٔ سند: ۹۶۳
موضوع: شورش مقدونیه علیه عثمانی
نمره: ۱۶۵
تاریخ: ۱۳۲۲ هـ. ق
کارتن: ۱
پرونده: $\frac{۱}{۲}$

گزارش میرزافتح‌اله خان آتشه میلیتر سفارت ایران در استانبول

چند روز قبل معاهدهٔ مخصوصی که مابین دولت عثمانی و امارت بلغارستان در خصوص آسایش ولایت مقدونیه بسته شده به امضای طرفین رسید، یعنی از طرف دولت عثمانی سعیدپاشا، صدراعظم، و از طرف امارت بلغارستان مسیو ناچویچ، وکیل سیاسی بلغار، معاهدهٔ مزبور را امضا کرده‌اند تأخیر و تعویقی که در خصوص این امضا به ظهور رسیده از این جهت بود که در مضمون این معاهده تابعیت امارت بلغارستان نسبت به دولت عثمانی به طوری که شاید و باید مذکور نشده بود و این طور معنی می‌داد که عهدنامهٔ مابین دو دولت مسلط منعقد شده باشد، به موجب مطالبات دولت عثمانی این نکته هم ملاحظه شده و امارت بلغارستان قبول نمود که تابعیت خود را نسبت به دولت عثمانی به طور صحیح در این معاهده معلوم نماید. فصول این معاهده تکالیف ذیل را برای طرفین برقرار نموده است:

اولاً: امارت بلغارستان من‌بعد به هیچ وجه اجازه نخواهد داد که در خاک خود کُمیته یا دسته‌هایی تشکیل شود، به قصد اینکه در خاک دولت عثمانی شورش و بی‌نظمی راه بیندازد و اگر در آتیه معلوم شود که یکی از اتباع بلغار به این خیال مشغول باشد به مجازات سخت خواهد رسید.

ثانیاً: با نهایت سختی و کمال اهتمام امارت بلغارستان مانع خواهد شد که از خاک بلغار یا از خارجه یا داخله اسلحه جنگی یا خمپاره‌های دینامیطی [دینامیتی] و غیره به خاک عثمانی حمل شود.

ثالثاً: برای اجرای این مقصود در تمام نقاط سرحد وکلای نظامی و غیرنظامی برقرار خواهد نمود که مأمور و مسئول اجرای این حکم باشند در عوض دولت عثمانی تمام

مقصرین پلتیکی و شورشیان مقدونیه که محبوس و نفی بلد شده‌اند باثتثنای [به استثنای] آنهایی که مقصر قتل دینامیطی [دینامیتی] شده‌اند، عفو عام خواهد داد و به آنها اذن داده می‌شود به ولایت و منازل خود مراجعت نمایند و برای دوباره ساختن خانه‌ها و منازل از طرف دولت عثمانی کمال همراهی و تسهیلات لازمه به عمل خواهد آمد و در آینده تبعه‌های عثمانی که اصلاً بلغار هستند به مناصب و مأموریتهای دولتی منصوب خواهند شد، تمام قراردادهای جدید و احکام سخت که دولت عثمانی برای عبور و مرور سرحدات بلغار در پاییز گذشته برقرار نموده است از این به بعد موقوف خواهد بود. امضای این معاهده در دوایر سیاسی بهترین تأثیر را بخشیده است و دولتین روس و اطریش در این معاهده کمک مهمی برای انجام مقصود خود و اجرای لایحهٔ تنظیمات ملاحظه می‌نمایند و چه در وین و چه در پطرزبورغ از اینکه این معاهده متضمن فصول لایحه رفرم دولتین است و به هیچ وجه مخالفتی در پلتیک آنها به هم نمی‌رساند کمال امیدواری را در حسن نتیجهٔ آن دارند تمام دایره‌های سیاسی عقیده دارند که انجام و حل این مسئله بسیار مهم فقط از میامن استعداد و قابلیت و معقولیت و هوش دیپلوماتیکی مسیو ناچویچ است که توانسته با اولیای دولت عثمانی با وصف تمام اشکالات مصالحه‌ای بنماید و نه تنها با تمام این اهتمامات خدمت بزرگی به عموم دول بالکان کرده بلکه پایهٔ صلح مشرق اروپ را برای زمان ممتدی ثابت و محکم نموده است. برای امارت بلغارستان انعقاد این معاهده ثمر بزرگی دارد از اینکه نفوذ و اعتبار خود را به اهالی مقدونیه بیش از پیش نشان می‌دهد و مدلّل می‌سازد که انجام مسئلهٔ مقدونیه و اجرای لایحه تنظیمات به اقدامات مستقیمی او با دولت عثمانی صورت پذیرفته است و در آینده از طرف اهالی مقدونیه یک قسم حق‌شناسی برای خود برقرار می‌سازد و به آنها نشان می‌دهد که آسایش و راحتی آنها از دست ملت برادر یعنی ملت بلغار رسیده است و این طور نفوذ خود را در میان آنها شایع می‌دهد از طرف دیگر هم خسارت بزرگی که همه روزه به تجارت بلغار از جهت مسدود بودن سرحدات به ملت بلغار وارد می‌شد برطرف خواهد شد، دولت عثمانی در انعقاد این معاهده از اینکه در آینده امارت بلغارستان را برای امنیت و نظم مقدونیه مسئول ساخته است منفعت بزرگی را پیدا کرده است زیرا در صورتی که من‌بعد از این نظم آن ولایت به هم بخورد می‌تواند ثابت نماید که از نتیجهٔ تحریکات اهل بلغار و همدست بودن امارت بلغارستان است، در حقیقت امارت بلغارستان سندی به دولت عثمانی داده و

ضامن نظم و امنیت ولایت مقدونیه شده در هر صورت چه برای دولت عثمانی و چه برای امارت بلغارستان انعقاد این معاهده فایده‌مند است و گذشته از آن ضمانت بزرگی برای حفظ صلح و آسایش تمام ممالک بالکان خواهد بود.

محل مهر محمد ابراهیم الغفاری

نمره ۱۶۵

معاهده مخصوصی که بین دولت عثمانی و امارت بلغارستان در خصوص آسایش و امنیت سرحدیه بسته شده بتصدیق طرفین رسید یعنی از طرف دولت عثمانی سعید پاشا صدراعظم و از طرف امارت بلغارستان مسیو ناچوویچ وکیل سیاسی بلغار معاهده مزبوره را امضا کرده‌اند تأخیر و تعویقی که در خصوص این امضا بظهور رسیده از این جهت بوده در مضمون این معاهده تابعیت امارت بلغارستان نسبت بدولت عثمانی بطوریکه شاید و باید مذکور نشده بود و این طور معنی میداد در عهدنامه‌ها این حق سلطنت منتفی شده باشد بموجب مطالبات دولت عثمانی این نکته هم ملاحظه شده و امارت بلغارستان قبول نموده تابعیت خود را نسبت بدولت عثمانی بطور صحیح در این معاهده معلوم نماید فصول این معاهده تکالیف ذیل را برای طرفین قرار داده است اولاً امارت بلغارستان من بعد بهیچوجه اجازه نخواهد داد که در خاک خود کمیته یا دسته‌های تشکیل شود بقصد اینکه در خاک دولت عثمانی شورش و بی‌نظمی راه بیندازد و اگر در آتیه معلوم شود که از اتباع بلغار باین خیال مشغول شده مجازات سخت خواهد ثانیاً با نهایت سختی و کمال اهتمام امارت بلغارستان مانع خواهد شد از خاک بلغار یا از خارجه یا داخله اسلحه جنگی یا خمپاره دینامیت و غیره بخاک عثمانی حمل شود ثالثاً برای اجرای این مقصود در تمام نقاط سرحد وکلای نظامی و غیرنظامی قرار خواهند نمود که مأمور و مسئول اجرای این حکم باشند در عوض دولت عثمانی تمام مقصرین پلتیک و انقلابیان مقدونیه را که محبوس و نفی بلد شده‌اند باستثنای آنهائیکه مقصر قتل و دینامیت شده‌اند عفو عام خواهد داد و بآنها اذن داده میشود بولایت و منازل خود رجعت نمایند و برای دوباره ساختن خانه‌ها و منازل از طرف دولت عثمانی کمال امداد و مساعدت ملحوظ خواهد و در ادارات تبعه عثمانی در ایالات بلغارنشین مناصب و مأموریت‌های دولتی منصوب خواهند شد تمام قرارهائی که جدیداً احکام سخت در دولت عثمانی برای عبور و مرور در سرحدات بلغار در سالهای گذشته برقرار نموده است از این به بعد موقوف خواهد بود امضای این معاهده در دوایر سیاسی بهترین تأثیر را بخشیده است و دولتین روس و اطریش در این معاهده کمک مهمی برای انجام مقصود نموده و اجرای مرتبه تنظیمات ملاحظه مینمایند و چه در روی وجه در بطرز بروغ از اینکه این معاهده متضمن فصول لایحه رفرم دولتین است و بهیچوجه مخالفتی در تکمیل آنها

بهم نمیرسند که امیدواری را در حسن نتیجه ای دارند تمام دایره های سیاسی عقیده دارند که انجام و حل این مسئله بسیار مهم فقط از
مساعی استقلال و قابلیت و معقولیت و هوشیاری و شیوه نیک مسیو ناچویچ است که توانسته با اولیای دولت عثمانی با وصف تمام اشکالات
مصالحه بنماید و نه تنها با تمام این اهتمامات خدمت بزرگی به عموم دول بالکان کرده بلکه به صلح مشرق اروپ نیز برای زمانی ممتدی
ثابت و محکم نموده است برای امارت بلغارستان انعقاد این معاهده ثمر بزرگی دارد از اینکه نفوذ و اعتبار خود را به اهالی مقدونیه
بیشتر از پیش نشان میدهد و مدللی میسازد در انجام مسئله مقدونیه و اجرای تدریجه تنظیمات به اقدامات مستقیم او با دولت عثمانی
صورت پذیرفته است و در اینجا از طرف اهالی مقدونیه یک قسم حق شناسی برای خود برقرار میسازد و به آنها نشان میدهد
که آسایش و راحتی آنها از دست ملت بلغور یعنی ملت بلغار رسیده است و این طور نفوذ خود را در میان آنها شایع میدهد
از طرف دیگر هم خسارت بزرگی که همه روزه به تجارت بلغار از جهت مسدود بودن سرحدات ملت بلغار وارد میشد از طرف
خواهش دولت عثمانی در انعقاد این معاهده از اینکه در اینجا امارت بلغارستان نیز برای امنیت و نظم مقدونیه مسئول شناخته است
منفعت بزرگی را به اکبر است زیرا در صورتیکه بعد از این نظم ای و امنیت بهم بخورد میتوانند ثابت نمایند از نتیجه تحریکات
اهالی بلغار و هم دست بودن امارت بلغارستان است در حقیقت امارت بلغارستان سندی به دولت عثمانی داده و ضامن نظم
و امنیت و معدلت مقدونیه شد در هر صورت چه برای دولت عثمانی و چه برای امارت بلغارستان انعقاد این معاهده
فایده مند است و که نشته از ان ضمانت بزرگی برای حفظ صلح و آسایش تمام ممالک بالکان خواهد بود

شمارهٔ سند: ۹٦٤

موضوع: حادثهٔ تاباه (گزارش داخلهٔ عثمانی)

تاریخ: ۲۵ مارس ۱۹۰٦.م (۲٤ محرم ۱۳۲٤ هـ . ق)

کارتن: ۳۲

پرونده: ٤

گزارش سفارت ایران در اسلامبول به وزارت خارجهٔ ایران (ترجمهٔ روزنامهٔ فیگارو، دوشنبه ۲٦ مارس ۱۹۰٦)

باز نزدیک است سماجت و اقدامات باب‌عالی مسئولیت مسئلهٔ شومی را به عهدهٔ سلطان بیندازد، چنانچه چند ماه است که عثمانی ها ساخلوی عسکری در تاباه برقرار نموده‌اند، محل مزبور در منتهی الیه خلیج اکبه [عقبه] و در مقابل شهر موسم به همین اسم واقع بوده و این موقع منتهی الیه سرحد مصر در شبه‌جزیرهٔ سینا می باشد، حکومت مصر پروتست نمود و دولت انگلیس هم با او تقویت کرده در اول‌وحله چنین به نظر می آمد که دولت عثمانی به همین قدر که فهمانده است مصر همیشه جزو لایتجزای ممالک سلطانی بوده اکتفا نموده و فوراً عساکر خود را از آنجا برخواهد داشت ولی به هیچ وجه این اثر ظاهر نشد و اقدامات و اصرار سفارت انگلیس منتج به نتیجه نگردید.

از قراری که مشهور است دولت انگلیس بیش از این منتظر نشده و چون به واسطهٔ مذاکرات سیاسیه رضای خاطر او فراهم نماید به استعمال قوه جبریه خواهد پرداخت و به طوری که می‌گویند اولتیماتمی به رئیس عساکر عثمانی در اکبه [عقبه] داده خواهد شد که اگر در مدت بیست و چهار ساعت عساکر عثمانی از آنجا نروند کشتی جنگی انگلیسی شهر را گلوله‌باران خواهد نمود.

ترجمه از روزنامه فیگارو دوشنبه ۲۶ مارس ۱۹۰۶

حادثه (تابه)

اسلامبول ۲۵ مارس ۱۹۰۶

بار دیگر باید بجهت [illegible] و اقدامات بابعالی مسئله [illegible] را بعهده [illegible] انداخت [illegible] خبرهای

دو عثمانیها [illegible] عساکر [illegible] وارد نموده‌اند [illegible] در [illegible] خلیج [illegible] که در [illegible] بعضی [illegible] واقع

بوده دایر [illegible] اینکه سرحد در جزیره سینا [illegible] حکومت سرحد [illegible] خود [illegible] انگلیسیها

با ترتیب کرده در این مسئله حقیقت نظر برآید که دولت عثمانی بعضی نقاط را تصرف نموده است

سرحدیه [illegible] مالکیت سلطانی بوده [illegible] نموده. دعوا [illegible] عساکر خود را از آنجا برخواهد داشت

ولی [illegible] از ۵ نقطه [illegible] اقدامات [illegible] انگلیس [illegible] به نتیجه [illegible]

از قراریکه [illegible] دولت انگلیس [illegible] از [illegible] ۵ [illegible] اگر [illegible]

فاطر [illegible] با استقلال قوه جبریه [illegible] [illegible] (ادنیته) [illegible]

عساکر عثمانی در [illegible] داده خواهد [illegible] اگر در [illegible] عساکر عثمانی از [illegible]

کشتی [illegible] انگلیس [illegible] را [illegible] خواهند

§ ایران سفیر کبیری ارفع‌الدوله جناب اشرف پرنس میرزا رضا خان حضرتلری دونکی کون دائرهٔ جلیلهٔ خارجیه‌یه کله‌رك خارجیه ناظری دولتلو توفیق پاشا حضرتلریله ملاقات ایلمشدر.

روزنامه صباح
یکشنبه ۲۲ محرم
۱۳۲۴

ملاقات

المانیا سفیر کبیری اصالتلو بارون مارشال، انکلتره سفیر کبیری اصالتلو سیر نیقولااوقونور، روسیه سفیر کبیری اصالتلو موسیو زینوویف، ایران سفیر کبیری ارفع‌الدوله جناب اشرف پرنس میرزا رضا خان حضراتی دونکی کون باب‌عالی‌یه کله‌رك ذات فخامتسمات حضرت صدراعظمی ایله ملاقات ایلمشلردر.

§ سفرای مشارالیهم حضراتندن انکلتره، روسیه ایران سفیرلری دائرهٔ جلیلهٔ خارجیه‌یه دخی کیدرك خارجیه ناظری دولتلو توفیق پاشا حضرتلریله ملاقات ایتمشلردر.

روزنامه صباح
سه‌شنبه ۲۴/۱/۱۳۲۴

Borrower's No	Issue Date	Borrower's No.	Issue Date

فصل ۴

أمور اتباع ـ حقوقی و اقتصادی

شمارهٔ سند: ۹٦۵
موضوع: حقوق اتباع ایران در عثمانی
نمره: ۱۱۳
تاریخ: ۱۸ شوال ۱۳۱۵ هـ. ق
کارتن: ۳۰
پرونده: ۱٤/ق

نامهٔ قونسولگری ایران در بغداد به وزارت خارجه

دیروز چاکر برای چند فقره مطلب واجب نزد جناب والی پاشا رفته، خدا گواه است با حالتی ناخوش چهار ساعت تمام حرف زدیم صد دفعه از جناب جلالت‌مآب منیف افندی سخت‌تر و لجوجتر و پرحرف‌تر است و خیلی با ملاحظه و جبون است هیچ همچو عثمانی متعصب سختی ندیده‌ام، ابتدا تعلیقهٔ مبارکه حضرت اجل عالی در باب رعایتی که از تبعهٔ عثمانی می‌فرمایید و بدسلوکی مأمورین خودشان یک به یک خواندم و مترجم خودش و حسن‌خان، مترجم کارپردازی، ترجمه کردند گفت به من از همدان خیلی شکایت کرده بودند و همچنین از کردستان، دوستانه گله کردم، انشاءالله حضرت مستطاب وزیر امور خارجه همین قسم که فرموده‌اند رعایت خواهند کرد و من بسیار ممنون می‌شوم و تشکر دارم.

ثانیاً: در فقرهٔ تفریق تبعه گفتم، گفت حقیقت، دوستانه به شما بگویم من تعجب دارم و متفکر هستم نمی‌دانم شما چرا در این باب اصرار دارید من اگر چه دو سال است والی بغداد شده‌ام ولی سالهاست عراق عرب متصرف و اعضای مجلس بودم هیچ‌وقت هیچ کارپردازی را ندیدم در این مسئله این‌قدر اصرار داشته باشد، گفتم سالفین را نمی‌دانم ولی اصرار من از بابت رفع حرف و مایهٔ نقار مابین دولتین علیتین است شما متصل رعایای دولت علیهٔ ایران یا می‌گیرید عسکر کنید یا به محکمه می‌خواهید و اسباب مشاجره و منازعه است، یک دفعه این مسئله تحقیق شود تحت قاعده بیاید که هر روز اسباب زحمت نشود، گفت این کار مشکلی است، گفتم جمیع اشکالات آن را بنده رفع می‌کنم با خود شما یک مجلس کمیسیون می‌کنیم به صلاح و صواب‌دید یکدیگر یک قراری می‌دهیم و تفریق تبعه می‌کنیم، گفت شما در کمال

ملایمت آهسته آهسته می خواهید جمع کثیری که اجداد و پدرهایشان سالها در مملکت عثمانی نشوونما کرده‌اند ایرانی کنید، گفتم خدا آنها را ایرانی کرده تقصیر من نیست. بالاخره چند روز مهلت خواست که به چاکر جواب صریح بدهد، بعد مطالب دیگر مذاکره شد فقره قیصریهٔ کربلا و دفینه و غیره و غیره چون خیلی مفصل است انشاءالله بعد از اتمام عمل به عرض خواهد رسانید. الامر الاجل الاعظم العالی مطاع.

چاکر فدوی علی نقی

CONSULAT GÉNÉRAL DE SA M.I.
LE CHAHINCHAH DE PERSE
à Bagdad
No.

قونسول ژنرال دولت علیه شاهنشاهی ایران
مقیم بغداد نمره ۱۱۳۰ تاریخ ۱۸ شهر شعبان ۱۳۱۵

دیروز چاکر برای چند فقره مطلب واجب نزد جناب والی پاشا رفته خدا گواه است با کمال خوشی چهار ساعت تمام حرف زدیم صد دفعه از جناب جلالتمآب منیف افندی نجیب‌تر

و لجوج‌تر و پرحرف‌تر است و خیلی با ملاحظه و حوصله است ابداً هیچ عثمانی متعصب بحث ندیده‌ام ابتدا تعلیقه مبارکه حضرت اجل عالی در باب عتبات عالیات را

عثمانی [illegible] و در سلوکی که مأمورین خودشان یک یک خواندم و مترجم خودش حسن خان مترجم کارگزاری ترجمه کرد گفت بعد از همه آن خیلی التفات کرده بنظر

و همچنین از کردستان [illegible] گله کردم [illegible] از حضرت مستطاب [illegible] در امور خارجه [illegible] رعایت خواهند کرد و فی الواقع بسیار ممنون میشوم و تشکر دارم

ثانیاً در فقره تفریق تبعه گفتم گفت حقیقت [illegible] به شما بگویم من تعجب دارم و متفکر هستم نمیدانم شما چرا در این باب اصرار دارید [illegible] الحال والی بغداد

ولی سالهاست عراق عرب متصرف و اعتقاد چنین بود [illegible] هیچ کارپردازی را ندیدم در این مسئله اینقدر اصرار داشته باشد گفتم [illegible]

چرا از همه بابت [illegible] حرف [illegible] رئیس [illegible] است [illegible] رعایای [illegible] علیه [illegible] مشاجره [illegible]

[illegible] دفعه این مسئله تحقیق شود تحت قاعده [illegible] روز [illegible] نشود گفت این کار مشکل است گفتم جمیع [illegible] آنرا بنده رفع میکنم با خود

[illegible] کمیسیون [illegible] بصلح و صواب [illegible] تفریق تبعه میکنیم گفت [illegible] جمیع [illegible]

سالها در ممالک عثمانی نشو و نما کرده‌اند [illegible] کنید گفتم خدا [illegible] ایرانی کرده [illegible] نیست [illegible] فقره چند روز [illegible] جواب [illegible]

[illegible] بعد مطلب دیگر مذاکره شد فقره [illegible] کربلا و دفینه و غیره و غیره جزئی خیلی مفصل است [illegible] بعد [illegible] بعرض [illegible]

[illegible] ظل‌الله [illegible]

[illegible] علی نقی

شمارهٔ سند: ۹۶۶
موضوع: تبدیل تابعیت
تاریخ: ۱۳۱۶ هـ . ق
کارتن: ۳۲
پرونده: ــ

نامهٔ حاجی میرزاموسی سیاح اصفهانی به وزارت خارجه

الله

(هوالحق العادل جلّت قدرته)

قربان حضور مبارکت شوم، این جهانگرد بی‌مقدار چهل سال است در اقطار جهان و اغلب در ممالک دولت علیهٔ عثمانیه به گردش و نشر محامد و صفات پادشاهان جلیل الشأن دولت علیّهٔ ایران بوده و هست به اندازه‌ای که اغلب از رجال مأمورین محترم دولت علیهٔ ایران درجهٔ غلوّ در وطن‌دوستی و شاه‌پرستی بی‌مقدار را حمل بر جنون می‌کردند، زیرا که تمام سرمایهٔ مال و حال خود را در راه مزاهمین [مزاحمین] معاندین و بدخواهان دولت و وطن مقدّس خود صرف نموده. در قاهره مصر شهر قانونی در جلو قهوه ارمن در معبر عام صندلی بر سر جمال‌الدین زدم و با او ملکم به زبان روزنامهٔ المحاکم خود به حدّی مدافعه کرده که روزنامه‌ام مقصّر و متروک شد، از مأمورین مصر که حالا در طهران هستند جنابان مستشارالسلطان و آصف‌الحکمأ از آنها جویا شده تاحال این مقدار در محضر شما مکشوف و مشهود شود، پس چه شد که ناچار ترک تبعیت کردید، حاجی محمدحسین جواهری اصفهانی در اسلامبول با ده ملیون لیرا سرمایه چه شد تبعیت روس اختیار کرد، مرحوم حاجی میرزا رفیع اصفهانی در مصر و حاجی میرزا فضل‌الله و حاجی آقابزرگ شیرازی‌ها در مصر، حاجی عبدالحسین شیراز امین التجار در بمبئی و غیره هم در بلاد عثمانی و هندوستان و روسیه هر یک با چندین ملیون دارایی چرا تبدیل تبعیّت نموده و به تبعیّت دولت علیهٔ عثمانی و روس و انگلیس داخل شدند و حال آنکه همگی پادشاه‌پرست و وطن‌دوست بودند و با تبعیّت خارجه هستی خود را در راه ملّت و دولت علیهٔ ایران صرف کرده و می‌کنند و هکذا از اواسط اینها بر وطن چه شد که یک‌یک با چشم گریان و دل بریان تذکره تبعیت خارجه به دست گرفتند. همه از ظلم مأمورین

بی انصافی است که از طرف دولت به خارج می روند، مال و جان رعیّت بیچاره را مباح دانسته می برند اندکی در کار آنها تأمل فرمایند که شاید رفتگان به تبعیّت اصلیهٔ خود معاودت نموده بازماندگان باقی باشند. میرزا اسحق خان ساعدالوزاره به پشتگرمی ناظم الدوله این بی مقدار را مفلس و متوفّی قلم داد و خانمان مرا برچید مستدعی است جناب مدبّرالدوله و آقای آقامیرزا محمودخان و آقای آقامیرزاعلی تقی خان را مأمور به تحقیق عرایض بی مقدار فرمایند که به تحقیق رسیدگی نموده صدق عرایضم واضح و حقم احقاق شود که سایر هموطنان دور از وطن به لطف بی پایان حضرت مستطاب اجل اشرف امجد اسعد اعظم روحی فداه مستحضر و مستظهر شوند، دیگر امر امر مبارکست چاکر بی مقدار حاجی میرزا موسی سیاح اصفهانی، تبعهٔ دولت علیهٔ عثمانیه، در طهران.

الله

(هو الحق العالی جلّت قدرته)

قربان خاک پای مبارکت گردم این چاکر که بیمقدار اجهل ناس است در اقطار جهان و از تبعه ممالک دولت علیه عثمانیه بیروت و مصر قاهره ... حضرت پادشاهان

جلیل القدر ... دولت علیه ایران بعرض ... میرساند که اغلب از رجال مأمورین محترم دولت علیه ایران در خارجه مشغول ... و برای ... جمعیت ... یکدیگر ...

زیرا که تمام ... مال ... خود را در راه همین ... خواهان دولت و وطن مقدس خود صرف نمودند در قاهره مصر شهر قاهره ... معتبر ...

جمال الدین ... و ملکم ... روزنامه ... المحاکم ... راجعه کرده روزنامه ... از مأمورین مصر ... طهران جناب ... السلطان

و آصف الحکماء از آنها ... با حال ... شهود ... تبعیت کرده حاجی محمد حسین ... اصفهانی ...

با ده ملیون لیره ... تبعیت روس اختیار کرد مرحوم حاجی میرزا رفیع اصفهانی در مصر و حاجی میرزا فضل الله و حاجی آقا ... شیرازی ...

حاجی عبد الحسین شیرازی ... در بمبئی و غیرهم در بلاد عثمانی و هندوستان ... هر یک با چند ملیون دارائی ... تبعیت ... دولت علیه ...

و در بلاد انگلیس داخل شده و حال آنکه همگی آنها ... وطن دوست ... با تبعیت خارجه هستی خود را در راه ... دولت علیه ایران صرف ... میکنند ...

اینها بر وطن ... چشم گریان و دل بریان ... تبعیت خارجه ... گرفتند همه از ظلم مأمورین ... از طرف ...

... رعیت بیچاره ... انرژی ... کارهای ... فرمایند ... رفتگان تبعیت اصلیه ... نمایند ...

میرزا ... خان ... الوزراء ... ناظم الدوله ... بیمقدار ... قلم داد ... [illegible]

... میرزا محمود خان ... میرزا علی نقی خان ... مأمور تحقیق عرایض ... تحقیق ... [illegible]

و حقیقت ... سایر هموطنان ... حضرت مستطاب اجل اشرف امجد ... اعظم ... [illegible]

شمارهٔ سند: ۹٦۷

موضوع: استیفای حقوق حاجی موسی سیاح

تاریخ: ۲٤ شوال ۱۳۱٦ هـ. ق

کارتن: ۳۲

پرونده: ــ

نامهٔ سفیرکبیر عثمانی در طهران به وزارت امور خارجه

فدایت شوم، حاجی موسی سیاح که سالها در ممالک عثمانیه بوده و بقاعده تغییر تابعیت کرده به طهران آمده است و چند ماه است که از خوف به سفارتخانهٔ دولت علیهٔ عثمانیه پناه آورده، عریضه ملفوفه را به حضور جناب مستطاب اجل امجد اشرف ارفع عالی عرض نموده، دوستدار با احترام تمام خواهشمند است که عریضهٔ او را ملاحظه فرموده مقرر دارند که استیفای حقوق او به عمل آمده آسوده و مطمئن شود و در پی کار خود برود که موجب مزید تشکر و امتنان اخلاصمند از جناب مستطاب اشرف خواهد شد، همواره احترامات فایقهٔ دوستدار را آن جناب مستطاب اشرف در حق خود برقرار و استوار دانند، زیاده چه زحمت دهد.

مهر محمد شمس الدین ــ سفیرکبیر عثمانی

~~سفارت کبرای عثمانی~~

الله

۲۴ شهر شعبان ۱۳۱۱

حاجی میرزا سیّاح سالها در ممالک عثمانیه بوده و بقاعده

تغییر تبعیت کرده بطهران آمده است دو سه ماه است در ار[illegible] بسفارتخانه کبرای علیه عثمانیه

بنا بر آورده عریضه ملفوفه را بحضور جناب مستطاب اجل امجد اشرف ارفع عالی معروض معظم

دوستدار با احترام تمام خواهشمند است که عریضه او را ملاحظه فرموده مقرر دارند

در تشخیص حقوق او بعهد ایامی که تبعه وطنی شده بود [illegible] جناب مرد [illegible]

اخلاصمند خدمت مستطاب اشرف خواهشمند همواره احترامات فائقه را برقرار [illegible]

در حق خود برقرار و مستدام دارند [illegible] دهد

شمارهٔ سند: ۹۶۸
موضوع: ماترک قوافیان تاجر
نمره: ۲۵۹
تاریخ: ۱۹ محرم ۱۳۱۷ هـ. ق
کارتن: ٦
پرونده: ــ

نامهٔ سفارت ایران در استانبول به وزارت خارجه

چندی قبل قوافیان نام تاجر مسیحی که از تجار معتبر و دارای ثروت بود فوت شد، باب‌عالی به عنوان اینکه چند نفر از عثمانی ها وارث او هستند فرستاده حجره و ماترکش را مهر و ضبط کردند که تحریر ترکه و بین الورثه تسلیم نماید. عیال متوفا که مدعی انتقال متروکات از شوهر به خودش بوده و ادعای تبعیت خود و شوهرش را به موجب اسناد به دولت جاویدآیت می‌کرد به سفارت کبری عرض حال داده و احقاق حق خود را متمنی شد، از قونسولگری دولت علیهٔ مقیم اسلامبول هم مأمور فرستاده روی مهر عثمانی ها را مهر دیگر زدند، وارث عثمانی قوافیان نزد بنده آمده اظهار داشتند اوراقی را که عیال قوافیان دلیل بر تبعیت خود به ایران ابراز می‌کند مجعول و برای جلب حمایت سفارت و تضییع حقوق ماها است، گفتم من تکلیفی به رسیدگی به صحت و سقم اوراق ندارم و همین که آنها را در دست مشارالیها دیدم باید از او حمایت نمایم. مشارالیهم که از بنده مایوس شدند به باب‌عالی تظلم کردند، بنده مراسلهٔ به وزارت خارجه نوشتم که چون قوافیان و عیال او از اتباع صحیحهٔ دولت ایران هستند و باید کار او به توسط سفارت تسویه شود، قدغن نمایید وزارت ضبطیه مهر خود را از آنجا بردارد، جواب دادند که تبعیت او و عیالش به عثمانی به موجب تحریر نفوس و غیره از مسلمیات است، علی هذا قونسولخانه باید مهر خود را از آنجا بردارد و الّا وزارت ضبطیه خواهد برداشت باز یکی دو فقره مراسلات در این باب مابین باب‌عالی و سفارت کبری مبادله شد و روز بعد از وصول مراسله جوابیهٔ سفارت کبری خبر آوردند که از وزارت ضبطیه جمعی از ژاندارمه و پلیس مأمور فرستاده‌اند مهر را برداشته تحریر ترکه نمایند، بنده هم چند نفر قواص فرستادم ممانعت و در آنجا اقامت نموده نگذارند و شرحی به وزیر ضبطیه

نوشته از وخامت این کار اظهارات لازمه نمود آن روز را توقیف کردند، روز دیگر باز خبر آوردند که ژاندارمه و پلیس رفته مهر را بردارند باز چند نفری برای منع اینکار به محل لازم فرستاده خود رفته وزیر خارجه را ملاقات و خیلی اظهار دلتنگی نمود معلوم شد مراسله اخیرهٔ بنده را در این باب عمداً در میانه مفقود نموده و به وزیر خارجه نشان نداده بودند و آنجا نشست تا وزیر خارجه آدم فرستاده به پلیس قدغن کرد تا این عمل درست نشود به مهر قونسولگری مزاحم نشوند و علی العجاله کار در همین حالت مانده است اطلاعاً عرض شد. محمود

[حاشیه:] خیلی کار به قاعده نموده است. امضا: مظفرالدین شاه

جواب کارگزاری [illegible]

۱۹ شهر محرم ۱۳۱۷ [illegible] ابوالقاسم نام تاجر ایرانی در ارتکاب [illegible] و دارای ثروت بود فوت شده باب عالی به عنوان اینکه عیال او از عثمانیها

[illegible] است اداره [illegible] فرستاده حجره و دارایی اش را مهر و ضبط کرده که تحریر ترکه و بین الورثه تسلیم نماید عیال متوفا

در مقام انتقال متروکات از شوهر بر خود برآمده و ادعای تبعیت خود و شوهرش را به موجب اسناد در ترتیب

داده است [illegible] سفارت کبری [illegible] داده و احقاق حق خود را متمسک شده از قونسولگری [illegible] علیه

اسناد [illegible] مأمور فرستاده روی مهر عثمانیها را مهر کرده اند و در دست عثمانی قونسولگری [illegible]

داشته اوراق [illegible] عیال قونسولگری [illegible] تبعیت خود ایران [illegible] محول در [illegible]

سفارت [illegible] حقوق ما [illegible] اوراق [illegible]

در دست شما [illegible] باید [illegible] حمایت تمام شما [illegible] باب عالی [illegible]

[illegible] جواب قونسولگری عیال او [illegible] دولت ایران [illegible]

کار [illegible] توسط سفارت [illegible] وزارت ضبطیه مهر خود را [illegible]

تبعیت او و عیالش به عثمانی به موجب تحریر نفوس و غیره [illegible]

باید مهر خود را [illegible] وزارت ضبطیه [illegible]

[illegible] باب عالی و سفارت کبری [illegible] سفارت کبری [illegible]

[illegible] وزارت ضبطیه [illegible] مأمور فرستاده اند مهر را برداشته تحریر ترکه نمایند

[illegible] نفر [illegible] فرستاده ممانعت [illegible] نگذارند [illegible] ضبطیه

آرشیو

۲۵۹

نوشته از وخامت اینجا را اظهارات مذاکره نمود آن روز را توقیف کردند روز دیگر باز خبر آوردند که از اداره

و پلیس رقعه مهر را برداشته باز چند نفری برای منع اینجا رفتند مدام فرستاده خود رفته وزیر خارجه را ملاقات و خیال

اظهار و تشنیع نمود معلوم شد مراسله خیره نه را در این باب عمداً در سیاسیه مفقود نموده و به وزیر خارجه نشان

نداده بخود و اینجا نشست تا وزیر خارجه آدم فرستاده پلیس قدغن کرد تا اینجا درست نشود به هر قسم نوکری

فراهم نشده رفع اشتباه کار در همین حالت مانده است الطاف عالی مستدام [illegible]

شمارهٔ سند: ۹۶۹
موضوع: حفاظت اموال قوافیان تاجر مسیحی
نمره: ۲۹۵
تاریخ: ۱۶ صفر ۱۳۱۷ هـ. ق
کارتن: ٦
پرونده: ـــ

سواد کاغذ وزارت خارجه به علاءالملک (سفیرکبیر ایران در استانبول)

شرح مفصلی از اقدامات سفارت کبرا در محافظهٔ متروکات قوافیان نام تاجر مسیحی رعیت ایران مرقوم فرموده بودید استحضار و خوشوقتی حاصل شد، این گونه اهتمامات و توجهات جناب‌عالی در حفظ و صیانت حقوق تبعهٔ دولت جاویدآیت و مساعی جمیله که در انجام مقاصد اولیای دولت مبذول می‌فرمایید جای هزاران خوشوقتی و مسرّت است و ذات اقدس همایون هم از دولتخواهی و زحمات جناب‌عالی در اجرای اوامر دولت همه وقت اظهار مرحمت و تمجید می‌فرمایند در این باب هم اقدامات جناب‌عالی مورد تحسین شده است، زیاده زحمت نمی‌دهد. (مشیرالملک)

۴۲۹۵

سواد کاغذ وزارت خارجه بعلاء الملک

مورخه [illegible]

شرح مفصل از اقدامات مخصوص که برادر در محافظه متروکات [illegible] نام تاجر رعیت ایران مرحوم و فوت نموده بود

بودید اشعار و خوشوقتی حاصل شد که نتیجه اهتمامات و توجهات جنابعالی در حفظ و صیانت حقوق تبعه دولت جاوید آیت

است و در مساعی جمیله که در انجام مقاصد اولیای دولت مبذول میفرمایید جای بسی خوشوقتی و مسرت است و داشته‌اند

چون هم از درستکاری و زحمات جنابعالی در اجرای اوامر دولت همه وقت اظهار مرحمت و نتیجه میفرمایند

اقدامات جنابعالی مورد تحسین شده است زیاده زحمت نمیدهد

(مشیرالملک)

شمارهٔ سند: ۹۷۰

موضوع: اخذ مالیات از اتباع ایران در عثمانی

نمره: ۲۳۴

تاریخ: ۸ ربیع الثانی ۱۳۱۷ هـ. ق

کارتن: ٦

پرونده: ۱۱/۲٤

نامهٔ سفارت ایران در اسلامبول به وزارت خارجه

تصدقت شوم، رعایای کردفیلی که در حوالی مندلیج و اطراف یعقوبیه و بدره و کوت به زراعت و آسیابانی و غیره اشتغال دارند و خیمه‌نشین هستند شکایت کردند که مأمورین عثمانی از هر خانه پنجاه و یک قروش رسم بیتیه (خانهٔ سرشمار) می خواهند، به ولایت بغداد اظهار شد، به مقام تحقیق برآمدند رسماً نوشته شد و مطالبهٔ جواب شد، جوابی دادند که ادارهٔ محاسبه می‌گوید به موجب مقاوله‌نامهٔ تبعهٔ ایران باید اصنافیه بدهد، اینها هم چون زراعت و فلاحت می‌کنند باید ویرگوی چادرنشینی بدهند، جواب دادیم رسم اصنافیه راجع به اصناف توی بازار است چه دخلی به زراع دارد و چه ربطی به ویرگوی چادرنشینی دارد و آنچه گرفته بودند استرداد آن را خواستیم، حالا جوابی داده‌اند که «چون به موجب مقاوله‌نامه به رسوم و تکالیفی که تبعهٔ عثمانی مکلف هستند تبعهٔ ایران ساکنین ممالک عثمانی نیز مکلف خواهند بود و مستثنیٰ داشتن تبعهٔ ایرانی که در مندلیج و یعقوبیه و سایر بلاد عثمانی خیمه‌نشین هستند از رسم ویرگوی مخصوص زراع و عشایر جایز نیست، علی هذا برحسب اظهار ادارهٔ محاسبه در مجلس ادارهٔ ولایت قرار داده شده است تبعهٔ ایران باید به تسویه و اعطای رسوم مزبوره موافقت نمایند و در صورت عدم موافقت باید از ممالک عثمانیه بیرون بروند لازم است شما به ایرانی ها اعلام و اخطار نمایید» فدوی هم جوابی که لازم بود تهیه و مسوده کرده نظر به اهمیت مسئله سواد تمام سؤال جواب را با آنچه جواباً مسوده شده است لفاً تقدیم می نماید که اگر دادن این جواب را تنسیب می فرمایند تلگراف فرمایند تا پاکنویس کرده به ولایت بغداد بدهد. ملاحظات لازمه محض اطلاع خاطر مبارک در نمرهٔ آتیه عرض می شود امر اجل اکرم مطاع.

تصدقت شوم، با جناب والی پاشا به مذاکرات شفاهی مشغول اثبات سهوهای مراسلهٔ معروضه است علی هذا هنوز جوابی تسویه نشد که مطلب پخته شود بعد از آن به طوری که مقتضی است جوابی بدهیم که قابل رد نباشد. امر اجل افخم مطاع.

[حاشیه، دستخط مظفرالدین شاه:]

ــ جناب اشرف صدراعظم، اولاً شما هم باید به جاهای لازم و مأمورین خودمان بنویسید و تعلیمات بدهید که مقابله و معاملهٔ به‌مثل نمایند. آنچه آنها از رعیت و تبعهٔ چادرنشین ما و سایر به هر عنوان می‌گیرند، اینها هم بگیرند و ثانیاً با سفارت عثمانی اینجا مذاکره بشود و از تمام این فقرات اطلاع داده شود، به علاءالملک هم نوشته که او هم مشغول مذاکره باشد و آنچه به نظرمان می آید چه در این مسائل و چه در فقرهٔ ازدواج علاءالملک گفتگوها نموده و یک قراری داده بود صورت آن نوشتجات در وزارت خارجه باید باشد، مشیرالدوله رجوع نماید و آنچه صلاح بدانید مشیرالدوله اقدام بکند.

امضا: مظفرالدین شاه

۲۳۴

۱۳۱۲

معروضه هشتم ربیع الثانی

[illegible]

... رعایای کرد [illegible] که در حوالی مندلیج و اطراف یعقوبیه و بدره و کوت به زراعت و گله‌بانی اشتغال دارند و خیمه‌نشین هستند شکایت کرده‌اند که مأمورین عثمانی از هر خانه پنجاه [illegible] قروش رسم بیتیه (خانه‌شماری) می‌خواهند به ولایت بغداد اظهار شد به مقام تحقیق برآمده و رسماً نوشته شد و مطالبه جواب شد جوابی داده‌اند که اداره محاسبه [illegible] مقاوله‌نامه تبعهٔ ایران باید اضافه [illegible] اینها هم چون زراعت و فلاحت می‌کنند باید ورکوی چادرنشینی بدهند

جواب داده‌ایم رسم اضافیه راجع به اصناف و تجار است چه دخلی به زارع دارد و چه ربطی به ورکوی چادرنشینی دارد و آنچه گرفته بودند استرداد دارند [illegible] حالا جوابی داده‌اند که (چون به موجب مقاوله‌نامه رسوم و تکالیفی که تبعهٔ عثمانی مکلف هستند تبعهٔ ایران ساکنین ممالک عثمانی نیز مکلف خواهند بود و چادرنشینی داشتن تبعهٔ ایرانی در مندلیج و یعقوبیه و سایر بلاد عثمانی خیمه‌نشین هستند از رسم ورکوی مخصوص زراع و عشایر چادرنشین علیحده از حیث اظهار اداره محاسبه در مجلس اداره ولایت قرار داده شده است تبعهٔ ایرانی باید به تسویه و اعطای رسوم مزبوره [illegible] و در صورت عدم موافقت باید از ممالک عثمانیه بیرون بروند لازم است تا به ایشان اعلام و اخطار بنمایند) [illegible] لازم بود تهیه و مسوده کرده نظر به اهمیت مسئله سواد تمام سؤال و جواب را با آنچه جواباً مسوده شده است لفاً تقدیم [illegible] که اگر دادن این جواب را تصدیق بفرمایند مقرر فرمایند تا پاک‌نویس کرده به ولایت بغداد [illegible]

شمارهٔ سند: ۹۷۱

موضوع: اخذ مالیات از اتباع ایران در عثمانی

نمره: ٤٣٤١

تاریخ: ۸ شعبان ۱۳۱۷ هـ . ق

کارتن: ٦

پرونده: ١١/٢٤

سواد کاغذ وزارت خارجه به علاء الملک سفیر دولت ایران مقیم اسلامبول

از اقدامات سفارت کبرا در خصوص پنجاه و دو غروش و نیم خانواری که مأمورین عثمانی از اتباع دولت علیهٔ ایران در حوالی مندلیج و یعقوبیه مطالبه می‌نمودند شرحی مرقوم فرموده بودید مستحضر و خوشوقت شدم به مشاورالملک کارپرداز بغداد نوشتم که اگر حکم باب‌عالی به موقع اجرا رسید فبها و الا اگر باز مأمورین عثمانی این وجه از زارعین ایرانی در مندلیج و یعقوبیه مطالبه دارند به سفارت کبرا اطلاع بدهد، زیاده زحمت می‌دهد.

مشیرالدوله

۲۰۹۰

سواد کاغذ وزارت خارجه به جناب جلالتمآب سفیر دولت [illegible] مقیم اسلامبول

نمره ۲۳۳۱

مورخه ۸ شهر شعبان ۱۳۱۷

از اقدامات سفارت کبرا در خصوص تبعه و [illegible] که از [illegible] عثمانی از اتباع دولت علیه ایران در حوالی

منطقه [illegible] مطالبه مینمودند شرحی مرقوم فرموده بودید متشکر و خوشوقت شدم [illegible] کار پرداخته‌اید

[illegible] حکم [illegible] اجرا [illegible] اگر [illegible] عثمانی [illegible] از رعایای ایرانی در منطقه [illegible]

مطالبه دارند سفارت کبرا اطلاع بدهید [illegible] زحمت میدهد

مشیرالدوله

شمارهٔ سند: ۹۷۲
موضوع: اخذ مالیات از اتباع ایران در عثمانی
تاریخ: (۱۳۱۷ هـ . ق)
کارتن: ٦
پرونده: ۱۱/۲٤

ترجمهٔ مراسلهٔ باب عالی به سفارت کبرای ایران

به موجب مراسلهٔ ٤ ربیع الاول ۱۳۱۷ و نمرهٔ ٥٤ آن سفارت علیه که اظهار داشته بودید از اتباع دولت علیهٔ ایران از قبیل زراع و چادرنشین که در قضاهای مندلی و خرسان ولایت بغداد سکونت دارند به اسم مالیات چادری رسومی گرفته می شود.

مراتب از ولایت بغداد استفسار شده این طور جواب رسیده است که بنا بر معمول قدیم در داخل حدود ولایت از افراد عشایر زراع و غیرزراع که در خارج قرا و در صحرا و بیابان چه در چادر و چه در ابنیه متفرقه ساکن هستند برای هر خانه سالی پنجاه غروش به عنوان مالیات و دو غروش و نیم به اسم عایدات معارف اخذ می‌شده.

لهذا از اتباع ایرانی هم که مابین عشایر مذکوره اقامت و زراعت می نمایند به موجب مقاوله‌نامه‌ای که با سفارت علیه منعقد شده است اخذ و گرفته می شود. چون در بند دویم مقاوله‌نامه مصرح است که تبعهٔ ایران مقیمین خاک عثمانی به تکالیف تبعه و رعایای دولت عثمانی مکلف خواهند بود و اصول مبحوثه که از قدیم در ولایات ممالک عثمانی متخذ شده است بالقطع والیقین قابل تغییر نخواهد بود، این مراسله برحسب اشعار مجلس مشاورهٔ وزارت خارجه جواباً خدمت والای سفیرانه نوشته شده و از برای تأیید وداد و مخالصت وسیله اتخاذ شد.

ترجمه مراسله عالیه سفارت کبرای ایران

بموجب مراسله ۴ ربیع‌الاول ۱۳۱۷ و نمره ۵۴ آن سفارت علیه که اظهار داشته بودید از اتباع دولت علیه ایران در قضای زراع و چادرنشین که در قصبات مندلی و خانقین و ولایت بغداد سکونت دارند مالیات چادری رسومی گرفته میشود مراتب از ولایت بغداد استفسار شده ابطال جواب رسیده است که بنا بر معمول قدیم در دوائر ملحقه ولایت از افراد عشایر زراع و غیر زراع که در خارج قرا و در صحرا و بیابان چه در چادر و چه در ابنیه متفرقه ساکن هستند برای هر خانه سالی پنجاه غروش بعنوان مالیات ده غروش [illegible] باسم عشایر متعارف اخذ میشده لهذا از اتباع ایرانیه هم که مابین عشایر مذکوره اقامت و زراعت مینمایند بموجب مقاوله نامه که با سفارت علیه منعقد شده است اخذ و گرفته میشود چنین در نهم ماده مقاوله نامه مصرح است که تبعه ایران مقیمین خاک عثمانی بتکالیف تبعه و رعایای دولت عثمانی مکلف خواهند بود و اصول مجوزه که از قدیم در ولایات ممالک عثمانی متخذ شده است بالقطع والیقین قابل تغییر نخواهد بود این مسئله برحسب اشعار مجلس مخصوص وزراء وزارت خارجه جواباً صدور یافته والا سفیرانه نوشته شد و از برای تأیید و داد لصقت

والسلام الختام

شمارهٔ سند: ۹۷۳
موضوع: اصنافیه اتباع عثمانی
نمره: ۱۱۷
تاریخ: ۵ ذی‌قعده ۱۳۱۷ هـ. ق
کارتن: ۱۸
پرونده: $\frac{۳۶}{۷}$

ترجمهٔ مراسلهٔ مورخهٔ پنجم ذی‌قعده ۱۳۱۷ نمرهٔ ۱۱۷ سفارت کبریٰ به باب‌عالی

چنانکه از سنوات عدیده به این طرف از اتباع این دولت علیه که در خاک عثمانی مشغول کسب و اصنافی هستند به عنوان مقاوله‌نامهٔ اخیره وجه اصنافیه از آنها استرداد می‌شود و در صورت تعلل به معاملات شدیده و حبس و تضییق از آنها استیفا می‌گردد نظر به معاملهٔ متقابله که در مادهٔ دهم مقاوله‌نامهٔ مزبوره تصریح شده است، اتباع آن دولت علیه هم که در خاک این دولت ابدآیت به شغل اصنافی اشتغال دارند باید وجه اصنافیه خود را کارسازی نمایند با آنکه مخلص کراراً از آن جناب وزارت پناهی خواهش کردم که لزوم ادای رسم مرقوم را به سفارت آن دولت علیه در طهران ابلاغ فرمایند و خود جناب اجل عالی هم لزوم تأدیهٔ آن را تصدیق فرموده‌اند متأسفانه امروزها تلگرافی از وزارت جلیلهٔ خارجه دولت متبوعه دوستدار رسید که هنوز اتباع آن دولت علیه وجه مزبور را ادا نکرده‌اند چون این فقره مغایر قاعدهٔ معاملهٔ متقابله و منافی مناسبات ودادیهٔ بین‌الدولتین است به همین طوری که از اصناف دولت علیه ایران در ممالک عثمانی اخذ اصنافیه و در صورت تعلل معاملات شدیده می‌شود از اصناف تبعهٔ عثمانی هم در خاک ایران وجه اصنافیه استیفا و در صورت مخالفت معاملات شدیده خواهد شد. خواهشمند است که آن‌جناب اجل عالی برای اینکه این گونه شکایات و مذاکرات اطاله ذیل داده نشود چنانکه سابقاً نیز وعده فرموده‌اید، تلگرافاً به سفارت آن دولت علیه در طهران در لزوم ادای وجه اصنافیه اوامر لازمه داده بپردازند، در این موقع غنیمت می‌شمرم که احترامات فایقهٔ خودم را نسبت به آن‌جناب وزارت پناهی تجدید نمایم.

ه

خارجيه نظارت جليله سنه

نومرو
١٦٧

ممالك عثمانيه ده اقامتله حرف و صنايع اجرا ايتمكده اولان تبعهٔ ايرانيه دن مقاوله‌نامهٔ اخيره احكامنه
تجار تبعه عديده‌دن هر طرفده اصناف ويركوسی استيفا ايدلمكده و مخالفت ايدنلر حبس و حقلرنده
معاملهٔ شديده و تضييقيه ايقاع قلنمقده اولديغی و ممالك ايرانيه ده اقامتلو اولان تبعهٔ عثمانيه حقنده
معاملهٔ متقابله اجراسی امور طبيعيه‌دن اولديغی مقاوله‌نامهٔ مذكوره‌نك اوتجی ماده‌سنده موضحاً ايكن
بولنديغی و بوباب‌ده نظارت جليله‌لرينه بالدفعات وقوعبولان اشعار و التماسات شفاهيه اوزرينه رسم مزبورك
لزوم تأديه‌سی طهران سفارت عليه‌لرينه بيلديريلمك وعد و تأمينه بيورلديغی حالده بوكره دولت متبوعه‌لرينك
شفاهی خارجيه نظارت جليله‌سنه واقع اولان تعرضات شاهانه‌لری ايله رسم مزبوره هنوز تأديه ايدلمكده
و بولی معاملهٔ متقابله قاعده‌سنه بالكليه مغاير و دولتين عليتين بينده موجود روابط ودادیه‌يه دخی منافی بولنديغی
جانبله ممالك عثمانيه ده اقامتلو اولان تبعهٔ ايرانيه دن هر صورتله اصناف ويركوسی تحصيل ايدلمكده
و مخالفت ايدنلر حقنده هر نوله معامله اولنقده ايسه ممالك ايرانيه ده اقامتلو اولان تبعهٔ عثمانيه دن دخی
او صورتله اصناف ويركوسی استيفا و مخالفت ايدنلر حقنده بويله اولنان معامله‌نك اجرا قلنه‌جغی طبيعی بولنديغی
اشعار بيورلديغی ابروده بر طاقم شكايات و گفتگويه ميدان ويرلمامق اوزره داوطلبان رفع و دفعی
بيورلديغی شقلرده رسم مزبورك بلا تأخير تأديه‌سی خصوصنك طهران سفارت عليه‌لرينه همان بالتلغراف اشعاری
امور اشعاريه همتمانه نظارت جليله‌لرينه ابتدا الثناء وسيله‌سيله تجديد و محافظه ايه اقيلديغی

٥ ذی القعده ١٣٠٤ و ٢٢ تموز

شمارهٔ سند: ۹۷۴

موضوع: اصنافیه اتباع عثمانی و ایران

نمره: ۵۲۱

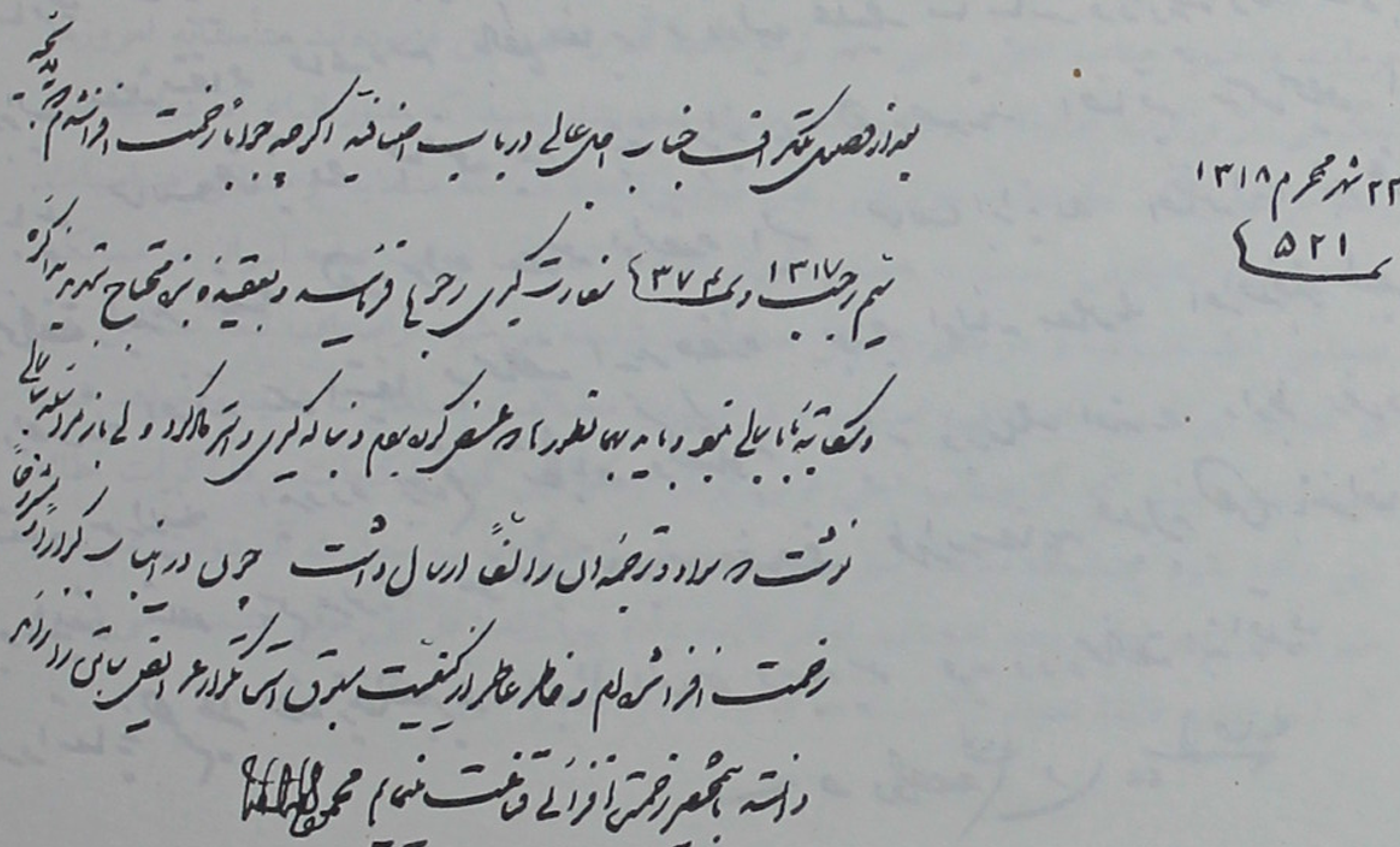
تاریخ: ۲۲ محرم ۱۳۱۸ هـ . ق

کارتن: ۱۸

پرونده: $\frac{۳۶}{۷}$

نامهٔ سفارت ایران در اسلامبول به وزارت خارجه

بعد از وصول تلگراف جناب اجل عالی در باب اصنافیه اگرچه جواباً زحمت افزا شدم که به لایحه سیم رجب ۱۳۱۷ و نمره ۳۷۴ سفارت کبری رجوع فرمایید و به عقیدهٔ بنده محتاج تجدید مذاکره و مکاتبه با باب‌عالی نبود و باید به همان طورها که عرض کرده بودم دنباله گیری و استرداد کرد ولی باز مراسله به باب‌عالی نوشت که سواد و ترجمهٔ آن را لفاً ارسال داشت چون در این باب کراراً و مشروحاً زحمت افزا شده‌ام و خاطر عاطر ازکیفیت مسبوق است، تکرار عرایض سابق را زاید دانسته به این مختصر زحمت افزایی قناعت می نمایم. محمود



۲۲ شهر محرم ۱۳۱۸

نمره ۵۲۱

شمارهٔ سند: ۹۷۵
موضوع: اخذ مالیات از اتباع ایران در عثمانی
نمره: ۳۹
تاریخ: ۲۸ ربیع الاخر ۱۳۱۸ هـ. ق (۱۲ اغتوس ۱۳۱۶)
کارتن: ٦
پرونده: $\frac{۱۱}{۲٤}$

نامهٔ سفارت کبرای ایران در استانبول

به وزارت جلیلهٔ امور خارجهٔ دولت علیهٔ عثمانی

در باب منع مطالبهٔ مالیات چادر از رعیت ایرانی چادرنشین در صفحات مندلی و خرسان واقعه در ولایت بغداد، سابقاً از آن‌جناب خواهش نموده بودم جوابی که به تاریخ فی ٤ صفر ۱۳۱۸ نمرهٔ ۳۱ از طرف حضرت‌عالی رسیده است که حاکم بغداد از هر چادری خارج دهات که در صحراها و دشتها چادرنشین هستند سالی پنجاه غروش مالیات دیوان و دو غروش نیم برای مخارج وزارت علوم گرفته می‌شود رعایای ایران که در میان آنان هستند به حکم قرارداد نامهٔ سفارت کبرای ایران مالیات مذکور را باید بدهند حال اینکه در قراردادنامه‌ای که به توسط وزارت خارجهٔ آن‌جناب منعقد شده از گرفتن مالیات چادرنشین ایرانی ذکری و شرطی نیست، فقط اشخاصی که از رعیت ایران در ممالک عثمانی اقامت دارند و مشغول کسب و کار هستند و خواهند شد به حکم مادهٔ دوم و دهم آن قراردادنامه به موجب معاملهٔ متقابله تکلیف به دادن مالیات دارند، مثل رعایای دولت علیهٔ عثمانی و از جهات سایره آزاد و به امتیازات رعیت دولت کاملة‌الوداد به حکم مادهٔ ششم و چهاردهم قراردادنامه مستحق‌اند جای تعجب است از ولایت مذکور نوشته‌اند که مطالبهٔ مالیات چادرنشینان ایرانی موافق قرارنامه است ابداً قبول نمی‌شود کارپرداز بغداد اظهار نموده است که این مالیات چادرنشینان در مقابل بدلات عسکریه است لهذا چنانچه عرض شد به ولایت مذکور بنویسید هرچه گرفته شده معجلاً رد نمایند، بعد ازین برخلاف عهدنامه حرکتی ننمایند بدین‌وسیله به تجدید مودت و دوستی ابتدا گردید. فی ۲۸ ربیع الاخر ۱۳۱۸ و ۱۲ اغتوس سنه ۱۳۱٦

بوزارت جلیله امور خارجه دولت علیه عثمانی

نمره ۳۹

در باب منع مطالبهٔ مالیات چادر از رعیت ایرانی چادرنشین در صفحات
هندیه و خراسان واقعه در ولایت بغداد سابقاً از آنجناب
خواهش مخصوص بعمل آمده جوابیکه بتاریخ ۲۴ صفر ۱۳۱۸ نمره ۳۱ از طرف
حضرتعالی رسیده است که حاکم بغداد از هر چادری خارج ولایت که
در صحراها و دشتها چادرنشین هستند سالی بنام عشر مالیات دولتی
و عشر نیم برای مخارج وزارت علوم گرفته میشود رعایای
ایران که در میان اینان هستند بحکم قرارداد نامهٔ سفارت کبرای ایران
مالیات مذکور را باید بدهند حال آنکه در قرارداد نامه که بتوسط
وزارت خارجه آنجناب منعقد شد از گرفتن مالیات چادرنشین
ایرانی ذکری و شرطی نیست فقط اشخاصیکه از رعیت ایران در
ممالک عثمانی اقامت دارند و مشغول کسب و کار هستند و خواهند
بحکم مادهٔ دوم و دهم آن قرارداد نامه بموجب معامله متقابله تکلیف
بدادن مالیات دارند مثل رعایای دولت علیهٔ عثمانی و از جهات
سایره آزاد و با امتیازات رعیت دولت کاملة الوداد بحکم
مادهٔ ششم و چهاردهم قرارداد نامه مستحق هستند جای تعجب است
از ولایت مذکور نوشته اند که مطالبهٔ مالیات چادرنشینان
ایرانی موافق قرارنامه است ابداً قبول نمیشود کارپرداز

شمارهٔ سند: ۹۷۶
موضوع: تأسیس مریضخانهٔ ایرانیان در اسلامبول
نمره: ۷۲۹
تاریخ: ۲ صفرالمظفر ۱۳۱۹ هـ. ق
کارتن: ۱۱
پرونده: ۳۰

نامهٔ سفارت ایران در اسلامبول به وزارت خارجه

هنگام تشریف‌فرمایی موکب مسعود مقدس اعلی حضرت همایون شاهنشاهی روحنافداه به اسلامبول مبلغی که برای تأسیس مریضخانه برای مرضای اتباع دولت علیه مرحمت و عنایت شده بود به اقبال بی‌زوال اعلی حضرت همایونی روحنافداه، مریضخانهٔ مذکور انشا و لوازم آن به قدر امکان تهیه شد و فعلاً دایر و اطبای آنجا مشغول به معالجه شده‌اند و به جهت ادارهٔ این مریضخانه چون انجمن لازم بود لهذا روزمخصوصی اهالی ایران مقیمین اسلامبول را به جنرال قونسولگری اسلامبول دعوت و با اکثریت آرأ دوازده نفر اعضا و یک صندوقدار و یک رئیس انتخاب کردند که هفته‌ای یک روز این اشخاص جمع شده مذاکرات نموده و لوازم و نواقص آنجا را انجام می دهند. در حقیقت بنای چنین مریضخانه در اسلامبول از جمله لازمات و اسباب شرف است، ورقهٔ اعانه هم از سفارت سنیه کبری به امر جناب مستطاب اجل اکرم سفیرکبیر چاپ و به هر یک از کارپردازهای دولت علیه مقیمین خاک عثمانی فرستاده شده بود که ریش‌سفیدهای اتباع را جمع کرده تکلیف نماید که هر کس به میل خاطر اعانتی به مریضخانه نماید. بعضی ها وجهی جمع‌آوری کرده فرستاده بودند صرف ادوات و لوازمات مریضخانه شد. امیدواریم که رفته رفته از یمن توجهات کاملهٔ اولیای دولت علیه مریضخانه معتبر و تام‌الاجرایی بشود، اطلاعاً عرض شد.

[حاشیه:] خیلی خوب

نمره ۱

۱۳۱۹
۲ شهر صفر المظفر
نمره ۷۲۹

هنگام ترتیب فرمان مبارک مسعود مقدس اعلیحضرت همایون شاهنشاهی روحنا فداه به بندهای

مبنی در برابر هیئت مریضخانه برای رضای اتباع دولت علیه رحمت و عنایت

شده بود تا حال به اقبال بی‌زوال اعلیحضرت اقدس همایونی روحنا فداه مریضخانه مذکوره دایر

آن‌قدر امکان تهیه شده و خیلی دایر و اطبای آنجا مشغول معالجه شده‌اند

و بجهت اداره این مریضخانه چنین انجمن لازم بود لهذا امروز مخصوصی اهالی

ایران مقیمین بمبئی را جنرال قونسولگری بمبئی دعوت و با اکثریت آراء

دوازده نفر اعضاء و یک صندوقدار و یک رئیس انتخاب کرده در هفته

یکروز این اشخاص جمع شده رسیدگی نموده و لوازم و نواقص آن را

انجام می‌دهند در حقیقت بنای چنین مریضخانه در بندر بمبئی از جمله الطافات

و اسباب شرف ملت در رقعه اعانه اهم از سفارت سنیه کبری

با هر جناب مستطاب اجل اکرم سفیر کبیر چاپ و هر یک از ارکان و وزرای

دولت علیه مقیمین خاک عثمانی فرستاده شده بود در پیش بعضیهای [illegible] را جمع کرده تکلیف نماید

در هر کس ببیند خاطر اعانتی بر مریضخانه نماید بعضیها وجهی جمع‌آوری کرده فرستاده بعد صرف

ورود ادوات و لوازمات مریضخانه شد امیدوارم در رفته رفته از این توجهات کامله

اولیای دولت علیه مریضخانه معتبر و تام الاخراجات بشود اطلاعاً عرض شد

شمارهٔ سند: ۹۷۷

موضوع: در مورد قرارنامهٔ تنباکوی ایران و عثمانی

تاریخ: ۲۴ صفر ۱۳۱۹ هـ . ق

کارتن: ۱۸

پرونده: ۳۶/۱۱ و ۳۶/۸

نامهٔ ناظم الدوله از سفارت ایران در اسلامبول به وزارت خارجه

جناب جلالت‌مآبا، قرارنامهٔ که فی مابین دولتین ایران و عثمانی در باب گمرک تنباکو و غیره تنظیم شده است در دفتر است و باید سه روزه به من برسد البته هرچه زودتر از میان نوشتجات به دست آورده به من برسانید که لازم است، زیاده زحمت نمی‌دهد. این قرارنامه در یک نیم ورق یا یک ورق نوشته شده، چند فصل دارد و فی مابین سفارت ایران در اسلامبول با باب‌عالی تنظیم شده و لازم است.

[حاشیه:] ذریعهٔ جناب جلالت‌مآب اجل آقای ناظم الدوله که در اسلامبول به وزارت خارجه نوشته‌اند به نمرهٔ ۵۲ و۱۷ ربیع الثانی به تجریش در سال ۱۳۱۰

۱۹ ۳ ۱

۲۴ صفر

۱۲۸۱ ش

جناب صدراعظما

قرارنامه فیمابین دولتین

ایران و عثمانی در باب گمرک تنباکو و غیره تنظیم شده [illegible]

و در دفتر است و باید سه روزه هم [illegible]

از میان نوشته‌جات بیرون آورده پیش من بفرستید [illegible]

این قرارنامه در یک نیم ورق یا یک ورق نوشته

شده چند فصل دارد و فیمابین سفرا امضا شده

بابا باید تنظیم شده بفرستید

شمارهٔ سند: ۹۷۸

موضوع: اصنافیهٔ اتباع عثمانی و ایران

نمره: ۱۲۵۰/ ۶۳

تاریخ: ۲۵ صفرالمظفر ۱۳۱۹ هـ. ق

کارتن: ۱۸

پرونده: ۳۶ـ۷

سواد مراسلهٔ وزارت خارجه به سفارت عثمانی

از قرار راپورتی که به وزارت جلیلهٔ امور خارجه رسیده است کارکنان ولایت ارزروم از رعایای دولت علیه که در آنجا مشغول اصنافی هستند مطالبهٔ وجه اصنافیه می نمایند، از طرابوزان و عراق عرب نیز نظایر آن اطلاعات می رسد و حال آنکه دوستدار موافق مدلول مقاوله‌نامه گمان نمی‌کرد که با اتباع آن دولت علیه مقیمین ایران از طرف آن سفارت کبری به ادای وجه اصنافیه محکوم شوند در مطالبهٔ وجه مزبور از اتباع این دولت علیه مقیمین دولت عثمانی اقدامی شود، زیرا به حکم مقاوله‌نامهٔ منعقده ادارهٔ وجه اصنافیه به تبعهٔ دولتین در ممالک جانبین با شروط متساویه وارد است و امتناع احدی‌الطرفین از ادای آن به حکم معامله متقابله که در نصوص مقاوله‌نامه است مستلزم معافیت طرف دیگر خواهد بود. لهذا با کمال احترام زحمت‌افزا خواهشمند است که در رفع این مطالبه از اتباع ایران اوامر فوری تلگرافی به مقامات لازمه ارسال و دوستدار را قرین استحضار فرمایند و الّا ذات مهام‌شناس آن‌جناب سفارت‌پناهی مسبوق است که معاملهٔ متقابله عهدی طبیعی است و آن موقع را مغتنم شمرده احترامات فایقهٔ خود را تجدید می نماید.

۱۲۵۰

۳ ۶۳

سواد مراسله وزارت خارجه به تجارت عظمی

(۲۵ شهر صفر المظفر ۱۳۱۹)

در جواب مراسله که به وزارت جلیله امور خارجه [illegible] کارکنان و [illegible] ارضروم از رعایای دولت علیه [illegible]

مطالبه وجه [illegible] در خط [illegible] عراق عرب [illegible] و حال آنکه [illegible] مقابله نامه

[illegible] اتباع دولت علیه ایران از طرف [illegible] تجارت گمرکی [illegible] ممکن شود [illegible]

در اتباع دولت علیه [illegible] زیرا که مقابله نامه [illegible] اداره [illegible]

[illegible] مقابله نامه [illegible] در خصوص [illegible]

[illegible] طرف دیگر خواهد بود لهذا [illegible] احترام [illegible]

[illegible] وزارت [illegible] تجارت [illegible]

[illegible] مقابله نامه [illegible] دائمی [illegible]

شمارهٔ سند: ۹۷۹
موضوع: فراریان ایرانی به عثمانی و تبادل آنها
نمره: ۱۱٤
تاریخ: ۲۹ صفر سال ۱۳۱۹ هـ. ق
کارتن: ۳۲
پرونده: ۸

نامهٔ سفارت عثمانی در طهران به وزارت خارجه

جناب مستطاب اشرف امجد ارفعا دوستان استظهارا مشفقا معظما مهربانا

چون سفارت دولت علیهٔ ایران مقیم اسلامبول از باب‌عالی خواهش کرده است که علی‌رضاخان پسر والی پشت‌کوه که به خاک عثمانی فرار کرده فعلاً به مندلی مقیم گشته او را اعاده به حکومت ایرانیه بکنند و چون این قبیل وقوعات کم نمی‌شود، هر وقتی که اشرار در محل خودشان مصدر شرارت و فتنه می‌شوند به خاک طرف دیگر فرار می‌کنند و این حالت مورث اخلال دایمی آسایش و انتظام سرحدی می‌شود، باب‌عالی محض منع این فتنه و آشوب مایل به عقد مقاوله‌نامه دربارهٔ اعادهٔ مجرمین و فراریان شده و سفارت سنیه را مأمور فرموده‌اند که مذاکره این مطلب را با حکومت دولت علیهٔ ایران به میان آورده از هر نتیجه که حاصل شود باب‌عالی را مستحضر دارد. لهذا دوستدار محض استحضار خاطر محترم جناب مستطاب اشرف امجد ارفع عالی مطلب را اظهار داشته، متمنی است وقت ملاقات را معین فرموده اطلاع بدهند. همواره احترامات فایقهٔ دوستدار را نسبت به خود برقرار دانند، زیاده زحمت دهد.

[حاشیه، دستخط مظفرالدین شاه:]

جناب اشرف اتابک اعظم در این فقره مکرر خودمان حکم کرده بودیم که این عمل به خوبی اصلاح بشود حالا که سفیرکبیر هم اظهار داشته است البته اقدام نموده قراری که مقتضی است بدهند ربیع الاول ۱۳۱۹

امضا: مظفرالدین شاه

۱۱۴

۲۹ صفر ۱۳۱۹

[illegible]

جناب مستطاب اشرف [illegible]

[illegible] دولت علیه ایران [illegible] [illegible]

قرار [illegible] [illegible] اعلام [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] تجارت

[illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] حکومت [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible]

[illegible] [illegible]

شمارهٔ سند: ۹۸۰

موضوع: وضع اتباع ایرانی در بصره

نمره: ۳۱

تاریخ: ۱۲ ربیع الثانی ۱۳۱۹ هـ. ق

کارتن: ۱۱

پرونده: ۲۳

نامهٔ کارپرداز ایران در بصره به وزارت خارجه

تصدق حضور مبارک شوم، این نکته بدیهی است که از جمله شرایط خدمتگزاری یکی هم این است که حتی الامکان مأمور باید بعضی امورات را در دوایر حکومتی به طریق دوستانه تسویه نموده به صورت رسمیت نیندازد که هم موجب زحمت خود و هم باعث تأخیر و تعویق کار بشود، کمترین چاکر هم همیشه با این رسم رفتار کرده و هیچ وقت نمی‌خواهم که به عرض پاره‌ای تفاصیل بی‌جهت اوقات سعید کارگزاران حضور مبارک بندگان حضرت مستطاب اجل افخم عالی روحی فداه و سفارت کبری را مشغول بدارم، ولی در صورتی که کار از پیش نرفت و حقوق ضایع شد ناچارم که مراتب حالات را عرض و اطلاع داده از کارگزاران حضور مبارک عالی استعلاج نمایم. این اوقات مأمورین عثمانی در بصره در تسویه امورات اتباع ایرانی به هیچ وجه مساعد نبوده همه را به مسامحه و مساهله گذرانیده در بعضی مسائل هم مخصوصاً تعند و تعمد می‌نمایند، مثل اینکه در مسئلهٔ تحریر نفوس واحد عسکری منتهای اذیت و خلاف حقانیت به اتباع ایرانی می‌کنند. یک ماه است که بی‌جهت اتباع دولت علیه را دچار زحمت و اذیت فوق‌العاده کرده، همه‌روزه در این باب با حکومت در سؤال وجواب و مشاجره هستیم، در اثبات مدعا هیچ یک از ادله و ممسک معتبره کارپردازخانه محل اعتنا نشده و هنوز نتیجه حاصل نگردیده است. تفصیل معاملات خلاف قانون و اعتراضات غیرصحیحهٔ مأمورین نفوس واحد عسکری عثمانی را دربارهٔ اتباع ایرانی با اقداماتی که کارپردازی در رفع تعرضات آنها کرده است در راپورت ملفوفه علی حده معروض داشته است. در کلیهٔ این رفتار ومعامله که در این مسئله پیش گرفته‌اند همه‌اش خلاف و مغایر تمام قانون تابعیت بوده محض تعدی و تعند است، مثلاً از جمله اعتراضاتشان به اتباع ایرانی این

است تا تذاکر اتباع مزبوره از باب‌عالی مصدق نباشد هیچ یک ایرانی شناخته نمی‌شود از این قرار باید اشخاصی که از تبعهٔ ایران در اسلامبول و سایر ممالک عثمانی از مدتهای مدیده توقف و اشتغال دارند هیچ کدام آنها تبعهٔ ایران نبوده باشند زیرا که هیچ یک از تذاکر آنها از باب‌عالی مصدق نیست. همچنین اعتراض دیگرشان این است اشخاصی که ملبس به لباس عرب و ناطق به زبان عربی هستند و در بصره متولد شده‌اند آنها را هم عموماً تبعهٔ عثمانی می‌باشند. حال اینکه اهالی عراق عجم اکثرشان لباس و زبان عربی داشته تجاوز از پنجاه هزار نفر در عتبات و بغداد و ملحقات و بصره و نواحی از اهالی حویزه و محمره و شوشتر و دزفول و غیره همین حالت و صورت را دارند، ولی همهٔ تبعهٔ مسلّمهٔ ایران و عثمانی را حق تعرض به آنها نیست. خلاصه تمام معاملاتشان بکلی خارج از قانون و در سایر امورات اتفاقیه هم رفتارشان همین قسم است. وقتی که اضطراراً در یک مسئله مراجعت به اسلامبول می‌شود به واسطهٔ بعد مسافت سه ماه طول می‌کشد تا جواب برسد، بعد از سه ماه امری که سفارت کبری صادر و می‌فرستد ولایت به میل خود جوابی داده حاجت به مراجعت ثانوی و انتظار سه ماه دیگر می‌شود، بعد از این همه مدت جوابی که می‌رسد و امری که صادر می‌گردد معلوم می‌شود در آن باب امری که باب‌عالی به ولایت فرستاده فقط عبارت از یک استعلام است نه امر قطعی، کارها به این نحو معطل و حقوق ضایع می‌شود. تاحال یک دو نفر از اتباع ایرانی مقتول و خانهٔ یک دو نفر مسروق شده با همه مخابرات با ولایت تاکنون نتیجه حاصل نشده آنکه کشته شد خونش به هدر رفت و آنکه مالش را بردند چیزی به دست نیامد. کارپردازی هر قدر در این مواد اقدامات و سؤال و جواب با ولایت می‌کند بجز توالی و تواتر مخابرات و تحریرات ثمری نمی‌شود رعیت این طرفها هم همه عرب و از قواعد و قوانین بی اطلاع و از مشاهدهٔ اندک تعدی مأیوس می‌باشند. منوط به توجهات کافیه کارگزاران بندگان حضرت مستطاب اجل افخم عالی است که در این خصوص‌ها با مقامات مقتضیه سفارشات لازمه فرموده اتباع دولت علیه آسوده مشغول دعاگویی باشند، به جهت مزید استحضار خاطر مبارک جسارت به عرض شد. الامر الاجل العالی المطاع مطاع.

کارپردازی اول دولت علیه ایران

۱۳ شهر ربیع الثانی ... نمره ۹ ... بصره ... بعرض خاکپای حضور مبارک میرساند این نکته بدیهی است که از جمله شرایط کارگذاری یکی هم این است

که [illegible] مأمور با بعضی از مأمورین دوایر حکومتی بطریق درستی [illegible] بصورت [illegible]

[illegible] در جلب رضایت خود هم باعث تأخیر و تعویق کارها نشود کمترین چاکر هم همیشه با رعایت [illegible]

هیچ وقت نمیخواهم در عرض باره تقاضاهای [illegible] اوقات [illegible] که از آستان حضور مبارک [illegible]

رفتم [illegible] روحی فداه در سفارت کبری [illegible] مشغول [illegible] ولی در صورتیکه کار از [illegible]

ناچارم مراتب حالات را بعرض [illegible] هر کار که از آستان حضور مبارک [illegible] استدعا [illegible]

این اوقات مأمورین عثمانی در بصره در تسویه مراودات اتباع ایرانی بهیچوجه [illegible] همه را

[illegible] در بعضی مسائل [illegible] تعدی و تعند [illegible] نمایند [illegible] آنکه در مسئله تحریرات [illegible] عسکری

[illegible] بر خلاف حقانیت با اتباع ایرانی سلوک نکنند [illegible] است [illegible] اتباع [illegible]

زحمت [illegible] فوق العاده [illegible] همه روزه در این باب با حکومت [illegible]

در اثبات [illegible] کارپرداز [illegible]

[illegible] مساعدت خلاف قانون [illegible] مأمورین

عثمانی را در باره اتباع ایرانی [illegible] کارپردازی در رفع تعرضات [illegible]

[illegible] معروض داشته است [illegible]

[illegible] تمام قانون ثابت [illegible] محض تعدی و تعند است [illegible]

با اتباع ایرانی این است تا تذکره اتباع [illegible]

از [illegible] ایران در اسلامبول و سایر ممالک عثمانی [illegible]

توقف و اشتغال دارند همچنانکه این طبقه ایرانی مقیم باشند زیرا که هیچیک از ترکها آنها را با اهالی

سنه فرق نگذاشته همچنین اعتراض دیگر ایشان این است که اشخاص مقیم عتبات عرب و ناقل زبان عربی هستند

و در بصره متولد شده‌اند از این راه عموماً تبعه عثمانی می‌باشند حال اینکه اهالی عراق عجم اکثرشان ایل

زبان عربی داشته تا قدر زیاد پانصد هزار نفر در عتبات و بغداد و ملحقات و بصره و نواحی

خوزستان و محمره و شوشتر و دزفول و غیره این ملت و جمهوریت را دارند که همه تبعه مستقیمه ایران

و اغلب رفع تعرض با اینها نیست مقدمه تمام [illegible] تکلیف خارج از قانون و در [illegible]

اتفاقیه هم رفت رفتن این قسم است و دیگر که انتظار است در هر یک سفر مراجعت با معمول مقیم از رابطه تبعه [illegible]

شاه ماهی طلب یک سکه با جواب رسید بعد از سه ماه امریکه سفارت کبری [illegible] نوشته [illegible] خود داده

حاجت برداشت قانونی و انتظار سه ماه دیگر می‌شود بعد از اینهمه مدت جواب [illegible] در امریکه [illegible]

معلوم می‌شود در آن باب امریکه با [illegible] ولایت فرستاده فقط عبارت از یک استعلام است نه رسیدگی قطعی

کارها با این نحو مطلق در حقوق ضایع می‌شود تا حالیکه دیگر از اتباع ایرانی متوقف [illegible]

با همه مخابرات با ولایت تاکنون نتیجه حاصل نشده آنچه گفته شد [illegible]

خبری نیست نیامده کارپردازی هر قدر لازم بوده اقدامات [illegible] رجوع با ولایت [illegible]

بجز تراسل و تواتر مخابرات دیگر راست ثمری نبخشید [illegible] با همه عرب [illegible]

با اطلاع وزارت جلیله امریکه تعدی با ایرانیان می‌شوند [illegible] توجهات کافیه کارگذاران [illegible]

حضرت مستطاب اجل اکرم [illegible] است [illegible] با مقامات متعلقه سفارت [illegible]

و اتباع حاضر تبعه [illegible] مشغول [illegible] باشند [illegible]

شمارهٔ سند: ۹۸۱
موضوع: تکلیف تابعیت اتباع ایران و عثمانی
تاریخ: ۱۲ ربیع الثانی ۱۳۱۹ هـ . ق
کارتن: ۲۷
پرونده: ۶۲/۲

راپورت ناصرالملک به وزارت خارجه

هو

(مطالب مکتومهٔ بسیار محرمانه)

(که محض اطلاع شخص جناب‌عالی است و راپورت بی‌اسمی است که نزد شخص خودتان خواهد ماند.) چهار روز قبل در باب مسئلهٔ دکاکین شرحی جواباً به حضور مبارک حضرت مستطاب اشرف امجد آقای اتابک اعظم مدظله العالی عرض کرده‌ام، البته ملاحظه فرموده‌اید و حالا هم آنچه را که متمم و مفسر دقایق خفیهٔ آن است لزوماً عرض می‌نمایم، از قرار مذکور که خودتان هم مسبوق هستید در چند سال قبل جمعی کثیر از اهالی کردستان تذکرهٔ بیرویهٔ عثمانی تحصیل کرده و به استظهار تابعیت عثمانی و حمایت شهبندری به اندازه‌ای در کردستان استیلا به هم رسانده که با تشهیر سلاح مصدر انواع جنحه و جنایات علنی شده و کار به جایی رسیده که گاهی حکومت محلیه را هم محصور نموده‌اند، پارسال در مقام چارهٔ این کار برآمده و با بکربیک شهبندر تفکیک تابیعت نموده‌اند و از قراری که مذکور داشتند مبالغی گزاف عنفاً از اتباع منفکه گرفته و مبلغی به بکربیک داده باقی آن را دیگران در میانه برده‌اند و چون از یک طرف معدودی از اتباع عثمانی و جمعی کثیر از اتباع منفکّه به علت تفکیک تابعیت که ضعف و انکساری به احوال آنها راه یافته نمی‌توانند با استیلای سابق مرتکب جنحه و جنایات شوند و از طرف دیگر عنفاً مبالغی از اتباع منفکه گرفته‌اند، هر دو فرقه هر روزه در تولید مفاسد و اشکالات و اظهار شکایات مجعوله و بهانه‌جویی اهتمام و اصرار مخصوصی دارند که شاید اساس تفکیک تابعیت و قرارداد بکربیک به هم بخورد که هم بر استیلای سابق خودشان باقی بمانند و هم مبالغی که از آنها گرفته‌اند به آنها رد شود، مثلاً از جمله محمد رشیدبیک تیلکوهی که جناب مستطاب‌عالی شرحی در احقاق حقوق او

مرقوم فرموده‌اید یکی از اتباع منفکّه است که از قرار مذکور متجاوز از هزار تومان وجه نقد از او گرفته‌اند و بنده نمی‌توانم که پرده از روی کار برداشته تنخواه او را که مباشر محل یا دیگری گرفته استرداد نمایم. و مشارالیه هم هرروزه به جناب مستطاب‌عالی و سفارت عثمانی عارض خواهد بود و دیگر اگر اتباع عثمانی و اتباع منفکه مطالبی داشته باشند، بدون اینکه آن را به حکومت محلیه اظهار نموده تسویهٔ آن را بخواهند، محض تولید اشکالات از حکومت محلیه به سفارت عثمانی اظهار شکایت و تظلم می‌نمایند که حکومت محلیه در تسویهٔ امور آنها مساعده و اقدام نمی‌نماید، اگر به معروضات کتبی و تلگرافی سابق بنده رجوع بفرمایید معلوم خواهد شد که اشخاص مزبوره و اجزای شه‌بندرخانه که در مقام تظلم برآمده اغلب به هیچ وجه مطالب خودشان را به بنده اظهار ننموده‌اند. بنده برحسب اوامر مقدسهٔ ملوکانه مأمور هستم که قرارداد بکربیک را مجری نمایم و در این مدت هم در تسویهٔ مطالب حقه اجزای شه‌بندرخانه و اتباع عثمانی و غیرها و رفع بهانه‌جویی آنها کمال حسن مساعده و اهتمام داشته و دارم. ولکن چون مقصود بالاصالهٔ آنها ایقاع مفاسد و تولید اشکالات و بهانه‌جویی است که عمل تفکیک تابعیت لغو و باطل شده به حالت اولیه عود نمایند، بهانه‌جویی و القای شبهات و اظهار تظلم آنها را نهایتی نخواهد بود. به حکم ضرورت حقیقت امر را محرمانه عرض کردم که مسبوق باشید تا رأی عالی در رفع بهانه‌جویی و القای شبهات آنها چه اقتضا داشته باشد. ایام اقبال و اجلال مستدام باد.

مجدداً عرض می‌نمایم که اولاً اکثر از اشخاصی که در اینجا به اسم تبعهٔ مسلّمهٔ عثمانی باقی می‌باشند کردستانی الاصل و با اهالی طرف هرگونه رقابت و اغراض و همچشمی هستند. ثانیاً به علت حرکات سابقه ناهموار اتباع عثمانی و بعد به واسطهٔ تنخواهی که از منفکهٔ آنها گرفته‌اند زیاده از اندازه اغراض در میان آنها و اهالی حاصل شده. ثالثاً این اغراض محلی و شخصی اینهاست و دخلی به سفارت عثمانی و شه‌بندر ندارد و به واسطهٔ همین اغراض است که اتصالاً به مقامات عالیه القای شبهات می‌نمایند.

رابعاً از قرار مذکور آقا نصرالله نام که موقتاً وکیل شه‌بندر شده اصلاً پنجوینی و سالها در اینجا کاسب و مغلوب و محکوم رأی اتباع عثمانی و آنچه اظهار تظلم نماید بنا به تحریک و رای آنهاست. و معلوم است که به هیچ وجه تصور نمی‌توان کرد که بنده در

بدو ورود به کردستان در این اغراض محلی غیر از استماع مداخله‌ای داشته باشم و حالا لازم دانستم که این نکات را عرض کنم که خاطر عالی مستحضر شده نوعی توجه بفرمایید که مبادا متدرجاً به واسطهٔ این القای شبهات و اغراض اوضاع سابق مجدداً پیش بیاید.

[متن پشت پاکت سند مذکور:]

نمرهٔ ۳۳ــ ۱۲ شهر ربیع الاول ۱۳۱۹

یک طغرا راپورت ناصرالملک است. از عرض خاکپای مهر اعتلای اقدس شاهنشاهی روحنافداه خواهد گذشت.

[حاشیه، دستخط مظفرالدین شاه:]

جناب اشرف اتابک اعظم این مطالب را که ناصرالملک عرض کرده است همان مطالبی است که با سفارت عثمانی مذاکره نموده و تمام نموده‌اید.

امضا: مظفرالدین شاه

عرض کرده‌ام

(مطالب مکتومه بسیار محرمانه)

که محض اطلاع شخص جناب عالی است (در راپورت بی‌اهمیت است که در نزد شخص خودتان خواهد ماند)

چهار روز قبل در باب مسئله دکاکین شرحی جواباً بحضور مبارک حضرت مستطاب اشرف امجد آقای اتابک اعظم [illegible]

البته ملاحظه فرموده‌اند و حالا هم آنچه را که شنیده‌ام بنظرم دقیق خفیه است لزوماً عرض مینمایم از قرار مذکور که خودمان هم [illegible]

در چند سال قبل جمعی کثیر از اهالی کردستان مذکوره تبعیت عثمانی تحصیل کرده و با [illegible] تابعیت عثمانی

و حمایت شهبندری باز دیده در کردستان استبداد بهم رسانده که با شهیر سلاح مستعد انواع جنحه و جنایات

[illegible] شده و کار بجایی رسیده که کارهای حکومت محلیه را هم مختل نموده‌اند پارسال در مقام چاره این کار

برآمده و با قریب شهبندر انگلیس تبعیت نموده‌اند و از قراری که مذکور داشتند بعضی گزاف [illegible]

از اتباع نمسه گرفته و بعضی به قریب داده باقی آنرا در میانه دیگران برده‌اند و چون از یکطرف بعد دوری

از اتباع عثمانی و جمعی کثیر از اتباع نمسه بعلت انگلیس تبعیت که ضعف [illegible] احوال آنها

راه یافته نمی‌توانند با تبعیت سابق مرتکب جنحه و جنایات شوند و از طرف دیگر [illegible]

مبلغی از اتباع نمسه گرفته‌اند هر دو فرقه هر روزه در تولید مناقشه و اشکالات و اظهار شکایات

مجعوله و بهانه جویی اهتمام و اصرار مخصوصی دارند که شاید اساس انگلیس تبعیت و قرارداد

قریب بهم بخورد که هم بر تبعیت سابق خودشان باقی بمانند و هم مبلغی که از آنها گرفته‌اند

بآنها رد شود مثلاً از جمله مهر رشید بیک بیگلوای که جناب مستطاب عالی شرحی در احقاق حقوق او

مرقوم فرموده‌اید یکی از اتباع نمسه است که از قرار مذکور تقریباً از هزار تومان وجه نقد از او

گرفته‌اند و بنده نمی‌توانم که پرده از روی کار برداشته شخصاً او را که [illegible] دیگری

گرفته است [illegible] نمایم و سفارتیه هم هر روزه بجناب مستطاب عالی و سفارت عثمانی عارض خواهد بود

و دیگر اگر اتباع عثمانی و اتباع نمسه مطالبی داشته باشند بدون آنکه آنرا بحکومت محلیه

اظهار نموده تسویه آن را نخواسته‌اند محض تولید اشکالات از حکومت محلیه بسفارت عثمانی

اظهار شکایت و تظلم می‌نمایند که حکومت محلیه در تسویه امور آنها مساعده و اقدام نمی‌نماید

اگر به عرض و ضمانت کتبی و تلگرافی سابق بنده رجوع بفرمایند معلوم خواهد شد که اشخاص مزبوره و اجزای

شهبندرخانه که در مقام تظلم برآمده بهیچوجه مطالب خودشان را به بنده اظهار نموده‌اند)

بنده بر حسب اوامر مقدسه ملوکانه مأمور هستم که قرارداد یکدیگر را مجری نمایم و در اتمام مهم

در تسویه مطالب حقه اجزای شهبندرخانه و اتباع عثمانی و غیرها و رفع بهانه‌جوئی آنها کمال

حسن مساعده و اهتمام داشته و دارم ولکن چون مقصود بالاصاله آنها ایقاع مفاسد

و تولید اشکالات و بهانه‌جوئی است که عملی به هنگام تعقیب نفوذطلبی شده بجای

اولیه عود نمایند بهانه‌جوئی و القای شبهات و اظهار تظلم آنها را نهایتی نخواهد بود)

بحکم ضرورت حقیقت امر را محرمانه عرض کردم که مسبوق باشند تا رأی عالی در رفع بهانه‌جوئی و القای شبهات

آنها چه اقتضا داشته باشد ایام اقبال و اجلال مستدام باد)

مجدداً عرض می‌نمایم که اولاً اکثر از اشخاصی که در اینجا باسم تبعه دولت علیه عثمانی باقی می‌باشند

کردستانی الاصل و با اهالی طرف هرگونه رقابت و اغراض و مخاصمه هستند)

ثانیاً بعلت حرکات سابقه ناهموار اتباع عثمانی و بعد بواسطه شخواهی که از شکایت آنها

گرفته‌اند زیاده از اندازه اغراض در میان آنها و اهالی حاصل شده)

ثالثاً این اغراض مبتنی و شخصی است و در منع سفارت عثمانی و شهبندر نداررا

و بواسطه همین اغراض است که اتصالاً بمقامات عالیه القای شبهات می‌نمایند)

رابعاً از قرار مذکور آقا نصرالله نام که سابق وکیل شهبندر شده اصلاً منحوس و سالها

در اینجا کاتب و مغلوب و محکوم رأی اتباع عثمانی و آنچه اظهار و تظلم نماید

صحیح است

بنا بر تحریک و رأی آنهاست)

و معلوم است که بهیچ‌وجه تصور نمی‌توان کرد که بنده در بدو ورود بکردستان در این اغراض

منع غیر از اتباع مداخله داشته باشم و حالا لازم دانستم که این نکات را عرض کنم

که خاطر عالی مستحضر شده نوعی توجه بفرمایند که شاید تدریجاً بواسطه این اقدامات

و اغراض اوضاع سابق بهم گردیده پاید)

[illegible]

۳۳
[illegible]
۱۳۱۹

۱۶۵
[illegible]

وزارت امور خارجه

[illegible]

جناب اشرف اتابک اعظم
[illegible]

شمارهٔ سند: ۹۸۲

موضوع: مطالبه رسم چادرنشینی از اتباع ایران

نمره: ۷۵

تاریخ: ۲۰ جمادی‌الاول ۱۳۱۹ هـ . ق

کارتن: ۱

پرونده: ۶

ترجمهٔ مراسلهٔ سفارت کبری ایران در اسلامبول به وزارت خارجه عثمانی

در باب منع مطالبهٔ رسوم چادرنشینی اتباع دولت علیهٔ ایران مقیمین مندلی و خرسان مکرراً و در مراسلهٔ ۲۸ ربیع الثانی ۱۳۱۸ نمرهٔ ۲۸ اشعار و خواهش شده بود به موجب تلگرافی* که مجداً از وزارت خارجه دولت متبوعهٔ دوستدار رسیده هنوز از اتباع دولت علیهٔ ایران این رسم را مطالبه می نمایند موافق مقاوله‌نامهٔ اخیر اتباع ایران بجز رسوم اصنافیه از هرگونه رسوم و تکلیفات که منحصراً به اتباع دولت عثمانی است معاف بوده علی الخصوص چون رسوم مزبور مقابل بدلات عسکریه است به هیچ وجه ربطی به اتباع دولت علیه ایران ندارد. لهذا مستدعی است موافق خواهش سابقهٔ دوستدار منع مطالبهٔ این رسوم را ازاتباع دولت علیهٔ ایران اکیداً به ولایت بغداد اشعار و از نتیجهٔ آن دوستدار را مطلع فرمایند تا به وزارت جلیلهٔ امور خارجه ایران جواب عرض شود.

هو

خارجيه نظارت جليله سنه

نومرو
٧٥

بغداد ولايتى داخلنده كربلا وخراسانده وسائر بعض محللرده تبعهٔ ايرانيه دن مطالبه اولنان جهاديه رسمنك
منع تحصيلى بالتفصيل و ٢٨ ربيع الاول ٣١٦ تاريخ ونومرو سكز قيدلو تقرير ايله جانب صدارتدن اشعار
والتماس اولنمش اولديغى حالده [illegible] كوريلمكده وتبعهٔ ايرانيه نك [illegible] تشويق ايلمكده
اولديغى بيانيله تعرضاتك منع تحصيلى بوكره دولتشوكتلو شاهانه خارجيه وزارت جليله سنه تحريرا ايراد
تعرضاتك عاجلا اشعار بيورلمقده اول وقت بيان وايراد اولنديغى كبى ممالك عثمانيه ده مقيم تجار ايرانيه
بالاستثنا اصلحه ايله تبعهٔ ايرانيه معاهده نامه اجراسى موجبنجه يالكز اضافيه رسمى ويروب دولت عليه تبعه لرى
نسبة مخصوص اولان هر كونه رسم وتكاليفدن مستثنا اولديغى وتعليماتده رسم مزبور بدلات عسكريه مقابل
اولوب تبعهٔ ايرانيه يه [illegible] شمولى اولمديغى بديهى بولنديغى جهتله التماسات مسبوقه وجهله رسم
مزبورك مطالبه سندن كف يد ايله بو تنظيماتدن اولنان تعرضاتك منع خصوصنك ولايت شاهانه يه
سريعا وتوخيا امر واشعارى نتيجه سنه وزارت شاهانه يه عرض وانها اولنمغه اذن [illegible]
شاهانه [illegible] التماس وسيله سيله [illegible] دوام محافظه [illegible] [illegible]

شمارهٔ سند: ۹۸۳
موضوع: گرفتن رسم چادرنشینی از اتباع ایرانی در خاک عثمانی
نمره: ۸۰۸
تاریخ: ۲۶ جمادی الاولی ۱۳۱۹ هـ. ق
کارتن: ۱
پرونده: ٦

نامهٔ سفارت ایران در اسلامبول به وزارت خارجه

در باب منع مطالبهٔ رسم چادرنشینی از تبعهٔ ایران ساکنین خانقین و خوراسان و مندلی و سایره من توابع بغداد تلگراف حضرت مستطاب اجل اکرم افخم امجد اعظم مدظله العالی زیارت شد، در این خصوص موافق مراسله‌جات سابقهٔ سفارت کبری به باب‌عالی باز تقریری نوشته و ایستادگی و گفتگوی زیاد نمود، وزیر خارجه چند نفر از مأمورین وزارت را در حضور ترجمان اول سفارت کبریٰ خواسته کیفیت را تحقیق نمود آنها مدعی شدند که این رسم عوض اصنافیه است که گرفته می‌شود مشارالیه جواب داده بود که این رسم در مقابل بدل عسکری که مختص تبعهٔ عثمانی است، می‌باشد و جز رسم اصنافیه که آن هم منحصر به اصناف و ارباب حرف و صنایع است رسم دیگر را اصلاً و قطعاً نمی‌توانیم قبول نماییم بالاخره قرار بر این شد که مراتب را به بغداد نوشته تحقیقات لازمه را به عمل بیاورند که ثانیاً قراری داده شود. بدیهی است که از نتیجه اقدامات خاطر خطیر مبارک را مستحضر خواهد داشت.

[حاشیه، دستخط مظفرالدین شاه:]

هو، اقدامات سریعه به عمل بیاورند به کار پرداز بغداد هم اطلاع بدهند.

[illegible]

۱۳۱۹
۲۶ شهر جمادی الاولی
۸۰۸

در باب منع مطالبه رسم چاپارشینی از تبعه ایران بین خانقین و خراسان و مندلی

و سایر نقاط توابع بغداد که مکرر از حضور مستطاب اجل اکرم افخم امجد اعظم دام ظله العالی

زیارت شد در این خصوص موافق مراسله‌جات سابقه سفارت کبرای عالی

بار تقریری نوشته و بسیار گفتگوی زیاد شد و در نظارت خارجه چند نفر از مأمورین

دولت را در حضور ترجمان اول سفارت کبری حضرت آیت کمیسیون را تحقیق نمود

آنها مدعی شدند در این رسم عوض اضافیه است که گرفته می‌شد راکسیه جواب

داده بود در این رسم در مقابل بدل عسکری مختص تبعه عثمانی است

علیهذا دو رسم اضافیه که آنها منحصر اصناف دارای باب حرف

و صنایع است رسم دیگر را اصلاً و قطعاً نمی‌توانیم قبول نمائیم با این حال

قرار براین شد مراتب را بعد از نوشته تحقیقات لازمه را اعلیحضرت بعمل آورد

ه ثانیاً قراری داده شود بدیهی است هر از نتیجه اقدامات خاطر خطیر

مبارک را مستحضر خواهد داشت

شمارهٔ سند: ۹۸٤
موضوع: منع ازدواج زنهای ایرانی با اتباع عثمانی
نمره: ۹۵
تاریخ: ۱۱ جمادی‌الاخری ۱۳۱۹ هـ . ق
کارتن: ۱۱
پرونده: ۲۷

نامهٔ ژنرال قونسولی ایران در بغداد به وزارت خارجه

سابقاً مفصلاً جسارت نموده‌ام که در سنهٔ سیصد و پنج مابین دولتین علیین قرار شد از آن تاریخ ایرانی ها با زنهای عثمانی ازدواج نکنند، اگر ازدواج نمودند اولاد آنها عسکر شوند. حالا چند سال است که عثمانی ها عموم اولاد ایرانی ها که از زنهای عثمانی هستند تبعهٔ خودشان محسوب نموده و تعرض به آنها می‌کنند و فدوی هر روز با ایالت مشغول مخابره است. در این باب سابقاً قرارداد سال سیصد و پنج را به عرض حضور مبارک وزارت جلیله رساندم و مفصلاً به خدمت سفارت کبری اطلاع دادم که لازم است موافق آن قرارداد سفارت با باب‌عالی مذاکره نمایند و از باب‌عالی امری صادر شود که موافق قرارداد سنهٔ ۳۰۵ اولاد ایرانی که از زن عثمانی ازتاریخ مذکور که تولد شود، حق دارند به قرعهٔ عسکریه داخل نمایند و اولاد اشخاصی که قبل از آن تاریخ از زن عثمانی متولد شده حق تعرض ندارند. اگر چنین امری از باب‌عالی صادر شود خیلی اسباب آسودگی جمعی از اتباع دولت علیه خواهد بود و به هر صورت فدوی ابداً آسوده نیست و هر روزی برای یک نفر که در یکی از ولایات عراق عرب تعرض می‌کنند با ایالت مشغول مذاکره و زد و خورد هست، زیاده جسارت است. امر اجل امجد ارفع عالی مطاع.

قونسول ژنرالی دولت علیهٔ ایران

در بغداد نمره ۹۵۲

تاریخ ۱۱ شهر جمادی الاولی ۱۳۱۹

سابقاً مفصلاً جسارت نموده ام که در سنه سیصد و پنج مابین دولتین علیتین قرار شد از آن تاریخ ایرانیها با زنهای عثمانی ازدواج نکنند اگر ازدواج نمودند اولاد آنها عسکر شوند حال چند سال است که از زنهای عثمانی [illegible] عموم اولاد ایرانیها که از زنهای عثمانی هستند تبعهٔ خودشان محسوب نموده و تعرض بآنها میکنند و قهراً بزور [illegible] شغل فجایع است در اینباب سابقاً قرارداد سال سیصد و پنج را بعرض حضور مبارک وزارت جلیله رساندم و مفصلاً تجدید نظارت کبری اطلاع دادم که لازم است موافق آن قرارداد نظارت با بابعالی مذاکره نمایند و از بابعالی امری صادر شود که موافق قرارداد سنه ۳۰۵ اولاد ایرانی که از زن عثمانی از تاریخ مذکور متولد شده حق دارند بقرعه عسکریه داخل نمایند و اولاد ایشان که قبل از آن تاریخ از زن عثمانی متولد شده حق تعرض ندارند اگر چنین امری

[illegible]

شمارهٔ سند: ۹۸۵
موضوع: دبستان و مریضخانهٔ ایرانیان در اسلامبول
نمره: ۸۵۱
تاریخ: ۲۸ جمادی الثانی ۱۳۱۹ هـ . ق
کارتن: ۱۱
پرونده: ۳۰

نامهٔ سفارت کبرای ایران در اسلامبول به وزارت خارجه

اوقاتی که موکب مسعود مقدس همایونی در اسلامبول بود برای تأسیس مریضخانه و اعانهٔ دبستان ایرانیان ارادهٔ علیه بندگان اعلی حضرت اقدس همایون شاهنشاهی ارواحنافداه شرف صدور یافت که مبلغ دویست لیره به عنوان انعام استمراری مرحمت شود و سال گذشته مرحمت شد، بندگان حضرت مستطاب اشرف افخم امجد آقای اتابک اعظم روحی فداه نیز محض پیروی ارادهٔ مقدسهٔ همایونی یک صد لیره انگلیسی بر سبیل استمراری و جناب مستطاب اجل اکرم افخم آقای وزیر دربار دام اجلاله العالی پنجاه لیره سالیانه مرحمت فرموده و نام نامی مبارکشان را در دفتر انجمن مریضخانه و دبستان ثبت و با خط خودشان دفتر را مزین فرمودند. چون این اوقات مدتی از وعده گذشته و زمستان نزدیک است و مریضخانه و دبستان برای مصارف خیلی دست‌تنگی و احتیاج دارد رئیس و اعضای انجمن دبستان و مریضخانه که مرکب از جمعی محترمین هستند، عریضه به حضور مبارک صدارت عظمی و وزیر دربار عرض کرده‌اند که توسط وزارت جلیله امور خارجه برسد و از طرف حضرت مستطاب اجل اکرم اعظم عالی مدظله المتعالی در وصول و ایصال وجوه مذکوره که باعث دعای خیر خواهد بود بذل مرحمت فرمایند، دو پاکت عریضه را لفاً تقدیم حضور انور مبارک داشت. الامر الاجل الاکرم مطاع.

[حاشیه:]

سابقاً حضرت اشرف اعظم فرموده بودند که آنچه دولت باید بدهد برات صادر نمایید آنچه خودم باید بدهم حواله به جناب ارفع الدوله بنویسید که بدهند بعد با ایشان محسوب می دارم از همین قرار معمول دارند.

۱۲ شهر رجب ۱۳۱۹

۲۸ شهر جمادی الثانی ۱۳۱۹

نمره ۸۵۱

اوقاتی که موکب مسعود مقدس همایونی در اسلامبول بود برای ساختن مریضخانه

واقعه در گلستان [illegible] اراده علیه ملوکانه اعلیحضرت اقدس همایون

شاهنشاهی ارواحنا فداه شرف صدور یافت مبلغ دویست لیره

بعد از انجام استمرار کار مرحمت شود سال گذشته مرحمت شاهنشاهی

حضرت مستطاب اشرف افخم امجد والای اتابک اعظم روحی فداه

محض پیروی اراده مقدسه همایونی مبلغ یکصد لیره انگلیسی مستمری استمراری

و جناب مستطاب اجل اکرم افخم آقای وزیر دربار دام اجلاله العالی [illegible] لیره

سالیانه مرحمت فرمودند نام های مبارکشان را در دفتر انجمن مریضخانه

در کتاب ثبت و با خط خودشان دفتر را امضا فرمودند حالا اقساط

مدتی از وعده گذشته زمستان نزدیک است و مریضخانه بیمارستان

برای مصارف خیلی دست تنگی و احتیاج دارد زیرا که اعضاء

انجمن مریضخانه هر یک از جمعی محترمین هستند عریضه

بحضور مبارک صدارت عظمی و وزیر دربار عرض کرده‌اند در [illegible]

وزارت جلیله امور خارجه بری و از طرف حضرت مستطاب اجل اکرم اعظم عالی مدظله العالی

در وصول و ایصال وجوه مرکوزه باعث دعای خیرخواهانه بدل مرحمت فرمایند

در یک عریضه را لفافه تقدیم حضور انور مبارک داشت الداعی [illegible]

[illegible] ۱۲ [illegible] ۱۳۱۹

[illegible]

شمارهٔ سند: ۹۸۶
موضوع: بدرفتاری مأمورین عثمانی با اتباع ایران
نمره: ۸۱۵
تاریخ: ۱۶ رمضان ۱۳۱۹ هـ. ق
کارتن: ۱۱
پرونده: ۲۳

سواد کاغذ وزارت خارجه به سفارت کبری در اسلامبول

میرزاموسی خان کارپرداز بصره از بی اعتدالی مأمورین عثمانی به حقوق اتباع دولت علیهٔ ایران و سوء رفتار مأمورین قرعه عسکریه که امسال خیلی شکایتها نوشته است، سواد چند فقره راپورت آخری او را لفاً فرستادم، ملاحظه خواهید فرمود. با این مسلکی که مأمورین محلیهٔ بصره و عماره پیش گرفته اند کار رعایای دولت علیه در آنجا خیلی مشکل شده مأمورین کارپردازی را در نواحی و اطراف بصره قبول نمی‌کنند در مابین رعایای ایران توزیع تذکره نموده، حقوق آنها را حفظ نماید تعدیات و اجحافاتی که نسبت به تبعهٔ ایرانیه می نمایند همه وقت از کارپردازی شکایت می شود منکر شده در سوء رفتار خود شدت می‌کنند. فوراً این مسائل به اظهارات کارپردازی وقعی نمی‌گذارند، رعایای صحیحه ایران را در منتفک و عماره به ادعای تابعیت عثمانی متعرض شده می خواهند داخل سلک عسکری نمایند. و هر قدر در کارپردازی بر صحت تابعیت ایرانی آنها ارائهٔ تذاکر و اوراق و بیان ادلهٔ صحیحه می شود نمی پذیرند و هیچ حجت و سندی را در اثبات مدعا از کارپردازی قبول نمی‌کنند، لازم است از طرف جناب‌عالی در رفع این معایب اهتمام و توجه مخصوص مبذول شده همتی به اصلاح این فقرات بگمارید که امر اتباع دولت علیه درخاک بصره تنظیم شده امور کارپردازی در تحت جریان بیابد و الا بدیهی است بقای این احوال به حقوق مشروعه دولت سکته عمده وارد نموده عنقریب جمع کثیر از رعایای مسلم دولت ایران را در بصره و عماره جلب نموده و داخل قرعه عسکری خواهند نمود، دیگر منوط به اهتمامات سنیّه جناب‌عالی است، زیاده زحمت نمی دهد.
نصراله مشیرالدوله.

۲۰۳۴

۱۸۱۵

راپرت کارگزاری بصره به سفارت کبری در اسلامبول

۱۳ شهر رمضان المبارک ۱۳۱۹

میرزا محسن خان کارپرداز بصره از بی اعتنایی مأمورین عثمانی به حقوق اتباع و تبعه ایران که به واسطه فشار مأمورین گرفته و حکم به اعمال دستگاه
شکایت نموده است سواد چند فقره را از راپرت اخیر او در لف ارسال داشتم ملاحظه خواهند فرمود این مسلکی که مأمورین عثمانی در بصره در باطن
پیش گرفته‌اند که کارگزاری و تبعه در انجام امور مشکل شده مأمورین کارپردازی را به هیچ نوع در اطراف بصره قبول نمینمایند در باطن
رعایای ایران موقع مذاکره نموده حقوق ایشان حفظ نمیشود تعدیات داخله بر تبعیت عثمانی نیز ... از
در کارپردازی شکایت نمود منکر شده در سوره فشار خودشان ... [illegible] کارپردازی
دعوی میکنند رعایای صحیحه ایران را در ملک و جماعت [illegible] تبعیت عثمانی معرض شده میخواهند
هر قدر در کارپردازی تحقیقات تبعیت ایرانی آنها ارائه مدارک داده‌اند ادله صحیحه میشود
در تبعیت ... در کار کارپردازی قبول نمیکنند لازم است از طرف عالی ... اهتمام و توجه
مخصوص مبذول شود تا اصلاح این فقرات ... در بصره ... شده
کارپردازی در یک جریان ... که حقوق ... گرفته
... جمع کثیر از رعایای مسلم دولت ایران را در بصره ...
نمود ... منوط به تمامات عالیه ... است ...

شمارهٔ سند: ۹۸۷

موضوع: ارسال قرارنامهٔ گمرک تنباکو

نمره: ۸۵٤

تاریخ: ۲۲ رمضان ۱۳۱۹ هـ.ق

کارتن: ۱۸

پرونده: ۳۶/۱۱ و ۳۶/۸

سواد کاغذ وزارت خارجه به سفارت کبرای ایران در اسلامبول

تلگرافاً اعلام کرده بودید که تعرفه‌ها به توسط چاپار مخصوص رسید، ولی قرارنامه‌ها نرسید کیفیت به جناب مسیونوز اظهار شد که قرارنامه را بفرستد جواب داده است که فرستادن قرارنامه‌ها قرار نبوده و باید همان تعرفه‌ها فرستاده شود که ارسال گردیده. (نصراله مشیرالدوله)

۸۵۴

سواد نامه وزارت خارجه به تلگراف [illegible]

۲۲ مهر ماه ۱۳۱۴

مراسلات اعلام کرده بودید تعرفه‌ها تلگرافی مخصوص رسیده ولی قرارنامه‌ها نرسید کیفیت نسبت رسید [illegible]

قرارنامه را نوشته جواب داده است در فرستادن قرارنامه‌ها قرار تعجیل داده [illegible] تعرفه‌ها فرستاده شد

[illegible] کفیل (نصرالله [illegible])

شمارهٔ سند: ۹۸۸
موضوع: مهاجرت ارامنهٔ عثمانی به ایران
نمره: ۳۷
تاریخ: ۱۶ شوال ۱۳۱۹ هـ. ق
کارتن: ۲۷
پرونده: $\frac{۶۲}{۳}$

نامهٔ ویس قونسولگری ایران در قارص به سفارت ایران در اسلامبول

محرمانه است

قربان وجود مبارک شوم، مهاجرین ارامنهٔ عثمانی چنانکه خاطر مبارک مسبوق است مدت شش سال است در روسیه به اجازهٔ دولت بی‌تذکره اقامت داشتند و چون دولت عثمانیه از پذیرفتن آنها دوباره به خاک خود امتناع نمود، این اوقات دولت روسیه حکم کرده است که مهاجرین ارامنه را هر کس بخواهد در روسیه سکونت نماید به دفتر نفوس آنجا ثبت نموده و به تبعیت قبول نمایند و هر کس از آنها تابعیت دولت مشارالیها را نخواهد مجاز است به هر طرف که می‌خواهد برود و حکومت محلیه تذکرهٔ مرور تا سرحد با آن شخص خواهد داد، دو سه روز قبل همین مسئله را به ارامنهٔ عثمانی مقیمین محال قارص اعلان کردند، ولی آنها اکثریتاً زیر این تکلیف نرفته بودند و تا دو هفته به آنها مهلت داده شده است که جواب آخری خودشان را به حکومت حالی نمایند پریروز وکیل ارامنه به نمایندگی خلیفهٔ خودشان نزد چاکر آمده اظهار کرد که چندین خانوار از آنها می‌خواهند به تبعیت دولت ایران داخل بشوند آیا ممکن است برای آنها اجازه تحصیل کرده در داخله ایران به آنها جا بدهند که بتوانند رفته در آنجا مشغول کشت و کار بشوند یا خیر؟ و در آن ضمن اظهار کرد که خلیفهٔ کل ارامنهٔ مقیم اوچ کلیسا به توسط خلیفهٔ ارامنه مقیم قارص به آنها اعلام کرده است که گویا خلیفهٔ معزی‌الیه از خاکپای مبارک اعلی حضرت قدرقدرت اقدس همایون شاهنشاهی ارواحنافداه استدعا کرده است که مهاجرین ارامنهٔ عثمانی را به تبعیت قبول فرموده و در حوزهٔ حکومت سلماس به آنها محل سکونت مقرر فرمایند و گویا استدعای معزی‌الیه در این باب در خاکپای مبارک همایونی ارواحنافداه مقبول افتاده است، چاکر جواب داد که هنوز در این باب دستورالعملی به

ویس قونسولگری نرسیده است و هر کس از شماها که طالب تبعیت ایران است باید عریضه بدهد تا عریضهٔ شما را به سفارت سنیه تقدیم نمایم و در ثانی به هرچه از آنجا مقرر فرمایند اطاعت بشود، آنها هم رفتند در این خصوص شور نمایند، علت امتناع ارامنه از قبولی تبعیت دولت روسیه از قراری که چاکر تحقیق کرد دو چیز است، اولاً دولت روس فعلاً نمی خواهد در ممالک قفقاز به آنها به میزان اهالی قفقاز اراضی دولتی واگذار نماید و همین اراضی را در داخلهٔ روسیه و طرف سبریا به آنها تکلیف می‌کند، ولی در صورتی که ارامنه از تحصیل اراضی دولتی صرف نظر نمایند تا بیست سال اجازه داده می شود که در قفقازیه در هرجا بخواهند سکونت نمایند و در دفتر نفوس قید شوند، ولی ارمنی ها نمی خواهند به داخلهٔ روسیه بگذرند و مقصود دولت روسیه از این تکلیف این است که اهالی داخلهٔ روسیه را کم کم به ممالک قفقازیه مهاجرت داده و در نقاط سرحدیه به آنها جا داده و اهالی قفقازیه را به داخلهٔ ممالک روسیه کوچانیده بدین وسیله تا یک درجه اسباب تأمین آتیه را فراهم آورد تا از مهاجمهٔ بیگانه و شورش سرحدیه آسوده بوده ومدتی هم از داخلهٔ مملکت هم ایمن باشد. علت دویم این است که در صورت قبولی تبعیت روس ارامنهٔ مزبور باید موافق قانون نظام روسیه از سال آینده سرباز بدهند ارمنی ها هم از این مسئله می‌گریزند این است که می خواهند تبعیت دولت علیه را قبول نمایند. مراتب را لازم دیده به عرض حضور مبارک رسانید تا بر آنچه خاطر مبارک در این باب علاقه بگیرد دستورالعملی مرحمت فرمایند، زیاده جسارت است. الامرالاجل الاکرم العالی مطاع چاکر کریم. از قراری که مذکور افتاد تا صد خانوار بیشتر می خواهند داخل تبعیت دولت علیه ایران بشوند.

محرمانه است

ویس قونسولگری
اعلیحضرت شاهنشاه ایران
در قارص
بتاریخ ۱۶ شهر شوال ۱۳۱۹
نمره
۳۷

قربان وجود مبارکت شوم . مهاجرین ارامنهٔ عثمانی چنانکه خاطر مبارک مسبوق است

مدت شش سال است که در روسیه با اجازه موقتی بمذکوره اقامت داشتند و چون دولت

عثمانیه از پذیرفتن آنها در باره بخاک خود امتناع نموده این اوقات دولت روسیه

حکم کرده است که مهاجرین ارامنه را هر کس بخواهد در روسیه سکونت نماید به دفتر تبعیت بنویسد

آنها ثبت نموده و به تبعیت قبول نمایند و هر کس از آنها تا تبعیت دولت روسیه را ابداً

نخواهد مهلت است به هر طرف که میخواهد برود و تذکره محلیه مذکوره مرور تا سرحد

به آنها شخص خواهد داد . در سه روز قبل این مسئله را با اراضی عثمانی تعیین مثل قارص

اعلان کردند ولی آنها اکثرتاً زیرا این تکلیف نرفته بزور در تمام

تا یک ساعت دیده شده است که جواب آخری خودشان را نگفته حالیه

بر روز دیگر ارامنه به قونسولخانه نزد جاکر آمده اظهار کرده

که چند نفر خانوار از آنها میخواهند به تبعیت دولت ایران داخل شوند

آیا ممکن است برای آنها اجازه تحصیل کرده در داخله ایران با آنها

جواب بدهند که میتوانند رفته در آنجا مشغول کشت و کار شوند یا خیر؟ و در آن تفحص اهالی کرد

که خلیفه کل ارامنه مقیم اوچ کلیسا توسط خلیفه ارامنه مقیم فارس به آنها اعلام کرده است که

کلیسا خلیفه معزی الیه از خاکپای [illegible] اعلیحضرت قدر قدرت اقدس همایون شاهنشاهی ارواحنا فداه [illegible]

استدعا کرده است که مهاجرین ارامنه عثمانی را به تبعیت قبول فرموده و در [illegible] مملکت

[illegible] به آنها محلی سکونت تعیین فرمایند و کلیسا [illegible] معزی الیه در این باب [illegible]

اعلیحضرت [illegible] ارواحنا فداه [illegible] است. چنانکه جواب [illegible] که هنوز در این باب دستور العمل

[illegible] رسیده است و هر کس از آنها که طالب تبعیت ایران است [illegible] خلیفه [illegible] به آنها

[illegible] را [illegible] تعیین نمایم و در [illegible] هر چه از آن [illegible] اطلاعات شود [illegible]

علت امتناع ارامنه از قبول تبعیت دولت روسیه [illegible]

[illegible] در این خصوص شرح نمایند

چنانکه تحقیق کرده [illegible] است. اولاً دولت روس تعهد نمیخواهد که در ممالک قفقاز به آنها [illegible]

اهالی قفقازیه در اراضی [illegible] بدهند و بعض از آنها را در داخله روسیه و اطراف [illegible] اجازه

توقف میدهند ولی در صورت تبعیت ارامنه از تخصیص اراضی [illegible] صرف نظر [illegible] سال

داده [illegible] قفقازیه [illegible] سکونت [illegible] و در [illegible] قبول شوند و

در [illegible] نمیخواهند [illegible] و مقصود دولت روسیه از این تکلیف این است که اهالی

داخله روسیه را کم کم به ممالک قفقازیه مهاجرت داده و در نقاط سرحدیه به آنها جا داده

و اهالی قفقازیه را به داخله ممالک روسیه کوچ بدهند [illegible] اسباب آسایش آتیه را

فراهم آورد تا از مصاحبه بیگانه و شورش سرحدیه آسوده بوده و مدتی هم از داخله

مملکت هم امین باشند علت عمده هم این است که در صورت قبول تبعیت روس

ارامنه مزبوره باید موافق قانون نظام روسیه از سالی [illegible] نفر سرباز بدهند ارامنه ها هم

از این مسئله میگریزند این است که میخواهند تبعیت دولت علیه را قبول نمایند

مراتب را لازم دیده بعرض حضور مبارک رسانید تا به آنچه خاطر مبارک است در این باب علیحده بکنند

دستخط را بالعجله مرحمت فرمایند زیاده جسارت است الامر الاقدس الاعلی مطاع [illegible]

از قراری که مذکور شد تا صد خانوار بیشتر میخواهند داخل تبعیت دولت علیه ایران بشوند

شمارهٔ سند: ۹۸۹
موضوع: مهاجرت ارامنهٔ عثمانی به ایران
نمره: ۵۶۹
تاریخ: ۲۴ شوال المکرم ۱۳۱۹ هـ. ق
کارتن: ۲۷
پرونده: ۶۲/۳

نامهٔ سفارت ایران از اسلامبول به وزارت خارجه

الساعه که مشغول بستن پاکت بود راپورتی از ویس قونسول قارص دایر به مهاجرت ارامنهٔ رعیت عثمانی ساکنین قارص به ممالک محروسهٔ ایران رسید. چون این مسئله اهمیت دارد و استحضار خاطر مبارک اولیای دولت جاویدآیت لازم بود راپورت معروض را عیناً تقدیم داشت که خاطر مبارک کاملاً از مندرجات آن مستحضر گردد، مستدعی است رأی اولیای دولت ابدمدت را در این خصوص زودتر به فدوی اطلاع بدهید یا تکلیف ارامنه و ویس قونسول قارص در این موقع معین شود، زیاده امر امر مبارک است.

اثر مهر مشیرالملک

[حاشیه، دستخط مظفرالدین شاه:]

هو، جناب اشرف اتابک اعظم راپورت ملفوف ملاحظه شد گویا بی ضرر باشند و اجازه بدهید بیایند در خوی و سلماس رعیتی کرده، مالیات بدهند. شهر ذی‌قعده ۱۳۱۹
امضا: مظفرالدین شاه

۲/۱ — ۱۲

۵۶۶ الساعه در ضمن پاکت پست راپورتی از ویس قونسول قارص دایر به مهاجرت ارامنه رعیت عثمانی ساکنین قارص به ممالک محروسه ایران رسید چون این مسئله اهمیت دارد

۲۴ شهر شوال المکرم
۱۳۱۹

در استحضار خاطر مبارک اولیای دولت جاوید آیت لازم بود راپورت مزبور را عیناً تقدیم داشت که خاطر مبارک کاملاً از مندرجات آن مستحضر گردد منتظر است رأی اولیای دولت ابد مدت را در این خصوص زودتر به قونسولگری اطلاع بدهند که تکلیف ارامنه و ویس قونسول قارص در این موقع معین شود زیاده امر امر مبارک است

شمارهٔ سند: ۹۹۰

موضوع: اخذ تمتع از اتباع ایران و عثمانی

نمره: ۲۵۰

تاریخ: ۱۲ ذی‌قعده ۱۳۱۹ هـ . ق

کارتن: ۱۸

پرونده: $\frac{۳۶}{۷}$

راپورت کارپردازی از بغداد به وزارت خارجه

در خصوص اخذ تمتع از اتباع دولت علیهٔ متبوعه در عرایض قبلی به عرض حضور مبارک رسانیده بود که ولایت به موجب امر باب‌عالی که به چاکر ارائه نمود در تثبیت گرفتن است، باز فدوی کمال ایستادگی و پیشگیری را داشته تفصیل را به سفارت کبری هم عرض نمود، تا حال از سفارت کبری در این باب جواب نرسیده است و حکومت هم متصل برای اخذ تمتع کوشش دارد و می‌گوید که چون باب‌عالی امر داده است ما در گرفتن آن مجبور هستیم و الا باز چاکر در اینجا به نوعی از گرفتن تمتع حکومت را بازمی داشت ولی حالا حکومت می‌گوید که دخلی به ما ندارد از باب‌عالی امر رسیده است با وجود آن باز چاکر ایستادگی لازمه را داشته، محض اطلاع خاطر مبارک به عرض تفصیل جسارت می شود که هر طور امر مبارک شرف‌صدور یابد از آن قرار اطاعت و رفتار شود، زیاده جسارت است. اسداله

۱۲ شهر ربیع الثانی ۱۳۱۹

نمره ۴۲۵۰

راپورت

درخصوص اخذ تمغا از اتباع دولت علیه عثمانیه در عراق قبلاً در خصوص به بانک شاهنشاهی نوشته بودید
بموجب امر بالا که بجای گذارده نمود در تشبث گرفتن است باز فعلاً حال اسباب گرفتاری و پیشکشی است
داشته تفصیل را به سفارت کبری عرض نمود تا حال از سفارت کبری در اینباب جواب نرسیده است
و حکومت هم تفصیل را با اخذ تمغا نوشته دارد دیگر چون بیانات امر است باز در گرفتن آن
مجبور هستم و اینکه باز جاکار در اینجا بنوعی از گرفتن تمغا حکومت را باز داشت
حکومت می‌گوید که رجوع بما ندارد از بالا امر رسیده است با وجود آن باز جاکار اسباب
لذا مراتب را داشته مقرر فرمائید که مبارک تفصیل حسب شود که هر طور امر مبارک شرف صدور یابد
در آن قرار اطاعت و رفتار شود زیاده جسارت است

امضا

شمارهٔ سند: ۹۹۱
موضوع: ظلم و تعدی مأمورین قرعهٔ عسکریهٔ عثمانی به اتباع ایرانی
تاریخ: ۱۳۱۹ هـ. ق
کارتن: ۱۱
پرونده: ۲۳

به دارالخلافهٔ طهران و درب آستان مبارک امیر اتابک اعظم ارواحنافداه

تصدق سرت گردیم، قبل از این در جمادی ثانی مفصلاً عرض حال فدویان اتباع دولت علیهٔ ایران از تظلمات و تعدیات خارق‌العادات مأمور قورعهٔ عثمانیه را در پوسته از طریق بغداد تقدیم قدوم مبارک نمودیم، امیدواریم تاکنون به خدمت روحنافداه رسیده و درک عرض فدویان را فرموده و تاکنون نتیجه ظاهر نشده الحال ثانیاً در مقام تجاسر برآمده عرض نمودیم از قراری که به تحقیق رسیده مأمور قورعهٔ عثمانیه به قدر یک صد و چهل نفر از اتباع دولت علیهٔ ایران را به غیر از اولادهای ایشان را قید دفتر نفوس عثمانیه تابع دولت خود نوشته کذلک اولادهای ایشان را تابع و در مقام عسکریهٔ عسکر خاهند [خواهند] گرفت و بعد از این احکامات قانونیه و نظامیهٔ عسکریهٔ خود را بر این فدویان اجرا خاهند [خواهند] نمود، من‌جمله نتیجه‌ای که ظاهر شده یکی از اتباع دولت علیهٔ ایران ملکی داشته فروخته و به موجب قواعد محکمهٔ طابو که سند خاقانی می‌دهند علم و خبری می‌نویسند و آن علم و خبر را در دوایر رسومات خود می‌فرستند، تصدیق می‌نمایند بعضی از دوایر تصدیق کرده نوبت به دایره نفوس رسیده علم خبر را گرفته معطل نموده و جواب داده به شخص ایرانی که شما در دفتر نفوس تابع عثمانیه قید هستی بیا ورقهٔ عثمانیه بگیر تا آنکه تصدیق نمایم، قبول نکرده، تصدیق نکرده، معطل هم نموده و بعد از این لابد ماها همه محتاج به دادستد املاک می‌شویم و دایرهٔ نفوس خاهند [خواهند] اجرا به معامله را قبول نکرده و ادعا می‌نماید که تابعیت قبول بنمایید و الا کار را بر همه تنگ خاهند [خواهند] گرفت و این اشخاصی را که از اتباع ایران که اسامی ایشان را قید دفتر نفوس و تابع خودشان نوشته‌اند بعضی از آنها را به معاینه برده و تذاکر دولتی ایشان را گرفته ضبط نموده و بعضی دیگر تذاکر خود را به مأمور قورعه نداده هر یک را به یک اسناد باطل قید دفتر نفوس عثمانیه نوشته و او را تابع دولت خود می‌داند تعدی از همه

بدتر بعضی از اتباع معروفین تبعهٔ دولت علیهٔ ایران را حکم غیابی بدون معاینه بعضی خودشان ایرانی اولادشان را عثمانیه و بعضی دیگر را خود با اولادش را تبعهٔ خود قید دفتر نفوس کرده و دایره خودشان تصدیق بلاصدق و تحقیق بلاحق دربارهٔ ایشان نموده و این همه ظلم و تعدی و خلافات غیر از قواعد معاهدهٔ دولتی را که در حقوق ماها اجرا نموده‌اند بدون حضور مأمور ایران و چون مأمور باکفایتی نداریم که قابل و قوهٔ جواب دادن را داشته باشد و این مأمور حالیه که داریم جاهل و وکیل بی کفایت بی وجودی است، لهذا حقوق اتباع از دست رفته اگر هزار امر از صدارت عثمانیه صادر بشود که متعرض اهالی ایران نشوید مأمور قورعه جواب می دهد که متعرض نشده‌ام و حال آنکه کمال جسارت را نموده قهراً و جبراً چه در حضور چه در غیاب آنها را قید دفتر نفوس کرده و این نمی شود مگر از عدم مأمور باکفایت استدعا و استرحام از عمیم الطاف ملوکانهٔ مأمور باکفایتی یا از طهران یا از اسلامبول امر فرموده تعیین بفرمایند تا این ظلم بی پایان را از سر ماها فدویان رفع نماید تا در آسایش باشیم و الا اتباع ساکنهٔ عماره ازدست می رود و همیشهٔ اوقات به دعاگویی اعلی حضرت شاهنشاهی ارواحنافداه الفداه و بر اولیای ابدمدت جاوید مشغول بوده و هستیم و امیدواریم که نظر مرجمت را دربارهٔ این جان‌نثاران دریغ نخواهند فرمود.

[پی نوشت:] اثر مهر و اسامی ۵۸ نفر

دار الخلافه طهران در تشرف آستان مبارک امیر اتابک اعظم ارواحنا فداه

هو

تصدق [illegible] گردیم [illegible] عرض جان نثاران اتباع دولت علیه ایران از تظلمات و تعدیات خارق العادات مامورین قونسولگری عثمانیه

[illegible] قدوم مبارک [illegible] امیدواریم [illegible] روحنا فداه رسیده [illegible] عرض فدویان [illegible] تاکنون نتیجه ظاهر نشده الحال [illegible]

در مقام [illegible] عرض می‌نمائیم از قرار که به تحقیق رسیده مامورین قونسولگری عثمانیه [illegible] چند نفر از اتباع دولت علیه ایران [illegible] اولاد [illegible]

تبعه و تذکره عثمانیه تابع دولت خود نوشته [illegible] اولاد [illegible] تابع و در مقام عسکریه [illegible] احکامات قانونیه و نظامیه عسکریه [illegible]

[illegible] از اتباع دولت علیه ایران [illegible] قواعد [illegible]

[illegible] تذکره [illegible] تصدیق [illegible]

[illegible] تابع عثمانیه [illegible] تصدیق [illegible] قونسول [illegible]

[illegible] قبول [illegible]

[illegible] از اتباع ایران [illegible] تبعه و تذکره [illegible] تابع [illegible] عثمانیه [illegible]

[illegible] تذکره عثمانیه [illegible] تابع [illegible]

[illegible] از اتباع [illegible] تبعه دولت علیه ایران [illegible] عثمانیه [illegible] اولاد [illegible]

تبعه [illegible] تذکره [illegible] ظلم و تعدی [illegible] قواعد [illegible]

[illegible] جواب [illegible]

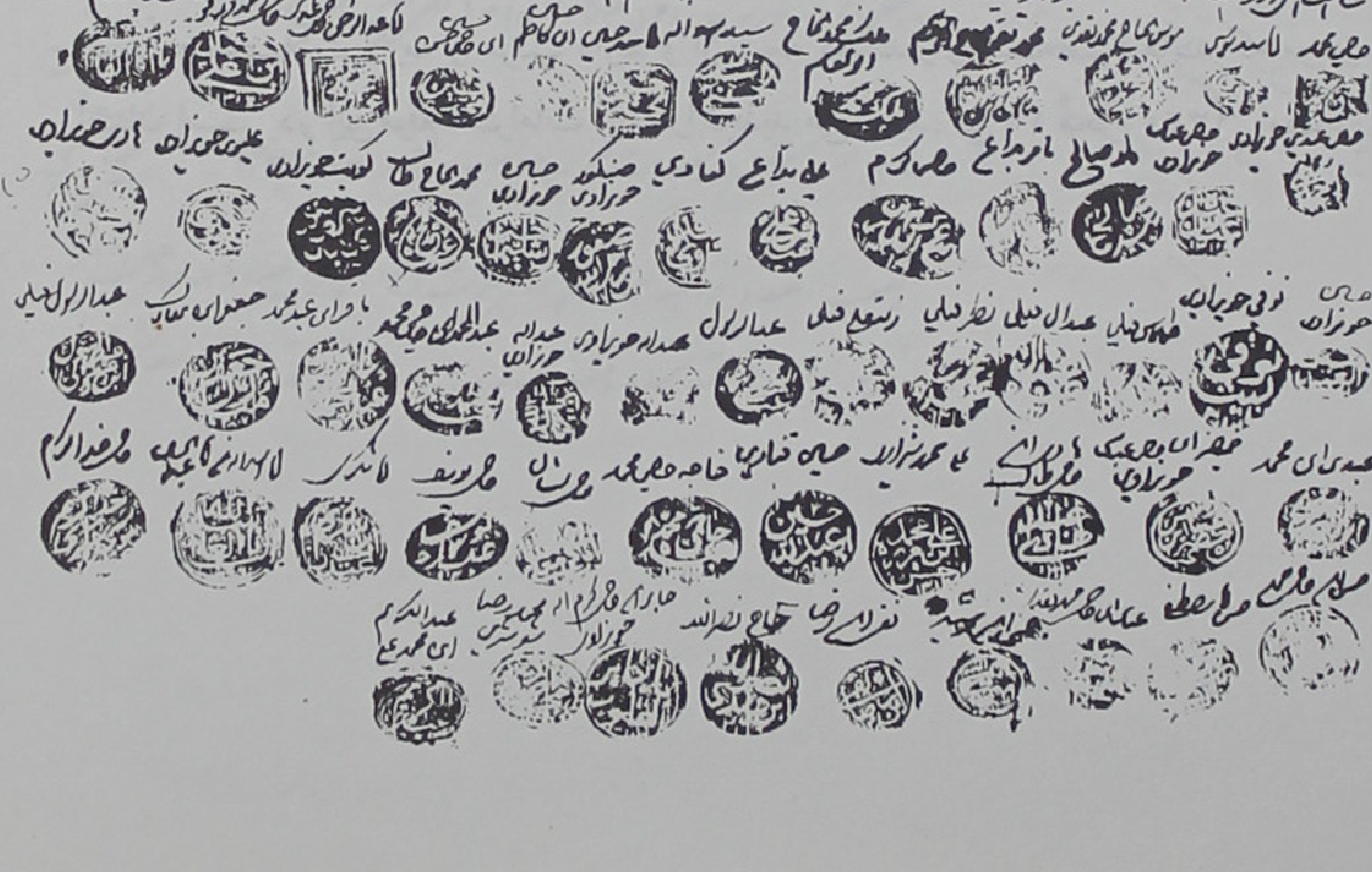
[illegible] ماموریت [illegible] لهذا حقوق اتباع [illegible] عثمانیه [illegible]

ایران [illegible] جواب [illegible]

[illegible] طهران [illegible]

[illegible] ظلم [illegible] اعلیحضرت [illegible]

[illegible] ارواحنا له الفداه [illegible] جان نثاران [illegible]



شمارهٔ سند: ۹۹۲
موضوع: اجاره دادن املاک و اراضی مرحوم حاجی عبدالرحیم
تاریخ: ۱۶ محرم ۱۳۲۰ هـ. ق
کارتن: ۱
پرونده: ۲

نامهٔ سفارت انگلیس در طهران به وزارت خارجه

جناب مستطاب اجل اکرم افخم را با کمال احترام تصدیع افزا می‌گردد

به موجب دو طغرا تلگراف کرمانشاهان که یکی از وکیل الدولهٔ حالیهٔ انگلیس مقیم آن ولا به این سفارت و دیگری از شه‌بندری عثمانی به سفارت کبریٰ رسیده اظهار می دارند که نواب مستطاب والا فرمانفرما برای اجاره دادن املاک مرحوم حاجی عبدالرحیم اشکالات فراهم می نمایند که عمل به این سهولت را به صعوبت دوچار [دچار] می‌گردانند و این رفتار نواب معزی الیه منافی با اصول و قواعد جاریه می باشد و چون اجاره دادن املاک برای تأمین حقوق ورثه و ارباب طلب که از اتباع ایران هستند اصلح و انسب است در این صورت حکومت می بایست در ایجار املاک مزبوره معاونت و همراهی نماید، نه مخالفت و تصعیب علی هذا خواهشمند است حکم مؤکدی به حکومت کرمانشاهان شرف صدور یابد که در عمل ایجار اراضی و املاک متوفای مزبور ممانعت ننموده و تسهیلات لازمه را مرتب دارند و از نتیجه دوستدار را مستحضر فرمایند که موجب امتنان است. در این موقع احترامات فایقه را تجدید می نماید. فی ۱۶ محرم ۱۳۲۰. امضاء

British Legation,
Tehran

جناب مستطاب اجل اکرم افخم را با کمال احترام تصدیع اشعار میدارد

:

برحسب در طهران معروف گزارشهائی در میان اردوی اردو بر جانب تفضیل تقدیم اولیای سفارت دیگری از تهدید شده خود

سفارت کبری زمینه انتظار رسیده از در وزارت مستطاب دام در تفرقه برای جابجا ولدون احمد کرم خان عبدالرحیم.

تلگرافات فراهم مینماید در عمل این سهولت را بصورت در جا تکرار دارد و این قدر درباب منوی الیه در

با صحبت دو عدد جاریه شده و چون جابجا ولدون احمد کلی همین حقوق در درباره طلب دارد از اتباع ایران هستند

اصلح دانسته در این صورت حکومت بیابانت در این کار احمد کل فرزند سعادت برای مداخله

تصیب عقیده و خواهشمند است حکم مؤکدی تلگرافاً به ایالت شریف صادر بدارند که از عمل این کار احتراز

ممانعت نموده تعهدات مدرسه را ترتیب دهند و از بقیه عرضه ... مستمر

[illegible]

شمارهٔ سند: ۹۹۳

موضوع: مالیات از اتباع ایران

نمره: ۲۵۲

تاریخ: غره جمادی‌الاول ۱۳۲۰ هـ . ق

کارتن: ۱

پرونده: $\frac{۱}{۲}$

نامهٔ ژنرال قنسول ایران در بغداد به وزارت خارجه

در مسئلهٔ رسم بیتیه که از چادرنشینهای اتباع دولت ابدآیت علیه در عراق عرب چند سال است مطالبه و اخذ می‌نمایند، سابقاً به عرض وزارت جلیله رساندم ورقهٔ چاپی که به دست بعضی از آنها داده بودند که سند بود که رسم از آنها گرفته‌اند، مخصوصاً آدم فرستادم از چادرنشینها گرفته آوردند. یک ورقه جوف عرایض سابقه به حضور مبارک وزارت جلیله فرستادم و ازطرف وزارت جلیله به سفارت کبری اوامر لازمه بر منع آن شرف‌صدور یافت و به خدمت سفارت سنیهٔ کبرای اسلامبول هم مکرر نوشته و یک ورقهٔ چاپی هم فرستاده‌ام و تفصیل را هم به خدمت سفارت کبری نوشتم که این ورقهٔ چاپی را ملاحظه نمایند، معلوم می‌شود این رسم بدل عسکری است که از چادرنشین می‌گیرند و اتباع دولت ابدآیت علیهٔ ایران چون از دادن عسکر معاف اند این رسم رانباید بدهند و البته سفارت سنیه کبری اقدامات لازمه نموده‌اند ولی تا حال امری از باب‌عالی به رفع اخذ این رسم نرسیده است. هر طور رأی صواب‌نمای مبارک عالی اقتضا فرماید امر و مقرر خواهند فرمود و اگر سفارت کبری بتوانند امری از باب‌عالی صادر نمایند بر منع اخذ این رسم از چادرنشین ایرانی باید این امر از وزارت مالیه باشد. چه مأمورین وزارت مالیه این رسم را اخذ می‌نمایند، زیاده جسارت است. امر اجل امجد ارفع عالی مطاع.

قونسول ژنرالی دولت علیهٔ ایران

در بغداد نمره ۲۵۲

تاریخ غره شهر جمادی الاولی

در مسئلهٔ رسم تبعیه که از چاپارخانه‌های اتباع دولت ابد آیت علیه در عراق عرب
چند سال است مطالبه و اخذ می‌نمایند سابقاً بعرض وزارت جلیله رسانده‌ام
و رقعهٔ چاپی را هم که بعضی از آنها داده بودند که رسید بوده رسم از آنها گرفته‌اند
مخصوصاً آدم فرستادم از چاپارخانه‌ها گرفته آوردند مکتوب رقعه جوف عرایض سابقه
بحضور مبارک وزارت جلیله فرستادم و از طرف وزارت جلیله
بسفارت کبری اوامر لازمه بر منع این ترتیب صادر شد و بجد تمام سفارت
سنیهٔ کبری را بعضی هم مکرر نوشته و مکتوب رقعهٔ چاپی هم فرستاده‌ام و تفصیل را هم
بجد تمام سفارت کبری نوشتم در آن مکتوب رقعهٔ چاپی را ملاحظه نمایند معلوم میشود
این رسم بدل عسکری است که از چاپارخانه [illegible] می‌گیرند و اتباع
دولت ابد آیت علیه ایران چون از دادن عسکر معاف‌اند
این رسم را نباید بدهند و البته سفارت سنیه کبری اقدامات
لازمه نموده‌اند ولی تا حال امری از باب عالی برفع اخذ
این رسم نرسیده است هر طور رای جهان آرای مبارک عالی

[illegible]

شمارهٔ سند: ۹۹٤
موضوع: نمونهٔ ورقهٔ چاپی اخذ رسم (وصول مالیات عشایری)
کارتن: ۱
پرونده: $\frac{۱}{۲}$
ترجمه

سال ۱۳۱٦ رومی

تذکرهٔ وصول مالیات عشایری

این اعلام و خبر بیانگر دریافت پنجاه غروش از اعراب ساکن صحراهای ایالت جلیله بغداد، که مقرر است تا زمانی که این افراد در صحرا زندگی می‌کنند، بی آنکه در دهکده‌ای سکونت نمایند، از آنان دریافت شود. اما اگر خانه‌هایی ساخته و در آن ساکن شوند و روستاهایی برای اقامت خود در نظر بگیرند در آن حالت به یاری خداوند متعال عفو ملوکانه شامل حال آنان شده و این عوارض از آنان دریافت نخواهد شد.

شماره	پاره	غروش		جلد
۲۰۱۰		۵۰	عوارض مالیات	۲۱
	۲۰	۲	سهمیه معارف	
	۲۰	۵۲	جمع	
استان کربلا	۲۰	۵۵		

شهرستان هندیه
طایفه یا قبیله اصلی عجم
اسم رئیس قبیله سلیمان نادر
اسم و شهرت محمود الحاجی یوسف

خانه‌های همسایه او را شمارش نمودیم ... مجموع آن ... خانه که از جمله صاحبان این خانه‌ها شخصی است که شناسنامه‌ای به نام محمود پسر الحاجی یوسف بود و او مبلغ ۵۲ غروش ونصف به عنوان عوارض سکونت مترتب به وی به علاوه سهمیه فرهنگ از بابت سال ۱۳۱٦ رومی پرداخت نمود و ما این رسید را به عنوان اعلان دریافت مبلغ به نامبرده داده‌ایم.

در ١٤ تشرین اول سنهٔ ۱۳۱٦ رومی محل مهر و امضا

سنه سنه مخصوص صدر ١٣١٦

تذكرة ويركو العشاير

هذا علم وخبر مشعر بقبض خمسين قرشاً من العربان الساكنين في البراري التي بداخل ولايت بغداد الجليلة المقرر اخذها منهم مادامو في الصحاري غير ساكنين بقرية فاذا احدثوا لهم بيوتاً وسكنوها واتخذوا قرى للسكنى فانهم حينئذ ينالون من الله تعالى العفو الملوكي فلا يؤخذ منهم الرسم المذكور

نومرو	باره	غروش		جلد
٢٠١٠				٢١
		٥٠	رسم ويركو	
	٢٠	٢	حصت المعارف	
	٢٠	٥٢	يكون	

لواء	اربيل ٢٠ ٥٥
قضاء	
العشيرة الاصليه	…
اسم الرئيس الساكنين معه	…
اسمه وشهرته كذا	محمد …

قد حسبنا البيوت النازلين مع وصار مجموعها بيتاً ومن هؤلاء اصحاب البيوت حامل التذكره محمد بن … قد سلم اثنى وخمسين غرشاً ونصف من طرف رسم البيتيه المترتب عليه مع حصت المعارف محسوباً لسنة الف وثلثماية وستة عشر روميه واعطيناه هذه التذكره مشعرة بالقبض في ١٤ … سنه ١٣١٦

شمارهٔ سند: ۹۹۵

موضوع: مسئلهٔ الیاس یهودی

تاریخ: جمادی الاول ۱۳۲۰ هـ . ق

کارتن: ۱

پرونده: ۱/۱۸

استشهادنامه مربوط به الیاس یهودی

بندگان درگاه الله که حاشیه ورقه را مهر نموده‌ایم مطیع الاسلام خواجه الیاس یهودی را می‌شناسیم، تا حال بدزبانی را از او ندیده‌ایم و اینکه نسبت به او داده‌اند که دشنام مذهبی به یک نفر دهاتی داده محض افترا بوده و به تحریک چند نفر دیگر این تهمت را به او بستند و الا در بازار یک نفر یهودی چه جور می‌تواند حرف مذهبی را بگوید در وقتی که او را هم زدند حرف مذهبی را از او نشنیده‌ایم، این چند کلمه جهت اطلاع قلمی و تحریر گردید. فی شهر جمادی الاول سنه ۱۳۲۰

مهر ــ صوفی قاسم　　مهر ــ فریدون بیک　　مهر ــ شاهدم، عزیز

اطلاع دارم، رشید

مهر ــ مضمون نوشته صحیح است　　مهر ــ آقاعبدالمناف　　مهر ــ عباس علی بیک

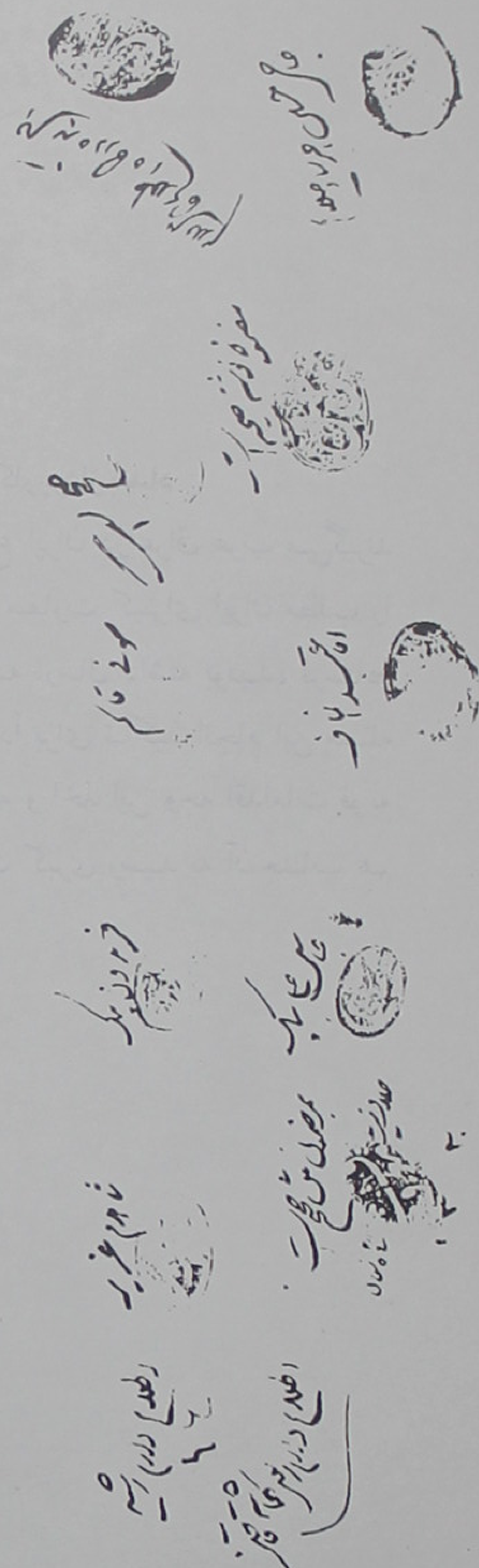
مهر ــ به مضمونش صحیح است　　خلاف نیست، شاه شعبان

مهر ــ اقلّ بنده درگاه اطلاع کامل دارم یا امام حسن

مهر ــ حاجی حسین تاجر ساوجبلاغ صحیح است مهر ــ محمد

اطلاع دارم رسول گماشته قاضی

مهر ــ عبده خلیل، مضمون نوشته صحیح است.



بندگان درگاه اله که حاشیه ورقه را مهر نموده‌ایم مطیع الاسلام خواجه

الیاس یهودی را میشناسیم تا حال بی‌زبانی را از او نشنیده‌ایم در یکجه

نسبت باو که اهل ده دشتان مذهبی یک نفر داده که تمام محض افترا بوده

و بتحریک چند نفر دیگر این تهمت را باو بسته‌اند در بازار

یکنفر یهودی در چه حد میتواند حرف مذهبی را بگوید در دو قسمتکه

او را از زدن حرف مذهبی را از او نشنیده‌ایم ایلچی خانه که

حسبة للطلب مهر و تحریر گردید فی شهر ج ۲ سنه ۱۳۲

شمارهٔ سند: ۹۹۶

موضوع: مالیات از اتباع ایران

نمره: ۱۲۹۹

تاریخ: ۳ جمادی‌الثانی ۱۳۲۰ هـ . ق

کارتن: ۱

پرونده: $\frac{۱}{۲}$

سواد کاغذ وزارت خارجه به مشاورالملک کارپرداز بغداد

در مسئلهٔ رسم بیتیه‌ای که از چادرنشینهای اتباع ایران در عراق عرب می‌گیرند شرحی نوشته بودید، مستحضر شدم سابقاً در این باب به سفارت کبرای ایران مطلب را تشریحاً نوشته و همان ورقهٔ چاپی را که به وزارت خارجه ارسال داشته بودید، فرستاده بودم و چون نتیجه اقدامات سفارت کبرا معلوم شده مجدداً برای تأکید انجام این مسئله آنچه مقتضی است، خواهم نوشت که زودتر در منع مطالبه و اخذ این وجه اقدامات قویه نموده از نتیجه اطلاع بدهند، همین که جواب سفارت کبری رسید به آن‌جناب هم اطلاع خواهم داد. (نصراله مشیرالدوله)

۱۲۹۹

۴ ۷ ۱

سواد کاغذ وزارت خارجه به وزارت [illegible]

۳ جمادی الثانیه ۱۳۲۰

در باب بعضی از حاجی‌نشینهای تبعهٔ انگلیس در عراق عرب سکنی دارند شرحی نوشته بودید مستحضر شدم

در این باب سفارت کبرای انگلیس مطلب را شرحی نگاشته‌اند در جواب وزارت خارجه از [illegible]

[illegible] چون نتیجهٔ اقدامات سفارت کبرا معلوم شد مجدداً [illegible]

خواهم نوشت [illegible] اقدامات [illegible] از نتیجه [illegible]

سفارت کبرا رسید [illegible] خواهم داد [illegible]

شمارهٔ سند: ۹۹۷

موضوع: مسئلهٔ الیاس یهودی

نمره: ۲۳۷

تاریخ: پنجم شعبان ۱۳۲۰ هـ . ق

کارتن: ۱

پرونده: $\frac{۱}{۱۸}$

معروضهٔ کارگزاری ولایت مکری به وزارت جلیلهٔ خارجه

در کیفیت الیاس یهودی با چند نفر تبعهٔ متمردهٔ عثمانی برحسب اظهار سفارت عثمانی مرقم از هیجدهم رجب نمرهٔ ۱۶۶۷ امر استعلام رفته بود چون برای بعضی وقایع عادیهٔ غیرمهمه نمی خواهد کارگزاران حضور مبارک را مشغول بدارد، این فقره را در ضمن راپورت استمراری مورخهٔ هفتم جمادی‌الاخری ۱۳۲۰ نمرهٔ ۳۵۹ به کارگزاری کل عرض نموده بود. این است آن روزها که اتباع متمردهٔ عثمانی در اینجا به واسطه عداوت تفریق تبعه به تحریک بنای شرارت و هرزگی و پیچیدگی داشتند و شخص جناب حکمران در اینجا نبود همین الیاس یهودی را گرفته پول خواسته بودند نداده به بهانهٔ اینکه به مذهب اکراد بد گفته کتک سخت زده الیاس را به حالت فلاکت به کارگزاری آوردند، غلام از وکیل شه‌بندر آنها را مطالبه می نمود چند نفر از آنها من باب تعصب که شهادت را بر یکدیگر لازم مذهبی می دانند، شاهد شده نزد نایب‌الحکومه رفته بودند و غلام حقیقت امر را می دانست، ایراد نموده تحقیقات طلب کرد که طرفین را استنطاق نمایند، وکیل شهبندر موافقت ننمود حتی جناب میرزا منعم قاضی تجاوز و تعدی متمردها را فهمیده بود، یهود کتک خورده را حمایت می‌نمود. رقعه به غلام نوشته بود جهت مزید استحضار کارگزاران حضور مبارک باسواد دو فقره رقعه رسمی که غلام در آن باب به وکالت شه‌بندری نوشته بود لفاً تقدیم نمود، همچنین شهادتنامه به مهر چند نفر از کسبه و اهل ساوجبلاغ بود عرض نمود که از روی آنها ایراد جواب به سفارت مقرر شود، زیاده جسارت امر امر مبارک است.

مهر عبده‌الراجی محمد

وزارت جلیله خارجه

معروضه کارگذاری ولایت [illegible]

بیست و هشتم شعبان المعظم ۱۳۲۰

نمره ۲۳۷

در کیفیت اهالی یهودی با چند نفر تبعه شمرده عثمانی بر حسب اظهار سفارت جلیله عثمانی در قسمت [illegible] رجب نمره ۱۶۶۷ امر استعلام رفته بوده برای تفحص وقایع حادثه [illegible] خواهد کارگذار خصوصاً مأمور معین مشغول [illegible] فقره را در ضمن راپورت [illegible] جمادی الاخری ۱۳۲۰ نمره ۳۰۵ کارگذاری [illegible] عرض [illegible] بوده آن روزها در اتباع شمرده عثمانی در اینجا [illegible] تعرض تبعه [illegible] بابی [illegible] و شخص جناب حکمران در اینجا بوده [illegible] اهالی یهود [illegible] خواسته بودند [illegible] به بهانه اینکه [illegible] کتک سخت زده اهالی را [illegible] آوردند [illegible] از [illegible] تعصب [illegible] را [illegible] لازم [illegible] خدمت [illegible] حقیقت امر را [illegible] طلب کرده طرفین را استنطاق نماید [illegible] موافقت نموده جناب میرزا [illegible]

[illegible]

شمارهٔ سند: ۹۹۸

موضوع: عریضهٔ شخصی یک فراری عثمانی

تاریخ: ۱۳۲۰ هـ. ق

کارتن: ۱

پرونده: $\frac{۱}{۱۲}$

به حضور مبارک وزارت جلیلهٔ امور خارجه

همواره سلامت وجود میمنت مسعود اعلی‌حضرت اقدس شهریاری را از درگاه احدیت خواهانم و امیدوارم که رعایای این دولت علیه در ظل مراحم ملوکانه آسوده و مرفه‌الحال باشند.

عریضه به خاکپای مبارک عرض و لفاً تقدیم شد، چاکر از تبعهٔ دولت عثمانی هستم و سابقاً در قره‌سر مدیر پست و تلگراف بودم، بعضی از رجال و وکلای دولت عثمانی به عداوت فدوی را از الطاف ملوکانه متبوعه مفخم خود محروم نمودند. لهذا این روز مولود مسعود شاهنشاهی را مغتنم دانسته و به دولت علیهٔ ایران ملتجی می‌شود. مستدعی است عریضهٔ چاکر را زودتر به خاکپای مبارک رسانیده و جواب شافی حاصل نمایند و تا زمان ورود موکب همایونی هم کمکی به امر معاش و گذران فدوی بفرمایند.

زیاده جسارت است

وزارت امور خارجه

اداره

دایره

مورخه

نمره

بحضور مبارک وزارت جلیله امور خارجه

بمواقع سلامت و جمعیت حضرت اعلیحضرت اقدس شهریاری از درگاه احدیت خواهانم و امیدوارم که رعایای این دولت علیه در ظل مراحم ملوکانه آسوده و مرفه الحال باشند. عریضه بخاکپای مبارک عرض و لفاً تقدیم شد. چاکر از تبعه دولت عثمانی هستم و سابقاً در اداره مدیریت تلگراف بوده‌ام. بعضی از رجال و وکلای دولت عثمانی بعداوت نمودن مرا از الطاف ملوکانه متبوعه معظم خود محروم نمودند لهذا از روز شمول بشاهنشاه معظم دانسته و به دولت علیه ایران متحیر میشود. عریضه چاکر را بحضور خاکپای مبارک رسانیده و جواب شافی حاصل نماید تا زمان ورود موکب همایونی هم کمکی بامر معاش و گذران خود بهره نمایند

[illegible]

شمارهٔ سند: ۹۹۹
موضوع: فرار و پناهندگی یکی از اتباع عثمانی به ایران
تاریخ: ۱۳۲۰. ق
کارتن: ۱
پرونده: $\frac{۱}{۱۲}$

فهرست عرض وزارت خارجه

سلیمان نام رعیت عثمانی که در دولت عثمانی متهم و محکوم به جزا گردید فراراً به ایران آمده و به شرح عریضه که از شرف عرض خاکپای مهراعتلای همایونی ارواحنافداه می‌گذرد، به مراحم ملوکانه ملتجی شده خلاصه استدعایش این است که یا مقرر گردد سفارت اسلامبول در عفو تقصیر و تهمتی که به او نسبت داده‌اند در باب‌عالی و حضور سلطانی اقدامی کرده آسوده‌اش نماید و یا معاشی مرحمت شود که بتواند در سایهٔ عدالت‌پایهٔ بندگان اقدس همایون شاهنشاهی ارواحنافداه زیست نماید، به هر نحو ارادهٔ مقدسه همایونی شرف‌صدور یابد جواب داده خواهد شد، امر امر همایون خسروانه روحنافداه است.

[حاشیه، دستخط مظفرالدین شاه:]
جناب اشرف اتابک اعظم بنویسید ارفع الدوله در اسلامبول مذاکره کرده، اصلاح نماید. شهر شعبان ۱۳۲۰ امضا: مظفرالدین شاه

وزارت امور خارجه
اداره
مورخه
نمره

فهرست عرض دوائر خارجه

سلیمان نام رعیت عثمانی در دوره ترکش عثمانی متهم و محکوم به جزا گردیده وارد
[illegible] آمده و بشرح عریضه که از نظر مبارک می‌گذرد استدعای [illegible]
[illegible] مراحم ملوکانه [illegible] خلاصه استدعا [illegible] دربار [illegible]
سفارت [illegible] در عفو تقصیر و [illegible] او نسبت [illegible]
سلطانی [illegible] مرحمت [illegible]
در [illegible] عدالت [illegible]
[illegible]

[illegible]

شمارهٔ سند: ۱۰۰۰
موضوع: گزارش ارفع الدوله. اراضی خارج شهر نجف
نمره: ۳۱۳
تاریخ: ذی‌قعده ۱۳۲۰ هـ. ق
کارتن: ۱
پرونده: ۱/۱۸

گزارش ارفع الدوله از اسلامبول به وزارت خارجه

در لایحهٔ علی حده مورخهٔ ۵ جمادی الثانی مرقوم فرموده بودند که چندی قبل بعضی از اتباع ایرانی به تجویز و اشارهٔ قائم‌مقام نجف اشرف در اراضی خارج شهر بنای آبادی گذاشته مبلغی متضرر شدند پس از اندک روزی خود قائم‌مقام مزبور به مقام ممانعت برآمده بنای ایرانیان ناتمام و مصارف آنها بلاثمر ماند. در این باب پس از صدور رقیمهٔ وزارت جلیلهٔ خارجه تفصیل را به کارپردازی بغداد نوشته تحقیقات و ایضاحات کافیه خواسته بودم که از روی اطلاعات کامله اقدامات لازمه نمایم.

کارپردازی مزبور جواباً اشعار داشته بود که چند نفر از اتباع ایرانی زمینی از زن عربی خریداری کرده‌اند، بعد ازمدتی شخصی ادعای وقفیت آن زمین را نموده در محکمهٔ کربلای معلی حکم بر وقفیت آنجا صادر و به موجب حکم مزبور آن چند نفر را از مداخله به آن زمین منع نمودند، کارپردازی کربلا هر قدر به آنها اظهار کرده که هر کدام عرضحالی نوشته و وکیلی معین نموده در محکمه عثمانیه اعلام وقفیت آنجا را فسخ و یا مطالبه وجه ضرر خودشان را نمایند، از آن اشخاص نه عرضحال داده‌اند و نه خود و یا وکیل آنها در محکمه حاضر شده و می‌شوند که به مدعی جواب بدهند تا عرضحال نداده و در محکمه حاضر نشوند به تحصیل حقوق خودشان نخواهند رسید. اظهارات کاپردازی بغداد این بود که عرض شد ولی به جهت مزید استحضار خاطر مبارک عالی عرض می‌نمایم که در مسائل اراضی واملاک به موجب عهود، کارپردازی‌ها حق مداخله نداشته و معاملهٔ آنها مستقلاً با حکومت محلیه است. به موجب قانون استملاک با وجودی که سفارت کبریٰ را هم در این باب به یک درجه حق اعتراض نیست باز بنده مجدداً به کارپردازی بغداد نوشته توضیحات خواستم که اشخاصی که در اراضی نجف بنای آبادی

گذاشته و متضرر شده‌اند اولاً اسامی آنها چیست، ثانیاً هر یک منفرداً عرضحال نوشته بفرستند، ثالثاً در بنای آبادی آنجا چه سندی و قباله و یا رخصت‌نامه از کدام مأمور و کدام محاکم حکومت محلیه در دست دارند، تماماً به سفارت کبری ارسال دارند که اطلاعات کافیه حاصل شده به عنوانی در این خصوص با باب‌عالی مذاکره نموده و اقدامات لازمه در تحصیل و انجام مقاصد ایرانی ها به عمل آرم البته از طرف وزارت جلیلهٔ خارجه هم به اشخاصی که در این باب عرض و شکایت نموده‌اند، همین طور جواب مرقوم فرمایند تا اسناد و اسامی خودشان را به سفارت کبری بفرستند آنچه لازم اقدامات است به عمل آید. مهر پرنس ارفع الدوله

[حاشیه، دستخط مظفرالدین شاه]

بسیار خوب امضا: مظفرالدین شاه

شهر شعبان ۱۳۲۰

۳۱۳

در لایحه علیه مورخه ۵ جمادی الثانی مرقوم فرموده بودند در خصوص اینکه بعضی از اتباع ایران با
تجویز و اشاره قائمقام نجف اشرف در اراضی خارج شهر بناء آبادی گذاشته [illegible]
پس از آنکه [illegible] خود قائمقام مزبور بمقام ممانعت برآمده بنای ایرانیان را [illegible]
و بمصارف آنها بدله ننموده اند در اینباب پس از آنکه در رقیمه وزارت جلیله خارجه
تفصیل را بکارپردازی بغداد نوشته تحقیقات و اطلاعات کافیه خواسته بودم
و از روی اطلاعات کامله اقدامات لازمه نمایم کارپردازی مزبور جواب اظهار
نوشته بود در چند نفر از اتباع ایرانی زمینی از زن عرب خریداری کرده اند بعد از بنا
شخصی ادعای وقفیت آن زمین را نموده در محکمه کربلا [illegible] حکم بر وقفیت آنجا صادر [illegible]
حکم مزبور آن چند نفر را از مرافعه تا زمین نسخ نموده کارپردازی کربلا [illegible]
را ملک [illegible] هر کدام عرضحال نوشته و وکیل معین نموده در محکمه عثمانیه اعلام وقفیت [illegible]
فسخ و یا بطلان وجه ضرر خودشان [illegible] از آن اشخاص [illegible] عرضحال [illegible]
در محکمه حاضر شده [illegible] جواب [illegible] تا عرضحال [illegible]
تقاضای حقوق خودشان نخواهند رسید دولت [illegible] کارپردازی [illegible]
ولی بجهت مزید اطلاع رأی خاطر مبارک [illegible] عرض مینمایم در [illegible] اراضی و املاک [illegible]
کارپردازان حق مرافعه نداشته و مسئله آنها متعلق با حکومت محلیه است

[illegible]

شمارهٔ سند: ۱۰۰۱

موضوع: اقدامات کارپردازی بصره در رفاه و آسایش حال مقیمین بصره

تاریخ: ۱۸ ذی‌حجه ۱۳۲۰ هـ . ق

کارتن: ۱۱

پرونده: ۵

عریضهٔ جمعی از اتباع دولت ایران مقیمین ناصریه منتفک به سفارت کبرای ایران در اسلامبول

عرض داشت اقل دوغاگویان [دعاگویان]، اتباع دولت جاویدآیت علیهٔ ایران مقیمین ناصریه منتفک از طرف پنجاه و چهار نفر به تاریخ هیجدهم شهر ذی‌حجة‌الحرام سنهٔ ۱۳۲۰ به حضور معدلت ظهور مبارک حضرت مستطاب اجل اکرم اعظم اشرف پرنس آقای ارفع‌الدوله، سردار کل سفیرکبیر مدظله العالی.

خواطر [خاطر] مبارک آن ولی النعم مسبوق است که چندین سال بود چاکران در قید قرعه و عسکریه مبتلا و سرگردان بودیم الحمدالله رب‌العالمین در این سال نیکوفال که جناب جلالت‌مآب آقای حاجی میرزا تقی‌خان دام اقباله به کارپردازی بصره مأمور شدند از روز ورود ایشان ناخوشی اتباع دولت علیهٔ ایران رو به صحت گذاشت باب آسودگی و رفاهیت برای عموم رعیت باز شد، خصوصاً در این ایام که جناب معزی‌الیه به جهت سرکشی به حال رعایای دولت علیه به ملحقات تشریف آوردند درهای ظلم و تعدی مأمورین عثمانیه را بست و تمام ماها را از قید عسکریه و قرعه خلاص نمود تذکرهٔ دولت خودمان را به همه توزیع نمود، آفرین باشد بر غیرت و حمیّت این گونه مأمورین، علاوه مقرب‌الخاقان سیدحسین خان مأمور حالیه ناصریه دقیقه در آسایش تبعه غفلت نورزیده کمال تشکر و ممنونیّت داریم، جناب کارپرداز بصره مدتی در ناصری متحمل هر نوع زحمات شدند همه اتباع را آسوده نموده، الحق این دو مأمور محترم مستحق هرگونه مرحمت و امتیاز می‌باشند، خداوند تبارک و تعالی سایهٔ مبارک حضرت سفارت‌پناهی را از سر چاکران کوتاه نفرماید، به محمد واله الامجاد.

ــ اقل خدام دولت جاویدآیت الحاج عبدالرضا ولد عبدالوهاب شیرازی

ــ رعیت دولت علیهٔ ایران، اسدالله ولد حیدرعلی قزوینی

ــ از مرحمت اولیای دولت و اقدام کارپردازی بحمدالله از قرعه عسگریه

خلاص شدیم ــ بندهٔ درگاه دولت، خلیل ولد اسماعیل حویزه‌ای

ــ اول الحاج میری الحمدالله بکلی از قرعه و عسکری خلاص شدیم

ــ الداعی لداوم دولت العلیه، الحاج عباس الشیخ عیسی حویزاوی

ــ رعیت دولت ایران، خواجه حسین ولد تقی

ــ الحمدلله از مرحمت اولیای دولت از قید قرعهٔ عسکری خلاص شده، بندهٔ درگاه الحاج نادعلی ولد سلیم خان

ــ رعیت دولت علیهٔ ایران، محمدمهدی ولد حاجی محمد صالح کاشانی

ــ خادم دولت جاویدآیت، حسن ولد نصیر شوشتری

ــ بندهٔ جان‌نثار، علی ولد نصیر شوشتری

ــ خادم دولت علیه، باقر بن احمد سراج دشتستانی

ــ کمترین بندگان دولت قوی‌شوکت، شعبان ولد رستم همدانی

ــ رعیت دولت علیهٔ ایران، نصرالله ولد حیدرعلی

ــ ابراهیم بذقا سید سقا

ــ جعفر ولد اسماعیل

ــ اسماعیل ولد جعفر حکه‌چی

جناب جلالت‌مآب اجل آقای حاجی میرزاتقی خان کارپرداز اول دولت علیهٔ ایران در این مسافرت اگرچه زحمت بسیار کشیدند ولی ضمناً سربلندی تمام ایرانیان به عمل آمد، چند روز در ناصریه منتفک توقف فرموده تذکره دولتی به پنجاه چهار نفر اشخاصی که در قید قرعه بودند توزیع فرموده. دیگر قصوری نمانده و این چاکر درگاه دولت علیه شب و روز در زحمت اینها بوده آسوده شدم، خداوند سایهٔ مبارک حضرت سفارت‌پناهی را از سر خاکسار کم نفرماید.

اول السادات حسین الحسینی شهبندر ناصریه

عرض داشت اقل دعاگویان   اتباع دولت جاوید آیت علیه ایران مقیمین ناصریه منتفک از طرف پنجاه و چهار نفر ۵۴ الجمیع شهر ذی‌حجة الحرام سنه ۱۳۲۰

بحضور معدلت ظهور مبارک حضرت مستطاب اجل اکرم اعظم اشرف پرنس آقای ارفع الدوله سردار جلیل سفیر کبیر مد ظله العالی

خاطر مبارک آن ولی النعم مسبوق است که چندین سال بود چاکران در قید قرعه عسکریه مبتلا و سرگردان بودیم الحمدلله رب العالمین از این سال نیکوفال که جناب
جلالتمآب آقای حاجی میرزا تقی خان دام اقباله بکارپردازی بصره مأمور شدند از ورود ایشان ناخوشی اتباع دولت علیه ایران رو بصحت گذاشت باب سعه که
در رفاهیت برای عموم رعیت باز شد خصوصاً در این ایام که جناب معزی الیه بجهت سرکشی بحال رعایای دولت علیه به ملحقات تشریف آورده رهای ظلم و تعدی مأمورین عثمانیه و
لیت و تمام ۱۴۱ از قید عسکریه و قرعه خلاص نموده تذکره دولت خود را هم به مهر توزیع نموده آفرین باشد بر غیرت و حمیت اینگونه مأمورین علاوه مقرب الخاقان
سید حسین خان مأمور حالیه ناصریه دقیقه در رسیدگی تبعه غفلت نورزیده کمال تشکر و ممنونیت داریم از جناب کارپرداز بصره مدتی در ناصریه متحمل هر نوع زحمات شده
همه باب [illegible] نموده الحق این دو مأمور محترم مستحق هرگونه مرحمت و التفات میباشند خداوند تبارک و تعالی سایه مبارک حضرت سفارت پناهی را از سر چاکران کوتاه
نفرماید به محمد و آله الامجاد

الداعی لدوام دولته العلیه
الحاج جاسم الشیخ عیسی
حویزاوی

اقل الحاج میرزا احمد [illegible]
بنگی از قرعه عسکریه [illegible] شدیم

رعیت دولت علیه [illegible]
اسدالله ولد حیدر علی
دزفولی

از مرحمت اولیای دولت
واقدام کارپردازی
بحمدالله از قرعه عسکریه
خلاص شدیم بنده درگاه
دولت خلیل ولد اسماعیل
حویزه‌ئی

اقل خدام دولت جاوید آیت
الحاج عبدالرضا ولد عبدالوهاب
شیرازی [illegible]

خادم دولت علیه
ملا مهدی [illegible] احمد [illegible]
دشتستانی

بنده جان نثار
علی ولد نصر شوشتری

خادم دولت
جاوید آیت
حسن ولد نصر شوشتری

رعیت دولت علیه
ایران محمد مهدی
ولد حاجی محمد صالح
کاشی

رعیت دولت ایران
خواجه حسن ولد تقی

الحمدلله از مرحمت اولیای دولت از قید قرعه عسکری
خلاص شده بنده درگاه
الحاج نادعلی ولد سلیم خان

رعیت دولت علیه ایران
نصرالله ولد حسن علی

کمترین بندگان دولت
قوی شوکت شاهنشاه
ولد میثم همدانی

اسمعیل ولد جعفر کرمانی

جعفر ولد اسماعیل

ابراهیم بن قاسم سقا

جناب جلالتمآب اجل آقای حاجی میرزا تقی خان کارپرداز اول
دولت علیه ایران مدتی است در سفارت اگرچه بجهت رسیدگی به حال
رعیت تمام ایرانیان ... چند روز در ناصریه منتفک توقف فرمودند
تذکره دولتی پنجاه و چهار نفر اشخاصی که در قید قرعه بودند توزیع
فرمودند دیگر قصوری نمانده و این چاکر درگاه دولت علیه دائماً
در زحمت اینها بودم آسوده شدم خداوند سایه مبارک حضرت سفارت پناهی را
از سر خاک پایم کم نفرماید

الداعی الاقل
حسین الحسینی
شهبندر ناصریه

شمارهٔ سند: ۱۰۰۲
موضوع: محاکم جنحه و جنایت ایرانیان در عثمانی
تاریخ: ۲۳ ذی‌حجه ۱۳۲۰. ق
کارتن: ۱
پرونده: $\frac{۱}{۱۸}$

ترجمهٔ روزنامهٔ عثمانی موسوم به «صباح» منطبعه در اسلامبول

صورت تلگرافی است که از وزارت جلیلهٔ عدلیه در تاریخ ذی‌حجه ۱۳۲۰ و ۶ ماه مارت به کافه مدعی عمومی های محاکم استینافیه شده است.

در باب تابع بودن اتباع ایران مقیمین خاک عثمانی به قوانین و نظامات و بلاواسطه ضابطه و محاکم دولت عثمانی در کافه خصوصیات متعلقه به جنایت و جنحه و قباحت و بعضی ایضاحات که در هفتم کانون اول ۱۳۱۸ در تحریرات عمومیه مسطور شده بود تغییر کافه خصوصات را در بعضی جاها سهواً مفهوم کرده و از معاملات واقعه چنان مستبان می‌شد که تغییر کافه خصوصات را شامل به معاملات که میان دو نفر ایرانی هم متحدث بود ظن کرده‌اند و حال آنکه تغییر مذکور موافق مقاوله‌نامهٔ موجوده مصروف به دعاوی است که مابین یک نفر ایرانی با یک نفر عثمانی و یا میان ایرانی ها و سایر اجانب واقع می‌شود و به موجب بند اول مقاوله‌نامهٔ مندرجه در جلد سیم و صحیفه یک صد و هشتاد و نه دستور دعاوی متحدثه مابین دونفر ایرانی و هر نوع تدقیقات و معاملات و اجرای آن دعاوی به قونسولهای ایران عاید بوده و همان طور معامله می‌شود و به موجب بند اول مقاوله‌نامهٔ مذکور یک صورت مصدق اعلاماتی که بر علیه ایرانی هایی که جرم آنها ثابت می‌شود به مأمورین ایران داده می‌شود.

صباح
۲۳ ربیع
۱۳۲۰
۱٥٤٤

تبليغات

عدليه نظارت جليله‌سندن ۲۰ ذی‌الحجه‌سنه ۱۳۲۰ و ٦ مارت سنه ۱۳۱۹ تاريخيله بالعموم محاكم استينافيه مدعئ عموميلكرينه كشيده قلنان تلغرافنامه صورتيدر:

ممالك دولتعليه‌ده بولنان تبعۀ ايرانيه‌نك جنايت وجنحه وقباحته متعلق كافۀ خصوصاتده طوغريدن طوغری‌يه قوانين ونظامات دولت عليه‌يه وبلا واسطه‌ضابطه ومحاكم سلطنت سنيه‌يه تابع اولدقلرينه واولبابده بعض ايضاحاته دائر ۷ كانون اول سنه ۳۱۸ تاريخنده تسطير اولنان تحريرات عموميه‌ده محرر [كافۀ خصوصات] تعبيرينك بعض طرفلرجه ياكلش اكلاشيله‌رق ايكی ايرانی بيننده‌كی دعاوی‌يه‌ده شامل ظن ايدلديكی معاملات واقعه‌دن مستبان اولوب حالبوكه بر عثمانلی ايله بر ايرانی بيننده ويا ايرانيلرله سائر اجانب آراسنده متحدث دعاوی مقاولۀ موجوده موجبنجه محاكم عثمانيه‌يه عائد اولديغی جهتله تعبير مذكورك اشبو معاملاته مصروف واوچنجی جلد دستورك يوز سكسان طقوزنجی صحيفه‌سنده مندرج بولنان مقاوله نامه‌نك برنجی ماده‌سی اقتضاسنجه ايكی ايرانی بيننده‌كی هرنوع دعاوينك تدقيقی شهبندرخانه‌لره عائد اولمغله اولصورتله معامله اجرا ومذكور مقاوله‌نامه‌نك برنجی ماده‌سنده محرر اولديغی وجهله جرملری ثابت اولان ايرانيلر عليهنه ويريلان اعلامات صورت مصدقه‌سنك مأمورين ايرانيه‌يه اعطاسی.

(جريدۀ محاكم عدليه)

شمارهٔ سند: ۱۰۰۳
موضوع: عدم حضور ترجمان محاکم جنحه و جنایت ایرانیان در عثمانی
نمره: ۳۷۸
تاریخ: ۲۵ ذی‌حجه ۱۳۲۰ هـ . ق
کارتن: ۱
پرونده: $\frac{۱}{۱۸}$

نامهٔ ارفع‌الدوله از اسلامبول به وزارت خارجه

قربانت شوم، در خصوص مسئلهٔ حضور ترجمانها که چند روز قبل انتشارات روزنامه صباح را رمزاً تلغراف فرموده بودند همان وقت مختصراً با تلغراف [تلگراف] به عرض جواب مصدع شده بودم که با کمال شدت مشغول اقدامات هستم و چنانچه خاطر مبارک مستحضر است پس از آنکه عدم حضور ترجمانهای کار پردازخانه‌ها را به مجالس محاکمات و استنطاق عثمانی در روزنامهٔ صباح نوشته و انتشار دادند. در داخله و خارجه این مسئله را که از بیست سال به این طرف در میان سفارت کبریٰ و باب‌عالی مطرح مذاکره و مشاجره بوده و تازگی ندارد، بعضی از ارباب غرض جور دیگر تأویل کرده و به همه جا نوشته بودند که من‌بعد کلّیهٔ ایرانی حتی در دعاوی بین خودشان باید رجوع به محاکم عثمانی بکنند و دیگر کار پردازها حق مداخله به کارها و دعاوی ایرانی‌ها نخواهند داشت. لهذا لازم دیدم که قبل از اینکه مسئله حضور ترجمانها در دوایر استنطاق حل بشود (با کمال اصرار ومجدانه از سه ماه به این طرف در صدد حصول این مقصود هستم) به توسط وزارت خارجه و عدلیهٔ عثمانی در همه روزنامه‌ها تکذیب این شهرتها و انتشارات مغرضانه را بنمایم، بحمدالله به آرزوی خود نایل و اینک فصل روزنامهٔ صباح را لفاً برای مزید استحضار و اطلاع خاطر مبارک ایفاد داشتم، به نظر مسعود انور عالی خواهد رسید. زیاده عرض ندارم، ایام شوکت اجلال مستدام باد.

۱۳۲۰
۲۵ شهر ذیحجة الحرام

نمره ۳۷۸

قربانت شوم

درخصوص مسئله حضور آن جناب در مجلس چند روز قبل

انتشارات روزنامه صباح را در این طرف دیده بودم همان وقت تحریراً

به آن طرف عرض جواب به صباح نوشته بودم در کمال ثبات مشغول اجرای نیات

هستم و چنانچه خاطر مبارک مستحضر است پیش از آنکه عدم حضور رضا پاشای

کارپرداز خانه اداره به مجالس محاکمات و استنطاق مقالات در روزنامه صباح

نوشته و اختیار دارند در داخله و خارجه این مسئله را هم از جمیع جهات

این طرف در میان بعضی از ... و با اهالی مطرح مذاکره و بحث نموده

و تا زمانی که در ... بعضی از ارباب غرض ... کرده و به هیچ ... نشده

این مسئله کلیةً ازاله حق در دعاوی بی‌خود ایشان باید رجوع به حکم

... کنند و در این کارپرداز ... حق مداخله ... و در دعاوی ...

نخواهند داشت هنوز لازم ندیدم قبل از آنکه مسئله به خوبی ... سفارت

در کار استنطاق حرفی بزند (با کمال احترام و ... از ... ۵۱۳ ...

درصدد حصول این مقصود هستم) ... ملاحظه ... خارجه ...

[illegible]

موضوع: یک فقره کاغذ ارفع الدوله

تاریخ: ۱۳ محرم ۱۳۲۱ هـ. ق

کارتن: ۱

پرونده: $\frac{۱}{۱۸}$

[نوشتهٔ پشت پاکت]

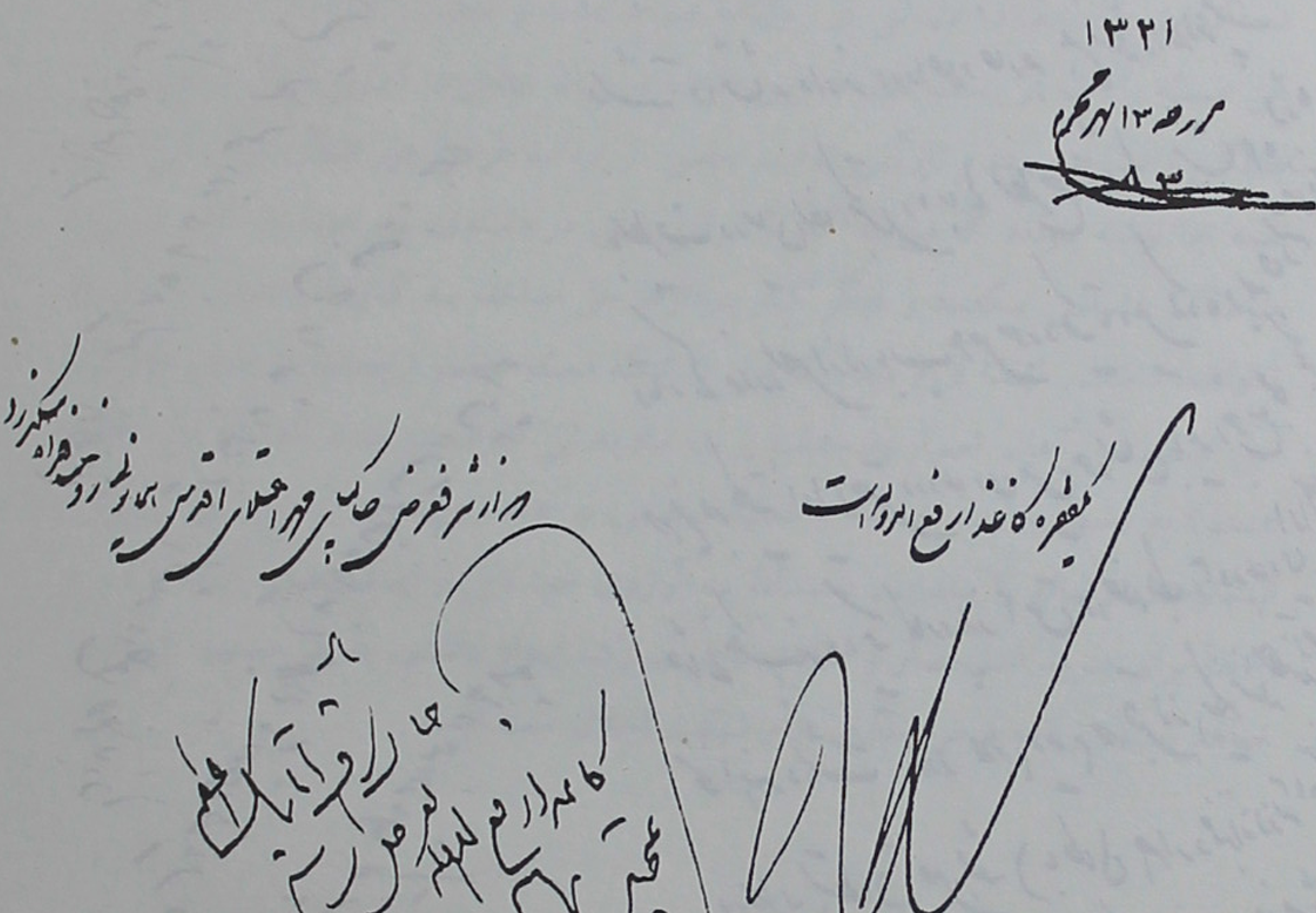
یک فقره کاغذ ارفع الدوله است.

که از شرف عرض خاکپای مهراعتلای اقدس همایونی روحنافداه می‌گذرد.

[حاشیه، دستخط مظفرالدین شاه:]

هو، جناب اشرف اتابک اعظم کاغذ ارفع الدوله به عرض رسیده، تمجید نمایید.

امضای مظفرالدین شاه



شمارهٔ سند: ۱۰۰٤
موضوع: تصرف املاک آقاحسن وکیل السفاره توسط شه بندر عثمانی
نمره: ١٦
تاریخ: ١٤ محرم ١٣٢١ هـ . ق
کارتن: ١
پرونده: ٢

نامهٔ فرمانفرما از ایالت کرمانشاهان به وزارت جلیلهٔ خارجه

طلبکارهای حاجی عبدالرحیم و سایر اهالی کرمانشاهان اظهار می نمایند که چون حاجی آقاحسن وکیل السفاره اظهار تبعیت عثمانی می نمود، املاکی را که قباله کرده تماماً به اسم حاجی آقاخان امین الوزاره، پسر کوچک خودش، که تبعهٔ مسلمهٔ دولت علیهٔ ایران و بعد از فوت حاجی آقاحسن پدرش وفات یافت قباله نموده و املاک مخصوص او بوده و الّا تبعهٔ عثمانی از خریداری املاک در ایران مجاز نیست. ظن غالب این است که راست می‌گویند، ملاحظه بفرمایید در حالتی که همان وقت به همین واسطه املاک به اسم تبعهٔ ایران قباله شدهٔ حالا را، شهبندر می خواهد تصرف در این املاک و یک شهر را به صدا بیاورد و حکومت را به محظورات بیندازد.

[حاشیه، دستخط مظفرالدین شاه:]

هو، جناب اشرف اتابک اعظم، این فقره را فرمانفرما درست عرض کرده است به هرطوری که مقتضی است قرار آن را بدهید. امضا: مظفرالدین شاه

۱۴ شهر محرم ۱۳۲۱
نمره ۱

از ایالت کرمانشاهان — به وزارت جلیله خارجه

طلبکارهای حاجی عبدالرحیم و سایر اهالی کرمانشاهان اظهار می‌نمایند که چون حاجی آقا حسن وکیل التجاره اظهار تبعیت عثمانی نموده املاکی را که قباله کرده تماماً باسم حاجی آقا خان امین الوزاره پسر کوچک خودش که تبعه مستمره دولت علیه ایران و بعد از فوت حاجی آقا حسن پدرش وفات یافت قباله نموده و املاک مخصوص او نبوده و او هم تبعه عثمانی از خریداری املاک در ایران ممنوع است ظن غالب این است که راست میگویند حق حفظ بفرمایند در حالتی که این تقلب بهمین واسطه املاک باسم تبعه ایران قباله شده حالا در اشهبندر میخواهد تصرف در این املاک و کمیسر را ابداً باید داد و حکومت را ملحوظات بفرمایند

شمارهٔ سند: ۱۰۰۵
موضوع: پناهندگی یک زن روسی به کار پردازخانه
نمره: ۵۳۳
تاریخ: ۲٤ رمضان ۱۳۲۱ هـ . ق
کارتن: ۱۱
پرونده: ٤

نامهٔ ارفع الدوله سفیرکبیر ایران درعثمانی به وزارت امور خارجه

بعد از وصول تلگراف مبارک جناب مستطاب اجل افخم عالی، در باب شکایت سفارت روس، از مکرم السلطان، کار پرداز ارزروم به جهت نگاهداری «مادام شرکوف» زن ویس قونسول روس، در حالتی که تلگراف نوشته می خواستم تفصیل را از مکرم السلطان تحقیق نمایم، از خود مشارالیه تلگرافی رسید که مادام شرکوف به واسطهٔ کدورتی که با شوهر خود حاصل کرده و مصراً به کار پردازخانه دخالت و التجا نموده، مراتب را به سفارت روس اطلاع بدهید و تفصیل را از پوسته نوشته ام.

بنده عین همین تلگراف مکرم السلطان را فوراً به توسط مترجم سفارت نزد مسیو زینویف سفیرکبیر روس، فرستاده گفتم که این تلگراف را ملاحظه نموده، تکلیف را معین نماید. سفیر مومی الیه به محض ورود مترجم و قبل از آنکه مترجم فرصت به اظهار مطلب نماید، گفته بود: «می دانم برای کار ارزروم آمده اید، ولی در آن باب حاجت به گفتگویی نمانده» و اسدالله خان کار پرداز، احضار طهران شده است. بعد خیلی تشدّد نموده، گفته بود که کار پرداز شما چه حق دارد زن مردم را برده نگاه دارد، مترجم هم به جوابهای لازمه اسکات نموده تلگراف را نشان داده،مسیو زینویف گفته بود که در هر صورت باید زن را تسلیم قونسولگری روس بکنند. بنده بعد از این مذاکرات به مکرم السلطان تلگراف نمودم که مادام شرکوف را تسلیم قونسولگری مومی الیها بکنید. سه چهار روز بعد، راپورتهای مکرم السلطان رسیده، معلوم شد که از طرف کار پردازی رفتار خلاف قاعده نشده و به موجب کاغذی که خود مادام شرکوف به بنده نوشته بود، خود مشارالیها با میل خود به کار پردازی التجا نموده و از رفتن به قونسول خانه روس و نزد زوج خود تحاشی دارد، تا اینکه دو سه روز بعد معلوم شد که برحسب امر وزارت جلیلهٔ

خارجه مادام شرکوف تسلیماً، به قونسول خانهٔ روس اعزام روسیه گردیده و پس از دو سه روز فاصله، تلگرافی از ارزروم از میرزا کریم خان، مأمور قارص، رسید که حسب الامر وزارت جلیلهٔ خارجه برای تحقیق مسئلهٔ مادام شرکوف به ارزروم آمده و تحقیقات نموده، اظهارات مکرم السلطان صحیح بوده، تفصیل را به وزارت جلیله اطلاع داده منتظر دستورالعمل هستم. بنده هم جواباً تلگراف کردم که هرچه از وزارت جلیله خارجه مقرر فرمایند، از آن قرار رفتار نمایید.

امروز تلگراف مجددی از مکرم السلطان رسید که حسب الاحضار وزارت جلیله خارجه، ماذوناً، عازم تهران و میرزا کریم خان را به سمت وکالت کار پردازی به حکومت معرفی نمودم، ولی قونسول روس تذکره مرا امضا نمی‌کند که از راه قارص عازم تهران باشم، اوامر لازمه در امضای تذکره من صادر و بفرستید، چون گذشته از اینکه سفارت روس در امضای تذکره مکرم السلطان مساعدت نمی‌کرد، محققاً هنگام عزیمت مکرم السلطان از روسیه، حکومت روسیه به واسطهٔ همین مسئله او را دچار زحمات و اشکالات غیرمتصوره می نمود، لهذا تلگراف کردم که البته از راه تبریز عازم مقصد باشید، البته خود مکرم السلطان تفصیل حالات را مشروحاً به عرض رسانده و از مراتب آن کاملاً استحضار دارند.

محض مزید استحضار خاطر مبارک عین تلگراف مکرم السلطان و میرزا کریم خان را لفاً ارسال داشتم، که ملاحظه فرمایند و معلوم استکه مکرم السلطان بعد از ورود به تهران، تفصیل مسئله را مشروحاً به حضور مبارک عالی عرض و خاطر انور را بیشتر مستحضر خواهد داشت. در ۲۴ شهر رمضان ۱۳۲۱ نمره ۵۳۳

[حاشیه، دستخط مظفرالدین شاه:]

وزیر،

گفتگوی این مسئله گذشته است تا مکرم السلطان وارد بشود و تحقیقات لازمه را به عمل خواهد آورد. شوال ۱۳۲۱. امضا: مظفرالدین شاه

۲۴ شهر رمضان ۱۳۲۱

نمره ۵۲۳

بعد از وصول تلگراف مبارک جناب مستطاب اجل اکرم افخم عالی در باب شکایت سفارت روس

از مکرم السلطان کارپرداز ارضروم بجهت نگاهداری مادام شرکوف زن ویس قونسول روس

در همانروز که تلگراف نوشته میخواستم تفصیل را از مکرم السلطان تحقیق نمایم از خوی راپرت تلگرافی رسید

در مادام شرکوف بواسطه کدورتی که با شوهر خود حاصل کرده بود به کارپردازخانه دولت علیه پناهنده شده بود

و اینجا نیز مراتب را بسفارت روس اطلاع دادم و تفصیلی از پوسته نوشته ام بنده

همین تلگراف مکرم السلطان را فرستادم توسط مترجم سفارت نزد مسیو ریونیف سفیر کبیر روس و تلگراف

کردم در این تلگراف را با خط خود تلگرافخانه تکلیف را بیان نمایند سفیر بروی رانده بعض وعده مترجم

وقتی از دیگر مترجم وقت با او مطالب نیاز گفته بود به انها بروی کار ارضروم آمده است و وقت

ولی در آن باب حاجت گفتگو نماند و رسمه ان کارپرداز در حفظ تلگراف ان شده

بدبختی شده و بنده گفته بود در کارپرداز تا چه حق دارد زن مردم را بجهت نگاه دارد گفته بود

مترجم ام بجوابهای ملازمه التفات نموده تلگراف رونق داده ... گفته بود

در هر صورت باید زن را تسلیم قونسولگری روس بکنند بنده بعد از این مذاکرات

بمکرم السلطان تلگراف نمودم در مادام شرکوف را تسلیم قونسولگری روس نمایید بگیرند

روز بعد راپورتهای مکرم السلطان رسید معلوم شد در ظرف کارپردازی رفتار

خلاف قاعده نشده و بموجب کاغذی که از خود مادام شرکوف به بنده نوشته بود خوش اینجا

با میهن خود یک روز داری التجا نموده و از رفتن تفلیس به روس [illegible] زوج خود کاش وارد و تا دیگر

در سه روز بعد معلوم شد در جواب امر وزارت جلیله خارجه مادام شرکوف تسلیماً تفلیس را به روس

و عازم روسیه گردیده و پس از در سه روز فاصله تلگراف نمودم از ارضروم از میرزا رضا کرمانی [illegible]

در جواب امر وزارت جلیله خارجه برای تحقیق مسئله مادام شرکوف با ارضروم آمده و تحقیقات نموده

در باب [illegible] نکرم السلطان صحیح بود تفصیلی را به وزارت جلیله اطلاع داده منتظر دستورالعمل [illegible] بوده‌ام

جواب تلگراف نکردم در هر صورت از وزارت جلیله خارجه [illegible] از آنجا رفته باشید [illegible] طهران

تلگراف جداگانه [illegible] نکرم السلطان رسید در جواب امر حضرت [illegible] وزارت جلیله خارجه [illegible]

و میرزا رضا کرمانی را بسمت وکالت کارپردازی حکومت [illegible] قزل [illegible] روس

[illegible] نمیکنم در [illegible] قارص عازم طهران باشم [illegible]

چهار دفعه [illegible] چون گذشته از آنکه سفارت روس [illegible] نکرم السلطان

[illegible] محققاً هنگام عزیمت نکرم السلطان از روسیه حکومت روسیه [illegible]

[illegible] شده [illegible] غیر [illegible] لهذا تلگراف کردم

در [illegible] از راه تبریز عازم مقصد باشید البته خود نکرم السلطان تفصیلی حالات را [illegible]

و از مراتب آن کاملاً [illegible] دارند [illegible] مبارک عالی تلگرافات

نکرم السلطان و میرزا رضا کرمانی را [illegible] ارسال داشتم [illegible] ملاحظه فرمایند و معلوم است [illegible] نکرم السلطان

[illegible] در دفعه بطهران تفصیلی [illegible] مبارک [illegible] عرض [illegible] خواهد [illegible]

شمارهٔ سند: ۱۰۰۶
موضوع: سوء رفتار شه‌بندر کرمانشاه
تاریخ: ۱۳۲۱ هـ. ق
کارتن: ۱
پرونده: ٤

نامهٔ عده‌ای از تجار و کسبهٔ کرمانشاه به وزارت خارجه

قربان حضور مبارکت شویم، هر وقت نسبت به تجار و کسبه هر بلد خوش و راحت باشد لازم است مراتب آسایش و شکرگزاری عموم کسبه را به عرض حضور معدلت دستور حضرت مستطاب اجل امجد اکرم افخم اعظم وزارت جلیلهٔ مدظله العالی برسانیم، پس از مرحوم میرزا عبدالخالق خان وزیر کارگزار همچو آسایش ندیده بودیم، در این سه ماه که جناب جلالت‌مآب فریدالملک کارگزار را که به کرمانشاهان مأمور فرموده‌اند از حسن سلوک و رفتار و مهربانی ایشان کمال رضایت را داریم که اسباب دعاگویی بقای ذات اقدس مبارک اعلی حضرت قوی‌شوکت شاهنشاهی روح العالمین فداه را فراهم آورده و به وجود مبارک حضرت مستطاب اجل افخم اعظم عالی دعاگوییم که همچو شخص کافی را مأمور فرموده‌اند که شب و روز اوقات خود را مصروف به آسودگی قاطبهٔ مردم دارد. ولی از روزی که کریم بیک باش‌شه‌بندر وارد شده آنچه مطالبات تبعهٔ عثمانی است بدون مهلت مطالبه و اخذ می نماید، هرچه طلب حقه تبعه دولت علیه است و به مهر شه‌بندر هم امضی [امضا] شده به مسامحه می‌گذراند حتی تحریک می‌کند شخص بدهکار در کارگزاری حاضر نشده رو به عربستان می رود هرگاه در این باب هم‌قسمی می‌شد که باش شهبندر همراهی و مساعدت می‌کرد اسباب ازدیاد دعاگویی برای وجود مبارک حضرت مستطاب اجل اکرم افخم اعظم مدظله العالی فراهم می شد.

[توضیح: حدود ۵۰ مهر تجار و کسبه کرمانشاهان در پشت سند موجود می باشد.]

قربان حضور مبارکت شوم — هر وقت نسبت به تجار و کسبه اهل بلد خودش دراز دستی باشد لازم است

مراتب باشی به سپاسگذاری عموم کسبه را بعرض حضور معدلت دستور حضرت مستطاب اجل امجد اکرم افخم اعظم دام اقباله العالی

ریش سفید پس از مرحوم سرکار عبدالخالق خان وزیر کارگذار هم باشی بوده مردم در این شهر از جناب جلالتمآب فخر الملک کارگزار راضی بوده

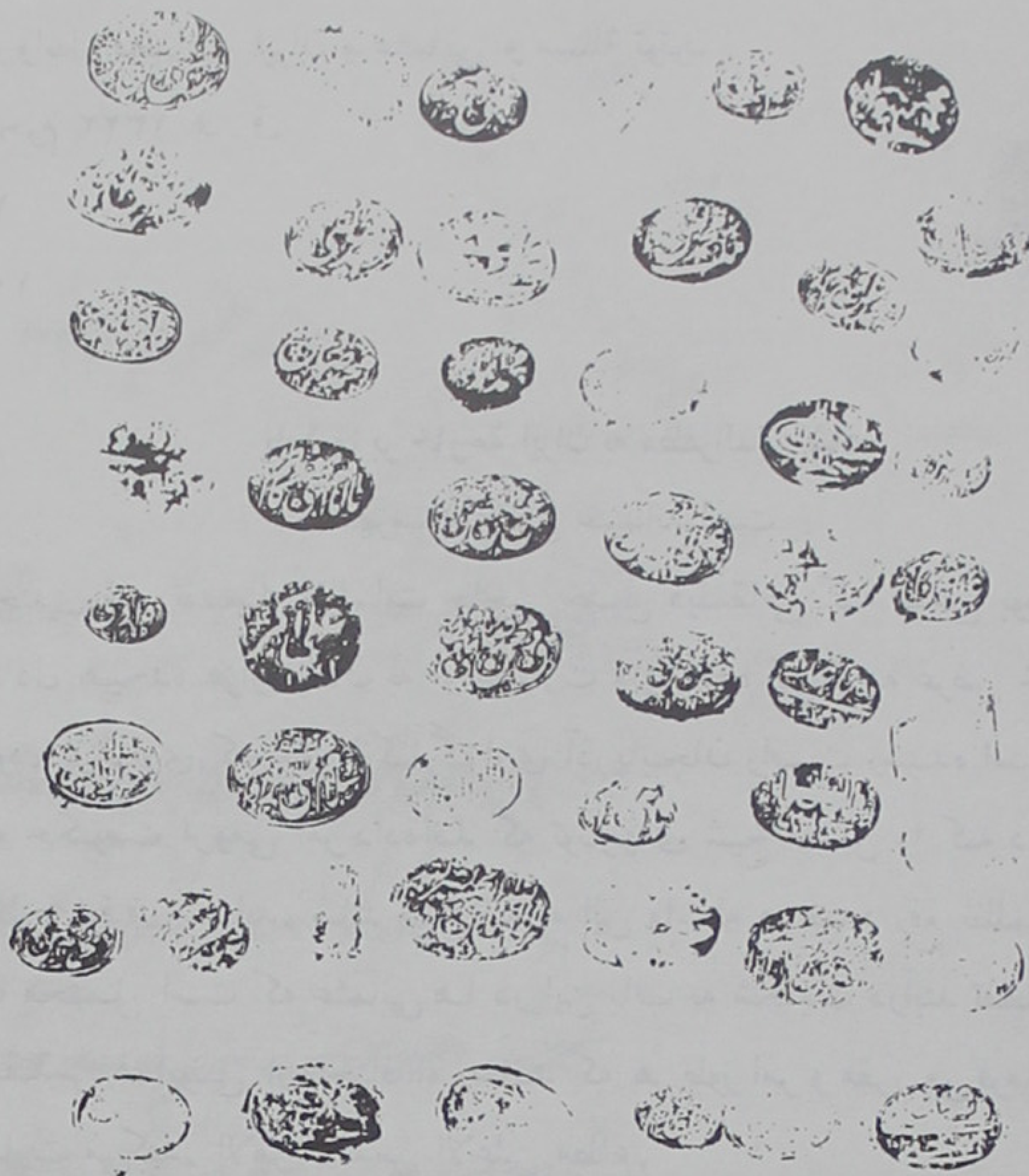
گمان ندارم که این امور در نظر ایشان از حسن سلوک در رفتار ایشان کمال رضایت را داریم مراتب دعاگوئی و تشکرات ایشان را به سمع مبارک برساند

ناشی از روح کارشناسی او در فراموش نمیشود. در وجود بزرگ حضرت مستطاب اجل افخم اعظم عالی دعاگو هستیم که بعضی کارها را در امور و در حیطه اختیار ایشان قرار دهند

مصروف آنچه که قاطبه مردم دارند و هر یک باشی نهند روا داشته آنچه مطالبات تجار مذکور است در مهلت مطالبه اهمال

از هر طرف حقه تجار در دولت علیه است و بی‌مهری نشده رسم امانی شده بمباحثه میگذرد از حق یک کسی تحریک نکند شخص در بکار در کار گذاری حاضر شود در تهران برود

هر گاه در جناب اجل اقدس همیشه در باشی نهند رسم امانی و مساعدت میکند آنچه بسیار داد و دعاگوئی را در حق وجود مقدس حضرت مستطاب اجل اکرم افخم اعظم دام اقباله العالی



شمارهٔ سند: ۱۰۰۷
موضوع: روابط اقتصادی ایران و عثمانی و مسئلهٔ توتون
تاریخ: محرم ۱۳۲۲ هـ . ق
کارتن: ۱
پرونده: ۱۰

نامهٔ وزیر خارجهٔ ایران به مظفرالدین شاه

فهرست عرض عبیدانه است

چندی قبل تفصیل تظلمات حاجی خلیل دیلمقانی که مدعی بود از طرف شیخ صدیق معادل هیجده هزار تومان به او خسارت وارد شده است به عرض خاکپای مبارک رسیده بود، از قراری که تازه ازکارگزاری آذربایجان راپرت رسیده است حضرت والا ولیعهد به حکومت ارومی امر داده‌اند که توتونهای شیخ صدیق را که در ارومی موجود است ضبط و توقیف نماید، شاید مشارالیه به این واسطه در صدد رفع تظلمات حاج خلیل برآید چون محتمل است که عثمانی ها در این باب به شکایت درآیند تفصیل را به عرض پیشگاه مقدّس همایونی ارواحنافداه رساند که هر طور امر و مقرر می فرمایند اقدام شود، زیاده جسارت می‌کند. الامر الاقدس الاعلی مطاع.

[حاشیه، دستخط مظفرالدین شاه:]

وزیر اعظم، به طوری که ولیعهد حکم کرده است صحیح است. شهر محرم ۱۳۲۲. امضا: مظفرالدین شاه

وزارت امور خارجه

اداره دائره

مورخه

نمره

فهرست عرض [illegible]

چندی قبل صورت تلگرافات حاجی ضیغم [illegible] عرض [illegible]

معاون [illegible] با وزارت خارجه وارده [illegible]

رسیده بود از قراری که تازه از کارگزاری اردکان [illegible] رسیده است

حضرت اقدس والا ولیعهد به حکومت [illegible] امر داده اند [illegible]

که درباره [illegible] وجوهات ضبط و توقیف [illegible]

در صورت رفع تلگرافات حاج ضیغم را اگر [illegible]

در باب [illegible] مقتضی را [illegible]

[illegible] هر طور امر و مقرر فرمایند اقدام [illegible]

[illegible] الامر الاقدس الاعلی مطاع

شمارهٔ سند: ۱۰۰۸
موضوع: معاملات توتون تجار ایرانی، شیخ صدیق
تاریخ: ۱۳۲۲ هـ. ق
کارتن: ۱
پرونده: $\frac{۱}{۱۰}$

از حکومت ارومی به وزارت خارجه

قربانت شوم، حاجی خلیل تاجر دیلمقانی که مدتها بود از نوچه خرید توتون می‌نمود، مدتی است که از بی‌حسابی های شیخ صدیق بالمره از پا افتاده و پریشان شده و مبالغی مقروض داخله وخارجه گردیده و خودش هم مبلغ کلی از شیخ طلبکار است و چندین مرتبه که مظلومیت او در حضور اولیای دولت ابدمدت قاهره مکشوف و معروف گردیده امر و مقرر فرموده‌اند که اموال شیخ در ارومی توقیف شده، معادل طلب حاج خلیل از اموال شیخ برداشته در عوض طلب او داده شود. حالا مدتی است که اموال شخصی و عاملین شیخ در تحت توقیف باقی است هنوز حکم مجددی صادر نشده که اقدامی در استرداد طلب ثابتهٔ مشارالیه بشود چون مدتی است که اموال شیخ در توقیف است و حاج خلیل هم بکلی از پا افتاده زیاده از این توانایی و اقتدار تحمیلات خسارتهای وارده بر خود را ندارد، مخصوصاً استدعا دارم طوری بفرمایید که معادل طلب حاج مزبور از اموال توقیف شدهٔ شیخ دریافت و به او مسترد شود. و هرگاه شیخ مجدداً حرفی داشته باشد یا وکیلش در طهران و یا خودش در اسلامبول حاضر شده با حاجی خلیل عمل خودشان را تمام نمایند. همواره منتظر خدماتم زیاده عرض ندارم.

اثر مهر نظام الدوله

ذات شریف   حاجی ضیاء تاجر تفلیسی در مدتها بود از نوچه خرید نموده

می نمود مدتی است در ازای طلب بهای شیخ صدیق بالمره از پا افتاده و پریشان

و سایلی به قرض داخله و خارجه گردیده و مخدوش هم مبلغ کلی از شیخ طلبکار است

و چندین مرتبه مظلومیت او در حضور اولیای دولت ابد مدت ثابت گردیده

و معروض گردیده امر و مقرر فرموده اند که اموال شیخ در اردوی توقیف شده

معادل طلب حاجی ضیاء از اموال شیخ برداشته در عوض طلب او داده شود

حال مدتی است که اموال شخصی و عائلی شیخ در تحت توقیف باقی است هنوز حکم

مجددی صادر نشده که اقدامی در استرداد طلب تاجر مشارالیه بشود چون مدتهاست

که اموال شیخ در توقیف است و حاجی ضیاء هم بکلی از پا افتاده به هر اندازه

توانائی و اقتدار حکومت خارجه داری وارده بر تجار را ندارد خصوصاً

استدعا دارم طوری مقرر فرمائید که معادل طلب حاجی مزبور از اموال توقیف شده

شیخ دریافت و باو مسترد شود و هر گاه شیخ مجدداً حرفی داشته باشد

[illegible] ۱۳۳۹ [illegible]



شمارهٔ سند: ۱۰۰۹
موضوع: مسئلهٔ توقیف توتونهای تجار
نمره: ۵
تاریخ: ۸ ربیع‌الاول ۱۳۲۲ هـ. ق
کارتن: ۱
پرونده: $\frac{۱}{۱۰}$

از ارومنی به طهران

تلگراف از کارگزاری ارومی به وزارت خارجه

خدمت حضرت مستطاب اجل اکرم امجد اعظم آقای مشیرالدوله دام اقباله العالی تلگراف حضرت اجل زیارت شد، ولی حاجی خلیل حرکت کرده و به طهران آمده است که حضوراً عرایض خود را بنماید. چون خیلی مظلوم شده است البته توجهات لازمه را مبذول خواهند فرمود، مقرر فرمایند وکیل شیخ نیز حاضر شود، در وصول حاجی خلیل بدون معطلی رسیدگی فرمایند و اموال نیز تا وصول مشارالیه به طهران کماکان در توقیف باشد.

نظام‌الدوله
نمره ۳۱
۱۴ ربیع‌الاول ۱۳۲۲ هـ. ق

از تبریز به طهران

تلگراف از تبریز به وزارت خارجه

جناب مستطاب اجل مشیرالدوله وزیر امور خارجه، اینکه شیخ صدیق حاضر شده که برای گفتگوی حاجی خلیل وکیلی به طهران بفرستد بسیار خوب است و من هم به حکومت ارومی تلگرافاً اطلاع داده که توتون شریف موصلی را از توقیف خارج نموده به صاحبش بسپارد. ولیعهد

نمره ۶۲
غره رجب ۱۳۲۲ هـ. ق

از تبریز به طهران

تلگراف از تبریز به طهران

جناب مستطاب اجل اکرم مشیرالدوله وزیر امور خارجه به حکومت ارومی تلگراف شد که توقیف را از توتونها بردارند.

ولیعهد

از ارومی به طهران

اداره تلگرافی دولت علیه ایران

نمره	عدد کلمات	تاریخ اصل مطلب			اطلاعات
		روز	ساعت	دقیقه	
۵	۷۵	۷			

حضرت مستطاب اجل اکرم امجد اعظم آقای مشیرالدوله دام اقباله العالی تلگراف حضرت اجل زیارت شد حاجی خلیل حرکت کرده و به طهران آمده است در حضور عرایض خود را بنماید چون خیلی متظلم شده البته توجهات لازمه را مبذول خواهند فرمود سفیر فانیه و کیفیت شیخ نیز حاضر شود در وصول حاجی خلیل بدون معطلی رسیده که قاتل را الزام نیز تا حصر شار الیه معطل در طهران مکان در توقف نباشد نظام الدوله

بواسطه تلگرافخانه	گرفته شد	گیرنده مطلب
بتاریخ ۸ شهر ربیع الثانی ساعت	دقیقه	سنه ۱۳۲۲

از تبریز به طهران ※ ادارهٔ تلگرافی دولت علیهٔ ایران ※

نمره	عدد کلمات	تاریخ اصل مطلب: روز	ساعت	دقیقه	اطلاعات
حوت ۳۱	۴۵	۱۳			

جناب مستطاب اجل اشرف امجد وزیر امور خارجه اینکه شیخ صدیق حاضر شده برای گفتگوی حاجی خلیل وکیل التجار بفرستند بسیار خوب است

و تمام امر به حکومت ارومی تلگرافاً اطلاع دادیم در تولوکان شریف بوصل و از توقیف خارج نموده تفصیل بسپارد ولیعهد

بواسطهٔ تلگرافخانه ... گیرندهٔ مطالب

بتاریخ ۱۳ شهر ... ساعت ... دقیقه ... ئیل از سنه ۱۳۲۲

از تبریز به طهران «(ادارهٔ تلگرافی دولت علیهٔ ایران)»

نمره	عدد کلمات	تاریخ اصل مطلب — روز	ساعت	دقیقه	اطلاعات
حوت ۲۶ تبریز	۲۰	۴			

جناب مستطاب اجل اکرم مشیرالدوله وزیر امور خارجه مکتوبات اردوی [illegible] در توقیف سوار [illegible] ولیعهد

بواسطهٔ تلگرافخانه	گرفته شده	گیرندهٔ مطلب
بتاریخ [illegible] شهر [illegible] ساعت	دقیقه	ئیل سنه ۱۳۲۲

شمارهٔ سند: ۱۰۱۰
موضوع: طلب حاج خلیل تاجر از شیخ صدیق
تاریخ: ۱۶ ربیع الثانی ۱۳۲۲ هـ. ق
کارتن: ۱
پرونده: ۱/۱۰

عریضهٔ اقل الحاج جان‌نثار خلیل دیلمقانی به حکومت ارومی

تصدق حضور مبارک شوم، پس از مراسم دعاگویی به عرض عریضهٔ عبیدانه مصدع اوقات مبارک می باشد از دویم شهر ربیع الاول در تبریز سرگردان منتظر حکم عادلانه و مراحم کامله هستم، تاکنون نه جواب عرایض معروضه کتباً و نه تلگرافاً این جان‌نثار را از این رهگذر آسوده فرموده‌اند- استدعای عاجزانه اینکه محض بذل الطاف کامله و مراحم شامله از این سه شق یکی را معمول و مقرر فرمایید. اولاً اینکه یک چندی راه نوچه را قدغن سخت بفرمایید تا اینکه شیخ عاجز بوده خوداش [خودش] ملتجی گردایده [گردیده] حقوق فدوی را مسترد بدارد.

ثانیاً اینکه جزیی اموالی که در توقیف باقی است آنها را حسب‌الحکم و رقم‌المبارک عجالتاً از بابت حقوق فدوی رد و مسترد بدارند. و ثالثاً بقیه حقوقم را تقریباً مبلغ سی و پنج هزار تومان نقداً به محل معتبری در ایران شیخ صدیق بسپارد هر وقت وکیل شیخ در طهران حاظر [حاضر] شد جان‌نثار هم پوستاً در طهران حاظر [حاضر] گردیده بعد از ثبوت ثلاثه حقوقم را از محل مزبور دریافت بدارم که مجدداً پنج سال دیگر دوندگی برای گرفتن حقوقم ننمایم، بعد از معمول شق ثالث در دادن کفیل به حرف بی‌قانون حاظرم [حاضرم] دیگر بسته به توجهات کاملهٔ حضرت مستطاب اجل اکرم افخم عالی روحی فدا است یک صد تومان از جناب سالار افخم و دویست و سی و چهار تومان از نواب والا امامقلی میرزا تاکنون نگرفته‌اند و به جان‌نثار مسترد نداشته‌اند. ای تصدقت شوم اینها که شیخ صدیق نیستند ملاحظه بعضی محظورات بشود استدعای عاجزانه می‌نماید به وصول عریضه دست‌خط مبارک تلگرافی از بندگان حضرت اجل اکرم اشرف عالی به عهدهٔ پیش‌کار کل تبریز و یا به خاکپای مبارک روحی فداه صادر و مرحمت شود بدون قبول عذر وجوه طلب حقهٔ جان‌نثار را گرفته مسترد بدارند تا اقلاً معونیاً چندی نموده به دعاگویی وجود مبارک اشتغال داشته و مشغول باشم.

عریضه حاجی الحاج جانثار حقیقی دلمقانی ۱۶ ربیع الاول ۱۳۲۲

تصدق حضور مبارکت گردم   پس از مراتب بندگی و اخلاص عریضه جسارت می‌ورزد که از اوایل [illegible] ۵ ماه است

شهر ربیع الاولی در تبریز سرگردان منتظر حکم عادلانه و مراحم کامله هستم تا کنون به جواب عرایض معروضه کتباً

و نه تلگرافاً این جانثار را از این رهگذر آسوده فرموده‌اند امیدواری بندگان حضرت اقدس ارفع الطاف کامله

و مراحم شامله از این سه شق یکی را معین و مقرر فرمایند استدعا اینکه یک چندی راه توجه را قدری به نجف

بفرمایند تا اینکه شیخ حاضر بشود خودش ملتجی گردیده حقوق فدوی را مسترد بدارد تا ان‌شاءالله جزئی اموالات ملکه

در توقیف باقی است آنچه را حسب الحکم در قسم مبارک حال بلکه حقوق فدوی را مسترد بدارد و ثانیاً

بقیه حقوقم را تقریباً مبلغ سی و پنج هزار تومان نقداً به یکی معتبری در ایران تا صدور [illegible] برد

هر وقت دیگری شیخ در طهران حاضر شد جانثار هم پوستاً در طهران حاضر گردیده بعد از ثبوت شرعی

حقوقم را از [illegible] در یافت بدارم که چند پنج ماه دیگر دو [illegible] که برای گرفتن حقوقم [illegible]

بعد از معین شق ثالث در دادن تفصیلی بطرف بی‌قانون حاضرم دیگر [illegible]

کامله حضرت مستطاب اجل الحاج افخم عالی روحی فداه است [illegible] از سالار افخم [illegible]

در نوبت دالدار [illegible] تا کنون نگرفته‌اند و به جانثار مسترد نداشته‌اند ای تصدقت گردم این

[illegible] بدون [illegible] [illegible]

شمارهٔ سند: ۱۰۱۱

موضوع: معاملات توتون تجار ایرانی با شیخ صدیق

تاریخ: ۲۲ شعبان ۱۳۲۲ هـ. ق

کارتن: ۱

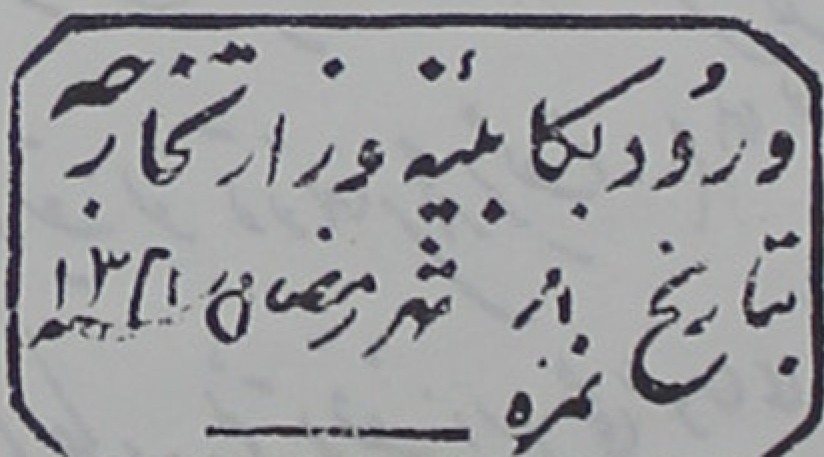
پرونده: ۱/۱۰

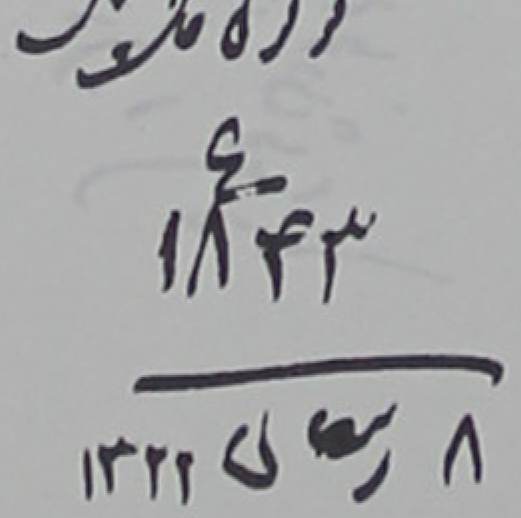
از حکومت ارومی به وزارت خارجه

قربانت شوم، مرقومهٔ مبارک مورخهٔ ششم شهر شعبان که حاکی بر سلامت مزاج مسعود حضرت مستطاب‌عالی بود، زیارت و اسباب مسرت خاطر گردید. شرحی بر طبق اظهار سفارت دولت علیه عثمانی دایر بر مسئلهٔ توتون محمدشریف موصلی مرقوم و استفسار فرموده بودند که اظهار می دارند توتونهای مشارالیه که به حکم اولیای دولت قاهر و وزارت جلیلهٔ امور خارجه به جهت طلب خیرالحاج حاجی خلیل تاجر کارگزاری توقیف کرده بود بعد برحسب حکم اولیای دولت به خود مشارالیه واگذار گردید و حُکومت دخالتی در این امر نداشته حاجی خلیل طلبی از شیخ صدیق ادعا می‌کند، دولت امر کرده بود توتونهای نوچه توقیف شود، توتونهای محمدشریف را هم همان وقت توقیف کرده بودند بعد که حکم برداشتی توقیف رسید صحیحاً و سالماً کارگزار ارومیه به خودش تحویل کرد و خسارتی وارد نیامده بود اگر خسارت وارد شده بود علت اینکه آن وقت خرابی توتونها را به مأمورین ارائه ننمود چیست و این توتونها معلوم نبود که مال محمدشریف باشد، تحقیقات به عمل نیامد که معلوم شود مال شیخ است یا مال محمدشریف، تفصیل ازاین قرار است که به عرض رساند. ایام جلالت مستدام باد.

اثر مهر نظام الدوله

[حاشیه:] توتون حاجی خلیل





۲۲ شهر شعبان
۱۳۲۲

قربانت شوم   در توقیعه مبارکه مورخه ششم شهر شعبان که حاکی بر سلامت مزاج

مسعود حضرت مستطاب عالی بود زیارت و اسباب مسرت خاطر مخلص گردید شرحی راجع

اظهار سفارت دولت علیه عثمانی دایر بر مسئله توتون شهرنیف مرقوم داشته بودید لفاً

عرض میشود که اظهار سفارت درست است توتونهای شاه رایم که حکم اولیای دولت قاهره در

جمیع امور خارجه بجهة طلب مطالبات حاجی صفی تاجر کارگذاری توقیف کرده بود

بعد برحسب حکم اولیای دولت مجدد شاه رایم واگذار کرده بود و حکومت دخالتی

در این امر نداشته حاجی صفی طلبی از شیخ صدیق العلمای کرد داشت این

که بعد توتونهای توجه توقیف شود توتونهای شهرنیف را هم ابتدا

توقیف کرده بود بعد که حکم برداشتن توقیف رسید صحیح و ...

[illegible]

شمارهٔ سند: ۱۰۶۲
موضوع: اخذ سرانه از چادرنشینان ایرانی در عراق
نمره: ۹۵۷-۲۷۴
تاریخ: ۲۷ شعبان ۱۳۲۲ هـ. ق
کارتن: ۱
پرونده: $\frac{۱}{۱۱}$

نامهٔ سفارت عثمانی به وزارت خارجه

جناب مستطاب اجل امجد ارفعا دوستان استظهارا مشفقا معظما مهربانا

در جواب مراسلهٔ محترمه مورخهٔ ۲۴ ذی‌حجه ۱۳۲۱ نمرهٔ ٤٤٤ مربوط به اخذ سرانه از چادرنشینان ایرانی در عراق عرب محترمانه زحمت‌افزا می‌شود که کیفیت را سفارت سنیه به باب‌عالی عرض و تبلیغ داشته، اینک جواب رسیده در تصدیق جواب سابق که در مراسلهٔ سفارت سنیهٔ مورخهٔ ۲۳ شهر ربیع‌الاول ۱۳۲۱ نمرهٔ ۸۹ به وزارت جلیلهٔ امور خارجه تبلیغ شده، می‌نویسد این رسم به هیچ وجه مدخلیت به بدلات عسکری ندارد و مخصوص زراع و اصناف می‌باشد و به موجب مقاوله‌نامهٔ اخیره هر چه زراع و اصناف عثمانیه می‌دهند، زراع و اصناف تبعه ایرانیه هم مکلف به تأدیهٔ آن هستند. بنابراین در این مسئله تبعهٔ ایرانیه به هیچ وجه دوچار هیچگونه تعدی و تعرض نشده‌اند. همواره احترامات فایقه را تجدید می‌نماید، زیاده چه زحمت دهم.

محل مهر شمس‌الدین بیک سفیر عثمانی

تبریز شهبندرلکی

دولت علیهٔ عثمانیه

نومرو

۹۵۷ عمومی

۲۴۴ خصوصی

۲۷ تشرین ثانی ۱۳۲۲

جناب سعادتمآب ... حضرتلرینه

درجواب مراسلهٔ محترمهٔ مورخهٔ ۲۴ ذی‌حجه ۱۳۲۱ نمرو ۴۴۴ مربوط ... ایرانیلر ...

... کیفیت ... سفارت سنیه ... عرض و تبلیغ داشته ... جواب ... رسیده ...

سفارت سنیه مورخهٔ ۲۳ ربیع الآخر ۱۳۲۱ نمرو ۸۹ وزارت جلیلهٔ امور خارجه ...

... حقیقت ... عسکری ... زراع و اصناف ...

... زراع و اصناف تبعهٔ ایرانیه ...

ایرانیه ... همراه ...

شمارهٔ سند: ۱۰۱۳

موضوع: ارسال عریضهٔ حاج خلیل

تاریخ: ۱۶ شوال ۱۳۲۲

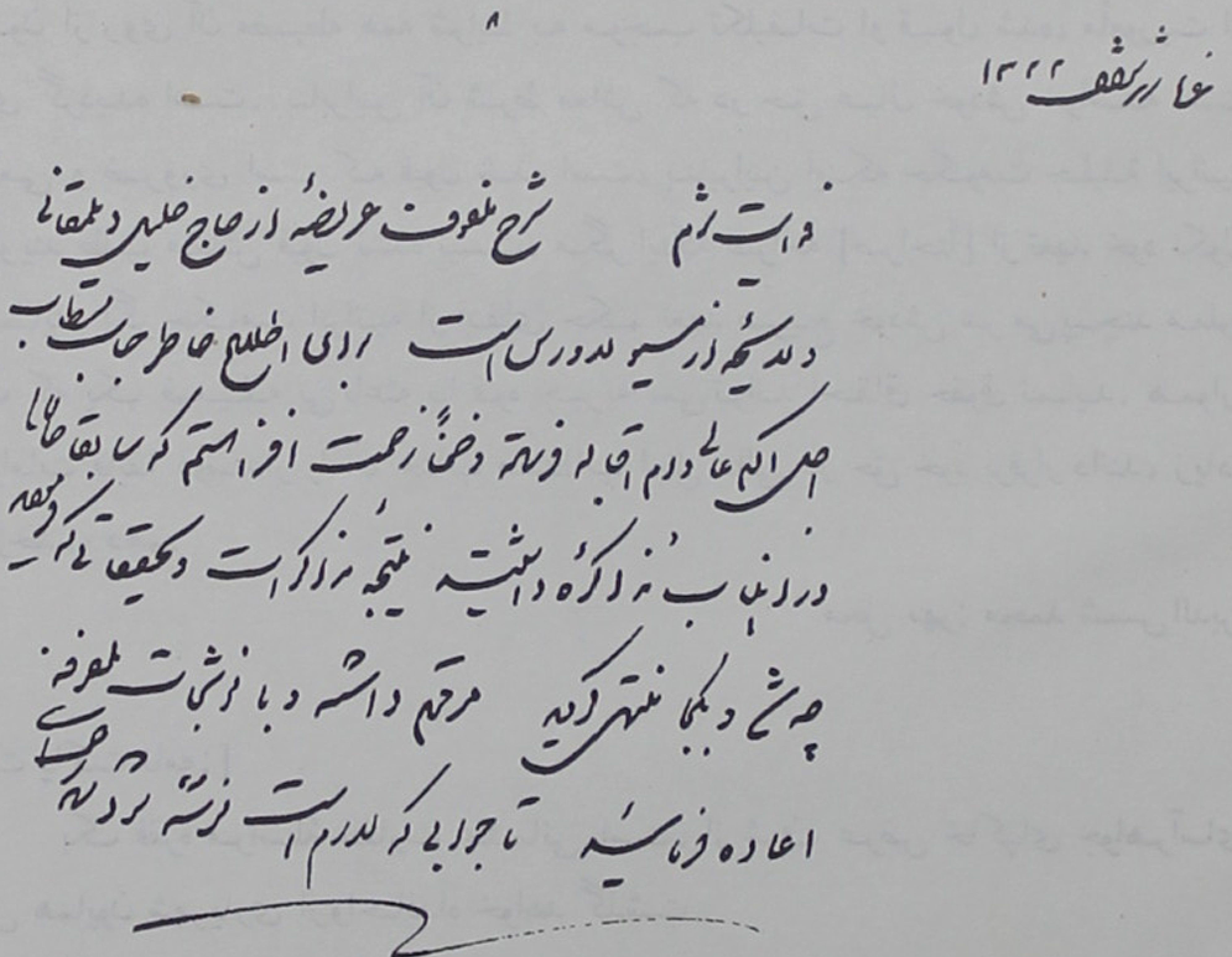
کارتن: ۱

پرونده: $\frac{۱}{۱۰}$

از حکومت ارومی به وزارت خارجه

هو

فدایت شوم، شرح ملفوف عریضه[ای] از حاج خلیل دیلمقانی و لایحه‌ای از مسیو لاورس است برای اطلاع خاطر جناب مستطاب اجل اکرم عالی دام اقباله فرستاده و ضمناً زحمت‌افزا هستم که سابقاً جناب‌عالی در این باب مذاکره داشتید، نتیجهٔ مذاکرات و تحقیقاتی که فرمودید چه شد و به کجا منتهی گردید. مرقوم داشته و با نوشتجات ملفوفه اعاده فرمایید تا جوابی که لازم است نوشته شود، زیاده زحمت است.


فدایت شوم شرح ملفوف عریضهٔ از حاج خلیل دیلمقانی و لایحه از مسیو لاورس است برای اطلاع خاطر جناب مستطاب اجل اکرم عالی دام اقباله فرستاده و ضمناً زحمت افزا هستم که سابقاً جناب عالی در این باب مذاکره داشته نتیجهٔ مذاکرات و تحقیقاتی که فرمودید چه شد و به کجا منتهی گردید مرقوم داشته و با نوشتجات ملفوفه اعاده فرمایید تا جوابی که لازم است نوشته شود زیاده زحمت است

شمارهٔ سند: ۱۰۱۴

موضوع: امور اتباع ـ حقوق عیال مرحوم دکتر رؤف بیک

نمره: $\frac{۱۲۸۹}{۳۵۸}$

تاریخ: ۲۷ ذی‌حجه ۱۳۲۲ هـ . ق

کارتن: ۱

پرونده: $\frac{۱}{۱}$

نامهٔ سفارت عثمانی در طهران به وزارت خارجه

جناب مستطاب اجل امجد ارفعا دوستان استظهارا مشفقا معظما مهربانا

در جواب مراسلهٔ محترمهٔ جوابیهٔ آن‌جناب مستطاب اجل عالی مورخهٔ ۲۱ ذی‌حجه‌الحرام ۱۳۲۲ نمرهٔ ۳۴۰ مربوط به مسئلهٔ عیال مرحوم محمد رؤف بیک دکتر دوم با احترام تمام زحمت‌افزا می‌شود که تکلیف و اظهار دکتر مشارالیه در مضبطه‌ای که در مجلس به ریاست جناب وزیر علوم و جمعی از دکترهای معروف نوشته شده مندرج است و چون از روی آن مضبطه همه شرایط به موجب تکلیفات او قبول شده، مأموریت او اجری گردیده است. بنابراین آن شرط معاش که در حق عیال خودش خواسته است طبیعی و ضروری است که قبول شده است، بنابراین اینکه حکومت جلیلهٔ ایرانیه می‌گویند طلب معاش قبول نشده نیست، مگر اینکه صراحةً [صراحتاً] از تعهد خود نکول می‌نمایند اگر حکومت ایرانیه از ایفای حکم تعهد صریح خودش سر می‌پیچند معلوم است که یک ضعیفه بی‌باعثه با قوه جبریه نمی‌تواند احقاق حقوق نماید. همواره احترامات فایقهٔ دوستدار را آن جناب مستطاب اجل عالی در حق خود برقرار دانند، زیاده چه زحمت دهم.

محل مهر: محمد شمس‌الدین

[پشت پاکت نامه:]

یک فقره مراسلهٔ سفارت عثمانی است، از شرف عرض خاکپای جواهرآسای اقدس همایون شهریاری ارواحنافداه خواهد گذشت.

شهر محرم ۱۳۲۲ نمره ۲۷

ــ جواب ندارد. امضا: مظفرالدین شاه

سفارت کبرای
دولت علیهٔ عثمانیه

نومرو
۱۲۸۹ عمومی
۳۵۸ خصوصی
۲۷ شهر ذی حجة الحرام ۱۳۲۲

جناب مستطاب اجل امجد افخم [illegible]

در جواب مراسله محترمه جناب مستطاب اجل عالی مورخه ۲۱ ذی حجة الحرام ۱۳۲۲ نمره ۳۴۰ مربوط بمسئله عیال مرحوم [illegible]

[illegible] تکلیف و اظهار [illegible] در مجلس [illegible] در مجلس [illegible] علوم و [illegible] نوشته شده [illegible]

موجب تحقیقات [illegible] مأموریت [illegible] بنا بر این [illegible]

[illegible] بنا بر این [illegible] حکومت جلیله [illegible] بدیهی است [illegible]

[illegible] تعهد صریح خود [illegible] معلوم است [illegible]

[illegible] مستطاب اجل عالی [illegible] احترامات [illegible]

۲۷ محرم ۱۳۲۴

وزارت امور خارجه

یک فقره مراسله سفارت عثمانی است

از شرف عرض خاکپای جواهرآسای اقدس همایون شهریاری ارواحنا فداه گذشت

جواب ندارد

شمارهٔ سند: ۱۰۱۵
موضوع: طلب و استمداد مادام رؤف بیک
تاریخ: ۱۱ فوریهٔ ۱۹۰۵ م (۱۳۲۳ هـ. ق)
کارتن: ۱
پرونده: $\frac{۱}{۱}$

نامهٔ مادام رؤف بیک به وزارت امور خارجه*

جناب وزیر
از حضرت مستطاب عالی مستدعی چنانم که این عریضهٔ مرا به نظر دقت بنگرند.

نه پول و نه وسیلهٔ تحصیل آن را دارم، آیا با احتیاجات یومیهٔ زندگی باید در جنگ باشم در صورتی که اشخاص متمول که تمام مکنتهای روی زمین را دارا هستند مدیون من اند، یعنی امین حضور ازخانوادهٔ بزرگ و شخص مهم سه سال است مبلغ صد و دو تومان و دو قران به من مقروض است، آیا این مسئله برای معزی الیه ننگ نیست و آیا صرف و میل پول زنی بیوه با انسانیت و شرع اسلام وفق می دهد، مگر نه چنین است که در قرآن فرموده، حامی بیوه‌زنان و ایتام باش. تصدق نمی‌طلبم، بلکه طلب خویش می خواهم و همچنین از برادر اتابیک اعظم حفظه الله تعالی قوطی سیگار نقرهٔ مینا شده که از باطوم برای شخص خود خریده‌ام یا عین آن را رد کند یا پول آنرا ایصال دارد.

حضرت مستطابا از صمیم قلب شما و پسران عزیز شما را که مردمان عادل و محبوب القلوب و محترم هستید قسم می دهم که حکم مرا بفرمایید. این پول برای من خیلی لازم است تا بتوانم یک ماه صبر کرده منتظر اتمام امور خویش شوم. خداوند بزرگ و قادر است، لکن شماها وزرای او در روی زمین باید وی را در اشاعهٔ قوانین عدالت کمک نمایید الحاصل اعتماد به حضرت مستطاب عالی داشته عرض می‌کنم خادمهٔ فدویهٔ شما هستم.

مادام رؤف بیک بیوه

* اصل نامه به زبان فرانسه ضمیمهٔ سند است.

[حاشیه:]

ــ فرمودند که یک کاغذی به امین حضور نوشته شود و مطالبه این مبلغ را بنمایند و بنویسند که سفارت عثمانی هر روزه مطالبه بنماید، کاغذی هم به جناب آقای محمدحسن خان در باب قرض او نوشته شود. یک کاغذ دیگر به جناب معاون‌الملک که بقیه طلب مادام را که تقریباً چهل تومان است بزودی عاید دارد، معاون‌الملک صد و بیست تومان مقروض بوده، هشتاد تومان داده شده و حال چهل تومان مقروض است.

سری عادی

جناب وزیر

از حضور مستطاب عالی مستدعی هستم در این عریضه مرا بنظر دقت بنگرند

[illegible] تحصیل آنرا دارم آیا با احتیاجات یومیه زندگی باید در تنگی باشم در صورتیکه اشخاص متمول

[illegible] روی زمین را دارا هستند مدیون هستند تغییر این حضور از خلیفه بزرگ و شخص [illegible] رسول الله [illegible]

صادر و در زمان و در قرآن نیز مقرر شده است آیا این مسئله بطور آیه ننگ نیست و آیا صرف و میل پادشاهی [illegible]

و شرع اسلام و حق میدهد همه جا است در قرآن درج [illegible] زنان داشته باشد

تصدق نمیطلبم بلکه طلب حق خود میخواهم و همچنین از برادر اتابک اعظم حفظه الله تعالی توجه [illegible]

نظر [illegible] از [illegible] خود میدانم [illegible] آنرا رد کنند یا [illegible] آنرا اصلاح دارد

حضور مستطاب از صمیم قلب شما و پسران عزیز شما را در مردمان عادل و محبوب القلوب و محترم هستید

قسم میدهم در حکم [illegible] این [illegible] لازم است تا بتوانم یکماه صبر کنم منتظر

اتمام امر [illegible]

خداوند بزرگ قادر است [illegible] شاه وزرای او در روی زمین باید [illegible] قرآنی [illegible]

الی حال [illegible] مستطاب عالی داشته عرض میکنم خادمه [illegible] شما هستم

مادام رئوف [illegible]

(۱۱ فوریه ۱۹۵۵)

[illegible]

Monsieur le Ministre

Je supplie Votre Excellence de prendre en considération la lettre que j'ai l'honneur de lui écrire.

Je suis à bout de ressources ! dois-je lutter avec les besoins journaliers de la vie, lorsque des gens, riches, ayant tous les biens de la terre, me doivent de l'argent ? — Ce Monsieur Emin Hangour, d'une grande famille, grand personnage me doit 1022 Krs depuis trois ans ! n'est ce pas une honte ? et maintenant que je suis veuve ne devrait-il pas songer, comme homme et comme Musulman, de garder le bien d'une veuve ! ...

ainsi il est dit dans le Koran :
Qui soutiendra la veuve et
l'orphelin — ? je ne demande
pas l'aumône ! je demande
ce qui m'est dû ! C'est aussi
le cas du frère de notre regretté
Abdulbekr Aga ! que Dieu protège.
Qu'il me rende mon bien, mon
étui à cigarettes en argent ciselé —
que j'avais acheté à Batoum pour
moi-même ! ou bien, qu'il le —
paie. — Excellence, je vous en
conjure, vous qui êtes l'homme
juste, au cœur droit, que tout
le monde aime et respecte ainsi
que vos chers fils ! faites moi
rendre justice. C'est très pressé !
Il me faut cet argent de suite —
cela peut me faire patienter encore
un mois, en attendant, Insh Allah !
l'arrangement de mes affaires !

Dieu est grand ! Mais vous,
ses ministres sur terre, devez
[illegible] à faire rendre justice
à la Serbie. —
Je compte sur Votre Excellence
et me dis
Sa très soumise —
[illegible]

11 janvier 1905

Borrower's No	Issue Date	Borrower's No.	Issue Date

دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی

وابسته به وزارت امور خارجهٔ جمهوری اسلامی ایران

تهران ــ خیابان شهید باهنر ــ خیابان شهید آقایی

صندوق پستی: ۱۷۹۳ ــ ۱۹۳۹۵

بها ۳۸۰۰ ریال